

قيام ملت افغان

۱۹۷۸ - ۱۹۸۰ م



جلداول

تالیف و ترجمہ :

احسان اللہ مایار

په پردی آسمان کښې بل شانته څلیرې
که هلال دی، که سپوږمې ده که نمدی
«عبدالرحمن پژواک»

اهداء به مادران دیروز، امروز و فردای افغان

قیام ملت افغان

۱۹۷۸ - ۱۹۸۰ ع



جلد اول

چاپ دوم

تالیف و ترجمه: انجنیر احسان الله مایار

AFGHANISTAN CENTRE AT KABUL UNIVERSITY



3 ACKU 00013123 4

مشخصات کتاب

- نام کتاب : قیام ملت افغان
نوشتهء : احسان الله مایار
تیراژ : یکهزار جلد
چاپ دوم : سال ۱۳۸۳
کمپوزر : خواجه محمد اسحق
ناشر : اداره نشراتی ترجمه و تحقیق القلم، اطاق نمبر ۴۰۶
گل حاجی پلازا، اریاب رود، پشاور
تلفون : ۵۷۰۰۱۸۴

فهرست مطالب

شماره	مطالب	صفحه
۱ -	مقدمه	الف
۲ -	فصل اول سال ۱۹۷۸	۱
۳ -	فصل دوم سال ۱۹۷۹	۱۳۲
۴ -	فصل سوم سال ۱۹۸۰	۳۰۶
۵ -	موخره	۵۰۹

بسمه تعالی

مقدمه چاپ دوم

کودتای بدفرجام هفت ثور با پیامدهای شوم آن که منتج به تهاجم ننگین اتحاد شوروی بر وطن ما گردید تجانس و تشابه نزدیک با حمله‌های چنگیزی دارد. تومچین که در پی تسخیر جهان برآمده بود، خطه‌ها و ممالک سرراهش را فتح کرده و پس از کشتار بیرحمانه، به پاکردن کله منارها، ویران نمودن شهرها و قصبات و بغارت بردن هستی مادی و معنوی مردم بیگناه، آنجا را ترک نموده به پیشروی شرمناک خود ادامه میداد. عساکر شوروی نیز مانند سپاه چنگیز باشقاوت و بیرحمی، دره‌ها، دامنه‌ها، کوهسارها، پهنه‌ها، دشت‌های سوزان، تنگنای کاریزها و حتی دل شهرها و دهات ما را با خون جوانان و پیران از جان گذشته‌ها، افغان رنگین و خونین ساختند. حکومت شوروی به مشاورین و قوماندانان روسی، و عمال ظالم و ملحد افغانی خود هدایت داده بود تا باشکنجه و آزار، با اعدام‌های انفرادی و کشتارهای دسته‌جمعی، روشن‌فکران و عوام، با تعرض به نوامیس مردم، با تحقیر فرهنگ و عنعنات شان با تمسخر به دیانت و اعتقادات شان نوای آزادی و استقلال را در گلوها خفه کنند. شوروی به حکومت دست‌نشانده‌ها پوشالی خود اطمینان برگشت ناپذیری کودتای هفت ثور را داده بود و بقای نظام ملحدی را که فقط به تأیید یک عده معدود وطن‌فروشان چپ‌گرای کمونیست رسیده بود وعده داده و

دوام آنرا تضمین کرده بود، بیخبر ازینکه سرزمین تسخیر ناشدنی افغانستان چنین ساده و آسان بیگانه را در خود نمی پذیرد، و مانند دفعات قبلی دشمن را سرافکنده و منفعل از خاک خود بیرون می راند.

مردم افغانستان که در طول تاریخ همواره آزاده و آزاد زیسته و زنجیر اسارت بیگانگان را درهم شکسته بودند اینبار نیز زبونی را تحمل نکرده با رشادت و سربازی بآن مقابله کرده از سروتن های بخون آغشته، خود لاله زارهای بسیاری بیادگار گذاشتند. این هنگامهء مرگبار مدتی دوام کرد اما خون آزادی خواهی و استقلال طلبیکه در عروق هرافغان جاری است نگذاشت که آرزوی برگشت ناپذیری هفت ثور ارباب قدرت کمونیست جامهء عمل بپوشد.

ملت افغان قیام کرد و رژیم مزدور کمونیستی را از پای درآورد.

ملت افغان با شکم گرسنه، پای برهنه اما با اعتقاد راسخ و ایمان راستین به خداوند (ج) با جانبازیهای خونین و افتخار آمیز خود عسکر تجاوزگر شوروی روسیه را از سرزمین آبائی خویش بیرون راند.

قیام ملت افغان حماسهء ملتیت که با خون و هستی خود و با ازدست دادن تمام نعمات ممکن و موجود، آزادی و آزادگی را بر بردگی و حقارت ترجیح داده از آن حراست و پاسداری می کند.

مشاهدهء اوضاع کشور و احوال مردم مرا برآن واداشت تا در پهلوی دیگر فعالیت های ملی و وطنی خود، با استفاده از نشرات موثق بین المللی که نتیجهء مشاهدات عینی و دست اول خبرنگاران خبرهء جهانی می باشد حقایق جهاد مردم افغانستان را در برابر رژیم ملحد شوروی نه تنها ارزیابی کنم بلکه وظیفهء خود دانسته تا اخبار این تجاوز و جنگ نابرابر را ازین رسانه ها و هم از چشم دید و یادداشت های خود طور منظم و به اصطلاح «کرونولوژی وار» ترجمه و ترتیب کنم، حاصل این تصمیم مجموعهء کنونیست که به شکل يك اثر چند جلدی

حاوی جریان حوادث خونین وطن و فعالیت های بیرون مرزی افغانهای مهاجر از سال ۱۹۷۸ الی اپریل ۱۹۹۲ تدوین شده و من عنوان «قیام ملت افغان» را بر آن نهاده ام.

ختم این اثر را عمداً در اپریل ۱۹۹۲ تعیین نموده ام، زیرا این روزها مصادف است به انتقال قدرت از رژیم کمونیستی کابل برمجاهدین. چون در این ایام شاهد جریانات کشور نبودم، لذا به خود صلاحیت نمیدهم در باره گزارش دهم.

درین اثر کوشش شده تا حقایق تراژدی هجوم ابرقدرت اتحادشوروی برافغانستان با واقعیت های قیام ملت افغان جمع آوری و تدوین شده، غرض آگاهی و قضاوت نسل امروز و فردای کشورم با امانت و مستند درسینهء میهن کوهستانییم نقر گردد.

چون نگارنده دانش عالی در علم تاریخ نداشته و به رموز این رشتهء مهم بسیار وارد نیست و هم ادعای تاریخ نویسی ندارد، بنابراین از خوانندگان گرامی تمنا می کند تا هر سهو و خطایی را که درین اثر مشاهده می کنند، اول از روی لطف و بزرگواری آنرا بدیدهء اغماض بنگرند، اما اگر اشتباه کلی باشد صورت صحیح آنرا با اسناد ارائه بدارند تا در چاپ های بعدی در نظر گرفته شود.

درخامه و وظیفهء خود میدانم تا بر روان پاک دوست عزیز و استاد بزرگوام مرحوم داکتر محمد یوسف صدراعظم که مشوقم در تألیف این اثر بوده و همواره آنرا به اصرار بمن تلقین می کرد دعای مغفرت کرده و از خداوند متعال روحش را شاد میخوام.

از همسرم حفیظه مایار که در دیار غربت بیشترین بار زندگانی را متقبل شده ، با تشویق و پشتی بانی ، با حمایت و گشاده روئی و با ایجاد فضای آرام در منزل که محل کارم نیز می باشد بمن موقع داد تا این اثر را به انجام رسانم.

از دوست عزیزی که اهتمام چاپ دوم کتاب را بدوش گرفته و خواست
ناشناخته بماند.

از موسسه نشراتی القلم و مدیر محترم آن آقای سلطان محمود صلاح که طبع
ونشر این تألیف را ممکن ساخته صمیمانه تشکر نموده بدینوسیله مراتب امتنان
خود را برای هریک شان میرسانم.

حاشیه: میگویند در هر «پادشاهی گردشی» کسانی به مقامی می رسند و کسانی
دیگر آواره و دریدر می شوند، چون این گفته برزندگانی من واجدادم صدق میکند،
داستان آواره شدن های مانرا که با قصه هزاران افغان دیگر شباهت بیشتر دارد
درموخره کتاب گنجانیده ام. امیدوارم مبحث دلچسپی برای خوانندگان عزیز شده
بتواند، اگر هم نشود فرق نمیکند من آنرا در دل تاریخ کشورم ثبت کردم تا آینده
گان شمهء از حقایق روزگار ما را دریابند.

احسان الله مایار

گریپ واین - تکساس

۲۰ سپتامبر ۲۰۰۴

فصل اول

سال ۱۹۷۸ عيسوی
اپریل

دیشب (۲۶-۴-۱۹۷۸) رادیو کابل در مورد بازداشت چند نفر، بعد از مراسم تدفین میراکبر خیبر (ایدولوگ حزب کمونیست، جناح پرچم)، خبری را نشر کرد. این اشخاص عبارتند از: نورمحمد، شاه ولی، ببرک، کاظم صحرایی، حفیظ الله امین و دکتر ضمیر، همچنان علاوه کرد که يك تعداد دیگر شان که مخفی شده اند مورد تعقیب جدی نیروهای امنیتی قرار دارند.

در اعلامیه علاوه گردیده که حکومت در مقابل اشخاصیکه خلاف مقررات موضوعه از آزادی ها سوء استفاده کرده و استقلال افغانستان را بمخاطره باندازند بی تفاوت نمانده بلکه ایشان را جداً تعقیب و مجازات خواهد کرد. يك سخنگوی هواپیمای هندوستان اطلاع داد که پروازهای بین دهلی و کابل برای مدت نامعلومی معطل گردیده است.

دهلی جدید ۱۷ - ۴ - ۱۹۷۸

خبرگزاری رویتر گزارش میدهد که حکومت رئیس جمهور محمد داود در کابل توسط يك کودتای نظامی از بین رفته است. آژانس خبررسانی رویتر گزارش متذکره را از خبرهای رادیو کابل نقل میکند.

همچنان ناظرین سیاسی (خارجی) به پایتخت های کشورشان اطلاع میدهند که در نقاط مهم شهر کابل زدوخوردهای شدید، چندین ساعت متمادی دوام داشته و در اثر این تصادمات خسارات مالی و جانی زیادی به طرفین درگیر وارد شده است. نظر به گفته ایشان تا هنوز هم زدو خورد های شدید در اطراف قصر ریاست جمهوری بین نیروهای گارد جمهوری، موظفین پولیس وزارت داخله و کودتاچیان بشدت دوام دارد. در راپورها علاوه شده که هویت کودتاچیان نظامی تا هنوز تشخیص نشده و در مناطقی که زدو خورد صورت گرفته اجساد کشته شدگان بهر طرف افتاده است. قرار معلوم در جریان این تصادمات توسط آتشباری توپ خسارات زیادی به سفارت فرانسه، که در جوار کاخ ریاست جمهوری قرار دارد، وارد گردیده.

آژانس خبرگزاری رویتر اضافه می کند که بتاريخ ۲۰ فروری ۱۹۷۸ رادیو کابل خبری را پخش نمود که در آن از بازداشت ۲۵ نفر مخالفین رژیم گزارش شده بود. در نظر بود تا این اشخاص که

متهم به دست داشتن در قتل علی احمد خرم که در نوامبر ۱۹۷۷ صورت گرفته بودند بزودی محاکمه شوند.

۲۸ - ۴ - ۱۹۷۸ به حواله سرویس خبرگزاری منیتور Monitor از شهر کلن آلمان غرب:

باستناد گزارشهای (راديوپاکستان، آل انديا راديو، فرانس پريس، وصدای ايران)

۲۷ - ۴ - ۱۹۷۸ ساعت ۱۵:۱۰. به وقت گرینویچ :

از رادیوی کابل اخبار ضد و نقیضی پخش میشود. چند لحظه قبل رادیوکابل اعلام کرد که رهبر شورای انقلابی اردوی افغانستان جنرال عبدالقادر دریک پیام به ملت افغانستان خطاب نمود که: « در تاریخ معاصر افغانستان دوران زمامداری حکومت نادرشاهی خاتمه یافته و شورای انقلابی به همه اخطار میدهد، هر شخصی که در برابر فیصله های شورای انقلابی اقدام به مخالفت نماید شدیداً مجازات می شود.»

منیتور علاوه میکند: چند روز قبل قرارگزارش خبرگزاری رویتراز قول رادیوکابل بعد از تدفین شخصی با اسم خیبر تعداد زیادی در کابل بازداشت شده اند. مقامات امنیتی افغانستان با جدیت کامل به تعقیب و دستگیری اشخاص دیگری میباشند که خود را مخفی نموده اند. حکومت در امور امنیتی خود حاکم بوده و اوضاع را تحت کنترل دارد. حکومت به اطلاع مردم میرساند در مقابل آنهائیکه مخالف مقررات جمهوری افغانستان فعالیت میکنند آرام ننشسته بلکه مصروف تعقیب و مجازات شان می باشد و به هیچ کس اجازه نخواهد داد که از آزادی های فردی سوءاستفاده نموده و به استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی مملکت صدمه برساند.

اسلام آباد (د پ ا dpa) ۲۸-۴-۱۹۷۸

رژیم رئیس جمهور محمد داود سقوط کرد:

راديو پاکستان خبری را نشر کرد که باساس آن دیروز نیروی نظامی افغانستان بایک کودتا رژیم رئیس جمهور داود را سرنگون کرد درین باره رادیو کابل خبری را بامتن ذیل نشر کرده است: « کمیته انقلابی به رهبری دگروال عبدالقادر قدرت مملکت را بدست گرفته وباین انقلاب بقایای رژیم مستبد نادری را از بین برده است؟»

راديو پاکستان اضافه کرد که رئیس جمهور محمد داود متعلق بهمین خانواده می باشد وی

در سال ۱۹۷۳ به نظام شاهی پسرعم و برادر خانش محمد ظاهر شاه توسط يك کودتای نظامی خاتمه داد و رژیم جمهوری را اعلام کرد.

باساس گزارشهای واصله در کودتای فعلی بین طرفداران رژیم محمد داود و کودتاچیان جنگهای شدیدی صورت گرفته است همچنان در اثر بمباردمان نیروی هوایی به کاخ ریاست جمهوری و دیگر نقاط حساس شهر کابل خسارات زیادی وارد گردیده است.

تبصره: خبرنگار (DPA د پ ا) زیر عنوان کودتای نظامی بر ضد حکومت محمد داود در کابل: حکومت رئیس جمهور محمد داود در اثر يك کودتای نظامی سرنگون گردید. احتمال می رود که این کودتا توسط صاحبمنصبان دست چپی اردو صورت گرفته باشد فعلاً قدرت در دست يك دگروال اردوی هوایی می باشد. طوریکه يك تعداد کارمندان سیاسی سفارت خانه های بعضی دیپلومات های غربی از کابل خبر میدهند در طول روز تقریباً طور مسلسل صدای بمباران طیارات قوای هوایی و شلیکهای توپ های نیروهای زرهی شنیده میشود این جنگها بیشتر در اطراف قصر ریاست جمهوری که رئیس جمهور محمد داود در آن اقامت داشت متمرکز بوده است.

محمد داود مرد ۶۷ ساله، پنج سال قبل با همکاری صاحبمنصبان اردو توسط يك کودتای نظامی بر ضد پسر عم خود و برادرز خانمش محمد ظاهر شاه، پادشاه افغانستان، بقدرت رسید و نظام شاهی را ملغی قرارداد و نظام جمهوری را اعلام کرد.

در مورد خط مش و برنامه های محمد داود در میان گروه های دست راستی نسبت معرفی يك نظام يك حزبی و رفورم اراضی انتقادات و مخالفت های زیاد وجود داشته همچنان از جانب عناصر دست چپی سیاست بیطرفی وی به باد انتقاد گرفته میشود.

محمد داود بعد از آنکه قدرت را بدست آورد بارها در باره اشخاص مخالف رژیم اشاره می کرد، و چنانچه چند روز قبل از سقوط نظامش يك توطئه کمونیست ها را کشف کرده و يك تعداد از رهبران و کارگردانان سرشناس کمونیست ها را بازداشت کرد.

۲۸-۴-۱۹۷۸ ساعت ۱۵:۵۲ به وقت گرینویچ، آژانس فرانس پرس AFP:

اسلام آباد: آژانس خبررسانی فرانس پرس موفقیت کودتای نظامی رادر افغانستان تأیید کرده علاوه کرد که در این کودتا از پنجاه عراده تانک و چند فروند طیاره میگ استفاده شده است. قرار معلوم در آغاز کودتاچیان توسط تانک اطراف کاخ ریاست جمهوری، وزارت داخله

وزارت دفاع را محاصره کرده و مامورین ملکی وزارت داخله بادهستهای بالا از دفاتر خود خارج شده تسلیم کودتاچیهها شده اند. همچنان در زد و خورد هائیکه در وزارت داخله و مقر قوای امنیتی پولیس صورت گرفته به پولیسهای قوای امنیتی که بالای بام وزارت داخله سنگر گرفته بودند و از رژیم محمد داود دفاع میکردند خسارات شدید جانی وارد شده است.

خوانندگان محترم!

لطفاً چشم دید یکی از همشهریان را در زیر مطالعه کنید:

«حوالی ساعت ده قبل از ظهر هفتم ثور در حالیکه جلسه فوق العاده اعضای کابینه تحت ریاست سردار محمد داود در ارگ دایر بود و وسایط نقلیه و خفیفه قوای چار و پانزده زره دار پل چرخي داخل جاده های عمومی و چار راهی های عمومی و چار راهی های شهر گردیده با آتشباری های پراکنده و هوایی اقدام کردند، اعضای کابینه، بخصوص وزیر داخله، چنان حدس میزد که با اساس هدایت وزیر دفاع بمنظور جلوگیری مظاهرات خیابانی محصلین پوهنتون و پولیتخنیک مبنی برگرفتاری نه نفر از رهبران خلق و پرچم و وسایط زره دار برای امنیت شهر وظیفه گرفته اند. اینها بیخبر از آن بودند که کودتاچیان با وسایل زره دار ارگ جمهوری، وزارت دفاع، وزارت داخله، وزارت مخابرات و راديو افغانستان را محاصره کرده داخل موضع شده اند.

اسلم و طنجاړ اولین گلوله توپ را آتش کرده و بالای وزارت دفاع و ارگ جمهوری پرتاب کرد که متعاقب آن دیگر وسایط نقلیه به گلوله باری آغاز کردند و بعد از گذشت لحظه ای طیارات شکاری قوای هوایی و طیارات جنگی اتحاد شوروی، در حالیکه ستاره های سرخ آن در دو جهت بیرون کابین طیاره بوضاحت دیده میشد، بمباران و آتشباری با مسلسل را از هوا آغاز کردند.»

(یاد آوری: توجه خوانندگان را درباره این مطلب بسیار مهم، بمباردمان طیارات، به صفحه ۱۱۰ کتاب «رویدادهای نیمه اخیر سده بیست در افغانستان» تالیف جنرال محمد نذیر کبیر سراج معطوف میدارم. جنرال سراج مینگارده:

«فعالیت و هدف گیری قوای هوایی فوق العاده دقیق و موفقیت آمیز بود، از همین رو بعضی ناظرین غربی که صحنه این حملات را از نزدیک دیده اند میگفتند که وسایط هوایی را پیلوتان شوروی رهبری کرده ان، اما این ظن و گمان آنها از حقیقت بدور است.»

گزارش این مطلب، یعنی بمباردمان توسط طیاره های شوروی از دید تاریخ اهمیت

زیادداشته و ابجاب میکند درباره این تضاد بیان جنرال سراج و شاهدان عینی مطالعات بیشتر صورت گیرد.

در پیشگفتار این اثر صحبت مولف و دوستش دستگیر نوری با دربور تا کسی نیز حایز اهمیت می باشد زیرا درین مکالمه از جریان بمباردمان توسط طیارات شوروی تذکر رفته است.

آل اندیا رادیو ۲۸-۴-۱۹۷۸ ساعت ۱۵:۳۰ وقت گرینویچ

گزارشهای واصله از افغانستان حاکی از آنست که در آن کشور يك کودتای نظامی صورت گرفته و از قول رادیو کابل که بساعت ۸ شام بوقت محلی انتشار یافته چنین توضیح شده که قدرت به مردم افغانستان انتقال یافته و شورای انقلابی ارتش افغانستان کنترل اوضاع را در دست گرفته است، خبر کودتا و سقوط رژیم محمد داود در بیانیه ای رادیویی جنرال عبدالقادر اعلام گردید و وی خود را بنام رهبر شورای انقلابی اردوی افغانستان معرفی کرده است.

این مطلب نیز در پروگرام دری رادیو ماسکو تقریباً با عین متن پخش شد و در این تذکر علاوه گردیده که به بقایای امپریالیزم خاندان ظالم نادرخان (خانواده پادشاه سابق محمد ظاهرشاه و محمد داود رئیس جمهور) خاتمه داده شد.

به تعقیب انتشار این خبر قیود شبگردی بعد از ساعت ۸ شب در کابل اعلان گردید.

از طرف دیگر بساعت ۱۹:۳۰ بوقت گرینویچ از طریق رادیو صدای ایران و آل اندیا به اطلاع عامه رسانیده شد که کودتای کمونیستی در افغانستان توسط نیروهای امنیتی جمهوری افغانستان سرکوب گردیده و یک تعداد افراد مسئول آن بازداشت شده و قوای امنیتی به تعقیب اشخاص مخفی شده می باشد.

نشرات رادیو کابل به ساعت ۱۹:۳۰ قطع گردید، همچنان برنامه اردوی رادیو کابل بساعت

۱۸:۳۰ از نشر بازماند.

۲۸-۴-۱۹۷۸ رادیو پاکستان ساعت ۱۷:۰۰ وقت گرینویچ :

قطعنامه شورای انقلابی اردوی افغانستان، توسط رهبر آن جنرال عبدالقادر قرائت شد و خاتمه دوران قدرت خاندان نادرشاه اعلام گردید، بقول رادیو پاکستان ساعت ۱۷:۲۱ بوقت گرینویچ :

اعضای حکومت محمد داود توسط قوای امنیتی رژیم جدید بازداشت شده اند. در این خبر درباره چگونگی و سرنوشت رئیس جمهور محمد داود تذکری نرفته اما رادیو کابل از مردم و اهالی کشور تقاضا نموده تا جهت استقرار نظام جدید با رهبران کشور همکاری کنند.

قیود شبگردی بعد از ساعت ۸.۰۰ شب به تکرار اعلان شد. سرحدات بین افغانستان و پاکستان مسدود گردیده و از نمایندگان سیاسی دول متحابه در کابل درخواست گردیده که برای اتباع افغانی ویزه خروجی صادر نکنند. قرار معلوم در این کودتا تعداد تلفات جانی بیشتر از کودتای سال ۱۹۷۳ رئیس جمهور محمد داود میباشد. در جریان کودتای محمد داود کمتر از بیست نفر بقتل رسیده بود. حینیکه جنگها در اطراف کاخ رئیس جمهور به اوج خود رسیده بود نماینده وزارت خارجه به يك تعداد اعضای کور دیپلماتیک در کابل اطمینان داد که رئیس جمهور سالم بوده و اوضاع تحت کنترل حکومت میباشد. بعضی ها عقیده دارند که رئیس جمهور محمد داود به صوب یکی از قول اردوهای عسکری طرفدار نظام جمهوری عزیمت کرده است.

۲۸-۴-۱۹۷۸ ساعت ۱۸:۳۰ وقت گرینویچ آل اندیا رادیو :
حکومت محمد داود در اثر يك کودتای نظامی از بین برده شد. قرار خبر رادیوی مذکور شورای انقلابی اردوی افغانستان اعلام کرده که در سرتاسر کشور حاکم بوده امور مملکت را تحت کنترل دارند.

۲۸-۴-۱۹۷۸ ساعت ۱۸:۳۰ رادیو ایران:
کودتای نظامی در افغانستان ناکام گردید. در تصادمات بین کودتا چیان و قوای امنیتی کمتر تلفات جانی صورت گرفته و حکومت بر اوضاع مسلط میباشد. حکومت يك تعداد زیاد کمونیست ها را بازداشت کرده است.

۲۸-۴-۱۹۷۸ ساعت ۱۸.۰۰ وقت گرینویچ رادیو پیکینگ :
رادیوی مذکور در سرویس اطلاعات خود خبری درباره رویداد حوادث در افغانستان نشر نکرد.

۲۸-۴-۱۹۷۸ ساعت ۱۹.۰۰ وقت گرینویچ رادیو مسکو:

رادیوی مذکور در پروگرام عادی خود به زبان روسی کودتای افغانستان را اعلام کرد.

۲۸-۴-۱۹۷۸ ساعت ۲۰ بوقت گرینویچ رادیو پولند:

رادیوی مذکور بزبان پولندی کودتای افغانستان را نشر کرد.

۲۸-۴-۱۹۷۸ روز نامه زود دویچه Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب :

تحت عنوان «کودتا در افغانستان» مینگارد:

افسران دست چپی اردوی افغانستان حکومت رئیس جمهور محمد داود را سقوط داده امور مملکت را بدست گرفتند. بعد از زدو خورد های شدید در پایتخت افغانستان دگروال عبدالقادر در راس يك شورای انقلابی قدرت را بدست گرفته و رژیم محمد داود را برانداخته است.

وضع در افغانستان هنوز هم روشن نیست:

روزنامه مذکور از قول خبرنگارانش از تهران و دهلی جدید علاوه میکند که: در مورد اشخاصی که امروز قدرت را بدست گرفته و تشکیل يك شورای انقلابی را اعلان کرده اند میتوان ادعا کرد که اینها مربوط به احزاب چپ گرا و یا احتمال قوی از طرفداران ماسکو میباشد. يك افسر هوایی که خود را بنام عبدالقادر معرفی کرده از طریق رادیو کابل اعلان کرد که حکومت جدید خواستار دوستی با تمام ممالک و وفادار به منشور سازمان ملل متحد بوده و وابسته بکدام قدرت خارجی نمی باشد. وی علاوه کرد که سیاست داخلی کشور به اثر هدایات شورای انقلابی و بر اساس اصول اسلامی و دیموکراسی استوار خواهد بود.

زامدار جدید کابل در پیام رادیویی خود اعلام کرد که رئیس جمهور محمد داود و برادر وی محمد نعیم در جریان جنک کشته شده اند. وی بیانیه خود را با این جملات دوام داد که: « ما میخواستیم که او زنده بماند اما وی بخواسته ما باعتناء نکرد. ما از وی تقاضا کردیم که از قصر خارج شود و بطرفداران خود امر کند که سلاح خود را بزمین بگذارند. وی این تقاضای ما را نیز رد کرد. ما مجبور بودیم که قصر او را زیر آتش بگیریم در این جریان خودش و برادرش کشته شدند».

رهبر شورای انقلابی که تقریباً چهل سال عمر دارد و یکی از افسران قوای هوایی میباشد در سال ۱۹۷۳ با محمد داود در کودتای آنوقت شریک بود. در آن زمان محمد داود او را از آمریت بدون صلاحیت يك شعبه به حیث قوماندان قوای هوایی کشور مقرر کرد لیکن بعد از يك سال او را از وظیفه برکنار کرد.

قرار راپور واصله از سفارت آلمان غرب در کابل سه نفرا تباع آلمانی در زردخورد های اخیر جراحات خفیف برداشته اند .

مبصر سیاسی روز نامه دز مورد چگونگی کودتای اخیر در افغانستان چنین مینگارده:

نفوذ ماسکو در منطقه :

بعد از کودتای خونین در افغانستان و سرنگونی رئیس جمهور محمد داود به روز جمعه شورای انقلابی تحت ریاست یکنفر گم نام، به اسم عبدالقادر تشکیل گردید. بنا بر نرسیدن اخبار از منطقه و از کشوریکه کوه های هندوکش آنرا احاطه کرده به مشکل می توان معلومات موثق بدست آورد. با وجود اینکه رادیو کابل مکرر خبری را پخش میکند که کنترل اوضاع بدست مردم بوده و قدرت امروز تنها به مردم افغانستان تعلق دارد با آنهم مشکل است همه گفتار شانرا قبول کرد. صرف گفته میتوانیم که با از بین رفتن رئیس دولت و حکومت محمد داود ۶۷ ساله، که خودش پنج سال قبل توسط يك کودتای سفید برضد محمد ظاهر شاه به قدرت رسید، نظام سلطنت و جمهوریت خاندان نادر شاه برای همیشه از بین رفت.

خط السیر رویداد :

چنان می نماید که در این کودتا جنگهای شدیدی بین قوای عسکری کودتاچیان و طرفداران محمد داود روی جاده ها و در نقاط مهم شهر ساعت های متمادی دوام کرده و يك نوع سردرگمی بر اوضاع حاکم بوده تاجائیکه بیشتر ایشان اصلاً تشخیص کرده نمی توانستند و نمیدانستند که در مقابل کدام دشمن میجنگند.

در راپور های واصله از دیپلماتهای خارجی در کابل به اسلام آباد و دهلی جدید چنین تذکر رفته که يك تعداد زیاد طرفداران کودتا و همچنان از مدافعین رژیم محمد داود به شمول يك تعداد اهالی کابل بقتل رسیده اند و در اثر بمباران قوای هوایی به کاخ ریاست جمهوری

وسفارت فرانسه، که درجوار باغ ریاست جمهوری قرارداد، خسارات زیادی وارد گردیده است.

از رادیو کابل که درتصرف کودتاچیان قرار دارد پیهم ابلاغیه های مختلف المتن پخش میشود که دزآن اهالی را به آرامی دعوت میکند و همین گونه کشته شدن محمد داود و خاندانش را به اطلاع عامه میرساند.

همچنان قانون اساسی جمهوری افغانستان ملغی قرار داده شده و به نمایندگان کشورهای خارجی در افغانستان اطمینان داده شده که خطری متوجه حال شان نمیباشد.

در آغاز کودتا سرحدات افغانستان بین ایران و پاکستان مسدود گردیده و به نمایندگی های سیاسی افغانستان درخارج دستور داده شده که به مراجعین از دادن ویزه دخولی به افغانستان خود داری کنند.

در اعلامیه ها مخصوصاً از عساکر افغانی تقاضا گردیده تا از نظام جدید حمایت کرده و همکاری خود را اعلام نمایند.

شورای انقلابی در نخستین جلسه وفاداری خود را به اسلام و منشور ملل متحد اعلام نمود. چنین معلوم میشود که در خلال روز جمعه رژیم محمد داود توسط همان اشخاص طرفدار ماسکو، که در نیروهای هوایی و زمینی موظف بودند و با او کودتای سال ۱۹۷۳ را براه انداخته بودند، سرنگون شده است. کودتای سال ۱۹۷۳ از طرف نظامیانی که در اتحاد شوروی تربیه شده بودند، علیه محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان، برنامه ریزی و عملی گردیده بود. چون در آن وقت کودتاچیان چپگرا در بین مردم شهرت نداشتند لذا از اسم و شهرت محمد داود صدراعظم سابق افغانستان و پسر عم پادشاه استفاده کرده و او را به حیث رئیس جمهور تعیین کردند. اما کودتاچیان طرفدار ماسکو نمی دانستند که حساب مصرف را بدون اجازه مهماندار کرده بودند. زیرا محمد داود با آنکه آرزوی ترقی و سعادت کشور عقب مانده افغانستان را در سر می پرورانید و به نظام جمهوریت و متمدنی بودن آن عقیده داشت لیکن به همکاریانش اجازه نمی داد که با وی ورق بازی کنند، بلکه آنها را آهسته آهسته از کرسی های شان دور میکرد.

با در نظر داشت این واقعیت که نیروی نظامی افغانستان تقریباً به صورت کل بدست روسها بوده و همسایه افغانستان که در شمال رود آمو قرارداد قدرت آنرا در خود می دید

که قوای نظامی افغانستان را فلج سازد با وجود این مشکل محمد داود سعی میکرد تا به تدریج از روسها فاصله بگیرد.

محمد داود، یکی از بنیانگذاران نهضت کشورهای غیرمنسلک، از افغانستان مستقل در این چوکات بشدت دفاع میکرد. محمد داود در نظر داشت تا در ماه می همین سال (۱۹۷۸) کنفرانس سران کشورهای غیرمنسلک را در کابل برگزار کند. محمد داود جهت تحقق هم آهنگی بین اشتراک کنندگان این کنفرانس وزیر خارجه خود (وحید عبدالله) را به دهلی فرستاد تا مقامات هندی را متقاعد گرداند که از شرکت کیوبا در این کنفرانس جلوگیری نماید. زیرا بعقیده وی کشور کیوبا که در امور داخلی بعضی ممالک افریقایی مداخله میکند، حق ندارد در زمره ممالک بیطرف و غیرمنسلک شامل کانفرانس باشد. این نظریه نه تنها باعث رنجش و عصبانیت اتحاد شوروی شد بلکه قدرتهای چپی را در افغانستان نیز به فعالیتهایی تخریبی برضد وی بیشتر ترغیب نمود.

عدم هماهنگی در خط مش حکومت محمد داود:

افسران چپگرای رادیکال نظامی به زودی دریافتند که محمد داود توقعات شانرا برآورده نتوانسته بلکه سیاست داخلی وی زیاده تر متمایل و به روش اسلامی بوده است، مانند (سفر اخیر محمد داود به عربستان سعودی) از جهش انقلابیکه آنها از محمد داود انتظار داشتند درین دوره از زمامداری محمد داود صورت نگرفت. محمد داود برخلاف عقیده همکاران چپگرایش از یک حرکت ملایم جانبداری میکرد و مخالف به آرزوی آنها در ماه فروری قانون اساسی جدید مملکت را در لویه جرگه عنعنوی مملکت عنوان تصویب و عملی نمود.

محمد داود در نظر داشت تا در سال آینده، بدون اجازه دادن بگروه های طرفدار روسیه و چین، انتخابات صورت بگیرد و تنها به (حزب انقلاب ملی) که از طرف خود محمد داود بنیانگذاری شده بود حق داده شود تا در این انتخابات سهم بگیرد و بس.

در برابر این حرکات و نظریات محمد داود، طرفداران روسیه روز بروز در تخریبات و فعالیتهای خود برضد وی جدی تر و جری ترمی شدند.

چند روز قبل یکی از سرشناسان کمونیست حزب پرچم بنام میراکبر خیبر توسط شخص نامعلومی بقتل رسید و در مراسم تدفین وی تعداد زیادی شرکت کرده و در بیانات خود بر رژیم موجوده تاخت و تاز کردند. محمد داود که در برابر عملیات تخریبکارانه این عناصر قرار

گرفته بود امر کرد تا مقامات امنیتی اقدام بر گرفتاری کدر رهبری کمونستها نماید. بیخبر از این که خود وی بدست ایشان از بین خواهد رفت.

(لست اشخاصیکه در داخل قصر با سردار محمد داود بقتل رسیده اند):

- ۱- سردار محمد داود رئیس جمهور
- ۲- سردار محمد نعیم برادر رئیس جمهور
- ۳- شاهدخت زینب، خانم رئیس جمهور
- ۴- شاهدخت بلقیس خانم تیمور شاه آصفی
- ۵- محمد عمر پسر رئیس جمهور
- ۶- ویس پسر رئیس جمهور
- ۷- خالد پسر رئیس جمهور
- ۸- شینکی دختر رئیس جمهور
- ۹- زرلشت دختر رئیس جمهور
- ۱۰- شیما خانم ویس، عروس رئیس جمهور
- ۱۱- هیله دختر محمد عمر
- ۱۲- غزال دختر محمد عمر
- ۱۳- حارس پسر ویس
- ۱۴- وایگل پسر ویس
- ۱۵- زرمینه خانم عبدالعظیم غازی
- ۱۶- صفورا دختر عبدالعظیم غازی
- ۱۷- عایشه همشیره رئیس جمهور
- ۱۸- نظام الدین غازی
- ۱۹- سید عبدالاله معاون رئیس جمهور
- ۲۰- عبدالقدیر نورستانی وزیر داخله.

(منبع این لست صفحات ۱۱۴ و ۱۱۵) رویداد های نیمه اخیر سده بیست در افغانستان

«تالیف دگر جنرال سراج» لطفاً پاورقی ختم سال را مطالعه فرمائید.

۲۸-۴-۱۹۷۸ دهلی اسوسیدپریس AP:

باساس نشراین خبراز رادیو کابل رئیس جمهور افغانستان محمد داود و برادرش محمد نعیم در جریان زدوخورد های شدید بقتل رسیده اند. وضع درمملکت رویه عادی شدن است. اما بنا بر راپورهای واصله از منابع دیپلماتیک در روز جمعه هنوز هم جنگهای شدیدی در اطراف و نواحی شهر کابل دوام داشت. طیارات بمب افکن بالای وزارت عدلیه و قوماندانی قوای مرکز بمباری نموده و فضای شهر را دود سیاه دربرگرفته است بر جاده های شهر نعلش تقریباً دو صد نفر دیده می شود.

۲۸-۴-۱۹۷۸ اسلام آباد رادیو پاکستان :

ضمن جنگهای شدید دیروزی صدمات زیادی به سفارت فرانسه در کابل وارد شده است. سفارت مذکور که در جوار باغ ریاست جمهوری قرار دارد و پناهگاه بعضی از اعضای خانواده رئیس جمهور گردیده بود. قرار اطلاع واصله قصر ریاست جمهوری توسط بمباردمان طیارات شوروی طعمه حریق شده و عمارات مهم آن از بین رفته است.

۲۸-۴-۱۹۷۸ روزنامه زود دویچه Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب :

درباره شخصیت محمد داود تبصره ای دارد:

رئیس جمهور سردار محمد داود، از شهزاده سرخ تا زمامدار اوتوکرات :

محمد داود بحیث یک سردار (بزرگ قوم) در ماه جولایی ۱۹۷۳ با کودتای تقریباً بدون خونریزی، در برابر پسر عم و برادر همسرش محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان، قدرت را بدست آورد و نظام جمهوری را اعلام کرد. در این کودتا افسران اردوی افغانستان که متمایل به کمونیزم و از طرفداران اتحاد شوروی بودند، سهم داشتند.

در آغاز نظام جمهوری محمد داود خوشبینی هایی در بین اهالی این کشور کوچک و نادار آسیایی محاط به خشکه تولید گردیده، در نزد مردم امیدواریهایی برای یک آینده بهتر خلق گردید.

محمد داود که در سالهای ۱۹۶۰ بحیث صدراعظم ایفای وظیفه میکرد در محافل سیاسی به وی لقب (شهزاده سرخ) را داده بودند.

بعد از اعلان نظام جمهوری محمد داود اقدام به ملی ساختن بانکها و مؤسسات بیمه

و همچنان آوردن رفورم اراضی نمود. و چنین تصور میشد که پروگرامهای دولت و حکومت در مسیر درستی قرار دارد با وجودیکه مردم از پروگرامهای اصلاحی وی طرفداری میکردند لیکن به زودی در میان بعضی حلقات ناآرامیها و نارضایتیها خلق گردید.

محمد داود که تقریباً هفتاد سال عمر داشت خودش از سران قوم پشتون بود. وی کشور دارای پانزده میلیون نفوس افغانستان را به حیث زمامدار اوتوکرات با شدت عمل بیشتر از زمان نظام شاهی اداره میکرد. لیکن وعده های وی، به شمول آوردن دیموکراسی و بیطرفی کامل در مملکت، در افق ناپدید شد و هم آوردن يك جهش اقتصادی در کشور منجر به ناکامی گردید.

لویه جرگه را در مقابل پارلمان ترجیح میداد :

مرد سرطاس با زیرکی مخصوصی موقف شخصی خود را استحکام بخشید. او توانست از صلاحیت افسران کمونیست همکار خود که او را بقدرت رسانیده بودند بتدریج بکاهد و آنها را از وظایف عمده شان برکنار کند و هم طرفداران شناخته شده ماسکورا از کرسیهای حساس به مغاصب عادی و غیر مهم تبدیل نماید.

برنامه ها و اقدامات رئیس جمهور محمد داود در بین گروه های کوچک مذهبی ناآرامی ها خلق کرد ولی این گروه ها به سرعت سرکوب شدند اما مخالفین رژیم باقتل علی احمد خرم وزیر پلان در ملای عام، قدرت خود را بوضاحت بوی نشان دادند.

از طرف دیگر احزاب دست چپی آرام ننشسته برای تخریب و از بین بردن نظام فعال بودند و این گروه در سال ۱۹۷۶ پلان سرنگونی رژیم جمهوری محمد داود را طرح کرده ولی قبل از آنکه عملی گردد افشاء شده و در بطن خنثی گردید.

در یکی از بیانات خود محمد داود وعده داد تا شورای ملی افغانستان را که در سال ۱۹۷۳ بعد از کودتای موفقانه وی علیه محمد ظاهر شاه منحل گردیده بود در سال آینده ۱۹۷۹ مجدداً افتتاح نماید.

قبل از افتتاح شورای ملی، وی لویه جرگه عنعنوی افغانستان را در کابل برگزار کرد و قانون اساسی نظام جمهوری مملکت را توسط این جرگه ملی به تصویب رسانید.

سرنوشت پشتونستان :

باوجود اینکه کودتاچیان نظامی همکار محمد داود سیاست بیطرفی و عدم انسلاک وی را به شدت رد میکردند لیکن محمد داود در دعوت مورارجی دیسای صدراعظم هند با صراحت تام پیوند خود را با این جنبش تأکید نمود. قضیه پشتونستان و بلوچستان و اعطای حق خود ارادیت به این مناطق تحت اشغال چون گذشته همچنان جای خود را در سیاست خارجی وی حفظ کرد.

۲۸-۴-۱۹۷۸ روزنامه زود دوپچه Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب :

مشاوران نظامی و اعمار معبری بالای دریای آمو:

علائق ماسکو به افغانستان سابقه طولانی دارد. با در نظر داشت سیاست توسعه طلبی تزارهای روسی در قرن گذشته تعیین خط مرزی امروزی تنها به خاطر موجودیت قدرت امپریالیزم انگلیس در جنوب نیم قاره بوده و گرنه سرحدات روسیه از حدود امروزی آن به طرف جنوب پیش رفته و با امروز متفاوت میبود.

از جمله ۱۶-۱۸ میلیون نفوس افغانستان چیزی کمتر از نصف آن مربوط به اقوام تاجیک، ازبک و با ترکمن میباشد. اینها دارای فرهنگ، زبان و تاریخ مشترک با مردمانی دارند که در جنوب روسیه در جمهوریتهای ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان، که حدود صد سال قبل جبراً تحت تسلط روسیه تزاری درآمده اند، زندگی میکنند.

امروز اتحاد شوروی بیست درصد اموال وارداتی ضرورت افغانستان را تهیه میکند که در بین این اموال مواد مهم و حیاتی مانند نفت، روغنیات، گندم و شکر نیز شامل می باشد. قیمت این اشخاص از طرف اتحاد شوروی کمک هزینه (سبسیدی) می شود، از اینرو قیمت این اجناس از نرخ بین المللی نازلتر میباشد. اتحاد شوروی می خواهد که با این طرز قیمت گذاری تصنعی مارکیت افغانستان را در انحصار خود داشته باشد. در مقابل این دادوستد روسیه شوروی سی درصد از سرجمع اموال صادراتی افغانستان، بشمول کلیه تولیدات گاز این کشور را بروسیه وارد می کند، نرخ این اموال نیز بمراتب پایانتراز نرخ بین المللی تثبیت گردیده و اتحاد شوروی در مارکیتهای اروپایی اموال وارداتی افغانستان را به نرخ بلند و به دالر قوی آزاد بفروش میرساند که با این عمل ضرری را که در فروش اموال صادراتی

خود در افغانستان متقبل میگردد، دو باره بطور غیر مستقیم جبران می کند.

روسها کار ساختمان پلی را بالای دریای آمو (اکسوس) آغاز کرده و مهندسان شوروی در حدود ده سال قبل کار ساختمان یکی از مهمترین شاهراه های آسیایی را در منطقه ای که از ارتفاعات ۳۵۰۰ متری کوه هندوکش میگردد، به پایه اکمال رسانید. این شاهراه از نقطه نظر استراتژیکی نظامی مهمترین رابطه روسها با شبه قاره هند میباشد.

از طرف دیگر متخصصین شوروی از سالهای ۱۹۵۰ به بعد در وزارت پلان افغانستان بصورت مداوم در پلانگذارهای پنج ساله گذشته و پلان هفت ساله امروزی افغانستان شرکت داشت و دارند و فعلاً در وزارت معادن و صنایع افغانستان تقریباً یکصد و پنجاه نفر متخصصین روسی به حیث مشاورین تخنیک و اداری اجرای وظیفه مینمایند. روسها با اعطای بورسهای تعلیمی و ساختمان پولیتخنیک در کابل جهت تربیت محصلان افغانی منبع موثر قوای بشری را برای تزریق مفکوره اقتصاد رهبری شده و اندیشه های مارکسیستی در اختیار دارند. تعدادی از این جوانان هوا خواهان شوروی میباشند ولی با این هم مجموع طرفداران شوروی بیش از چند هزار نفر تجاوز نمی کند.

از طرف دیگر بیشتر از بیست سال باینطرف اردوی افغانستان توسط مشاورین روسی با سلاحهای ساخت شوروی تربیت میشوند و با این ارتباط نزدیک در نفس و متن اردو می توان به سادگی دست روسها را در کودتاهای نظامی در افغانستان سهیم و دخیل دانست.

رئیس جمهور محمد داود را که در آغاز کودتای ۱۹۷۳ آله دست روس میدانستند، در مدت کار خود مخالف این اتهام اجراءات میکرد، وی به تدریج تعداد مشاورین روسی را از یکهزار نفر به دوصد نفر تقلیل بخشید و هم تعداد بیشتر افسران نظامی افغانستان را برای تحصیلات عالی نظامی به عوض شوروی به هندوستان فرستاد.

مفسرین سیاسی و اقتصادی را عقیده بر آن بود که زمینه کودتا و از میان برداشتن نظامی که تازه به رشد اقتصاد کشور گام برداشته بود، در کشور محاط به خشکه ای مانند افغانستان، به حد کافی مساعد بود. قرار آمار دست داشته عاید ملی مردم افغان فی نفر در سال از ۱۸۰ مارک آلمانی تجاوز نمیکند که با در نظر داشت این وضع مالی مردم، افغانستان را میتوان از جمله نادارترین کشورهای جهان شمرد.

در افغانستان حدود پانزده درصد نفوس بالاتراز عمرشش سالگی باسواد هستند و در

روستاها، قریه های کوهستانی که دولت کنترل کافی بر آن منطقه ندارد، سیاست و تجارت آن مناطق توسط خان و ملک منطقه اداره میشود.

از طرف دیگر دستگاه بی کفایت دولت برای محمد داود امکانات آنرا میسر نساخت تا آرزو های را که او برای ترقی و انکشاف مملکت در سر داشت، جامه عمل بپوشاند.

همچنان بایست یاددهانی کرد که در دوران زمامداری محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان که یک نوع تحرك و جهش اقتصادی شکل گرفته و از ناحیه تجارت آزاد و ساختمان های بنیادی در مملکت پیشرفت نسبی، ولو ناچیز، بنظر میخورد، اما با سرنگونی نظام شاهی و بوجود آمدن نظام جمهوری توسط محمد داود همه آنها از هم پاشیده و قسماً از بین رفت. در زمان سلطنت محمد ظاهر شاه در ادارات کشور اکثریت پست های حساس به طبقه تحصیل یافته و روشنفکر افغان سپرده شده بود لیکن با آمدن نظام جمهوری در کشور، کرسی های قشر روشنفکران توسط یک عده از افراد بد بین، بی اعتماد و در عین حال بی کفایت اشغال گردید.

۲۸-۴-۱۹۷۸ روزنامه زود دوپچه Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب :

در کابل شورشهای قوای نظامی دو باره آغاز گردید:

باساس گزارش يك آژانس خبررسانی در کودتای اخیر افغانستان کودتاچیان، صرف پنجاه عراده تانک و چند عراده محدود وسایط زره دار بدسترس خود داشتند.

اردوی افغانستان مجموعاً دارای ۲۵۰ عراده تانک ت (T54) ۵۴ و ۲۰۰ عراده تانک نوع ت (T34) ۳۴، که قابلیت محدود جنگی را دارند، میباشد. این تانکها در طول سالهای گذشته از اتحاد شوروی خریداری شده است.

کودتای اخیر افغانستان باید توسط چند نفر محدود از چپگرا های سرسپرده شوروی صورت گرفته باشد و این اشخاص میدانستند که بعد از کودتای ۱۹۷۳ که سردار محمد داود خان در قصر شاهی زندگی میکند، با وجود وعده برقراری سیستم پارلمانی و حکومت قانونی در کشور، تمام قدرت را بدست خود متمرکز گردانیده است.

بهر صورت امروز ما شاهد آنیم که بایک حمله و ضربه کاری قدرت حاکم در افغانستان از يك دست بدست دیگر انتقال یافته و تاریخ این کشور کوهستانی شهادت میدهد که

در گذشته ها نیز انتقال قدرت از يك خاندان به خاندان ديگر تنها توسط شليك تفنگ صورت گرفته است.

از اينكه پلان کودتای سال ۱۹۷۸ چگونه طرح ریزی و عملی گردیده بتواند، طراحان آن پنج سال قبل با انجام يك کودتای مشابه با شرکت محمد داود عملاً تجربه داشتند و هم موفق گردیده بودند. در آن وقت محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان جهت معالجه صحتی در جزیره ایشیا (Ischia)، ایتالیا استراحت میکرد و از طریق آژانسهای خبررسانی جهان اطلاع حاصل کرد که دوران پادشاهی وی در افغانستان خاتمه پیدا کرده است.

شخصیکه نظام شاهی را در افغانستان از بین برد و با اعلان نظام جمهوری خودش قدرت را بدست گرفت باید به روز پنجمشبه گذشته تعجب کرده باشد که دوران قدرت وی نیز خاتمه یافته و لحظه بعد باید زندگی خود را قربان آرزوهای خود کند. در افغانستان امروزی تعداد علاقمندانی که آرزوی گرفتن قدرت را در این کشور بام دنیا دارند کم نیستند.

افغانستان کشوری که طبق آمار رسمی دولتی دارای ۱۸ میلیون نفوس می باشد، لیکن در واقع تعداد آن بین ۱۲ و ۱۵ میلیون میباشد بین سه کشور پرنفوس جهان (چین، اتحاد شوروی و شبه قاره هند) موقعیت داشته و با ایران هم سرحد میباشد.

در گیر و دار این مقطع زمانی، شاه ایران با وجود خیالات بلند پرورانه و در اختیار داشتن سازمان نیرومند جاسوسی، از همسایگان خود درهراس میباشد. به همین دلیل سیاست خود را با ایالات متحده امریکا نزدیک گردانیده سعی میکند که پشتیبانی بیشتر امریکارا داشته باشد و هنری کسینجر وزیر خارجه امریکا که همواره بین قاره ها در پرواز است، باری از افغانستان نیز بازدید کرده، درباره اوضاع منطقه معلومات کافی دارد.

بسیار ضرور نیست که يك ابر قدرت عملاً با قوای نظامی خویش بريك مملکت کوچک تجاوز کند بلکه برای رسیدن به مقاصدش با ایجاد ناآرامی های داخلی میتواند چنان آتشی را دامن زند که حاصل آن بنفع شان انجام یابد.

سردار محمد داود در سال ۱۹۷۵ پلان اصلاحات اراضی را رویدست گرفت و این تصمیم وی باعث ناآرامی در بین طبقات مختلف مردم گردید. محمد داود در پلان اصلاحاتی خویش زمین های زراعتی را به سه درجه تقسیم بندی کرده بود:

- زمین آبی دوفصله

- زمین آبی مساعد برای کشت گندم و

- زمین للمی

هر خانواده زمیندار میتواندست که حد اکثر ۲۰ هکتار (یک هکتار = پنج جریب) از زمین درجه اول و یا ۴۰ هکتار از زمین درجه دوم و یا ۶۰ هکتار از زمین درجه سوم ملکیت خود را به تصرف خود داشته باشد و مازاد آنرا مجبور بود به قیمت معین (نظریه فشار دولت) به مردم فاقد زمین (۸۰٪ دهاقین) بفروشد. این پلان کاملاً غیر عملی بود، زیرا عاید ماهوار هر نفر در افغانستان بصورت وسطی از ۲۰ مارک آلمانی (معادل چهارصد افغانی) تجاوز نمیکند و با این عاید کسی قدرت آنرا درخود نمی دید تا به خریدن و تصاحب زمین مازاد مالکین سابقه اقدام کند و احياناً اگر به خرید و تصاحب زمین اقدام میکرد، مجبور بود تا حاصلات چندین ساله زمین خریداری شده را دریدل قرضه و ریح پول قیمت زمین بپردازد.

زمین قابل زرع و تحت آب از سالهای متمادی به اینطرف در بین پلوان شریکان تقسیم بندی شده و زمین مازادیکه بعد از تطبیق ریفورم اراضی باقی میماند بیشتر زمین للمی و یاخاره بود که حاصل آن کفایت مصرف یک خانواده را کرده نمیتوانست. باوجود تمام این نواقص پلان اصلاحات زمین محمد داود برای ملاکین قابل پذیرش نبوده و در برابر آن نارضایتهایی از خود نشان میدادند.

همچنان گروه های مختلف که در پرنسیپ باهم مخالف بوده و بنا بر مجبورت باهم ائتلاف کرده بودند آرزو داشتند در برابر محمد داود قد علم کنند. بنا بر روایتی این گروه ها چند بار تصمیم گرفتند تا علیه محمد داود کودتا کرده او را از بین ببرند، لیک موفق نشدند.

از طرف دیگر روزیکه محمد داود تصمیم گرفت قدرت و صلاحیت بیشتری را به عبدالاله وزیر مالیه تفویض کند تعداد مخالفین محمد داود افزایش بیشتر یافت. عبدالاله یک انسان خود خواه بوده و در محافل سیاسی جهانی در مورد لیاقت و اهلیت وی کمتر صحبت میشد. محمد داود در مقابل این گونه مخالفتها از خود دفاع میکرد و مخالفین خود اعم از چپگرایان و راست گرایان را بازداشت میکرد و یا اینکه صلاحیت شانرا سلب می نمود. در

چنین موارد اگر فشاری از جانب همسایه شمالی اتحاد شوروی بر او وارد میشد فوراً يك پروگرام اصلاحی ای دیگری را پیش میکرد که همسایه بزرگ شمال از وی دلخوش شود.

وی در ۱۴ اپریل ۱۹۷۷ قرارداد انکشافی را با اتحاد شوروی در ماسکو توسط وزیر پلان خود علی احمد خرم به امضا رسانید. حین امضای این قرارداد شخص محمد داود با محمدی وزیر آب و برق، جلال وزیر تجارت و وحید عبدالله وزیر خارجه در صف عقب و اطراف علی احمد خرم قرار گرفتند و شخصیت‌های برجسته شوروی برای جلب رضایت خاطر محمد داود در این محفل شرکت نمودند. رئیس دولت نیکولای پود گورنی، الکسی کاسیگین صدراعظم و اندری گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی ناظر امضای قرارداد بودند.

جای شك نیست که اتحاد شوروی علایقی خاصی در مورد افغانستان دارد و نمیتوان این پدیده را نادیده گرفت. از سالها باینطرف افسران نظامی افغانی مانند افزار یدکی برای آینده در اکادمی های شوروی تحت تربیت گرفته شده و هم توريد سلاح اردوی افغانستان منحصر به فابریکات اسلحه سازی شوروی بوده و از اینرومی توان گفت که باجمع بندی این موزائیک سرمایه گذارهای شوروی امروز ثمر آنرا بدست آورده است.

۲۹-۴-۱۹۸۷ روزنامه تاکیس انسیگر Tages Anzeiger آلمان غرب :

روزنامه مذکور در پایان گزارش خود از رویداد کودتای افغانستان مینویسد:

... با وجود ادعای رادیو کابل که در سرتاسر کشور آرامی حکمفرماست از ولایات مهم دیگر افغانستان مانند هرات و قندهار هیچ اطلاعی در دست نیست. يك دیپلومات کشور غربی در دهلی جدید اظهار داشت که با سقوط کابل در دست کودتاچیان، نمیتوان از خاتمه پروسه فتح افغانستان صحبت کرد و بدون شك گروه های مقاومت جدیداً خلق شده و تاندتهای طولانی جنگهای چریکی را ادامه خواهند داد.

۲۹-۴-۱۹۷۸ روز نامه فرانکفورترالگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

چپگرایان بار دیگر جلوه نمایی میکنند

تشدید انتقاد روسها از اجرات محمد داود

در زمان زمامداری محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان حتی پرندگان بالای بام ها در نغمه

سرایي خود توضیح می‌کردند که هیچ نوع کودتای نظامی بدون دخالت روسها در افغانستان امکان پذیر نخواهد بود اینك آهنگ این پرنندگان برای دومین بار در افغانستان به وضاحت ثابت نمود که باردیگر روسها در افغانستان چهره واقعی خود را نشان داده اند.

۲۹ و ۳۰-۴-۱۹۷۸ روزنامه زود دوپچه Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب :

کودتای افغانستان در مسیر حرکت و پیشرفت شوروی به سوی جنوب آسیا :
کشتن محمد داود، دروازه افغانستان را برای سیاست توسعه جویی و قدرت شوروی بازگردانیده است.

رادیو کابل به تکرار خبرکشته شدن رئیس جمهور محمد داود را پخش مینماید و اضافه می‌کند که وطنپرستان بایست بقایای بازماندگان این خاندان را از بین ببرند. از اینکه کودتاچیان مصمم بودند تا این خانواده را بطور کامل از بین ببرند نمونه آنرا در تخریب سفارت فرانسه در کابل مشاهده نمود همینکه افوا پخش گردید که بعضی اعضای فامیل رئیس جمهور به سفارت فرانسه پناه برده اند بدون مراعات قوانین بین المللی قوای نظامی طرفدار کودتاچیان با تانکهای ثقیل جانب سفارت به حرکت افتاده سفارت و قونسلگری فرانسه را تحت آتشباری توپ قرار داده و قسمت اعظم آنرا تخریب کردند.

باوجود اینکه رویداد و تغییر بنیادی در نظام افغانستان، زندگانی مردم به وضع عادی روزانه خود بازگشته و کارمندان سفارت خانه ها و اتباع کشورهای خارجی چنان مینمایند که اصلاً هیچ واقعه ای در این کشور رخ نداده است.

گرچه حوادث اخیر و تغییر عمیق در جامعه افغانی و در کشور افغانستان در حله اول ساده بنظر میخورد اما در حقیقت زیربنای آن عمیق بوده و قابل نگرانی است. مشاهده نقشه جهان و کشورهای همجوار افغانستان (چین، شبه قاره هند، ایران و روسیه) چشمان ما را باز میگرداند.

فقر و عقب ماندگی افغانستان باعث آن نمی شود که از اهمیت این کشور در قاره (آسیا) بکاهد و بوضاحت مشاهده کرده می توانیم که موقعیت جغرافیایی این کشور از نگاه سوق الجیشی اهمیت فوق العاده دارد.

در موقعیت حساس کنونی، همسایه افغانستان و دشمن عنعنوی آن پاکستان در یک وضع

غیرعادی متشنج و بحرانی قرار گرفته و هیچ کس نمیتواند پیشگوئی کند که کدام قدرت موجودیت و بقای کشور پاکستان را در این وضع تضمین کرده می تواند.

متیقنیم که در اوضاع فعلی منطقه کودتای افغانستان را نمیتوان صرف یک رویداد تصادفی شمرد. روسیه از زمان تزارها این هدف استراتژیکی را مد نظر داشته تا به بحر هند پای خود را برساند. این هدف روسیه تحت یک برنامه طویل المدت ترتیب گردیده و وارثین تزار روسی حرکتی نمیکنند که از مسیر اصلی آن خارج شوند.

سیاست پیشروی بسوی جنوب روسیه امروز طرح نشده بلکه با حوصله و بدون تحمل خطری سالها قبل برنامه ریزی، ترتیب و درساحه عمل گذاشته شده است.

در جمله برنامه ریزی اتحاد شوروی برای رسیدن به اهداف و مقاصدش اعمار شاهرای شمال - جنوب از طریق هندوکش شامل بوده که شاهراه سالنگ، شوروی را بدون کدام مشکل به منزل میرساند. با عبور از دریای آمو توسط کشتی و یا در آینده قریب بالای پل (یگانه مانع طبیعی فعلی) قوای شوروی میتواند توسط تانک و وسایط ثقلیه در ظرف چند روز افغانستان را زیر پا کرده و داخل قلمرو پاکستان شود. با اشغال یکی از بنادر بحری در پاکستان (بطور مثال بندرگاه کراچی و یا گوادر) چهره سیاسی و وضع آینده جهان شکل دیگری به خود گرفته و قابل پیشبینی نمی باشد.

از مدتها باینطرف و بخصوص بعد از اعدام ذوالفقار علی بوتوروسها موجودیت پاکستان را در چارچوب سرحدات فعلی آن به صورت دائم و ثابت تحمل نمی کنند. تقریباً عین مفکوره در حلقات سیاسی هندوستان و ایران نیز موجود بوده که بحث و مناقشه بران شکل عادی دارد جان مطلب این است که وجود پاکستان را در منطقه به شکل فعلی قابل سوال میدانند و طوری پیشبینی میکنند که روزی پاکستان را در بین خود مانند پارچه های نان تقسیم نمایند. در نظر دارند تا ایالت پنجاب و هم پارچه ای از ایالت سند مربوط هند و بخشی از بلوچستان متعلق به ایران و صوبه سرحد به شکل یک کشور آزاد و یا به افغانستان محلق گردد.

اندیرا گاندی با قوای نظامی خویش در دسامبر ۱۹۷۱ پاکستان را با بدرقه و کف زدنهای شوروی درهم کوبید و شکست فاحش داد و به تعقیب آن تجزیه پاکستان شرقی از غربی و خلق شدن کشوری جدیدی به نام بنگله دیش موفقیت دیگری برای هند و شوروی

روی نقشه جغرافیایی جهان بارآمد.

افغانستان از سالها باینطرف نه تنها تقاضای استقلال طلبی مردم پشتون را بلکه از بلوچ ها را نیز تقاضا و تائید میکند و در حقیقت افغانستان خواستار الحاق این دو منطقه بخاک خود میباشد. گرچه از این سیاست افغانستان، پشتونهای متوطن دوطرف سرحد صرف بصورت سیاست صوبه‌ای خود از آن استفاده و آنرا نسبت به نفع خود تائید می کنند ولیکن در واقع مردمان پشتون و همچنان بلوچ ها آرزو ندارند که الحاق شان با فقیرخانه مانند افغانستان صورت گیرد.

محمد داود، رئیس جمهور مقتول افغانستان، از سالها باینطرف عامل اصلی تشنج و ناآرامی در شبه قاره به ارتباط قضیه پشتونستان بشمار میرفت. وی که خودش پشتون و از قوم درانی بود در سالهای ۱۹۵۰، زمانی که صدر اعظم افغانستان امور سیاسی کشور را در دست داشت، در مقابل پاکستان از راه سیاست خصمانه پیشآمد میکرد و تعقیب این سیاست وی بود که دروازه های کشورش را به روی روسها اعمار شاهرها، تربیت نظامی و پلان گذاری اقتصادی در افغانستان بازگردانید. پادشاه افغانستان با این طرز تفکر صدراعظم کشورش به صورت کل موافق نبوده و در اثر همین اختلاف نظر با سیاست محمد داود بود که در اوایل سالهای ۱۹۶۰ پادشاه سابق افغانستان دست پسرعم و شوهر خواهرش را از وظیفه کوتاه کرد.

اوتوکرات به شکل خاص :

اما بار دیگر چهره محمد داود روی صحنه سیاسی افغانستان هویدا شد طوریکه در تابستان سال ۱۹۷۳ قدرت را از پسرعم خود بایک کودتای تقریباً سفید دوباره بدست آورد و به نظام شاهی در افغانستان خاتمه داده و نظام جمهوری را اعلام کرد.

در آغاز کودتا چنان احساس میگردید که اتکای محمد داود به روسیه شوروی بود اما به زودی دیده شد که محمد داود مسیری دیگری را در خط مش خود تعقیب کرد و توقعاتی که اتحاد شوروی در این مقطع تاریخ این تغییر نظام را از محمد داود داشتند برآورده نشد. بر خلاف آنچه روسها تصور میکردند محمد داود سعی ورزید تا دست روسها را از کشور کوتاه کند و با ذوالفقار علی بهتو صدر اعظم پاکستان از در مسالمت پیش آمده و روابط دوستانه را بین دو کشور برقرار کند و علاوه بر این پادشاه ایران نیز، دوست

صمیمی ذوالفقار علی بهوتو، روابط اقتصادی هردو کشور ایران و افغانستان را تقویه نموده و توسعه بخشد.

باوجودیکه پارتنر سیاسی محمد داود، ذوالفقار علی بهوتو در سال ۱۹۷۷ از صحنه سیاست اخراج و کشته شد، لیکن محمد داود سیاست مطروحه خود را با بهوتو با رهبر نظامی جدید پاکستان با جدیت و صداقت تعقیب مینمود.

در منطقه چنان تغییراتی رخ داد، افسرانیکه در روسیه تحصیل کرده بودند و با محمد داود کودتای ۱۹۷۳ را به راه انداخته بودند، امروز محمد داود را با يك کودتای خونین و خشن از بین بردند. کودتاچیان جدید مدعی اند که روند اداره حکومت محمد داود شکل دیکتاتوری را به خود اختیار کرده بود و اینها آرزو داشتند که در کشور نظام دیموکراسی و مردمی را پیاده کنند.

به یقین گفته میتوانیم که به زودی کذب این اظهارات پوچ و بهانه جویی های کودتاچیان برملا خواهد شد، زیرا دیموکراسی کمترین آرزوی این گروه کودتاچی جدید است و مشکل خواهد بود که بقیه اهداف آنها در يك کشوری که مبنای اجتماع آن بر اساسات اسلام استوار است، عملی شده بتواند.

کودتاچیان در بیانیه های خود خواهان همبستگی و نزدیکی با روسیه شوروی میباشند و از همین جهت است که ماسکو عملی شدن این کودتا را بنظر تحسین مینگرد و امکان دارد که عملاً در موفقیت این کودتا سهیم بوده باشد. جای شك باقی نمی ماند که روسها جهت بر آوردن مقاصد بعدی خود از این کتله طرفدار خود استفاده کنند و در صورتیکه پروسه نابودی پاکستان روی میز سیاسی کشورها مطرح باشد، برای تحقق بخشیدن این مأمول برای روسیه بهترین رژیم در افغانستان نظام دیکتاتوری نظامی به شکل ایتپویی (حبشه) در افریقا خواهد بود.

۳-۴-۱۹۷۸ (دپ آودپ) dpa g dp

اسلام آباد

اجراز قدرت توسط يك شخص عادی به حیث رئیس دولت و اعدام های بعد از کودتا :

روز یکشنبه سه روز بعد از کودتای خونین نظامی در افغانستان رئیس دولت و حکومت

جدید آن معرفی گردید. رئیس دولت يك شخص غیر نظامی است که ۶۵ سال عمر دارد و به نام نورمحمد تره کی یاد میشود. پاساس گزارشی از اسلام آباد تره کی ریاست شورای انقلابی را نیز بعهدہ دارد. شورای انقلابی نام مملکت را از (جمهوریت افغانستان) به «جمهوری دیموکراتیک افغانستان» تبدیل کرد. کارشناسان منطقه معتقدند که نظام تازه تمایل به شوروی داشته و به آنها بیشتر اتکا خواهد کرد.

راديو کابل اعلام نمود که تعدادی از سیاستمداران و افسران اردوی رژیم سابقه اعدام گردیدند که دربین این اشخاص وزیر داخله ولوی درستیز سابق کشور نیز شامل می باشند.



ACKU
می

۱-۵-۱۹۷۸ رادیو بی بی سی BBC از انگلستان :

موفقیت کودتای نظامیان دست چپی در افغانستان باعث نا امنی بعضی از کشورها، بخصوص پاکستان و چین، خواهد شد.

از نقطه نظر علایق ستراتیژیکی و دورنگای شمول افغانستان در بلاک نظامی شوروی صدمه بزرگی برچین وارد خواهد شد. هندوستان از مدتها باینطرف با افغانستان و اتحاد شوروی روابط حسنه داشته و هند بقدرت رسیدن يك نظام کمونیستی را در افغانستان و انشکاف آنرا به آرامی مراقب خواهد بود و در تکوین آن کمک خواهد کرد. وضع بهم پاشیده وشکندند همسایه هند در شمال (پاکستان) با رویداد اخیر در افغانستان تغییر فاحش کرده و یقیناً هندوستان خواهد کوشید تا ثبات منطقه را با روش سیاسی خود عملی گرداند از طرف دیگر چین بیشتر سعی خواهد کرد تا دامنه تماسهایی را که درین اواخر با هندوستان برقرار نموده توسعه بخشد.

دولت ایران در گذشته روابط نیکی با همسایه های خود داشته و روز بروز طور چشم گیر توسعه پیدا می کرد اما در صورت وجود واستحکام يك نظام انقلابی و کمونیستی در افغانستان در کنار يك کشور اسلامی مانند ایران مخالفین شاه را بیشتر تقویه خواهد کرد.

۲-۵-۱۹۷۸ نیوزریخر سایتونگ Neue Zuercher Zeitung از سویس :

افغانستان تحت بیرق کمونیزم :

تشکیل يك حکومت :

روز سه شنبه گروهی از کمونیستهای سرسپرده طرفدار ماسکو حکومت جدیدی را در افغانستان بوجود آوردند. گرچه در آغاز عملیه شك و تردید هایی در مورد اشخاص و رژیم جدید بین ناظرین سیاسی موجود بود ولی با رویکار آمدن حکومت جدید دیگر تردیدی باقی نمی ماند که این چهره ها از جمله کمونیستهای طرفدار ماسکو می باشند.

نور محمد تره کی بحیث رهبر حزب کمونیست، رئیس دولت و صدراعظم افغانستان معرفی گردید و وی بېرک کارمل را بحیث معاون خود تعیین کرده است. دگروال عبدالقادر که در آغاز رهبری کودتای اپریل را به عهده داشت و در رشته نیروی هوایی در روسیه

تریت یافته امور وزارت دفاع افغانستان را بعهدہ گرفته است. اداره وزارت امور خارجه به حفیظ الله امین واگذار گردیده وی بر علاوه امور وزارت خارجه با کارمل و محمد اسلم و طنجا وزیر مخابرات از جمله معاونین رئیس حکومت نیز اجرای وظیفه می کند.

شورای انقلابی بحیث مرکز فرماندهی:

مرکز قدرت در حقیقت «شورای انقلابی» نام نهاد است که فعلاً وظیفه دارد تا والی ها و قوماندان های مراکز عسکری ولایات را تعیین نماید. در این مدت کوتاه چنین به نظر میرسد که حکومت قدرت خود را در ولایات نیز گسترش داده و بر مردم تحمیل نموده است. برای اثبات این مدعا میتوان از باز شدن سرحدات کشور با پاکستان و ایران و یکار افتیدن مجدد فرودگاه بین المللی کابل یاد کرد.

مسافرینی که درعین روز از کابل وارد دهلی می شوند در باره وضع کابل اظهار میدارند که وضع به حالت نورمال برگشته و صرف در مراکز مهم محافظین قوای نظامی به نظر میخورند و قیود شبگردی همچنان ادامه دارد.

زامداران کابل در تلاش اند تا هرچه سریعتر رژیم جدید شان از جانب ممالک جهان برسمیت شناخته شود. از اینرو سفرای کشورهای خارجی را بوزارت خارجه احضار کرده و از ایشان تقاضا شده تا حکومت شان هرچه زودتر رژیم جدید را در افغانستان برسمیت بشناسند. تا امروز کشورهای روسیه شوروی، کیوبا، بلغاریا، عراق و هندوستان (به حیث اولین کشور غیر منسلک)، رژیم جدید افغانستان را برسمیت شناخته اند.

در مقابل ممالک غربی و بخصوص کشورهای همجوار افغانستان، ایران و پاکستان در شناسایی این کشور تا اندازه ای احتیاط نموده و باتأنی موضوع را تحت مطالعه قرار داده اند و هم این مطلب را پنهان نمی نمایند که افغانستان در مسیر خط شوروی قرار گرفته است. رئیس جمهور، دوست اتحاد شوروی :

نورمحمد تره کی رئیس دولت افغانستان که اصلش پشتون و متولد جنوب غرب افغانستان میباشد، به صراحت اظهار میکند که با شوروی روابط دوستانه داشته و از آن کشور طرفداری میکند و این وفاداری وی نسبت به ماسکو سالها سابقه دارد و شواهد دیرینه آن واضح است. تره کی که بین ۵۵ و ۶۰ سال عمر دارد سال گذشته به حیث منشی عمومی جناح خلق حزب کمونیست افغانستان تعیین گردید و در خفا فعالیت میکرد. تره کی بعد از مظاهرات اخیر در کابل باز داشت گردید به جرم اینکه وی در مراسم تدفین یک کمونیست

سرشناس در جمله دیگر کمونیستها بیانیه ای ضد دولت داده است این حرکت وی باعث بازداشتش گردید.

تره کی هنگامی از توقیف آزاد گردید که گروهی از افسران کمونیست، رئیس جمهور محمد داود را با جمله اعضای خانواده اش در یک کودتای نظامی کشته بودند.

باوجودیکه حزب خلق در شهرهای بزرگ صرف در میان محصلین طرفدارانی دارد ولی در مقابل این کتله اقلیت در روستاها و شهرهای کوچک قدرت بدست زمینداران محافظه کار، گروه های اسلامی وملاها میباشد.

در باره کودتای کمونیستها در افغانستان خبرگزاری تاس از یک (تغییر بزرگ در مسیر تاریخ افغانستان) نام برد که این تبصره نه تنها در پاکستان و ایران بلکه در کشورهای دیگر نیز گوشها را متوجه خود گردانید.

به آسانی می توان ادعا کرد که در حوادث اخیر افغانستان تنها شوروی را فاتح اصلی خواند.

قمر جدید در محور ماسکو:

وقتیکه انسان قدمی به گذشته بماند و تاریخ منطقه را مختصر مرور کند به ساده گی میتوان دریافت که تزارهای روسی همواره آرزوی راه یافتن به اوقیانوس هند را در سر می پروراندند. وارثین روسیه تزاری، اتحاد شوروی، پالیسی جدیدی را با قرضه دادن مبالغ هنگفت، برقراری روابط دوستانه والفاظ خوش با حکمرانان آنسوی دریای آمو، راه را برای پیاده کردن برنامه های آینده خود هموار کردند.

وقتی اطلس جغرافیایی را روی میز بگذاریم ومختصر نظری بر آن بیاندازیم میتوان گفت که کوتاه ترین راه مواصلت به بحر هند تنها میتواند از طریق پاکستان باشد و پس و از اینکه پاکستان روابط دوستانه با چین دارد روسها چندان از آن راضی نیستند اما (با انجام موفقانه کودتای کمونیستی در افغانستان) روسیه شوروی از دیدگاه سیاسی گام بزرگی به جلو گذاشته و این اقدام به اتحاد شوروی بایست در طول سالهای گذشته طور دقیق برنامه ریزی شده باشد.

برای تحقق به اهداف دور مدت بعدی، قبل از این روسها از طریق کوه هندوکش یک شاهراه قابل عبور ومرور برای وسایط ثقیل جنگی اعمار کردند. که آسیای مرکزی اتحاد

شوروی را با پایتخت افغانستان وصل میکند. در عین حال امریکائیاها از سرحد پاکستان تا کابل پایتخت افغانستان و فاصله بین کابل و قندهار را با ساختمان شاهراه عصری پیوست نمودند.

در مراحل ابتدایی چنان تصور میرفت که قدرتهای بزرگ جهان با ساختمان این زیر بناهای اقتصادی می خواهند در رقابت اقتصادی از یکدیگر پیشتازی کنند، لیکن با در نظر داشت وقایع اخیر میتوان اظهار عقیده کرد که بازی رقابت اقتصادی طور دیگری صورت گرفت و به ضرر دنیای غرب تمام شد. نباید فراموش کرد که از نقطه نظر جغرافیایی روسیه با افغانستان همسایه بوده و هم از سالها باینطرف طبق پلان طرح شده در اعماق اردوی افغانستان راه دارد.

از دید جهان غرب افغانستان يك کشور نادار بوده و از نگاه سیاحت دلچسپ میباشد. اما اگر کسی به نقشه منطقه توجه نماید درمی یابد که افغانستان در حقیقت محل تقاطع شرق میانه با شرق دور و شبه قاره هند با آسیای مرکزی را تشکیل می دهد و از دید موقعیت جیوپولتیک رویاهای دیرینه اتحاد شوروی زمانی به واقعیت تبدیل می شود که برنامه مواصلت قدرت خود را به اوقیانوس هند به پایه اکمال برساند.

بدون اغراق باید اعتراف کرد که برای اتحاد شوروی موفقیت کودتای کمونیستها در افغانستان يك پیروزی بزرگی تلقی شده میتواند. شوروی کشور افغانستان را از نوع فنلند در آسیا خلق نکرده، بلکه قمر دیگری بر اقمار موجود در محور خود که مطیع اوامر و هدایات مسکو می باشد اضافه کرده است.

۲-۱۹۷۸ فرانکفورترالگیمینی Frankfurter Allgemeine از آلمان غرب :

کودتاچیان شخصی را بنام نورمحمد تره کی به حیث رئیس دولت تعیین کردند:

ماسکو این کودتا را نقطه عطفی در تاریخ افغانستان نامید:

دهلی جدید: افغانستان تحت نفوذ و اداره کمونیستها درآمد و از طرف يك شورای انقلابی نام نهاد و سیاستمداران روس گرا اداره میشود. چهار روز بعد از کودتای خونین در برابر محمد داود و از بین بردن رژیم وی، نورمحمد تره کی رهبر حزب خلق که در خفا

فعالیت داشت به حیث رئیس دولت و حکومت تعیین گردید و اولین شخصی که از جانب رهبر جدید پذیرایی گردید، پوزانوف سفیر کبیر شوروی در کابل بود.

در عین وقت نماینده خبرگزاری تاس از کابل در گزارش خود از کشور جدیدی بنام (جمهوری دیموکراتیک افغانستان) یاد نموده و کودتای افغانستان را جنبش آزادی بخش مردم افغانستان با ماهیت تغییر دادن مسیر تاریخ تعبیر کرد.

واقعیت امر چنین است که این کشور کوچک و نادار در بین جنوب شرق آسیا و اتحاد شوروی ولیکن با اهمیت استراتژیکی به شکل يك فنلند اروپایی در آسیا نبوده، بلکه به حیث يك قمر جدید روسیه شوروی در منطقه حساس جهانی بوجود آمده است و اتحاد شوروی که سالها بحیث بزرگترین منبع کمک کننده در اقتصاد و مهندسی اردوی افغانستان خدمات خود را عرضه کرده بود امروز مزد زحمات خود را بدست آورده است.

با وجودیکه کشورهای همسایه افغانستان، ایران و پاکستان بروز دوشنبه در تبصره های خود محتاطانه اظهار عقیده نمودند، اما ناظرین سیاسی از يك ناراحتی عمیق و واضح در اسلام آباد و تهران صحبت میکنند.

در عین وقت از يك طرف راديو کابل از (جنگ آزادی بخش مردم) نام میبرد، از جانب دیگر به مردم هوشار می دهد که بالای مخالفین رژیم (قانون جنگ) تطبیق خواهد شد. به گزارش شعبات سیاسی سفارتخانه ها در اسلام آباد شخصیت های سیاسی و وارد در قضیه که به پاکستان می آیند شهادت دادند که در کودتا نه تنها رئیس جمهور محمد داود و برادرش محمد نعیم، بلکه پسران محمد داود با چندین نواسه وی بشمول چند تن از زنان و همچنان سید عبدالاله معاون صدراعظم، جنرال غلام حیدر رسولی وزیر دفاع، جنرال محمد موسی قوماندان عمومی هوایی و چند تن دیگر از جنرالان و وزرای کابینه محمد داود، بقتل رسیده اند.

تازه بقدرت رسیدگان در کابل هر کسی را که خواسته باشند با تهدید و جزا های سنگین در وزارت دفاع جمع میکنند و در مورد سرنوشت و آینده شان «تصمیم» میگیرند.

بر اساس گزارش راديو کابل در پهلوی طرفداران نزدیک محمد داود صدها نفر از نیروی پولیس که به انقلاب اپریل مخالف بوده و در برابر آن مقاومت میکردند به سزای اعمال خود رسیده و اعدام شده اند.

کنترول ترافیک در جاده ها به عهده جوانانی، که بگردن های خود دستمال سرخ بسته اند، گذاشته شده است.

طوریکه گفته میشود درباره موقف جنرال عبدالقادر خبر تازه ای در دست نیست، در چند روز گذشته از وی به حیث رهبر کودتا و سخنگوی شورای انقلابی یاد میشود، امروز کسی از وی نام نمی برد.

رئیس دولت تره کی، که عمر او را در حدود شصت سال تخمین میکنند ضمن مصاحبه ای اظهار داشت که: اعضای شورای انقلابی و حکومت بزودی معرفی میشوند. وی توضیح کرد که تصمیم امور جاریه مملکت توسط همین شورای انقلابی اتخاذ میگردد نه توسط کابینه رادیو کابل در انتشارات فوق العاده خود از تره کی بنام (انقلابی کبیر) یاد می کند.

۲-۵-۱۹۷۸ لوارورر Aurore فرانسه :

روز نامه فرانسوی از پاریس تحت عنوان (سوسیالیزم) مینگارد:

در افغانستان يك افسر سوسیالیست رئیس جمهور ترقی خواه افغانستان را بقتل رسانید، رئیس جمهوری که خود وی توسط يك کودتا در برابر پسر عمش پادشاه سابق افغانستان به قدرت رسیده بود. ما بزودی خواهیم دانست که این سوسیالیزم ای که در نظر است در افغانستان پیاده شود از کدام قماش خواهد بود و شخص نیرومند امروزی در کابل به مارکسیزم - لیننیزم و پرریژنف، یا به ما ویزم نوع هوا کوفنگ یا متعلق به مکتب دادایزم (امین در اوگندا) میباشد و یاهم اینکه هر نوع سیاستی را که به روی میز کارش برسد بهمان نحو دلخواهش درباره اجراء خواهد کرد. بهر صورت این اشخاص هر چه و هر که باشند با پوز کشیف خود جامه انسانی به تن کرده اند و يك تعداد ارادل و اوپاش که برای احراز قدرت بنام سوسیالیزم گردهم آمده نفرت و کشتار را در کشور براه انداخته اند.

۲-۵-۱۹۷۸* تاگس انسیگر Tagesanzeiger. آلمان غرب :

يك کمونیست به حیث رئیس دولت و حکومت تعیین گردید:

- رژیم جدید افغانستان به تعقیب اتحاد شوروی توسط کیوبا، بلغاریا و هند برسمیت شناخته شد.

- قرار اطلاع واصله در کودتای اخیر بیش از پنج صد نفر بقتل رسیده است.

- بدون تردیدی میتوان موفقیت این کودتا را يك پیروزی برای شوروی دانست .

رئیس دولت جدید در کاخ ریاست جمهوری که هنوز اتاقهای آن از خون کشته شدگان پاك نگردیده از طرف يك گروه نامعلوم افسران، بنام شورای انقلابی، در حضور یگانہ سفیر يك کشور خارجی، پوزانوف سفیر کبیر اتحاد شوروی، بحیث رئیس دولت تعیین گردید.

کشوریکه تزارهای روسیه آرزوی اشغال آنرا داشتند امروز اتحاد شوروی آن خیال را جامه عمل پوشانیده و بدست آورد. این حادثه علی الخصوص در شرایط موجوده منطقه و جهان دارای اهمیت فوق العاده بزرگ میباشد. زیرا در همسایگی افغانستان کشور پاکستان توسط يك رژیم نظامی بدون حمایت مردم به وضع خطرناکی اداره میشود و امکان آن دارد که سرنوشت کشور یا خاک و مردم پاکستان نیز بخطر مواجه شود.

در این پهنای بزرگ سیاسی همسایه دیگر افغانستان، دولت چین یکبار دیگر زهرشکست را چشید زیرا حکومت جدید افغانستان به دستور ماسکو رفتار کرد که این روش یقیناً پرابلم جدیدی را برای چین خلق خواهد کرد. بعد از متمرکز شدن قدرت اتحاد شوروی در ویتنام و لاوس که هر دو کشور در برابر چین واضحاً در جبهه مخالف قرار دارند، اینک افغانستان، کشوریکه تا قبل از کودتا با چین روابط حسنه داشت، درد سر تازه ای برای چینی ها خلق خواهد کرد، از اینرو چین بایست بادرک این واقعیتها در سیاست خود در برابر هند، اجباراً تجدید نظر نماید.

اتحاد شوروی که بدست آوردن قدرت و نفوذ در شبه قاره مایوس و نا امید بود، موفقیت اخیرش را در افغانستان پیروزی بزرگی برای خود میداند. بنگله دیش که با توطئه روسها از پیکر پاکستان جدا گردید و توسط طرفداران شوروی اداره میشد باقتل مجیب الرحمن در سال ۱۹۷۵ از نیروی اتحاد شوروی در آنجا کاسته شد. همچنان شکست اندیرا گاندی در هندوستان و گروه طرفدار شوروی در حزب کانگرس هند برای روسیه صدمه ای دیگری زد. از اینرو اتحاد شوروی در افغانستان کمال احتیاط را بخرج خواهد داد که موفقیت به دست آمده اش در این کشور حساس، در منطقه به خطر مواجه نشود.

۲-۵-۱۹۷۸ سرویس خبرگزاری مونیتور (Monitor) از شهر کلن آلمان غرب:

سرویس خبررسانی مونیتور به اساس گزارش خبرگزاری ها و رادیوهای جهان رویداد های مهم ذیل را در باره افغانستان پخش کرد:

- رئیس جمهور محمد داود کشته شد.
 - ملت افغان، قهرمان انقلاب را با آغوش باز پذیرایی میکند.
 - صدور فرمان نمره اول شورای انقلابی جمهوری دیموکراتیک افغانستان.
 - اولین شناسایی رسمی از دولت جدید
 - نام (رادیو تلویزیون ملی آریانا - افغانستان) به رادیو تلویزیون افغانستان تبدیل شد.
- امروز وزارت خارجه سریلانکا اعلام کرد که سفیر افغانستان در دهلی جدید به اطلاع شان رسانیده که کنفرانس سران ممالک بیطرف، که قرار بود بتاريخ ۶ ماه می ۱۹۷۸ در کابل دایر شود، نسبت^۲ انکشافات اخیر در افغانستان حکومت کابل از اجلاس کنفرانس در کابل معذرت خواسته است.

دیروز رادیو کابل در سرویس خبری خود اطلاع داد که: جلالتمآب؟ الکساندر میخایلوویچ پوزانوف سفیر کبیر اتحاد شوروی مقیم کابل با رهبر شورای انقلابی جمهوری دیموکراتیک افغانستان در قصر ریاست جمهوری ملاقات کرد و سند برسمیت شناختن افغانستان را، که مفاهیم عدم مداخله در امور داخلی افغانستان و احترام به بیطرفی آن ثبت است، به وی تسلیم کرد.

رادیو ماسکو نیز عین مطالب را در سرویس اخبار خود نشر کرد. رادیو پیکنگ در پروگرام انگلیسی خود درباره کودتای افغانستان تبصره ای نکرده، بلکه خبرگزاری سینها به استناد خبر رادیو کابل صرف از وقوع يك کودتای نظامی در افغانستان نام برده است.

۳-۵-۱۹۷۸ سرویس خبرگزاری منیتور (Monitor) از شهر کلن آلمان غرب:

رادیو کابل به تاریخ دوم ماه می ۱۹۷۸ اعلامیه نمبر دوم را به ساعت ۹ شب بوقت محلی نشر کرد:

متن اعلامیه :

دومین جلسه شورای انقلابی جمهوری دیموکراتیک افغانستان تحت ریاست نورمحمد تره کی منشی عمومی شورای انقلابی دایر گردید و به اتفاق آراء، ببرک کارمل رابه حیث معاون منشی عمومی شورای انقلابی افغانستان تعیین کرد.

به تعقیب فرمان شماره اول مورخه ۳۰ اپریل معاونین صدارت و اعضای کابینه حکومت جمهوری دیموکراتیک افغانستان قرار ذیل معرفی شد:

- ۱- ببرک کارمل معاون صدراعظم (پرچمی)*
- ۲- حفیظ الله امین معاون صدراعظم و وزیر خارجه (خلقی)
- ۳- جگرن اسلم و طنجار معاون صدراعظم و وزیر مخابرات (خلقی)
- ۴- جگرن عبدالقادر وزیر دفاع ملی (پرچمی)
- ۵- دکتور شاه ولی وزیر صحت عامه (خلقی)
- ۶- نورمحمد نور وزیر داخله (پرچمی)
- ۷- دستگیر پنجشیری وزیر معارف (خلقی)
- ۸- سلطان علی کشتمند وزیر پلان (پرچمی)
- ۹- سلیمان لایق وزیر رادیو و تلویزیون (پرچمی)
- ۱۰- دکتور صالح محمد زیری وزیر زراعت (خلقی)
- ۱۱- دکتور عبدالکریم میثاق وزیر مالیه (خلقی)
- ۱۲- بارق شفیعی وزیر اطلاعات و کلتور (پرچمی)
- ۱۳- عبدالکریم شرعی وزیر عدلیه ولوی حارنوال (خلقی)
- ۱۴- دکتور اناهیتا راتب زاد وزیر امور اجتماعی (پرچمی)
- ۱۵- عبدالقدوس غوربندی وزیر تجارت (خلقی)
- ۱۶- انجنیر محمد اسمعیل دانش وزیر معادن و صنایع (خلقی)
- ۱۷- محمد رفیع وزیر فواید عامه (پرچمی)
- ۱۸- محمد منصور هاشمی وزیر آب و برق (خلقی)
- ۱۹- محمود سوما وزیر تعلیمات عالی (خلقی)
- ۲۰- نظام الدین تهذیب وزیر سرحدات (پرچمی)

* (رابطه حزبی اشخاص از روی یادداشتهای مولف بوده، احتمال دارد اشتباهاتی در آن باشد)

مونیتور بر علاوه مطالب فوق نکات آتی را نیز تذکر میدهد.

- تغییرات زیادی در سیاست خارجی افغانستان و جهان وارد نشده است.

- واشنگتن در مورد به رسمیت شناختن افغانستان متردد است.

- قرار نشر خبر آل اندیا رادیو، منگولیا رژیم افغانستان را برسمیت شناخت.

- رادیو هاوانا (کیوبا) به زبان هسپانوی در ساعت ۱۹:۴۵ خبر ذیل را نشر کرد:

حکومت کیوبا سلام های صمیمانه و به رسمیت شناختن دولت جدید افغانستان را به

حکومت و شورای انقلابی افغانستان به رهبری نورمحمد تره کی اعلام میکند. در اعلامیه

متذکره کیوبا همکاری و دوستی خود را با افغانستان ابراز کرده و اظهار آرزومندی کرده تا

روابط بین دو کشور در چوکات نهضت کشورهای غیر منسلک توسعه یابد.

- رادیو ماسکو ساعت ۱۹:۱۰ بوقت گرینویچ از صدور فرمان شماره دوم شورای انقلابی

جمهوری دیموکراتیک افغانستان در مورد تعیین اعضای کابینه حکومت در آن کشور با

شادمانی پشتیبانی کرد.

- رادیو وارسا به روز ۲ می در پروگرام عادی خود به لسان پولندی و همچنان رادیو چین

در عین روز ساعت ۱۸:۰۰ وقت گرینویچ در باره افغانستان تبصره ای نکردند.

۴-۵-۱۹۷۸ نیوزور خرسایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

تحت عناوین برجسته ذیل مینگارد :

ماسکو در صحنه بحیث فاتح وارد میدان شد:

افغانستان در چنگ کمونیستها:

نهضت عدم انسلک و بیطرفی يك کشور خاتمه یافت :

افغانستان در بین کشورهای آسیایی، نادارترین کشور بشمار میرود.

بزرگترین افتخار و مایه سر بلندی و غرور مردم افغانستان اینست که در جریان ۲۰۰ سال

اخیر هیچگاه تحت سلطه خارجی نبوده و هر بار با قربانی دادن سر و مال از آزادی و استقلال

خود دفاع کرده است. البته در این سعادت موقعیت ستراتیژیکی این مملکت سهم بزرگی داشت، زیرا در جریان بازی بزرگ بین دو امپراطوری آنوقت جهان، انگلیس و روسیه موافقه کردند تا از این مملکت در بین قدرتهای خود بحیث منطقه حایل Buffer State حمایت کنند.

مردم افغانستان همواره از فرهنگ و عنعنات خود پاسداری نموده و پیرو دین اسلام می باشند. افغانستان در گذشته توسط نیروهای فیودالی اداره میشد و در این مدت طبقه کارگر صنعتی (پرولتاریا) و دهاقین بصورت طبقه مشخصی در جامعه تبارز نکرده بود و فیصله های عمده در مورد مسایل مهم توسط لویه جرگه های عنعنوی افغانستان جامه عمل میپوشید.

خاندان شاهی و حکمران کشور سد و مانع جنبش های انقلابی میشد و همچنان وضع سیاسی و اجتماعی افغانستان برای تبارز جنبش های انقلابی مساعد نبود.

در قطب دیگر اجتماع احزاب کمونیستی طرفدار روسیه و چین در سالهای ۱۹۶۰ طور مخفیانه در کشور بنیادگذاری شدند، اما ساحه نفوذ شان از محدوده های شهرهای بزرگ تجاوز نمیکرد و فعالیتهای کمونیستها از طرف زمامداران وقت کابل جدی تلقی نمیگردید. بلکه به کمونیستها اجازه داده میشد تا سالانه یکبار، روز اول می را تجلیل کنند و در این روز کسی مانع شان نمی شد تا عقده های خود را بکشایند. بعد از گذشت این روز تا یکسال دیگر در سطح جامعه پرده آرامی حکمفرما بود.

روز اول جنوری سال ۱۹۶۵ زمانیکه حزب خلق به حمایت ماسکو تاسیس و نور محمد تره کی (رئیس دولت امروزی) به حیث منشی عمومی آن تعیین گردید خاندان شاهی و حکومت عکس العمل جدی ای از خود نشان ندادند و بعد از دو سال زمامداران کابل انشعاب حزب کمونیست طرفدار ماسکو را مشاهده کردند.

در این وقت کمونیستهای طرفدار ماسکو و همچنان کمونیستهای حزب شعله جاوید (حزب کمونیست طرفدار چین) به توسعه و نفوذ خود در بین اقشار مختلف کشور مشغول فعالیت های بنیادی بودند. از طرف دیگر محمد ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان این جنبشها را آنقدر سطحی تلقی میکرد که حتی تشکیل یک حزب محافظه کار را، با اشتراك علمای دین جهت استقرار و بقای نظام سلطنتی، در کشور لازم نمی دید. او همواره میگفت

که نظام مشروطه شاهی بدون موجودیت احزاب سیاسی سالم ترین شکل دولت است و در میان شرق و غرب خود را مثل يك کشور بیطرف میدانست. لیکن وی متوجه آن نبود که تشکیلات احزاب چپی در حال انکشاف بوده و روزی وارد صحنه خواهد شد.

نیل به این هدف توسط افسران اردو:

زامامداران افغانستان بدون درك واقعی این مطلب که روسها، از مدتها قبل خطوط اساسی برنامه آینده خود را (جهت پیشروی به سوی جنوب) طرح کرده اند آنها در افغانستان به حیث همکاران تخنیکی و قرضه دهنده شماره اول، بیشتر از امریکائیهها، در نقاط حساس مملکت به کارگماشته شده اند، علاوه بر این افسران اردوی افغانستان که بنام تربیت نظامی به شوروی اعزام میگرددند مغزشوئی سیاسی شده و ایدولوژی کمونیستی به ایشان تلقین و تزریق شده است. خالص کلام نه تنها وسایل تخنیکی اردو و نیروی هوایی کشور در دست روسها قرار داشت بلکه يك تعداد از افسران افغانی، کارگردانان ساز و برگ نظامی کشور نیز با دکتورین سیاسی و ایدولوژی کمونیستی تربیت یافته، آماده ثمردهی گردیدند.

در آغاز بهای گزاف این پروسه را بایست محمد ظاهرشاه می پرداخت او کسی بود که در قدم اول در سال ۱۹۷۳ بوسیله افسران طرفدار ماسکو مقام خود را از دست داد و به تبعید گاه خارج از کشورش پناهنده گردید.

لیکن از نگاه سیاسی پرداخت حساب گرانتر از آن بود که با ازبین رفتن نظام شاهی و محمد ظاهرشاه تصور میگردد. کودتاچیان به يك دوره ما قبل انتقال در مسیر هدف اصلی به يك چهره مورد قبول مردم ضرورت داشتند و از این باعث محمد داود را به روی صحنه سیاسی به نام رئیس جمهور کشانیدند، لیکن محمد داود شخصی نبود که تحت فرمان آنها خود را قرار دهد بل باوجود مخالفت همراهانش همینکه بقدرت رسید کمونیستها را از اطراف خود دورکرد و همان روش برادرخانمش (محمد ظاهرشاه) را در امور اداره کشور در پیش گرفت.

در روند وجنبش دومی پسرعم محمد ظاهرشاه، محمد داود، نیز از میان برداشته شد و این بار کمونیستها به هدف واقعی واصلی برنامه ریزان خود رسیدند، زیرا نیروی اردو و اداره امور کشور هر دو به آنان تعلق گرفت و کریملین از طراحی درکسب قدرت با قیام افسران

اردوی کمونیست و نیل به هدف از این طریق، مسرور بوده و رضایت کامل دارد.

۵ - ۱۹۷۸۵ زود دویچی سابتونگ (Sueddeutsche Zeitung)

تهران بعد از موفقیت کودتا در افغانستان بیحد نگران است :

قوای نظامی ایران در سرحدات افغانستان به حال آماده باش درآمده، زیرا تغییر نظام در کابل باعث ناراحتی شدید حکومت ایران شده است. بعد از حادثه کودتای افغانستان اکنون شاه ایران به عوض دو جناح از سه جانب خود را در معرض خطر می بیند و یکی از علایم آن آماده باش نیروی نظامی ایران در امتداد سرحد ۸۵۰ کیلومتری ایران با افغانستان میباشد. ایران بیشتر از دیگران در هراس است که اتحاد شوروی میتواند بالوسيله يك کشور دوست (افغانستان) راه رسیدن خود را در بحر هند آماده و هموار سازد. در تبصره ای از مطبوعات ایران پیشگویی میشود که : شاید افغانستان روزی بنام (اتیوپی آسیا) یاد شود.

به یقین می توان ادعا کرد که سفر شاه ایران که قرار بود در اخیر ماه جاری در کابل صورت بگیرد، عملی نخواهد شد و هم چنان ایران در شناسایی رسمی رژیم جدید افغانستان عجله نخواهد کرد. و از طرف دیگر احتمال دارد آن عده کشورهای غربی که قبلاً با افغانستان مراودات سیاسی داشتند در آینده نیز آنرا ادامه دهند. به گزارش منابع دیپلماتیک از کابل اردوی افغانستان در سرتاسر کشور نظام جدید را تأیید کرده و از آن حمایت میکند و هم در بین طبقات مختلف مردم علاماتی مبنی بر مخالفت دسته جمعی بنظر نمی خورد. تانکهای ثقیل تا اندازه ای از روی جاده ها دور شده و تنها در مقابل ادارات دولتی و سایط زره پوش دیده می شود.

موسسه عفوبین المللی از رژیم بر سر اقتدار در افغانستان تقاضا کرده تا از کشتار مردم دست بردارد و از تعقیب و مجازات طرفداران حکومت محمد داود خود داری نماید. گفته میشود که در این کودتا هزاران نفر کشته شده اما این رقم از طرف حکومت فعلی افغانستان رد گردیده است.

۵ نومبر ۱۹۹۳ شماره پنجم مجله « در راه صلح »:

خوانندگان گرامی متوجه شده باشند که در بین عناوین مربوط به سال ۱۹۷۸ یکبار قدم

فرا تر گذاشته شده و از نومبر ۱۹۹۳ یاد شده است.

موضوع از این قرار است که در آغاز حوادث تباہ کن در افغانستان (سال ۱۹۷۸) در رسانه های بیرون از مرز افغانستان و هم در داخل، درباره قیام مردم، نسبت کمبود اسناد و نبودن امکانات محققین، سند درست آزاد نداشتند، لیکن امروز این امکانات میسر گردیده و پژوهشگران افغانی و مخصوصاً کسانی که راساً در قضیه دخیل بودند درباره قیام مردم افغانستان مطالبی را به نشر سپرده اند که رابطه مستقیم به روزهای تاریخ افغانستان میگیرد. از اینرو تصمیم گرفته شد مطالبی درباره با حوادث آن زمان کشور را از شماره پنجم مجله «در راه صلح» اقتباس کنم.

نویسنده مضمون داکتر سید عبدالله کاظم در صفحه سوم ماهنامه فوق مینگارد:

«هنوز چند روزی از کودتای شوم ثور نگذشته بود که از سیمای یک تعداد هموطنان، خاصاً کسانی که به ماهیت اصلی کودتا و عواقب آن آشنا بودند، نارضایتی، برافروختگی و آمادگی برای یک قیام علیه کودتا و کودتاچیان بنظر میرسید. این احساس مشترک باعث تجمع عده استادان پوهنتون کابل گردید که باهم پیمان دل بستند و قرار صادقانه گذاشتند تا در مقابل این فاجعه دست بکار شوند.

ایشان بزودی جمعیتی را بنام «حزب وحدت ملی» ساختند و در اوایل برج جوزای ۱۳۵۷ مرامنامه آنرا بحیث اولین گروه متشکل جهادی در داخل کشور تصویب کردند. این جریان در پی آن برآمد تا قوه های ناراضی از کودتا را جذب، انسجام و تحریک بقیام کند.

حینیکه در اواخر سرطان ۱۳۵۷ یک گروه ضد حکومتی گرفتار گردید و این گروه از موجودیت و فعالیت «حزب وحدت ملی» قبلاً آگاهی داشت، برای پنهان ساختن پلان خویش اسم یک تعداد اعضای مهم آنرا به مقامات امنیتی بحیث اشخاص پیشقدم و محرک اصلی ارایه کرد. همان بود که اعضای مؤسس نهضت را به سرعت بازداشت و بعد از تحقیق و شکنجه وافر به حیث اولین گروه ضد حکومتی روانه زندان پلچرخ ساختند.

اعضای مؤسس حزب وحدت ملی عبارت بودند از:

۱- داکتر عزیزالله لودین، استاد پوهنخی اقتصاد

۲- دکتر میرمحمد امین فرهنگ، استاد پوهنخی اقتصاد

- ۳- دکتر محمد عثمان هاشمی، استاد پوهنځی طب
- ۴- دکتر غلام محمد نیاز، استاد پوهنځی اقتصاد
- ۵- دکتر محمد اختر مستمندي، استاد پوهنځی طب
- ۶- دکتر سید عبدالله کاظم، استاد پوهنځی اقتصاد
- ۷- دکتر محمد داود یار، استاد پوهنځی اقتصاد
- ۸- دکتر محمد گل رومان، دکتر طب عسکری.

از جمله ذوات فوق شش نفر اول الذکر زندانی شدند. داوید یار از وطن خارج شده به آلمان پناهنده شد. دکتر رومان که بعداً مورد سوژن اعضای حزب قرار گرفت در آنوقت زندانی نشد.

همچنان قابل یاد آوری است که دکتر محمد نادر عمر، استاد پوهنځی طب در آنوقت عضویت حزب را نداشتند و صرف در برقراری روابط بیرونی همکاری میکردند نیز جزء اعضا زندانی گردید و از آن بعد به حیث عضو نهضت شناخته شدند.

ماجرای زندانی شدن و اینکه چگونه معجزه آسا اعضای نهضت از اعدام نجات یافتند داستان دیگریست که ذکر آن در اینجا گنجایش ندارد. با آمدن روسها و شروع حکومت بیرک قرار شد تا محبوسین سیاسی را بحیث یک نمایش روی صحنه از زندان رها سازند. اعضای نهضت نیز در جمله این نمایش از تیغ جلادان کمونیست جان سلامت بردند و با دیگر زندانیان سیاسی رها شدند.

شرایط ناگوار اقامت در کشور و فشار های وارده رژیم مبنی بر همکاری با آنها یک تعداد هموطنان را مجبور به ترک وطن ساخت و بهمین سلسله اعضای نهضت نیز یکی بعد دیگر به کشورهای مختلف مهاجرت کردند. بخاطر محدودیت هایی که برای تحصیل کرده ها در پاکستان وجود داشت اکثریت آنها بطرف اروپا و امریکا آمده و بصورت فردی و جمعی به تائید و حمایت جهاد و مجاهدین پرداختند. از جمله اعضای نهضت تنها دکتر لودین به پاکستان باقی ماند و با مولوی محمد نبی محمدی همکاری کرد. دکتر نیاز و دکتر فرهنگ در جرمنی به « جمعیت تحکیم وحدت » پوستند که در رأس آن جناب دکتر محمد یوسف قرار داشت ...»

۱۹۷۸-۵ فرانکفورتر روند شاو Frankfurter Rundschau آلمان غرب :

روزنامه مذکور ضمن گزارشی مینویسد :

در کودتای افغانستان بیشتر از ده هزار نفر بقتل رسیده و گروه های بزرگی از مردم طوردسته جمعی تیر باران شده اند. تره کی تعداد کشته شدگان را به یکصد نفر تخمین میکند که این گفته وی به هیچ وجه قابل قبول نمی باشد.

۱۹۷۸-۵-۷ نیوسورخرسایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

نرمی لهجه از گلوی زمامداران افغانستان :

آرزومندی جلب کمکهای اقتصادی:

زمامدار جدید افغانستان در کابل از شناسایی رژیم توسط بعضی از کشورها با مسرت یاد نموده و علاوه کردند: « در انقلاب مردم افغانستان هیچ کشور خارجی دست نداشته و بهیچ وجه افغانستان جزء اعمار شوروی نمی باشد».

در مورد سیاست خارجی کشور، سیاستمدار ۶۱ ساله کمونیست با سادگی جواب داد:

« هر کشوری که با ما در زمینه انکشاف اقتصادی کمک و همکاری بیشتر نماید دوست ما است و ما با آنها روابط حسنه خواهیم داشت».

قرص های مسکن اعصاب :

با وجود اینکه جگرن جوان قوای هوایی، قوماندان پولیس، قدمی از رئیس دولت دور نمیشد و اطرافش توسط قوای مسلح کشور احاطه شده بود، با آنهم رئیس دولت رول نظامیان را در کودتای علیه محمد داود تا حدی کم اهمیت وانمود کرده، مرکزیت، پلانگذاری و موفقیت انقلاب را صرف مربوط به شخص خود میدانند.

وی در بیانیه خود خبری را که درباره کشته شدن هزاران نفر در کودتا، از قول دیپلماتهای غربی، پخش گردیده بشدت رد نموده گفت این يك دروغ افسانوی است، وی گفت که در جریان انقلاب در حدود 270 - 370 نفر کشته شده و سی نفر محبوس میباشد و ارقام بیشتر از این واقعیت ندارد.

تره کی در صحبت خود تعداد اعضای حزب بر سراققدار را پنجاه هزار نفر تخمین میکنند. این حزب که چند سال قبل انشعاب کرده و به دو گروه منقسم گردیده در سال گذشته دو باره باهم ائتلاف کرده اند.

برنامه کار:

تره کی در جریان مصاحبه اشاره به کشورهای غربی نموده توضیح کرد که حزب خلق، یعنی حزب کارگران و دهاقین، تقاضا مینماید تا در عملی نمودن برنامه های اصلاحی حکومت وی با آنها کمک کنند. وی برنامه های مهم خود را در شرایط موجود رفورم اراضی، مجادله علیه بیکاری و ملی گردانیدن تجارت و اقتصاد کشور میداند، که بقول وی این پلان ها در پرتو دین اسلام عملی خواهند شد.

وی افزود: هنگامیکه آرامش در کشور حکمفرما گردد، انتخابات آزاد نیز صورت خواهد گرفت و همچنان اشاره ای به مبارزات انتخاباتی کرده تره کی اضافه کرد که افغانستان با هیچ کشوری در یک پیمان نظامی شامل نخواهد شد و بیطرفی خود را همیشه حفظ خواهد کرد. تشویش همسایه ها:

رئیس دولت افغانستان در مصاحبه خود سعی میکرد تا با دعوت به همکاری بیشتر، اطمینان خاطر پاکستان و ایران را فراهم آورد، زیرا در این دو کشور همسایه افغانستان بحث داغ روز در مورد يك (کیوبای آسیایی) بر سر زبانها است.

با وجود لحن ملایم رئیس دولت افغانستان و تردید کسب قدرت توسط کمونیستها، پلان این کودتا توسط کمونیستها طرح شده و امروز کمونیستهای طرفدار ماسکو بر سراققدار هستند. پاکستان با داشتن سرحدات وسیعی با افغانستان، بخصوص از ناحیه بلوچستان، بیشتر تشویش دارد. ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان با سران بلوچی کنفرانسی را دایر کرده که در اجندای آن ارزیابی اوضاع داخلی پاکستان و اوضاع بین المللی شامل میباشد.

روز یکشنبه گذشته ناظرین سیاسی در اسلام آباد اظهار داشتند که تعدادی از افغانها از بیم تعقیب و مجازات توسط نظام جدید وطن را ترك کرده و در ایران و پاکستان درخواست تقاضای پناهنده گی داده اند.

روز نامه مذکور اضافه میکند که بتاريخ ۷ می حکومت امریکا و انگلستان رژیم جدید را کابل برسمیت شناختند و هم تهران مناسبات سیاسی خود را با کابل برقرار نگه داشته و به

عبارت دیگر رژیم جدید را برسمیت شناخته است.

روزنامه علاوه میکند که کنفرانس سران ممالک غیرمنسلک بتاريخ ۱۵ می به عوض کابل در هاوانا پایتخت کیوبا دایر میگردد. قبلاً قرار بر این بود که اجلاس سران کشورهای غیرمنسلک در کابل انجام شود اما بعد از کودتای اخیر به هاوانا انتقال یافته است.

۹-۵-۱۹۷۸ ناگس انسیگر Tages Anzeiger سویس :

صحنه ای از واقعیت‌های روز (افغانستان و شاهراه شمال - جنوب):

اگر کسی خواسته باشد واقعیت را در افغانستان، با وجود بی اهمیت بودنش از نگاه اقتصادی و کوچکی بودن این کشور درک کند، ایجاب میکند توسط موتر مدت سه ساعت به صوب شمال کابل سفر کند. این شاهراه ده سال قبل به کمک روسها با مصرف یکهزار میلیون فرانک سویسی تکمیل گردیده است.

وقتی انسان بر قله کوه، هندوکش، می ایستد به سمت جنوب آن کابل را می بیند و طرف شمال آن به تاشکند قاس میگردد. در اینجا برای بیننده سوال پیدا میشود که چه باعث گردید تا شاهراهی با این مصارف هنگفت برای یک شکور فقیر بنا شود؟

امروز بعد از وقوع حادثات اخیر در این کشور به یقین میتوان گفت که اعمار این شاهراه بخاطر عبور و مرور چند عراده لاری باربردار با این ابعاد و پلهای که توان برداشت وزن گران را دارد اعمار نگردیده بلکه مطالب دیگری در بطن خود نهفته دارد.

کوتل سن گرهارد (St Gothard)، کوتل بین ایتالیا و سویس، افغانستان :

بلی شاهراه سالنگ وتونل آن در کوه هندوکش برای عبور کاروان های نظامی روس ها ساخته شده است که در حال حاضر کاروان نظامی روسی میتواند از ازبکستان داخل افغانستان سرازیر شده و از طریق این شاهراه و تنگنای خیبر وارد پاکستان شود. از اینرو اعمار و به کار افتادن شاهراه سالنگ اهمیت ستراتیژیکی افغانستان را به حیث یک کشور محاط به خشکه و حایل در بین ابرقدرتها واضح میگردد.

هر افغان میداند که بعد از سپری کردن سه جنگ افغان و انگلیس روزگاری بر سرکشور شان بین دو قدرت امپریالیستی روس و انگلیس اختلافاتی موجود بوده است و اینک در طول ده روز اخیر افغانستان بار دیگر اهمیت سوق الجیشی خود را به بازماندگان آن قدرت های

دیروزی باثبات رسانید و این هم باعث شد که سوالهای در اذهان اهل خبره در مورد نور محمد تره کی رهبر رژیم که يك هفته قبل بقدرت رسید، خلق کند.

آیا اهمیت افغانستان بیشتر از يك چاپخانه و کاروانسرای در راه پیشروی روسها به سوی جنوب میباشد و یا این امر، طوریکه تره کی ادعا میکند، واقعیت دارد که افغانستان از جمله اقمار شوروی نخواهد گردید و به قول تره کی این انقلاب افغانی در نوع خود بی مثال خواهد ماند؟

بنابراگفته تره کی می توان امکان آنرا تصور کرد که افغانستان يك سیاست عدم انسلاک و بیطرفی را تعقیب میکند. اما سوال در اینجاست که آیا همسایه بزرگ شمال این صلاحیت را برایش تفویض خواهد کرد یا خیر؟ باید انتظار کشید.

رئیس جمهور سابق، محمد داود که باقشر اشرافی پیوند داشت در افغانستان برای مردمان چپگرایی چون تره کی و ببرک کارمل و کسانیکه در حکومت جدید شریک هستند يك خار چشم بود.

حوادث اخیری که در افغانستان به وقوع پیوست از نظر اکثر مبصرین کشورهای غربی در پرده ابهام باقی مانده اما برخلاف این عده ای از نزدیک شاهد این حوادث بوده و با وضع موجوده موافقت کامل دارد.

هندوستان در مورد موفقیت این کودتا تفاهم نشان داده و هم کمک و مشوره لازم را در آغاز کودتا به تره کی پیشنهاد کرده است. قرار معلوم نخستین کنفرانس مطبوعاتی تره کی به روز جمعه گذشته براساس مشوره و پیشنهاد هندوستان صورت گرفته است.

روز نامه اضافه میکند که: «چین و ممالک غربی با کابل تماسهای سیاسی خود را از سر گرفتند».

بر اساس گزارش وارده توکیو، دمشق، تونس و چین رژیم جدید افغانستان را به رسمیت شناخته اند. و نظریه گزارش رادیو توکیو معاون وزارت خارجه چین و سفیر افغانستان در پیکینگ یادداشتهایی مبنی به رسمیت شناختن هر دو کشور را باهم تبادل کرده اند.

- سوریه بحیث اولین کشور عربی نظام جدید افغانستان را برسمیت شناخت.

- وزیر خارجه لیبیا علی عبدالسلام ترکیکی به معیت يك هیئت عالیرتبه به حیث

اولین مهمان رژیم جدید وارد کابل شد. این خبر همزمان در کابل و طرابلس پخش گردید.

۹-۵-۱۹۷۸ سرویس خبررسانی مینیتور Monitor از شهر کلن آلمان غربی :

خبرگزاری مذکور لیست کشورهاییکه رژیم جدید را در کابل به رسمیت شناخته اند ترتیب نشر کرده است:

پاکستان، یوگوسلاویا، ترکیه، آلمان غربی، آلمان شرقی، ایتالیا، ایران، انگلستان، فرانسه، کوریا جنوبی و چین. این گزارش به حواله رادیوهای تانیونگ، دمشق، خبرگزاری سینها و رادیو کابل انتشار یافته است.

۱۰-۵-۱۹۷۸ نیوسور خرسابتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

اسلام آباد تحت فشار اتحاد شوروی :

دیپلمات های روسی در پایتخت های ممالک جنوب شرق آسیا با بیشرمی تمام بقدرت رسیدن کمونیستها را در کابل مربوط بخود میدانند و در دعوت های شب نشینی به افتخار «فتح ما» جامهای ودکا و شامپاین روسی را سرمیکشند.

سفیر شوروی در اسلام آباد، سرور عظیموف، بی پرده رژیم پاکستان را به باد انتقاد گرفته و با صراحت میگوید که رژیم پاکستان «دوست دشمن های ماسکواست». روز دوشنبه گذشته سرور عظیموف سفیر شوروی در پاکستان طی مصاحبه ای با خبرنگار جریده افراسیاب در لاهور اظهار داشت: «برخلاف سیاست دوستانه افغانستان و هندوستان در برابر اتحاد شوروی، پاکستان در پیمان دشمن شوروی شامل می باشد. (منظور سفیر از شامل بودن پاکستان در پیمان سنتواست)، پاکستان و ایران با شمول در این پیمان عمداً خواستار بزرگ جلوه دادن قضیه فعلی افغانستان میباشند» عظیموف خود را حق بجانب جلوه داده از يك سلسله رویداد های روز نیز یاد کرده و شکایت نمود که مطبوعات پاکستانی با پخش و انتشار خاطرات انورالسادات رئیس جمهور مصر که در آن يك سلسله اظهارات رئیس جمهور سادات که برضد اتحاد شوروی می باشد آن نظریات را به اطلاع عامه رسانیده است. عظیموف گله کنان علاوه کرده وگفت که در این اواخر مقامات مربوط بندرگاه کراچی، کشتی حامل مواد خوراکیه را برای ایتیوی بدون دلیل معطل قرار داده بود تا اینکه شخص بریژنیف در باره حل معضله مداخله کرده و اجازه حرکت کشتی را از بندر کراچی به دست

آورد. وی اضافه کرده که: « باوجود این همه اختلافات اگر پاکستان امروز از عضویت پیمان سنتو خارج شود و خود را به حیث يك مملکت غیر متعهد و بیطرف اعلان بدارد، روابط اتحاد شوروی و پاکستان شکل عادی را بخود خواهد گرفت.»

در پاکستان ناظرین سیاسی معتقد اند، تهدید زیر پرده و دیده درآیی سفیر شوروی، بعد از تعدیل قدرت در افغانستان که به نفع شوروی انجام یافته است نه تنها خطری برای ایران و پاکستان میباشد بلکه بادر نظر داشت موقعیت مهم ستراتیژیکی افغانستان خطرات بزرگ تری برای شبه قاره هند و مالک خلیج را نیز در قبال دارد. امریکا و متحدین اروپایی آن بایست چشمان خود را باز کنند و بدانند که کشور حایل و بیطرف افغانستان امروز مبدل به «کیوبای آسیا» گردیده و وجود این نیروی تازه از همبستگی و تقویه پیمان سنتو در منطقه جلو گیری خواهد کرد.

به ارتباط مسایل حاد روز و وقوع این حوادث سفر اخیر آغاشاهی وزیر خارجه پاکستان به تهران درخور اهمیت می باشد.

تأثر از موقف گیری کشورهای غربی :

مقامات تصمیم گیرنده پاکستانی باصراحت نام از جهان غرب شکایت میکنند که پاکستان نسبت رعایت همبستگی خود با پیمان سنتو، مورد تهدید شوروی قرار گرفته است، کشورهای غربی تا کنون در مورد کمک به پاکستان اشاره ای نکرده و مخصوصاً این شکایت را به مقابل ایالات متحده امریکا وارد میداند که در تدارک و کمکهای نظامی به پاکستان سهل انگاری میکند.

پاکستان یکی دیگر از دلایل تشویش خود را نسبت نزدیک شدن شوروی بادوستش هند میداند که با کمکهای نظامی خود به هند خطری را به منطقه بار آورده است. این منابع امیدوار اند که امریکا از خواب خود بیدار شده موقعیت حساس ستراتیژیکی دوست خود پاکستان را در پیمان سنتو بدرایت و چشم باز مشاهده کرده و کمکهای بیشتری به پاکستان نماید.

۱۵-۵-۱۹۷۸ زوددویچه سایتونگ Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب :
 يك مغلستان جدید درهندوکش :

دراغانستان نهالهای سیاست تجارتی وانکشافی روسیه ثمرمیدهند:

در يك اطاق كوچك محصلين در ماسكو تعدادی از دانشجویان افغانی گردهم نشسته اند آنها بیانیه ها دادند و مناقشه ها کردند و در ختم مجلس یکی از آنها جام ودکای خود را برامید روزی که افغانستان چون ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان در زمره جمهوریت های اتحاد شوروی درآید، بلند کرد.

از این رویداد چند سال محدود میگردد. اما با کودتای اپریل در افغانستان، این حقیقت برملاء گردید که آن محصل افغانی يك گام بزرگ در راه رسیدن به آرزوی خود گذاشته است. صدها نفر از محصلین، میخانیک ها و نظامیان افغان با مفکوره جوان مذکور توافق دارند، این اشخاص سالهادر شوروی تربیه شده و به ثمر رسیده اند. روسها نه تنها به آنان تعلیمات تخنیکی آموخته اند بلکه آنها را با افزار ایدولوژی کمونیزم مجهز گردانیدند تا با این وسیله در افغانستان درین قشر کارگران، دهاقین و مامورین دولت نفوذ نمایند.

بعد از کودتای اپریل، اتحاد شوروی بحیث اولین کشور خارجی نظام جدید افغانستان را برسمیت شناخت و تبریكات خود را عنوانی نورمحمد تره کی منشی شورای انقلابی مخابره کرد. باوجود این سرعت عمل در شناسایی رژیم جدید، شوروی در برابر جریانات اخیر خود را خونسرد نشان داده و طوری وانمود میکند که گویا این کودتا در یکی از « جمهوریت های تولید کيله »، (لقب ممالك بی اهمیت در امریکای جنوبی، مولف)، صورت گرفته است نه در يك کشور همسایه مهم باموقف سیاسی و اداری واستراتژیکی مانند افغانستان.

تاکتیک شوروی در این مورد طوری است که آن ها تا زمانی مراقب اوضاع هستند که جریانات اخیر در کابل مراحل ابتدایی خود را پیموده و امکان رفع خطرات احتمالی میسر شده و اوضاع در مسیر عادی روزمره مطابق آرزوی شوروی قرارگیرد.

افغانستان بحیث يك مملکت حایل در منطقه بین هند انگلیسی سابق و امپریالیزم توسعه طلب روسیه تزاری قرار داشته که بعد از ختم دوره استعمار انگلیس در نیم قاره هند

تا اندازه ای از خطر نجات یافته بود. اما در پیکر افغانستان بیطرف و غیر منسلک درمبادی نواقصی دیده میشد که جهان غرب در خلق آن نارسائی ها دست داشته است.

افغانستان از جانب جهان غرب تحت فشار قرارگرفت که به پیمان بغداد، که بعداً بنام سنتو نامیده میشد، شامل شود، لیکن افغانستان با اسواری و عقیده به سیاست بیطرفی خود از اشتراك در پیمان های نظامی کناره گیری کرده معذرت می خواست، جان فوستر دالس وزیر خارجه آنوقت ایالات متحده امریکا ممالك آسیایی را به شمول در پیمان سنتو تشویق و توصیه میکرد. پاکستان که عضو فعال پیمان سنتو بود با افغانستان در مورد قضیه پشتونستان اختلافات عمیقی داشت و چون پاکستان از طرف امریکا کمکهای نظامی دریافت میکرد به موقف افغانستان توجهی نداشت.

افغانستان بنا بر داغ بودن اوضاع در منطقه و تنها گذاشتن این کشور در برابر دشمنش پاکستان و نداشتن سازویرگ نظامی برای دفاع از خاک و مردم خود، مجبورگردید تا به سوی اتحاد شوروی توجه کند و سلاح دفاعی خود را از شوروی دریافت نماید، همچنانیکه جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر قبل بر این، اقدام به چنین عملی کرده بود.

در سالهای ۱۹۵۰ هر باریکه پاکستان نظربه اختلافات ذات البینی بین دوکشور سرحدات خود را روی افغانستان بسته میکرد وهم بندرگاه کراچی، یگانه بندر بحری مال التجاره افغانستان به روی این کشور مسدود می گردید، شوروی از موقع استفاده کرده بكمك می شتافت و ضرورت های اولیه افغانستان را از قبیل مواد نفتی، شکر، چای وغیره به افغانستان صادر میکرد.

حینیکه ریچارد نكسن معاون رئیس جمهور وقت امریکا در ماه دسامبر ۱۹۵۳ به کابل سفر کرد متوجه گردید که علایق حکومت کشور مهماندارش با اتحاد شوروی بیشتر نزدیک بوده و نشانه های دوستی بین امریکا و این کشور کوهستانی محاط به خشکه جالب نبوده. نكسن باعجله و بیجا و بدون تامل تصمیم گرفت و فیصله نمود که افغانستان متاعی نیست که به آن باید علاقه مند بود بهتر است وقت خود را بیجا صرف آن نکنیم و باید آنرا فراموش کنیم. این تصمیم ایالات متحده چانس پیوند بیشتر روسها را با این کشور کوهستانی داد و روسها با تأنی و خیلی محتاطانه این انکشاف همکاری خود را دوام داده و قدم بقدم پیش میرود.

بعد از ختم سفر کوتاه نکسن و مایوسی افغانها از امریکا، در سال ۱۹۵۵ خروسچف و بولگانین رهبران اتحاد شوروی وارد کابل شدند و در مذاکرات با طرف افغانی آنها نه تنها به افغانستان وعده کمک را دادند، بلکه پرداخت مبلغ متنابهی راجهت تطبیق پلان ۵ ساله (۱۹۶۵-۱۹۶۱) نیز قبول کردند آنها با این امداد اقتصادی خود به این کشور اکتفا نکرده، پشتیبانی سیاسی خود را از داعیه افغانستان در قضیه پشتونستان نیز اعلام داشتند.

امریکایی ها بعداً متوجه خطای خود گردیده و به رقابت با روسها آغاز کردند و سعی ورزیدند که در کمکهای اقتصادی خود به افغانستان تجدید نظر کنند و سهم بیشتر گیرند و این پالیسی امریکا از طرف بعضی ممالک اروپایی نیز تعقیب گردید، اما از نگاه کمیت کمک های شوروی به افغانستان گوی سبقت را از دیگران برده بود زیرا حجم آن نظریه امداد بلاک غرب بزرگتر بود.

افغانستان اولین کشور خارج از بلاک شرق است که به تناسب تعداد نفوسش بیشترین کمک را از شوروی دریافت میکند. این کمکها که در زمامداری محمد ظاهرشاه آغاز یافته بود در دوران جمهوری محمد داود پسر عم پادشاه مخلوع افغانستان نیز ادامه یافت. روسها فابریکات تولید برق، پروژه های زراعتی، میدانهای هوایی، سیلوها، ورکشاپها و چند تخنیکم رادر افغانستان اعمار کردند.

روسها حتی برای فریب دادن مردمان مذهبی کشور در بعضی پروژه ها مساجدی نیز بنا کردند. با اعمار شاهراه سالنگ در سال ۱۹۶۴ که از سواحل دریای آمو شروع و قلب کوه هندوکش را تونل زده میگذرد، آرزوی تزارهای روسی را که روزی قشون شان از طریق افغانستان عبور کرده و به هندوستان حمله کنند، یک قدم به توفیق نزدیکتر کرده است. همه این کمکها و ساختمانها در دوره (دیتانت) وینام حسن همجواری صورت گرفته است.

در سال ۱۹۲۱ شوروی جوان بحیث اولین کشور خارجی استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و با عقد یک قرارداد دوستی بر این شناسایی صحه گذاشت و حین قرارداد دوستی و عدم تجاوز بود که در سالهای بعد چه در زمان سلطنت محمد ظاهرشاه و چه در جمهوریت محمد داود همواره تجدید می گردید.

قابل یاد آوری است که در چوکات قرارداد های منعقد شده بین یک ابرقدرت و یک کشور

کوچک و عقب مانده افغانستان بیشتر از یکهزار مشاور روسی در اردوی افغانستان آموزش نظامی میدادند و بر علاوه این تعداد در حدود دوهزار و پنجمصد نفر مشاور و تخنیکر روسی در پلانگذاری برنامه های انکشافی و پروژه های مربوط دولت درکنار چند تن از مشاورین ممالک غربی فعالیت داشتند.

روسها خوش نداشتند که متخصصین کشورهای غربی در نزدیک مرزهای افغانستان و اتحاد شوروی گشت وگذار نمایند از اینرو سفر کردن به آن مناطق کار مشکلی بود. گروهی از باستان شناسان فرانسوی که طی دوازده سال گذشته با مداومت گام های سکندر مقدونی را تعقیب کرده و مشغول کاوش و تحقیق در صفحات شمال کشور بودند مکلف بودند تا دونفر تبعه روسی را بنام همکار با خود داشته باشند. در حالیکه این دونفر از کار باستان شناسی آگاهی نداشتند و از اعضای (کی جی بی) بودند.

دراواخر زمامداری محمد داود، شخصیکه در سالهای ۱۹۵۰ روسها را به افغانستان راه داد، تعداد مشاورین روسی را در اردوی افغانستان به دوصد نفر تقلیل بخشید و افسران اردوی افغانستان را برای فراگرفتن تحصیلات بیشتر نظامی به هندوستان فرستاد. این تصمیم وی برای روسها قابل قبول نبوده و در برابر محمد داود ازخسونت کارگرفتند. بر علاوه این فاصله گیری از روسها، محمد داود از شاه ایران قرضه هنگفتی جهت تطبیق پروژه های دولتی بدست آورد و سعی داشت تا روابط خود را با پاکستان هم بحالت عادی برگرداند.

محمد داود در سیاست بیطرفی اش تاحدی افراطی پیش میرفت، طوریکه پلان دفاعی منطقی شوروی را رد کرد و روز بروز روابط خود را با چین بهبود بخشید. در اواخر زمامداری خود محمد داود یک تعداد از کمونستهای سرشناس را، بعد از تظاهرات اخیر در کابل، بازداشت نمود، احتمال دارد موزائیک ترتیب شده از مجموع این نکات باعث تسریع کودتا و از بین بردن محمد داود شده باشد.

زمامداران جدید افغانستان متعلق به دو گروه خلق و پرچم می باشند که در سال گذشته با هم ائتلاف کردند و کمونیستهای طرفدار شوروی میباشند.

رهبر حزب خلق نورمحمد تره کی در سالهای ۱۹۵۰ به حیث آتشه مطبوعاتی افغانستان در واشنگتن کار میکرد و در نوشتن مطالب انتقادی و اجتماعی شهرت نسبی دارد.

معاون وی، بېرک کارمل رهبر جناح پرچم فرزند يك جنرال افغان است وی درسالهای ۱۹۶۰ با اناهیتا، يك زن جوان متاهل، رابطه جنسی پیدا کرده و درمبارزات سیاسی نیز باهم نزدیک بودند هردو اداره وتنظیم تظاهرات محصلین را بعهده داشتند. اناهیتا درکابینه امروزی بحیث وزیر امور اجتماعی تعیین گردیده است.

در اینجا سوال پیدا میشود که روسها به نفع خود از این جریان چه نوع استفاده وبهره برداری خواهند کرد؟

- هرگاه افغانستان در جمله اقمار شوروی قرار بگیرد، این ادعای رهبران کرملین مبنی برهمزیستی مسالمت آمیز غلط ثابت شده، اعتبارشان را در جهان سوم از دست داده در آینده هیچ کشوری به آنها اعتماد نخواهد کرد که قبول وحل این مشکل بفرنج برای شوروی خیلی گران تمام خواهد شد.

- همچنان وقتی این قضیه از زاویه دیگر دیده شود، واضح میگردد که تشکل وبه وجود آمدن يك مغلستان دیگر در هندوکش از نگاه سیاسی، اقتصادی درحیطه روس باشد زنگ خطر برای کشور های جنوب آسیا وممالک عربی خلیج و ایران بوده وحل این معادله کار ساده ای نیست.

افغانستان از دید ستراتیژیکی مانند يك درفش دربین دوکشور عضو پیمان سنتو، ایران و پاکستان، قرار داشته و از طریق منطقهء ضعیف و متشنج بلوچستان با بحر هند بیش از چند صد کیلومتر محدود فاصله ندارد.

موقعیت افغانستان با مصر، سودان، سومالیه و حتی ایتیوپی تفاوت دارد. یاهرگاه افغانستان تحت سیطره اتحاد شوروی قرار بگیرد دوباره بیرون کشیدن وبازگشتش به دنیای آزاد کار ساده نیست.

۱۴-۵-۱۹۷۸ هفته نامه دی سایت DIE ZEIT آلمان غرب :

افغانستان و همسایه هایش :

بازی سیاسی کرملین :

بعد از موفقیت کودتای افغانستان و بیم ممالک غربی از سقوط يك مملکت دیگر:

برای مطالعه و تصمیم گیری درباره مسایل بفرنج افغانستان مقامات سیاسی کشورهای

غربی از معلومات و چگونگی طرز دید ایران و پاکستان استفاده میکنند. به کارگردانان امور در کشورهای غربی بجاست توصیه شود تا در نتیجه گیری های خود از دید ایران و پاکستان احتیاط کامل به خرج داده و باتأنی اطراف قضیه را بسنجند، زیرا ما باید به فراست بدانیم که ایران و پاکستان هم میخواهند تا از شعله، آتش افغانستان به نفع خود استفاده کرده و آتش خود را بپزند.

تهران و اسلام آباد بعد از موفقیت کودتای اخیر در افغانستان بر همکاری های آینده خود در این کشور خط بطلان کشیده اند. شاه ایران با پلان بزرگ و غیر عملی خود که میخواست به حیث پاسدار منطقه تا اندونیزیا و حتی آسترالیا پرچم ایران را بلند نماید، فعلاً مورد سوال قرار گرفته است. ایران که مقام ایستگاه شرق میانه، منطقه خلیج و جنوب آسیا را دارا است، بیشتر از این نمیتواند از موقف سیاسی و استراتژیکی خود بهره برداری کند. مخصوصاً تا زمانیکه روابط هندوستان و افغانستان درهم نشکند و استقرار سیاسی در پاکستان حکمفرما نگردد.

شاه ایران و جنرال ضیاء الحق آرزو داشتند که رئیس جمهور محمد داود در این بازی سیاسی با آنها شریک خواهد شد و محمد داود حاضر خواهد شد تا خط مرزی دیورند، DURAND، مسئله متنازع فیه بین پاکستان و افغانستان را برسمیت بشناسد و به روی این جدال دایمی خاک فراموشی انداخته دفنش کند. موفقیت شاه ایران در این بازی سیاسی آرزوی او را در مقابل با پروژه دفاعی شوروی در شبه قاره برآورده میساخت و به جنرال ضیاء کمک میکرد تا موقف ضعیف خود را در پاکستان تقویه کند. اما کودتای اخیر در افغانستان امید و آرزوهای هر دو زمامدار را بیاس و خاکستر مبدل کرد.

با وجود وعده کمکهای بزرگ مالی از طرف ایران و رهایی سران پشتون از زندانهای پاکستان، محمد داود در تصمیم خود متردد بود و نمیتوانست قدمی پیشتر بگذارد.

کودتای افغانستان زمامداران ایران و پاکستان را نه تنها مایوس و متأثر گردانید، بلکه در بنیاد مفکوره شان رخنه وارد کرد. آنها بیم دارند که میادا حادثه شبیه به آنچه در افغانستان اتفاق افتاده در یکی از این کشورها تکرار شود. ایران هر روز در اثر نا آرامیهای داخلی دچار تکانهای شدید میگردد و شاه خود را در برابر بزرگترین مشکل ۲۵ سال پادشاهی خود می بیند. نعره های (مرده باد شاه) از حنجره محصلین، اهل بازار و سایر

مخالفین درمساجد بلند است و دربرابر اینهمه حوادث، شاه صرف يك جواب آماده دارد: «مرا هیچ قدرتی از بین برده نمیتواند». اما او میدانند که زخم کاری برداشته و همین باعث میگردد که در برابر فشارها حساسیت نشان بدهد.

از طرف دیگر طرفداران جریان افغانستان در ایران دستاویز تازه ای بدست آورده و شاه را تحت فشار بیشتر قرار میدهند. شعار های مخالفین شاه ایران از طرف کمونستهای برسر اقتدار امروزی افغانستان روز بروز تقویه و از طرف مخالفین شاه در ایران تائید و تشدید میشود.

عین مشکل را میتوان در پیکر همسایه دیگر ایران، پاکستان، که وضع اقتصادی اش به صفر تقرب نموده، مشاهده کرد. رژیم نظامی پاکستان که خواسته مردم نمی باشد که از مشکل بازماندگان بهوتو رهایی نیافته به عوض حل این مشکل روزنامه نگاران را در ملای عام شلاق میزند، شعارهای مردمی زمامداران کابل علاقمندانی در پاکستان دارد و آنها آرزوی رهبری مانند بهوتورا در سردارند تا زیر بیرق او قرار گیرند.

در سرحدات ایالات صوبه سرحد و بلوچستان ناآرامیهای تازه ای علیه ضیاء الحق بوجود آمده، و سروصدای بلند در مورد جریانات اخیر در کابل و پخش آن در میان مردم در واقع رمز سیاست خارجی تازه ای را برای ایران و پاکستان در خود دارد. ایران و پاکستان میخواهند تا با سروصداها توجه جهان غرب را زیادتر به وضع ممالک خود معطوف دارند تا ازین طریق بتوانند کمکهای بیشتر نظامی و اقتصادی بدست آرند.

هر دو پایتخت میخواهند تا بیشتر از همه امریکا را به موقعیت ستراتیژیکی و سیاسی خود متوجه ساخته بازار مخالفت شان را با شوروی زیاد تر گرم کنند. این مطلب را «تغییر تاریخی در قاره» قویتر و شدیدتر برخ جهانیان میکشند. پاکستان نسبت به ایران کم حوصله تر بوده و موقف نسبتاً ضعیفتری دارد از اینرو اشاره به امریکا کرده بصراحت میگوید که روسها عملاً در سرحدات پاکستان قراردادارند و ماهرچه زودتر بکمکهای نظامی ضرورت داریم.

روسها در آستانهء دروازه :

جهان غرب یکبار دیگر بعد از جنگ جهانی دوم با قدرت نظامی قوای شوروی از افریقای مرکزی گرفته الی آسیای مرکزی، از انگولا، زایر، ایتیوپیی، یمن جنوبی الی

افغانستان خود را در محاصره و زیر تهدید می بیند و بار دیگر سوال پیدا میشود که امریکا و اروپا در برابر این تهدید بزرگ چه موقفی اختیار خواهند کرد. از همه مقدم تر بایست تمام مناطق متشنج از نقطه نظر نظامی تحلیل گردد که تا کدام قسمت دیگر جهان در برنامه توسعه طلبی شوروی شامل شده میتواند. با این حرکت شوروی، آیا «افغانستان برای همیشه»، طوریکه شاه ایران آنرا توجیه میکند، حقیقتاً از همه حلقه ها و پیوند های جهان آزاد گسسته و توازن جغرافیای سیاسی منطقه را بهم زده است؟ در اجلاسی که در این اواخر در اندیاناپولیس Indianapolis امریکا با حضور ۲۷ جنرال امریکایی نمایندگان پیمان ناتو Nato دیپلماتها، آمرین شعبات مربوط پلانگذاری و متخصصین نظامی صورت گرفت، این طرز دید شاه ایران را تائید میکنند. آنها به این نتیجه رسیدند که روسها با این حرکت توازن سیاسی و نظامی را در جهان برهم زده و خطر تجاوز و پیشروی از این ناحیه بیشتر از دماغه، افریقا میباشد. برای اینکه جلو این «تجاوزات توسعه طلبانه شوروی» گرفته شده بتواند موافقه کردند تا یک استراتژی دفاعی بیرون از حدود اروپا و به سطح جهانی ترتیب دهند.

باید بخاطر آورد همان طوریکه در سال ۱۹۴۷ زمانیکه امریکا طرحی را بنام دکترین ترومن با این شعار که «امریکا به تمام ملل جهان، که آزادی شان توسط اقلیتهای نظامی ویا با تجاوزاتی از خارج کشور تهدید میگردد، کمک مینماید»، امروز نیز امریکا خواستار تجدید نظر کامل پالیسی و استراتژی خود بوده و میخواهد اقدامات خود را به اساس آن تنظیم کند.

۱۴-۵-۱۹۷۸ ساعت ۱۵-۱۶ بوقت گرینویچ رادیویی بی بی سی BBC از انگلستان :

رژیم جدید کابل در آغاز کار در عمل با مشکلات مواجه شده، زیرا طرز تفکر اینکه به زعم و ذوق کمونیستها زیبا و خوش آینده است، در این کشور خریدار ندارد. زمامداران امروز مجبور هستند ایدولوژی خود را پنهان دارند و جرئت ندارند از آن به صراحت یاد کنند. همچنان روسها به آنها دستور داده که در رابطه خود با شوروی احتیاط کامل را مراعات کرده و در باره کمتر حرف بزنند و در ظاهر از اتحاد شوروی فاصله گیرند، روسها نسبت به پشبینی اینکه مبدا این رژیم، روزی باعث ناکامی شوروی گردد، از ایشان در ظاهر فاصله

میگیرد. در عین حال عده ای از افغانهای وارد در قضیه عقیده دارند که روسها به ناکامی این رژیم راضی هستند تا در پراگندگی اوضاع و خلای سیاسی استفاده کرده بایک حمله برق آسای نظامی افغانستان را اشغال کرده و درجمله اعمار خود ضمیمه کند.

۱۶-۵-۱۹۷۸ سرویس خبرگزاری مونیتور Monitor از شهر کلن آلمان غرب:
سرویس خبرگزاری موصوف در مورد آخرین دقایق حیات محمد داود رئیس جمهور سابق افغانستان به نقل از خبرگزاری فرانسه مینویسد:

به اساس معلوماتی که از منابع موثق دریافت گردیده، محمد داود رئیس جمهور سابق افغانستان حین موفقیت کودتای ۲۷ اپریل با تفنگچه مسلح بوده و از قبول این درخواست کودتاچیان که خود را به آنان تسلیم کند امتناع ورزیده، بقتل رسید.

شخصیکه حین حمله به قصر ریاست جمهوری ناظر صحنه بود اظهار کرد که در جریان حمله کودتاچیان جمعاً سی تن از اعضای خانواده رئیس جمهور به شمول خود وی و برادرش بقتل رسیده و تعداد کمی از آنها بازداشت گردیدند.

هرگاه در باره چگونگی رویداد مطالعه بیشتر و عمیقتر صورت بگیرد و پارچه های موزائیک ساعات اخیر جنگ در داخل قصر ریاست جمهوری هم پیوند شوند این نتیجه بدست می آید که رئیس جمهور در جریان زدوخورد بعد از بمباران طیارات بالای کاخ ریاست جمهوری بقتل رسیده نه قبل از آن و بیشتر کشته شدگان زنان و اطفال خانواده رئیس جمهور بوده اند. قرار معلوم در وحله اول دسته ای از قوای هوایی بالای قصر ریاست جمهوری بمباران کرده و بعد از آن در داخل حرمسرای قصر صحنه کشت و خون صورت گرفته است.

یکی از شاهدان عینی اظهار داشت که در ابتدا رئیس جمهور محمد داود و برادرش محمد نعیم بادوتن از اعضای کابینه اش به قتل رسیدند. اما شخصی دیگری ادعا میکند که قبل از کشته شدن رئیس جمهور، جوته ای از کودتاچیان در داخل اطاق شده و یکی از آنها رئیس جمهور را مخاطب قرار داده و گفته: «جناب رئیس جمهور اطراف قصر شما توسط قوای ما محاصره شده تسلیم شوید». در جواب وی رئیس جمهور با تفنگچه خود بالای وی شلیک کرد که به شانه وی اصابت نمود بعد از زخمی شدن افسر کودتاچی و هم مسلکانش با کلاشینکوف بروی حاضرین آتشباری نموده و تمام کسانی که در اطاق حاضر بودند کشته شدند.

در اطاق دیگر قصر یکی از پسران رئیس جمهور برای اینکه اسیر نشود ابتدا همسر و کودکان خود را بقتل رسانید و بعد از آن با تفنگچه در دست داشته خود انتحار کرد متعاقب این

رویداد تعدادی از اعضای خانواده رئیس جمهور که در اطاق زنده مانده بودند، بازداشت و زندانی شدند.

سرویس مونیستور در مبحث بعدی خود مینگارده که :

زنگ خطر برای همسایه های افغانستان بصدا درآمده .

پاکستان، ایران و هندوستان برضد قدرت طلبی ماسکو قد علم میکنند.

نورمحمد تره کی مرد شماره يك جدید افغانستان ، رئیس دولت ، رئیس حکومت و منشی حزب که همه قدرت در وجود شخص وی متمرکز است هر قدر سعی میوزد، به دنیا بقبولاند که افغانستان يك کشور اسلامی بیطرف باقی می ماند کسی به گفتارش اهمیت نداده و آنرا قبول نمی کند. برعکس اظهاراتش اعمال رژیم و شخص وی دال برآن است که او با يك کودتای پلان شده کمونیستی بقدرت رسیده است.

در روابط نزدیک و دیرینه وی با ماسکو و کمونیست بودنش جای شك و تردید نیست خط مش سیاسی او آرمان مسلمانان کشور را به یأس مبدل کرده است .

اسم تازه دولت (جمهوری دیموکراتیک افغانستان) خطوط اساسی سیاهت آن، پیوند این کشور را با اتحاد شوروی به وضاحت نشان میدهد و همچنان وجود سه هزار متخصص و مشاور روسی در کشور دلایل دیگری برای اثبات این مدعاست.

متیقن هستیم که قدرت نمایی شوروی در این کشور زودتر توسعه پیدا میکند و این پلان قبلاً با دست داشتن شوروی در منابع اساسی مملکت کار را آسان و زمینه عملی گردانیدن آنرا آماده تر ساخته است.

از طرف دیگر به قدرت رسیدن این رژیم معنی آنرا ندارد که آنها بصورت دایمی در این کشور مستقر خواهند شد، زیرا در يك کشور نادار، که اکثریت نفوس آنرا دهاقین بیسواد و اقوام مختلف که صرف اسلام آنها را باهم پیوند داده و در تحت تاثیر روحانیون و علمای دینی و مالاها قرار دارند، استقرار و تکوین چنین رژیمی مشکل بنظر میخورد و به یقین این رژیم با مردم آزادی دوست افغانستان بازی آسانی نخواهد داشت.

هرچند يك عده شعار(ختم دوره اشرافیون و فیودالیزم) را به خوشی استقبال میکنند

مخصوصاً که در پهلوی این شعار در مورد ریفرم اراضی بحث جریان دارد. با وجود اینهم برای زمامداران جدید مشکل خواهد بود برنامه سوسیالیستی نسخه شوروی را در این کشور پیاده کنند آنها مجبور خواهند شد تا مطابق میل مردم آن سرزمین در برنامه های خود تعدیلاتی وارد سازند. بهر صورت فراموش نباید کرد که افغانستان نقطه محراق آسیای مرکزی امروز برای مدت کوتاه و یا طولانی بدست رژیم کمونیستی طرفدار شوروی قرار خواهد داشت.

در مورد ابلاغیه اخیر دولت که مامورین حکومت سابق به وزارت دفاع ملی حاضر شوند تا سند برائت خود را بدست آرند، میتوان گفت که با این دعوت تمام اشخاصی را که بگمان ایشان مخالف با نظام جدید هستند بدست آورده و از بین میبردند. کودتای اخیر در افغانستان و تاثیر آن در منطقه به سرعت در کشورهای همجوار افغانستان، پاکستان و ایران با تمام کیف و کان آن احساس گردید و دولت چین، کشورهای خلیج و حتی هندوستان رامشوش ساخته است.

طراحان پلانهای امریکایی و زمامداران کشورهای غربی از این بیم دارند که با عملی شدن این برنامه تنها الحاق یک کشور کوچک با شوروی مطرح نیست، بلکه تعادل و توازن و در عین زمان مصونیت ایران و پاکستان بشمول بحر هند با خطر مواجه می گردد.

در حلقهات و محافل سیاسی به وضاحت در این مورد مباحث صورت میگیرد که نتیجه که ما حاصل کودتای کابل شاید عواقبی مانند کودتای پراگ (چکوسلواکی) بدنبال داشته باشد. نگرانی اینها ازین است که روسها حتماً استراتژی توسعه جویی خود را طوریکه در افریقا پیاده کرد در آسیا نیز آنرا تعقیب می نماید.

افغانستان در مسیر يك کیوبای آسیایی :

کریملین همانقدر که به اندیرا گاندهی علاقه مند بود از موراجی دیسای سیاستمدار هندی دل خوش ندارد، زیرا دیسای سخت در تلاش افتاده که بعد از حادثه افغانستان روابط سرد شده هند را با چین دوباره از طریق مذاکرات و تعیین سفراء به حالت عادی برگرداند و علاوه بر این در مورد تقویت نیروی نظامی ایران اعتراضی ندارد.

از طرف دیگر دولت چین در برابر شوروی از ملایمت کار گرفته و اظهار میکند که چین به موافقات تعهدات ۱۹۷۱ دومی در اختلافات سرحدی بین دو کشور احترام داشته و خود را به

آن پایند میداند.

در رابطه با جریانات اخیر در افغانستان هند آرزوی همکاری نزدیک خود را با کشورهای حوزه بحر هند آغاز نموده و بی اعتمادی هند در برابر پاکستان شاید رفع نشده باشد، اما وقوع حادثه اخیر در افغانستان گذشته ها را به فراموشی تشویق می کند.

در اسلام آباد مقامات پاکستانی می ترسند که ممکن است با کودتای کابل اغتشاش و ناآرامی در بلوچستان دنبال شود علی الخصوص نگرانی پاکستان از این لحاظ است که افغانستان داعیه تجزیه طلبی بلوچ ها را تائید میکند و روسها از سالها قبل باینطرف با تطبیع کسانی در بلوچستان طرفدارانی دارد که در تحقق بخشیدن پلان ایجاد يك بلوچستان مستقل راه اتحاد شوروی را به بحر هند تسطیح میکنند.

وزیر خارجه پاکستان آغاشاهی بعد از حادثه افغانستان باعجله عازم تهران گردید تا کمک و همبستگی ایران را در زمینه مطالبه نماید. در حلقات تصمیم گیری حکومت پاکستان نگرانی عمیقی خلق گردیده و آنها بیم از آن دارند که افغانستان به شکل کیوبای آسیایی در آمده و اوضاع فعلی به افغانستان محدود نمانده بلکه به ممالک همجوار نیز سرایت خواهد کرد.

ایران با وجود اینکه خواهان حفظ روابط فعلی خود با افغانستان است اما در عین زمان سرحدات شرقی خود را محکم بندی کرده تا از نفوذ رژیم موجوده کابل جلوگیری کرده بتواند. امروز ایران خود را در محاصره ممالک (سوسیالیستی) می بیند.

بهر حال پاکستان کودکیست که از همه بیشتر به توجه و رسیدگی ضرورت دارد. شاه ایران از جریانات اخیر و تظاهرات در بلوچستان فوق العاده ناراحت است و بر پاکستان فشار وارد کرده که با دادن حق خود مختاری محدود به مردم بلوچ از این جنجال خود را رهایی بخشیده و راه سیاست توسعه طلبی اتحاد شوروی را مسدود نماید.

جای شك نیست اگر پاکستان از هم پیاشد بعد از آن نوبت به ایران خواهد رسید و نظام شاهی این کشور مستقیماً در معرض خطر قرار خواهد گرفت. برای جلوگیری از وقوع چنین اتفاقی حکومت ایران و مشاورین امریکایی شان در تهران یگانه راه نجات منطقه از این مشکل را در تقویه نظامی و اقتصادی پاکستان می بینند. آنها برنامه خود را طوری ترتیب نموده اند که در مرحله اول بین ایران، پاکستان و هندوستان و بعد از غور و دقت، بعضی ممالک دیگر

حوزه بحر هند را در يك قرار داد تساند و همبستگی شامل سازند.

مسلم است که کشور هائیکه از بحیره احمر شروع و به سنگاپور ختم میگردند ضعیفترین حلقه های زنجیر دفاعی جهان غرب را تشکیل میدهند و برخلاف این ضعف در ساختمان این مناطق اتحاد شوروی ده سال قبل جهت تقویت نیروی نظامی خود در مالک حوزه بحر هند به کار عملی اقدام نموده و امروز هم با شدت هرچه بیشتر جریان دارد. طوریکه از سال ۱۹۷۴ ماهواره (ستلایت) شوروی موسوم به (کوسموس ۶۳۷) به بعد در نقطه ای در فضا قرار دارد که تمام مسیر عبور و مرور کشتی های بین سواحل افریقا و تنگنای سنگاپور را کنترل مینماید و نیروی دریایی شوروی این قدرت را در خود سراغ دارد که هرآن به این مناطق حمله کند.

شوروی با داشتن مراکز جاسوسی و پایگاه های نظامی در شبه جزیره سوکوترا در بحیره احمر و عدن مناطق با اهمیت ستراتیژیکی را در تحت اداره خود دارد و طیارات روسی با داشتن قدرت پرواز های طولانی و در اختیار داشتن فرودگاه هایی در عراق و فعلاً در افغانستان میتواند تمام این مناطق را تحت کنترل خود در آورد. با وجود اینکه پایگاه شوروی در سومالیا فعلاً از کنترل شوروی بیرون شده، اما روسها اعمار پایگاه بزرگتری را در ایتیوپی رویدست گرفته اند.

کشور های غربی در اوایل به اقدامات بطی خود اکتفا میکردند اما با وقوع جریانات چند سال اخیر با طرح خط مشی دفاعی کشورهای حوزه بحر هند تصامیمی جدیدی در زمینه اتخاذ کرده اند. از مدتها است که طیارات دور پرواز امریکایی نوع (پ ۳ اورپون، P 3 Ori- on) تمام سیر و حرکت کشتیهای نیروی شوروی را در سواحل شرقی افریقا و تنگنای سنگاپور کنترل میکند. مثلاً میتوان از پایگاه نظامی در جزیره دیگر گارسیا در نزدیکی جزایر سیشیل واقع در جنوب بحر هند، که در ساختمان آن امریکایی ها مصارف زیادی را متقبل شدند، نام برد.

فاصله بین جزیره دیگر گارسیا و جزیره مسیره در ساحل عمان، که قبلاً پایگاه نظامی انگلیس بود و فعلاً نظر بموافقت دولت عمان طرف استفاده امریکائیها قرار دارد، تقریباً سه هزار کیلومتر است حد فاصل بین دو پایگاه در اساس خط اقامه دومتلثی را تشکیل میدهد که خطوط دیگر آنها میتوان با وصل خطوطی در شرق افریقا و فلپاین بدست آورد.

درچوڪات این برنامه ها، پلان دفاعی شاه ایران نقش عمده ای دارد که با تقویت نیروهای بحری و کشتیهای محافظوی ایران، سواحل خلیج و بحر هند را کنترل میکند. تمام این مشکلات را میتوان به سادگی حل کرد در صورتیکه پیمان سابق سنتو، که در آن ایران و پاکستان در جمله اعضای وفادار آن سهیم بودند، دوباره احیاء می شد و با کمک امریکا در پیمان عمومی دفاعی (ناتو) جهان غرب مدغم می گردید. لیکن مانع عملی نشدن آن موقف گیری هندوستان است هند آرزو ندارد داخل چنین پکت نظامی شود. از طرف دیگر شاه ایران از بیم اینکه با چنین اقدامی شوروی را عصبانی سازد از نزدیکی بیشتریک جانبه با امریکا خودداری میکند.

این نظریات را میتوان اساس خطوط اصلی سیاسی برای دفاع منطقه پذیرفت که مطالعات بیشتر و زیادتر را ایجاب میکند.

۱۷-۵-۱۹۷۸ نیوسورخر سایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

دور نمای آینده منطقه بعد از کودتای کابل :

موقف خطرناک پاکستان :

سرك پر از خم و پیچ پشاور- تورخم (سرحد افغانستان و پاکستان) که از ارتفاعات کوه ها و پایگاه های مشهور و تاریخی خیبر، که هنوز هم علامات مراکز نظامی آن پا برجاست، میگذرد توجه بیننده را به تاریخ این منطقه معطوف میدارد. این ساختمانها در طول جنگهای جهانی دوم توسط انگلیسها اعمار گردیده برای دفاع و مقابله با حمله رومل آلمانی که به رویاه ریگستان شهرت داشت توسط انگلیسها اعمار شده بود، در آن وقت این پیش بینی بسیار مفید باعث نشد. اما با رژیمي که امروز به کمک نیروی شوروی در کابل بقدرت رسیده و با پاکستان هم مرز میباشد، در پاکستان سوال تجدید ساختمانهای دفاعی آن روزگار را بر سر زبان ها آورده که شاید آن پیشبینی ها امروز جهت دفاع از يك دشمن بزرگتر اهمیت بیشتر داشته باشد.

نگرانیهای پاکستان :

شاید این طرز تفکر و دلواپسی در وهله اول مبالغه آمیز بنظر آید، اما انعکاس این

نگرانی‌ها را بخصوص از این جهت که در عقب خود يك بنياد تاریخی دارد، نمیتوان آنرا بی اهمیت تلقی کرد. این نقطه حاد و عامل منازعه بین پاکستان و افغانستان در منطقه پشتون نشین قبایل آزاد متمرکز است و ساحه ایکه بنام پشتونستان در اطلس تدریسی جغرافیا افغانستان ترسیم گردیده بیشتر مناطق صوبه سرحد (ایالت سرحد شمال غرب پاکستان) و بخشی از بلوچستان را احتواء میکند.

به عقیده کابل پشتونستان اگر جزء افغانستان شمرده شود بایست اقلأ از استقلال کامل در منطقه برخوردار باشد و عین این کلمات در شعار و طرز دید رئیس جمهور سابق افغانستان، محمد داود، نیز شنیده میشود. اما محمد داود در اواخر دوران زمامداری خود بحیث رئیس جمهور پالیسی تفاهم با پاکستان را در سیاست خود جا داده بود و قبل از سرنگونی رژیم جمهوری او که به اسلام آباد دعوت شده بود محمد داود در بیانات خود در پاکستان از دوستی عنعنوی مردمان هم کیش و مسلمان پاکستان و افغانستان یاد آوری کرده است.

فعلاً سوال مهم در اینجا است که رژیم جدید کابل در قبال این مطالب چه نوع سیاستی را در پیش خواهد گرفت؟

رئیس دولت جدید تره کی در نخستین بیانیه خود دوستی با کشورهای همسایه را وعده داد و حل موضوعات بین مملکتین را از راه مذاکرات صلح آمیز تاکید کرد. رادیو کابل در حالیکه از يك انقلاب پیروزمند نام میبرد وصول تبریکات صمیمانه رجال شوروی و پشتونستان را نیز ذکر کرد و تره کی به اینهم اکتفا نکرده در روزهای اول بقدرت رسیدن خود به افتخار رهبر پشتونستانی‌ها خان عبدالغفار خان و اجمل ختك را که از سالها باینطرف در کابل زندگی میکنند و بنام پشتونستان آب را گل آلود کرده ماهی می گیرند، دعوت بزرگی ترتیب داد. از رویداد برگزاری دعوت و همچنان از اشتراك ببرك کارمل، دومین مرد نیرومند در کابل در این دعوت، خبری نشر نگردید.

کوره آتش نیرومند:

در صوبه سرحد و بلوچستان تعداد کسانی که طرفدار جدایی (Seperation) هستند مخصوصاً مردم منطقه بلوچستان با جنبشهای جدایی طلبی خود چندین بار باقوای امنیتی روبرو شده اند. علاوه بر آن سیاستمدار سرحد آزاد خان عبدالولی خان پسر خان عبدالغفارخان و

بعضی از رهبران بلوچستان در بیانات خود بدون هراس از حکومت پاکستان انتقاد میکنند. با آنکه در این اواخر بعد از سقوط ذوالفقار علی بهوتور رهبران بلوچ، درکنار مخالفین دیگر حکومت مورد عفو عمومی قرار گرفته اند و آرامی نسبی در این ایالت حکمفرما شده اما امروز که در کابل رژیم دست نشانده شوروی قدرت را بکف گرفته روسها میتوانند با دامن زدن قضیه پشتونستان پاکستان را از نگاه سیاسی تحت فشار قرار دهند و هم آن کشور را مجبور کنند تا از پیمان سنتوخارج شده، زمینه راه یافتن شوروی را به بخرند از طریق بلوچستان مساعد گرداند.

در برابر این نوع تحرکات موفقیت آمیز ماسکو و فعالیتهای واضح آن در افغانستان قلعه های دفاعی خیبر تاب مقاومت را ندارد و علاوه بر این برای پخش ایدولوژی شوروی در پاکستان قبلاً زمین قلبه گردیده آماده کشت و ثمر آن میباشد. تنها وسیله ای که میتواند مانع این طرز بهره برداری شود بسیج نیروهای نظامی ایران و پاکستان است اما این قدرت دینامیک، بدون کمک های بیشتر و موثرتر جهان غرب بخصوص امریکا، بوجود آمده نمیتواند.

۱۷-۵-۱۹۷۸ سرویس خبررسانی مونیتر Monitor از شهر کلن آلمان غرب :

صدور فرامین نمره اول و دوم جمهوری دیموکراتیک افغانستان :

(کابل - ۵-۱۹۷۸ ساعت ۱۰.۰۰ بوقت گینویچ):

ماده اول :

در دوران رژیم مستبد داود برضد طبقه کارگر افغانستان از هر نوع تبعیض استفاده میشد، از جمله این نوع تبعیضات گوناگون توزیع گندم در مقابل کار بود. چون انقلاب افغانستان از مردم بوده و دولت بدون تبعیض در خدمت تمام طبقات ملت قرار دارد، در اثر پیشنهاد وزارت مالیه و منظوری شورای انقلابی سراز تاریخ ۲۲ می ۱۹۷۸ فیصله سابق منسوخ اعلان میگردد.

ماده دوم :

از سالیان متعددی به این طرف مقدار هنگفتی اموال ضبط شده و قاچاقی در گدامها انبار است، چون رشوه در ادارات رایج بوده خاندان نادرخان، این اموال را به دارایی ملی تحویل نداد، تابتوانند از آن به نفع خود سوء استفاده نمایند. بهمین نسبت این اموال در

گدام ها گنبدیده و از استفاده باز مانده است، بناءً به وزارت مالیه هدایت داده شد تا در توزیع اموال مذکور ترتیبات لازم اتخاذ نماید.

۱۷-۵-۱۹۷۸ خبرگزاری فرانس پرس AFP از فرانسه :

خبرگزاری موصوف از راولپندی مینگارده که :

روز سه شنبه افغانستان با اتحاد شوروی و چکوسلواکیا معاهدات همکاری را امضاء کرد. قرار دادیکه با اتحاد شوروی امضاء شده و بالغ بر ۱۶ ملیون روپل میباشد درباره مطالعات جیوفزیکي بوده و قرار داد دیگری که با حکومت چکوسلواکی با حجم ۳۰۰۰ ملیون دالر امضاء شده جهت تمویل مصارف و مطالعات ذخایر ذغال سنگ در جنوب افغانستان میباشد.

۱۷-۵-۱۹۷۸ خبررسانی تاس TASS اتحادشوروی :

خبرگزاری تاس به استناد روزنامه «کابل تایمز» از کابل گزارش میدهد که حکومت جمهوری دیموکراتیک افغانستان در نظر دارد تا برای یک ملیون نفر اتباع افغانی کار فراهم سازد. تهیه کار یکی از برنامه های مهم در خط مشی رژیم جدید کابل شامل است.

۱۸-۵-۱۹۷۸ سرویس خبررسانی مونیتور MONITOR از شهر کلن آلمان غرب :

قرار داد اقتصادی بین افغانستان و شوروی به امضاء رسید:

برنامه عربی رادیو کابل ۱۶-۵-۱۹۷۸ ساعت ۱۰... بوقت گرینوچ :

مذاکرات درباره تهیه علوفه برای حیوانات، مواد اولیه تولیدی، وسایل ترانسپورت و لوازم بدکی آن برای سال ۱۹۷۸ بین افغانستان و اتحاد شوروی پایان رسیده و در ختم آن قراردادی بین مملکتین در کابل به امضارسید. علاوه برین در قرار داد موافقه شده تادرفهت منطقه شمال افغانستان تفحصات بیشتر نفتی صورت گیرد. حجم مجموعی قرارداد بالغ بر ۱۶ ملیون روپل تثبیت گردیده. قرار داد از طرف افغانستان توسط المجنیر رسولی معین وزارت معادن و صنایع و از طرف شوروی توسط دیوریت تسیتوف مشاور تجارتی سفارت اتحاد شوروی در کابل به امضاء رسید.

۱۸-۵-۱۹۷۸ خبر رسانی تاس Tass اتحاد شوروی:

وزیر خارجه افغانستان در ماسکو:

حفیظ الله امین وزیر خارجه و معاون صدراعظم افغانستان در راه سفرش به هاوانا پایتخت کیوبا، جهت اشتراك در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای غیر منسلک، روز چارشنبه ۱۷-۵-۱۹۷۸ وارد ماسکو شد و وزیر خارجه اتحاد شوروی اندری گرومیکو با مهمان خود ملاقات کرد. امین در بیانیه ای اظهار داشت که هدف اصلی انقلاب افغانستان رفع پسمانی اقتصادی مملکت و تطبیق پلان های اصلاحی به نفع مردم افغانستان می باشد وی اطمینان کامل دارد که بین افغانستان و شوروی پیوند های ناگسستنی، دوستی و برادری موجود است.

۱۸-۵-۱۹۷۸ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

کمکهای شوروی برای افغانستان:

سفر وزیر خارجه جدید افغانستان به ماسکو علامت « دوستی و برادری »: وزیر خارجه اتحاد شوروی گرومیکو، حفیظ الله امین وزیر خارجه افغانستان را که توسط کودتای نظامی بقدرت رسیده جهت تبادل افکار و « مذاکرات دوستانه » در وزارت خارجه اتحاد شوروی پذیرفت. در آغاز مذاکرات گرومیکو تبریکات صمیمانه خود را به امین اظهار نمود و همکاری « بی شایبه » شوروی را برای تربیه « کادر ملی » و کمکهای اقتصادی به افغانستان وعده داد. از دید این دو سیاستمدار، افغانستان و اتحاد شوروی باهم « دوستی برادرانه » و پیوند های عمیق و ناگسستنی دارند.

خبرگزاری تانیک یوگوسلاوی راپور میدهد که در این اواخر بین اتحاد شوروی و افغانستان پنج قرارداد همکاری به حجم سه صد میلیون روبل به امضاء رسیده، در جمله قرارداد های متذکره دو قرارداد آن جهت تهیه وسایل و وسایط تخنیکی و تکمیل پروژه های زراعتی به شمول استخراج معدن مس شامل می باشد.

رژیم جدید کمونیستی که بعد از کودتای خونین اپریل بقدرت رسیده و در آن کودتا

محمد داود با تعدادی از اعضای خانواده اش بقتل رسیده، اعلام کرد که دوسیه های عده ای از بازماندگان خانواده محمد داود نسبت جرایم شان به يك دادگاه اختصاصی نظامی سپرده شده و تعدادی از زن ها و اطفال مربوط خاندان وی بازداشت و زندانی می باشند. به قول يك دیپلمات غربی از دهلی جدید يك تعداد مامورین عالیرتبه همکاران محمد داود بازداشت گردیده و به دادگاه نظامی معرفی شده اند.

در نظام جمهوری گذشته درجمله اعضای کابینه محمد داود طرفداران شوروی نیز شامل بودند. نظربه راپورهای موثق محمد خان جلالر وزیرتجارت، که در سفر رئیس جمهور افغانستان به مصر باوی همراه بوده و در مذاکرات بین دولتین اشتراك داشت، جریان مذاکرات و موافقات محمد داود و انورالسادات رئیس جمهور مصر را که صورت گرفته بود شب همانروز به سفیر شوروی در قاهره راپور داده است. انورالسادات با محمد داود با هم به توافقاتی رسیده و سادات وعده داده بود، در صورتیکه محمد داود روسها را از افغانستان اخراج کند، وی حاضر است با افغانستان کمک های اقتصادی کرده و جبران کمبود کمکهای اتحاد شوروی را بنماید. در مذاکرات قاهره وفی الله سمیعی وزیر عدلیه، شخصیت وطن دوست و مسلمان افغان، نیز سهم داشت وی در روز اول کودتا بقتل رسید. ما مترصد اوضاع خواهیم بود که محمد خان جلالر نسبت پاداش خدماتش به رژیم کمونیستی به کدام پیمانہ مکافات برای خود مطالبه خواهد کرد.

۱۸-۵-۱۹۷۸ نیوسورخر سایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

تشکیل «محکمه اختصاصی ضد انقلاب» در افغانستان:

اسلام آباد ۱۶می: بقول خبرنگار روزنامه سویسی از اسلام آباد رژیم جدید کابل تشکیل «محکمه اختصاصی ضد انقلاب» را در افغانستان اعلام کرد. در ابلاغیه که بدین مناسبت صادر شده توضیح گردیده که این محکمه فیصله های خود را در مورد آن عده مامورین نظامی و ملکی که علیه کودتای ۲۷ اپریل فعال بود و باعث نا آرامی شده اند صادر خواهد کرد.

۱۹-۵-۱۹۷۸ خبر رسانی مونیتر Monitor از شهرکلن آلمان غرب:

قیود عبور و مرور اتباع خارجی در افغانستان :

خبرگزاری تانیوگ ۱۷-۵-۱۹۷۸ از بلگراد (یوگوسلاوی):

حکومت کابل برای اولین بار قیود سیر و سفر را برسیاحین خارجی وضع نمود. به اساس این فیصله کسانیکه از کشورهای دیگر وارد افغانستان می شوند، اجازه بیشتر از چهار روز اقامت را در افغانستان ندارند. آنهائیکه حامل تکت طیاره پرواز دور دنیا باشند، میتوانند هفت روز در افغانستان اقامت کنند. علاوه بر این به سفارت های افغانی در خارج هدایت صادر شده که به خبرنگاران خارجی برای مدت نامعلوم ویزای دخولی به افغانستان را صادر نکنند اما کسانیکه برای سفر رسمی و تجارتی وارد کشور میشوند از این امر مستثنی می باشند.

۲۲-۵-۱۹۷۸ ساعت ۱۲:۳۰ وقت گرینویچ رادیو طرابلس (لیبیا) برنامه عربی:

انکشاف عظیم در روابط افغانستان با لیبیا:

حفیظ الله امین وزیر خارجه و معاون صدارت جمهوری دیموکراتیک افغانستان به تکرار انکشاف جدید و عظیم همبستگی و همکاری افغانستان را با لیبیا تأیید کرد. امین در یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار روزنامه یانا(لیبیا) اظهار امیدواری کرد که هر دو کشور در تمام ساحات مورد علاقه همکاری داشته و تمسهای عمیق خود را ادامه خواهند داد. وزیر خارجه افغانستان مداخلات استعمارگران را در افریقا محکوم کرده و تقاضا کرد تا کشور های جهان سوم برضد استعمار و استثمار توسط کشور های خارجی از خود دفاع کنند.

۲۲-۵-۱۹۷۸ ساعت ۱۹:۰۰ به وقت گرینویچ رادیو ماسکو برنامه انگلیسی :

نورمحمد تره کی در بیانیه خود اظهار کرد اتحاد شوروی به حیث یک کشور دوست و وفادار ملت افغانستان ، و این دوستی و احترام پایدار خواهد ماند. وی اضافه کرد که در گذشته اتحاد شوروی همواره دوست وفادار ملت افغانستان بوده و بدون چشم داشت پاداشی کمکهای بی شایبه کرده است این کمکها در ساحات تجارتی،

صناعتی و فرهنگی و غیره بیشتر توسعه خواهند یافت. وی درختم بیانیه خود علاوه کرد که اتحاد شوروی اولین کشوریست که رژیم جدید افغانستان را برسمیت شناخت و این بزرگواری صادقانه و غیر مغرضانه حکومت شوروی در خاطر نسلهای آینده افغانستان پایدار خواهد ماند.

۲۴-۵-۱۹۷۸ روز نامه زود دویچی Sueddeutsche Zeitung از آلمان غرب :

تقلیل تشنج بین افغانستان و پاکستان :

بلگراد: بعقیده منابع یوگوسلاوی روابط پاکستان و افغانستان بین هم در مسیر آرامتری قرار گرفته است. تبادل سفرها بین روسای جمهوری دیموکراتیک افغانستان و پاکستان ازخطر تشنج بین دو کشور تا اندازه ای کاسته است. علاوه برین هردو کشور موافقتنامه های قبلی را در مورد اقلیت هایکه در حاشیه سرحدات زندگی می کنند تأیید کرده اند. رژیم کابل با خوشنودی زیاد تحولات اخیر افغانستان با پاکستان را تأیید کرده و آنرا موفقیت بزرگی برای پیشبرد مقاصدش در آینده میدانند.

فراموش نباید کرد که حکومت پاکستان بنا بر موقف ضعیف فعلی خود سعی می ورزد تا حد امکان برای مدتی آرامی نسبی را در مملکت خود حفظ کند.

۲۶-۵-۱۹۷۸ سرویس خبررسانی مونیتور Monitor از شهر کلن آلمان غرب: سرویس خبررسانی مونیتور به حواله آژانس خبرگزاری تاس (۲۳-۵-۱۹۷۸) از ماسکو مینگارده:

قرار داد تجارتي بین اتحاد شوروی و افغانستان:

بعد از يك سلسله مذاكرات بین هیئت های تجارتي افغانستان و اتحاد شوروی، قرار داد واردات و صادرات بین مملکتین برای سال ۱۹۷۸ در ماسکو به امضاء رسید. با عقد این قرارداد حجم تجارت بین دو کشور طور چشمگیر بلند رفته است.

قرار است از تولیدات اتحاد شوروی به جمهوری دیموکراتیک افغانستان، ماشین آلات، پرزه جات، روغنیات، مواد فلزی، تایر موتر، سمنت، شکر، لوازم خانه ومواد فرهنگی صادر شده و در مقابل آن از افغانستان گاز، پنبه، پشم، میوه خشك و تازه، زیتون، قالین وغیره

به شوروی وارد شود.

قبل از آغاز مذاکرات معین وزارت تجارت جمهوری دیموکراتیک افغانستان، سلام، از طرف وزیر تجارت خارجی اتحاد شوروی، نیکولای پاتیلیشوف، پذیرایی گردید.

۲۸-۵-۱۹۷۸ فارن رپورت Foreign Report :

بعد از کودتای پلان شده اتحاد شوروی در افغانستان و به قدرت رسیدن نورمحمد تره کی در کابل و ایجاد تشنج در شبه قاره ، روسها سعی میورزند تا با قوت هرچه بیشتر این کشور را در چنگ خود داشته باشند.

بعد از آنکه کودتای اپریل ۱۹۷۸ به موفقیت انجامید تا امروز بیست و پنج قرارداد و موافقتنامه های مختلف النوع بین اتحاد شوروی و افغانستان به امضاء رسیده است. آخرین قرارداد دایکه بین دو کشور به امضاء رسیده در مورد اعزام معلمین افغانی به شوروی میباشد تا لسان روسی و مضامین ساینس را در آنجا آموخته و در بازگشت در مکاتب و یونیورسیتی کابل مضامین مربوط را به لسان روسی تدریس نمایند.

از طرف دیگر مشاورین روسی برای کمک و تقویه رژیم تره کی مرتب وارد کابل میشوند و امور مهم در ادارات حکومتی به آنها سپرده می شود. بنا بر آخرین آمار موثق تا حال بر علاوه آن عده متخصصین روسی که قبلاً در افغانستان وظیفه داشتند در حدود ۴۰۰ نفر متخصص شوروی به کابل وارد شده و در رأس هر وزارت خانه اقلایک مشاور روسی وظیفه دارد.

مامورینی که در دوران رئیس جمهور محمد داود در ادارات دولتی وظیفه داشتند به چوکیهای پائین رتبه و غیر حساس تبدیل شده اند و در کشوری که همیشه بامشکل کمبود مامورین کاردان مواجه بوده ، امروز خلای بیشتر از این ناحیه در ادارات دولتی احساس می شود.

در کابینه تره کی صرف یک نفر دارای تحصیلات عالی در رشته کار خود داشته و متباقی آنها اصلاً هیچ دانش و سابقه ای در رشته اداری ندارند.

در طول شب همینکه قیود شبگردی بر شهر تحمیل می شود مامورین رژیم موجوده به فعالیت آغاز نموده و هر شب تعدادی از مامورین سابق اداری و اهالی عادی شهر را جهت

تحقیق بازداشت میکنند. براساس آخرین گزارشات درطول این مدت بین دو الی سه هزار نفر دستگیر و بازداشت شده اند.

درپهلوی ورود متخصصین، طیارات باربردار روسی درطول شب وسایل و مهمات جنگی را به میدانهای هوایی کابل و بگرام تخلیه کرده و بی اینکه موتورهای طیارات خاموش گردند دوباره به صوب اتحاد شوروی پرواز میکنند. يك دپلومات چینی باعصبانیت اظهارداشت در این اواخر بر علاوه ساز و برگ جنگی و کشتار، صد عراده تانک از نوع T-62 از طریق هوا به کابل انتقال و تحویل داده شده است.

تره کی که خود را بحیث رئیس دولت و صدراعظم اعلام نموده است درمصاحبه ای اخیرش تعهد کرد که هرگز در نظر ندارد با اتحاد شوروی يك قرارداد دفاعی امضاء کند. اما منابع موثق اطلاع می دهد که مسوده قرارداد ترتیب گردیده و بزودی باامضاء خواهد رسید. همچنان احتمال دارد رژیم جدید کابل موافقتنامه ای، به شکل قرارداد دوستی هندوستان و شوروی که در سال ۱۹۷۱ به امضاء رسیده، با اتحاد شوروی عقد نماید و هم پیشگویی می شود که در قرارداد جدیدی که بین افغانستان و شوروی به امضا می رسد ماده (دفاع متقابل) را که هندوستان به آن موافقه نکرده، گنجانیده می شود.

حکومت تره کی نخستین گامها را بسوی سوسیالیستی ساختن افغانستان گذاشته است. چنانچه همین حالا ۵۰٪ تاجران سرشناس افغانستان جهت تحقیقات بازداشت شده اند. در سالهای گذشته عاید سالانه مملکت از درک توریزم بالغ بر سی میلیون دالر میگردید و این منبع عاید اسعار قوی بعد از کودتای ثور کاملاً سقوط کرده است.

۳-۵ - ۱۹۷۸ نیوزور خرسایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس:

خبرنگار روزنامه موصوف بتاريخ ۲۹ می از راولپندی مینگارد:
برای نخستین بار در تاریخ افغانستان اتحادیه کارگران تشکیل گردید. این خبریاساس گزارش رادیو کابل در رسانه ها انتشار یافته و همچنان روز اول می رسماً بحیث روزکارگر و تعطیل عمومی در سراسر کشور اعلام گردید.

جون

ACKU

۱-۶-۱۹۷۸ زود دوپچه سابتونگ Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب :

واشنگتن : حکومت امریکا در ابراز نظر خود در مورد کودتای اپریل در افغانستان و قدرت رسیدن زمامداران جدید آنکشور مردد است. آگاهان سیاسی در وزارت خارجه امریکا چنین ابراز نظر میکنند که امکان دارد کودتای افغانستان و زمامداری نورمحمد تره کی از نوع کمونیزم تندرو نباشد و علاوه می کنند که از جمله ۲۱ وزیر حکومت جدید کابل ده نفر آنها در امریکا تحصیل کرده و تنها سه تای شان در شوروی تربیت نظامی یافته اند.

از طرف دیگر پروازهای منظم باربری از شوروی جانب کابل وهم این حقیقت که مشاورین روسی کنترل امور ادارات را در دست گرفته اند باعث تشویش حکومت امریکا گردیده است. حکومت امریکا، برای اینکه تحت فشار قرار نگرفته باشد و بتواند در مورد افغانستان باخاطر آرام مطالعه بیشتر و عمیقتر نموده بعداً تصمیم بگیرد، زودتر از انتظار، رژیم جدید آن کشور را برسمت شناخت وهم ادامه کمکهای ۲۰ میلیون دالری خود را به رژیم جدید افغانستان تأیید کرد.

۷-۶-۱۹۷۸ هندلس بلت Handelsblatt آلمان غرب :

بیروت : در این اواخر حکومت جدید افغانستان با اتحاد شوروی در شقوق مختلف قرار داد هایی را با هزینه ۵۶۰ میلیون دالر و همچنان با حکومت چکوسلواکی به حجم ۶۰ میلیون دالر به امضاء رسانید. قرار است این مبالغ درچوکات کریدت طویل المدت برای افغانستان کار سازی شود. در این قرار داد ها از چگونگی و شرایط کریدت ذکری نشده است.

جولائی

ACIKU

۱-۷-۱۹۷۸ نیوزویک Newsweek امریکا:

نیویارک - اسلام آباد : حکومت جدید افغانستان در اوایل کودتا از رابطه خود با ماسکو انکار میکرد، اما امروز بوضاحت دیده می شود که زمامداران افغانستان و همچنان صلاحیت امور اداری کشور در ید پر قدرت شوروی قرار گرفته است. به اساس اطلاعات واصله از منابع سری اطلاعاتی امریکا از هفت ثور تا امروز به تعداد ۵۰۰ مشاور تازه روسی به افغانستان آمده و پستهای مهم را در ادارات آن کشور اشغال کرده اند. دستگاه امنیتی کابل که در رژیم گذشته با همکاری متخصصین آلمان غربی اعمار گردیده بود امروز جای شانرا مشاورین شوروی گرفته است. نظریه اطلاعات وارده از منابع موثق آمرین ادارات دولتی بدون موافقت و هدایت مشاوران شوروی اجازه ندارند در باره موضوعات مهم اداری تصمیم گرفته یا اقدام به انجام کاری بنمایند.

رادیو کابل اعلام کرد که اسلم وطنجار وزیر مخابرات و معاون صدارت به حیث وزیر داخله تعیین گردید، و شخصی بنام گلابزوی بحیث وزیر مخابرات مقرر شده است. همچنان وزیر داخله سابق نورمحمد نور و بېرک کارمل معاون شورای انقلابی و معاون صدارت از وظایف شان برطرف گردیده و بحیث سفرای افغانستان در واشنگتن و پراگ تعیین شده اند. این دو نفر از طرفداران سرسخت ماسکو میباشند. کارمل مارکسیست از زمره رقبای سرسخت و قوی رئیس شورای انقلابی و صدراعظم نورمحمد تره کی میباشد. وی در سال ۱۹۷۶ از حزب کمونیستی خلق جدا شده و حزب جدیدی را بطرفداری ماسکو بنام پرچم بنا نهاد اما در سال ۱۹۷۷ هردو حزب در اثر وساطت اتحاد شوروی باهم ائتلاف کردند.

۱-۷-۱۹۷۸ نیوزویک Newsweek نیویارک، امریکا:

اعدام کمونیست های عراق اختطاری برای شوروی :

در محافل سیاسی اعدام ۲۱ نفر از کمونیستهای عراق در بغداد اختطاری برای شوروی:
در محافل سیاسی اعدام ۲۱ نفر از کمونیستهای عراقی در بغداد اختطاری برای ماسکو

شمرده می شود. در بیانیهء صدام حسین رئیس جمهور عراق اظهارداشت که این عمل عراق پاسخ اعمال ممالکیست که در امور يك کشور دیگر مداخله میکنند، صدام حسین در مصاحبه اش با خبرنگار جریده نیوزویک گفت: بعضی کشورها میخواهند در امور داخلی دیگر کشورها مداخله کنند و با این عمل خود کشور ضعیف را مبدل به میدان جنگ میان قوای شرق و غرب میگردانند.

آگست

۲-۸-۱۹۷۸ بیلد سایتونگ Bild Zeitung آلمان غرب :

زور آزمایی بین نیروهای مختلف در افغانستان :

رژیم جدید افغانستان در نظر دارد تا تغییرات بنیادی را در زندگی ملت افغان وارد کند. باوجود اینکه رژیم جدید افغانستان نخستین قانون خود را با (بسم الله الرحمن الرحيم) شروع میکند اما وقتی انسان برنامه اصلاحی رژیم بر سراققدار را از نظر میگذراند تضاد بین عنعنات مردم که بر اساسات اسلام استوار است و برنامه های جدید رژیم بر وضاحت دیده می شود.

اساساً منشاء تمام قواعد زندگی مردم در افغانستان اسلام است. قواعد زندگی مردم در افغانستان منشاء خود را از دین اسلام استخراج میکنند و رژیم جدید میخواهد بزیر نام (اسلام اصیل) تغییرات کلی را در روند زندگی مردم بیآورد و اساسات بنیادی دینی اصیل مردم افغانستان را برهم زند. به یقین می توان گفت که در میان ملت افغانستان جنبش شدید مقاومت در برابر آن عرض اندام خواهد کرد.

رئیس دولت تره کی در بیانیه خود اظهار داشت: مردم هر طوریکه فکرمی کنند چه از روی عقیده و یا از ترس و هراس، از خط مشی وی طرفداری خواهند کرد. جای شك و تردید نیست که رژیم بر سراققدار مصمم است جهت رسیدن به اهدافش از اعمال انواع فشار دریغ نخواهد کرد.

در این اواخر اطلاعات موثق بدسترس ما رسیده که رژیم کابل بر مناطقی که در آن مقاومت ملت افغان در حال تشکل است توسط طیارات و هیلوکوپترها بمباردمان را آغاز کرده و سلسله گیر و گرفت مردم در سراسر کشور بشدت ادامه دارد.

در عین حال در بعضی محافل پیشگویی می شود که نور محمد تره کی ۶۱ ساله صرف به حیث یک شخص دوره انتقال در رژیم موظف گردیده و احتمال دارد روزی رقیب وی کارمل، که ۱۴ سال نسبت به تره کی جوانتر بوده و از طرفداران سرسپرده ماسکومی باشد، جانشین وی گردد.

فضای خالی از مصئونیت :

در کابل فضا و ماحول زندگی مکدر و خالی از مصئونیت می باشد. اهالی شهر کابل نه تنها از تعقیب و بازداشت رژیم در حال ترس و رعب به سر میبرند بلکه حکومت نیز از ملت در حراس است و وزرای رژیم کابل را میتوان تنها با محافظین مسلح و سوار بر موتر در شهر دید اما از حوادثی که در عقب دیوارهای عربض ادارات و درهای بسته بین اعضای حکومت در جریان است کسی چیزی نمیداند.

۱۹-۸-۱۹۷۸ رینیشی پوسٹ Rheinische Post آلمان غرب :

کودتایی علیه رژیم کابل کشف گردید:

اسلام آباد: در افغانستان کودتایی علیه رئیس دولت برملاء گردید. بر اساس گزارشی از رادیو کابل کودتای ایکه رهبری آنرا وزیر دفاع افغانستان عبدالقادر بعهده داشت کشف و خنثی گردیده است. قادر و یک تعداد از طرفدارانش بازداشت گردیده اند. بعد از بازداشت شدن کودتاجیان تره کی امور وزارت دفاع را نیز بعهده گرفت.

تره کی با کودتای ۲۷ اپریل که رهبری آنرا عبدالقادر بعهده داشت بقدرت رسید، ولی امروز عبدالقادر دوست وفادارش بازداشت گردید.

خبرنگار روزنامه آلمانی اضافه میکند: باحادثه ای امروزی در کابل، افواهایی که قبلاً در مورد اختلافات ذات البینی بین جناحهای مختلف کمونیستها سرزبانها بود، تأیید گردید وی خاطر نشان میکند که قبل بر این در ماه جون گذشته ببرک کارمل نیز در اثر اختلافات ذات البینی بین دوشاحه کمونیست از وظیفه اش برکنار گردیده بود.

سپتامبر

ACKU

۱۵-۹-۱۹۷۸ نیوزوریکر سائیتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

شهر مزار شریف از سرحد شوروی کمتر از یک صد کیلومتر فاصله دارد. مردم مسلمان افغان عقیده دارند که در این شهر مقدس جسد خلیفه چارم اسلام که بر یک اشتر سفید حمل میشد بعد از طی طریق به این شهر مواصلت کرده و در اینجا دفن است. مقبره خلیفه چارم با گنبد های عظیم آن که با کاشی نیلگون تزئین شده و همچنان مساجد اطراف مقبره که با همان شاهکاری و صنعت اعمار گردیده عظمت و فرهنگ پارینه افغانستان را آشکار میکند.

عوام شهر از گزارشات کابل چندان آگاه نیستند، صحنه جالب و قماشائی شهر مزار شریف را علمای دین، ملاها و کسانیکه برای زیارت مزار خلیفه چارم آمده اند و اطراف مقبره و مسجد در رفت و آمد می باشند در گردش هستند تشکیل میدهند و عساکر قوای انقلابی رژیم جدید کابل کمتر به نظر می خورند. با آنکه در تمام نقاط مزدحم شهر فوتوهای رئیس دولت جبراً آویخته شده و بیننده را برای لحظهء بخود جلب می کند اما هیچ کس قبول کرده نمیتواند که این ملت مسلمان، متدین و محافظه کار جنوب دریای آمو در برابر قدرت سوسیالیزم سرخم نماید.

بیننده حین بازدید از این شهر باستانی افغانستان تفاوت عجیبی را در زندگی مردم و محیط آن با فضای مختنق و سردرگم کابل مشاهده میکند یقیناً در دیگر شهرهای بزرگ این کشور نیز عین تفاوت محسوس است.

در پنج ماه گذشته انقلاب کمونیستها در افغانستان یک حالت سردرگمی غیر قابل تصور را در میان ملت ایجاد کرده است.

کودتای اپریل :

هنگامیکه عساکر افغانی به فرماندهی چپگرایان به تاریخ ۲۷ اپریل بر کاخ ریاست جمهوری موفقانه حمله کردند، نور محمد تره کی به حیث زندانی در بازداشت قرارداداشت و قام کدر رهبری کمونیستها از جان خود بیمناک بودند.

زمانیکه کودتاچیان دز های توقیف را باز کردند، مردان بر سراققتدار امروزی فکر میکردند به کشتار گاه برده می شوند و اصلاً تصور اینکه بزودی بر کرسی ریاست دولت و وزارتخانه ها تکیه بزنند برای شان ناممکن بود.

درحلقات مختلف سیاسی درکابل همه میدانستند که افسران کمونیستی از طرزالعمل و اجراءات محمد داود رضایت ندارند. در برنامه ریزی کودتای سرطان برضد محمد ظاهرشاه و نظام شاهی افغانستان کمونستها و عناصر چپگرا از محمد داود و شخصیت شناخته شده او بحیث يك پرهزه کاری در دوره انتقال استفاده کردند. تا بعد از استقرار نسبی درکشور و در وقت مناسب قدرت را از او گرفته و خود جانشینش کردند.

در پهلوی افسران کمونیست يك تعداد دیگرشان که در قوای هوایی وزرهدار کشور وظیفه داشتند و یا آنکه در شوروی تحصیل کرده بودند مردمان مسلمان بوده و آرزوی آبادانی کشور و برقراری عدل و مساوات را در بین مردم کشورشان در سر داشتند، متأسفانه بخت با آنها بازی نکرد و به مراد خود نرسیدند و صفحه به نفع مخالف برگشت.

نقش روسها در سایه و روشنی دوگونه مینماید. سفارت شوروی درکابل وسعت و وزرگی يك پایتخت را بخود گرفته و تعداد مشاوران و متخصصین روسی تا امروز به هفت هزار نفر تخمین زده شده. البته دستیابی به تعداد دقیق آن خیلی مشکل و حتی غیر ممکن است تفریق عساکر اوزبک، تورکمن و یاتاجیک شوروی از مردمان بومی این سرزمین بسیار مشکل است. عساکر شوروی که از آنطرف دریای آمو با یونیفورم نظامی افغانستان داخل این کشور شده اند کسی نمیداند که اینها کجائی و کی هستند.

ماسکو با تمام قدرت سعی میوزرزد تا امکانات به میان آمدن يك نظام مخالف کمونیستی را، قسمیکه در اواخر دوران محمد داود بمشاهده میرسید، مانع شده و از بین بردارد. از اینرو ماسکو جهت کنترل امور پوزانوف عضو برجسته حزب کمونیست و سفیر سابق شوروی در بلگراد را به حیث سفیر خود در کابل مقرر کرد تا از کریملین در افغانستان نمایندگی کند و با اشخاص طرف اعتماد ماسکو در تماس دایمی بوده و از چگونگی اوضاع ماسکو را مستحضر گرداند.

خارجیان مقیم کابل چنین پیشگویی میکردند که طرفداران جدی ماسکو کمونیستهای بنیادگرا (رادیکال) صرف برای مدت کوتاهی قیادت افراد خلقی را در کرسی های سیاسی خواهند پذیرفت و بعد از مدت کوتاهی آنها را یا از بین برده و یا به سفارت خانه های افغانستان در خارج تعیین کرد و اداره امور کشور را در دست خواهند گرفت.

بیرون کشیدن ببرک کارمل و طرفدارانش را به خارج و سلب قدرت شان را نباید غلبه گروه

برسراقتدار شمرده بلکه چنین می نماید که شوروی در عقب پرده تصمیم گرفته تا گروه اصلی طرفدار خود را از صحنه ناآرامیهای اولی دور کشیده و از ایشان برای روز مبادا جهت اشغال قدرت در کشور محافظه کند.

در این اواخر افواهایی در بازارهای کابل پخش شده که قرار بود بروز تجلیل از پشتونستان کودتایی صورت گیرد اما قبل از عملی شدن آن کشف و خنثی گردید. بعد از این حادثه سلسله بازداشتها در طول روز و شب تشدید یافته و ادامه دارد، در این گیر و گرفت مردمان عادی و بخصوص طبقه روحانیون و خوانین کشور شامل میباشند. در پهلوی این گرفتاریها در تعداد اعدام شدگان افزایش بعمل آمده اما نمیتوان درباره تعداد شان اظهار نظر کرد. اما درباره تعداد زندانیان سیاسی که از چهار هزار نفر بیشتر است صحبت می کنند.

تره کی سعی می ورزد تا خود را بحیث موسفید قوم تبارز دهد اما در میان مردم بنام (تروتسکی) شهرت پیدا کرده و از طرف دیگر معلوم است که فهم و درایت آنرا ندارد تا با تفکر و مطالعه عمیق برنامه منظم امور شباروزی کشور را ترتیب نموده و آنرا پیش ببرد. از جناح دیگر نظر مشاهدین بیشتر متوجه حفیظ الله امین وزیر خارجه افغانستان است. او بنام يك ابن الوقت (اپرچونیست) شهرت دارد و از طرفداران سرسخت مکتب ستالین (ستالینیست) میباشد.

در میدان های شهر کابل مظاهرات طرفداران رژیم و محافل سخنرانی که هرگاه و بیگاه بنام (طبقه کارگر) و یا محکوم کردن (خائنین) بر پامیشود رنگ و ساختمان مکاتب بلاک شرق را دارد و درکنار مظاهرات و محافل تعداد بیشماری از دسته های محافظین مسلح با سلاح خفیف و ثقیله دیده میشوند که برای بیننده خفقان آور است.

سرنوشت سیاسی افغانستان همچون گذشته با مردم پشتو زبان مملکت رابطه مستقیم دارد. پنجاه درصد مردم آریایی نژاد افغانستان را پشتونها تشکیل میدهند در شمال غرب پاکستان نیز تعداد زیادی از آنان زندگی میکنند. اکثریت طبقه فیودال افغانستان را پشتونها تشکیل میدهند و امروز هم اکثریت طبقه حاکم و افسران رژیم جدید بر سر اقتدار افغانستان مربوط به قوم پشتون میباشد. احياناً اگر روزی علیه رژیم بر سر اقتدار قیامی صورت بگیرد یقیناً منبع و سرچشمه آن مردم پشتون خواهد بود.

تاجائیکه شنیده میشود رژیم موجوده قدرت سرکوبی خود را در مناطق جنوب کابل و جنوب هرات متمرکز ساخته است و در شهر کابل از مخالفین رژیم شنیده میشود که نخستین گروه های مقاومت افغانستان علیه رژیم در مناطق مختلف افغانستان تشکیل شده است و همچنان شبنامه هایی بنام یک گروه اسلامی پخش گردیده که در آن مزدم را به جهاد دعوت کرده است.

تاریخ شاهد آنست که سرتاسر افغانستان برای جنگهای چریکی بهترین موقعیت را داراست و با صراحت و یقین میتوان گفت با آنکه شوروی یک ابرقدرت جهانی است اما به مشکل میتواند با فشار تانک و طیاره سلطه خود را بالای این ملت تحمیل کند.

درعین حال در اذهان مبصرین سیاسی سوالهایی به گونه ای ذیل مطرح است که :

- آیا در برابر رژیم موجوده یک مقاومت دینی و ملی منسجم بوجود خواهد آمد؟

- آیا امکان دارد درین این ملت یک رهبر واحد مقاومت ملی خلق شود؟

- آیا جنبش اول مقاومت و جنگ علیه رژیم موجوده توسط ملاها و روحانیون آغاز

خواهد یافت؟

- آیا آنها با مخالفان رژیم شاهی در ایران هم آهنگ خواهند شد؟

- و یا اینکه در اخیر بابنیان گذاری گروه های قومی و مذهبی توسط اقوام و پیروان

مذاهب مختلف و با یکدست شدن ملت، گروه مقاومتی به وجود خواهد آمد که با ادغام شان

با گروه های ملی افسران کشور طوریکه در شمال دریای آمود در سالهای قبل بنام (بسمچی)

تشکیل شده بود و مانند گروه های سلاوی ۱۹۳۰ تا آخرین دم مبارزه و بالاخره از بین رفتند.

احتمال بروز خطر از جانب چین:

گروههای مقاومت افغانستان کاملاً تنها گذاشته نخواهد شد.

فعلاً شاه ایران گرفتار حل مشکلات داخلی کشور خود است و احتیاط کامل را در

مورد افغانستان بخرچ خواهد داد و نخواهد گذاشت تا در اثر مداخلات در مرز شرقی کشورش

درد سر جدیدی برای خود خلق کند.

پاکستان هم بصورت واضح از تصادم مستقیم و مداخله در جریان افغانستان بیم دارد.

ترس پاکستان از ناحیه پشتونستان همیشه موجود بوده است از طرف دیگر جنبشهای

خود مختاری در بلوچستان درد سر بزرگی برای پاکستان خلق کرده و با موجود بودن همین

عوامل از احتیاط زیاد در برابر افغانستان کار خواهد گرفت.

اما در شرق افغانستان درانجام دنباله يك انگشت که بنام واخان یاد میشود و باطول هشتاد کیلومتر باچین هم مرز میباشد و هم با پامیر افغانستان و ایالت سینکیانگ چین رابطه دارد، رفقای شوروی درکابل از آنها درهراس بوده احساس خطر میکنند. از اینرو جای تعجب نخواهد بود که جنبش مقاومت در برابر رژیم موجود از نورستان و بدخشان، یعنی از دو نقطه بام دنیا که با چین تماس دارد، آغاز یابد.

شوروی با قمار بزرگی روبرو است اگر بخت با وی یاری بکند با بستن درهای افغانستان و داخل کردن آن در حوزه خود به ساختن يك منگولیای دیگر در منطقه موفق میگردد، در آنصورت با وجود آله فشار یعنی پشتونستان و نا آرامیها در بلوچستان کسی قادر به بستن راه رسیدنش به بحر هند شده نمی تواند. اینکه این عدم توازن در منطقه چه عواقبی را ببار خواهد آورد از محاسبه امروزی بدور است.

از طرف دیگر در صورتیکه گروه های دینی و ملی افغانستان، گروه های مقاومت را در برابر حکومت مارکسیستی کابل بسیج کنند به یقین و بدون شبهه میتوان گفت که جنگهای چریکی برای مدت درازی در این کشور ادامه خواهد یافت و افغان ها که يك ملت مغرور، آزادی خواه و جنگجو می باشند برای زمامداران کریملین درد سر بزرگی خلق خواهند کرد.

بخاطر بیابوریم که مناطق مسلمان نشین جنوبی آسیای مرکزی که نقطه ضعف شوروی شناخته می شود در اثر جنگهای توسعه طلبی تزارهای روسی تحت قیادت روسها درآمده هنوز هم صدای اسلام خواهی که از دارالسلام افریقا تا فلپین ادامه دارد. شاید این مسلمانان جنوب شوروی روزی بنام اسلام صدای خود را بلند بکنند.

۲۳ و ۲۴ - ۹ - ۱۹۷۸ نیوزور خرسایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

افغانستان بعد از کودتا :

بسیج نیروها در رژیم کمونیستی کابل زیر عنوان و شعار اسلام:

رژیم جدید در افغانستان بایست با نو آوریها دل مردم را به دست آورد برای این کار نظام جدید به يك سرود ملی جدید ضرورت دارد. حسب معمول به کمپوزیتورها و نوازندگان

مترقی کشور هدایت داده شد تا آهنگ سرود ملی جدیدی را تنظیم کنند. قبل از صدور این هدایت ترانه ملی ای زیر عنوان «دولت خلیقا» با بعضی مخالفتها مواجه شده بود. سلیمان لایق، وزیر در کابینه که در عین زمان شاعر هم است آفتاب و مهتابی را در سرودش توصیف کرده بود که طلوع آن آسمان افغانستان را سرخ رنگ می کرد. شورای انقلابی تصنیف وزیرش را رد کرد زیرا تحت شرایط فعلی ملون شدن به رنگ سرخ در بعضی حلقه ها حساسیت خلق میکند. این اقدام کابل چنین می نماید که تره کی رهبر کمونیستهای خلقی سعی میوزد تا وی در محیط اسلامی افغانستان به عنوان یک کمونیست معرفی نشود.

همچنان از طرف حکمرانان کابل اکیداً هدایت صادر شده بود تا در ماه اگست که مصادف با ماه رمضان است اهالی و اعضای حزب حاکم روزه بگیرند. رهبر حزب خلق تره کی در محضر عام از روزه گرفتن و نمازگذاری خود یاد و حتی بیانات خود را بنام خدا (ج) آغاز میکرد.

با وجود تظاهر به مسلمان بودن در ضمن بیانات تره کی و همکارانش ناخود آگاه و با طور عمدتاً جملاتی را بر زبان می آوردند که وابستگی شانرا به ایدولوژی مارکسیستی تثبیت می کرد. زمامداران کابل بنا بر سیاست روز سعی میکنند نقاب اسلام را بر رخ زنند، چون توان آنرا ندارند اعتراف کنند که مارکسیست، لیننست هستند.

اعتراف به مبارزات طبقاتی :

در اخیر ماه اگست تره کی در حضور اعضای جوان حزب خلق در سخنرانی خود به وضاحت از مبارزه علیه طبقات اعتراف نمود. رهبر کمونیست حزب خلق از ایدولوژی دوران ساز و تاریخی طبقه کارگر نام برد و یاد آور شد که حزب شان از معلم کارگران جهان « لینن » درس آموخته و در چوکات مکتب شان فراخ گردیده تا اجتماع را تغییر دهند.

با مطالعه جریانات جاری کابل بوضاحت میتوان تاکتیکها و تعقب پالیسی لینن را مشاهده کرد. تره کی نه (۹) هفته بعد از آنکه بقدرت رسید رقبای چپگرای رادیکال خود را یکی بعد از دیگری به نام سفیر از صحنه خارج کرد که در این جمله میتوان از بیری کارمل، نورمحمد نور و اناهیتراتب زاده نام برد دو نفر دیگر از وزرای باقیمانده گروه کمونیست بنیادگرا^۱ و سرسپرده شوروی، سلطانعلی کشتمند و وزیر پلان و محمد رفیع وزیر فواید عامه، از پستهای شان برطرف و بنام خائنین ملی زندانی گردیدند.

مخالفت با چپگرایان بنیاد گرا (رادیکال):

کارمل در سالهای ۱۹۶۰ حزب پرچم را بنیاد نهاده و خود را رقیب تره کی میدانست وی خط مش تندروتری را نسبت به حزب خلق تره کی برگزید. کارمل و هم مسلکانش طی سالیان متمادی زیر نام حزب پرچم خود را خدمتگار صدیق و وفادار شوروی میدانستند لیکن امروز برای پرچی ها ضربه بزرگی است وقتی دیدند که رهبران شوروی کمونیستهای خلقی میانه رو را نسبت به آنها ترجیح داده و رهبران پرچی را از گوشه ای سیاست دور کردند. پرچی ها بی خبر از آنند که رهبران شوروی در مورد آنها برنامه وسیعتری را رویدست و در پیشرو دارند.

بعد از کودتای موفقانه کابل کارگردانان حزبی ماسکو به زودی دریافتند که بهتر است از روش و پالیسی طرح شده سالهای ۱۹۲۰ لنین در افغانستان نیز کار بگیرند لنین در آن زمان از گروه محافظه کار کمونیست ها در اداره کار گرفته و گروه تندرو رادیکال را برای آینده، جهت سرکوبی گروه محافظه کار از صحنه سیاسی بیرون نگاه داشته بود. طوریکه دیده شد کارگردانان اتحاد شوروی در افغانستان با گروه کمونیستهای معتدلتر کنار آمده و اجرای امور را به آنها واگذار شد. کرملین در نظر دارد که توسط این اشخاص میدان را هموار ساخته و بعد استقرار اوضاع در افغانستان گروه کمونیستهای رادیکال را در صحنه سیاسی داخل کرده و توسط آنها محافظه کاران را ریشه کن کند و پروگرام های بعدی را توسط وفاداران ماسکو روی صحنه پیاده کند.

امادر این پالیسی يك طرح استثنائی هم دیده می شود. مانند برطرفی عبدالقادر وزیر دفاع و جنرال شاهپور احمدزی لوی درستیز دستگاه حاکم برکناری این دو نفر را که به تعقیب سبکدوشی گروه پرچم صورت گرفت بسیار ساده تلقی کرد در حالیکه حقیقت پشت پرده غیر از این است. تره کی که با سیاست مارکس و لنین آشنائی دارد به اردوی افغانستان که در سال ۱۹۷۳ نظام شاهی را و در سال ۱۹۷۸ نظام جمهوری راسرنگون کرد بفهماند که در رأس تمام امور و تصمیم گیری ها حزب قرار دارد نه کس دیگر حتی اگر این شخص وزیر يك وزارت نیز باشد از طرف دیگر حزب خلق سعی می کند که در بین اجتماع برای توسعه نفوذ حزبی، خود تعداد بیشتر مردم را به خود جذب کند از اینرو دولت در هر جا و هر روز مجالسی را به نام « میتینگ » برپا میکند و در آن بر خائنین ملی و مخالفین رژیم نفرین میفرستند و حزب

خلق و رهبر بزرگ آترا می ستاید و در ختم بیانیه ها از اشتراك کنندگان در میتینگ دعوت بعمل می آید تا برای عضویت در حزب درخواست های خود را به مسئولین حزب تسلیم کنند.

۲۶-۹-۱۹۷۸ نیوسورخرسایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

رژیم خلقی در کابل :

نخستین گامها در راه اصلاحات اجتماعی در افغانستان :

سیاست جدید ملی :

قشر متوسط، زمینداران بزرگ و کوچک در کابل و سایر شهرهای افغانستان منتظر تطبیق دو پلان وعده داده شده رژیم یکی پلان اصلاحات اراضی و دیگر آن پلان پنج ساله انکشافی کشور است می باشند، زیرا حقیقت امر این است که با نمایان شدن این دوسند ماهیت اصلی رژیم جدید برملا خواهد شد.

سوال ها در اینجا است که :

- آیا صنایع ثقیله طوریکه در سال ۱۹۶۶ پیشبینی شده بود تقویت می یابند؟
- آیا در مورد اصلاحات اراضی، دولت بنحوی از سوسیالیزم پیروی خواهد کرد؟
- زمینی که توزیع میگردد چقدر خواهد بود؟
- کوپراتیف هائیکه زمینداران جدید در آن به حیث اعضای فعال شامل خواهند شد به چه شکل خواهد بود؟

این سوالها و امثال آن در اذهان و در گفت و گوهای تاجر قالین، هوتلدار، مالکین وسایط نقلیه، زمیندار و سایر مردم مطرح است.

پس از گرفتن قدرت با وصف وعده های بلند بالای رژیم، در ظرف چارماه اول صرف دو فیصله فرمانهای انقلابی را عملی کرده اند که عبارتند از:

توزیع خوراک مساوی به منصوبین اردو و نپرداختن پول گروهی و نقاوی.

نظر به ادعای تره کی باعملی شدن این دو فرمان هشتصد هزار دهقان؟ از آن بهره ور می شوند. مخالفین صدور و تطبیق این فرامین معتقد اند که در طول سالیان دراز دهقان وقرضه دهنده مجرای درسندی را که به مفاد جانبین بود، تشخیص کرده بودند. باساس این تعامل

قرضه ستانی در مرحله اول دهقان میتواندست که تخم بزی و کود کیمیای مورد ضرورت خود را تهیه کنند و همچنان در ماه های ایکه هنوز حاصلی از زمین کشت شده نبرداشته بود، میتواندست از این پول قرضه مصارف زندگی خود را نیز تأمین کنند. در مرحله بعدی وقتیکه دهقان حاصل زمین خود را بدست میآورد پول، نقاوی ویا قرضه را واپس اعاده میکند. با از بین رفتن این نوع داد و ستد بین دهقان ووام دهنده، دهقان بامشکل لاینحلی مواجه میگردد که برای حل این معضله کدام مرجع ویا طریق دیگری باید جستجو گردد.

۲۹-۹-۱۹۷۸ فرانکفورتر روند شاو Frankfurter Rundschau آلمان غرب :

جان فریزی Jan Friese خبرنگار روزنامه موصوف از کابل تحت عنوان :

انقلاب افغانستان، فرزندان انقلابی خود را میبلعد مینگارد:

آقایان؟ تازه بقدرت رسیده کابل دست باصلاحات اجتماعی زده اند:

« جناب وزیر صاحب وقت ندارد، او سفری پیشرو دارد » این جواب را به سلسله ریاست تشریفات وزارت خارجه دریافت کردم. من قبلاً درخواست داده بودم تا با سلطانعلی کشتمند وزیر پلان مصاحبه انجام دهم.

شام همانروز اطلاع یافتم که سفر وزیر پلان در کجا خاتمه یافته زیرا رادیو کابل خبر بازداشت او را اعلام کرد و در رسانه ها از وزیر پلان و وزیر فواید عامه بحیث خائنین ملی و دشمنان جمهوریت نام برده شد. عین طرز العمل در مورد چند نفر دیگر نیز عملی شد و از دگروال عبدالقادر وزیر دفاع و شخصیت شماره يك کودتای ۲۷ اپریل و جنرال شاهپور لوی درستیز بعین الفاظ نام برده شد.

باآنکه در ظاهر « رهبرگرایی ملت افغانستان؟ » تره کی پیش آمد گرم و گفتار ملایم دارد ولی در باطن به مقابل مخالفین خود انسان بیرحم و سنگدلی است. در اظهارات تره کی بارها شنیده شده که میگفت:

« دولت مصمم است در برابر مخالفین شما، ولو هرکسی باشد از شدت کار گرفته و آنها را ریشه کن کند»، و همچنان در يك بیانیه ای دیگر خود اظهار داشت: « بارول سرک سازی

استخوانهای شانرا آسیاب میکنم».

با آنکه هنوز شش ماه از موفقیت کودتای کمونیستها در افغانستان نگذشته لیکن انقلاب به قورت کردن فرزندان خود آغاز کرده است. تمام اشخاصیکه تا امروز از صحنه رانده شده اند مربوط به کمونیستهای بنیادگرا (رادیکال) طرفدار شوروی یعنی حزب پرچم میباشند. فعلاً تنها حزب کمونیستی نسبتاً میانه رو خلق به تنهایی بر قدرت است.

در عقب این «آموزگار بزرگ؟» «فرزند کبیر واصل ملت؟» و «رهبر خلاق و حق پرست؟»، القابیکه دوران بیژانس را در خاطره ها زنده میسازد، نفر اصلی و با قدرت افغانستان حفیظ الله امین قرار داشته و ساعت و روز شماری می کند.

رژیم کابل دفاع از انقلاب را وظیفه اصلی خود میداند برضد رژیم دشمنان انقلاب از هرکجا سربالاکرده اند این مخالفین در اردو، در داخل حزب و در بین مردم عام، وجود دارند. در این روزها اخبار زدوخوردهای پراکنده از ولایات پکتیا، دره کنر و بدخشان بین قوای امنیتی رژیم و مبارزان آزادیخواه قومی به کابل میرسد و همچنان از مدتیست که پروازهای داخلی بین فیض آباد مرکز ولایت بدخشان متوقف گردیده و روزنامه نگاران خارجی اجازه ندارند از شهر کابل بدیگر مناطق کشور سفر کنند.

جنگ برضد «دشمنان داخلی و خارجی»، «خائنین»، «دیوانه های افراطی چپ و راست» و امپریالیستها و استعمارگران» شعارهای اند که ورد زبانهای کادر رهبری رژیم گردیده است. در پلان طویل المدت این رژیم دشمنان اصلی خود را در وجود «مخالفین سیا»، «غایندگان کاذب اسلام» و «دشمنان افغانستان» که با نقاب اسلام برضد رژیم جدید پیا بر خاسته اند، می بینند و از طرف دیگر در عین وقت رژیم جدید برای مردم وعده میدهد که از دین اسلام دفاع میکند.

یقیناً رژیم کابل چاره دیگری برای بقای خود، جز وعده های بلند بالا و مختلف، کدام راه نجات دیگری سراغ ندارد زیرا حزب برسر اقتدار برضد خود اکثریت ملت را که قریب به ۱۰۰٪ آن مردمان مسلمان و متدین هستند آماده قیام ساخته است.

رفیق؟ تره کی همیشه بیانات خود را با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز میکند و تلویزیون دولتی در ماه رمضان تره کی را با دوستانش در حال ادای نماز در مسجد خانه خلق نشان میداد. قبول کنیم که رژیم جدید موفق گردد تا با تمام دشمنان چپگرا و راستگرا حساب های خود را تصفیه کند، ولی بزرگترین مشکل او وجود دین اسلام در افغانستان خواهد بود، زیرا با هیچ کوشش و سازشی مردم متدین افغانستان از دین خود گذشتنی نیستند. خط مش رژیم جدید و پلتهای اصلاحی آن به منزله اعلام مخالفت و جنگ در برابر علمای دین، ملاهای روستا ها و علیه دین و عقیده شان میباشد. در واقع این طبقه حامی و پشتیبان عنعنات و عقاید مردم عوام افغانستان میباشد.

در همین مقطع زمانی است که سوال تاریخی رژیم جدید هم شروع و هم خاتمه مییابد سوال در این است که اشخاص بر سر اقتدار امروزی در افغانستان چه کسانی هستند؟ و اینها کمونیست، ملیت پرست و یادستپروردگان اتحاد شوروی هستند؟ مشکل بزرگ و بغریح در این است، که ما نمیتوانیم حکام امروزی را در افغانستان در یکی از این قالبها بگنجانیم و این هم جای تعجب نیست زیرا ما واقعاً قادر نیستیم افغانستان را با هیچ يك از کشورهای دیگر جهان مقایسه کنیم.

اکتوبر

۱۷-۱۰-۱۹۷۸ نیوسورخساینگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

تشویش پاکستان در مورد برنامه های توسعه طلبی شوروی:

موقف متردد پاکستان در برابر رژیم کابل:

بعد از تجزیه پاکستان به دو کشور، بنگله دیش و پاکستان امروزی، پاکستان از سیر حرکت شوروی بیم داشته و امروز ترسش بیشتر از گذشته بوضاحت احساس می شود. باید اعتراف کرد که این احساس ترس پاکستان از حرکات شوروی، بعد از وقایع اخیر در افغانستان بیجا نبوده و قابل تشویش می باشد..

باید توجه کرد که رژیم اسلام آباد در وجود خود نیروی ای سراغ ندارد که درین منجلا ب به تنهایی مشکل خود را حل کرده بتواند. اگر قدم کوچکی به گذشته ها بگذاریم به خاطر خواهیم آورد که دریک ضیافت رسمی ایکه در سال ۱۹۷۳ بافتخار ذوالفقار علی بهوتو صدراعظم وقت پاکستان در قصر کرملین برگزار گردیده بود، کاسبگین صدراعظم شوروی در بیانیه خود بوضاحت گفت که اتحاد شوروی افتخار میکند که مردم آزادیخواه بنگله دیش را در رسیدن به آزادی شان کمک مثبت کرده و اگر روزی باز همچنان جنبشهای آزادی طلبی در منطقه به راه بیافتد، شوروی به آنها کمک خواهد کرد. این سخنرانی بدون پرده کاسیگین در بلوچستان تأثیر بسیار داشت چنانچه یک عده سیاستمداران بلوچی در اظهارات خود کنایتاً از کمکهای شوروی یاد میکردند. در عین زمان که سیاستمداران بلوچ از کمک های شوروی یاد میکردند حکومت پاکستان در اثر بازرسی سفارت عراق در اسلام آباد مقدار زیاد سلاح ثقیله و خفیفه روسی را بدست آورد که در اثر تحقیق بیشتر در مورد چگونگی انبار سلاح ذخیره شده ثابت شد که سلاح متذکره برای توزیع به مردم بلوچ پاکستان در نظر گرفته شده بود. فراموش نباید کرد که در بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ پاکستان مجبور شد تا برای جلوگیری از پیشرفت کمونیستهای بلوچی ارتباط شان با اتحاد شوروی و سرکوبی شان در مناطق مظنون از حکومت ایران هلی کوپتر و مواد لوژیستیکی کمک بگیرد.

افغانستان پناهگاه اقوام بلوچ :

هر باریکه بلوچ های باغی تحت تعقیب و آزار حکومت پاکستان قرار میگرفتند به افغانستان فرار نموده و در آنجا پناه گزین میشدند. و این گروه های ضد دولت پاکستان در داخل خاک افغانستان برای حمله به تهانه های عسکری پاکستان آمادگی میگرفتند و با حملات شان در منطقه ناآرامی های بزرگی برای حکومت پاکستان ایجاد میکردند. در سال ۱۹۷۵ پاکستان با همکاری ایران در برابر این گروه ها و سرکوبی آنها اقدامات جدی نمود.

از جانب دیگر با وجودیکه ایران برای سرکوبی بلوچ ها با پاکستان دست موّدت دارد همزمان روابط ذات البینی بین ایران و افغانستان را نزدیکتر ساخته و به رژیم جمهوری محمد داود وعده همکاری های اقتصادی را داده و همچنان ایران بحیث میانجی بین پاکستان و افغانستان قدم پیش نهاده و در بهبود مناسبات این دو مملکت به اقدامات مثبت دست زد. و کشیدگی بین دو کشور را تاحدی مرفوع ساخت. تأثیر مستقیم این پالیسی بلوچ ها را از سه طرف به حالت تجرید کشانیده آنان را مجبور کرد تا از تخریب دست بکشند.

در سال بعد یعنی ۱۹۷۶ مسوده يك موافقتنامه سری، بین وحید عبدالله وزیر خارجه افغانستان و عزیز احمد وزیر خارجه پاکستان نشانی شد. در این موافقتنامه سری تصریح گردیده بود که حکومت پاکستان سران عوامی پارتی را، که بنام خاینان ملی تحت بازداشت بودند و در جریانات اخیر در بلوچستان دست داشتند، رها کند از طرف محاکم مربوط بنام اشخاص بیگناه اعلام شوند. در برابر این اقدام پاکستان و به پاداش آن، حکومت افغانستان حاضراست تا سرحد موجوده متنازع فیه دیورانند (H. Durand) را برسمیت بشناسد و آونیکه محاکم مربوط رهایی وعدم مسئولیت رهبران عوامی پارتی بازداشت شده را اعلان کرد، حکومت افغانستان حاضراست موافقتنامه نشانی شده را امضاء کرده و عملی نماید.

کوششهای غیر متمر:

قبل از آنکه مراحل بعدی این توافقات پیموده شود، نظامیان پاکستان توسط يك کودتای نظامی قدرت حزب مردم پاکستان (PPP) را که در بطن حکومت قرار داشت خاتمه دادند. از روی تاکتیک و به استناد نشانی شده بین دولت های پاکستان و افغانستان،

حکومت پاکستان از محاکمه رهبران عوامی پارتی صرف نظر کرده و آنها را بدون قید و شرط از حبس رها نموده اوراق تحقیق آنها حفظ کرد.

درموازی با رویداد های پاکستان در افغانستان نیز سردار محمد داود تصمیم گرفت تا مانع انحصار قدرت توسط شوروی در آن کشور گردد.

از طرف دیگر اعضای حکومت نظامی در پاکستان تصور می کردند که رئیس جمهور محمد داود هنوز هم به مواد توافق نامه، نشانی شده بین دو کشور وفادار بوده و حاضر است که خط دیوراند را، بعد از رهایی رهبران عوامی پارتی و حفظ اسناد تحقیق شان، برسمیت بشناسد و بدینوسیله قضیه، متنازع فیه بین افغانستان و پاکستان (پشتونستان) را برای همیشه حل نماید. اما طبیعت خواب دیگری برای این منطقه وزعمای آن دیده بود. خوابیکه زمامداران دولتین آنرا پیش بینی نکرده بودند. محمد داود در اثر يك کودتای نظامی کمونیستی از بین رفت و نورمحمد تره کی، رئیس دولت و صدراعظم امروز افغانستان، قدرت را بدست گرفت.

چانس عضویت پاکستان در زمره ممالک بیطرف :

کودتای کابل زمامداران پاکستان را سخت به هراس انداخت. امروز پاکستان خود را تقریباً هم مرزی با شوروی و تحت فشار آن می بیند باشورشهای داخلی در بلوچستان، پاکستان بیم آنرا دارد تا مبدا بخش دیگری از خاکش چون بنگله دیش آزادی خود را مطالبه کند.

عده ای از سیاستمداران پاکستان معتقدند که امریکائیا پای خود را از منطقه بیرون کشیده و قدرت آنرا ندارد که از پاکستان در برابر تجاوز شوروی حمایت کند و چنین نتیجه می گیرند که پاکستان برای راه یافتن به حلقه ممالک غیرمنسلك و باید از پیمان سنتو که شوروی مخالف آنست خارج شده تقاضای شمول در آن حلقه را بکند. در پیمان سنتو پاکستان، ایران، ترکیه و انگلستان عضویت دارند و ایالات متحده امریکا نیز بحیث عضو تدافعی و تضمین کننده در آن پیمان شرکت دارد که از این پروسه در بین سیاستمداران پاکستانی طرفداران ضیاء الحق بسیار جدی پشتیبانی می کنند.

سیاستمداران پاکستانی که در قطب دیگر قضیه قرار دارند، معتقداند که با جلب کمک های مالی و نظامی قدرت های دیگر در منطقه باید بهر وسیله که ممکن باشد افغانستان از زیر سیطره

شوروی نجات داده شده و آزاد گردد. برای همین است که به مهاجرین افغانی در پاکستان پناهندگی داده و از آنها حمایت میکنند.

امروز مشکل تطبیق این نظریه است عدم وجود يك اتحاد سرتاسری مبارزین افغانی می باشد. سیاسیون پاکستانی تعمیل این مفکوره را وقتی ممکن می بینند که مبارزین افغان باهم برضد رژیم کابل متحد شده و مردم رابه قیام عمومی و جهاد دعوت کنند.

مذاکرات سری درایت آباد: (Abbott Abad)

بدنبال کودتای افغانستان و ایجاد خطری که منطقه را تهدید می کند شایعات مختلف در پاکستان پخش گردیده که گویا حین افتتاح شاهراه قراقرم بین صدراعظم چین و محمد ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان درایت آباد (ابوت آباد) ملاقات صورت گرفته است. پادشاه سابق افغانستان که بعد از کودتای محمد داود در روم زندگی میکند مخفیانه به پاکستان سفر کرده است در این ملاقات يك نماینده خاص شاه ایران نیز شرکت داشته است. این افواها از طرف کدام منبع رسمی تأیید نگردیده اما اخیراً رهبر حزب «طریق استقلال» مارشال متقاعد هوایی اصغرخان در يك محفل عام اظهار داشته که وی با محمد ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان درایت آباد ملاقات کرده است. چنین بنظر میرسد که افساء این مطلب عمدی نبوده، زیرا بعداً مارشال هوایی اصغرخان از دادن معلومات بیشتر در باره خودداری کرده است. بعد از مرور مدت کوتاهی، در اثر تماسهای خصوصی به اثبات رسید که بین نمایندگان پاکستان و ایران بشمول نماینده چین و محمد ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان این گردهم آیی صورت گرفته و هم چنان در باره اعاده سلطنت در افغانستان مذاکراتی شده است.

اتکاء به ایران و چین:

شواهد دیگری نیز وجود دارند که در منطقه آمادگی های لازم برضد رژیم کابل تحت مطالعه و در حال تکوین است. منشی حزب و رئیس حکومت چین هوا کوفنگ حین بازگشت از بلغراد و بخارست در راه مراجعت به پیکنگ در تهران توقف کرده و باسران دولت ایران مذاکراتی انجام داده است. کمی بعد تر از مذاکرات هواکوفنگ در تهران، جنرال ضیاءالحق نیز وارد تهران شد و به تعقیب این دیدارها برادرشاه ایران شهزاده رضا و آغاشاهی وزیر خارجه پاکستان بدون اعلان قبلی وارد پیکنگ شدند.

قرار معلوم چین، از مشوره ایران به پاکستان که از پیمان سنتو خارج نشود و در مقابل دشمن مشترک شان اتحاد شوروی موقف پیمان را ضعیف نسازد، جانبداری کرده است. از جانب دیگر ایران سعی می کند تا شناسایی رسمی چین را درحوزه خلیج میسر سازد و در رابطه با این مطلب در زمینه با امارت کویت تا اندازه ای بتوافق رسیده مسئولین پاکستان در این مقطع زمانی حساس از احتیاط زیاد کارمیگیرد و نمیخواهند با تماس های علنی شوروی را عصبانی سازد و این ترس پاکستان بجا است، زیرا چنین موافقات عجولانه این خطر را دارد که شوروی پاکستان را تحت فشار قرار دهد.

تفسیر سیاسی :

بقلم لورنس لیفشولتز Lawrence Lifschultz در نیوزلاین Newsline ماه نومبر ۱۹۸۹:

خوانندگان محترم توجه خواهند کرد که این تفسیر سیاسی از نقطه نظر زمانی با اصل کتاب تفاوت دارد. چون مطالبی که در متن این تفسیر گنجانیده شده بصورت کل با تمام جریان قضیه افغانستان رابطه دارد، لذا تسلسل تاریخ وار را در اینجا مراعات نشده بلکه این نظر بحیث يك سند جداگانه ای معتبر و دارای اهمیت در قضایای افغانستان از نظر تان میگذرد.

این مضمون تحت عنوان برجسته :

« وصلت خطرناك ، سی آی ای CIA و آی اس آی ISI »

نوشته شده است.

عالم جاسوسی و عملیات سر بسته آن در حقیقت به انعکاس تصویر چهره های سرگردان و مغشوش درآئینه می نماید. مرد جاسوس در این جهان بی حفاظ در سایه مجسمه های تاریکی که سطح حقایق را می پوشانند مصروف است اما خودش در بازی سطرنجی که برای دیگران طرح می کند با دلهره و نامطمئن قدم می گذارد.

در این روزها در پایتخت امریکا شکست سی آی ای را در افغانستان در روزنامه معتبر واشنگتن پست با وضع مفتضح آن افشاء کرده است.

رفقای مجاهدین در واشنگتن نسبت به -تیم گذاری نطفه شان نزدیک به سخته هستند. امروزه قوای شوروی از افغانستان خارج شده، عساکر خدا با این سرفرازی اکتفاء نکرده

بلکه میخواهند تا بی دین های داخلی کشور را از قلعه وحدت ملی به بیرون اندازند. امروز در واشنگتن، بیل مک کولوم Bill McCollum درملای عام از « اشتباهات » سی آی ای در باره توزیع سلاح و مهمات، که بیش از نصف آن به نفع حزب اسلامی گلبدین حکمتیار تخصیص داده شده بود، انتقاد کرد.

گلبدین که بدون شك زمانی مقام پسر خواندهء دلخواه جنرال ضیاءالحق را در بین مجاهدین دارا بود از طرف مک کولوم و همکارانش بحیث « خطرناکترین تهدید برای پلان های مجاهدین » تشخیص داده شده است. کشف این مسأله يك تعداد نمایندگان کانگرس را برانگیخته و چند عضو CIA را بزیر دندان شان انداخته است.

در ماه گذشته رسانه های امریکایی خوش بینی راپور دادند که آمرسی آی ای در اداره مستقل افغانی « دوباره مقرر » گردید.

برای پاکستان تشریح این واقعیت اهمیت زیاد دارد که کانگرسمن های امریکایی کنزرواتیف (محافظه کار) اشتباهات سی آی ای CIA را در برابر ای اس آی ISI پاکستان افشا کنند..

بعقیده مک کولوم « اشتباهات » سی آی ای و آی اس ای يك عملیه تخریبی برای پیشبرد کار شناخته میشود. وی اضافه میکند که: « سی آی ای و آی اس آی نوبت و چانس داشتند تاجنگ افغان را پیش ببرند » ولیکن « هردو پلان ناکام شدند » احتمال دارد که روسها به این قضاوت موافق نباشند لیکن بقین يك تعداد زیاد افغانها این قضاوت را تأیید میکنند.

خیلی ها دلچسپ است زمانیکه انسان در باره مبداء این گونه حوادث سوالهای را مطرح کند. بقول يك منبع دست اول و موثق اولین تماس بین سی آی ای و مجاهدین در ماه می سال ۱۹۷۹ در پشاور صورت گرفته. تعیین وقت این تماس وجود يك علت خاصی را توجیه می کند. زیرا طوریکه می بینیم این تماس تقریباً ۶ ماه قبل از تجاوز قوای شوروی به افغانستان و يك ماه بعد از اعدام ذوالفقار علی بهوتو صورت گرفته است. قبل از تهیه این تبصره سیاسی، تاریخ این تماس ها به نسبت محرم بودن این پروسه از کدام منبعی نشر نگردیده است. این تماس اولی گفت وگویی پیگیر بعدی باعث گردید که برای اولین بار سلاح و مهمات امریکایی به دسترس قوای مقاومت گذاشته شود و فراموش نباید

کرد که در این مقطع زمانی برضد کمونیستهای کابل صرف چند گروه مقاومت کوچک وضعیف تشکیل یافته بود.

درین وقت از عمر حکومت «خلقی» در کابل تقریباً یک سال گذشته بود، لیکن در اثر وارد کردن فشار توسط زیبگنو بریژنسکی Zbigniew Brezinski بالای اداره کارتر، واشنگتن تصمیم گرفت تاجبیه ای را برضد رژیم کابل وزیر عنوان «فشار محدود» بازکند. باستناد خاطرات بریژنسکی، مشاور امنیت ملی کارتر، از طرف کمیته هم آهنگی امنیتی (ارگان پیاده کردن نظریات مشاوریت امنیت ملی) تصمیم گرفته شد تا درپهلوی « قوای مقاومت» قراردادشته باشند تا برخلاف رژیم تره کی، ۸ ماه قبل از تجاوز قوای شوروی در افغانستان، عملیات تخریبی کرده بتوانند این مطلب توسط یکی از همکاران اداره کارتر نیز تائید شده است.

یک ماه بعد از تصمیم بریژنسکی جهت تطبیق و اجرای این فیصله به اداره کمیته NSC به نماینده اختصاصی سی آی ای هدایت داده شد تا به پشاور سفر کند. بریژنسکی نسبت به این درگیری امریکا به مشکل میتواند از اشتباه خود دفاع کند، یکماه قبل ایدواردشودنازی Edward Shevardnadze در برابر شورای عالی شوروی این حرکت امریکا را غیر قانونی ومغایر اخلاق دانست.

در این وقت حساس جان مطلب در اینجا نهفته است که چگونه توانستند یک گروه خاص پناهگزیان افغانی در پاکستان را انتخاب کنند که در بهار سال ۱۹۷۹ با نمایندگان سی آی ای در پشاور ملاقات نمایند؟ زیرا:

این انتخاب و تماس با این اشخاص نهایت مهم بوده ودر ده سال آینده جنگهای افغانستان بسیار زیاد موثر است.

افغانهاییکه انتخاب گردیده بودند اشخاص مشخص با داشتن سوابق تاریخی منحصر به فرد بودند. مرکز برقراری تماس ونمایندگی سی آی ای را در پاکستان دفتر استخبارات نظامی پاکستان آی اس آی بعهده گرفت که این اداره تماسهای خاص با مهاجرین افغانی دارد. افغانهاییکه بار اول با نمایندگان دستگاه استخباراتی ایالات متحده امریکا، سی آی ای، در پشاور ملاقات کردند نزد دستگاه استخبارات نظامی پاکستان، آی اس آی دارای سوابق محرمانه میباشد زیرا این اشخاص از تقریباً ده سال با بنظر طرف بادستگاه استخبارات

پاکستانی همکاری داشتند. اما تا این زمان ارتباطی با عملیات بین المللی نداشتند. وظیفه و عملیات این حلقه ابتکار ذوالفقار علی بهوتو چوکات بندی شده بود و از آنها بحیث مهره های کاری در بازی منظوقی استفاده میشد. اما حوادث جدید ناگهانی این حلقه خصوصی همکاران آی اس آی را طرف توجه و مورد علاقه بیشتر ارباب نموده به آنها موقع داد تا در ساحات مهتمتر و وسیعتر در بازی بزرگ برای یک دهه بقاء و خدمت کنند.

مقدمه این داستان در سال ۱۹۷۳، زمانی که محمد ظاهر شاه توسط صدراعظم سابق و پسر کاکایش محمد داود از قدرت معزول شد، آغاز مییابد که با این اقدام محمد داود نظام جمهوریت اعلان میشود و نظام شاهی در این کشور خاتمه مییابد.

صعود داود پراپیکه قدرت در سال ۱۹۷۳ نه تنها موج بزرگی بد بینی را در بین قشر محافظه کار و بنیادگرای اسلامی، مخالفین افغانی وی در پاکستان، خلق کرد بلکه باعث بکار افتادن وسیعترین عملیات جاسوسی همانوقت حکومت پاکستان گردید.

در سال ۱۹۷۳ حکومت جدید پیپل پارٹی PPP از رسیدن داود به قدرت بیمناک گردید. داود، کسیکه در سال ۱۹۶۳ از مقام صدارت استعفاء کرد یکی از عوامل مهم استعفا وی اختلاف نظر او با پادشاه در قضیه پشتونستان بود. در زمان صدارت محمد داود یکی از مواد اصلی خط مش حکومت سردار داود را تشکیل میداد خط سرحدی دیورند Durand که در سال ۱۸۹۳ توسط مورتیمر دیورند Sir Mortimer Durand تعیین شده بود پس از بوجود آمدن پاکستان، افغانستان مسیر این خط سرحدی را تأیید نکرده و آنرا به رسمیت نمی شناخت. خط دیورند صرف مسئولیت تحفظ مناطق تحت نفوذ را داشت.

حکومت پاکستان از بیم اینکه علاوه بر مسایل دیگر سردار ادعای خود را تکرار نکند، یک پلان اختصاصی را برضد وی طرح و ترتیب نمود.

به این معنی ای که یک منطقه حایل در بین یک کشور حایل Buffer مشخص شده بود - از دید افغانها این خط نمیتواند معنی تعیین سرحدات بین المللی را دارا باشد، زیرا تعیین این خط سیاسی نصف منطقه مردمان پشتو زبان را از هم جدا کرده است.

هرباریکه افغانها تقاضای خود ارادیت پشتونها را پیش می کشانید بهمان تناسب پاکستان راه ترانزیتی اموال تجارتي افغانی را از طریق پاکستان مشکلتر می ساخت. روی

همین دلیل، از جمله دیگر دلایل، داود در سال ۱۹۶۳ بنا بر مشکلات سیاسی دوسال پیم در مورد قضیه پشتونستان و تحریم اقتصادی پاکستان مجبور به استعفاء گردید. بقیه اعضاء و حلقات اداری نظام شاهی موضوع پشتونستان را بغرض جلوگیری از تشنج و استکاک در منطقه به اندازه تحمل و حوصله پاکستان تعقیب می کردند نه بیشتر از آن.

بقدرت رسیدن دوباره داود در سال ۱۹۷۳ و آسیب دیدن پاکستان نسبت از دست دادن پاکستان شرقی، حکومت ذوالفقار علی بهتو را بیمناک از آن ساخت که مبادا حکومت افغانستان قضیه پشتونستان را دوباره جدی گرفته سبب درد سر بیشتر برای پاکستان شود. روی این ترس و نگرانی حکومت پاکستان پلان اختصاصی برضد این ادعای داود و یادرنظر داشت پیشبرد مطالب دیگری ترتیب داد.

نظر به اظهارات يك افسر متقاعد عالی رتبه نظامی پاکستان در حکومت دور اول بهتو، در سال ۱۹۷۳ پاکستان تصمیم گرفت تا در باره قضیه پشتونستان، در برابر افغانستان از روحیه «فاروارد پالیسی، سیاست پیشروی»، جزوی از سیاست انگلیسها در نیم قاره هند، استفاده کند. برای پیاده کردن و عملی گردانیدن این منظور در بین سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۷، حکومت پاکستان بصورت مخفی در کمپهای اختصاصی ۵۰۰۰ نفر از اتباع افغانی، مخالفین رژیم کابل را تحت تربیه نظامی قرار داد. در نزد طراحان این برنامه دوهدف مشخص بود:

اول: این قوا هر نوع مانور نظامی حکومت داود را در نطفه خنثی کرده و جوابده احتمالی يك حمله نظامی باشند.

دوم: این قدرت نزاع خط سرحدی دیوراند، جنجال بین دو کشور، را با پاشنه زده بتواند. اگر داود خط دیوراند را بحیث خط سرحد بین المللی دو کشور قبول نکند، در آنصورت حکومت بهتو تصمیم داشت تا این گروه تربیت یافته دست نظامیان اختصاصی پاکستان را تقویه کامل نموده و اغتشاش و عملی گردانیدن این مفکوره بتاريخ ۲۱ جولایی ۱۹۷۵ به قوام رسیده و محل آن دره ای پنجشیر که اکثریت آن از قوم تاجیک بوده طرف مقامات استخباراتی پاکستان تعیین گردیده بود رهبری بغاوت و قیام مردم پنجشیر برضد نظام جمهوری کابل به گلبدین حکمتیار، امیر حزب اسلامی سپرده شد.

(یاد آوری: بنده درباره مسأله فوق العاده مهم در آینده افغانستان باکسانیکه وارد قضیه بوده صحبت‌های طولانی داشته مخصوصاً در مورد اشخاصیکه در زمان وزارت داخله نصیرالله بابر در حکومت بهوتو باوی همکاری داشته و از بدو آغاز این پروسه بحیث موسس و کارمند در آن فعال بودند معلومات لازم و کافی بدست آورده می‌تواند با اطمینان خاطر اشخاص ذیل را در این قضیه شامل بداند.

انجنیر گلبدین حکمتیار، برهان الدین ربانی، انجنیر احمد شاه مسعود، عبدالحق، قاضی امین وقاد و یک تعداد دیگریکه درباره اشتراك آنها با برهان قاطع ادعا شده نمی‌تواند، مولف).

نظریه تحلیل لویزدوبیری Louis Dupree متخصص افغانستان شناس امریکایی، واقعه ای پنجشیر، «رویدادی بود که قدرت کابل را بلرزه در آورد». اما طوریکه طراحان این پروسه تخریباتی نظام جمهوری در افغانستان پیشبینی کرده بودند يك قیام مردمی خواسته دل آنها در منطقه صورت نگرفت و مردم به شعار این دسته باغیان که میگفتند اداره حکومت کابل بدست ملحدین کمونیست افتاده، اعتنا نکردند. اردوی افغانستان با همکاری اهالی موفق گردید که این شورش را بزودی خاموش کند و ۹۳ نفر آنها را دستگیر و به محکمه بپسارد. از جمله این اشخاص سه نفر شان محکوم به اعدام گردید، ۱۶ نفر شان برأت حاصل کرد و ۷۴ نفر شان به مدتهای مختلف محکوم به حبس گردیدند و متباقی شاملین این تهاجم توانستند دوباره به پاکستان فرار کرده و در آنجا پناهنده شوند.

در حال حاضر پشتیبانان گلبدین حکمتیار پافشاری دارند تا بقبولانند که آنها در سال ۱۹۷۵ مبارزه خود را علیه «کفار» به راه انداخته بودند. اما همکاران عالیرتبه نظامی و ملکی سابق حکومت علیه این ادعا چیز دیگری می‌گویند و بهوتو در مورد چگونگی این مطلب طوری دیگری صحبت میکند. مامورین موصوف اظهار میکنند که گلبدین و همکارانش تحت اداره مستقیم حکومت بهوتو در پاکستان قرار داشته از آنها سلاح و مهمات، لوژستیک، هزینه مصارف بدست آورده و هم تعیین وقت حمله بر پنجشیر از طرف مقامات پاکستانی مستقیماً پلانگذاری گردیده بود. نظر به گزارش منابع موثق حکومت سابق بهوتو تربیت دهشت افگنی قوای ۵۰۰۰ نفری و چگونگی فعالیت های شان خارج از عملیات ارگانهای اداری پاکستانی بوده و این اوپراسیون تحت اداره يك مرکز اختصاصی خارج از صلاحیت ISI رهبری می‌شد.

حمله بر دره پنجشیر برنامه سازان پاکستانی را به هدف شان رسانید. طوریکه در طول یک سال بعد از این رویداد داود حاضر شد تا با حکومت بهوتو معامله ای بکند. در سال ۱۹۷۶ شاه ایران و بهوتو هر دو یکجا یک سلسله مذاکرات را با رژیم داود رویدست گرفتند و کمتر از یکسال بعد از عملیه حمله پلانگذاری و عملی شده و پاکستان در پنجشیر، بهوتو و داود سفرهای بین کشورهای خود انجام دادند.

در اثر این دید و بازدید ها داود از موقف متحجر گذشته خویش عدول کرده اظهار آمادگی کرد که حاضر است خط دیوراند را بحیث خط سرحد بین المللی بپذیرد و در مقابل پاکستان تضمین کند تا حق خود ارادیت منطقی سال ۱۹۷۳ را در عمل پیاده کند. بر علاوه این داود تعهد کرد که مانع فعالیتهای بلوچ های فراری مخالفین پاکستان در افغانستان شده و پاکستان موافقت کرد تا محبوسین حزب عوامی ملی، ولی خان، عطاء الله منگل، خیربخش مری، غوث بخش بیژنخو و صدها نفر دیگری که از سال ۱۹۷۳ باینطرف در حبس بسر میبردند، از محابس رها کند.

پاداش عملی شدن این توافقات با تهیه منابع مالی و پیاده کردن پروگرام های وسیع و بزرگ اعمار افغانستان تضمین گردید. شاه ایران موافقه کرد تا در برابر این فیصله که منجر به آرامی در منطقه می شود مبلغ سه میلیاردالر به کابل کمک دهد. این مبلغ بیشتر از سر جمع جمله کمکهای سی سال اخیر جهانی به افغانستان میباشد.

در این موافقتنامه اعمار خط آهن کابل - سرحد ایران از طریق قندهار و هرات شامل بود که این خط بصورت غیر مستقیم راه ترانزیتی افغانستان را در بندرهای خلیج فارس باز کرده و در عین حال افغانستان را از انحصار استفاده خط ترانزیتی پاکستان و اتحاد شوروی بیرون می کرد. در این داد و ستد شاه ایران در عملی شدن این پروگرامها، توسعه تجارت کشورهای جنوب غرب آسیا را تحت نفوذ اقتصاد ایران نیز در نظر گرفته بود.

با وجود این سازش ها پاکستان در برنامه ریزی سابق خود وفادار مانده و قوای تربیت شده در پاکستان را منحیث دکمه فشار برای روز مبادا زنده نگه داشت. بهوتو معتقد بود هرگاه کابل از موافقات خود در باره شناسایی خط دیوراند روگرداند، عملیات تخریبکاری مانند دره ای پنجشیر در مناطق دیگر افغانستان توسط قوای تربیت شده تکرار خواهد شد. از طرف دیگر اگر داود در موافقات خود ثابت بماند، بهوتو وعده داد که گلبدین و همکارانش

را درحالت تبعید «درگلوله نقالین» کنسرو شده در پاکستان نگه خواهد کرد، بهوتو عقیده داشت که این کتله وظیفه محوله خود را انجام داده اند و باید به توافقات بین افغانستان و پاکستان احترام بگذارند و صرف درحالت تبعید، بدون کمک مالی پاکستان قناعت کنند. داود آمادگی خود را جهت امضای موافقتنامه تا اخیر سال ۱۹۷۶ بر متن و محتوای آن بحث شده بود به پاکستان خبر داده و انتظار داشت هرچه زودتر آنرا امضاء و عملی نماید. لیکن بهوتو پافشاری داشت، که امضای این موافقت نامه به یک تاریخ بعد از انتخابات عمومی ماه مارچ ۱۹۷۷ در پاکستان به تعویق انداخته شود. بهوتو عقیده داشت که این موفقیت وی باید بصورت چشم گیر روی صحنه سیاسی کشیده شده و بقای حزب او را در کشور مستحکم گرداند.

طوری که دیده آمد این رویداد بزرگ تاریخی در منطقه جامه عمل نپوشید و کودتای جنرال ضیاء الحق قدم های بعدی بسر رسیدن این ترکیبها را از هم پاشید. با موفقیت کودتای ضیاء الحق در بین تریبه یافتگان نظامی افغانی که در اطراف پشاور سرگردان بودند خلای بزرگی خلق گردید. آینده شان مبهم و چنان مینمود که متاع شان دیگر بازار و خریدار ندارد. اما بهر شکلی که اوضاع منطقه در آینده انکشاف کند توافقاتی که بین داود و بهوتو صورت گرفته به نفع ضیاء ویا هر حکومتی که در آینده در پاکستان رویکار آید خواهد بود.

اما چرخ روزگار طوری به دور خورد که ناگهان، در اپریل سال ۱۹۷۸، پیام نجات به تبعید شده گان ملیتانت های افغانی در پاکستان، وقتی کودتای کمونیستها برضد داود صورت گرفت برای این کتله امیدواری پیدا شد که جهت اجرای وظایف مهم دیگر مریبی جدیدی سربرون خواهد کرد.

قبل از تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان جنرال ضیاء با امریکا روابط مشکل و مغلقی داشت و در اداره کارتر جنرال ضیاء دوستان و همچنان مخالفین قوی داشت. یک ماه بعد از کودتای ضیاء در برابر بهوتو، وی تلاش میکرد تا برای حل مشکلات خود با حکومت امریکا برنامه های روی دست داشته خود را عملی کنند، لیکن جنرال ضیاء در پیاده کردن این پلانها از طرف عناصر محدودی در اداره کارتر کمک و تقویه میگردید. از جمله کسانی که از روند کار ضیاء طرفداری میکرد و ترجیح می داد تا ضیاء به قدرت باقی

بماند زیگنیو بریژنسکی، مشاور امنیت ملی کارتر، بود. بریژنسکی ترجیح میداد که در اثر انتخابات آزاد بار دیگر بهوتو، شخصیکه امریکا بوی اطمینان نداشت و یکنفر ملیگرا، بود بقدرت برسد. به این طرز دید بریژنسکی و دیگر دوستان ضیاء، باوجودیکه در اداره امریکا قدرت داشتند، اما دست دراز در تصمیم گیری نداشتند.

برخلاف این نظریه یکی هم وزیر خارجه حکومت کارتر، سایروس وانس Cyrus Vance، بود، وی خواستار بیرون کشیدن جنرال ضیاء از صحنه سیاسی پاکستان بود تا راه برای انتخابات آزاد بازگردد. وانس معتقد بود که در انتخابات حزب دیگری و یا شخص دیگری به عوض بهوتو احراز قدرت خواهد کرد.

لیکن صحنه های سیاسی در پاکستان با سرعت تغییر مسیر داد و در این گیرودار بهوتو اعدام شد. اداره امریکا بعد از اعدام بهوتو، با وجود عدم موافقت بریژنسکی، در تابستان سال ۱۹۷۹ بر رژیم ضیاء فشار بیحد اقتصادی و سیاسی وارد کرد تا انتخابات آزاد را رویدست گیرد. وانس عقیده داشت که بعد از اعدام بهوتو، کاندید بعدی ریاست جمهوری پاکستان مارشال هوایی اضغر خان خواهد بود. هنوز کمترین اثری از انتخابات در افق سیاسی پاکستان که در خزان سال ۱۹۷۹ اقتصادش ورشکست شده ویزانو درآمده بود دیده نمی شد.

در این موقع حساس سیاسی و اقتصادی پاکستان جنرال ضیاء بی نهایت سعی میکرد تا توسط دوستان خودش در واشنگتن ارزشهایش را در منطقه به اثبات برساند و همچنان همکاری خود را بحیث پارتنر در علایق ستراتیژیکی امریکا در منطقه به مقامات مربوط تضمین کند.

در این مقطع زمان که از اعدام بهوتو مدت کمی سپری شده و در امریکا ترتیب سفر هیئت اختصاصی سی آی ای به پشاور رویدست گرفته شده بود تا تهداب پایپلین کوچک کمک به شورشیان افغانی گذاشته شود و هیچکس پیشبینی کرده نمیتوانست که سفر این هیئت باعث آن شود که بزرگترین ماشینی اپراسیون استخباراتی امریکا بعد از جنگهای ویتنام بحرکت بیافتد.

فراموش نکنیم که رفت و آمدها و دید و بازدیدها از هفت ماه قبل از هجوم قوای شوروی به افغانستان جریان داشت.

تنها و تنها قدرت تباه کننده لیونید بریژنیف توانست صدای مخالفین ضیاء را در حکومت کارتر خاموش کند و جنرال را منحنیث مهمترین پارتنر امریکا در منطقه به وجود آورد. امریکائیه‌ها بنا بر ایجاب زمان در نظر داشتند تا «قطع کننده جریان Cutout، واژه ای که در جهان استخبارات مخفی مفهوم خاصی دارد، در ساحه احداث کنند. این نظر چنان می نماید یک طفل چهره‌ای را روی کاغذ رسم کرده و خطوط اطراف این چهره خیالی را با قیچی جدا میکند تا آن چهره به تنهایی از بین کاغذ ظاهر گردد.

بعد از ورود هیئت سی آی ای به پاکستان و مطالعه اوضاع کارگردانان دستگاه استخباراتی امریکا در یافتند که در پاکستان بهتر از آی اس آی، دستگاه استخبارات نظامی پاکستان Cutout بهتر و مناسبی وجود ندارد و باید از آن کارگرفت و با این ترتیب تصمیم پیاده کردن این مفکوره در عمل بین هردو دستگاه استخباراتی با در نظر داشت علایق جانبین وصلت خوبی صورت گرفت.

جنرال ضیاء چانس بهتر از این بدست آورده نمی توانست و تصورش را هم کرده نمی توانست که روزی متاعش چنین بازاری داشته باشد. ضیاء بدون درنگ نه تنها خود را در خدمت اداره و منجمنت جنگ در سرحدات آنکشور عرضه کرد بلکه در یک پتنوس نقره‌ای، شبکه تکمیل شده استخبارات افغانی را که در زمان بهوتو به قوام رسیده بود، خدمت سی آی ای تقدیم کرد.

این وصلت سی آی ای و آی اس آی، برای حکومت از هم پاشیده سیاسی و اقتصادی پاکستان و علی الخصوص برای اردوی پاکستان منزلت و مقام خاص و چشم گیر را خلق کرد و آی اس آی چانسی را بدست آورد که با سویه عالی با بزرگترین شبکه جاسوسی جهان، سی آی ای، هم ردیف و انباز شود.

بودجه آی اس آی پاکستان که در گذشته بیشتر از چند میلیون دالر محدود بدسترس خود نداشت، در مدت کوتاهی کم از کم مالک دو میلیارد دالر امریکایی، سلاح و مهمات، تجهیزات و پول نقد گردید و با تزریق چنین منابع پولی و مالی، پاکستان در صدد آن برآمد که این قدرت غیر موازی را در امنیت داخلی کشور از نقطه نظر تشکیلات و استخدام با معاشیکه ارقام نجومی داشت توسعه بخشد همچنان امکانات اختلاس و رشوه گیری بی حساب را برای کسانیکه امور روزمره جریان این پایپلاین را دست داشتند میسر گرداند.

در مرور این وقت در اداره امریکا رونالد ریگان به قدرت رسید و جنرال ضیاء با تمام مشکلیکه در سالهای گذشته تحت ادمینسراشن (اداره) کارتر مواجه بود به همکاری نزدیک و صمیمی با اداره ریگان مبدل گردید. مخالفت ها علیه جنرال ضیاء بنا بر عدم رعایت دیموکراسی و همچنان سعی پاکستان جهت تولید سلاح زروی، پروژه ایکه تحت اداره بهوتو رویدست گرفته شده بود، این همه از نظر انداخته شد و بحران افغانستان همه نارسائی هارا در پاکستان تحت الشعاع قرار داد.

اوپراسیون افغانستان که هفت ماه قبل از تجاوز اتحاد شوروی در افغانستان در اداره کارتر رویدست گرفته شده بود، در دوران ریگان حایز مقام بلندتر شد، چنانکه در یکی از بیانات خود ویلهم کیسی William Casey، مدیر سی آی ای اظهار داشت که قضیه افغانستان بزرگترین اوپراسیونیست که وی از اداره کارتر بمیراث گرفته و دربار ضیاء الحق علاوه کرد:

« با ارزشترین (سرمایه) امریکا، شخصی که وفادارتر از آن در منطقه وجود ندارد. »

در این اواخر بوب وودوارد Bob Woodward در واشنگتن پست تحت عنوان « پرده » دربار اوپراسیون مخفی دوران ریگان و روابط نزدیک کیسی و ضیاء مینویسد کیسی معتقد است که: « سی آی ای و اداره ریگان هر دو میخواهند تا جنرال ضیاء بقدرت خود باقی بماند که از تمام وقایعی که در حکومت پاکستان رخ میدهد و قوف کامل داشته باشد. بعد از طی مراحل ابتدایی و مرور مدت مختصری مرکز فرماندهی استیشن سی آی ای در اسلام آباد به شکل یکی از بزرگترین دستگاه های این موسسه در جهان بوجود آمد. همچنان ویلهم کیسی در سال دویار به ملاقات جنرال ضیاء به پاکستان سفر میکرد و بزودی این دید و بازدید روابط بین هم یکدیگر را آنقدر نزدیک گردانید که هیچ فردی از اداره ریگان بیشتر از کیسی با جنرال ضیاء نزدیکتر نبود. این نزدیکی و صمیمیت آنقدر مثمر بود که اگر ضیاء کمک از ایالات متحده میخواست، کیسی کسی بود که راه حل آنرا ترتیب میداد. »

این روابط بین آنها از معیار های عادی قاسها، صرف دربار بحران افغانستان از حد بیرون میشد. جنرال ضیاء او کیسی هر دو سعی میکردند تساند بین قوه های استخباراتی هر دو کشور را عمیقتر نمایند تا با این وسیله همکاری کشور های شان در دیگر ساحات نیز

وسیعتر گردد.

ودوارو در روز نامه واشنگتن پست در صحبتی که با کیسی داشت این مطلب را از وی نقل قول کرده است.

قرار اظهار وودارد جنرال ضیاء برای امریکا امکانات « نصب آلات استماع الکترونیکی ستراتیژیکی» را در شمال پاکستان، در گلگیت و یا چترال میسر گردانید تا توسط آن عملیات راکتهای بالیستیک انترکانتی نتال (ICBM) شوروی و همچنان پرتاب راکتهای ضد ستلایت (ASAT) آن کشور را تعقیب کرده بتواند. قرار اظهار یک منبع موثق از واشنگتن این دستگاه ها هنوز در پاکستان فعال می باشد.

ودوارد علاوه می کند که بتاريخ سوم اکتوبر ۱۹۸۷ يك واقعه خارق العاده در پاکستان رخ داد و آن اینکه دو فروند هیلوکوپتر قوای نظامی اتحاد شوروی نوع می ۲۴ - MI-24 در منطقه اوساخ (Usach) در تحصیل مورکو (Morkho)، قریه مستوج (Mastui) چترال فرود آمدند، در اعلامیه رسمی حکومت پاکستان فرود آمدن این هیلوکوپترها بنا بر اشتباه پیلوتها در خط پرواز و به پایان رسیدن مواد سوخت وانمود شده بود اما این هیلوکوپترها توسط قوای هوایی پاکستان مجبور به فرود آمدن گردیده بودند. قرار نشر اعلامیه رسمی پاکستان سرجمع سرنشینان هیلوکوپترها شش نفر بودند که تحت قوماندانی یفگینی نیکولای، Yevgeni Nicohai، جگرن بریگاد، اختصاصی کی جی بی KGB، در الما اتا، قزاقستان وظیفه داشتند. قرار راپور واصله در بین سرنشینان هیلوکوپترها نظامیانی شرکت داشتند که مربوط به عساکر شپیتناز Spitznaz، قطعه اختصاصی کوماندوی شوروی بودند.

بعد از یکی دو روز يك سخنگوی وزارت خارجه پاکستان رسماً اظهار داشت که این پرواز برای پیمایش « یخچال های طبیعی سیاخن Siachen Glacier، ناحیه ای که آن قوای پاکستان و هند جنگ صورت گرفته، از طرف اتحاد شوروی توظیف گردیده بود.

اما حقیقت امر این است که سرنشینان اختصاصی و مجرب شوروی وظیفه داشتند تا ساختمان دستگاه استخباراتی امریکا را کشف کرده و از بین ببرند و وقتی آنها مجبور به فرود آمدن شدند و قبل از آنکه افسران پاکستانی به محل حادثه مواصلت کنند سرنشینان پرواز محرم، هیلوکوپترها را توسط بمها منفجر کردند تا سندی بدست کسی افتاده نتواند.

افسران پاکستانی بدون آنکه سروصدای زیاد در این باره خلق کنند نظر بموافقه هردو طرف و هدایت حکومت پاکستان سرنشینان هیلوکوپترها به سفارت شوروی در اسلام آباد تسلیم داده شدند.

بعد از تفاهات ذات البینی بین امریکا و پاکستان جنرال ضیاء قدمی فراتر گذاشته وموافقه کرد که قام میدانهای هوایی نظامی کشور را برای استفاده قوای هوایی امریکا بازگذارد تا از این طریق طیارات امریکایی عبور ومورور تحت البحرهارا دربرهند و خلیج فارس تحت کنترل خود داشته باشند و از مدتیست که طیارات بی-۳ اوریون P-3 Orion امریکایی بصورت عادی از میدان هوایی مورپور استفاده می کند. بااین همه نزدیکی پاکستان با امریکا و دفاع از منافع جانبین حکومت پاکستان قدم بقدم با مرکز فرماندهی امریکا (Cent-Com) پیوند گردیده که درضمن دیگر موافقات بحیث یک بندر ملکی عادی کشتی های امریکائی را برای تهیه لوژستیکی در خود می پذیرد.

ملت افغان در داخل کشورشان قیام کرده و درابر قوای شوروی سلاح بدست گرفته و باکسانیکه به پاکستان مهاجر شده ویا جهت تدارک سلاح به پاکستان آمده بودند مواجهه با «یک عمل انجام شده» بودند، تعامل اداری پاکستان طوری بود که این اشخاص مستقیماً به یکی از دستگاه های آی اس آی رهنمایی میگردیدند باآنکه تعداد کثیری از افغانها از قیام گرفتن بااین دستگاه امتناع میورزیدند.

از طرف دیگر لیدرهاییکه قبل از سال ۱۹۷۸ در برابر حکومت ظاهرشاه ویا محمد داود سلاح بدست گرفته بود و فعلاً در پاکستان پناهنده می باشند مجبور بودند به اوامر ISI پاکستان گردن نهند، این داد و گرفت و کشمکش قبل از ۱۹۷۸ و بعد از ۱۹۷۹ همچنان ادامه داشته و شاید هرگز رفع نشود.

همچنان پاکستان اجازه داد تا بعضی تنظیمهای دیگر، مانند تنظیم پیرسید احمد گیلانی و غیره نیز در پاکستان فعالیت کنند اما در خطوط اساسی طرح هسته مرکزی قبل از ۱۹۷۸ تغییری وارد نیامده در تهیه و تمویل ساز و برگ نظامی مانند پنج سال قبل از تجاوز شوروی به افغانستان سازماندهی گردیده بود بهمان طریق و طرز العمل دوام دارد.

ثابت است در کبانون مرکزی این سازمان تویرید سلاح و مهمات نظامی امریکا جریان داشت و توسط این هسته استخباراتی به مبارزین افغانی توزیع میگردد.

اما در آغاز مرحله و در نحوه توزیع مهمات جنگی ایالات متحده ملتفت گردید که توزیع سلاح و مهمات توسط آی اس آی در بین سازمانهای مقاومت يك مقام خاص « جنگ سالار» را خلق میکند.

در شروع سال ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹، گروه های مقاومت جبهات نورستان و هزاره جات و کنرها پیروان حکمتیار را متهم به خود بزرگ بینی و تفوق جوئی حزب شان می نمودند. يك منبع بن (مفرسیاسی) در سفر سال ۱۹۸۰ معلومات داد که در ماه دسامبر سال ۱۹۷۸ طرفداران گلبدین ده نفر مربوطین حزب ربانی را در پنجشیر بقتل رسانیدند و این اقدام ده سال بعد از حادثه تخار است که در آن حزب اسلامی حکمتیار سی نفر مبارزین مربوط ربانی را غافلگیر کرده و کشته بودند.

در سال ۱۹۸۰ که غنداسمار طور دسته جمعی بسرکردگی کرنیل عبدالروف به قوای مقاومت پیوست، نماینده حزب اسلامی از وی تقاضا کرد تا در صف مبارزین حزب اسلامی همبستگی خود را اعلام داشته و تحت بیرق حزب بجنگد. لیکن کرنیل روف این تقاضای حزب اسلامی را رد کرده و جواب داد، که ما تصمیم گرفته ایم تا در برابر رژیم کابل بجنگیم اما نمیخواهیم تحت بیرق مشخصی داخل پیکار شویم و ما میخواهیم در این مرحله مطالعات خود را درباره چگونگی همبستگی آینده خود تکمیل کنیم. بعد از این برخورد و رد پیشنهاد حزب اسلامی گروه تحت قوماندان کرنیل روف از جانب حزب اسلامی با استفاده از سلاح تهدید میشدند.

ضمن صحبتی در اواخر سال ۱۹۸۰ کرنیل روف از موقف جهادی حکمتیار و خالص شدیداً شکایت کرد و این شکایت آگاهانه وی تقریباً يك دهه قبل از قتل عام ۷۴ تن از عساکر اردوی افغانی صورت گرفته است. کشتار عساکر تسلیم شده طوری بود که این عساکر از خدمت زیر پرچم رژیم فرار کرده و جهت نجات خود به اردوی پاکستان تسلیم شده بودند، دستگاه آی اس آی پاکستان از تسلیمی عساکر افغانی اطلاع یافته و آنها را بعد از تحقیق به حزب خالص تسلیم داده بود. این ها از طرف حزب خالص بدون تأمل طور دسته جمعی تیرباران گردیدند. راپور این حادثه دیگر مطالب مشابه در مجله (فارا بسترن ایکونومیک ریسورت، FAR EASTERN ECONOMIC RAVIEW ۳۰/۲۳ جنوری ۱۹۸۰) نشر شده است.

با ترکیب این همه گزارشات نارضایتی کانگرسمن بیل مک کولن به جابوده و افشای این عملکرد سی آی ای که یک نوع «پالیسی ناسالمی» را تعقیب میکرد و به آی اس آی صلاحیت داده بود که به احزاب تندرو حکمتیار و خالص بیشتر کمک رسانده و از ایشان حمایت کند، حلقات سیاسی امریکا را تکان داد و این نتیجهء همان مطالبی نزد افغانها مانند، سید بهاولدین مجروح بود که حکومت امریکا را هوشدار میداد که عواقب این پالیسی نادرست برای شان گران تمام خواهد شد.

از طرف دیگر قابل توجه است که اروپائی ها کمکهای خود را درچوکات چنین عملیه ناسالم تشخیص کرده و آنرا مراعات نمی کردند. یک منبع پارلمان اروپایی اظهارداشت که درسال ۱۹۸۵ مدیر کل آی اس آی، جنرال اختر عبدالرحمن با سفیر فرانسه در پاکستان به تماس شده و از رسانیدن کمکهای آن کشور مستقیم به مبارزین افغانی شکایت کرده و از سفیر فرانسه تقاضا کرد تا کمکهای خود را از طریق آی اس آی بمبارزین افغانی تحویل دهد. جنرال اختر مخصوصاً از رسانیدن مستقیم کمکهای حکومت فرانسه به احمد شاه مسعود در دره پنجشیر شکایت داشت. قرار اظهار منبع متذکره مسعود از نهاد اصلی اعضای « هسته مرکزی قبل از ۱۹۷۸ » خود را بیرون کشیده و نمی خواهد تا کمکهای خود را از طریق آی اس آی بدست آورد. مسعود تاکید میکند که مبارزین تحت فرمان وی در داخل افغانستان میجنگند و وی از رشوه ستانی های پشاور در امان است و نمی خواهد این شکل را تغییر دهد بلکه خواستار استقلال داخلی خود میباشد.

بعد از مذاکره جنرال استخبارات پاکستان، سفیر فرانسه در یادداشت خود به وزارت خارجه تذکر داد که وی در این صحبت به جنرال اختر گفته و او را اخطار داده که حکومت وی کمکهای خود را به قوماندان مسعود و دیگر مبارزین افغانی مستقیماً میرساند و در صورتیکه پاکستان با این طرز العمل مخالفت کند، حکومت فرانسه چگونگی قضیه را در مطبوعات جهانی بصورت علنی افشاء خواهد کرد.

برای بینظیر بهوتو و حکومت جدید پیپلز پارتی امکانات آن میسر گردید، تا با شناختن سابق، پالیسی حکومت خود را در مورد بحران افغانستان منسجم سازد. برای خانم بهوتو این چانس بدست آمد تا برخلاف مردان عاقل و اشنگتن که یکدیگر خود را به علت اشتباهات شان قریانی می کنند خود را از تکرار اشتباهات بدور داشته و اعلام بدارد که هرچند در مسابقات

سیاسی جهانی تفاوت های عمیقی نسبت گذشت زمان با دوره کار پدرش وجود دارد با آنهم می خواهد پالیسی پدرش را در مورد افغانستان تعقیب و عملی کند.

به خاطر بیآوریم که چون ذوالفقار علی بهوتو در نظر داشت تا با طرح پالیسی در باره سیاست خاصش درباره افغانستان موفقیت نصیبش گردد. صدراعظم فقید دیزاین مطلوبی را طراحی کرد تا طور موثر بر حکومت داود فشار وارد کرده بتواند و بر جدال دایمی دو کشور خاتمه دهد. در این برنامه بهوتو خطوط اساسی طرح خود را محدود استفاده از آن را تثبیت کرده بود. وی پلان تفوق جوئی بر افغانستان رانداشت و نه هم میخواست که يك حکومت دلخواه پاکستان در آنجا تحمیل گردد.

این مطالب مهم و ارزنده برای جنرال ضیاء الحق شکل دیگری پیدا کرد. وی خطوط اساسی پالیسی خود را در مورد افغانستان طوری طرح کرده بود که با همکاران آی اس آی افغانستان را در چوکات يك ستلايت پاکستان در آورد برای تطبیق این نظر خود خدمتگاران و گماشتگان با وفایی در اجندا داشت و همین طرز تفکر باعث شد تا گمکهای بیشتر نظامی بدسترس احزاب گلبدین حکمتیار و مولوی خالص گذاشته شود.

حال بیائید مطالعه کنیم که تعقیب و حاصل این پالیسی در آینده افغانستان چه تاثیراتی را ببار خواهد آورد؟

بعد از ده سال جنگ و مبارزه با اشغالگران اتحاد شوروی از تصور بدور خواهد بود که ملت افغان حکومتی را که از طرف بیگانگان طراحی و تحمیل شده باشد بپذیرند. درس عبرت از تاریخ افغانستان اینست که هر نظام تحمیل شده بر این ملت ناکام و اشتباه بوده موفق نخواهد بود. ما شاهدیم که جامعه افغان قطعی به تحکم استعماری تن در نمی دهد و نظامی را که از طرف پاکستان دیزاین شده باشد بصورت واضح در بین جامعه افغانی مخالفین خود را پیدا میکند. بامید اینکه روزی ملت افغان متخربه پیدا کردن ناجی ای بگردد، وگرنه پاکستان از حلقه دوستی بر آمده و هدف دشمنی افغانها خواهد گردید.

حکومت جدید بهوتو باید یکی از دو طریق گذشته را انتخاب کند، قرار معلوم صدراعظم جدید تاکنون خطوط اساسی طرح ضیاء الحق را تعقیب می کند اما اگر خواسته باشد که از پالیسی پدرش پیروی کند باید با درایت و تأنی که تاکنون دیده نشده در آن مسیر حرکت کند.. البته این حرکت نمیتواند بدون در نظر داشت علایق یکی از ابر قدرت های پادرك واقعیتها

ومنافع پاکستان بپایه اکمال برسد احتمال دارد که هنوز هم وقت باقی باشد تا مانع بوجود آمدن «اشتباهات» درآینده شده بتواند.

۳۱-۱۰-۱۹۷۸ فینانشل تایمز (Financial Times)، لندن، انگلستان :

جاده دشواری پراز سنگ وخار سوسیالیزم در افغانستان :

سیر زندگی مانند قرنهای گذشته در بازار کابل :

مسگر با صدای يك نواخت چکش خود روی پارچه مس مشغول ساختن يك دیگ است. تاجرات و ظروف برنجی، پیاله چای سبز در دست، انتظار مشتری را میکشد و در گوشه دیگر جاده زن چادری پوشی، گوشت گاو را که روی آن مگس ها ته و بالا پرواز می کنند، از نظر میگذراند.

نفوس شهر کابل تقریباً هفتصد هزار نفر است و اکثر آنها پیرو دین اسلام هستند. مردمان شهر در برابر اتباع کشورهای غربی پیشآمد دوستانه دارند و مهمان نوازی مردم این کشور کوهستانی زبانزد عام و خاص است.

در این شهر بدررفت وجود ندارد و سلمانی در کنار جوی نشسته سرمشتری را اصلاح میکند و چند قدم دورتر از او شخص دیگری باریش رسیده و بالا پوش مندرسی بتن، برای مشتری اش نامه و یا عریضه ای مینویسد.

در طول سالیان گذشته در این شهر تفسیر چشم گیری صورت نه گرفته و چنان می نماید که عقرب ساعت جهانی در اینجا از حرکت بازمانده است.

رژیم موجوده که ششماه قبل با کودتای خونینی به قدرت رسید و این کشور را عمیقاً در جمع اعمار شوروی شامل گردانید، ادعا دارد که فیودالیزم را از کشور ریشه کن میکند.

حفیظ الله امین وزیر خارجه که مرد قدرتمند رژیم است، میگوید که خط مش حزب خلق طوریت تا از این افغانستان عقب مانده در پرتو سوسیالیزم يك مملکت مترقی ای بوجود آورد. حزب خلق سعی می ورزد تا طبقه جوان دهات و روستاها را در خود جذب کند.

در برابر تلاشهای رژیم قیام مردم مسلمان در بعضی ولایات افغانستان مانند کنرها،

پکتیا، بدخشان، لوگر و لغمان آهسته آهسته به مشاهده میرسد.

از طرف دیگر به تعداد روسها از طریق میدان هوایی کابل روز بروز افزایش بعمل میآید و وجود آنها صحنه زندگی روزمره جاده هارا تغییر داده است روسها در هر منطقه از شهر کابل چه در عقب پل خشتی، بازار ولایت و یا کوچه مرغ فروشی در برابر دیدگان متحیر دکانداران تردد دارند و علایم نامانوس بودن رژیم سوسیالیستی در کشور مسلمان و محافظه کار افغانستان به سادگی جلب توجه میکند.

افواه سربازار طور است که در بعضی ولایت افغانستان نمایندگان رژیم کابل توسط مسلمانان کشته شده و همچنان در بعضی مناطق قیام مسلحانه دسته جمعی علیه رژیم آغاز گردیده است.

همکاران روسی :

گروه کوچکی از طرفداران حزب خلق گمان میکنند که با کمک دوستان روسی خود بشکل سحرآمیز صحنه زندگی را در افغانستان تغییر میدهند و جای غازی را که در گوشه محراب مسجدی قرار دارد جمع کرده و از بین می برند. جهت توصل به چنین هدف خیالی رژیم موجوده باید از شدت عمل و کشتار کاریگیرد اما در حال حاضر رژیم این توانایی را در خود سراغ ندارد.

در این اواخر در باره چگونگی کودتای کمونیستی اپریل امسال معلومات بیشتر بدست آمده و گفته می شود که در کودتا کمتر از ۵۰۰ نفر افسران پائین رتبه قوای زره دار و هوایی سهم داشتند و صرف دویونت زره دار در اختیار شان بوده و بر علاوه این دویونت زره دار دیگر تحت فرماندهی دگروال عبدالقادر عضو حزب پرچم در قشله عسکری مربوط منتظر و آماده اوامر اخذ بعدی بود.

نور محمد تره کی با حضور دو هزار مشاور نظامی و سه هزار مشاور تخنیکی و اداری روسی در افغانستان اتکاء می کند و در عین حال تعداد ورود مشاورین روز بروز افزایش می یابد.

مبصرین سیاسی معتقدند که در کشور های غربی زنگ خطر، نسبت به ورود سیل آسای مشاوران روسی به افغانستان و بدست گرفتن پستهای مهم در ادارات توسط آنها، نواخته شده اما علایم عکس العمل در مقابل این حقایق بچشم نمی خورد.

درسالهای ۱۹۵۰ حینیکه امریکا از دادن سلاح و مهمات دفاعی مورد ضرورت افغانستان شانه خالی کرد و اتحاد شوروی از این خلاء استفاده کرده و حاضر شد تا بدون وقفه به درخواست حکومت وقت کابل صحنه بگذارد و سلاح مورد ضرورت اردو را در برابر قیمت خیلی ها مناسب تهیه و تسلیم دهد دربر آورده شدن آمال و برنامه های بعدی خود قدمهای عملی بگذارد.

درچوکات این توافقات گنجانیده شده بود تا سالانه يك تعداد زیاد افسران اردوی افغانی به اتحاد شوروی سفر وهمزمان با فراگرفتن دکترین سیاسی شوروی و بعد از مغز شونی به افغانستان برگردند. بعد بازگشت به افغانستان گماشتگان و دست اندرکاران افغانی درچوکات احزاب سیاسی کمونیستی آنها را درجه بندی کرده، کسانیکه از روی عقیده به مارکسیست بستگی داشتند، به حزب خلق و پرچم جذب شدند.

اعضای رژیم موجوده سعی میکنند تا بنام مازکسیست ویا کمونیست یاد نشوند، زیرا آنها از عکس العمل مردم مسلمان افغانستان بسیار می ترسند. اما باوجود این نگرانی بیرق جدید افغانستان که هفته گذشته برافراشته شد، کاملاً به رنگ سرخ بوده و هیچ نشانه ای از رنگ سبز اسلامی درآن بنظر نمیخورد.

با وجود این همه اجراءات ظاهری حکومت با غمیش قدرت تانک و زرهپوش مردم را از خود دور نگه می دارد و شبانه بعد از ساعت ده قیود شبگردی شدیداً مراعات شده و نور افکنهای قوی از فراز کوه های شیردروازه و آسمایی کنترل مطلق بر همه جاده ها و خانه های شهر دارند.

بهرحال اتحاد شوروی برای نیل به آرزوی خود یعنی رسیدن به بندرگوادردر پاکستان راه سخت و دشواری را از طریق افغانستان در پیش رو دارد.

نومبر

ACKU

۲۱-۱۱-۱۹۷۸ کلنرشتاد انسباگیر Koelner Stadt Anzeiger آلمان غرب:
براساس گزارشی از رادیو ماسکو حکومت اتحاد شوروی از نورمحمد تره کی رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم افغانستان دعوت نموده تا در اواسط ماه دسامبر سال جاری به
ماسکو سفر نماید.

۲۸-۱۱-۱۹۷۸ ناگس انسیپر Tages Anzeiger آلمان غرب :

در افغانستان هوقف و سلطه تره کی محکم گردیده :
کابل (آژانس فرانس پریس) :

— به حواله از راپور آژانس فرانس پریس، روزنامه تاگس انسیپر آلمانی مینگارد:
رژیم انقلابی افغانستان تحت رهبری نورمحمد تره کی بعد از مبارزات داخلی با
فراکسیونهای رقیب، قدرت را با اعضای حزب خلق که خود رهبری آنرا دارد متمرکز و
موقف خود را در سازمان ثابت گردانیده و از این مدرک دیگر نگرانی ای ندارد.
تره کی تصمیم گرفته که به زودترین فرصت به نخستین سفر خود به خارج از کشور اقدام
نماید و قرار معلوم این سفر به ماسکو می باشد.

رژیم موجوده تلاش میوزد تا هرچه زودتر گروه های مخالف نقاط شرقی کشور را که
برضد رژیم ملحد و دست نشانده شوروی قیام کرده اند از بین ببرند. در وضع کنونی قیام
کنندگان مسلمان توانائی آنرا ندارند تا رژیمی را که ماسکو از لحاظ اقتصادی و نظامی
حمایت کامل میکند بزودی سرنگون کنند. با آنهم تاکنون مبارزین آزادیخواه افغانی که
در کوهستانهای مناطق شرقی افغانستان پناه برده اند چند صد عسکر رژیم کابل را بقتل
رسانیده اند. لیکن برای دستیابی به يك موفقیت بزرگ و درهم شکستن رژیم کابل نسبت
عدم منابع کمک دهنده توان مقابله را ندارند.

وفاداری رژیم کابل به مارکسیزم و لینیزم کاملاً تثبیت شده است. چنانچه در اخیر ماه
اکتوبر، برای اولین بار در تاریخ کشور، روز بنیادگذاری کموسمول (سازمان جوانان کمونیست
شوروی) را در افغانستان جشن گرفتند و بیرقهای سرخ افغانستان و شوروی، که از فاصله
دور باهم شباهت کامل دارند، عکسهای بریژنیف و تره کی دیده می شد.

همچنان در سیاست خارجی اتحاد شوروی و افغانستان هم آهنگی های بوجود آمده است که

به اساس آن افغانستان روابط سیاسی خود را با کوریای جنوبی قطع کرده و درصدد آنست تا با کیوبا مناسبات سیاسی را برقرار سازد. علاوه بر این رژیم مناسبات خود را با کشورهای بلاک شرق بسیار وسیع و بصورت چشم گیر توسعه بخشیده است بنابراین میتوان ادعا کرد که رژیم کابل با وجود ادعای زمامداران رژیم کابل که افغانستان را از زمره کشورهای غیرمنسلك می دانند رژیم جای خود را در قطار اقمار اتحاد شوروی مشخص و تثبیت کرده است.

ACKU

دسامبر

۴-۱۲-۱۹۷۸ نیو سوور خرسایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

تره کی رئیس دولت افغانستان در ماسکو:

نورمحمد تره کی رهبر شورای انقلابی و رئیس دولت افغانستان طی مراسم شاندارى توسط بریژنیف، کاسیگین، گرومیکو و استینوف وزیر دفاع شوروی پذیرایی گردید.

میدان هوایی با بیرقهای شوروی و افغانستان تزئین شده بود، بیرقها از فاصله دورتر باهم تفاوت ندارند. دو بیرق برنگ سرخ آتشین بوده و درکنار بالایی آن علامت طلایی رنگ بچشم میخورد. بعد از کودتای خونین هفت ثور بیرقهای این دو کشور هم فرم و هم رنگ شده جای بیرق سه رنگ (سیاه، سرخ، سبز) سابق افغانستان را گرفته است. تجانس رنگ و سایز بیرق ها علایق بسیار نزدیک و رابطه عمیق و دوستانه هردو کشور را بیان می کند.

روابط شوروی با کشور همسایه جنوبی اش، افغانستان، که از نقطه نظر ستراتیژیکی اهمیت فراوان دارد از سالها باینطرف باهم نزدیک بوده و اولین قرارداد دوستی بین شوروی و دولت پادشاهی افغانستان در سال ۱۹۲۱ بامضاء رسیده است. این قرارداد در سال ۱۹۳۱ با اضافه مواد عدم تجاوز و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر تجدید شده و آخرین بار یکسال قبل با دولت جمهوری افغانستان دوباره تجدید و معتبر شده است.

نظریه روابطیکه دربالا تذکریافت، کودتای هفت ثور ماهیت و موقف شوروی را در افغانستان تغیر داده است.

آقایان امروزی در کابل، تحت رهبری تره کی، بنیادکار خود را برخلاف روش محمد داود رئیس جمهور پیشین افغانستان بر مارکسیزم ولینینیزم گذاشته اند.

محمد داود که در اواخر دوران زمامداری خود کشور را باشیوه اتوکراسی اداره می کرد و در نظر داشت تا در روابط نزدیک خود با اتحاد شوروی تجدید نظر کرده و قدم به قدم از آن فاصله بگیرد.

بعد از موفق شدن کودتاچیان شایعاتی بین کارگردانان سیاسی پخش گردید که گویا شوروی در کودتای اخیر افغانستان دست داشته، لیکن این مطلب از جانب هردو کشور یعنی شوروی و افغانستان، رد شده است.

در عقب پرده هرچه باشد واقعیت امر اینست که بعد از کودتای اپریل سلسله همکاری ها

بین شوروی و افغانستان بیشتر و عمیقتر گردیده و روزی نیست که موافقتنامه جدیدی در یکی از پایتختهای این دو کشور به امضاء نرسد همچنان در تعداد متخصصین و مشاورین روسی تعدادی را که شوروی لازم ببندد افزایش بعمل می آید.

مسلم است که سفر تره کی به ماسکو روابط افغانستان را با شوروی مستحکم تر ساخته و یقیناً موافقتنامه ای میان طرفین بامضاء خواهد رسید که به موجب آن افغانستان را بیشتر تحت نفوذ شوروی قرار دهد.

فراموش نکنیم که اساس طرح پالیسی شوروی کشاندن کشورهای جهان سوم در دایره نفوذ خودش بوده و هرگز نمی خواهد که رقیب بزرگش چین در این حرکت از وی سبقت گیرد. طور مثال از قراردادهای دوستی که اخیراً بین کوربای شمالی و ایتوبی با شوروی به امضا رسیده می توان نام برد.

۷-۱۲-۱۹۷۸ را بنیسی پست Rheinische Post آلمان غرب:

شوروی و افغانستان باهم نزدیکتر میشوند:

از طریق کابل تهاجم به سوی کشورهای پکت آسیا؟

ماسکو: قرار دادی که روز سه شنبه بین حکومت شوروی و افغانستان در ماسکو بامضاء رسید، به عقیده ناظرین سیاسی در ماسکو، موقعیت آسیا را با خطرات بزرگی مواجه گردانیده است در این قرار داد، در متن آن به زیر لفافه همکاری های اقتصادی پاراگراف همبستگی نظامی نیز شامل می باشد.

متن قرار داد مذکور روز گذشته در روزنامه های پایتخت افغانستان نشر شد با مطالعه این قرار داد واضح گردید که افغانستان با وجود ادعای داشتن سیاست عدم انسلاک و بیطرفی، شباهت مطلق با جمهوری خلق مغولستان پیدا کرده است.

از بیانیه های هردو رهبر حزبی کشور، بریژنیف و تره کی که بمناسبت عقد این قرارداد ایراد شده است با اطمینان یقین میتوان اظهار کرد که روابط ایدولوژیکی این دو کشور نزدیکتر از آن است که ناظرین انتظار آنها داشتند. بریژنیف و تره کی هردو در بیانات شان یکدیگر خود را رفیق خطاب کردند و تره کی درین ضیافت جام خود را به امید توسعه همکاری های نزدیکتر و بیشتر بین جمهوری دیموکراتیک افغانستان و حزب کمونیست اتحاد شوروی

بلند کرد.

در قرارداد از احزاب دوکشور نامی برده نشده، اما ناظرین سیاسی معتقدند که ایدولوژی حزبی شوروی بیشتر امور حزبی کابل را تحت تاثیر خود قراردادده است. در این مورد در ماده سوم قرارداد بدان اشاره و ذکر شده که: «در مورد همکاری نزدیک بین نیروی دولتی و تشکیلات اجتماعی هر دو دولت توافق بعمل آمده است که علاوه بر همکاری در موضوعات علمی، فرهنگی، صحتی و رادیو تلویزیون، همکاری بیشتر در ارگان های دیگر اجتماعی و دولتی صورت گیرد». از همکاری در (ارگان نیروی دولتی) تا امروز تنها در معاهدات بین شوروی و بلک شرق، کیوبا و مغولستان تذکر بعمل آمده است.

در این قرارداد چگونگی همکاری نظامی را چنین توضیح میدهد: «به منظور علائق و همبستگی جهت آمادگی برای دفاع هر دو کشور، موافقه دارند که روابط موجود میان دو کشور را با عقد موافقتنامه ای جداگانه عمیقتر سازند. با وصف تشریح این مطالب در هیچ یکی از مواد قرارداد از کمک دوجانبه در حالت اضطرار ذکری نشده است.

از مقایسه مواد قرارداد در روابط ماسکو و کابل میتوان به این نتیجه رسید که رابطه اینها بیشتر شباهت به رابطه مغولستان با اتحاد شوروی دارد. در ماده هشتم قرارداد مذکور تره کی نیز چون رهبر بیشتر مغولستان ایجاد پیمان دفاعی آسیایی را تائید میکند با وجود اینکه دیگر کشورهای آسیایی این پیشنهاد خاص شوروی را رد میکنند و تنها در صورتی حاضرند چنین پیمانی را تائید کنند که در آن تمام کشورهای عضو با حقوق مساوی شامل باشند. قابل توجه است که در این پیمان آسیایی و یتنام نیز شامل میباشد.

از طرف دیگر دولت چین در باره بوجود آمدن یک چنین پیمان آسیایی علناً مخالفت میکند، زیرا موجودیت این پیمان در حقیقت جبهه گیری کشورهای آسیایی تحت رهبری روسیه شوروی بوده برضد دولت چین عمل خواهد کرد.

پرواضح است که امضای این قرارداد از طرف تره کی و تائید ماده هشتم آن بر مناسبات چین و افغانستان تاثیر منفی خواهد کرد. تره کی در بیانیه خود نیز اشاره به روابط دوستانه با ممالک همجوار را صفتی کرده که به ترتیب مقام و ارزش شان از کشورهای هندوستان، بنگله دیش، ایران، پاکستان و چین یاد کرده است.

مطلب جاننداری که در قرارداد ذکر نشده این است: در صورتیکه رژیم تره کی با مشکلات

داخلی مواجه گردد، شوروی در آنصورت چه موقفی را در پیش خواهد گرفت؟ مواجه شدن در چنین حالت داخلی بخصوص از ناحیه مردم متدین و گروه های قومی بعید از امکان نیست.

در صورت بروز چنین مشکل، مداخله شوروی به افغانستان به طرفداری تره کی و نجات جمهوری دیموکراتیک خلق افغانستان بحران بزرگی را در منطقه ایجاد خواهد کرد و شوروی آرزو ندارد که فعلاً با چنین بحرانی در منطقه درگیر شود، زیرا خطر نزدیک شدن کشورهای جنوب آسیا برای نجات شان با دولت چین بدور از امکان نیست.

۷-۱۲-۱۹۷۸ تاگس انسپگر Tages Anzeiger آلمان غرب:

بریتنیف مخالفت خود را با بحث های (عوام فریبانه) اظهار کرد:

مسکو - بخارست: بریتنیف رئیس دولت و منشی عمومی حزب کمونیست شوروی، در ضیافتی که بافتخار تره کی رئیس شورای انقلابی دولت افغانستان برگزار شده بود، بدون آنکه نامی از نیکولای چایچسکو رئیس دولت رومانی ببرد حرکات تجرید پسندانه دولت رومانی را انتقاد کرد.

وی در مورد تلاشهای چایچسکو از کلمه دیماگوگ (عوام فریب) استفاده کرد که در حلقات سیاسی استفاده از این واژه در شمار کلمات خشن میآید.

۷-۱۲-۱۹۷۸ رینیسی پوست Rheinsche Post آلمان غرب:

افغانستان در چنگ شوروی:

تا هنوز در افغانستان قرآن نسبت به کتاب مارکس بیشتر خواننده دارد.

با وجود تقلید از مدل شوروی، در کابل کسی جرأت نام بردن کمونیسم را ندارد.

ماسکو: دو پرچم مشابه به رنگ سرخ با سمبول طلایی درکنج آن، بر فراز قصر کریملین در اهتزاز درآمده یکی جمهوری دیموکراتیک افغانستان و دیگری بیرق شوروی می باشد. در کنجی که پرچم شوروی سمبول کارگری و بزرگتری برنگ طلایی نقش گردیده در پرچم افغانستان به عین تناسب دوخوشه گندم، در متن آن کلمه خلق بنظر میخورد و در کنار آن ستاره طلایی رنگ پنج گوشه ای، توجه بیننده را به خود جلب میکند. زمامداران کابل

ستاره پنج گوشه ای را به پنج ملیت در افغانستان ربط میدهند. اما برای تره کی این ستاره نشانه تعقب از سیاست، پیروی و تقلید مطلق از مدل شوروی در افغانستان است، بدون آنکه جرات بزبان آوردن و بیان آنرا داشته باشد (رفیق تره کی) در بیانات خود از نیروی خلاق در افغانستان یاد کرده و این نیرو را در وجود (ایدولوژی سرنوشت ساز طبقه کارگر) می بیند اما از ذکر کلمه کمونیزم و کمونیستی اجتناب میورزد و شخصیتی که انقلابیون افغانستان از او آموخته اند چطور حزب را تشکیل و اداره کنند تا توسط آن تغییرات بنیادی در جامعه وارد کنند نامی از لینن نمی برد، اما یاد از آموزگار و رهبر بزرگ کارگران جهان) میکند.

از تصادم با اسلام بیم دارد:

در افغانستان هنوز هم قرآن نسبت به آثار کارل مارکس خواننده بیشتر دارد و رهبران جدید در افغانستان برای اینکه با اسلام در تضاد قرار نگیرند در کابل از هر نوع تظاهر استفاده میکنند. در ماه رمضان حکومت به همه مامورین خود جداً دستور داد تا مراسم دینی را احترام کرده و روزه بگیرند. چنان مینمایند که در دوره ملحدین بر سر قدرت نسبت به گذشته گرسنگی بیشتر محسوس است همچنان در بیانیه ای تره کی اعتراف کرده که وی ساعتها رابه ادای نماز میگذراند.

امروز تره کی، پس از برکناری و اخراج رقیب سرسختش ببرک کارمل رهبر حزب پرچم ورفقای وی را بنام سفرا از کشور خارج کرد، یکه تاز میدان می باشد. در ابتدای بقدرت رسیدن تره کی مطبوعات جهان غرب از بیرون راندن مخالفین رژیم و به قدرت ماندن گروه ملایمتر تحت رهبری تره کی با خوشنودی استقبال کردند و معتقد بودند که زمامداران جدید روابط سردتری با مسکو در پیش خواهند گرفت. اما واقعیت اینست که در جریان کلیه تغییر و تبدیل میان دو حزب رقیب، روسها به نفع تره کی فعالیت میکردند و زمامداران کریملین آگاه از سخنان ثبت شده لینن در اتریش (چپگرایان افراطی، امراض کودکانه کمونیزم) جداً پیروی و بدان عمل میکردند. در این اثر لینن در سال ۱۹۲۴ در مورد چپ های افراطی هوشدار داده و طرز تفکر و دید خودش را عملی میکرد.

در شروع گروه پرچم در نظر داشت تا رژیم انقلابی در برابر اسلام قدهلم کرده و با آن اعلان جنگ دهند. اما تره کی و همکاران خلقی وی ترجیح میدادند که در آغاز این جنبش

در برابر اسلام ملایم تر عمل کند که این نظریه از طرف کرملین نیز تأیید گردید زیرا آنها مستشعر از آن بودند که مبارزه رویارویی علیه اسلام از توان فعلی و شرایط امروزی رژیم جدید در کابل خارج می‌باشد.

رژیم کابل فعلاً تطبیق پلان اصلاحات اراضی را برای مدت نامعلومی به تعویق انداخته و در عوض تسوید قانون کوپراتیفها را رویدست گرفته، در این قانون دهقان کسی است که مالک چهار هکتار زمین باشد و با این تعریف از دهقان و نظریه ثبت ملکیت وی میتوان گفت که اساس این قانون مبتنی بر تشکیلات "کلخوز در اتحاد شوروی می باشد.

در بخش صنایع، ملکیت دستگاه های کوچک شخصی تا امروز بحال خود باقی مانده، اما کسانی که خواسته باشند در احداث صنایع کوچک تازه سرمایه گذاری کنند باید ۵۰٪ سهم دولت را در پروژه متقبل گردند و همچنان در دستگاه های صنعتی به کارگران دستور داده شده تا هرچه زودتر تقاضا نامه عضویت در اتحادیه کارگران را به اتحادیه بپسارند.

در جمله نوآوری های رژیم تشکیل شبه نظامی ها (ملیشه) در ولایات است که وظیفه دارند از منافع دولت دفاع و با مخالفین رژیم مبارزه کنند و همچنان برای مکاتب و فاکولته ها برهنمایی متخصصین شوروی پروگرامهای جدید درسی بر اساس اهداف حزبی ترتیب شده و در سال جاری قرار برنامه جدید از طول مدت دوره درسی کاسته شده است. ۳۷٪ پسران و ۸٪ دختران شامل مکاتب شده اند. امتحانات کانکور، که در گذشته جهت نگهداشت سوبه بلند تعلیمی شدیداً تطبیق از بین برداشته شده. برای شاگردانی که موفق نگردیده اند به صنوف بلند تری بروند، مکاتب اختصاصی ای تشکیل گردیده که در آن با لسان روسی بحیث یگانه لسان خارجی تدریس میشود.

تره کی تصور میکند با سیاستی که در پیش گرفته از طرف اکثریت ملت مورد تأیید قرار خواهد گرفت اما ناظرین سیاسی که در این اواخر از افغانستان بازدید کرده اند عکس ادعا و تصور تره کی را راپور می دهند.

در این روزها گزارشهایی از زدو خورد بین نیروهای رژیم با اقوام و ساکنین دوهله، مخصوصاً از ولایات شرق کشور میرسد و روزانه طیاره ها، هلیکوپترهای بمب انداز بسوی اهداف مختلف در پرواز بوده بعد از بمباردمان بالای اهالی منطقه دوباره به میدان هوایی

قرار معلوم در حدود ده هزار نفر از مهاجرین افغانی که خود را مربوط به احزاب اسلامی معرفی نموده و در برابر رژیم کمونیستی قیام کرده اند، وارد پاکستان شده اند و تره کی گروه های اسلامی را، که از آنها بنام نمایندگان خارجی با ماسک اسلام یاد میکند، دشمن اصلی رژیم خود میداند.

تره کی در تلاش است تا در مرحله اول مانع بغاوت در میان اردو شود و جهت تحقق این آرمان کرنیل عبدالقادر رهبر کودتای اپریل و شاهپور احمدزی لوی درستیز را از وظایف شان برکنار نموده و بنام خاتنین ملی بازداشت شده اند. از اینکه این دونفر در قید حیات هستند و یا خیر، اطلاعی در دست نیست اما مسلم است که هر دونفر طرفدارانی در اردو دارند. در بعضی حلقات نزدیک به وی موقف قادر را چنین شرح میدهند که گویا به نیرو و عظمت نظامی شوروی احترام داشته اما طرفدار تطبیق ایدولوژی نظام شوروی در افغانستان نمی باشد.

از طرف دیگر روسها در اردو با افزایش تعداد زیاد مشاورین نظامی در آنجا آنرا بیش از پیش تقویه می کنند. در پهلوی منزل سفیر شوروی عمارات جدیدی بشدت زیر ساختمان است تا جای کافی برای رهایش مشاورین آماده کنند و همچنان تعداد پروازهای ایروفلوت به کابل از دو پرواز در هفته به چندین پرواز در روز افزوده شده است.

۷-۱۲-۱۹۷۸ هامبورگر آیند بلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب :

امضای معاهدات سیاسی در منطقه خطرناک و حساس جهان :

ایران از وضع کابل خیلی نگران است :

اتحاد شوروی مصمم است تا سیاست توسعه جویی خود را بسوی جنوب و جنوب شرق آسیا به آهستگی اما با قدم های متین استحکام بخشد از این مبارزات سیاسی که بین شاخ آفریقا و بحر جنوب چین به راه انداخته شده، روسها دهدف دارند:

اول اینکه زمامداران کریملین میخواهند در آسیا، (مانند بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا) کمربندی از کشورهای دوست را در اطراف خود بوجود آورد، تا در صورت بروز جنگ با چین فشار اولی را این کشورها متحمل گردد.

دو هدف برای جهان غرب خطرناکتر از مطلب اولی می باشد. روسها توسط مشاورین نظامی اقتصادی و سیاسی خود که به افغانستان سرازیر شده و امور را بدست گرفته اند قادر به کنترل خط السیر کشتی های نفت کش از همین ناحیه می گردند .

در طول يك ماه گذشته رژیم کابل با اتحاد شوروی سه قرارداد در شقوق مختلف را امضاء کرد و معاهده ای که دو روز قبل بین دو کشور در ماسکو بامضاء رسید زنگ خطری را برای نظامیان ایران به شمار می آید.

افغانستان ارزش نظامی بسیار ندارد اما نسبت به موقعیت ستراتیژیکی آن ارزش فوق العاده بزرگی را داراست. قرار معلوم از افغانستان گروه های تربیت شده چریکی به ایران فرستاده میشوند، عده ای از این گروه های خرابکار در بین پنجصد هزار کارگر افغانی که در ایران جذب و استخدام شده اند داخل شده تا پروگرامهای وسیع مارکسیستی را در شهرهای ایران پخش کرده و در عین زمان به توزیع سلاح به طرفداران خود در مناطق مختلف آنجا بپردازند.

دهان انبور در اطراف ایران بسته میشود:

تیوری بسته شدن دهان انبور در بعضی حلقات سیاسی در ایران مطرح و مورد بحث است. طوریکه می بینیم از جانب غربی بلاک نظامی عراق و سوریه که سلاح خود را از شوروی بدست می آورند قدرت نمایی میکنند و ضرور نیست که با سلاح دست داشته صرف در برابر اسرائیل استفاده شود، بلکه میتوانند روزی سلاح انبار شده شانرا جانب شرق، در منطقه خلیج نیز بکار برند. بایست توجه کرد که شوروی از سالها باینطرف در جنوب ایران دهانه انبور (شاخ افریقا) را توسط ایتیوپی و عدن در جنوب عربستان بوجود آورده باموفقیت کودتا در افغانستان حلقهء جدید شوروی برای بستن دهانهء انبور تنگتر شده و پلان بستن آن تکمیل شده است. ستراتیژی توسعه جویی شوروی نه تنها خطری برای ایران، که درگیر جنگهای داخلی میباشد، شمرده می شود بلکه زلزله ایست که تکانهای آن تا عربستان سعودی نیز احساس میشود. بنابراین برملا شدن این قضیه نگرانیهای زیادی را نزد حکومت سعودی و کویت خلق کرده است. چنانچه مذاکرات بسینار محرمانهء زعمای ایندو کشور شهزاده فهد بن عبدالعزیز سعودی و شیخ جابر الاحمد الصباح کویت مد این ادعا می باشد.

خبرنگار روزنامه موصوف زیر عنوان جداگانه ای می نویسد: «در این روزها صدها نفر از

اتباع امریکایی مقیم ایران آنجا را ترك میکنند» علاوه میکند:
 با وجود ناآرامیهای زیاد در شهرهای مختلف ایران برخلاف تقاضای رقیب شاه ایران
 آیت الله خمینی نه تنها کشتی های نفت متوقف نشدند بلکه یکی دیگر از مخالفان شاه کریم
 سنجانی که يك ماه قبل بازداشت شده بود از زندان رها گردید.
 امریکاییها بيم از آن دارند که در ماه محرم جنگهای خونینی در ایران به وقوع خواهد
 پیوست و بهمین نسبت صدها خانواده امریکایی که در بین شان اعضای خانواده های
 دیپلماتهای امریکایی نیز شامل می باشند ایران را بقصد امریکا ترك کرده اند.

۱۸-۱۲-۱۹۷۸ مجله تایم Time ایالات متحده امریکا :

پرچم سرخ بالای کوه های « دیگ بزرگ جوشان » (پاتیل):

مشتری تازه ماسکو با مشکلات عدم و امکانات زیادی روبرو است:

نورمحمدتره کی هفت ماه بعد از موفق شدن کودتا در افغانستان روانه ماسکو شد.

بعد از پذیرایی گرم لیونید بریژنیف، از تره کی ۶۱ ساله وی بامسرت معاهده (دوستی،

همسایگی نیک و همکاری) را با اعتبار بیست ساله بامضاء رسانید،

اعضای این قرارداد در جهان غرب و همچنان در چین ناراحتی زیادی خلق کرده، زیرا

افغانستان را بعد از این داخل در یکی از اقطار پایگاه های نظامی شوروی می بینند. و

مخصوصاً این موضوع برای ایران و پاکستان مشکلات بسیار زیاد سیاسی را بار خواهد

آورد.

بعد از سفر تره کی و امضای موافقت نامه، در واشنگتن ناظرین سیاسی بیشتر متوجه

کابل، پایتخت افغانستان، شده اند.

جیمز شلیزنگر James Schlesinger، وزیر انرژی امریکا که در بین حزب برسر اقتدار

بنام « شاهین تندرو» ملقب است و مخالف سرسخت توسعه جویی شوروی میباشد

مذاکرات خود را، با يك دیپلماتیکه در باره منطقه به وی راپور میداد، باجمله «افغانستان

را از دست دادید» به صحبت آغاز کرد و علاوه کرد امروز تره کی سند بیطرفی کشور خود را

از دست داده و در چارچوب نیروی شوروی داخل شده است.

آمر دفتر تایم در دهلی لارنس مالکین Lawrence Malkin که يك هفته قبل، چنینکه

تره کی رهسپار ماسکو بود به کابل سفر کرده و راپور می‌دهد که این احتمال بدور و از تصور خارج نیست که اگر امروز شوروی با بدست آوردن افغانستان در حلقه خود اظهار خورسندی و تبختر میکند اما یقیناً روزی درد سر بزرگی برایش خلق خواهد کرد.

يك دكاندار در کابل ضمن صحبت اظهار داشت که: « روسها در چانه زدن بدتر از همه مردم جهان هستند» و از آنرو فروشنده ها اشیاء گرانبهای خود را از آنها پنهان میکنند و يك جواهر فروش برای اینکه از شر چانه زدن روسها رهایی یابد، روش ساده ای را رویدست گرفته است او بالای هر جنس دو چند قیمت آنرا گذاشته تا بعد از چانه زدن بهای اصلی را بدست آورد.

فعلاً چهار هزار متخصص و مشاور روسی که تازه وارد کابل شده اند به تعداد مشتریان بازار کابل افزوده شده است.

شهر کابل شباهتی به بودا پست و واپراگ ندارد که تانکهای شوروی بتواند در ظرف چند ساعت وارد کشور شده و دکتورین بریژنیف را در مملکت پیاده کند. افغانستان دارای يك شاهراه نیمه حلقوی است که چهار شهر بزرگ را با هم وصل کرده و سرکهای فرعی بین شهرهای کوچک طاقت برداشت و سایط ثقلیه را ندارد.

خطوط مواصلاتی منظم بین اقوام پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ و سائرین وجود ندارد و این گفته جیمز میچنر James A. Michner که: « افغانستان مانند تنوری است که دیوارهای بزرگ به شکل کوه های شامخ اطراف آنرا احاطه کرده » واقعیت دارد.

راهیکه قوای شوروی میتواند از طریق آن وارد افغانستان شود، شاهراه سالنگ که ارتفاع تونل آن بیشتر از ده هزار فوت می باشد. در عین زمان این شاهراه میتواند يك نقطه ضعیف شکست دهنده قوای مهاجم شوروی تلقی شود. به همین دلیل رژیم کابل از آغاز کودتا اقدامات امنیتی شدیدی را در مسیر شاهراه سالنگ روی دست گرفته است.

قرار معلوم در این اواخر بین طرفداران و مخالفین رژیم در بعضی مناطق افغانستان تصادماتی زخ داده است. بنابر راپورهای واصله در اثر تصمیم رژیم تعدادی از افسران و عساکر اردو وارد پکتیا شدند تا مانع قطع جنگلات و فروش آن که ملکیت ملت است توسط

اهالی منطقه گردند، برخلاف فیصله رژیم اهالی جرگه‌ای را تشکیل داده با بزرگان قوم وملاها در این مورد مشوره کردند که در این مباحث اشتراك کنندگان جرگه قومی این امر رژیم کابل را مغایر عنعنات خود دانسته و به مردم هدایت دادند تا از حق خود دفاع کنند. اهالی بعد از بحث و فیصله قومی بالای عساکر و افسران نظامی حمله نمودند و يك تعداد زیاد آنها را بقتل رسانیدند که در مقابل رژیم کابل با فرستادن وسایل زرهپوش و طیارات بمب افکن پاسخ این قیام مردم را داد اما تلفات زیادی به بار آورده نتوانست.

همسان با گزارش این رویداد برخورد دیگری در شهر قندهار نیز رخ داده است و جریان واقعه چنانکه گویند طور است که چند معلم در مکتبی به طرفداری مارکسیزم بیانات میدادند و شاگردان را به این بیدینی دعوت میکردند. اهالی شهر از جریان اطلاع یافته به مکتب حمله برده اکثر معلمین طرفداران کمونیزم را کشتند در مقابل دولت بالای شان حمله کرده تعدادی از آنها را کشته و بقیه که از این سانحه جان به سلامت بردند به صوب پاکستان فرار کردند.

افزون بر این مشکلات رژیم کابل با تورم پولی روبرو شده و قیمت گندم، ذغال و چوب، که از ضرورت‌های اولیه اهالی شمرده می‌شود روز بروز بلند رفته و در پهلوی آن احساس عدم مصئونیت در میان مردم خلق گردیده که این عدم اطمینان خاطر منحصر به افسران اردو و یا مامورین دولت نبوده بلکه در سراسر کشور بین اهالی با وضاحت کامل احساس می‌گردد.

رژیم بر سر اقتدار، حزب پرچم را نیرومندترین رقیب خود میدانند و در راه نابودی آن از هیچ نوع اقدامی روگردان نمی‌باشد و به هراسمی که باشد آنها را از صحنه سیاسی خارج می‌کند لیکن با وجود توصل به این طرز معامله ناظرین سیاسی کشورهای خارجی در کابل معتقدند شش تن از رهبران پرچم که تره‌کی آنها بحیث سفر از مملکت اخراج کرده، از پشتیبانی و حمایت کامل شوروی برخوردار بوده و شوروی از آنها در آینده منحیث افزار یدکی استفاده خواهد کرد.

رژیم کابل بنا بر مشکلات و بیم از برخورد با اهالی برنامه اصلاحات اراضی را تا هنوز

درعمل پیاده کرده توانسته و درعوض به احداث کوپراتیف های زراعتی اقدام نموده زیرا دولت درتلاش است تا هرچه زوتر هزینه مورد ضرورت و منابع تمویل این کوپراتیف ها را بدست آرد تا درآینده به دهاقین پول پیشکی داده بتواند که برای رفع این مشکل باردیگر حکومت شوروی به یاری رژیم شتافته و تعهد کرده تا به حکومت کابل قرضه را بدهد تا درعوض آن از حکومت کابل انحصار استخراج معادن افغانستان از قبیل مس، نفت، فلورایت، سنگهای قیمتی و یورانیوم دراختیار داشته باشد.

فصل دوم

سال ۱۹۷۹ عيسوی

جنوری

ACKU

۱۰-۱-۱۹۷۹ نیو سوورخ سائونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

همبستگی عمیق شوروی با افغانستان :

با موفقیت انقلاب سال گذشته در افغانستان علایم جدیدی همبستگی و رابطه نزدیک با اتحاد شوروی بنظر میخورد. شوروی که تنها با همکاری وی کودتای سال گذشته توانست موفق شود، امروز از زمامداران کابل تقاضای می کند. و این مزد بصورت واضح سهمگیری فعال شوروی در امور داخلی آن کشور است.

بعد از امضای قرارداد دوستی توسط تره کی در ماسکو ورود سیل آسای اتباع شوروی از طریق هوا و زمین لاینقطع ادامه دارد.

از طرف دیگر با اثر هدایت مشاورین شوروی برای سیر و سفر اتباع خارجی در داخل مملکت اجازه نامه های مخصوص صادر می شود. دفاتر سیاحین بسته شده و بنام اینکه دشمنان انقلاب از طریق پاکستان و چین به مملکت آمده و کشور را با خطر مواجه میسازند زندگی را در کابل مختنق گردانیده است. امروز بصورت واضح و موثق در کابل شایع است که مبارزین آزادی خواه با قوای رژیم کابل در ولایات شرقی افغانستان دست بگریبان اند.

وضع محصولات اقتصادی در کشور:

در سال ۱۹۷۸ حاصلات زراعتی کشور تقریباً ۵۷٪ مجموع عواید ملی را احتوا میکرد و عاید ملی فی نفر در سال معادل به ۱۸۰ دالر امریکایی تخمین می شد و در نظر بود تا این رقم سالانه ۴٪ افزایش یابد. قرار ارقام احصائیوی وقت عاید ملی از مدرک تولیدات زراعتی، مقام اول را در عواید فی نفر در سال داشت عواید مدارک تجارتي ۱۵٪، عواید صنعتی ۳،۶٪ و متباقی از مدارک مختلف سرجمع عواید کشور را تشکیل میداد. نظر به راپور احصائیوی سال ۱۹۷۷ صادرات مملکت ۲۳۵ میلیون دلار و واردات آن ۲۵۰ میلیون دالر بود که با این رقم در بیلاتس عمومی صادرات و واردات کشور بیلاتس تجارتي آن رقم منفی داشت اما این کسر در بیلاتس آنقدر بلند نبود. کسر بیلاتس تجارتي افغانستان توسط کمکهای ممالک خارجی تمویل می شد. با این درآمد يك مبلغ قابل توجه به شکل هزینه مثبت اسعاری در افغانستان باقی می ماند. با این دارایی اسعاری بانک مرکزی افغانستان نرخ

افغانی را در مقابل دالر بلند نگه میداشت و بوسیله سیاست پولی و کمکهای خارجی نرخ اسعار در کشور به صورت نسبی پائین قرار گرفته و بهای نرخ ثابت پول رایج افغانی در بازارهای ممالک همسایه مورد علاقه صرافان آنکشورها بود.

در طول سالهای گذشته اتحاد شوروی ۴۰٪ اموال مورد ضرورت افغانستان را به این کشور صادر نموده و ۳۰٪ اجناس صادراتی افغانستان را به شوروی وارد می کرد که این ترتیب شوروی مقام اول تجارت را درین کشور داشت در حالیکه روابط تجارتي افغانستان با همسایگان دیگرش مانند پاکستان ۱۴٪ صادرات امتعه افغانی و با جاپان ۲۶٪ توريد توليدات آن کشور را احتوامی کرد.

عجیب اینکه فیصدی انفلاسیون در مملکت بیشتر از ۴-۵ فیصد نبوده و ازدید کارشناسان سیاست پولی خیلی ها پائین بود. بهر صورت، کاروان انقلابی این رژیم راه پرمشقتی در پیشرو خواهد داشت.

۱۹-۱-۱۹۷۹ هامبورگر آیند بلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

نا آرامی ها در افغانستان شکل جدی را به خود میگیرد:

افغانستان با کودتای سال گذشته بعنوان یکی از دوستان وفادار در حلقه اتحاد شوروی جاه گزین گردیده اما در مقابل آن يك ملت مسلمان قیام کرد. قرار اظهار نمایند جمعیت اسلامی در ایران، در خلال جنگهای اخیر بین قوای رژیم خلقی مردم، ۲۹ نفر از عساکر خلقی در کنرها بقتل رسیده و در نورستان اضافه از ۸۱ نفر کشته و ۷۲ نفر اسیر گرفته شده اند

۲۷-۱-۱۹۷۹ فرانکفورتر الکیماینی Frankfurter Allgemeine Zeitung آلمان غرب

در افغانستان مقاومت مردم دز برابر رژیم جدید روبه ازدیاد است:

آیا در زمستان آینده کودتای دیگری صورت خواهد گرفت؟

دهلی جدید:

انقلاب افغانستان بعد از کودتای ۲۷ اپریل (حزب خلق)، که بنیان گذاران آن خود را

سوسیالیست مینامند، هنوز خاتمه نیافته است.

رژیم کابل که میخواهد فیودالیزم را از بین ببرد، بسیار می کوشد که رژیم جدید را در سرتاسر مملکت مستقر نماید تا از جانب کشورهای جهان برسیمت شناخته شود، لیکن طوریکه دیده میشود هنوز موفقیت بزرگی در این راستا نصیب شان نگردیده. قرار معلوم مناطق تحت کنترل شان از حومه شهرها بیرون نشده و کوشش دارند، با تقلید شاه امان الله یکی از پادشاهان سابق افغانستان، پروگرامهای اصلاحی خود را به مردم پیش کنند اما مردم بگفتار و اعمال شان اعتماد ندارند.

ناظرین سیاسی در منطقه اظهار عقیده میکنند که تا زمستان ۱۹۷۹/۱۹۸۰ قیام مسلحانه مردم در سرتاسر مملکت رو نما خواهد شد و در آن وقت احتمال میرود که با موافقه سری اتحاد شوروی کودتای دیگری در این کشور صورت گیرد.

در طول چند هفته اخیر، اخبار جنگهای شدید بین قوای عسکری و مردم آزادیخواه کنرها و نورستان در بین مردم پخش گردیده است و هر روز قوای هوایی رژیم با طیاره های میپگ ساخت شوروی بالای آن مناطق بمباردمان میکند و موازی با حملات هوایی قوای زرهدار با تانکهای ساخت شوروی در مناطق مشکوک وارد شده و با آتشباری توپخانه قریه ها را به شمول مساجد تخریب کرده و اهالی آنرا به خاک و خون میکشاند.

ناظرین سیاسی معتقد هستند که حفیظ الله امین، معلم دیروز، وزیر خارجه و معاون صدراعظم امروز، شخص با قدرت اصلی رژیم میباشد نه نورمحمد تره کی و اتکاء حفیظ الله امین به وفاداری پولیس خفیه وفادار بوی که در حدود سه صد نفر از افسران نظامی در سه قول اردوی مملکت است میباشد و هیچ نوع علامت مشهود در دست نیست که میتوان امین را دست نشانده ماسکو گفته و یا اینکه ادعا شود که از طرف ماسکو حمایت میشود.

تعقیب و بازداشت مردم توسط پولیس در دوران سلطنت محمد ظاهر شاه و جمهوریت محمد داود وجود داشت، اما تعداد بازداشت ها و شکنجه مردم در دوره مختصر امین با هیچ دوره ای دیگر قابل مقایسه نبوده در اثر این گیر و گرفت ها توسط عمال رژیم بدبینی و نارضایتی بصورت واضح در بین مردم احساس می شود.

با وجود اینکه مردم این کشور از جمله شجاع ترین و بی ترس مردمان جهان شمرده می شوند، اما امروز يك نوع بیم و هراس در چهره های شان مشاهده میگردد. دستگاه امنیتی پولیس

وظیفه دارد. نا تمام حرکات اهالی را تحت کنترل خود داشته و مفکوره های جهان آزاد را در ذهن شان خفه کند همچنان دستگاه امنیتی رژیم بعضی سران قوم و آنهائی را که تصادفاً هنگام کودتا در کابل اقامت داشتند تحت بازداشت قرارداد است، اما تعداد بیشتر آنها قبل از گروگرفت شهر را ترك کرده با اقوام خود پیوسته و در صدد ترتیب قیام مردمی در برابر رژیم میباشند.

اصلاحات اجتماعی و اقتصادی که کشور را با دنیای امروزی برابر سازد، صرف به روی کاغذ دیده میشود و دست اندرکاران رژیم قدرت آنرا ندارند تا جهت پیاده کردن این پروگرامهای بلند بالا از مرکز شهرهای بزرگ قدیمی به بیرون گذارند.

تاریخ افغانستان مملو از جنبش و قیام های متداوم مردم در برابر متجاوزین و سلطه بیگانه میباشد چنانکه در طول قرن نزده امپراطوری بریتانیه سه بار کوشید افغانها را تحت تسلط و یوغ خود در آورد لیکن هربار شکست خورده و کشور را ترك کردند. ما شاهد آنیم که ملتهای معدودی را در جهان و یا کمتر ملتی را در جهان می توان باشجاعت و جنگوئی ملت افغان مقایسه نمود وهم مستشعر از آنیم که مردم این کشور برای دفاع از وطن خود جان و مال خود را قربانی میکنند به همین دلیل است که جامعه شناسان و متخصصین جنگهای آزادیخواهی انتظار دارند که در زمستان امسال قیام عمومی ملت افغان برضد رژیم صورت خواهد گرفت.

فبروری

۵-۲-۱۹۷۹ سندی تلیگراف Sunday Telegraph انگلستان :

روزنامه پرتیراژ انگلیسی، تحت عنوان هزاران نفر از مخالفین رژیم بازداشت شده ، مینگارد: لندن : قرار اطلاع واصله هزاران نفر از مخالفین رژیم کابل بازداشت شده و به محبس پلچرخى انتقال داده شده و تعداد بی شمار این محبوسین بدون محاکمه طور دسته جمعی اعدام شده اند قرار اطلاع يك منبع موثق از کابل، محبس ایکه برای ظرفیت شش هزار محبوس اعمار گردیده، امروز بیش از پانزده هزار نفر در آن گنجانیده شده است.

۵-۲-۱۹۷۹ هامبورگر آیند بلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب :

روزنامه موصوف تحت عنوان، کشتار در کابل، مینگارد : قرار اطلاع واصله ، اعضای مربوط به مبارزین اسلامی افغانستان که تعداد شان به صدها نفر میرسد طور دسته جمعی در محبس پلچرخى کابل تیرباران شده اند . از طرف دیگر در مناطق مختلف مملکت مبارزات مردم علیه رژیم به فعالیت‌های پراکنده خود آغاز کرده اند.

۸-۲-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

وضع اقتصادی پاکستان وی را مجبور میسازد تا با همسایگان خویش روابط نیک داشته باشد و از يك برخورد نظامی با افغانستان بپیم دارد.

جنرال ضیاء الحق سیرحرکت خود را جانب شرق بازرسی میکند:

هرج و مرج در ایران و استقرار يك نظام طرفدار شوروی در افغانستان، صیانت سیاست خارجی پاکستان را با مشکلات بزرگی مواجه گردانیده است.

شاه ایران تحت فشار بحرانهای داخلی مجبوره ترك وطن گردید. وی که ضامن ثبات پاکستان در برابر هند شناخته میشد امروز دیگر وجود ندارد و از تصور دور است که نظام آینده در ایران سیاست زمان شاه را تعقیب کند و مسئولین حکومت پاکستان زیادتیر از جانب رهبری جدید در افغانستان احساس خطر میکنند، زیرا پاکستان بیشتر کودتای اپریل در افغانستان بخوبی می داند که رهبران کودتا رابطه نزدیک با اتحاد شوروی داشته نزدیکی در

قدم های بعدی هر روز بیشتر از پیش روشنتر می شود و وضاحت پیدا می کند چنان که قرارداد های منعقدہ اخیر افغانستان با شوروی و بالخصوص امضای قرارداد دوستی بین دو کشور چنان توجیه میگردد که افغانستان برای همیشه در حلقه اعمار شوروی داخل شده است.

مشاورین جنرال ضیاء الحق از روابط حسنه با افغانستان طرفداری میکنند:

امضای قرارداد دوستی بین افغانستان و شوروی خاطرات سال ۱۹۷۱ را بار دیگر در ذهن زمامداران پاکستان زنده گردانیده است. در این سال زمانیکه هندوستان اقدام به حمله نظامی بر پاکستان کرد. اتحاد شوروی باستناد قرارداد دوستی بین هند و شوروی از هند طرفداری نمود. این جانبداری شوروی باعث آن شد که يك قسمت بزرگ پاکستان از آن جدا شده و در نقشه جغرافیایی جهان، کشوری جداگانه بنام بنگله دیش خلق و ایزاد شود در آن وقت حساس و حیاتی پاکستان دو کشور دوست یعنی ایالات متحده امریکا و چین بکمک وی نرسیدند و دست یاری خود را پیش نکردند و به معاونتش نشتافتند.

با وجود رویداد های اخیر در افغانستان، پاکستان روابط عادی خود را با اتحاد شوروی تعقیب میکند و در وزارت خارجه پاکستان عده ای از اشخاص با نفوذی هستند که از «روابط نیک» با اتحاد شوروی پشتیبانی میکنند آنها توسعه بیشتر علائق و رابطه نزدیکتر را بین دو کشور لازم و حتمی می شمارند این حلقه قدم فراتر گذاشته صحبت از خارج شدن پاکستان از پکت سنتو که يك پکت غربی است می کنند. که در آن صورت پاکستان از پکت نظامی سنتو جدا شده جزو ممالک غیرمنسلك می گردد...

از جانب دیگر طوریکه دیده می شود روابط پاکستان با ایالات متحده امریکا و ممالک غربی مانند گذشته ها آنقدر نزدیک و دوستانه نمی باشد. ایالات متحده از سال ۱۹۶۵ با اینطرف صدور سلاح و مهمات را برای حکومت پاکستان معطل قرار داده و صرف کمکهای اقتصادی جهان غرب و امریکا به حال اصلی خود باقی مانده و دوام دارد.

قراریکه از منابع موثق اطلاع رسیده در این اواخر واشنگتن به جنرال ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان هدایت داده تا واقعیت ها را در نیم قاره مدنظر گرفته و روابط سیاسی خود را با کشورهای همسایه بار دیگر ارزیابی نموده و سیاست سالمی را تعقیب کند. مقصد از این تذکر ایالات متحده وجود قدرت بزرگ هند در منطقه می باشد که نمیتوان آنرا

نادیده گرفت زیرا از مدتهاست که روابط پاکستان با دولت هند متشنج بوده و این تیره گی روابط مخصوصاً در قبال حل بحران کشمیر بیشتر جلب توجه میکند.

کشور چین دوست بزرگ پاکستان :

برای پاکستان یگانه کشوری که بحیث دوست باقی مانده دولت چین است. با وجود اینکه آرزوی ذوالفقار علی بوتو صدراعظم آنوقت پاکستان، که چین بطرفداری پاکستان در جنگ بنگله دیش بالای هند حمله خواهد کرد، برآورده نشد لیکن این نارسایی مانع آن نشد که موقف کشور چین را بحیث دوست پاکستان ضعیف گرداند. در اوضاع فعلی پاکستان، کشور چین یگانه مملکتیست که در برابر اتحاد شوروی بطرفداری پاکستان معامله میکند. طوریکه دیده می شود در افاق سیاسی پاکستان شواهدی جلب توجه می کند که پاکستان می کوشد رابطه خود را با دول اسلامی، مخصوصاً با مملکت حوزه خلیج بیشتر توسعه بخشد.

۹-۲-۱۹۷۹ نیوسورخرسایتونگ Neue Zurcher Zeitung سویس :

ورود مهاجرین افغانی به پاکستان :

توسعه تشنج بین اسلام آباد و کابل:

در حال حاضر دنیا توجه بیشتر به سیل ورود پناه گزینان ویتنامی و کمبودیابی در جهان دارند بدون اینکه آگاہ باشند که در پهلوی این حوادث ناگوار، کاروان مهاجرین افغانی بین سرحدات پاکستان و افغانستان در تلاش دستیابی به يك سرپناه می باشد. رقم واقعی این مهاجرین بنا بر عدم آمارگیری واقعی بدست آمده نمیتواند. نسبت این کمبود در راپورهای هر خبرنگار تعداد این مهاجرین با هم تفاوت دارند. حکومت پاکستان و علی الخصوص افغانستان سعی می کند تا نشر این اخبار از ساحه نفوذ شان به بیرون سرایت نکند و آرزو ندارند که در رسانه های جهانی سروصدای آنها بلند شود هر دو حکومت، کابل و اسلام آباد عقیده دارند که مسئله مهاجرین سیر طبیعی خود را پیموده و گذشت زمان کمک میکند که این معضله از خاطره ها فراموش شود. احتمال دارد این طرز تفکر قرین به حقیقت باشد، لیکن شرط اصلی آن است که وضع در منطقه بیشتر از حالت امروزی بفرنج

نشود.

شایعه های جهاد (جنگ مقدس) روز بروز بلند تر شنیده میشود.

در اوایل کودتای رژیم طرفدار اتحاد شوروی در کابل تعداد زیادی از مسکونین حواشی سرحد افغانستان و پاکستان از خط سرحدی دیوراند عبور کرده و در کنار خون شریکهای خود پناه یافته اند این مهاجرین از طرف رهبران جمعیت العلماء اسلامی پاکستان با شور و شعف زیاد پذیرایی گردیدند. جمعیت العلماء اسلامی یکی از متحدین حکومت نظامی بر سر اقتدار در پاکستان است و گفتار شان در تصمیم گیری حکومت مقام بارز دارد.

به مهاجرین افغانی از طرف جمعیت العلماء اسلامی کمکهای فراوان می شود و در عین حال رژیم ملحد در کابل از طرف مهاجرین و دستگاه مربوط جمعیت العلماء بحیث دشمن دین و مذهب شان شناخته شده اند آنها طوردسته جمعی جهاد را در برابر رژیم کابل اعلام کرده و از کشور های اسلامی تقاضای همبستگی و کمک را نموده اند.

مردمان سلحشور پشتون این منطقه به گفتار میان تهی اکتفاء نکرده بلکه عملاً در خریداری سلاح و مهمات از بازار آزاد نزدیک پشاور که بنام دره شهرت دارد اقدام کرده اند چنان که روزنامه های پاکستانی اقدام به تهیه سلاح و مهمات را تأیید کرده می نگارند که مهاجرین افغانی تمام دارایی خود را در راه خریداری سلاح و مهمات و آذوقه به مصرف میرسانند تا بتوانند به مبارزین در داخل مملکت کمک برسانند اما با وجود سروصدای بلند نشراتی، حکومت پاکستان نشر این نوع اخبار را نادیده گرفته است، زیرا پاکستان از بیم بقای خود حاضر نیست تا کشور خود را بیک پایگاه نظامی مخالفین رژیم کابل مبدل گرداند.

کوشش های بی ثمر برای از بین بردن واقعیتها :

تقریباً دو ماه قبل برای اولین باریکی از وزرای فدرالی حکومت پاکستان از ورود چارده هزار پناه گزین افغانی در ایالت بلوچستان صحبت کرد و دولت فدرالی آلمان مبلغ بیست ملیون روپیه پاکستانی را بدسترس آن حکومت گذاشت تا برای مهاجرین افغانی کمکهای اولیه حیاتی را تهیه کرده و بدسترس شان بگذارد و ذرعین حال از حکومت پاکستان تقاضا بعمل آمد تا در رسانه ها از این کمک یاد نشود.

با آنکه منابع دخیل در این جریان سعی می ووزد. تا سروصدای درباره این کمک ها

بلند نشود، با آنهم جنرال ضیاء الحق دریکی از بیانات خود از تعداد بیست هزار مهاجر افغانی یاد کرد و اظهار داشت که حکومت پاکستان در قبال این موضوع صرف وظایف برادری و اسلامی خود را اجرا میکند و بس. وی اضافه کرد که در وضع فعلی افغانستان حکومت پاکستان نمیتواند جبراً آنها را به وطن شان برگرداند و همچنان مهاجرین افغانی انتظار نداشته باشند که برای همیشه در پاکستان متوطن شده میتوانند. جنرال ضیاء الحق ضمن اظهار این مطالب بصورت واضح چند بار تکرار کرد که این کمکهای بشر دوستی برای مردم بی گناه افغانی نمیتواند باعث کشیدگی بین حکومت افغانستان و پاکستان گردد.

ارقام غیر رسمی ای که توسط خبرنگار ما در پشاور بدست آمده تعداد مهاجرین افغانی را در پاکستان بین هفتاد الی هشتاد هزار نفر تخمین می کند که اکثر این تعداد در ایالت بلوچستان و صوبه سرحد و حواشی سرحدات بین دو کشور زیر خیمه ها زندگی می کنند و یکتعداد قلیل ایشان در شهر های سرحدی پشاور و کوئته سرپناه پیدا کرده اند.

راپور های جنگ از جبهات داخل افغانستان:

يك تعداد مهاجرین افغانی در پاکستان سه تنظیم جهادی را بوجود آورده اند هدف اصلی و یگانه شان از بین بردن رژیم بر سراقتهار کابل میباشد. قرار اطلاعات واصله جنگهای پراکنده بین قوای دولتی و آزادیخواهان مربوط به این سه تنظیم در مناطق جنوب و جنوب شرقی افغانستان رخ داده است که تصدیق این شایعات را میتوان دریکی از روزنامه های راستگرا در پشاور و کوئته مطالعه کرد. قرار راپور یکی از این روزنامه ها رژیم کابل در برابر آزادیخواهان از وسایل ثقیله جنگی بشمول تانک، طیارات جنگی و هلیکوپتر استفاده میکند در اوایل ماه جنوری در منطقه ای بنام نورستان مخالفین رژیم توانسته اند پنج عراده تانک را از بین برده و چهار عراده دیگر آنرا طور فعال به غنیمت بگیرند هم چنان یکتعداد عساکر رژیم، بشمول دوازده نفر از عساکر شوروی، را اسیر بگیرند. این خبر نیز توسط رادیو بی بی سی از لندن بزبان پشتو و فارسی نشر گردیده لیکن از طرف حکومت کابل رد شده است، اما برخلاف ادعای کابل رسانه های پاکستان این خبر را تایید میکنند.

کناره گیری حکومت پاکستان از جریانات داخل افغانستان :

با آنکه حکومت افغانستان و پاکستان در هر موقع از سیاست صلح خواهی و عدم مداخله در امور یکدیگر یاد میکنند، لیکن در این اواخر رژیم کابل حکومت پاکستان را متهم گردانیده که با مخالفین وی همکاری دارد. این اتهامات از طرف حکومت پاکستان جداً رد گردیده است.

پاکستان حتی الوسع میکوشد که بین عساکر پاکستانی و افغانی زد و خوردی صورت نگیرد زیرا پاکستان از آن بیم دارد تا مبدا رژیم کابل این زد و خورد هارا بهانه گرفته به حریم پاکستان تجاوز کند.

حکومت پاکستان و مهاجرین افغانی سقوط رژیم کابل را در مدت کوتاهی انتظار میبرند و از همین سبب است که در بین مهاجرین افغانی تنها مردها و جوانان جنگجو دیده میشود. قرار معلوم زنان و فرزندان این کتله مهاجرین در مناطق خود در داخل کشور جا بجا مانده اند.

۱۵-۲-۱۹۷۹ دی ویات Die Welt آلمان غرب:

حمله بالای سفارت امریکادر تهران و قتل سفیر امریکا در کابل :

تهران - کابل :

دیروز صدها نفر افراد مسلح بالای سفارت امریکا در تهران هجوم برده و سفیر امریکا ویلهم سولیوان Sullivan Will am با تمام کارکنان سفارت چندین ساعت گروگان گرفتند. بعد از گذشت مدتی طرفداران رهبر شیعه ها آیت الله خمینی بالای متهاجمین سفارت حمله کرده و توانستند بعد از زد و خورد مختصری ۷۰ نفر از کارمندان سفارت را به شمول ۱۹ نفر عساکر نیروی هوایی امریکا را از قید متهاجمین رها کنند. قرار معلوم درین برخورد دونفر امریکایی زخمی و دو ایرانی کشته شدند.

ناظرین صحنه اظهار داشتند که حمله دیروزی بالای سفارت امریکا ساعت ۱۰.۰۰ صبح آغاز گردیده و نیروی امریکایی به مقاومت پرداخته و از بمبهای گاز اشک آور و بعداً آتشباری تفنگ استفاده کردند. لیکن سفیر امریکا سولیوان به عساکر امریکایی امر کرده

ازمقابله با شورشیان دست بردارند تا منجر به خونریزی نشود. قرار اظهار یک مشاور نظامی امریکایی شورشیان خود را مربوط به حزب توده فدایی (کمونیستها). معرفی کرد و اظهار داشتند که آنها میخواهند یک تعداد از مربوطین ساواک (استخبارات دوره شاه ایران) را که در سفارت پناه برده اند بدست آورده و بازداشت کنند. حینیکه این خبر به اداره امنیتی انقلاب رسید، داریوش فروهر وزیر کار حکومت موقت در تهران به محل واقعه حاضر شده و مانع از زدو خورد بیشتر گردید. رادیو تهران به مردم ابلاغ کرد که از اطراف سفارت امریکا دور رفته و مانع فعالیت‌های پاسداران انقلاب نگردند. حوالی ۲ بعد از ظهر پاسداران انقلاب موفق گردیدند تا شورشیان را از محوطه سفارت خارج ساخته و بازداشت شدگان امریکایی را از قید آنها آزاد کنند. روزنامه در اخیر خبر از تهران مینگارد که قرار اطلاع واصله ادولف دبس Adolph Dubs سفیر ۵۸ ساله امریکا در کابل اختطاف گردیده و بعداً بقتل رسیده است. سفارت امریکا از دهلی اطلاع میدهد که موتر سفیر توسط دو ویا سه نفر در جاده عام متوقف گردیده و سفیر را از موتر بیرون نموده کشان کشان بداخل یک هتل برده اند.

۱۵-۲-۱۹۷۹ هامبورگر ایند بلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب :

سفیر امریکا در کابل کشته شده است :

ادولف دبس سفیر ۵۸ ساله امریکا در افغانستان کشته شده است. وی که کارشناس سیاست شوروی بوده سال گذشته بعد از آنکه کمونیستها قدرت را در کابل چابیدند به این وظیفه مقرر گردید. قرار راپور سفارت امریکا از دهلی جدید، سفیر امریکا در کابل توسط اعضای گروه از مسلمانان شیعه اختطاف گردیده است آنها با گروهان گرفتن وی میخواستند سه نفر از روحانیون شیعه را از قید رژیم کابل آزاد گردانند.

رادیو کابل ضمن نشر حادثه راپور داد که قوای امنیتی کابل جهت آزاد ساختن سفیر امریکا از دست شورشیان به هتل هجوم برده و بعد از داخل شدن قوای پولیس در محل واقعه بین قوای امنیتی و شورشیان زدو خورد صورت گرفته است و درین حادثه سفیر امریکا با چار نفر از اختتاف کنندگان کشته شده اند.

حکومت امریکا در برابر رژیم کابل شدیداً احتجاج کرده و اظهار داشته حکومت کابل

برخلاف تقاضای واشنگتن که باید از احتیاط کاریگیرد، بی‌اعتنایی کرده هم‌چنان در رابطه با قتل سفیر امریکا در کابل، حکومت امریکا یادداشت احتجاجیه شدیدالحنی توسط معین وزارت خارجه Warren Cristopher برای سفیر اتحاد شوروی Auatol Dobrynin که در وزارت خارجه احضار گردیده بود تسلیم داده است.

قرار اظهار سخنگوی وزارت خارجه در واشنگتن، Hodding Carter، اعضای سفارت امریکا در کابل از رئیس مشاورین روسی در وزارت داخله اکیداً تقاضا کردند تا سفیر امریکا را با زور سلاح از قید اختطاف کنندگان رها نکند و انتظار بکشد تا راه مذاکره با اختطاف کنندگان بازگردیده بتواند.

اما مشاورین روسی به این نظر اعتناء نکرده داخل اقدام شده اند، طوریکه منابع بیطرف اطلاع میرسد مشاورین شوروی در اختطاف سفیر شوروی دست داشته و توسط آنها سلاح و مهمات بدسترس اختطاف کنندگان سفیر امریکا گذاشته شده است و برای اینکه در آینده شاهدهی از این حادثه وجود نداشته باشد روسها و افغانهای همکارشان تمام شاملین سانحه را که عبارت از چهار نفر اختطاف کنندگان و سفیر امریکا بوده دسته جمعی بقتل رسانیدند.

۱۵-۲-۱۹۷۹ تاکس انسیگی Tages Anzeige آلمان غرب:

روزهای دشوار و تاریک رئیس جمهور کارتر:

باران خبرهای ناخوش از تهران و کابل:

رئیس جمهور ایالات متحده که بنا بر دعوت رسمی حکومت مکسیکو در آنکشور اقامت دارد که در عین زمان خبرکشته شدن سفیر امریکا در کابل و محاصره سفارت امریکا در تهران برایش رسید.

قرار راپورهای واصله سفیر ۵۸ ساله امریکا در کابل بعد از آنکه موتر حاملش در جاده عمومی شهر توسط دو ویا سه نفر متوقف گردید، از بین موتر بیرون کشانیده شده و دریک هتل برده شد و به عنوان گروگان بازداشت شد. جهت رهایی سفیر امریکا قوای امنیتی رژیم کابل به شمول یکنفر از مشاورین امنیتی شوروی بالای هتل حمله برده

ضمن این گیرودار سفیر امریکا بشمول اختطاف کنندگان طور اسرار آمیزی بقتل رسیدند. راپور علاوه میکند که سفیر امریکا هنوز زنده بوده و باجراحات شدید از هتل بیرون کشیده شده و به موظفین سفارت امریکا تسلیم داده شده لیکن سفیر بدون آنکه دوباره بحال بیاید جان داده است. بعد از پخش این خبر وزیر خارجه امریکا سیروس وانس، حادثه کابل را و چگونگی اقدامات قوای امنیتی رژیم کابل و مشاورین شوروی را يك جنایت در برابر عالم بشریت اعلام کرد.

۱۶-۲-۱۹۷۹ ویت Die Welt آلمان غرب:

ایالات متحده امریکا در مورد قتل سفیر کشورش در کابل شدیداً اعتراض کرد:

نادیده گرفتن تقاضای موظفین سفارت امریکا توسط مشاورین شوروی:

اناتولی دو برنین سفیر کبیر اتحاد شوروی در امریکا به وزارت خارجه ایالات متحده احضار گردیده و معین وزارت خارجه امریکا، وارن کریستوفر یادداشت شدیدالحنی را به وی تسلیم داده است. در واخواست رسمی تذکررفته که مشاورین امنیتی شوروی حین هجوم به هتل به تقاضای موظفین سفارت امریکا در کابل را که جهت نجات سفیر دبس باید راه مذاکره را پیش گرفته از راه خشونت اقدامی کنند، اعتناء نکرده بلکه راساً به آتشباری باتفنگ اقدام کرده و باعث کشته شدن سفیر امریکا گردیده اند.

از اینکه سفیر امریکا توسط اختطاف کنندگان کشته شده و یا اینکه از طرف قوای امنیتی رژیم در حضور چهار نفر از مشاورین شوروی بقتل رسیده است، تا حال کاملاً واضح نشده است.

آوانیکه وزارت خارجه امریکا در واشنگتن اطلاع حاصل کرد که چار نفر مشاورین شوروی با يك تعداد قوای امنیتی کابل داخل هتل شده اند فوراً با وزارت خارجه اتحاد شوروی در ماسکو به تماس شده و از ایشان تقاضا کرده تا با ربایندگان راه مذاکره را در پیش گیرند و از استفاده سلاح جداً خود داری کنند. لیکن این تقاضای جدی حکومت امریکا از طرف

مسئولین وزارت خارجه شوروی در ماسکو بی اهمیت پنداشته شده است. قرار گزارش ایکه از وزارت خارجه امریکا بدست آمده حاکی بر آن که قبل از هجوم قوای امنیتی رژیم برهوتل، هیچ نوع تماس با اعضای سفارت امریکا گرفته نشده بلکه بعد از مواصلت مشاورین روسی به هوتل و آتش باری بسوی ریابندگان که باعث مرگ سفیر شد، با سفارت امریکا به تماس شده اند.

این واخواست رسمی دومین یادداشتی است که حکومت امریکا در خلال يك روز صادر کرده است. یادداشت و پروتست اولی از طریق سفارت امریکا در کابل به رژیم دست نشانده شوروی در کابل و دومین آن طوریکه در بالا ذکر شد به سفیر شوروی در واشنگتن تسلیم داده شده است.

امریکا با نظر حسودانه جانب شوروی نگاه میکند و میدانند که چرخ زمان به نفع آنها و به ضرر امریکا به دوران افتاده و مخصوصاً جریانات اخیر در ایران باعث ناراحتی بیشتر ایالات متحده گردیده است.

از طرف دیگر در رویداد های اخیر ایران دست داشتن اتحاد شوروی را میتوان به وضاحت ملاحظه کرد. انتشارات رادپو های سرحدی اتحاد شوروی و ایران که قبل از سقوط رژیم شاهنشاهی فعال و برای مدتی ساکت شده بود دوباره به نشرات خود آغاز کرده و هم طوریکه دیده میشود پالایشگاه های تولید مواد نفتی توسط کاریگرانی، که بیشتر آنها مربوط به حزب توده میباشد، اداره میشود.

۱۹-۲-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب :

مشاورین امنیتی اتحاد شوروی در حوادث اخیر هوتل و قتل سفیر امریکا دخالت نداشتند:

کابل: قرار اظهار نماینده آژانس خبررسانی از کابل، سید داود ترون قوماندان عمومی ژندارم و پولیس، ضمن مصاحبه ای با خبرنگاران در وزارت داخله اظهارداشت در عملیات نجات و رهایی سفیر امریکا در هوتل کابل، مشاورین اتحاد شوروی دخالت نداشتند بلکه این اقدامات به تنهایی توسط قوای امنیتی کابل صورت گرفته است.

۲-۲-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب :

رئیس جمهور جیمی کارتر اظهار تسلیت داد:

رئیس جمهور کارتر در میدان هوایی واشنگتن جهت پذیرایی خانم ماری آن Mary Ann همبسر ادولف دابس Adolph Dubs سفیر فقید امریکا در کابل حاضر شده و به خانم ماری آن که با تابوت میت شوهرش توسط طیاره از کابل به واشنگتن مواصلت نمود پس از پذیرایی و مصافحه کشته شدن شوهرش را بوی تسلیت گفت.

روزنامه موصوف در پهلوی این خبر مینگارده:

درد و خورد های اخیر ۳۶۶ نفر در افغانستان کشته شده.

پشاور: در جنگهای شدید بین قوای نظامی کابل و مبارزین اسلامی ۳۵۰ نفر از طرفداران حکومتی کشته شده و همچنان ۱۶ نفر از مبارزین اسلامی شهید شده اند. این خبر را يك اداره مربوط به مهاجرین از افغانستان بنام (حزب اسلامی) در پشاور به نشر سپرده است.

۲۰-۲-۱۹۷۹ نیوسورخر سابتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

نا آرمیهای خونین در افغانستان :

پشاور ۱۹-۲-۱۹۷۹: جنگهای شدید در ولایت کنر جریان دارد. در زد و خورد های اخیر چهل نفر از عساکر رژیم کشته شده و ۳۰۰ نفر آنها اسیر گرفته شده اند. این خبر را يك منبع مبارزین اسلامی نشر کرد و سخنگوی مذکور اضافه که از طرف مبارزین اسلامی ۱۶ نفر کشته شده اند.

در يك منطقه دیگر این ولایت بنام (تندیل؟) در حدود یکصد نفر از عساکر افغانی به مبارزین اسلامی تسلیم شده و دو عراده موتر بار بردار دولتی نیز طور غنیمت گرفته شده است.

۲۸-۲-۱۹۷۹ هامبورگر آبند بلت Hamburger Abenblatt آلمان غرب:

در آسیا کدام کشورها بهام علایق نزدیک دارند؟

برای آماده‌گی در روز امتحان، ماسکو و پیکنگ دوستان خود را می‌شمارند. اگر روزی ماسکو تصمیم بگیرد که جهت حل کشیدگی‌های خود با چین و ویتنام از قدرت نظامی خود استفاده کند، باید از همه بیشتر در مورد دوستان خود در آسیا قضاوت صحیح کند و بایست بداند که بنیاد سالم دوستی متقابله آنها تا چه حد ثابت و پایدار است.

در بین دوستان شوروی در وفاداری می‌توان منگولیا را در ردیف اولی قرار داد. منگولیا که از صدها سال به اینطرف روابط عمیق با چین داشت، در سال ۱۹۱۱ بعد از سقوط دودمان چینگ Ching به آزادی خود رسید و در سال ۱۹۲۴ انقلابیون منگولیا قیام کرده با کمک اتحاد شوروی نظام انقلابی مردم را در اولان باتور Ulan Bator اعلام و کشوری را بنام (جمهوریت خلق منگولیا) بنیاد گذاشتند و از همین تاریخ به بعد تا امروز منگولیا از نقطه نظر اقتصادی و سیاسی در انحصار اتحاد شوروی میباشد.

رئیس جمهور منگولیا جومشاگین زدینبال Jumschagin Zedenbal تحصیلات عالی خود را در رشته اقتصاد در شوروی به پایان رسانیده و از دوستان نزدیک بریژنیف میباشد. بر علاوه این همبستگی بین دوکشورسی هزار نفر عسکر منگولیایی توسط مشاورین شوروی تحت تربیت نظامی قرار دارند از جانب دیگر یازده فرقه قشون مربوط ناحیه ترانس بیکال شوروی میتواند عملاً تا داخل منگولیا، جاییکه مراکز ۴ فرقه اردوی شوروی فعال اند، در مدت کوتاهی تقویه گردند.

پیکنگ بارها بیرون کشیدن افراد قشون اتحاد شوروی را از منگولیا تقاضا کرده و شرط عادی ساختن روابط چین را با شوروی مربوط به عملی گردانیدن این تقاضا از طرف شوروی میداند، زیرا ستاد ارتش کشور چین احتمال حمله اتحاد شوروی را از طریق منگولیا میدهد اما چین از این هم متیقن است که در صورت حمله شوروی ازین طریق کیم ۲ سونگ Kim Il Sung رئیس جمهور کوریای شمالی دوست کشور بزرگ چین مانع از این تجاوز قوای شوروی خواهد شد.

شواهدی در دست است که از مدتها باینطرف رئیس جمهور کوریای شمالی این حقیقت را دریافته که دوستان واقعی کشورش در چین نشسته اند، نه در ماسکو، ولو اینکه کیم ۲ سونگ در سال ۱۹۴۸ با کمک قوای شوروی در شمال جزیره غمای کوریا بقدرت رسیده است.

درسال ۱۹۵۰ زمانیکه کوریای شمالی بالای کوریای جنوبی حمله کرد، چین با فرستادن قشون رضا کار کشور به کمک رهبر کوریای جنوبی شتافت و کوریای جنوبی با همکاری ایالات متحده امریکا عساکر اردوی کوریای شمالی را از کشورش بیرون راند.

بعد از آنکه روابط دوستی چین و اتحاد شوروی درسال ۱۹۶۰ برهم خورد، کیم ۲ سونگ یک بازی دوجانبه سیاسی را تعقیب میکرد. لیکن کیم درسال ۱۹۷۵ مملکت را تا سرحد رکود اقتصادی کشانید و یگانه مملکتی که وی را ازین منجلا ب نجات بخشید کشور چین بود.

از طرف دیگر رهبر حزب چین هواگوفنگ Hua Guofeng درسال ۱۹۷۸ به کوریای شمالی بحیث مهمان رسمی سفر کرد و در پیونیانگ پایتخت این کشور با نهایت صمیمیت پذیرائی گردید و رهبران کوریای شمالی برای اینکه دوستی خود را با چین بیشتر ابراز بدارند، وزارت خارجه کوریای شمالی به سفیر خود درملل متحد هدایت داد تا ویتنام را که باکمک اتحاد شوروی به کمبودها تجاوز کرده تقبیح کند.

پرواضح است که گروه های منظم کوریای شمالی و مشاورین چینی با تشکیلات محرمانه زیرزمینی گوریلای پول پوت Pol Pot در کمبودها همکاری دارند تا در برابر تجاوز ویتنامیها مقاومت کرده و از خود دفاع کنند حمله اخیر چین بالای ویتنام شمالی و موفقیت چشمگیر گوریلای کمبودها رابطه نزدیک با حوادث و جریانات عمومی در منطقه دارد. در محاسبه دوستان روز مبادا، نمیتوان لاوس کوچک را دوست وفادار اتحاد شوروی و ویتنام شناخت زیرا وجود عساکر ویتنامی و مشاورین شوروی در اردوی لاوس وقتاً فوقتاً باعث ناآرامی و تشنج درکشور شده است که این ناآرامی ها از طرف چین زیادتر دامن زده می شود و چینیایی ها که ۱۸ سال قبل شاهراه شمال لاوس را تکمیل کردند با مردم آن رابطه نزدیک دارند.

قرار معلوم باوجودیکه لاوس با مشکلات اقتصادی دست به گریبان است لیکن از عضویت در بازار مشترک کومی کن Comecon امتناع ورزیده و نمیخواهد مانند ویتنام داخل این حلقه اقتصادی رهبری شده شوروی شود.

اتحاد شوروی بالای کشور دوست جدید خود، افغانستان، نیز اعتماد کامل ندارد، طوریکه دیده آمد بعد از موفقیت کودتای خونین اپریل سال ۱۹۷۸ رهبر حزب خلق

افغانستان، نورمحمد تره کی، چندین بار بنام پاک کاری، اردوی افغانستان را سر وزیر کرد. تره کی باوجود این همه پاک کاری میتواند دریک اردوی قریب به یکصد هزار نفری صرف به ۴۵ نفر افسر اعتماد کرده از وفاداری شان به رژیم خود اطمینان داشته باشد تره کی جرأت ندارد که عساکر خود را جهت قلع و قمع مبارزین اسلامی مخالف رژیم کمونیستی سوق دهد با این محاسبه ساده میتوان گفت در صورتیکه تره کی به مفاد شوروی به اقدامی دست بزند تیشه به ریشه خود زده و بزودترین فرصت از بین خواهد رفت.

۲۸-۲-۱۹۷۹ تاگس انسیگی Tages Anzeige آلمان غرب :

تعداد بی شمار افراد پولیس ولی مقدار محدود گندم در افغانستان:

رژیم دوست اتحاد شوروی در افغانستان بعد از آنکه در اپریل سال گذشته بر اریکه قدرت نشاندہ شد هر روز به مشکلی جدیدی، چه از ناحیه اقتصادی و یا سیاسی، دست به گریبان است.

با آنکه نورمحمد تره کی در هریبانیه خود از برخوردهای خونین بین مخالفین دولت و عساکر رژیم اظهار بی خبری میکند، لیکن ثابت است که از مدتی باینطرف در دره های افغانستان بین آزادیخواهان و عساکر دولت جنگهای خونین در جریان بوده و مخالفین رژیم بر سر اقتدار در بین مردم افغانستان افزونی یافته و با مبارزین آزادیخواه همکاری میکنند. حصه بیشتر مخالفین رژیم تحت رهبری دو حزب بنیادگرای اسلامی بنام حزب اسلامی و جمعیت اسلامی با رژیم حاکم در پیکار اند.

درزد و خورد بین مخالفین تعداد واقعی تلفات طرفین را نسبت نبود احصائیه نمی توان اظهار نظر کرد و اما کسانی که در منطقه بلدیته و معلوفات دارند ادعا میکنند که از جمله صد هزار عسکر اردوی افغانستان چندین هزار نفر شان از طرف مبارزین افغانی خلع سلاح شده و یا اینکه خودشان خوش برضا بامجاهدین پیوسته اند.

از زمانیکه رژیم چپی حزب خلق در کابل قدرت را بدست آورده در قلع و قمع مخالفین خود بیرحمانه عمل می کند و به تعداد قوای امنیتی رژیم از بین هم مسلکان خویش میافزاید.

در پهلوی این همه نگرانیها خبر قلت و کمبود محصول غله بالخصوص گندم مانند سال ۱۹۷۱ باعث بیم رژیم شده است.

مارچ

۱-۳-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب :

معاشقه بین شوروی و افغانها به سردی گرائیده:

فیودور روسی لسان آلمانی را خوب میداند و یاد از بیر(آبجو) آلمانی میکند.

فیودور انجنیر روسی وظیفه دارد تا ماشینهای ساختمانی را در نزدیک سرحد ایران و افغانستان ترمیم و بکار اندازد جهت اجرای این کار باید هریار توسط طیاره از کابل به هرات پرواز کند.

انجنیر روسی ازدوماه باینطرف از مینسک وارد افغانستان شده و هنوز به تقویم افغانی یعنی سال ۱۳۵۷ عادت نکرده است، اما فیودور ادعا میکند که به تناسب پیشرفت جهان امروزی خاصاً از نظر انکشاف اقتصادی این مملکت در سالهای قرون وسطی قرار دارد.

فیودور شکایت دارد که در این مملکت گوشت، کچالو، مشروب و لباس خریداری کرده نمیتواند « در افغانستان کارگرفنی وجود ندارد تا از آنها در پروژه های اقتصادی کارگرفت حتی مابایست وظیفه دربوری را نیز بعهده بگیریم تنها در این شهر کوچک هرات بیش از یکصد تخنیکر ما کار میکنند»، وی اضافه می کند: « وقتیکه انسان از کلکین طیاره يك ۴۰، نوعی از طیاره های جت مسافربری ساخت شوروی بالای سلسله کوه های افغانستان پرواز میکند واضح می شود که ما اقلأ پنجاه سال کار در پیش داریم تا این مملکت را قدمی نزدیک تر به رشد اقتصاد جهانی برسانیم».

چرخ کوزه گر میان اروپا و آسیا:

فیودور اسم مستعار این تبعه شوروی است، از اینرو او با جرأت با یکنفر روزنامه نگار غربی خلاف پالیسی مملکت خویش صحبت و شکایت میکند. اگر آمرین وی از این طرز صحبتش اطلاع حاصل کنند یقین در یک ساختمان سرکسازی درسایبریا وظیفه جدید برایش داده خواهد شد. زیرا اظهارات رسمی اتحاد شوروی درباره افغانستان با صحبت های فیودور تفاوت ها دارد.

بعد از کودتای خونین اپریل ۱۹۷۸ و ازین رفتن رئیس جمهور ارستوکرات محمد داود، حزب دیموکراتیک خلق افغانستان به کمک اتحاد شوروی قدرت را بدست گرفت. ملت ۱۷ ملیونی افغان که اکثر آنها بیسواد اند، به کشاورزی کارهای دستی و پیشه تجارت مصروف

اند و يك تعداد این كتله را مردم کوچی تشکیل میدهد.

سرنای پروپاگند رسمی اتحاد شوروی مبنی بر: «دهاقین و کارگران افغانی با انقلاب سوسیالیستی بطرف ترقی گام برمیدارند و برای مردم شوروی مردم افغانستان يك ملت مترقی و برادر میباشند» شنونده به کار دارند.

یازده ماه از موفقیت و دوستی شوروی با رژیم کابل سپری شده در جریان این مدت در بعضی محافل کابل نگرانی های خلق گردیده و اظهار میدارند که اتحاد شوروی از روی بشردوستی و محبت با آنها کمک نکرده بلکه از افغانستان که مانند يك سطح دوار، چرخ کوزه گری بین ایران، پاکستان و از دید اروپا در بین آسیا قرار دارد با این موقعیت استراتژیکی فاصله بین نفوذ اتحاد شوروی و بحر هند و منطقه خلیج را کوتاه گردانیده، استفاده می کند.

بعد از موفقیت يك عروسك در افغانستان، اتحاد شوروی از این چانس به نفع خود استفاده کرده و پس از چند هفته مختصر دستگاه پروپاگندی شوروی با تمام وسایل دست داشته اش به طرفداری از رژیم موجوده در افغانستان به فعالیت های بین المللی و ملی خود آغاز کرده در عین وقت اعزام سیل آسای متخصصین و مشاورین شوروی به صوب افغانستان به راه افتاده است.

نسبت نبودن احصائیه دقیق نمیتوان در باره تعداد متخصصین و مشاورین شوروی در افغانستان صحبت کرد اما قسمیکه کارشناسان در این باره اظهار نظر میکنند باید تعداد شان بیشتر از ۵ هزار نفر باشند، آنها بحیث متخصصین و مشاورین شوروی اداره امور را در دوایر حساس دولتی بدست گرفته اند. در نقاط حساس دوایر دولتی متخصصین و مشاورین شوروی اجرای امور را بدست گرفته اند. قرار معلوم در وزارتخانه های ترانسپورت، معادن و صنایع و تجارت بدون نظر متخصصین شوروی کسی اجازه تصمیم گیری را ندارد. و مطالعه روزنامه ای چاپ کابل، خواننده را بیاد مطالعه يك کاپی از پروادای شوروی می اندازد.

در اردوی افغانستان نفوذ متخصصین و مشاورین اتحاد شوروی از همه جایبشتر است و عساکر شوروی را در یونیفورم اردوی افغانستان به مشکل میتوان از مردم هزاره، اوزبک و تورکمن افغان تفکیک کرد نمایندگان سفارتخانه های غربی در کابل معتقد هستند که اداره

اردوی یکصد هزار نفری افغانستان بصورت کل بدست متخصصین و مشاورین اتحاد شوروی ملبس با یونیفورم اردوی افغانی قرار دارد و صلاحیت افسران اردو افغانی محدود به اجراء روزانه اداری گردیده است. درباره فقط یکنفر از جگتورن های افغانی با ترس و نگرانی برابم گفت که :

«ما در سال گذشته انقلاب را برای از بین بردن يك رژيم براه انداختيم نه بخاطر اینکه امروز يك افسر اتحاد شوروی بالای ما او امر صادر کند» و تقریباً با عین جملات یکنفر مامور وزارت خارجه اظهار عقیده کرده اضافه کرد که : «اتحاد شوروی در جریان يك سال گذشته برای ما سوغاتی نیآورد بجز اینکه به تعداد مشاورین و متخصصین خود در کشور ما افزود و از کمکهای مالی که در شروع انقلاب بما وعده داده بود تا امروز اثری از آن به چشم نمی خورد».

از آغاز کودتای اپریل باینطرف، رژیم کابل ۲۹ قرارداد را با اتحاد شوروی که معادل به ۱۸۷ میلیون مارک آلمانی می باشد بامضاء رسانید و از آن تاریخ ببعد تا امروز هیچ خبری در آن باره نشرنگر دیده و جای تعجب است که در طول این مدت دول غربی در حدود ۲۱۸ میلیون مارک بدسترس رژیم سرخ در کابل گذاشته و از آن نیز خبری پخش نشده.

در بین مردم بازار زمزمه های قیام مردم بالا است و در صحبت خود، بعد آنکه اطمینان حاصل کنند که پای کدام خبرسان رژیم در بین نیست، میگویند که روسها در افغانستان دیگر مطلبی ندارند، جز اینکه ثروت و معادن نهفته مارا از عمق زمین رایگان بدست آورند و این طرز دید مردم و بدبینی شان از طرف اتباع اتحاد شوروی در کابل بوضاحت احساس میگردد. زنهای متخصصین شوروی عموماً يك جنس را به دز چند قیمت اصلی بدست میآورند و یا اینکه با صراحت کامل برای شان گفته میشود که این امتعه را نداریم باوجودیکه مال مورد ضرورت زن روسی در دوکان موجود است.

یکی از دکانداران اظهار داشت که چند روز قبل یکنفر روس در دوکان قصابی همسایه پنج نوع گوشت گوسفند را نسبت خرابی جنس آن رد کرد و برای نوع ششم گوشت مطلوبش به چانه زدن آغاز کرد، قصاب از این حالت وی به سیر آمده و بدون تبصره بیشتر تبرجه قصابی را بفرقش حواله کرد و خریدار روسی روی سرک در بازار نقش بر زمین شد

ملت افغان مردمان با عقیده و مسلمانان سچه هستند و آنها میدانند که رژیم

سوسیالیستی دشمن دین و مذهب شان بوده و از اینرو، این شکل نظام را درمبداء رد میکنند. زمانیکه در پرچم افغانی خود رنگ سبز اسلامی را نیافتند و در عوض رنگ خونین سرخ انقلابی مشابه اتحاد شوروی را بچشم دیدند، دانستند که اینها دشمن شان هستند و بتائید این بدبینی صدا های جنگهای مقدس، جهاد، از هر گوشه مملکت بالا گردید.

اقوام مختلف افغانستان مردمان جنگجو و آزادیخواه هستند و در صیانت آزادی و وطن شان جان خود را قربان میکنند و در این روزها از هر کنج کشور آوازه های جنگ بین طرفداران رژیم و آزادی خواهان بالا شده و در دره های خشک و قتل کوه ها مردان شجاع افغان دستار به سر یا چهره های بلوطی مردانه وار در برابر آفتاب سوزان و طوفان باد مقاومت میکنند و با تفنگ چقمقی و شمشیرهای پدران شان در برابر ماشیندار و سلاح مدرن ساخت شوروی بدون ترس میجنگند و یاد حماسه های نیاکان شان را دوباره زنده میسازند.

صحنه های جنگ ایکه میتوان آنرا تنها از لابلای افسانه ها شنید.

در دره های صعب العبور کوه های سلیمان و خیبر افسانوی جنگهای چریکی را میتوان بچشم سر دید. در این دره ها صحنه های جریان خون انسانرا بیاد صحنه های فیلم های آزادیخواهان افسانوی جهانی می اندازد. امداد اینجا واقعیت است که خون میریزد و مردم در راه عقیده و ایمان خود برای آزادی قربانی میدهند.

در شفاخانه مرکزی کابل دو صد نفر از عساکر رژیم کابل بستری هستند و چهره های خود را مدام بالحاف می پوشانند. آنها از خجالت سرخود را بیرون نمیکنند، زیرا هموطنان مجاهد شان بینی و گوشهای شانرا بریده و جهت انتباه دیگران آنها را دوباره به کابل فرستاده اند. در اوایل مقاومت توسط اشخاص انفرادی و یا دسته های کوچک مسلمان و آزادی خواه، بدون داشتن کدام رهبری مشخص، جنگها آغاز گردید. لیکن در این اواخر در محافل مبارزین صحبت از دو حزب سرزبانها است که یکی بنام حزب اسلامی افغانستان و دیگر آن بنام جمعیت اسلامی یاد میشود. این دو سازمان باهم دیگر یکجا برنامه حمله را طرح می کنند عملاً اقدام میکنند و قرار معلوم تا حال موفقیتهای چشمگیری نیز نصیب شان شده است.

در جنگهای اخیر نورستان، یکی از مربوطات ولایت مشرقی افغانستان، مبارزین افغانی يك هیلوکوپتر نظامی رژیم را سقوط داده و در حدود چهل عراده موتر باربردار را با

سلاح و مهمات به غنیمت گرفته و همچنان يك تهانه عسکری با ۴۰۰ نفر عساکر رژيم دولت را از بين برده اند.

رژيم کابل جرأت نمیکند در برابر این مبارزين از تانک و طياره استفاده کند، زیرا رانندگان تانکها و پيلوتها اعتماد همبستگی خود را در برابر رژيم از دست داده اند، حتی عساکر بعضی قشله های عسکری اجازه ندارند که قرارگاه خود را ترک کنند و قرار معلوم تعداد زیادی از افسران جوان اردو، بخاطر وجود مشاورين شوروی و همچنان به نسبت نفرت شان از رژيم برسراقتدار، در برابر مبارزين مسلمان افغانی نمی جنگند، بيم از همین ناحیه سبب صفا کاری در اردو گردیده بالاخره معلوم شد که رژيم فقط می تواند به ۴۵ افسر خود اعتماد داشته باشد و بس.

۱-۳-۱۹۷۹ نیو سورخر سایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

تقلیل کمکهای ایالات متحده امریکا برای افغانستان :

واشنگتن ۲۸-۲-۱۹۷۹:

قرار اظهار يك سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده امریکا، حکومت امریکا کمکهای مالی خود را از ۱۵ میلیون دالر به ۳ میلیون دالر تقلیل داده است این تصمیم، بعد از قتل سفیر امریکا در کابل، توسط جیمی کارتر اتخاذ گردیده است وی اضافه کرد که کمکهای امریکا سراز سال آینده بکلی قطع خواهد شد.

۴-۳-۱۹۷۹ لیدر The Leader کراچی پاکستان :

در تلاش در یافت سلاح از محالک اسلامی :

کابل : مبارزين چریکی (مجاهدين) در جنگهای اخیر در برابر رژيم کمونیستی کابل به موفقیت های چشمگیری نایل شده اند.

مجاهدين افغانی موفق شده اند در ضمن جنگهای تن به تن يك تعداد کلاشینکوف ساخت شوروی و تفنگ های اینفیلد (۱۱ تیره) انگلیسی را از عساکر رژيم کابل بدست آرند. این خبر را نماینده لایف Life امریکایی، ریموند دیپاردان Raymond Depardon که تقریباً ۳۰۰ کیلومتر در داخل افغانستان بیش رفته و مدت یک هفته را با مجاهدین

گذشتانده، نشرکرده وی علاوه میکند که مجاهدین افغانی در برابر هفتاد هزار عسکر رژیم کابل در دره ها و قریه ها مصروف پیکار اند و يك تعداد از عساکر رژیم را اسیر گرفته و هم تعداد بیشماری از آنها در صف مجاهدین پیوسته اند.

رژیم تره کی طرفدار شوروی در برابر مبارزین آزادی خواه و مسلمان از پرتاب مرمی های توپ و بمبها توسط طیاره استفاده میکند و تا جائیکه شواهد در دست است در این جنگها رژیم کابل از بمبهای ناپالم نیز استفاده میکند.

رهبر حرکت اسلامی افغانستان، مولوی محمد نبی محمدی، در يك مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که ما باید سلاح دیرینه و کمتر موثر مجاهدین را با سلاح مدرن امروزی، که به آن شدیداً نیاز داریم، عوض کنیم. امیر حرکت اشاره به ممالک اسلامی کرده اضافه نمود مجاهدین افغانی که در برابر کمونیسم و اتحاد مبارزه میکنند همبستگی و کمکهای بشر دوستی، مالی و اخلاقی جهان اسلام را بیشتر از دیگر کشورها انتظار میبرند.

۵-۳-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب :

افغانها دشمن را با جنگ تهدید میکند:

لاهور : در هفته گذشته يك دسته از روحانیون افغانی از ممالک اسلامی تقاضای کمک کردند. سخنگوی این گروهیکه از تقریباً ۵۰ هزار مجاهد نمایندگی میکند اظهار داشت که مجاهدین شان با قلت سلاح و مهمات مواجه بوده تقاضا دارند تا هرچه زودتر سلاح و مهمات کافی بدسترس شان گذاشته شود.

رژیم طرفدار شوروی در کابل هزاران افراد عسکری خود را از بیم پیوستن با مجاهدین خلع سلاح کرده و از طرف دیگر و در عوض تعداد ۶۰۰۰ جوان بی تجربه را، جهت فراگرفتن تعلیمات نظامی در برابر جنگهای چریکی، به اتحاد شوروی فرستاده است.

۵-۳-۱۹۷۹ دی سایت Die Zeit آلمان غرب :

کابل ماسک اسلامی خود را از چهره برمیدارد :

اقوام کوه نشین افغانی به عقاید و سنن دینی دیرینه خود. رو می آورند :
کابل : « اگر با رفیق تره کی روبرو شدید از طرف ما برایش بگوئید که امید زندگی

طولانی را نداشته باشد. او بزودی از بین خواهد رفت»، این پیغام دوستانه را دگروال محمد الوار یکی از قوماندان جهاد در پشاور بمن اعتماد کرد. محمد الوار دو هفته قبل از جبهه جهاد بازگشته و در نظر دارد بعد از دستیابی به اکمالات نظامی نزد برادران مجاهد خود به سنگر مردان برگردد. وی از من دعوت کرد در صورتیکه خواسته باشم مرا از طریق سرحد آزاد، که نه تحت سلطه احزاب اسلامی است و نه از کابل، به سنگر خود دعوت کند.

پشاور شهر سرحدی پاکستان که در دامنه دره خیبر قرار دارد، مرکز غیر رسمی مجاهدین افغانی میباشد. چند کیلومتر خارج از شهر منطقه سرحد آزاد پاکستان شروع میگردد در آن منطقه صرف شاهراه عمومی و خط آهن تحت اداره حکومت قرار دارد و متباقی آن منطقه مربوط به قبایل آزاد بوده و تحت اداره اقوام مسکونی آن میباشد. مردم قبایل آزاد از صد سال باینطرف از تجارت ترانزیتی و قاچاق سلاح امرار معیشت میکنند.

در اطراف دگروال محمد الوار یک تعداد مجاهدین بدور وی جمع شده و به سخنانش گوش میدهند. با وجودیکه تعداد شان از چند نفر بیشتر نمی باشد لیکن همه شان آماده هستند تا در راه آزادی وطن خود سرهای خود را فدا کنند. بیشتر این اشخاص مربوط به مردمان عادی کشور میباشند که فطرتاً به استعمال تفنگ آشنا بوده و آنرا بوجه احسن انجام میدهند. در بین این اشخاص یک نفر از استادان سابق پوهنتون کابل که در این اواخر از اروپا بازگشته نیز شامل است.

در پهلوی من یک جوان تقریباً ۱۸ ساله که قنداق ماشیندار خود را بذوق خود بارنگهای مختلف رنگ آمیزی کرده به سخنان دگروال با دقت گوش فرا داده و خود را در میان این مجاهدین بیگانه حس نمیکند. در بیرون حلقه شاملین مجلس سه نفر باریش های انبوه پهره میدهند و از بیرق سبز اسلامی با افتخار نگاهداری میکنند. مرد میدان دگروال محمد الوار از نورستان است.

محمد الوار که قیافه اش با افغانهای دیگر تفاوت دارد سالها در بین مسلمانان این قوم که قبلاً کافر بوده و در سال ۱۸۹۵ بدین اسلام مشرف شده اند زیسته، امروز مردانه وار در صف اول جهاد به مقابل دشمن ملحد سرخ می جنگد.

نورستان که با ولایات ننگرهار، لغمان، کنرها و بدخشان حد بخشی دارد از مدتیست که با طرفداران رژیم در زد و خورد می باشد. الوار اظهار نظر میکند که آنها ترتیبات و آمادگی

برای جنگهای طولانی‌ای را دارند که هر روز شدت آن بیشتر میشود. باوجود این گفته که با شجاعت تمام بیان میکند در سیمای مردانه اش ناراحتی احساس می‌شود، میگوید: «ما از هیچ منبع کمک دریافت نمیکنیم و تنها گذاشته شده‌ایم، لیکن اتکای ما بخداوند است و ایمان داریم که وی ما را تنها نمیگذارد» وی به صحبت خود ادامه داده میگوید: «تکتیک جنگهای ما طوری است که مجاهدین ما در اطراف شاهراه‌ها کمین می‌گیرند و با وارد شدن دشمن در منطقه بالای‌شان حمله می‌کنند، زیرا هدف اصلی ما بدست آوردن سلاح و مهمات است» در این حملات تا امروز در حدود ۱۱۰ نفر دیگر از مجاهدین ما در راه آزادی وطن ما شهید و در حدود ۲۵۰ نفر زخمی شده‌اند.

در برابر سوال من که سرجمع مجاهدین تحت فرماندهی خود را چند نفر تخمین می‌کند؟ الوار جوابی نداشت. اما گفت که: «مامی توانیم بهر تعدادی که خواسته باشیم هواخواهان آزادی و مبارزین مسلمان را بدست آوریم، اما مشکل ما نداشتن سلاح و مهمات است که نمیتوانیم دیگر داوطلبان را در حلقه خود اضافه کنیم. میدانید ما هردانه کارطوس را باید از بازار آزاد با پول خود خریداری کنیم و در برابر رژیم کابل که از هیلوکوپتر و طیاره استفاده میکند، مقاومت کنیم، تا حال ما یک اندازه سلاح و مهمات از برادران مسلمان پاکستانی خود، جماعت اسلامی، بدست آورده‌ایم و متبایقی مصارف خود را خود تمویل میکنیم».

مزید بر این صحبت با الوار، در شهر پشاور برای من (خبرنگار) امکانات آن میسر گردید که بایک تن از رهبران جهادی ملاقات کنم. این مرد میانه‌قد باریش تنک که تارهای سفید در آن دیده می‌شد خود را بنام مجددی معرفی کرد. من قبلاً در باره وی معلومات داشتم و میدانستم که وی پروفیسور در شق الاهیات بوده و بیحیث استاد در فاکولته شرعیات کابل تدریس میکرد. مجددی پسریکی از روحانیون سرشناس و از جمله اصلاح طلبان کشور است. مجددی رئیس تنظیمی بنام (جبهه نجات ملی) میباشد که چندی قبل آنرا تاسیس کرده است.

مجددی در ضمن مصاحبه اظهار داشت: «ما در راه عقیده و اسلام می‌جنگیم. جهاد ما برای اعاده آزادی در کشور ما و بدست آوردن حقوق مردم افغانستان است».

مجددی قبل بر این برای مدت چند سال در کوپنهاگن (دنمارک) بیحیث امام مسلمان‌ها و وظیفه داشت و از چند وقتی است به پشاور بازگشته و در ردیف رهبران جهادی قرار گرفته

است. وی در نظر دارد تا يك چتر مقاومت از مجاهدین را تشکیل کند اما طوری که خودش اعتراف میکند این کار آسانی نیست. وی گفت در حال حاضر کم از کم شش تنظیم و حزب در پشاور تشکیل شده که هر کدام با روش و فلسفه متفاوت در جهاد سهم می گیرند و در بین این احزاب و تنظیمها اقشار مختلف مردمان افغان شامل هستند همچنان یکتعداد مهاجرین افغانی از اروپا و امریکا به پشاور بازگشته و با ما در جهاد شریک شده اند.

وی اضافه کرد: « در این اواخر حزب بنیادگرای متعصب اسلامی مربوط به حکمتیار هشت نفر از مجاهدین ما را بقتل رسانیده است بعد از این تاریخ تنظیم ما با حزب اسلامی کدام رابطه ای ندارد» و خطر دیگری که در این اواخر پیدا شده این است که: «يك تعداد از همکاران رژیم کابل طوردستوری در بین تنظیمهای ما داخل شده اند تا دستگاه جهاد ما را از داخل تخریب کنند. وی عقیده دارد که اقلأ از يك تنظیم نام گرفته میتواند که چنین اشخاص دستوری در آن شامل هستند».

بعد از مصاحبه دیدوبازدید با مخالفین رژیم کابل در پشاور بصوب کابل عزیمت کردم در کابل با حفیظ الله امین نفر قوی رژیم، وزیر خارجه و معاون صدارت، مصاحبه ای صورت گرفت. امین در ضمن مصاحبه خود اظهار کرد: « اگر مداخله مستقیم دستهای خارجی در مسایل مربوط داخلی ما شامل نباشد، ما دیگر هیچ مشکلی در کشور نداریم و ما بالای انقلاب مردمی خود افتخار میکنیم» که این اظهارات وی باید باشک و تردید قبول گردد، زیرا ناظرین سیاسی در کابل و حتی روزنامه کابل تایمز ارگان نشراتی رژیم، قضیه را طور دیگر تحلیل میکنند. روزنامه کابل تایمز روزی نیست که در بیانات رهبر انقلاب و صدراعظم تره کی و وزیر خارجه و معاون صدارت حفیظ الله امین جملات زیر را نقل نکند (دشمنان داخلی انقلاب) و یا (مخبرهای سیاه امپریالیزم) و یا (اخوان الشیاطین).

امین هر نوع تعدیل را در اسلام رد میکند و میگوید: « ما احترام کامل به اسلام و پرنسپ های دیموکراتیک آن داریم» اما امین فراموش میکند که چند ماه قبل ماسک اسلامی را از چهره برداشته است. گواه آن از بین بردن بیرق اسلامی در ماه اکتوبر سال گذشته میباشد. امروز نصب پارچه های سرخ با تبلیغات و شعارهای بی دینی روی جاده ها و عمارات دولتی مبین ادعای برداشت ماسک اسلامی از روی این رژیم میباشد همچنان از مدتیست در مجالس رسمی از تلاوت قرآن و یا ذکر اسم خداوند فاصله گرفته شده و رژیم بصورت

واضح دشمنان خود را در وجود مسلمانها و ملاحای کشورهای بیبند و روزی نمی گذرد که رهبران روحانی مذاهب سنی و شیعه و ملاحای جید کشور در هر نقطه مملکت دستگیر نشده و روانه زندان نشوند و از سرنوشت بعدی آنها کسی اطلاع ندارد.

از جانب دیگر رژیم کابل تلاش میکند تا در بین مردم و مذاهب شان تفرقه خلق نموده و در بین مردم اسلام خوب و بد را تبلیغ کند. رژیم کابل در برابر کسانی که قواعد اسلام را بین نظام حاکم و مردم کشور متفاوت می بینند علناً مبارزه میکند مردم مسلمان کشور سقوط رژیم موجوده را حتمی دانسته نه تنها این عقیده مسلمانان موحد موجود است بلکه این مخالفت و ضدیت در میان طبقات تعلیم یافته کشور که بدست آمدن آزادی نسبی را در انقلاب جستجو می کردند نیز ریشه دوانیده است.

از مدتها است که بازداشت افسار مختلف در کشور به شدت جریان دارد و به مشکل میتوان شخصی را سراغ کرد که از این ناحیه دردی نداشته باشد. اگر بخت با بازداشت شدگان یاری کند بکتهداد این اشخاص بعد از سپری نمودن مدتی از حبس و شکنجه رها میشوند اما اکثرشان برای ابد سربه نیست میشوند.

۱۰-۳-۱۹۷۹ ناکس انسیگی Tages Anzeige آلمان غرب :

مسلمان ها نور محمد تره کی را مجرم قرار میدهد:

جنگهای شدید بین مبارزین اسلامی و عساکر دولتی در دره صوف در شمال افغانستان جریان دارد. این مطلب را سخنگوی یکی از تنظیمهای جهادی در پشاور اظهار داشت. قرار معلوم بتاريخ اول مارچ در قریه کوچک در اثر بمباران رژیم کابل بکلی منهدم گردیده و اهالی آن بقتل رسیده اند. در بین تلف شده گان تقریباً پنجاه طفل خورد سال نیز شامل میباشند. مبارزین افغانی از جهان آزاد تقاضا کرده که جلو جنایات تره کی را گرفته و بیشتر ازین نگذارند که جنایات او در مورد انسان های بیگناه ادامه یابد.

۱۳-۳-۱۹۷۹ نیو سوئزر سائیتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

تحریک اسلامی در افغانستان :

دوام جنگهای شدید در ولایات غربی افغانستان بین مجاهدین و طرفداران نورمحمد تره‌کی: قرار اعلامیه منتشره جمعیت اسلامی در پشاور، مجاهدین مربوط این جمعیت بالای والی هرات در شهره‌رات حمله کرده و او را زخمی ساخته‌اند در عین روز در هفتاد کیلومتری شهر هرات، در ولسوالی گذره موتر آمر سیاسی را آتش زده طعمه حریق قرار دادند که در این زدوخورده ده نفر از عساکر رژیم مجروح شده‌اند. قوای امنیتی دولت در جستجوی یگ تن از شخصیت‌های مذهبی هرات بوده و میخواستند او را بازداشت کنند. پس از افشای این خبر مجاهدین بالای ماموریت پولیس شهر یورش برده و دوازده عضو قوای امنیتی را اسیر گرفتند که از جمله اسیر گرفته شدگان سه نفرشان که در شهر به جنایات در برابر مردم بیگناه شهرت داشتند تیرباران شدند.

۱۳-۳-۱۹۷۹ نیو سوئزر سائیتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

اعلان جنگهای مقدس (جهاد) در سرتاسر افغانستان :

پشاور ۱۲ مارچ ۱۹۷۹: روز دوشنبه جبهه نجات ملی افغانستان بصورت رسمی در مقابل رژیم نورمحمد تره‌کی، طرفدار اتحاد شوروی اعلان جهاد داد. در اعلامیه متذکره از مردم مسلمان افغان و مخصوصاً اردوی افغانستان تقاضا بعمل آمد تا در برابر رژیم کمونیستی در کابل قیام کرده و برای آزادی افغانستان مبارزه کنند.

حضرت صبغت‌الله مجددی رهبر این تنظیم اظهار داشت که در سرتاسر کشور انقلاب ملت در برابر رژیم بصورت واضح دیده می‌شود. اظهارات وی از جانب منابع دیپلماتیک در اسلام آباد نیز تأیید شده است.

۱۴-۳-۱۹۷۹ بوند Der Bund آلمان غرب:

اعلان (جهاد یا جنگ مقدس):

پشاور: محاذ ملی افغانستان، یکی از تنظیمهای سه گانه در پشاور، مردم افغانستان را به قیام عمومی و جهاد علیه رژیم طرفدار شوروی نورمحمدتره کی دعوت میکند. در اعلامیه ای که بدین مناسبت در پشاور نشر گردیده از ملت افغان و مخصوصاً از عساکر دولت دعوت بعمل آمده تا درصاف هموطنان مسلمان خود بپیوندند و در جهاد مقدس عملاً شریک شوند. هدف اصلی این جهاد آزاد شدن کشور از جنگ کمونیستها و ازین رفتن رژیم طرف نفرت ملت است.

در اعلامیه افزود شده در سراسر افغانستان قیام ملت مسلمان برضد رژیم ملحد و کمونیزم واضحاً مشهود است.

۱۴-۳-۱۹۷۹ تاگس انسیگی Tages Anzeige آلمان غرب:

حالت طوفانی جنگهای مبارزین اسلامی برضد رژیم کابل در شرق افغانستان:

جلال آباد ۱۳-۳-۱۹۷۹: در دامنه های کوه های پر از برف سلیمان و دره های تاریک آن مبارزین اقوام مختلف افغان در برابر رژیم کمونیستی قیام کرده و برای آزادی کشورشان از زیر یوغ نظام دست نشاندۀ شوروی جان نثاری میکنند.

بطور عموم حملات مجاهدین طور عموم، در مناطقی که از شاهراه ها و دستگاه های مخابراتی فاصله بیشتر داشته باشد، صورت میگیرد. رژیم کابل سعی میکند تا این جنگها را بی اهمیت جلوه دهد و خود را حاکم قضایا بشناساند. در شهر جلال آباد یک قول اردوی نظامی مستقر است و بصورت نسبی در شهر آرامی حکمفرما است، اما بالای هریل و در دهانه هر تونل و مراکز عمده شهر بهره داران مسلح جلب توجه میکنند.

در سرتاسر مناطق داخل افغانستان جنگهای گوریلابی بشدت جاری بوده و کسانیکه میجنگند مردان مبارز و شجاعی هستند که در تصمیم خود راسخ بوده با عقیده شکست ناپذیر، بدون داشتن سلاح و مهمات کافی و مدرن در برابر جت ها و تانکهای ساخت روسی و افسران تعلیم یافته شوروی مردانه و ارامی جنگند. قوماندانان و مجاهدین از نجات

کشورشان مطمئن اند. آنها در برابر کفر می‌جنگند و نمی‌گذارند که برنامه‌های غیر اسلامی ایکه در کابل آغاز شده در دیگر مناطق کشور پخش گردد.

سخنگوی حکومت کابل هر بار از حاکمیت مطلق در سرتاسر کشور صحبت میکند و از جنگ‌های یادی نمی‌کند و در این مورد سکوت را ترجیح میدهد.

مقابلتاً مبارزین افغانی چون کدام دستگاه نشراتی در دسترس خود ندارند، بیشتر از طریق رسانه‌های غربی آواز خود را بگوش جهانیان میرسانند.

در حلقه‌های مبارزین افغانی اختلافات بنیادی موجود است و دونفر از رهبران حزبی در پشاور که بیشتر از همه باهم رقیب می‌باشند وقتاً را پوره‌های نسبتاً مبالغه‌آمیز به نشر میرسانند. نشر خبر کشته شدن ۱۹۷ عسکر دولتی و سقوط سه فروند هیلوکوپتر جنگی رژیم را نام برد.

یکی از این گروه‌ها که خود را بنام جمعیت اسلامی افغانستان یاد میکند رهبری آنرا شخصی بنام برهان‌الدین ربانی بعهدہ داد. ربانی که ۳۸ سال عمر دارد سابقاً بحیث استاد در فاکولته شرعیات کابل تدریس میکرد. گروه دیگر آن بنام حزب اسلامی افغانستان یاد میشود که رهبری آنرا یکنفر بنام گلبدین حکمتیار، ۳۲ ساله، سابق محصل تخنیکم کابل عهده دار است.

هر دو رهبر احزاب اسلامی تره‌کی را ملحد و کمونیست میدانند و حکومت وی را، که با همکاری یک کشور بیگانه جبراً بالای مردم مسلمان افغان تحمیل گردیده، بشدت رد میکنند. در صحبت‌ها هر دو رهبر احزاب اسلامی اظهار میکنند که هدف شان از بین بردن رژیم موجوده کابل بوده و ایجاد حکومتی هم شکل ایران را در افغانستان می‌خواهند.

تقاضای کمک سلاح و مهمات از ایران؟

احصائیه رسمی تلفات عساکر طرفدار رژیم کابل به چندین صد نفر میرسد در جریان این جنگ‌ها مجاهدین موفق گردیده‌اند تا یک اندازه سلاح و مهمات را از نزد عساکر رژیم به غنیمت گیرند.

با وجودیکه رهبران جهادی از حکومت ایران تقاضای کمک کرده‌اند لیکن تا امروز علایمی از عملی شدن این کمک‌ها دیده نشده است. در واقع مبارزین افغانی سلاح و مهمات مورد ضرورت خود را از بازارهای آزاد پاکستان به پول خود تهیه میکنند.

۱۵-۳-۱۹۷۹ زوید دویچه سابتونگ Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب:

ماسکو از تحرکات موازی بحث میکند :

مبارزین اسلامی افغان برضد شوروی شدن نظام کشورشان مقاومت میکنند.
 ماسکو ۱۴-۳-۱۹۷۹: روزنامه لیتراتورنایا گزینا Literaturnaia Gaseta چاپ ماسکو
 در شماره روز چارشنبه خود در باره اینکه چرا سفیر امریکا ادولف دبس Adolph Dubbs
 بتاريخ ۱۴-۱۹۷۹۲ توسط بنیاد گراهای اسلامی به قتل رسید، مینگارد:
 بین واشنگتن و جنگجویان محافظه کار کشوری که در هندوکش واقع است رابطه های
 مرموزی موجود است.

یاغیان افغانی از مدت ها پلان داشتند تا با يك حرکت چشمگیر روابط کابل را با امریکا
 برهم زنند. دوهفته از قتل سفیر نگذشته بود که سفیر فوق العاده باغیان ضد رژیم کابل در
 وزارت خارجه ایالات متحده در واشنگتن و همچنین از طرف چند نفر سناتورهای امریکایی
 پذیرایی گردید و در باره همکاری پایشان صحبت هایی صورت گرفت.

روزنامه متذکره چاپ ماسکو مجاهدین افغانی را بنام بسمچی Basmatschi ، باند
 دزدها یاد میکند و این دشنام در نظام شوروی سابقه تاریخی و هم سیاسی دارد. در اوایل
 سالهای ۱۹۲۰ عیسوی مبارزین ازبکستان، قرغزستان، تاجکستان و تورکمنستان را بنام
 بسمچی یاد میکردند. این مبارزین در طول قرن نهم توسط قوای روسیه تزاری بیرحمانه تار
 و مار گردیدند و کشورعای آزاد شان زیر یوغ استعمار روسیه در آورده شده و بنام جمهوریت
 های آسیایی شامل نقشه آن گردیدند.

امروز شوروی سعی می ورزد عین نسخه را بار دیگر در افغانستان تطبیق کند و مانند
 اسلاف شان آزادیخواهان افغان را بنام باند دزدها، بسمچی ها، تاپه زده کشورشان را بچاپد
 و در قلمرو خود داخل کند.

۱۶-۳-۱۹۷۹ لی ایکو Les Echos پاریس فرانسه :

روزنامه متذکره در شماره اخیر خود از خوانندگان سوال میکند:

آیا بنیاد گذاری جمهوریت اسلامی در افغانستان به نفع ممالک غربی خواهد بود؟

آیا قیام مردم مسلمان افغانستان برضد رژیم دست نشانده و طرفدار شوروی و از طرف دیگر مخالفت صریح ضد مارکسیستی آیت الله خمینی در ایران و علاوه بر این جنبشهای مخفی در جمهوریت های اسلامی اتحاد شوروی برضد دولت شوروی میتواند برای يك مدت طولانی يك سد قوی و بزرگی در برابر گسترش روز افزون کمونیزم شناخته شود؟ و آیا این سد به مفاد جهان غرب تمام خواهد شد؟

سوالهائیکه باید در آن باره غور بیشتر و عمیقتر صورت گیرد. قرار راپورهای واصله رادیوی دولتی چین قوه فرستنده دستگاه پخش امواج رادیویی خود را به استقامت ممالک شرقی و جنوب آسیا پنج چند تقویه کرده و تقریباً از طرفداری تیوری که در بالا ذکر گردید می نماید.

۱۷-۳-۱۹۷۹ آژانس خبرسانی دپ آ Dpa آلمان غرب :

آتش جنگهای شدید بین عساکر رژیم کابل و مجاهدین افغانی در ولایات پکتیا، فاریاب و سمنگان شعله ور شده:

پشاور : يك سخنگوی جبهه نجات ملی روز شنبه در پشاور اظهار داشت که ولسوالی های المار و قیصار مربوط ولایت فاریاب بعد از جنگهای شدید به تصرف مجاهدین درآمده و والی فاریاب از منطقه فرار کرده است. منبع علاوه می کند که مجاهدین موفق شده اند تا یک تهازه عسکری را در گردیز، مرکز ولایت پکتیا، از بین ببرند و عساکر دولتی را بقتل برسانند همچنان در ولایت سمنگان جاده مهم ستراتیژیکی دره صوف تحت کنترل مجاهدین آمده است.

آیت الله شریعت مداری از تمام کشورهای اسلامی درخواست کرده که با مجاهدین افغانی همدست شوند تا نظام کمونیستی را در کابل از بین برند. قرار راپورهای وارده از تهران تا امروز هزاران نفر مسلمان در افغانستان از طرف دستگاه امنیتی دولت کشته شده اند. تنها در ولایت قندهار ۱۷۰ از علمای دینی و روحانیون شهر قندهار بقتل رسیده اند.

۱۹-۳-۱۹۷۹ لیدر The Leader کراچی، پاکستان :

نا آرامی ها در سرتاسر افغانستان :

رژیم کابل و ماسکواز مخالفت های مردم افغانستان علیه رژیم اظهار نگرانی می کنند. نظریه نشریک خبر رادیویی بی سی از لندن حکومت شوروی زمامداران پاکستان را بباد انتقاد گرفته اظهار میدارد که مخالفین رژیم کابل بعد از خرابکاری در افغانستان میتوانند بدون انجام فورمالیتی سرحدی از خاک افغانستان خارج گردیده و به قلمرو پاکستان داخل شوند.

رادیوی بی بی سی باستناد نشریک خبر از روزنامه پروادا، ارگان نشراتی حزب کمونیست شوروی، علاوه میکند که در روزنامه موصوف واضحاً در باره مشکلات رژیم کابل تبصره میشود و پاکستان را متهم به همکاری با مخالفین رژیم کابل میکند. حکومت پاکستان در مورد اتهامات پروادا تبصره ای نکرده، بلکه در رسانه های پاکستانی در باره تقریباً ۲۰۰۰۰ مهاجرین افغانی در ایالت بلوچستان تذکر داده شده است. قرار معلوم حکومت پاکستان در نظر دارد تا با شعبات مربوط جامعه بین المللی باب مذاکره را باز کرده و برای مهاجرین افغانی تقاضای کمک نماید.

رادیوی بی بی سی باستناد خبر رادیو کابل اضافه میکند که در حدود چهار هزار نفر ایرانی ملبس با یونیفورم عسکر افغانی از طریق سرحدات غربی وارد افغانستان شده و با گروه های مخالفین حکومت یکجا مشغول دهشت افگنی و خرابکاری می باشند. این خبر بعد از ناآرامیهای فعلی در ولایت هرات و جنگهای شدید در آن ناحیه پخش گردیده، لیکن حکومت ایران اتهامات رژیم کابل را بشدت رد کرده و علاوه میکند که حکومت ایران در امور داخلی هیچ يك از کشورهای همسایه مداخله نمیکند.

۱۹-۳-۱۹۷۹ شپیگل Der Spiegel مجله هفته وار آلمان غرب:

توزیع زمین با شعارهای: « مرده باد کلونیالیزم، مرده باد امپریالیزم و مرده باد فیودالیزم» در افغانستان آغاز گردید.

در صحن پارک ظاهرشاهی در مرکز شهر کابل يك عده مردم که تعداد شان از يك صد نفر

تجاوز نمیکند با خموشی آمیخته با ترس به صوت دلخراش صدای انقلاب که از لودسپیکر پخش می شود گوش میدهند.

گردهم آیی حزبی به شکل افغانی:

امروز مصادف با روز جمعه بوده و يك ساعت قبل از اداى نماز که در ممالک اسلامی نمازگذاران بدان احترام خاص دارند و با جماعت نماز جمعه را ادا می کنند، نماینده انقلابی رژیم کابل این گردهم آیی را ترتیب داده و باین اقدام میخواید به صراحت مخالفت و جبهه گیری رژیم خود را در برابر اداى نماز جمعه در مسجد و دیگر فرایض اسلامی نشان دهد.

رفقای حزبی با شالهای چارخانه سرشانه ای به زحمت میتوانند در برابر پرودت و سردی هوا بیشتر از این حوصله کنند و آهسته آهسته از حلقه دور میشوند چنان احساس میشود که آنها لازم نمی بینند بصورت حتمی در این سرما گردهم آمده و درباره پروگرامهای رژیم صحبت کنند و بهتر می بینند که انتظار بکشند تا هوای سرد زمستانی قدری ملایمتر و گرم تر شود.

برخلاف رفقای حزبی که بسوی منازل خود به راه افتاده اند و از این اجتماع جبری دور می شوند دیگران نفس راحت کشیده و جانب مسجد به حرکت می افتند.

مسجد جامع بزرگ که گنبد آبی آن از دور جلب توجه میکند مراجعین زیاد دارد، داخل مسجد گرمی مطبوعی دارد و مردم مومن افغان بدرگاه خداوند سجده میکنند و در دل با عالمی سکوت به دعا می پردازند. با آنکه امام مسجد مکلف است درختم نماز برای بقای رژیم دعا کند، اما نمازگذاران به بیانات وی گوش نمیدهند بلکه صرف برای نجات خود و کشورشان دعا میکنند.

در بیرق رسمی کشور پارچه سبز رنگ آن که علامه اسلام است از بین رفته و رنگ سرخ بنام انقلاب جایش را گرفته است. با تمام اینها اعضای حزب و کارمندان رژیم کابل جرأت ندارند که در ملای عام نام مارکسیزم، سوسیالیزم و یا کمونیزم بر زبان آرند.

همزیستی مسالمت آمیز ایدولوژی ها؟ و یابیشتر يك بازی محتاطانه.

از موفقیت کودتای خونین در افغانستان یکسال میگذرد و حزب برسر قدرت سعی بسیار در استقرار این رژیم ناخواسته بر مردم دارد. اما تاکنون موفقیت چشمگیری بدست شان نیامده است.

شهرکابل پایتخت کشور با تقریباً ۶۵۰۰۰۰ نفوس از طرف شب چهره دیگری بخود می گیرد. ساعت ۱۱ کُشِب قیود شبگردی بر مردم تحمیل میشود. و نور افکن های قوی از قتل کوه های اطراف شهر، کنج کنار جاده ها در جستجوی (دشمنان مردم و انقلاب) روشن نگهداشته و تا آذان نماز صبح بگوش نرسد لحظه ای خاموش نمیشود.

در مقابل چند منزل رهاپشی دکانهای کوچک چوبی ساخته شده که در آن ضروریات روزمره مردم عرضه می شود. و دکانداران از مدرک عواید آن تأمین معیشت بخور نمیر خود را میکنند.

موسسات بزرگ تجارتي از مدرک پرداخت مالیات بامشکلات عظیمی مواجه شده اند. نمایندگان و کارمندان موسسات خارجی تازمانیکه مالیات تحمیلی و کمرشکن را نبردازند اجازه ندارند از مملکت خارج شوند. نزد این نظام مترقی طوری توجیه شده که هر کارمند، ولو یک تخنیکر ماشین هم باشد، مسئول پرداخت مالیات موسسه بوده و باید جوابده شعبات مالیاتی آن باشد.

در طول یک سال گذشته رقم اموال وارداتی بصورت غیر عادی تنزل کرده، طور مثال تنها حجم اموال وارداتی جاپان به تناسب گذشته بیشتر از ۱۰٪ پایان آمده است.

بانکهای کشور که در زمان زمداری محمد داود ملی گردیده بود و توسط اشخاص ورزیده اداره میشدند، امروز توسط اشخاصیکه در گذشته معلم و یا شاگرد مکاتب بودند و از بیلانس داد و ستد کوچکترین اطلاعی ندارند اداره میشود.

در پروگرام تلویزیونی که تنها باشندگان شهرکابل از آن استفاده کرده میتوانند عنعنات سابق کشور و طرز تربیه اولاد آن توسط والدین شان بباد ریشخند گرفته میشود. بیشتر فیلم های ممالک غیر اسلامی که رقص رقصه های نیمه عربیان آنها تحریک کننده می باشند نمایش داده میشود و مردم مسلمان و متدین افغان این نمایش ها را اهانت به دین و عقیده خود میدانند.

حزب دیموکراتیک خلق نورمحمد تره کی که تهداب حزبی خود را بر طبقه کارگر و دهقان استوار کرده است در تجسس جلب این کتله در بین ملت است تا در حزب بر سراقتهاداری درخواست عضویت را داده و بدین صورت بر تعداد اعضای حزب خلق تزئید بعمل آید. لیکن مشکل اصلی حزب پیدا کردن این اشخاص می باشد، زیرا طبقه بنام پولیتاریا، در بور،

خاکروب از حزب نفرت داشته و از آنها فاصله میگیرند.

حفیظ الله امین وزیر خارجه و معاون صدراعظم در واقع نفر اول قوی ترین عضو حزب، نمایندگان بی خبر از دنیا و کارگران بیچاره را در وزارت خارجه دعوت می کند تا از وقایع جهانی برای شان معلومات دهد. سهم گیرندگان مجلس بی آنکه از مطالب بیانیه چیزی بفهمند، بی علاقه درکنجی نشستند و با نگاه حرکات مردنیرومند را دنبال می کنند این شنوندگان در ختم مجلس شاد که از جنجالی فارغ شده اما درمانده تر از اول فوراً بسوی وظایف خود برمی گردند.

جهت پیاده کردن پروگرامهای رژیم مدتی قبل درقریه علینگار ولایت شرقی افغانستان درحدود سه صد نفر از دهاقین منطقه دعوت شده بودند مدعین معصوم نمیدانستند مقصد از این گردهم آیی چه خواهد بود؟ زیرا اکثرشان بیم داشتند که بازداشت خواهند شد لیکن بیم شان بیجا بوده زیرا در ختم مجلس دانستند که زمینهای مالکین گذشته این منطقه برای شان توزیع گردیده و قباله های آنها بدست دارند.

افغانها درحالت عادی درختم جرگه های قومی ازطرف يك موسفید قوم ویا ملای مسجد دعای شکران به درگاه خداوندخوانده میشد لیکن از بدو بقدرت رسیدن کمونیستها درکشور درسیر عنعنوی حیات مردم تغییراتی رونما شده است ولی مانند امروز که ولسوال منطقه بنام حضرت گل برگانی که شاید عمرش بیشتر از سی سال نباشد و درگذشته وظیفه معلمی را بعهده داشت، پشت میکروفون قرار گرفته و با شعارهای (مرگ برکاپیتالیزم، مرگ بر فیودالیزم، مرگ بر صهیونیزم و مرگ بر ماوویزم) نعره میکشد و دهقانان با چهره های متحیر و قباله ها در دست، مرگ، مرگ، ... صدا میکردند. روشن نبود که صدای مرگ که از گلوی دهاقین بگوش میرسید متوجه کی بود؟ اما مهم این است که با بدست آوردن ورقه کاغذ و مالک شدن زمین با این پارچه که قباله نامیده می شود باید مدام برای طول عمر رهبر انقلاب و معلم بزرگ رفیق نورمحمد تره کی (هورا) بکشند.

مالکین جدید بعد از آنکه قباله زمین ها برای شان تسلیم داده شد بایست بافتخار این روز خوشی کنند و این خوشی را با برگزاری اتن ملی بنمایش بگذارند، درگذشته ها اتن ملی یاد از حماسه ملت افغان میکرد لیکن امروز این رقص ملی مبدل به اتن بدبینی و ضد طبقاتی گردیده و با این حرکات دهقانان چنان وانمود میکنند که (مرگ فیودالیزم) را جشن

میگیرند.

اشخاصیکه مالك زمین گردیده اند مربوط به طبقه مزدورکار، دهاقین و یا اجاره داران سابق میباشند برای هرکدام به تناسب تعداد فامیلی که بالای زمین کار میکنند، زمین توزیع شده، این مطلب را آقای لکنوال که در آلمان غرب در شق زراعت تحصیل کرده و فعلاً بحیث مدیر توزیع اراضی بارژیم همکاری میکند، اظهار داشت. در قطار مامورین مربوط اداره توزیع اراضی زنی را دیدم که در یخن خود بیرق کوچک SADJ (علامت حزب کمونیست آلمان شرقی) نصب کرده و در تلاش ترتیب اتن ملی بود. در محوطه ولسوالی مردها که مشغول اتن ملی هستند با حیرت آنرا تعجب می بینند لیکن باور نمیکنند که زن ها سر میدان اتن شان داخل شده و با آنها یکجا برقصند. مردها در اتن یکجایی با زن ها بانگاه حسرتبار می بینند که رسوم و عنعنات شان زیر پامی شود اما از بیم حاکم اعتراضی نمی کنند بلکه بر این شکست و ریختهای قومی و مذهبی خود می رقصند.

از جمله خطرهای ایکه رژیم تره کی را تهدید میکند، توقعات مردم است که تره کی بارها اجرای آنرا به آنها وعده داده و مردم انتظار عملی شدن آنرا دارند. یکنفر از دیپلماتهای مقیم کابل اظهار داشت: آنچه را تره کی در یک بیانییه وعده میکند اقلأ سه تا پنج سال وقت ضرورت دارد تا آنرا در عمل پیاده کند و دلچسپ است بدانیم آیا تره کی اینقدر عمر خواهد داشت.

افغانستان امروز بعد از سقوط نظام شاهی در ایران در بین يك کتله بزرگ اسلامی ایران و پاکستان در نیم قاره قرار گرفته و بجا خواهد بود، پرسیده شود آیا رژیم کمونیستی کابل آن قدرت را در ساختمان اداری و اجتماعی خود سراغ کرده میتواند که در همسایگی ممالك اسلامی و بر علیه آنها دوام کند؟

هفته گذشته جبهه نجات ملی افغانستان در برابر رژیم کابل اعلان جهاد کرد و تاجائیکه معلوم شده در سرتاسر کشور زده و خوردهای شدید بین دولت و مردم مسلمان در جریان است. در پشاور یکی از ملاهای با نفوذ اظهار داشت: ما ضرورت به وقت داریم تا این فتنه سرخ را از وطن خود ما ریشه کن کرده سرنگونش سازیم.

۲-۳-۱۹۷۹ زود دوپچه سایتونگ Sueddeutsche Zeitung :

اتحاد شوروی از چگونگی روش افغانستان حمایت میکند:

برای بار اول است ماسکوا ایران را بپاد انتقاد میگیرد و از کمکهای آن کشور برای مخالفین رژیم کابل طور واضح صحبت میکند.

شوروی جنگهای مسلحانه قوی مسلمان های محافظه کار را علیه رژیم کابل زاده جنبشهای انقلابیون ایرانی و بعضی ممالک دیگر اسلامی به شمول پاکستان میداند.

در روزنامه پراودا اورگان نشراتی حزب کمونیست در ماسکو مقاله ای توسط ای الکساندرو (J. Alexandro) با اسم مستعار، نشر شده است. بطور عموم این گونه نوشته ها که توسط اشخاصی بانام مستعار نشر می شود، نمایندگی از نظر و پالیسی حکومت میکند.

الکساندرو مینگارد مبنای اقدامات تخریبی مخالفین رژیم کابل را میتوان در خارج از مرزهای افغانستان جستجو کرد که این خراب کاری ها در ساحات بزرگ کشور دوست ما افغانستان سرایت کرده و مداخلات دو کشور همسایه در امور داخلی افغانستان ضرورت. به اثبات ندادد بلکه بدون تردید میتوان آنها از نظر گذشتانند. نویسنده علاوه نوشته که این تصادف نخواهد بود که پای دولت چین نیز در جریانات داخلی افغانستان شریک شود.

الکساندرو بقول آژانس خبررسانی تاس از منابع حکومت کابل مینگارد که آیت الله شریعت مداری چنین می گوید:

«دنیا باید قبول کند شیعه های افغانستان که با ایران ارتباط مذهبی دارند توسط رژیم کابل تعقیب و بازداشت می شوند» الکساندرو، این اتهامات شریعت مداری را رد کرده علاوه میکند اصلاً ایران با این اظهارات خود میخواهد تا مردم شیعه مذهب را در برابر رژیم کابل به قیام تحریک کند و محتوی اظهارات وی چیز دیگری جز این نیست. الکساندرو علاوه میکند که رهبران ایرانی سعی میکنند تا در برابر انقلاب شکوهمند مردم افغانستان موانع ایجاد کنند این بار اول است که در روزنامه پراودا، اورگان نشراتی حزب کمونیست شوروی از ایران واضحاً نام برده میشود.

نویسنده مقاله تعداد مخالفین رژیم کابل را به « ده ها هزار » تخمین میکند و به این اساس شوروی برای اولین بار به وجود این رقم هنگفت اعتراف کرده و مخالفین رژیم کابل را « تروریستها و قطاع الطرق ها » نامیده و اکثریت آنها را مربوط به اعضای اخوان المسلمین میدارند.

نویسنده در پروادا پیش رفته مینگارد: « دستگاه نشراتی یاغیان کارگران نجیب افغانی رابه (جنگهای مقدس، جهاد) دعوت میکند و این متمردين توسط نظامیان چینیایی تحت تربیه جنگهای چریکی گرفته شده و بعد از تکمیل پروگرام از سرحدات آزاد داخل افغانستان شده باعث نا آرامی و کشتار در کشور میگردد همچنان چینیایی ها را متهم به استفاده از شاهراه سنکیانگ نموده جهت آوردن وسایل جنگی و مواد پروپاگندی برای یاغیان ضد رژیم کابل می نماید.

پروادا از بعضی ممالک مرتجع عربی نیز انتقاد میکند و بخصوص از کمکهای نقدی دولت مصر برای مخالفین رژیم کابل بصراحت یاد میکند همچنان بعضی ممالک غربی را نیز به همکاری با مخالفین حکومت کابل متهم میکند.

الکساندرو بی پرده اظهار میدارد که این ممالک و همچنان گروهها باید بدانند که: « رژیم کابل از دوستی و حمایه مردم اتحاد شوروی برخوردار است و آنها هرگز تنها گذاشته نخواهند شد. » روزنامه نگار آلمانی بعد از توضیح بیانات الکساندرو از قراردادی که در سامبرسال گذشته در ماسکو بامضاء رسیده یاد می کند. در این قرارداد به روسها اجازه داده شده که از قدرت سیاسی خود به طرفداری از رژیم کابل استفاده کنند، در قرارداد دوستی متذکره نه تنها از همکاری در شق نظامی تذکر رفته بلکه همکاری شوروی در شقوق اجتماعی و ارگان های دولتی نیز پیشبینی گردیده است.

نظریه معلوماتی که از منابع غربی بدست آمده تا امروز در حدود ۲۵۰۰ نفر از مشاورین نظامی و تقریباً ۵۰۰۰ نفر متخصصین شقوق اداری در افغانستان وظایف عمده را بدست گرفته اند.

دراخیر روزنامه آلمانی علاوه می کند که حکومت ایران علیه اتهامات اتحاد شوروی احتجاج نموده و اظهارات الکساندرو را بی اساس تلقی و رد کرده است.

۲-۳-۱۹۷۹ پاکستان تایمز :

خبر این روزنامه توسط گروهی بنام (اتحادیه انقلاب اسلامی و ملی افغانستان) از ورسک رود پشاور

(Afghanistan Islamic and Nationalistic Revolution Council) پخش گردیده است.

رد اتهامات اتحاد شوروی :

اسلام آباد : سخنگوی وزارت خارجه پاکستان در مورد نشر مقاله ای در روزنامه های پراودا و ایزوستیا اظهار تعجب میکند. در این روزنامه ها ادعا شده که حکومت پاکستان مهاجرین افغانی را آموزش چریکی داده و جهت تخریب و دهشت افگنی دوباره به افغانستان اعزام میدارد و همچنان ادعا شده دستگاه نشراتی رادپویی مهاجرین افغانی از خاک پاکستان برای تبلیغات ضد رژیم کابل استفاده میکند مزید برین مدعا است که از طریق شاهرای قراقرم سلاح و مهمات را از چین وارد کرده بدسترس متخصصین نظامی اردوی چین میگذارد تا طرز استعمال انرا به مبارزین افغانی بیاموزند.

سخنگوی وزارت خارجه این همه ادعا های شوروی را بی اساس خوانده رد میکند و می افزاید که از بدو بحران افغانستان حکومت پاکستان مورد اتهامات بی اساس اتحاد شوروی قرار گرفته و سعی می کند تا روابط بین پاکستان و افغانستان را متشنج گرداند. سخنگوی وزارت خارجه اشاره به مصاحبه دیروزی جنرال ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان در پشاور کرده میگوید: « رئیس جمهور در برابر سوالی اظهار داشته پاکستان صرف از روی بشردوستی به مهاجرین افغانی کمک میکند و به آنها هیچگاه اجازه داده نخواهد شد تا از خاک پاکستان برای تخریبات در داخل افغانستان استفاده کنند و با توصل با این وسیله روابط هردوکشور را مکرر گردانند رئیس جمهور پاکستان از قدم های مثبت در رابطه با همکاری های نزدیک با حکومت کابل یاد کرده و پاکستان را با تعقیب سیاست نیک همسایگی متعهد میدانند و همچنان حکومت پاکستان آرزو دارد تا روابط خود را با اتحاد شوروی و افغانستان بهتر سازد و خارج شدن پاکستان از پیمان سنتو گفتار رئیس جمهور را یک بار دیگر باثبات میرساند.

دراخیر سخنگوی وزارت خارجه پاکستان اظهارداشت که امیدوارست با این علایم مثبت به بمالیکه به تشبید دوستی بین افغانستان و پاکستان علاقه دارند، آرزومندی و پالیسی خود را توضیح کرده باشد.

۲-۳-۱۹۷۹ هامبورگر آیندبلاٹ Hamburger Abendblatt آلمان غرب :

ایران در برابر شورشیان کردها و حوادث افغانستان بامشکلات بزرگ مواجه گردیده :

تهران : قرارگزارش منابع رسمی ایران جنگهای شدیدی بین قوای نظامی ایران و شورشیان کرد رخ داده و دوام دارد.

رادیو تهران اعلام کرد که در مرکز شهر سنندج در غرب ایران شورشیان ضد انقلاب اسلامی بالای تهاه های عسکری هجوم آورده و تعدادی از قوای امنیتی را بازداشت کرده اند قرار راپور موصوف تا امروز در حدود ۱۹۰ نفر از کردها کشته و تعداد بیشتر آن ها زخمی شده اند.

حوالی شام روز بین قوای امنیتی، که بکمک بازداشت شدگان رسیده بودند، و شورشیان کرد آتش بس اعلان گردید. قبل از اعلان آتش بس آیت الله خمینی از طریق رادیو از شورشیان تقاضا کرد که از جنگ دست بکشند. اکثریت مردم کرد پیرو مذهب حنفی بوده و برای خود ارادیت بیشتر در منطقه مبارزه میکنند.

در پهلوی این مسایل داخلی ایران روابط حکومت ایران و افغانستان متشنج گردیده و رژیم طرفدار شوروی در کابل تهران را متهم کرده که هزاران نفر عسکر ایرانی ملبس با لباس محلی افغانی را به افغانستان فرستاده و موجب ناآرامی در شهرهای نزدیک به سرحدات ایران گردیده است اما حکومت ایران اتهامات کابل را عاری از حقیقت دانسته و آنرا رد میکند و هم سرحدات بین هردو کشور مسدود گردیده است.

۲-۳-۱۹۷۹ دلی نیوز Daily News پاکستان :

کراچی: اتحاد شوروی در پهلوی دیگر کشورها حکومت ایالات متحده و برتانیه را متهم به همکاری و کمک با آزادیخواهان افغانی میکند.

امروز رادیو بی بی سی در باره پخش نشرات اخیر ایزویستیا و پروادا از ماسکو در مورد ادعای نویسنده مضمون در روزنامه روسی که مینویسد: «شعبات استخباراتی امریکایی و انگلیسی اداره و پلانگذاری مخالفین رژیم کابل را بعهدہ گرفته و به آنها سلاح و مهمات میرساند». تبصره کرده اعلام کرد که: «این اتهامات از جانب منابع رسمی کشورهای امریکا و انگلستان بی اساس قلمداد شده رد گردیده است».

۲-۳-۱۹۷۹ انترنیشنل هرالد تریبون International Herald Tribune انگلستان :

دهلی جدید :

قرار اطلاعات واصله در سراسر افغانستان مبارزین افغانی علیه رژیم طرفدار شوروی قیام کرده اند در این اواخر شدت مبارزات در ولایت و شهر سرحدی هرات بیشتر سروصدا به راه انداخته است.

رادیو دولتی کابل در نشرات امروزی خود که در پاکستان شنیده شده و هم در رسانه های هندی در آن باره تبصره شده است، از فرستادن ۷۰۰۰ عسکر ایرانی بداخل افغانستان صحبت میکند. لیکن از اینکه در هرات ناآرامی رخ داده یاد نکرده است موازی به نشر این خبر از طرف دیگر رادیو دولتی ایران خبر ورود مهاجرین افغانی را در کشور ایران نشر کرده و علاوه میکند که از طرف مقامات امنیتی برای مهاجرین مواد غذایی و البسه توزیع گردیده و دوباره بکشورشان بازگردانیده شده اند حکومت ایران برای مدت نامعلومی سرحدات خود را با افغانستان مسدود کرده است.

رهبران تنظیمهای مخالف رژیم کابل در پشاور راپور میدهند که در بعضی مناطق کشور شان بین عساکر حکومتی و مجاهدین جنگهای پراکنده دوام دارد. این زدوخوردها بیشتر در ولایات شرقی کشور و هم در قندهار متمرکز می باشد همچنان علاوه میکنند که حکومت کابل يك تعداد زیاد عساکر را به هرات فرستاده و اطراف شهر هرات تحت بمباردهمان شدید طیارات بمب انداز رژیم قرار گرفته است.

۲۰-۳-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

وضع بهم پیچیده و بغرنج کابل :

مشکلات بیشتری باید دامنگیر رژیم طرفدار شوروی در کابل شده باشد زیرا دو روزنامه معتبر شوروی، ایزوستیا و پروادا، در عین روز يك صدا در مورد فرستادن ۷۰۰۰ عسکر ایرانی به افغانستان احتجاج میکنند خوب میدانیم که وارد نمودن چنین اتهامات قبلاً نیز سابقه داشته و شوروی آنرا تکرار می کند.

قابل یاد آوری است که همین دو روزنامه در سال ۱۹۶۸ آلمان غربی را متهم کرده بود که عساکر خود را ملبس با یونیفورم چکوسلواکی به طرفداری قیام کنندگان به پراگ فرستاده بود. این اخطار روزنامه ها خاطره دوکتورین بریژنیف را بار دیگر زنده میسازد که ادعا می کرد: « اگر کشوری در امور داخلی يك کشور سوسیالیستی طرفدار شوروی مداخله کند باید مقاومت قوای شوروی را در برابر خود از نظر دور ندارد ».

این بیان عصبی ماسکو قابل درک است. زیرا اتحاد شوروی کودتای افغانستان را به حیث انقلاب بزرگ مردمی جشن گرفت و آنرا يك موفقیت بزرگ سیاسی برای اتحاد شوروی دانست و اینرا نیز بخوبی میدانند که ناکام شدن این کودتا وشکست طرفداران شوروی در کابل صدمه بزرگی بر پیکر اتحاد شوروی وارد خواهد کرد.

از طرف دیگر اتحاد شوروی نمیخواهد مصارف هنگفتی مانند جنگهای ویتنام را در افغانستان متحمل گردد و همچنان اتحاد شوروی از نیروی محرکه اسلام بیم دارد زیرا در جمهوریت های جنوبی اتحاد شوروی تقریباً ۵۰ میلیون مسلمان زندگی میکنند.

با درک این واقعیتها می توان ادعا کرد که احتمال دارد شوروی از اقدام خود در افغانستان به گونه ای احساس ندامت کند زیرا متوجه این اصل نشده بود که روزی کهنه برف های آرام کوه هندوکش به جنبش درآمده و برف کوچی بزرگی را خلق کند.

۲۱-۳-۷۹ زوددویچه سابتونگ Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب:

در حال جمع شدن گلیم رژیم تره کی :

تقریباً چهار هزار ایرانی در مقابل سفارت افغانستان در تهران به مظاهرات پرداختند و

مظاهره چيان با بلند کردن بیرقهای اسلامی و شعارهای علیه کفر، از بین بردن رژیم تره کی را تقاضا کردند.

ناظرین سیاسی در منطقه معتقدند که در این اواخر روابط سیاسی ایران و افغانستان تیره شده و رهبران انقلاب ایران بصورت واضح اقدامات رژیم کابل را در برابر مردم مسلمان افغانستان تقبیح میکنند قراین نشان میدهد که در زیر پای رژیم کابل، که یگانه حامی آن اتحاد شوروی است، زمین به لرزه درآمده است.

یکی از منابع خبررسانی انگلستان راپور میدهد که قوای امنیتی افغانی کنترول پاسبانی سرحدات بین ایران و افغانستان را از دست داده و در شهرهرات دفاتر حکومتی را بامشکلات فراوان نگهبانی می کنند.

راپور های واصله حاکی برآنند که يك تعداد مشاورین اتحاد شوروی وارد شهرهرات شده اند تا اوضاع را از نزدیک مطالعه کنند، زیرا با مشکلاتی که در شهر بوجود آمده رژیم کابل نمیتواند قوای نظامی خود را درهرات به تنهایی و بدون حمایه قوه نظامی دیگری تقویت بخشد و عدم این کمک مشکل و در دسر طاقت فرسای برای رژیم ایجاد کرده است.

۲۲-۳-۱۹۷۹ گاردین Guardian انگلستان:

مبارزین افغانی درخواست کمک میکنند:

رهبر جبهه نجات ملی افغانستان، یکی از گروه های مقاومت ضد رژیم تره کی، از سیاست پاکستان در قبال قضایای افغانستان و هم از دیگر ممالک اسلامی شکایت دارد. قرار اظهار وی تا امروز هیچ يك از ممالک اسلامی و یا غیر از آن حاضر نشده تا با مبارزین افغانی کمک مالی و نظامی کنند.

رهبر جبهه نجات ملی پروفیسر صبغت الله مجددی، ضمن بیانیه ای اظهار داشت که حکومت پاکستان بایست به مهاجرین افغانی که تعداد شان تقریباً به پنجاه هزار نفر میرسد هرچه زودتر کمک برساند. زیرا وضع زنده گی ایشان در دشتها بدون سرپناه و اعاشه رقتبار است. وی اشاره به بیانیه اخیر جنرال ضیاء الحق کرده گفت: باوجود وعده های کمک رسانی حکومت پاکستان تا امروز به مهاجرین افغانی کمکی نشده و مهاجرین افغانی در زمین های خارزار و بیابانی بدون خیمه و خوراک کافی زندگی میکنند.

پروفیسر مجددی علاوہ کرد: «ما تاحد توان می کوشیم از کدام منبعی به شمول پاکستان سلاح و مهمات بدست آریم، اما تاحال موفق نشده ایم و آن مقدار محدود سلاحی را کہ بمصرف خود از ممالک خارجی تهیه می کنیم حکومت پاکستان اجازه ورود آنرا نمیدهد و نمیگذارد تا از خاک پاکستان برای نجات وطن خود از آن استفاده کنیم».

مجددی اضافه نمود: باوجود این همه نارسایی ها خوشبختانه موفقیت‌هایی نصیب مجاهدین شده، در ولایت کنرها منطقه چغه سرای توسط مجاهدین محاصره شده و عساکر دولتی با سلاح دست داشته خود تسلیم شده اند در ولایت پکتیا نیز در چند منطقه جنگها دوام دارد و مجاهدین چند عراده تانک را از بین برده اند.

در برابر این سوال: «چون مبارزین افغانی سلاح ضد تانک بدست ندارند چطور میتوانند تانک هارا تخریب کنند» مجددی جواب داد: «مجاهدین از بمبهای خود ساخت مولوتوف کوکتیل استفاده می کنند و با قبول قربانی از کمینگاه‌ها بیرون شده بر تانک سوار شده و درکابین آن بمبهای پترولی می اندازند».

آژانس خبررسانی رویتر به حواله ای رادیو کابل راپور میدهد که خطوط مواصلاتی و مخابراتی بین کابل و هرات قطع گردیده است و علث قطع شدن آنرا مربوط به جنگهای بین «باند دزدان اسلامی» و قوای حکومتی میدانند که این خبر از طرف اعضای سفارت خانه های غربی در کابل نیز تائید شده يك نفر از کارمندان سفارت امریکا در کابل اظهار داشت که با چند امریکایی که در هرات اقامت دارند نمی تواند تماس برقرار کند.

خبررسان یو پی آی UPI از ماسکو راپور میدهد که روز گذشته حکومت شوروی از هفت کشور منحیث مؤیدین قیام کنندگان مسلمانان افغان ضد رژیم کابل نام برده و این دو مین بار است که روزنامه پروادا مستقیماً از مداخله ممالک خارجی در قضایای افغانستان نام می برد.

نویسنده مضمون بنام مستعار الکسی پیتروف (Alexei Petrov)، طبق معمول بیانگر نظر کمیته مرکزی شوروی میباشد بگوش جهانیان میرساند که ایالات متحده امریکا، انگلستان، آلمان غرب، ایران، پاکستان، چین و مصر مسئول نا آرامیها و خرابکاری ها در افغانستان میباشد و برای اولین بار نویسنده اعتراف میکند که مخالفین رژیم روز بروز قویتر میشوند و دستگاه های تبلیغاتی ممالک هفت گانه فوق به طرفداری مخالفین رژیم کابل فعالیت میکنند.

۲۲ - ۳ - ۱۹۷۹ زوددویچه سایتونگ Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب:

انقلابیون اسلامی ماسکو را در اذهان جهانی مسخره می کند:

پروپاگند های ضد مبارزین افغانی نقاط ضعیف سیاست اتحاد شوروی را فاش میکند.
ماسکو: در شروع هفته در ایزوستیا روزنامه دولتی شوروی جملات ذیل نشر شده است:

« در این اواخر ایجنتهای خارجی و قوای اجیر داخل افغانستان گردیده با همکاری باند دزد های ضد انقلاب در شهر های حواشی سرحدات ایران و پاکستان به فعالیت های تخریبی اقدام کرده اند گروهی از این جنایتکاران در شهر سرحدی هرات بر مواضع حکومتی حمله کرده و با استفاده از نفوذ ملاهای ارتجاعی مردم را در برابر حکومت به قیام دعوت کرده اند.»

تقریباً در عین وقت که روزنامه برای فروش به بازار عرضه میشد يك تبصره سیاسی تلویزیون دولتی شوروی در مورد انقلاب اسلامی در ایران نیز پخش شده است. مبصر تلویزیون، پروگرام سیاسی انقلاب اسلامی را در ایران اسرار آمیز توصیف کرده و آیت الله خمینی را از جمله هزاران آیت الله های دیگر در آن کشور معرفی مکرر کرده و اضافه می کند خمینی از طرف کدام منبع یا مرجع مشروع انتخاب نشده، بلکه توسط يك قدرت مرموز به مقام فعلی خود رسانده شده است.

اتحاد شوروی ترجیح میدهد تا پاکستان را که محکوم به فناء بوده و همچنان انقلاب اسلامی ایران را از جریانات داخلی افغانستان به دور نگه دارد. زیرا در صورتیکه از مداخلات همسایگان در امور داخلی کشور افغان ممانعت بعمل آمده بتواند و حالت بی طرفی خود را حفظ کرده بتواند در آن صورت میتواند بعد از برقراری صلح در این کشور محاط به خشکه افغانستان، بدون مواجه شدن با مشکلات زیاد از طریق بلوچستان به بحر هند قوای خود را برساند.

از طرف دیگر کشیده گی وضع و تشنج سیاسی بین ایالات متحده و ایران از اهمیت پالیسی طرح شده اتحاد شوروی نکاسته است. امروز که گردونه انقلاب اسلامی در ایران طبق دلخواه پالیسی اتحاد شوروی نمی چرخد و انقلاب مترقی افغانستان که بایست در اطراف خود

نفوذ میکرد و دیگر ممالک نوید آزادی رامی بخشید نویدیکه بنابر مبارزه مردم در پرتو اسلام زودتر از آنچه تصور میرفت تحت الشعاع قرار گرفت باعث تولید درد سر و نگرانیها برای اتحاد شوروی شده است.

انقلابیون اسلامی در ایران بامشکلاتیکه در داخل مملکت خود دارند گمان نمیروند که بیشتر از این در امور افغانستان مداخله کنند اما بصورت یقین میتوان گفت که مسلمانان افغان و دیگر مسلمانان همکیش شان در برابر رژیم فعلی کابل که در وجنات شان نشانه های الحاد و کمونیستی دیده می شود قیام کرده و با همدیگر متحد گردند.

همه میدانند که مدتهاست روابط خمینی در تهران با برژنف در ماسکو بهم خورده و انعکاس بیانات ضد کمونیستی خمینی بگوش همه رسیده است. خمینی عقیده دارد که: «مارکسیستها در پرنسیب برعلیه اسلام در جنگ اند و تازمانیکه در یک منطقه و یا در محلی مارکسیست ها باشند اسلام در آنجا وجود نخواهد داشت».

از زمامداری حکمروایان امروزی ایران چند روزی نگذشته بود که از طریق امواج رادیو «صدای انقلاب» نگرانی های خود را نسبت به کمونیستها به گوش جهانیان رساندند و درین بیانات و در متن آن شکایات شان مخصوصاً متوجه اتحاد شوروی بوده و اظهار داشتند:

«تازمانیکه انقلاب اسلامی در ایران موفق گردید، اتحاد شوروی گاز تولیدی ایران را به ۳۰٪ بهای جهانی از شاه ایران خریداری میکرد و به بهای سه چند بلندتر از آن به کشورهای غربی بفروش میرسانید. از اینرو اتحاد شوروی نیز در استثمار ایران شریک بوده و در برابر ملت ایران محکوم میباشد» و اکثر کشور های اسلامی با این گفته آیت الله خمینی توافق داشته آنرا تائید کرده و به خمینی تبریکات خود را فرستاده اند. خمینی در جوابیه خود به نام سران کشور های مذکور اعلام کرد که: «در گذشته اکثر قدرتهای بزرگ جهانی بادر نظر داشت منافع خود رژیم شاه را تقویه میکردند چنانچه امریکا آنرا بر ملا، شوروی با تدویر در زیر لحاف انجام میداد در پهلوی شان چین و انگلستان نیز تشریک مساعی میکردند».

در تحولات امروزی منطقه کشور پاکستان از نظر ستراتیژیکی و هم به نسبت ضعف اداره توجه بیشتر شوروی را بخود جلب کرده است، اتحاد شوروی در نظر دارد تا به ادعای استقلال طلبی مردمان بلوچ و پشتون توسط رژیم فعلی کابل دامن زده و ازین طریق سقوط کشور

پاکستان را حتمی بسازد.

از طرف دیگر اتحاد شوروی سعی می‌ورزد که جنگهای افغانستان مبدل به جنگ اسلام با کمونیزم نشود. چنانچه اگر این مشکل را بخود بگیرد کنترل آن از قدرت شوروی خارج بوده بطور یقین تاثیرات ناگوار این حوادث در بین ۵۰ میلیون مسلمان جنوب شوروی، که جبراً تحت یوغ شوروی در آورده شده اند، عکس العمل های شدیدی را در برابر نظام شوروی خلق خواهد کرد.

۱۹۷۹-۳-۲۲ هامبورگر آیند بلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب :

قیام ملت افغان مسلمان :

پشاور : رژیم دست نشانده شوروی در افغانستان در مضیقه بزرگ گیر مانده است. در بیشتر از نصف کشور افغانستان زدو خورد های شدید بین عساکر دولتی و مبارزین ملی افغان جریان دارد و در نتیجه این زدو خورد ها هرات یکی از شهرهای بزرگ و باستانی افغانستان تحت کنترل قوای مجاهدین در آمده است. رهبر جبهه نجات ملی افغانستان پروفیسر مجددی ضمن مصاحبه ای اظهار داشت که از روز به قدرت رسیدن رژیم فعلی طرفدار شوروی در کابل تا امروز بیش از سی هزار نفر از مردم مسلمان افغان کشته و یا طور دسته جمعی تیرباران شده اند.

۱۹۷۹-۳-۲۶ نیو سوئیس سوئیس Neue Zuercher Zeitung سوئیس :

قیام افغانهای مسلمان در افغانستان:

دهلی جدید: قرار اطلاعات واصله قوای نظامی رژیم طرفدار شوروی در کابل موفق گردیده تا کنترل شهر هرات را دوباره بدست آورد، از تاریخ ۱۲ مارچ باینطرف جنگهای شدید بین مجاهدین و قوای دولتی در این شهر دوام دارد. قوای دولتی از آتشباری با توپخانه و بمباردمان با طیاره و هیلوکوپتر برضد مجاهدین استفاده میکند. به اتباع خارجی مقیم کابل امر شده است تا از ساحه ۱۵ کیلومتری شهر خارج نشوند تنها استفاده از شاهراه کابل - جلال آباد و تورخم از این امر مستثنی است. قرار راپورهای

واصله ازمدتی است که شاهراه کابل - قندهار وهرات بروی ترافیک بسته بوده و هم سیستم مخابراتی بین این شهرها سقوط کرده است در راپور علاوه شده که بین مبارزین افغان و عساکر رژیم کابل جنگهای شدید درچغه سرای مرکز ولایت کنرها دوام دارد.

رد اتهامات اتحاد شوروی از طرف پیکنگ :

روز شنبه ۲۵ مارچ يك سخنگوی وزارت خارجه حکومت چین اتهامات اتحاد شوروی را مبنی بر همکاری چین با مجاهدین افغانی رد کرده آنرا بی اساس خواند. وی اضافه کرد، این اظهارات مغرضانه اتحاد شوروی صرف جنبه پرده پوشی نسبت به مداخله علنی اتحاد شوروی در يك مملکت مستقل را دارد و انگیزهء دیگری در آن مکتوم نیست. با رد این اتهامات سخنگوی وزارت خارجه چین توسط آژانس خبررسانی نیوجینا (چین جدید) اتهامات منتشره روز نامه های ایزویستیا و پروادا را مبنی بردست داشتن حکومت ایران، پاکستان و چین با مبارزین آزادیخواه افغان رد می کند.

احتجاج حکومت پاکستان :

روز شنبه ۲۵ مارچ يك سخنگوی وزارت خارجه پاکستان در مورد آتشباری توپخانه های قوای رژیم کابل درحریم پاکستان شدیداً احتجاج کرد. قرار اظهار وی درطول چند روز گذشته قوای رژیم کابل درخاک پاکستان درمنطقه زرگی که تقریباً ۴ کیلومتر از سرحد افغانی فاصله دارد آتشباری کرده است.

۱۹۷۹-۳-۲۸ نیو سور خرسایئونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

تعیین صدراعظم جدید در افغانستان:

اسلام آباد ۲۸ مارچ :

روز چارشنبه رادیو کابل خبرداد که رئیس دولت و حکومت نورمحمد تره کی از پست صدارت استعفا داده است درعین زمان تعیین حفیظ الله امین وزیر خارجه و معاون صدارت را بحیث صدراعظم اعلام نمود.

ناظرین سیاسی معتقدند که حفیظ الله امین همبستگی بیشتر و عمیقتری با اتحاد شوروی دارد اما در باره تعیین وی تبصره ای بیشتر نشده است.

۲۸-۳-۱۹۷۹ دی پی آ Deutsche presse Agentur آلمان غرب :

وزیر خارجه افغانستان حفیظ الله امین بحیث (وزیر اول) تعیین شد :

روز چارشنبه رادیو کابل اعلان مقررې امین را بحیث صدراعظم پخش کرد اما از اینکه وی بحیث وزیر اول (رئیس الوزرا) یاد می شود نزد ناظرین سیاسی سوال ایجاد کرده آنها هنوز نمیدانند که وظیفه وی بحیث وزیر اول در چوکات کابینه چه خواهد بود. همچنان امین موظف گردیده تا کابینه جدیدی را معرفی کند والی طی این مراحل معرفی، کابینه موجوده بحال خود باقی می ماند.

امین از آغاز کودتای خونین اپریل ۱۹۷۸ بحیث مرد مقتدر بعد از تره کی شناخته میشد، تا امروز تره کی وظایف صدارت، ریاست دولت، وزارت دفاع و سرمنشی کمیته حزب خلق را بعهده داشت.

۲۹-۳-۱۹۷۹ زوددویچه سایتونگ Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب :

درکدر رهبری افغانستان تغییرات صورت گرفت :

حفیظ الله امین صدراعظم جدید (ستالین افغانستان) مخالفین رژیم را محور نابود می کند: دهلی جدید: حفیظ الله امین وزیر خارجه امور صدارت را بدست گرفت و صدراعظم سابق تره کی فعلاً بحیث رئیس دولت و وزیر دفاع باقی مانده.

ناظرین سیاسی در باره تغییرات در رأس اداره رژیم کابل تبصره کرده اظهارمیدارند که این پروسه طور آتی جامه عمل نپوشیده بلکه از آغاز موفقیت کودتا، واضح بود که امین مرد با قدرت و طرف اعتماد اتحاد شوروی بوده و روزی به مقام اصلی خود تکیه خواهد زد.

ظاهراً تا امروز اختلاف نظری بین تره کی و امین طور واضح مشاهده نشده، لیکن از طرف دیگر به مشکل میتوان قبول کرد که این دو کرکتر مختلف بتوانند در يك قالب جا گزین شده و ترکیب يك تیم همکار را به وجود آورند.

تره کی انسانی خجول اما دارای برخورد نرم بوده آرزو دارد تا به حیث موسفید ملت

شناخته شود. او به نسل چپ های گذشته تعلق دارد. و برخلاف وی امین يك مرد جوان و پر قدرت و بی حوصله ای است که وقت شنیدن بحث و فلسفه گویی طولانی را ندارد. امین در مباحثه زود رس، طنزگو بوده و در حرکاتش يك نوع جاذبه مخصوص دیده می شود. اما حرکات و نمایش های ظاهری يك انسان مصمم و بیرحم میباشد و از همین سبب است ملقب به « ستالین افغانستان » شده است.

تحول در کدر اداره رژیم درست زمانی صورت گرفته که کشور در بحرانهای کوناگون داخلی و خارجی غرق است. از يك طرف حملات مبارزین آزادیخواه افغان از سرحدات و لایات شرق افغانستان آغاز شده و فعلاً تا سرحدات غربی کشور انتشار یافته است از طرف دیگر روابط سیاسی بین کشورهای همسایه اش پاکستان و ایران نسبت رسانیدن کمک به مخالفین رژیم کابل سرد و تیره تر گردیده است.

امین تصمیم گرفته تا مخالفین خود را بدون کدام ملاحظه ای از ریشه برکنند، حملات هوایی و زمینی را شدت بخشد و مخالفین رژیم را بیرحمانه مجازات کند و همچنان در اداره و حزب کسانی که عقیده شان نسبت به رژیم متزلزل شده تعقیب و مجازات کند و در این مقطع حساس قدرت نمایی سوال عمده پیدا می شود که امین تا کدام سرحد میتواند به طرفداران و همکاران خود اطمینان و اعتماد کرده می تواند؟ کلید حل این معما را میتوان تنها در اردو و همچنان در دستگاه استخباراتی قوای امنیتی سراغ کرد جای تعجب نخواهد بود که به زودی تره کی امور وزارت دفاع مملکت را نیز به امین بسپارد.

تا امروز بمباردمان توسط طیارات و آتشباری با وسایط زره دار علیه مجاهدین آنقدر موثر نبوده است و سوال دیگر اینست تا کی و تا کدام حد افراد اردوی رژیم یعنی فرزندان ملت افغان قادر خواهند بود که خواهران و برادران خود را به جرم آزادی خواهی وینام مبارزین مسلمان بدیار عدم بسپارند؟

سوال بزرگ دیگری که از افق تاریخ کشور سر بالا کرده است، موفقگیری اتحاد شوروی در برابر حوادث و جریانات داخلی کشور همسایه آن می باشد آیا شوروی حاضر است، با اینهمه مقاومت مردم و فشار حکومت بر آنها، که هر روز بیشتر از حیثیت اتحاد شوروی بزرگ می گاهد از نظام دست نشانده خود در کابل حمایه کند؟ و سوال دیگری که ایجاب مطرح شدن رامی کند این است که يك گروه دیگر کمونیستهای افغانی در خارج کشور بانتظار

بازگشت به افغانستان روز شماری میکنند روسها با آنها چه نوع معامله کرده و پیش آمد خواهد نمود.

با در نظر داشت تقلیل طرفداران روز افزون مردم از رژیم و قیام مسلح مردم در برابر حکمرانان امروزی و حامی شان و همچنان وضع متشنج و کشیده با رژیم همسایگان، چنین نتیجه گیری شده میتواند که رژیم کابل با امتحان بس عظیمی روبروست. که بیرون شدن از آن ساده و آسان نیست. باید به انتظار وقوع حوادث جدیدی بود که بقای رژیم را در کشور مشکلتر خواهد ساخت.

۳۱-۳-۱۹۷۹ نیوزورخرسایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

تشکیل کمیته نظامی در افغانستان :

دفاع از انقلاب در برابر جنایتکاران و آشوبگران :

کابل : شورای انقلابی تأسیس يك کمیته ای نظامی را جهت دفاع از انقلاب اعلام کرد و در رأس این کمیته نورمحمد تره کی تعیین شده تره کی که بحیث رئیس دولت و سرمنشی حزب وظایف عمده را بدوش دارد مسئولیت این وظیفه جدید را نیز منحیث قوماندان اعلی اردوی مملکت متعهد شده است.

قرار معلوم کمیته وظیفه دارد که : « توطئه خارجی و داخلی را کشف کرده و خائنین را به جزای اعمال شان رساند تا در برابر انقلاب شگوفان اپریل هیچ قدرتی سد و مانع شده نتواند ». تأسیس کمیته نظامی درست در وقتی صورت می گیرد که روابط بین افغانستان و پاکستان و ایران تیره تر شده است. کابل، تهران و اسلام آباد را متهم میسازد که مسئولین این دو کشور دسته های دزدان افغانی را تجهیز و کمک میکنند تا علیه رژیم کابل قیام نموده و بجنگند.

اپريل

۱-۴-۱۹۷۹ دویچه دپیشه دینست DDP آلمان غرب:

افغانستان :

- جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا از گسترش و توسعه نفوذ شوروی در افغانستان احساس نگرانی بیشتر میکند:

- اتحاد شوروی حکومت چین را در جنگهای افغانستان مقصر میدانند:

- حکومت جدید در کابل معرفی گردید:

واشنگتن - ماسکو - کابل :

انکشافات اخیر در افغانستان روابط بین ایالات متحده و اتحاد شوروی را تیره تر ساخته. رئیس جمهور کارتر اظهار داشت که در مورد ازدیاد نفوذ شوروی در افغانستان نگرانی دارد.

از طرف دیگر ناآرامی های داخلی افغانستان رژیم بر سراققتدار را که از عمرش تقریباً یکسال میگذرد با بحرانهای عظیم مصادف گردانیده و تره کی شخصاً قوماندانی اعلی اردوی افغانستان را بدست گرفته است.

روز شنبه گذشته متن اظهارات رئیس جمهور کارتر از قصر سفید پخش گردید. وی در رابطه به این مطالب از « مشکلات جدی » در افغانستان و از اینکه اتحاد شوروی « در افغانستان منافی بدست آورد » صحبت کرده .

همچنان ده روز قبل حکومت امریکا رسماً به مقامات اتحاد شوروی اخطار داد که مداخله شوروی در امور داخلی افغانستان باعث تشنج و کشیده گی بین المللی شده و عدم استقرار را در منطقه بار آورده است. قرار معلوم زمامداران اتحاد شوروی هوشدار رئیس جمهور کارتر را نادیده گرفته و خلاف توقع در طول این مدت جهت استقرار نظام مارکسیستی در کابل بیش از یکهزار مشاور روسی را بشمول سلاح و مهمات به افغانستان فرستاده است. در باره این طرز دید و عکس العمل اتحاد شوروی ناظرین سیاسی اظهار نظر میکنند که احتمال می رود اتحاد شوروی عملاً در جنگهای داخلی افغانستان داخل این کشور شده و در آن سهم بگیرد.

چنینکه قضایای افغانستان از زوایای مختلف تحت مطالعه قرار گیرد در مرحله اول سوال

پیدا میشود که با تبدیلی رئیس حکومت و انتقال قدرت اجرائیوی از تره کی به امین در افغانستان چه مسایلی نهفته است و رئیس جدید حکومت چه کارهای را انجام خواهد داد؟ در حکومت جدید، حفیظ الله امین بر علاوه پست صدارت، وظایف وزارت خارجه را نیز بعهده دارد اسلم وطنجار بحیث وزیر دفاع و شاه ولی بحیث وزیر صحتیه و معاون صدارت تعیین شده اند .

۷-۴-۱۹۷۹ هامبورگر آیندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب :

نظر محمد سفیر افغانستان در بن با تفنگچه بطرف مظاهره کنندگان افغانی شلیک کرد: بن - ماسکو : ۱۷ نفر از محصلین افغانی بدون حمل سلاح بالای سفارت افغانی در بن هجوم برده و چندین ساعت سفارت را به تصرف خود در آوردند. مرام اصلی حمله و بتصرف در آوردن سفارت جلب توجه زعمای جهان در مورد پامال شدن حقوق بشر در کشور شان بوده است. زمانیکه مظاهره چیان در محوطه سفارت داخل شدند نظر محمد سفیر افغانی بالای آنها با تفنگچه شلیک کرده اما گلوله بکسی اصابت نکرد.

اشغال کنندگان سفارت مربوط اتحادیه محصلین افغانی در آلمان میباشد و سخنگوی مظاهره چیان از مرکز تلفون سفارت با روزنامه نگاران در تماس شده اظهار داشتند که مقصد آنها از اشغال موقت سفارت صرف باین منظور میباشد تا توجه جهانیان را به وضع رقتبار در کشورشان معطوف گردانند. وی علاوه کرد که حکومت کابل در حدود بیست هزار نفر را بنام محبوسین سیاسی تحت شکنجه های گوناگون قرار داده آنها بدون فیصله محکمه بازداشت شده اند و تعدادی بیشمار مردمان وطن دوست و آزادیخواه اعدام شده اند. وی همچنان اضافه کرد که حکومت کابل بصورت مطلق تحت کنترل اتحاد شوروی میباشد و پیلوتهای روسی بالای شهرها و قریه های افغانستان بمباردمان میکنند و مردم بیگناه کشور شانرا میکشند.

مظاهره چیان بعد از چند ساعت سفارت افغانی را ترك گفته و جانب سفارت اتحاد شوروی به راه افتادند اما قوای امنیتی آلمان از ایشان خواهش کرد که از راه پیمایی جانب سفارت شوروی صرفنظر کنند که این تقاضا مورد قبول مظاهره چیان قرار گرفت و مظاهره صلح آمیز مردمان درد رسیده افغانی بعد از دادن چند شعار برضد رژیم کابل و اتحاد شوروی

و صدور يك قطعنامه خاتمه یافت.

در همان روز اکثر رسانه های آلمان غرب مظاهره محصلین افغانی را نشر کردند از جمله روزنامه Muensterische Zeitung عکسی از محل مظاهره را نشر کرده که در آن محصلین افغانی را حینیکه عکس پارچه پارچه شده نورمحمد تره کی را روی زمین زیر پا میکنند، نشان میدهد.

۹-۴-۱۹۷۹ دیربوند Der Bund آلمان غرب :

نظری بر اوضاع افغانستان يك سال بعد از کودتا:

انقلاب اسلامی حکومت سوسیالیستی را تهدید میکند :

يك سال بعد از موفقیت کودتای خونین کمونیستها علیه حکومت محمد داود، نورمحمد تره کی رئیس دولت رژیم سوسیالیستی طرفدار ماسکوهنوز هم موفق نشده تا پلانهای بلند بالای اقتصادی و سیاسی خود را در کشور پیاده کند از خزان سال گذشته باینطرف قیام مردم مسلمان افغانستان برضد رژیم کابل روز بروز توسعه و شدت یافته و تقریباً در سراسر کشور انتشار یافته است.

در بیانات خود نورمحمد تره کی همیشه يك بهانه تراشیده و علت نرسیدن به اهداف خود را نارسائی های بقایای میراثی رژیم محمد داود می داند. علاوه بر وی اصلاح نواقص گذشته وهم تعمیل وظایف جدید را که وقت بسیار بکار دارند دلیل نرسیدن به اهدافش تلقی می کند.

از طرف دیگر انقلابیون جوان و بی تجربه مناصب بزرگ و کوچک را در اداره ها اشغال نموده اند اتحاد شوروی بدون تعمق اقدام به پشتیبانی و کمک به آنها کرده و ممالک غربی بیخبر از وقوع چنین حوادث بیک حالت سردرگمی دچار شده اند. آنها نمیدانند که چگونه اقدام کنند و کشورهای همجوار در انتظار عواقب و رویداد های بعدی روز شماری میکنند.

با آغاز اصلاحات اراضی در کشور و تقسیم زمین به دهاقین بی زمین رژیم کابل نادانسته مشکل دیگری را برای خود خلق کرده است، زیرا دهاقین برای بهره برداری از زمین به يك منبع تمویل مصارف اولیه ضرورت دارند. در گذشته این مصارف بدوش مالک زمین بود.

رژیم کابل برای اینکه این معضله بغرنج را حل کرده بتواند دست به تشکیل کوپراتیف های زراعتی زده است این تصمیم مشکل دیگری را بار آورده است که عواقب خطیر آن علاوه بر اشتباهات گذشته درآینده ظهور خواهد نمود.

نورمحمد تره کی از روی سیاست برای يك مدت موقت در برابر ملاها، طبقه روحانیون و سران قومی خود را آرام گرفت، لیکن مردم با عقیده راسخ اسلامی در برابرش قیام کردند و زمانیکه دهاقین، اهل کسبه و دیگر اقشار جامعه شروع به تولید ناآرامی کردند این حرکت شان از طرف ملاها، روحانیون و بزرگان اقوام تائید و تشدید گردید.

تره کی گمان میکرد که مسندش در ارگ شاهی کابل ثابت است لیکن بزودی احساس کرد که از داخل دَکُره ها، قلل کوهها و دشتهای افغانستان آتش مخالفت ضد بر رژیم مشتعل گردیده و شعله هایش جانب شهرهای بزرگ کشور براه افتاده است.

هزاران افغان که با مردمان ماورای سرحدات غربی و جنوب کشور خود ارتباط نزدیک دارند در آنجا ها مهاجر شده و درچوکات تنظیمها و احزاب افغانی باهم متحد شده اند و جهاد را برضد رژیم کابل اعلام داشته برای آزادی کشور شان میجنگند.

۱۰-۴-۱۹۷۹ لوموند Le Monde فرانسه :

روز یکشنبه رادیو کابل خبرکشته شدن هفت نفر عسکر افغانی را توسط متجاوزین پاکستانی نشرکرد و حکومت کابل در برابر حکومت پاکستان شدیداً احتجاج کرده اخطار داده، درصورت تکرار چنین عمل روابط بین مملکتین به مخاطره خواهد افتاد.

حفیظ الله امین صدراعظم جدید افغانستان در بیانیه رادیویی خود به حکومت ایران و پاکستان اخطار داد و آنها را متهم به همکاری با قوای (متمردین) کرده گروههای مخالفین رژیم کابل مراکز خود را در قلمرو پاکستان تشکیل کرده و از آنجا در برابر حکومت کابل فعالیت میکنند.

موازی باین بحرانه حکومت پاکستان در برابر تصمیم حکومت امریکا راجع به تحریم صادرات مواد زره وی برای پاکستان شدیداً متأثر گردیده و این تصمیم امریکا را يك سیاست تبعیض آمیز تلقی کرده است. وزیر خارجه پاکستان اظهار داشت که حکومت امریکا برای عملی ساختن این تصمیم خویش بهانه های بدوراز واقعیت تراشیده است.

حکومت امریکا در باره منع صادرات مواد هستوی به پاکستان اظهار داشته که پاکستان از این ماده جهت تولید بمب زره وی استفاده کرده و آنرا بدسترس بمالك عربی خواهد گذاشت تا آنها برضد کشور اسرائیل از آن استفاده کنند.

وزیر خارجه پاکستان اشاره به موقف منفی امریکا کرده اظهار داشت که: «حکومت وی با موسسات فرانسوی در تماس شده تا مواد هستوی مورد ضرورت خود را، که صرف در راه صلح از آن استفاده خواهد شد، ازفرانسه دریافت کند ولی تا حال بکدام موافقه ای نرسیده اند.»

۱۴-۴-۱۹۷۹ لوموند Le Monde فرانسه :

روزنامه لوموند باستناد روزنامه نیویارک تایمز مینگارد: در ماه مارچ گذشته چند صد مشاور نظامی شوروی در جنگهای افغانستان کشته شده اند. روزنامه مذکور اضافه میکند تعداد مشاورین نظامی در افغانستان بیشتر از سه هزار نفر بوده و در بعضی جنگها در برابر مجاهدین عملاً سهم میگیرند. بحواله این روزنامه چند روز قبل آمر سیاسی قوای نظامی شوروی م - ایشف (M. Epichev) بکابل وارد شد تا شخصاً از اوضاع مراقبت کند.

۱۷-۴-۱۹۷۹ هرالڈ تریبیون Herald Tribune انگلستان :

شبکه های ارتباطی موثر در کمپ های مهاجرین افغانی :

گوریلای افغانی از مراکز خویش در پاکستان فعالیت میکنند: چمن : يك شبکه موثر و فعال در یکی از کمپ های مهاجرین افغانی در حومه چمن، ایالت بلوچستان تشکیل شده است.

خبرنگار این راپور دست اول را از چشمدید خود نقل کرده مینگارد: وی از چهار مرکز مهاجرین در بلوچستان بازدید کرده و فعالیتهای مبارزین را که بین کمپ های مهاجرین و جبهات جنگ در داخل افغانستان بحیث قاصد رفت و آمد دارند و پیام هارا بگروه های مربوط میرسانند، از نزدیک مشاهده کرده است.

کمپ های مهاجرین که از دامنه کوه های شامخ چترال شروع شده تا به مناطق ریگزار

و هموار بلوچستان ادامه دارد و فاصله کمپ اول در چترال تا آخرین آن در بلوچستان بیشتر از ۱۶۰۰ کیلومتر می باشد باسرازیر شدن مهاجرین افغانی داد وستد در شهرهای همجوار رونق گرفته و دکانهای شهر کویته مملو از وسایل و متاع قاچاقی شیخ نشینان حوزه خلیج میباشد.

مرکز فرماندهی و اداره جنگ :

مرکز فرماندهی شهر کوچک میرانشاه که در حصه شمال وزیرستان آزاد مربوط به ایالت شمال غرب صوبه سرحد میباشد مرکز طرح پلان حملات بالای رژیم کابل از شهر سرحدی پشاور، که در مسیر شاهراه کابل و نیم قاره هند قرار دارد، تعیین شده است. این شهر من حیث نقطه اختراق نه تنها امروز بلکه از دوره خط کاروان ابریشم اهمیت ستراتیژیکی خود را حفظ کرده است.

شهر کوچک سرحدی چمن در بلوچستان با وجود آنکه حدود یک مایل از سرحد افغانی فاصله دارد آنقدرها مسورد توجه قرار نگرفته. از این شهر با دوربینهای ساده، نفرهای قوای امنیتی افغانی را که در آفتاب سوزان تفنگ بدست و زیر سایه یک تعمیر نشسته اند، میتوان دید.

بین شهر چمن (پاکستان) و سپین بولدک (افغانستان) دشتی بنظر میخورد که دو سلسله کوه یکی بطرف افغانستان و دیگری آن بطرف پاکستان به امتداد سرحدات هر دو کشور امتداد می یابد که از نقطه نظر سوق الجیشی اهمیت فراوان دارند.

دگرمن عصمت الله اچکزی که برای هیأت ما بحیث قوماندان مبارزین جنوبی افغانستان معرفی شده، در صحبتی اظهار داشت: «قبل از آنکه جاسوسان کمونیستی توسط دستگاه مخابراتی به مربوطین افغانی احوال داده بتوانند ما میتوانیم از این منطقه که فاصله با آنها زیاد ندارد به فعالیت های خود پردازیم». دگرمن عصمت الله اچکزی از جمله افسران اردوی سابق افغانستان میباشد که از آنجا فرار کرده و به حلقه مبارزین آزادیخواه پیوسته است. قرار اظهار وی شش نفر دیگر از افسران سابق اردو با وی یکجا فرار کرده اند که فعلاً بحیث کمیسیون نظامی همراه با وی برای آزادی کشور شان میجنگند.

شخیکه با گروپ ما بحیث ترجمان مارا همراهی میکرد طرف من اشاره کرده گفت: «می بینید جائیکه اداره منظم باشد مؤثریت کارشان هم بهتر است و فراموش نکنید که نه

تنها طبقه ملاها و روحانیون در برابر رژیم کابل به جنگ اند، بلکه عساکر و بصورت کل مردم عام افغان در برابر کمونیستها مبارزه میکنند.»

اکثر افسران فراری اردو به تنظیم پیرسید احمد گیلانی پیوسته اند. پیرگیلاتی یک شخصیت با نفوذ جامعه افغانی میباشد که قرار اظهار خودش تنظیم تحت اداره وی قویترین قدرت جهادی در افغانستان میباشد.

ساده ترین شکل تعیین يك سرحد ثانوی :

یکی از رهبران کمپ گفت که گروه مبارزین بین شهر چمن و سرحد افغانستان یک سرحد فرعی بوجود آورده اند آنها علاماتی را که مخلوط از گل و سنگ می باشد بحیث خط فاصل بین سرحد اصلی و موضع خود نشان گذاشته اند تا مهاجرین از آن خط فاصله گرفته و از دسترس هجوم عساکر رژیم کابل دور باشند. علاوه بر آن مهاجرین افغان درین قسمت از اصابت گلوله شان در امان باشند.

عصمت الله اچکزی اظهار داشت در بین مبارزین افغانی تعداد زیادی از جاسوسان رژیم کابل داخل شده که به نفع آنها راپور میدهند همچنان از جانب ما نیز اشخاصی که در داخل قوای نظامی و امنیتی کابل رخنه کرده و در راه جهاد جانفشانی میکنند. اچکزی به صحبت خود ادامه داده گفت وی با دگروال ظاهری در میرانشاه همکاری نزدیک دارد و با مشوره همدیگر و همکاری متقابل دگروال ظاهری موفق شده در مناطق نورستان و کنرها و حتی در اطراف کابل مناطق مهمی را بدست آورد که در حال حاضر آن مناطق تحت اشغال و کنترل چند هزار مجاهد میباشد که قوماندانی آنرا دگروال انور بعهده دارد.

میدان هوایی شین دند مسدود گردیده :

عملیات مجاهدین باعث مسدود شدن میدان هوایی عسکری شین دند (ولایت هرات) شده است. قرار معلوم رژیم کابل به پیلوتهای افغانی اعتماد نداشته و نمیگذارد که آنها در عملیات سرکوبی مبارزین افغانی ضد رژیم از طیاره استفاده کنند و طیارات بدون استفاده در هنگرها قرار دارند.

مبصرین نظامی اظهار میکنند که حدود ۳۰٪ از سرجمع اردوی افغانی در خدمت رژیم

کابل باقی مانده و متباقی آنها در کشور های همسایه مهاجر شده و تعداد بیشتر شان در خدمت جهاد قرار گرفته اند.

در یک کمپ مهاجرین که ساختمان آن از گل و یا خشت نبوده بلکه همه زیر خیمه ها زندگی میکنند مرد موسفیدی نزد ما آمده و بار بار تکرار میکرد که: «چرا بما سلاح و کارطوس توزیع نمیکنید و میگذارید مردم ما مهاجرین دایمی شوند و دشمنان ما فاتح وطن ما شوند؟».

در کمپ های پناهندگان به مشکل میتوان با جوانان و یامردان که قابلیت جنگ را دارند مصادف گردید، زیرا همه شان در داخل کشور شان مصروف جنگ هستند و یا اینکه در مراکز تربیوی تحت تربیه جنگهای چریکی گرفته شده اند.

حکومت پاکستان برای مبارزین افغانی اجازه نمیدهد تا مجاهدین از قلمرو پاکستان برای حملات به داخل افغانستان استفاده کنند، قرار اظهار یک موسفید کمپ حکومت پاکستان برای شان صرف کمکهای اولیه زندگی را تهیه میکند و بیشتر از این نمیخواهد که رابطه شان با رژیم کابل خرابتر شود.

قرار معلوم حکومت پاکستان برای سه صد مهاجر افغانی که سویه بلند تعلیمی دارند در یک محبس سابقه که فعلاً برای رهائش ترمیم گردیده، جاداده است. قرار معلوم ۳۵ نفر آنها جانب ولایت کتر رهسپار شده و در نظر دارند که در نورستان یک حکومت جلای وطن را اعلان کنند.

کمیشنر پاکستانی، مسئول مهاجرین افغانی، بما اجازه نداد که از کمپ مربوط تحصیل یافتگان افغانی دیدن نمائیم با وجود اجازه نامه ای که در دست داشتیم در آخرین لحظه به بهانه ای که گروپ ما را از دیدن کمپ منصرف کردند.

۱۷-۴-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

حکومت ضیاء الحق درهم شکست :

اسلام آباد : در اخیر هفته گذشته رئیس جمهور پاکستان جنرال ضیاء الحق استعفای ۱۳ عضو کابینه را پذیرفت. این اشخاص مربوط به حزب عوامی ملی پاکستان (PNA) میباشند. ناظرین سیاسی عقیده دارند که استعفای این اشخاص فاصله گرفتن از سیاست حکومت در

قبال اعدام ذوالفقار علی بهوتو صدراعظم سابق پاکستان میباشد. مولانا مفتی محمود رهبر حزب PNA اظهارداشت: «ما با اهداف خود رسیدیم و در حکومت قوانین اسلامی مرعی شد و از اینرو ضرورت ندارد اضافه تراز این در حکومت باقی بمانیم».

روزنامه در عین روز در يك ستون دیگر تحت عنوان :

« اتباع شوروی در افغانستان از گذشته شدن خود بیم دارند » مینویسد :

کابل : سفارت اتحاد شوروی در کابل بعد از کشته شدن يك تعداد از مشاورین شوروی در افغانستان جهت محافظت اتباع شوروی در آنکشوردست با اقدامات جدی زده ، قرار اطلاع واصله از منابع دیپلمات های غربی در کابل از چند روز باینطرف اطفال و زنان روسی به شوروی انتقال داده میشوند و متخصصین شوروی از منازل داخل شهر و آپارتمانهای بنام میکورویان به کمپ های داخل محوطه سفارت شوروی انتقال و جا داده شده اند.

۱۷-۴-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگمانی Frankfurter Allgemeine Zeitung آلمان غرب :

يك تعداد مشاورین اتحاد شوروی در افغانستان کشته شدند :

ماسکو درباره حفاظت اتباع شوروی در افغانستان امر اکید صادر کرد :

سفارت شوروی در کابل بعد از قتل يك تعداد مشاورین شوروی در افغانستان جهت محافظت اتباع شوروی در افغانستان ترتیبات موثری اتخاذ کرده . راپوری که از طریق سفارتخانه های غربی به اروپا رسیده حاکی از آن است که زنها و اطفال روسی به شوروی انتقال داده شده و همچنان مشاورین وزارتخانه ها و ادارات که در داخل شهر رهایش داشتند منازل خود را تخلیه کرده و به سفارت شوروی در داخل کمپ های مخصوص نقل مکان کرده اند درین موضوع خاص يك دیپلمات يك کشور آسیائی در کابل اظهارداشت: « از این ترتیبات چنین بنظر می آید که سفارت شوروی بیم دارد حملات مبارزین ضد رژیم از ولایات دور دست بداخل شهر کابل سرایت کرده و باعث کشتار بیشتر اتباع اتحاد شوروی گردد ». قرار معلوم در زدو خورد های اخیر در شهر هرات ۶۰ مشاور شوروی بشمول تعداد بیشماری از عساکر حکومتی کشته شده اند.

قیام مردم هرات زمانی آغاز گردید که قوای امنیتی بالای مظاهره چپان مردم شهر هرات

در نزدیک محبس آتشباری کرد. بعد از وقوع این حادثه قرار چشمدید يك شاهد عینی اجساد اتباع شوروی بر روی جاده های شهر پارچه پارچه شده افتاده بودند و مظاهره چیان لست منازل اتباع شوروی را در دست داشتند و برویت این لیست داخل منازل شان شده ساکنین آنرا از بین میبردند. ضمن این گیر و گرفت کشتار خونین اتباع امریکائی و اروپای غربی نیز باز داشت میشدند که بعد از ارایه سند هویت از مرگ حتمی نجات مییافتند.

رژیم کابل در اثر تقاضای قوای امنیتی هرات قوای تازه دم از کابل بدانجا فرستاده اما قبل از ورود قوای رژیم آزادخواهان به سنگرهای دور دست خود عقب نشینی کرده بودند.

۲۵-۴-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

شورش در افغانستان :

دهلی جدید: قیام مردم افغانستان در برابر رژیم کابل در سرتاسر کشور گسترش یافته و قوای امنیتی رژیم مارکسیستی در بسیاری مناطق افغانستان با مردمان مسلمان افغان در بیکار اند. مسافرینی که از کابل به دهلی مواصلت کرده اظهار داشتند که افراد قشله نظامی جلال آباد در برابر صاحب منصبان شان بغاوت کرده و یکتعداد زیاد از صاحب منصبان طرفدار رژیم را بقتل رسانیده اند. و در حومه شهر جلال آباد مبارزین قوم مهمند بعضی مناطق را تحت تصرف خود آورده اند.

۲۹-۴-۱۹۷۹ سوت چینا مارنینگ پوست South China Morning Post :

مبارزین افغانی ضد رژیم کابل موفقیت‌های خود را راپور میدهند:

قرار اظهار يك دپلومات غربی در کابل قیام مبارزین ضد رژیم در سرتاسر کشور گسترده شده و لاقل سه قشله عسکری در برابر افسران طرفدار رژیم دست بشورش زده و رژیم کابل در حالت دفاعی قرار دارد.

مسدود کردن وقفوی شاهراه ها، منع سیر و سفر اتباع خارجی غیر کمونیست در داخل کشور و حملات نشراتی بالای همسایه های افغانستان نشانه هائست که رژیم کمونیستی کابل دریک حالت اضطرار قرار گرفته و بهر طرف حمله میکند.

در قیام عساکر افغانی در جلال آباد بیش از یکصد و پنجاه نفر افسران طرفدار رژیم کشته شده است در بین کشته شدگان دونفر مشاور نظامی روسی نیز شامل میباشند. بعد از حادثه جلال آباد، سفارت شوروی دست با اقدامات جدی تر زده و متباقی ۶۰ مشاور روسی را از جلال آباد توسط طیاره به کابل بازگستاند.

قرار اطلاع واصله در جریان قیام مردم هرات بیش از یکصد مشاور روسی کشته شده. کشتن روسها زمانی صورت گرفت که عساکر دولتی بطرفداری مبارزین راه آزادی و اسلام شورش کرده به صف مجاهدین پیوستند و دسته جمعی بالای روسها و طرفداران رژیم حمله کردند.

قرار راپورهای واصله در جریان جنگهای پنج روزه هرات بیش از هزاران نفر از اهالی شهر و مجاهدین کشته شده اند. بقول خبرنگاران غربی در مناطق مهم ستراتیژیکی کنرها و قندهار زد و خورد های شدید صورت گرفته و دوام دارد.

جنگهای خونین برضد رژیم در داخل افغانستان توسط یکعده مهاجرین افغانی در پشاور اداره و رهبری میشود. رهبران جهادی در داخل کشور ابلاغیه ها پخش میکنند و مردم را در برابر نظام کمونیستی، که دشمن دین و عنعنات ملی شان میباشد، به قیام و مبارزه دعوت میکنند.

قیام مردم که در آغاز بقدرت رسیدن رژیم در سال گذشته طور پراکنده بوجود آمده بود، امروز در تمام کشور شکل عمیقتر و منسجمتری را بخود گرفته اما باید اضافه کرد باوجود اینکه رژیم کابل از هر جناح بامشکلات عظیمی مواجه شده است از بین بردن این رژیم در کوتاه مدت امکان پذیر محتمل نمی باشد. رژیم کابل طور مسلسل سلاح و مهمات تازه از ماسکو دریافت میدارد و با این سلاح و مهمات می تواند در برابر مبارزین آزادیخواه افغانی مقاومت کرده به سرکوبی آنها عملیات موثرتری انجام دهد.

از طرف دیگر بین مبارزین افغانی تساند و همبستگی موجود نبوده بلکه هر تنظیم و یاحزب طور پراکنده و متفرق به تنهایی بر اهداف رژیم حمله کرده و آنرا از بین می برند و اما بنا بر عدم هم آهنگی در جبهات جنگ بین گروه های مقاومت نمیتوانند مناطق تحت تصرف خود را طور دایمی تحت کنترل خود نگاه دارند.

قرار اظهار ناظرین سیاسی مناطق مسکون کوهستانی و دره های حاصل خیز کنرها از کنترل رژیم کابل خارج شده. از مدتیست که طور مسلسل راپورهای جنگ و موفقیت‌های مجاهدین از مرکز کنرها، چغه سرای، به پشاور مواصلت می‌کند. قرار معلوم مبارزین افغانی از طرف شب بالای اهداف خود، عموماً کاروانهای عساکر ولوژستیک، حمله میکنند و آنرا از بین برده، سلاح و مهمات عساکر را طور غنیمت گرفته بین خود تقسیم می‌کنند و بعد از اطلاع آفتاب و روشنی درجهات جنگ، مبارزین عقب نشینی کرده در جاهای امن خود را پنهان میکنند و ترتیبات عملیات بعدی را برنامه ریزی می‌کنند. در راپور متذکره علاوه شده که در یکی از قصبه‌های کتر نزدیک شهر چغه سرای قوای امنیتی رژیم کابل تمام اهالی آنرا که تنها زنان، اطفال و پیرمردان در آن زندگی میکردند از منازل شان بیرون نموده و تیرباران کرده است.

همچنان راپور توضیح میکند که دو غنند عساکر دولتی در قشله شهر جلال آباد با سلاح و مهمات در دست داشته شان به صف مجاهدین پیوسته و اظهار داشته اند که حاضر نیستند در کشتار هم وطنان بیگناه خود با این رژیم غاصب شریک و همدست باشند.

قرار معلوم یکی از افسران فرقه جلال آباد بنام جگرن اسلام گل، والی و قوماندان عسکری رژیم کابل را بقتل رسانیده و با جمله عساکر تحت قوماندانده خود در قطار مجاهدین پیوسته است جگرن موصوف بدون ضیاع وقت باشناختیکه از اوضاع و موقعیت آنجا داشت به اشتراك يك تعداد مجاهدین منطقه بالای طرفداران رژیم حمله کرده و خسارات سنگین بر آنها وارد گردانیده است. بعد از وقوع این حادثه مرکز مخابراتی قشله جلال آباد با وزارت دفاع رژیم در کابل تماس برقرار کرده و رژیم کابل در طول مدت کمتر از دو ساعت توسط طیاره قوای تازه دم را به کمک عساکر به جبهه جنگ رسانید که بعد از زدو خورد های خونین، مبارزین مجبور به عقب نشینی شدند.

ACKU
می

۱-۵-۱۹۷۹ هانور Hannover آلمان غرب:

چند روز قبل با چند نفر افغان مخالف رژیم کابل قرار گذاشته شد تا روز اول می در هانورگردهم آمده در باره اوضاع جاری در کشور تبادل افکار شود. و همچنان چگونگی همکاری و امکانات سهمگیری خود را در حلقه مبارزین آزادیخواه کشور ما مورد غور و بحث قرار دهیم. يك تعداد برادران از مناطق مختلف نزدیک و دور دست آلمان ساعت ۱۰ صبح در منزل نعمت الله خدا داد در هانور 94 Wustorfer str, گردهم آمدند.

شاملین اجلاس عبارت بودند از:

دکتر عبدالکریم وردگ، دکتور عبدالصبور وردگ، دکتر عطاء الله ذوالفقار، دکتر احد حامد، دکتر عبدالله عثمان، نبی حسابی، زلی ناصری، عزیزالله عزیز، نعمت الله خداداد و اینجانب احسان الله مایار.

حاضرین مجلس هریک بنوبه خود در باره اوضاع مملکت بیاناتی داده تشکیل سازمان را که در آن بیشتر قشر روشنفکر و تحصیلکرده افغانی در اروپا علی العجاله در آلمان غرب، سهم داشته باشند تأیید کردند. این سازمان وظیفه تماس با مجاهدین را همراه با همکاری مثبت در ساحات مختلف مخصوصاً در ترتیب و پراه انداختن مظاهرات علیه رژیم به عهده گرفت. همچنان رسانیدن صدای ملت مظلوم را به جهانیان تعهد کرد. علاوه بر آن جمع آوری کمک های مالی، ادویه، البسه و دیگر ضروریات مورد نیاز مجاهدین را در صدر پروگرامهای خود متقبل شد.

در ختم مجلس فیصله به عمل آمد تا جهت طی مراحل رسمی اساسنامه و پلاتفورم این سازمان در دواير آلمانی، طرح اولی اساسنامه غرض غور و مذاقه بتاريخ ۱۲/۵/۱۹۷۹ در منزل (نگارنده) از نظر اعضاء گذشتانده شده تا بعداً در مورد عملی شدن آن تصمیم گرفته شود.

۳-۴-۱۹۷۹ فیگارو Lo Figaro فرانسه:

تیری دیزجردان Thierry Desjardins خبرنگار اختصاصی فیگاروراپور مفصلی درباره سفر خود به افغانستان و پاکستان چنین می نگارد:

اتحاد شوروی مورد نفرت مردم افغان قرار گرفته:

اگر خوابهای تزارهای روسی را به یاد بیاوریم که روزی ساحه نفوذ خود را به آبهای گرم

بهرند خواهد رسانید، افغانستان را زیر پا خواهد گذاشت و از طریق بلوچستان اردوگاههای خود را به کرانه های بحر هند اعمار خواهد کرد، می بینیم که آن خواب ها در عالم رویا باقی مانده بلکه به واقعیت و عمل نزدیک شده است.

بدون شك میتوان ادعا کرد اگر قدرت سد و مقاومت در افغانستان مانع پیشرفت اتحاد شوروی نشود در مدت کمتر از سه سال قوای شوروی در کرانه های ساحل بحر هند قدم گذاشته و برای همیشه در آنجا مستقر خواهد شد.

در داخل يك خرگاه محلی در شمال افغانستان بر زمین روی فرش نشسته و این جملات رامینویسم. سرحد اتحاد شوروی از منطقه ای که قرار دارم فاصله زیادی ندارد و شاید روزی در اینجا چنگیزخان و تیمورلنگ نیز چهار زانو نشسته و در باره تسخیر جهان اندیشیده باشند.

در ساختمان بدوی و فرش خرگاهی که در آن نشسته ام از آن زمانیکه انسان های بدوی برای رهایش خود ازین خرگاهها استفاده می کردند تاکنون سطح زمین خرگاه باقالین قیل پای سرخ و سیاه فرش است و در اطراف آن توشکها و بالشتهای بزرگ آبی و سرخ گلداز مهمان را به استراحت دعوت میکند.

از لای مدخل خرگاه که بیشتر از يك متر ارتفاع ندارد، دشت های ای که گویی انتها ندارند و آفتاب سوزان بر آنها می تابد در برابر چشم انسان قرار دارد. این دشتهای به سمت شمال و جانب روسیه امتداد داشته از طریق واحات و شهرهای کوچک و بزرگ به ماسکو میرسند.

در داخل خرگاه حرارت به ۴۰ درجه سانتیگراد رسیده اما باد خشک ای که طرف شمال می وزد انسان احساس گرمی و تشنگی نمی کند.

در افق دید من بین غبار و گرمای روز کاروان شتری که جانب مزار روان است جلب نظرمی کند. این کاروانها در طول قرنهای ابریشم، گیاه های طبی و یا مواد ارتزاقی را از بازاری به بازاری به مشتری ها میرسانید ولی در این مقطع زمان شاید محموله نهفته آن به عوض ابریشم سلاح و مهمات برای مجاهدین باشد.

لحظه با خود فکر کردم که شاید این منظره با این زیبایی جنون آمیز پایان جهانرا تمثیل می کند. درین جا انسان خود را در خواب های طلایی بارویاهای باور نکردنی می بیند. در این سکوت بی نهایت زیبای دشت می توان صدای يك مادر اوزک را و یا زمزمه يك

بیت محلی را از زنی که در اطراف خرگاه می سراید شنید. این نوا از درز خرگاه عبور کرده و بدور انسان حاله دل انگیزی را می تند. با شنیدن این زمزمه ملکوتی يك نوع سبکی در وجود و روح احساس کرده آرزوی کنم که بخشی از پیک جهان باشم. بعد از هجوم چنگیز در مناظر زیبای این منطقه و در محیط زیست آن تغییر چشم گیری صورت نگرفته و مردم آن مانند گذشته به آرامی بسر می برند غرق این رویای خوش مانند دوران طفولیتم بودم که ناگهان غرش طیارات میگ ۲۳ که به ارتفاع بسیار کم از فراز خرگاهم گذشت و با این صدای منحوس و دلخراش مرا از نعمت آرامی محروم ساخت و مرا به جهان واقعیت ها برگرداندند.

امپریالیسم شوروی بعد از بلعیدن کیوبا، انگولا اریتریا که به نظر جهانیان بازی بیش نبود، امروز در منطقه ای پا گذاشته که می خواهد خوابهای تزار روسی را جامه عمل بپوشاند. مملکتی که در قرن ۱۹ و بعد از آن بحیث سد بزرگی بین امپراطوری های برتانیه و تزار روسی قرارداد شد امروز زیر یوغ کمونیسم و سلطه اتحاد شوروی، وارثین تزار روسی، قرار گرفته است و کارگردانان اتحاد شوروی برنامه و مسیر حرکت خود را بدرستی ترتیب و تشخیص کرده اند.

وقتی اطلس جغرافیائی منطقه را از نظر خود می گذرانیم بدون هیچ مشکل حل معما را دریافته می توان ادعا کرد که این قدم گذاشتن اتحاد شوروی در حریم افغانستان چه مقاصدی را در قبال خود دارد؟

اتحاد شوروی به بلع و هضم افغانستان اقدام کرده و برای اینکه مانع دیگر یعنی پاکستان را نیز در مضیقه غیر قابل حل مواجه گردانیده باشد قضیه پشتونستان، قضیه لاینحل بین دو کشور همسایه را، دو باره در رأس سیاست رژیم دست نشانده خود و منطقه قرارداد و در عین حال موازی بامشعل گردانیدن قضیه پشتونستان، در بلوچستان نیز در صدد درهم و برهم گردانیدن توازن قواها و اوضاع جاریه شده است که در صورت موفقیت این شعله وری در بلوچستان برای رسیدن به امیال شوروی یعنی لنگر انداختن کشتیهای روسی به بحر هند در ظرف سه سال مانع دیگری وجود نخواهد داشت و با آغاز مارش قشون سرخ شوروی از طریق جمهوریت ازبکستان و زیر پا گذاشتن افغانستان و بلوچستان پلان صد سال قبل تزار روسی توسط وارثین توسعه جوی وی به هدف خواهد رسید.

در شمال افغانستان قوای اتحاد شوروی عساکر خود را عمداً از اقوام ترکمن، اوزبک و تاجیک مربوط جمهوریت های آسیای میانه شوروی انتخاب و داخل این کشور نموده تا اهالی بومی مناطق شمال افغانستان نسبت داشتن قیافه ولسان مشترك با تجاوز گران شوروی آنها را از افغانها تفکیک کرده نتوانند و با استفاده از این تاکتیک عساکر شوروی بدون مشکل امیال باداران روسی خود را به منصفه عمل میگذارند.

قرار معلوم از مدتی باینطرف اتباع خارجی کشورهای غربی اجازه ندارند در شمال افغانستان سیر و سفر کنند و این قیود به نسبتی وضع گردیده راپورتها در باره فعالیتهای ضد انسانی شوروی و جنایات شان در آن منطقه راپوری تهیه کرده نتوانسته و چگونگی آت را به سمع جهانیان رساند.

من (راپورتر) قبلاً از انفاذ این فیصله سند سیر و سفر را در دست داشتم حین عبور از شاهراه شمال کشور چندین کاروان وسایل نقلیه را از فاصله نزدیک بچشم دیدم که لاریهای گول پیکر توپهای ثقیل را که تازه از طریق بندر شمال بین افغانستان و شوروی به قلمرو افغانستان وارد گردیده بود بصوب جنوب افغانستان نقل میدادند. احتمال دارد از این توپها برضد مردم مسلمان و آزادیخواه کنرها و دیگر مناطق جنوبی و شرقی کشور استفاده شود.

در شهر مزارشریف، شهریکه در گذشته درهرکنج و کنار آن توریست غربی هفته ها را میگذشتانند و با مغازه داران قالین فروش و امتعه فولکلوری آن چانه میزدند، امروز اثری از آن توریستها به نظر نمی خورد و اطراف آرامگاه حضرت علی خلیفه چهارم اسلام و مسجد زیبای آن که باکاشی کاری های برنگ آبی طوری مینماید که گویی بخواب رفته است.

دکانداران ترکمن و اوزبک با قیافه های مشتریان جدید شهر خود کم کم عادت کرده اند و بعضی از آنها بالای دوکانهای خود با اشتها چند کلمه روسی متاع داخل دکان خود را به خریداران جدید عرضه میکنند. امروز جز خریداران روسی دیگر مشتری ای وجود ندارد و مشاورین روسی که در نزدیک میدان هوایی رهایش دارند به شهر آمده و کوشش میکنند که متاع بی ارزش روسی خود را با قالینهای گرانبهای ترکمنی تبادل کنند. قالین هائیکه در ماسکو و یا لنینگراد ارزش يك سرمایه را دارند. پیش آمد مردم شهر در برابر این مردهای قد بلند با چشمان آبی و موهای زرد لباس چین و چروک دار پیراهن سفید به تن دارند طوریت که گویی اصلاً این بیگانه ها وجود خارجی ندارند مردم محلی ملبس بالباس های فراخ و

چین چند رنگ سوار بر اسپه‌های خود از مقابل جیب‌های روسی بی‌اعتنا می‌گذرند و زنده‌های منطقه که برقع بسردارند مشغول کاروبار زندگی خود هستند و این موجودات بیگانه را در محیط زیبای خود خار بغل می‌پندارند.

بعد از چند روز اقامت این ولایت زیبا و باستانی را پشت سر گذاشته و قدمی به سوی غرب کشور گذاشتم تا ببینیم که در آنجا چه می‌گذرد، جاییکه آنرا کشتار گاه مشاورین روسی مینامند و هرات نام دارد.

قبل از پرواز به جانب هرات یکی از دوستان افغانیم در کابل برایم گفت که: «در هرات مبارزین آزادیخواه افغانی تعداد بیشمار مشاورین روسی را کشته و قبل از کشتن بینی و گوش‌های شانرا بریده اند همچنان در نورستان شکم روسها را پاره کرده امعای آنها را بیرون کشیده ویدار آویخته اند در پکتیا روسها را زنده در آتش انداخته و سوختانده اند».

بهر صورت اگر کشتن روسها بشکلی که در بالا شرح داده شده حقیقت داشته باشد و یا اینکه افسانه‌ای بیش نباشد اما نفرت مردم در برابر این مهمانهای ناخواسته و ناآراسته را بخوبی تمثیل می‌کند واقعیت امر نشان میدهد که تعداد کثیری از مشاورین روسی در مناطق مختلف کشور کشته شده‌اند، و بوضاحت می‌بینند که این کشور و ملت آزاده آنرا نمی‌توانند تحت سیطره استعماری خود در آورند.

باتوجه و دقت در تکوین حوادث جاری به سادگی می‌توان گفت که روسها تا رسیدن به مرحله کنونی که هدف اصلی آن تسخیر خاک افغانستان به منظور رسیدن به آبهای گرم هندوستان بود مراحل سه‌گانه درازمدت را پی‌ریزی کرده بودند.

اولین مرحله طرح این پلان در سال ۱۹۵۰ عیسوی انجام شد.

وقتی امریکا بیخردانه تقاضای کمک نظامی دولت شاهی افغانستان را از آن کشور رد نمود، و از تمویل پروژه‌های اقتصادی و اجتماعی آن شانه خالی کرد، حکومت افغانستان که میخواست با کمک امریکا خود را از حالت عقب‌ماندگی بیرون کشیده و به دنیای صنعتی پیشرفته، آتروزی نزدیک کند، ازین برخورد سرد زعمای امریکا کاملاً ناامید شد. ریچارد نیکسن معاون رئیس جمهور امریکا شرایط سنگینی را به زمامداران افغانی پیشنهاد کرد که مهم‌ترین آن بشمول افغانستان در پکت نظامی سنتو بود اما افغانستان با موقعیت استراتژیکی که داشت نمی‌توانست در چنین پکت نظامی شامل شود. پس از رد تقاضای

كمك حكومت افغانستان از امريكا، جنرال محمد داود خودرا ناگزير از پذيرفتن كمك های شوروی دانسته و دروازه بسته کشورش را بروی شان باز نمود. شوروی نه تنها كمك های اقتصادی و اجتماعی خود را به افغانستان سرازیر کرد بلکه درصدد مودرنیزه کردن اردوی افغانستان شده، و تعداد زیاد صاحب منصبان افغانی را که جهت فراگرفتن اساسات جدید نظامی و استفاده از طرز استعمال سلاحهای خریداری شده افغانستان که به شوروی رفته بودند باخوشروئی در اکادمیهای خود پذیرفت. این اولین مرحلهء تطبیق موفقانهء پلان شوروی بود که بدین صورت عملی گردید.

يك مبحث دیگر بندبازی خطرناك کشور كوچك و نادار افغانستان:

رژیم شاهی افغانستان بی آنکه خود خواسته باشد در اثر بی اعتنائی امريكا به كمپ شوروی نزدیک شد. محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان با درایت دانش سیاستیکه داشت، با وجود تمام مشکلات توانست از استقلال مملکت خود صیانت کرده و از تمامیت آن حراست نماید.

وی کوشید تا روابط خود را با همسایهء غربی (ایران) توسعه بخشد اما بخت با وی یاری نکرد و نظام شاهی مشروطه که در افغانستان سابقه دیرینه داشت، توسط پسر عرش سردار محمد داود ساقط شده و رژیم جمهوری برای اولین بار در افغانستان اعلان و قبول شد. باین ترتیب دومین مرحلهء تطبیق پلان شوروی با موفقیت انجام شد.

حسب هدایت حامیان روسی خود افسران تعلیم یافته در شوروی زعامت سردار محمد داود را باتأنی تحمل نموده و حلقهء نزدیکی خود را در اطراف وی تنگتر کرده از ورود ملیگرایان به دور سردار هشیارانه جلوگیری نمودند. شهزاده محمد داود بی خبر از آنچه در اطرافش می گذشت حکومت می کرد روسها به زعم خود در ختم دورهء انتقال قدرت را از وی گرفته و به عمال دست نشاندهء خود سپردند.

جنرال محمد داود پسرعم و شوهرخواهر پادشاه که مدتی صدراعظم مقتدر افغانستان نیز بود، يك شخصیت ملی، و يك مسلمان وطن دوست بود اما برای شوروی بهترین فرد مناسب جهت هموار ساختن راه نفوذ افسران تعلیم دیده طرفدار مسکو در ادارهء افغانستان بود.

رئیس جمهور محمد داود که هم شهزاده و هم يك جنرال نظامی بود، نمیدانست که چه حرکات سدی در ماحولش جریان داشته و چگونه اطرافیانش از وجود او تا انتقال قدرت بخود شان استفاده می کنند.

از طرف دیگر سردار محمد داود تصمیم داشت درین بازی بزرگ سیاسی برنده اول باشد. وی بعد ازینکه قدرت را توسط کودتا بدست آورد، یک قرار داد چشم گیر را با اتحاد شوروی بسته و به زعم خود با این رشوه بزرگ خاطر آنها را از جانب خود آسوده نموده تا پس از چندی دریک زمان مناسب از شوروی فاصله بگیرد. محمد داود که یک وطن دوست واقعی بود، خواست بیک بازی بزرگ سیاسی بین دول غربی و اتحاد شوروی دست زده از این راه منافع مردم و کشورش را تأمین نماید. اما این بند بازی سیاسی خطرناک بود.

وی اطمینان داشت که هیچ کشوری به احترام اینکه افغانستان جزء ممالک غیرمنسلک است به امورداخلی آن مداخله نمی کند. اما اینرا نیز می دانست که اتحاد شوروی جز برآوردن منافع سیاسی و نظامی خود علاقه دیگری به افغانستان ندارد. بافهم ایندو نکته سعی ورزید تا روابط خود را با کشورهای مصر، عربستان سعودی و ایران بیش از پیش توسعه بخشیده و بدین ترتیب جلب کمک های شان را بنماید.

وی آرزو داشت تا بدینوسیله افغانستان را از انحصار اقتصادی و نظامی اتحاد شوروی بیرون بکشد، اما مخالفین این نظریه اش معتقد بودند که پیاده کردن این پلان و تطبیق آن کار ساده نبوده و عواقب وخیمی را دربر خواهد داشت.

در اپریل ۱۹۷۸ تعداد کمی از افسران اردوی افغانی که در اتحاد شوروی مغز شویی شده بودند که یگانه مربی شان کارگردانان کرملین بودند رژیم محمد داود را «دریک حوض پراز خون قصر جمهوریت» از بین برداشته و به عمر رژیم محمد داود خاتمه دادند. این بار قدرت مستقیماً تحویل حزب کمونیست بی لجام گردید و امور کشورداری بدست چند نفر محدود مارکسیست دریک کشور ۱۵ میلیونی مسلمان، آزاده و وطن دوست، قرار گرفت و حزب برسر اقتدار «خلق» که مولود اتحاد شوروی بود پلانه های خیلی وسیعی را برای آینده افغانستان طرح کرد.

دست اندر کار شدن پنجهزار مشاور روسی :

این سومین و آخرین مرحله تطبیق پلان شوروی در افغانستان بود. اتحاد شوروی دیگر ضرورتی ندارد که باماسکی چهره حقیقی اش را روی صحنه بپوشاند. روسها با تمام وسایل دست داشته بعد از آنکه موفقیت کودتای اپریل ۱۹۷۸ برایشان بصورت نسبی تثبیت گردید، اقدام به روسی ساختن ملت افغان کردند.

در قدم اول رنگ بیرق اسلامی افغانستان به رنگ سرخ مانند شوروی مبدل شد و در عین زمان به توسعه نفوذ و جذب بیشتر مردم در حلقه حزب برسراقتدار اقدام گردید و حیات روزمره مانند شوروی زمان ستالین سازماندهی شده و سیل متخصصین و مشاورین روسی به افغانستان سرازیر گردیدند.

امروز در حدود ۱۵ هزار روسی بشمول اطفال و زنان در کابل زندگی میکنند که از جمله آنها چهار هزار نفر دیگر شان منحصراً مشاور در ادارات دولتی و چند هزار نفر شان در چوکات مشاورین نظامی در اردو مشغول روسی ساختن این کشور باستانی با فرهنگ و زیبا هستند. کافی است تا از تعداد ۱۷۵ مشاور در وزارت معادن و صنایع، ۱۱۰ مشاور در وزارت پلان، و ۱۰۷ مشاور در وزارت معارف یاد کرد و با این تناسب تعداد دیگر شانرا در دیگر ادارات تخمین بزنیم. پنجهزار مشاور نظامی روسی در اردو تخمیناً ۸۰ هزار نفری جاگزین شده اند. و صاحب منصبان افغانی تربیه شده در شوروی در پهلوی مشاورین روسی به مقام های بهتر از گذشته، گماشته آنها با سلاح انبار شده تولیدات شوروی يك ملت آزادیخواه و مسلمان را میکشند. (افسوس بحال اردوی بدبخت يك ملت).

ماسکو از این هزاران مشاور انتظار میبرد، که يك نظام شبهه شوروی را بوجود آورده و آنرا اداره کنند و از اینرو در شمال افغانستان و همچنان در ولایات شرقی کشور مراکز فرماندهی قوای هوایی توسط روسها اداره می شود.

شوروی باید بداند که ملت افغان چنان ساده و جبون نیستند که بگذارند ماسکو سرنوشت خود و کشورشان را تعیین کند. ایا روسها مطالعه ای در تاریخ منطقه دارند و میدانند که همین ملت افغان در قرن ۱۹ چند بار امپراطوری انگلیس را چطور شکست داد و از حملات افغانها در خراسان سابق و هند، که در تاریخ جهان ثبت گردیده، اطلاعی دارند؟ یانه؟

اتحاد شوروی در خلال شش ماه اخیر عملاً شمه ای از مردانگی و فرزاندگی این ملت را مشاهده و درگوش و پوست خود احساس کرد شوروی دید که چطور سه صد نفر از اتباع روسی بدست آزادیخواهان افغانی کشته شدند و يك تعداد دیگر روسها در جنگهای پکتیا و نورستان دانستند که باچه ملت غیوری سروکار دارند.

وقتی مشاورین دست و پاچه شده شوروی از کابل به هرات رسیدند و نعش بیشتر از

یکصد نفر روسی بچشم سر افتاده بروی جاده ها دیدند بخود آمدند و دانستند که با چه ملت سلحشور و باشهامت روبرو شده و با آنها سروکار دارند.

مشاورین روسی در قدم اول تصمیم گرفتند تا اعضای فامیل روسی را از افغانستان دوباره با اتحاد شوروی بفرستند و در قدم بعدی کشتن مردم بیگناه شهر هرات را سردست بگیرند.

زامداران اتحاد شوروی دریک بازی بیجا بایک و نقشه نامناسب گیرمانده و آرزوی رسیدن به آبهای گرم بحر هند برای شان بیش از آنچه قیاس می کردند، گران تمام خواهد شد.

وقتیکه درخگاه يك کوچی ای افغان نشسته و حرکت کاروان موزون شترها را نظاره می کردم با تعجب سوال می کردم که چرا ماسکو با این قیمت گزاف برای پیاده کردن پلان شوم خود، در برابر این ملت با محبت و مهمان نواز، دست به چنین اقدام وحشیانه زده است؟

۴-۵-۱۹۷۹ فیگارو Le Figaro فرانسه :

کابل زیبا به يك شهر کریه سرخ تغییر قیافه داده :

کابل - سرخ :

مطلبی را که می نویسم يك تخیل طفلانه نبوده بلکه يك حقیقت است.

رژیم کابل در روز تجلیل سالگرد (انقلاب) به تمام شهریان امر کرد تا دیوارهای منازل خود را سرخ رنگ کنند و همچنان هزاران بیرق کوچک و بزرگ سرخ بر منازل و دفاتر دولتی برافراشته شده. منظره بس کریه و فبیح است.

اهالی شهر کابل از روی اجبار دیوارهای شکسته و ریخته اند کج و معوج منازل خود را سرخ رنگ کرده و یا بهتر بگویم بالای دیوارهای گلی رنگ سرخ پاشیده اند. مردم بی بضاعت شهرقادر به خرید و تهیه رنگهای قیمت بها نیستند و هم نمیخواهند برای اجرای این امر نامطلوب پول مصرف کنند.

در پهلوی این همه افتضاح، مضحکتر از همه عکسهای رهبر کبیر، تره کی، (با قیافه بیست سال جوانتر) میباشد که بالای دروازه ها و دیوارکوچه های شهر تعلیق شده است.

شهرکابل که روز گاری نزد شعرای کشور ونیم قاره هند با (قطره آبیست درگل چکیده) مدح

می شد امروز نشانه ای از آن باقی نمانده، هیئات کجاست زیبایی پارینه این شهر؟ من (نویسنده مضمون) این شهرک زیبای قلب آسیا را درگذشته دیده بوده و دوست داشتم اما امروز این شهروندان شده و بیشتر به شهرهای کشورهای بلاک شرق شباهت پیدا کرده است.

يك نفر افغانی که تحصیلات عالی خود را در فرانسه به پایان رسانیده ضمن صحبت گفت: «راهی که افغانستان در پیش دارد نه از نگاه رنگ و نه از نگاه طعم با این کشور مطابقت دارد» و من یادردی که در قلبم احساس میکنم نظری را تأیید میکنم.

امروز در محابس رژیم کابل پانزده، بیست و یابست و پنج هزار افغان بنام محبوسین سیاسی بازداشت شده و به انواع مختلف شکنجه می شوند ولی در جهان شنونده حساس وجود ندارد که آوای درد ورنج شانرا بشنود.

این کشور آسیایی کوچک و فقیر زیبایی های داشت که کاش ما اروپایی ها میتوانستیم از آن تقلید کنیم لیکن افغانستان امروزی مبدل به يك مستعمره شوروی شده و چهره صلح و مهمان نواز این کشور از بین رفته و دیکتاتوری زمان ستالین در شوروی حاکم برین جامعه گردیده است نزد قدرتمندان دست نشانده در کابل ارزش های افغانی از بین رفته. در کابل حزب برسر اقتدار و دیکتاتوری (بنام پدرملت) با جوان های حزب (قوای ملیشایی) میخواهند زندانیان سیاسی را طور دسته جمعی اعدام کنند و افغانستان را زودتر با اعمار شوروی مدغم کنند.

در ماه اپریل سال ۱۹۷۸ شوروی تصمیم گرفت تا رژیم شهزاده و رئیس جمهور محمد داود را، بجرم اینکه میخواست روحیه وطن خواهی را در افغانستان تقویه کند، از بین ببرد و به عوضش يك دگروال گمنام را براریکه قدرت نشاند، که احراز مسند قدرت حکومت و دولت توسط يك دگروال برای رهبری کشور مناسب نیست. ازینرو بزودی کرنیل قادر را دوباره به قشلهء عسکری فرستادند، گفته می شود که در محبس کابل تحت بازداشت است. به تعقیب برطرفی کرنیل قادر ماسکومانند يك شعبده باز از میان کلاه فرنگی رهبران احزاب کمونیستی، خلق و پرچم، طرفدار شوروی را روی صحنه سیاسی آورد.

من در صحبت های طولانی ام با اهالی شخصی را در کشور پیدا کرده نتوانستم تا تفاوت ایدولوژی این دو حزب کمونیست را برایم تشریح کند چنین مینماید که ریشه های آنها در

ملکت و در بین ملت واضح نمی باشد. تا جائیکه برایم معلومات حاصل شد منشاء اصلی بوجود آمدن دوحزب بنام های مختلف کمونیستی اختلافات شخصی نهان بوده است. این اختلافات باعث آن گردیده تا از بین کمونیستها یکنفر بنام نورمحمد تره کی، رهبر جناح خلق، و دیگری بنام بیرک کارمل، رهبر جناح پرچم، سر بالا کنند.

رفیق نورمحمد تره کی :

در اوایل ماه جولایی رفیق تره کی اقدام به کودتای داخلی نمود و پرچمی ها را از دور و بر خود دور کرد. تعدادی از آنها را بحیث سفرا به خارج فرستاد و يك تعداد دیگر شانرا رهسپار محبس گردانید.

در این مرحله حساس ماسکو در بین غلامان خود از حزب خلق و نورمحمد تره کی پشتیبانی کرد. شوروی در وجود تره کی غلام وفادارتری را نسبت به رقیبانش تشخیص داده و مغضوبین تره کی را در اکناف جهان اما تحت کنترل خود برای روز مبادا نگه داشت به یقین روزی از وجود شان استفاده خواهد کرد.

فرزند اصیل ملت، قوماندان اعلی انقلاب عظیم اپریل، سرمنشی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، رئیس کمیته مرکزی انقلاب و رئیس دولت افغانستان رفیق نورمحمد تره کی، به یقین نسبت به کیم II سونگ Kim Il Dung، س.م.ا، جان بیدیل اول S.M.I. gean، Bedel Ier و یاسیکو توری Sekou Toure که نظر به صوابدید با داران روسی خود القاب بلند و بالاتری را داراست در جاغرامعه افغانی نمی گنجد. اما فوتوهای رفیق تره کی در همه جا تعلیق و وجیزه های فیلسوفانه وی، (انقلاب موفق مردم)، (زبان زنده انقلاب بزرگ اپریل) بروی تمام منازل و عمارات دولتی بارنگ قرمز انبار شده است و تره کی با پروتهای سیاه و چشمهای فرو رفته سبز رنگ خود شباهت بیشتر به پولیسهای فیلم های کوبایی Cowboy امریکایی پیدا کرده است.

تره کی در سال ۱۹۱۷ نزدیک شهر غزنی در يك فامیل دهقان نیمه کوچی بدنیا آمده است از مطالعه شرح حال پروپاگندی رسمی وی چنین می نماید که پدر و رفیق تره کی در طول زندگانی مشقت بار خود رنج و درد بسیاری را از دست خان و ملک کشیده و آنرا با صبر و بردباری تمام تحمل کرده است. اما قبول این گفته های مبالغه آمیز ناممکن و از تصور بیرون است.

در سوانح زندگی این مرد یکتا؟ تذکر رفته که چون پدرش آینده روشنی را در سیمایش

دیده بود او را بیشتر بفرا گرفتن درس و تعلیم تشویق میکرد. پسر مدبر پدر دور اندیش پس از ختم تعلیمات؟؟ وظیفه ای را دریک اداره با اکراه پذیرفت و بعد دریک موسسه شخصی وظیفه دار شد و از آنجا بحیث مامور موسسه ای به بمبی مقرر گردید. در بمبی لسان انگلیسی را آموخت و بعد از مدتی با اندیشه های عمیق اجتماعی؟ به کابل بازگشت. تره کی با عطشی که برای کسب دانش داشت در فاکولته های کابل در شقوق (اجتماعیات، علوم سیاسی، اقتصاد، ادبیات و ساینس) شامل شده و با درجه اعلی همه شقوق را به پایه اکمال رسانید و بعد از طی این طریق ووسعت دانش ژورنالیزم را برای روند آینده زندگی خود انتخاب کرد. تره کی چون خود رنجیده بود میخواست رنج و آزار را درین جامعه خنثی کند. به همین منظور اقدام به تاسیس یک حزب چپی به شیوه شوروی نمود.

بعد از ختم جنگ جهانی دوم تره کی به حالت رقتبار به خارج کشور تبعید شد و بحیث آتشه مطبوعاتی افغانستان درواشنگتن سالهای پر از ادبار و رنج را گذرانید؟، و عجب از این تبعید و سالهای رنج و ادبار درواشنگتن؟؟ تره کی بعد بازگشت از واشنگتن بحیث ژورنالیست و سیاستمدار اما بحالت فقر و ناداری تا اپریل ۱۹۷۸ در کنج منزل خود انتظار تحرك و وقت مساعد را می کشید.

(این همه صفات در وصف «شخصیت بزرگی چون نورمحمد تره کی؟» سروده شده که از مقدمه شرح حال رسمی وی اقتباس گردیده است).

برگردیم به اصل مطلب که تحلیل موضوعات بعدی آن توجه جدی را می نماید. کسانیکه در گذشته چه در دوران شاهی و یا در دوران ریاست جمهوری محمد داود از افغانستان بازدید کرده اند به آسانی متوجه مشکلات موجود در افغانستان شده و آوردن اصلاحات اساسی را در این کشور عقب مانده جهان لازم می دیدند تا از فقر، بی سوادی و امراض که دامن گیرش شده بود، آبرومندانة نجات یابد.

روی این اصل و به همین منظور محمد داود وضع کشور را غیر قابل تحمل دانسته خواهان تغییری در جامعه عنعنوی افغانی گردید تا افغانستان را از حالت موجود آن بسوی یک آینده روشن و مرفح سوق دهد.

در قدم اول محمد داود در برابر پسر عم و برادر همسرش محمد ظاهرشاه کودتاه کرد بعد از موفقیت آن به تطبیق رفرمهای بنیادی اجتماعی در کشور اقدام نمود. در چوکات رفرمها از

جمله دیگر مطالب اصلاحات اراضی، مجادله علیه بیسوادی، حقوق مساوی نسوان در جامعه و انکشاف پروگرامهای صحی شامل بودند اما بی اعتنایی امریکائیا و غضب کریملین نشینان اتحاد شوروی مانع آن گردید که این رفورمها در جامعه پسمانده افغانستان تطبیق و عملی کردند.

محمد داود با پالیسی جدیدش و با رو گشتاندن از دوست دیرینه اش اتحاد شوروی دیگر مطلوب کریملین نبود بایست به هر نحوی ممکن و بهتر از همه در اثر یک کودتا از بین برود. کریملین نشینان تصمیم گرفته و تصمیم خود را عملی کردند. و قدرت به تره کی تفویض گردید و بدون ضیاع وقت به وی هدایت داده شد تا پروگرامهای محمد داود را زیر عنوان نظام جدید مردمی روی میز کشانده و در تطبیق آن اقدام کند.

تره کی با کمک و هدایت ماسکو و همکاران کمونیستش اصلاحات اراضی، مجادله علیه بیسوادی، حقوق مساوی طبقه نسوان دوران زمامداری رئیس جمهور محمد داود را رویدست گرفت و اقدام به پیاده کردن آن نمود.

قابل یاد آوری است که اکثریت مطلق افغانها مسلمان هستند و در عین حال مردمان ناسیونالیست (ملی گرا) نیز میباشند.

ملت افغان مشتکل از اقوام مختلف بوده و دارای فرهنگ و عنعنات متنوع و متفاوت میباشند پشتونها که بیش از ۴۵٪ نفوس کشور را احتوا میکنند در طول ۲۰۰ سال اخیر قدرت اداره کشور را بدست داشتند در پهلوئی پشتونها ۳۵٪ مردمان تاجیک و متباقی ۲۰٪ مردمان هزاره، اوزیک، ترکمن، و دیگر اقلیتها در این کشور کوهستانی زنده گی می کنند.

بازگشت پادشاه سابق:

برضد رژیم کابل طبقات مختلف کشورگروه های مقاومت را تشکیل دادند که درصاف اول آنها طبقه روحانیون و علمای دین قراردارند. این گروه ها که برای حراست دین مبین اسلام جهاد (جنگ مقدس) را اعلام کردند اکنون جنبش عظیمی در سرتاسر کشور بمشاهده میرسد.

در حال حاضر سه تنظیم یا گروه های بنیاد گرای متعصب اسلامی و یک تنظیم ملیگرا در پشاور، شهر سرحدی پاکستان، تشکیل گردیده است. بر علاوه این گروه های مسلمان حلقه ای از چپگراهای متمایل به چین نیز در جمله مخالفین رژیم کابل قد علم کرده است.

مشکل بزرگ تنظیمها و گروههای مخالف رژیم نداشتن یک شخصیت مقتدر در راس

ارگانهای شان می باشد يك تعداد قابل ملاحظه معتقد برآنند كسیكه می تواند این خلاء را پرکند محمد ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان است كه باید گروه های جهادی بدور محور وی جمع شوند.

قرار معلوم در روم، محلی كه پادشاه سابق در حال تبعید زندگی میکند، تب و تلاشی ازطرف پادشاه سابق و حامیانش به مشاهده میرسد.

درسال ۱۹۷۳ در اثر کودتایكه ازجانب محمد داود، پسر عم و شوهر خواهر شاه، صورت گرفت و نظام شاهی در افغانستان خاتمه یافت نظام جمهوری از طرف محمد داود اعلام گردید. در این مقطع تاریخ پادشاه افغانستان جهت معالجه صحتی در اروپا بسر میبرد لیکن در برابر این رویداد تاریخی هیچ نوع واکنشی از خود نشان نداد و زندگی در حال تبعید را در روم پذیرفت. بعد از آنكه در افغانستان امروزی حالت دگرگون گشته و ملت برضد رژیم دست نشانده قیام کرده است شاه سابق نیز آرام نگرفته بلکه می خواهد برای اعاده دیموکراسی و آزادی کشورش از شر کمونیستها و مداخله يك ابرقدرت در امور داخلی و تنش كه منجر به كشتار خونین ملت و تباهی مملكت گردیده دست بكار شود و آرزو دارد تا عملاً در صف مجاهدین اقدامی بکند.

در این اواخر ضمن صحبتی كه با وی داشتم پادشاه سابق اظهار داشت كه: « باید وقت مناسبی را انتظار كشید».

پادشاه سابق افغانستان باید بداند كه « وقت مناسب» همین حالا رسیده البته نه برای بدست آوردن تخت پادشاهی سابقش، بلکه میتواند در راه اعاده يك اتحاد سرتاسری بین مخالفین رژیم كابل خدمتی انجام دهد.

در ختم كلام میتوان بصورت خلاصه گفت كه «افغانستان با داشتن يك ملت مسلمان و ملی گرا و عاشق آزادی هیچگاهی مغلوب قدرت اتحاد شوروی نخواهد شد و با مقاومتی كه امروز در سرتاسر کشور رونما شده افغانها تا آخرین لحظه حیات به مبارزه دوام خواهند داد

۱۲-۵-۱۹۷۹ نوردرشتت Norderstedt

درگردهم آبی مورخه ۱-۵-۷۹ موافقه شد تا طرخی جهت هم آهنگ ساختن فعالیت های دسته جمعی افغانها در آلمان تسوید و تصویب گردد. روی این منظور روز ۱۲-۵-۷۹ همه

دوستان (اشترک کنندگان اجلاس روز ۱-۵-۱۹۷۹) به منزل اینجانب آمده و دربارہ طرح پیشنهاد شدہ صحبت شد. تصویب طرح مبسوط و مشرح پیشنهاد شدہ کہ توسط یک کمیسیون تہیہ شدہ بود غرض مطالعہ بیشتر و غور مزید بر آن موکول بہ ہفتہ آیندہ بعد گردید.

ضمن صحبت موافقہ شد تا طور عاجل برای اینکہ حرکت ماجدی تلقی شدہ بتواند بایست با یکی از گروہہای افغانی در پشاور تماس برقرار گردد و حتی المقدور بہ آن کمک شود. بعد از تبادل افکار حاضرین اجلاس بتوافق رسیدند کہ حضرت صبغت اللہ مجددی یک شخصیت میانہ رو و روشن فکر بودہ و با اکثریت ما شناسایی قبلی دارد، از اینرو تصمیم گرفتہ شد تا باوی مراودہ را برقرار نمودہ و حتی الوسع برایش کمک برسانیم.

قرار گذاشتہ شد تا ہفتہ آیندہ در منزل دکتور عبدالصبور وردگ در میلتنبرگ Miltenberg یکجا شدہ ہرکس بقدر توان مالی ایکہ دارد پول نقد و یا حوالہ پولی باخود بیاورد.

۱۴-۵-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

جنگہا بہ حومہ کابل رسیدہ است:

ناظرین سیاسی از کابل راپور میدہند کہ در این اواخر جنگہای شدید بین مجاہدین و قوای نظامی رژیم در حوالی کابل صورت گرفتہ و طیارات بمب انداز دولت بالای سہ قریہ کوچک در ۱۵ کیلومتری شمال شرق کابل نواحی ترہ خیل را بمباردمان کردہ کہ در اثر آن اکثر ساکنین آن از بین رفتہ و جملہ منازل و مساجد قریہ ہا منہدم گردیدہ است.

یک سخنگوی مجاہدین اظہار داشت کہ چند روز قبل گروہی از مجاہدین موفق گردید تا کہ در چہل کیلومتری جنوب شہر کابل یک کوتل و معبر عمومی را کہ اہمیت ستراتیژیکی دارد تحت کنترول خود در آوردہ.

۱۶-۵-۱۹۷۹ بیلد Bild آلمان غرب:

کمونیست‌ها معاش مستمری پادشاه سابق افغانستان را قطع کردند:

محمد ظاهرشاه پادشاه سابق ۶۴ ساله افغانستان و خانم وی ملکه حمیرا با مشکل تمویل مصارف روزمره شان مواجه شده‌اند. بعد از قطع معاش تقاعدی شان توسط زمامداران کمونیستی در افغانستان آنها نمیتوانند بل های مصارف خود را پردازند.
قبلاً حکومت سردارمحمد داود ماهوار مبلغ ۱۸ هزار مارک حقوق تقاعدی خانواده سلطنتی را به ایتالیا انتقال میداد. بعد از قطع شدن این عاید مجبور شدند در قدم اول خدمه خود را از وظیفه برکنارکنند.

۱۸ - ۵ - ۱۹۷۹ :

قبلاً از طرف جرگه اسلامی نجات افغانستان، نهضتیکه درهامبورگ تأسیس شده و نگارنده از جمله بنیانگذاران آن می‌باشد، به آقای تاج و من وظیفه سپرده شد تا برای کمک به مهاجرین و مجاهدین افغانی در پاکستان عملاً داخل اقدام شده سعی کنیم تا از طریق تماسهای رویارویی، با مراجع مربوط المانی، بگیریم، روی این منظور امروز ساعت ۱۱:۳۰ قبل از ظهر با آقای هاینس کارستن Heinz D. Carsten مسئول صلیب احمر آلمان درهامبورگ در مقر آن در لوکشتد 3 Hamburg Lockstedt Behrmannplatz مذاکره صورت گرفت.

در آغاز صحبت در باره وضع رقتبار مهاجرین افغانی در کمپهای پشاور و اطراف آن به تفصیل معلومات داده شد و همچنان عکسهای هم از نظرش گذشتانده شد. کارستن بعد از شنیدن راپور و دیدن عکسهای مهاجرین افغانی در پاکستان دلچسپی خاصی از خود نشان داشت و اظهار تأسف کرد که يك ملت معصوم با چنین سرنوشتی روبرو شده است. وی وعده کرد که با دارالانشای عمومی صلیب احمر بین المللی در آلمان آقایون کرون برکرویتور Witwer و Kronberger درین مذاکره سعی می‌کند تا کمک لازم را برای مهاجرین تهیه دیده و از نتیجه آن بما خبر بدهد.

برای کرستن لست مورد ضرورت مهاجرین افغانی را که عبارت از البسه، ادویه و غذای اطفال میباشد تسلیم داده شد.

۱۹-۵-۱۹۷۹ روز شنبه (درمنزل دکتور عبدالصبور وردگ):
 یکتعداد از دوستان که بتاريخ ۱۲ می در منزل اینجانب موافقه کرده بودند قبل از ظهر روز شنبه ۱۹ می به میلننیزگ حاضر شدند. در این گردهم آبی هفت نفر سهم گرفتند.
 (از ذکر اسمای شرکت کنندگان مجلس صرف نظر شد.) پیش از آنکه در باره طرح پیشنهاد شده بحث شود، موافقه کردیم تا هرچه زودتر کمک مالی ای به پشاور انتقال دهیم. روی این اصل مبلغ ده هزار مارک که نقداً در مجلس جمع آوری شده بود و به دکتور عبدالصبور وردگ تسلیم داده شد تا هرچه زودتر این مبلغ را برای حضرت صبغت الله مجددی به پشاور انتقال داده و کاپی سند انتقال را بدسترس اعضای مجلس بگذارد.

۱۹-۵-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیماینی Frankfurter Allgemeine Zeitung آلمان غرب:
 پشتون ها صرف زمانی در صلح زندگی میکنند که بادیگران داخل جنگ باشند:
 رژیم تره کی تحت فشار مداوم قرار دارد:

در ولایت پکتیا جنگهای خونین بین پشتونهای مخالف رژیم و طرفداران رژیم یکساله کمونیستی کابل جریان دارد و روزانه در حدود ۵۰ نفر از عساکر دولتی کشته و یا زخمی میشوند همچنان از دیگر ولایات افغانستان نیز راپورهای جنگ میرسد.

مسافرین سرویس های بین شاهراه غزنی و قندهار و همچنان کابل و مزارشریف از طرف مجاهدین در نقاط مختلف بازرسی میشوند و سوال اول شان اینست که آیا در میان مسافرین اتباع روسی هم شاملند و یاخیر؟

يك تبعه جاپانی منحيث شاهد عینی اظهارداشت حینیکه در شاهراه شمال افغانستان بازرسی از جانب مجاهدین صورت میگرفت، يك موتر قوای امنیتی رژیم باسرنشینان پولیس به محل رسیده و بالای مجاهدین به آتشباری آغاز کردند و در این زدو خورد شش نفر از قوای امنیتی رژیم کشته شد اما از مجاهدین کسی آسیب ندید.

اوضاع شهر کابل طوریت که انسان گمان می کند در داخل يك قلعه مستحکم محبوس

است. تانکها و وسایط زره پوش در اطراف رادیو کابل وهمه چارراهی های شهر دیده میشود و داخل باغ شاهی سابق و در اطراف قصر، که فعلاً خانه خلق نامگذاری شده، توسط وسایط زره پوش و تانکهای ثقیل باصدها نفر از قوای اردو احاطه شده و از نور محمد تره کی در این قصر محافظت میکنند. در جاده های شهر تره کی کمتر دیده میشود و احیاناً اگر از قصر بیرون هم شود قوای عسکری ویرا طوری محاصره کرده اند که به مشکل می توان چهره اش را دید.

درین روزها در هوتل انترکانتیننتال که در چند کیلومتری شمال شهر قرار دارد یکی از کنفرانس های منطقوی سازمان ملل متحد دایر است. حفیظ الله امین صدراعظم رژیم نیز در این کنفرانس شرکت میکند و هوتل شکل يك قلعه مستحکم نظامی را به خود گرفته. در اطراف هوتل قدم قدم عساکر اردو بهره میدهند و در داخل هوتل به ده ها نفر کارمندان خفیه پولیس در رفت و آمد هستند. مسئولین رژیم بیم دارند مبدا قیام مردم بر ضد دولت که تقریباً هشت ماه قبل از ولایات شرقی کشور آغاز گردیده و امروز سرتاسر کشور را در دست خود گرفته به کابل نیز سرایت کرده باشد و در برابر شاملین کنفرانس ملل متحد عکس العملی از خود نشان ندهند.

مبصرین سیاسی بقای این دوچهره، امین و تره کی را به دواصل مربوط می دانند: اول وفاداری اردو، و یا بهتر تشخیص شود سه فرقه میکانیزه اردو، که ستون فقرات رژیم را تشکیل می دهد و

دوم اطمینان از حمایت و کمک اتحاد شوروی.

از چند روز باینطرف مامورین وزارت خانه ها از وظایف روزمره خود مرخص شده بداخل قشله های عسکری سوق داده شده اند تا در آنجا تعلیمات نظامی بگیرند. رژیم کابل به کمبود قوای نظامی مواجه شده و در قشله ها کورسهای مستعجل تشکیل گردیده تا هرچه زودتر نوآوران را برای جنگ آماده ساخته و در جهات از آنها استفاده کنند.

بعضی ناظرین غربی میخوانند طور مبالغه آمیز وضع افغانستان را بحرانیتر از آنچه هست قتیبل کنند و درباره احتمال داخل شدن قوای اتحاد شوروی به افغانستان پیشگویی میکنند.

یکنفر از دیپلماتهای يك کشور آسیایی اظهار داشت: « این زدوخوردها بین رژیم و مردم

معنی بغاوت يك طبقه ای را در برابر نظام برسر قدرت ندارد بلکه بصورت واضح يك قیام بزرگ و گسترده ملت را در برابر رژیم نشان میدهد». وی اضافه کرد: «که من برای دوام رژیم امین وتره کی بیشتر از سه ماه وقت نمیدهم» در همین راستا دیپلمات دیگری از کشور های غربی اظهار داشت: «در سرتاسر کشور قیام مردم مشاهده میشود و کنترل بعضی مناطق بدست قوای مجاهدین درآمده و در این اواخر ولایت اوروزگان بصورت کل توسط مجاهدین اداره و کنترل میشود». در وضع کنونی افغانستان واژه کنترل (اداره) را نمیتوان بصورت اصل آن توجیه کرد و افغانستان امروزی را نمیتوان بحیث يك دولت شناخت.

قرار ارقام احصائیه وی که کمتر می توان بدان اعتماد کرد از سر جمع نفوس افغانستان که ۱۴ یا ۱۵ میلیون تخمین میشود ۹۰٪ مردم در دهات و قریه ها زندگی می کنند که شغل بیشتر از ایشان در زراعت و مالداري میباشد و در بین طبقه مالدار يك تعداد شان به شکل کوچی زندگی میکنند.

قدرت بیشتر و اداره نسبی در خارج از شهرها بدست سران قوم میباشد و مردم پشتون افغان، در حواشی سرحدات پاکستان و افغانستان، طور مستقل تحت اداره ملك و قریه دار طبق دلخواه شان زندگی میکنند.

پشتونهایکه در مناطق جنوب و شرق و جنوب غرب کشور، اکثریت دارند، متوطن هستند دارای عنعناتی بخصوص میباشد که در جهان بی همتا است از جمله یکی از عقاید مشخص شان اینست که: «پشتون ها در بین خود زمانی در پرتو صلح زندگی می کنند که با بیگانگان مشغول جنگ باشند».

۲۸-۵-۱۹۷۹ نیوز ویک Newsweek ایالات متحده :

در اداره رئیس جمهور کارتر موفقیت های پیگیر مبارزین افغانی مورد مطالعه مامورین عالیرتبه حکومت امریکا قرار گرفته و بحث بیشتر درباره چگونگی همکاری مخفی ایالات متحده با مبارزین افغانی برضد رژیم رئیس جمهور تره کی دست نشانده و طرفدار شوروی دوام دارد. زیگنیف بریژنیسکی Zbigniew Brzezinski مشاور امنیت ملی رئیس جمهور کارتر و یکتعداد مامورین عالیرتبه سی آی ای از جمله طرفداران رساندن کمکهای مخفی به مبارزین ضد رژیم کابل می باشند و در نظر دارند تا جنگهای افغانستان طوری

تقویه شود که برای اتحاد شوروی ماهیت جنگهای ویتنام را پیدا کند. لیکن وزارت خارجه امریکا برخلاف بریژنسکی عقیده دارد که کمک کردن برای مبارزین افغانی امکان شدت بخشیدن بیشتر مداخلات شوروی را بار خواهد آورد و علاوه میکند که وزارت خارجه می دانند که بکتهداد مامورین سی آی ای می خواهند تابا مبارزین افغانی کمک کنند لیکن آنها تا حال اجازه عملی کردن این نظر را از وزارت خارجه دریافت نکرده اند.

قرار معلوم اتحاد شوروی تا حال در حدود ۳۵۰۰ مشاور نظامی و ملکی خود را به افغانستان فرستاده که از سر جمع آنها تا حال کم از کم ۲۰ نفر شان در جنگها کشته شده اند در این اواخر اتحاد شوروی علاوه بر فرستادن مشاورین بکتهداد جنرالهای باتجربه شوروی را برای اداره و سیج قوای ضد مبارزین افغانی به افغانستان فرستاده که در بین شان جنرال الکسی پیشیشیف Aleksei Yepishev يك چهره شناخته شده اتحاد شوروی در زمان تجاوز قوای شوروی به چکوسلواکی نیز شامل میباشد. اتحاد شوروی بر علاوه فرستادن کارگردانان وارد در جنگهای گوریلایی، ۲۵ فروند هیلوکوپتر های گن شیب را که در نوع خود که در جهان کم رقیب است به افغانستان فرستاده است.

۳۱-۵-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

ماسکو: اتحاد شوروی دیروز افغانستان را برای بار اول بحدیث عضو (جامعه سوسیالیستی) یاد کرد. آژانس خبررسانی تاس مینویسد نمایندگان افغانی، عضو جامعه سوسیالیستی، در کنفرانس بونیسکو در پایتخت منگولیا، اولان باتور، اشتراك ورزیدند. کشور هائیکه از جانب اتحاد شوروی به نام اعضای جامعه سوسیالیستی یاد میشوند عبارتند از ممالک بلاک شرق، کیوبا، ویتنام و منگولیا. این کشورها در بازار مشترک اقتصادی RGW نیز شامل میباشند. قایل یاد آوری است که برای بار اول رژیم تره کی در کابل خود را بنام يك کشور کمونیستی یاد کرد.

جون

۱۲-۶-۱۹۷۹ :

تعدادی از هموطنان که بتاريخ ۱۹-۵-۱۹۷۹ در منزل دكتور عبدالصبور وردگ گردهم آمده و مبلغ ده هزار مارك آلمانی جمع آوری کرده بودند از طریق دویچی بانک فرانکفورت بتاريخ ۱۲-۶-۱۹۷۹ بحساب نمرة ۲۷۱۴۸ حضرت صبغت الله مجددی در بانک گریندلی-Grind-lays پشاور انتقال داده شده و کاپی سند انتقال این مبلغ به ملاحظه اعضای کمک دهنده رسید.

۱۳-۶-۱۹۷۹ هامبورگر آیندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

آیت الله خمینی عصبانی شده دشنام میدهد:

رهبان انقلاب اسلامی ایران آیت الله خمینی سفیر اتحاد شوروی ولادیمیر وینوگرادوف Wladimir Winogradow را به شهر قم احضار کرده و با عصبانیت شدید به وی هدایت داده تا اسناد موثق را بحضورش آورده و ثابت کند که حکومت وی از اتحاد شوروی به ایران سلاح وارد میکند زیرا این اخبار نادرست توسط شوروی به نشر سپرده شده که حقیقت ندارد. علاوه بر این باشدت وحدت بیشتر نسبت به کمک و همکاری اتحاد شوروی با رژیم کمونیستی افغانستان بالای سفیر اتحاد شوروی حمله کرده اظهار نموده که با اساس مطبوعات موثق تا الحال در حدود پنجاه هزار نفر از مردمان مسلمان افغان توسط باند دست نشانده شوروی کشته شده اند که این همکاری شوروی با رژیم کابل يك جنایت در برابر بشریت تلقی گردیده و وی (خمینی) این عمل اتحاد شوروی را بشدت تقبیح میکند.

۱۵-۶-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیماینی Frankfurt Allgemeine آلمان غرب:

تره کی در حالت محنت :

در افغانستان اوضاع طوری مینماید که مبارزین آزادی دست بلند تر دارند و موفقیت های چشمگیری نصیب شان شده. اگر رئیس دولت تره کی، و رئیس الوزراء امین، مشاورین اتحاد شوروی را در پهلوی خود نمیداشتند، بدون شك تا حال از بین میرفتند. اما با وجود اتکاء

به اتحاد شوروی وضع شان درحالت اختناق است. اگر جریان فعلی افغانستان از نزدیک مطالعه شود سوال پیدا می شود که: آیا احتمال دارد که اتحاد شوروی از این حالت موجوده به تنگ آمده باشد و رژیم کابل را با سرنوشت آینده شان تنها بگذارد؟ و یا اینکه برای نجات این چهره های منفور ملت قشون سرخ اتحاد شوروی، بر مردمان مسلمان و عاشق آزادی این کشور کوهستانی مانند حمله بر مجارستان و چکوسلواکی تجاوز نخواهد کرد؟ اگر تصمیم به تعمیم آن بگیرد آیا باخطر بزرگی روبرو خواهد شد؟

مستیقینم مردم آزادیخواه و وطن دوست افغان که در راه اسلام و آزادی آخرین توشه زندگی خود را قربانی می کنند در برابر تجاوز اتحاد شوروی آرام نخواهند گرفت بلکه باشند بیشتر مبارزه خواهند کرد.

از طرف دیگر روابط افغانستان با همسایه هایش روز بروز تیره تر میشود ایران راجع به همکاری و کمک اتحاد شوروی با رژیم کمونیستی در کابل چندین بار احتجاج کرده است. بهر صورت می توان ادعا کرد که به این سادگی اتحاد شوروی نمی تواند خود را از گرداب مشکل افغانستان نجات دهد ولی هر چند بکوشد رهائی ازین حالت مدت های درازی را دربر خواهد گرفت.

۱۸-۶-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب :

تره کی از شاگردان مکاتب و کارگران فابریکه ها برای قوای دفاعی رژیم کمک می خواهد :

دهلی جدید - تهران:

طوری مینماید رژیم نورمحمد تره کی طرفدار شوروی برای بقای خود دست و پاچه شده است. محمد آصف قندهاری یکی از رهبران مبارزین اسلامی افغانستان در مصاحبه ای با آژانس خبررسانی پارس در تهران اظهار داشت که اضافه از ۷۰ درصد مردم هموطنش برضد رژیم تره کی قیام کرده و موفقیت های چشمگیری نصیب شان شده است.

روزنامه نگاردی ویلت، کیرد- رینی نوی Gerd Rainer Neu از کابل مینگارد:

افغان تور، موسسه سیاحین در کابل، در پروگرام خود تنها گشت و گذار در شهر کابل را به توریست ها گنجانیده و در برابر اعتراض که چرا به دیگر مناطق کشور سیر و سفر کرده نمیتوانم،

يك همكار افغان تور جواب داد كه وضع ساختمان شاهراه ها خوب نبوده و برای عبور و مرور موثر مساعد نمیباشد. این اظهار کارمند واقعیت ندارد در حقیقت امنیت شاهراه ها از کنترل قوای رژیم کابل خارج بوده و مبارزین آزادیخواه مسلمان افغان در مناطق بیرون از شهرها حاکم اصلی شاهراه ها میباشند.

روزنامه کابل تایمز در تفسیر سیاسی خود « حلقات ارتجاعی در پاکستان » و « رهبران ارتجاعی متعصب در ایران » را متهم میسازد که در افغانستان دست به تجاوز میزنند و هم چنان از ملیشاهای پاکستانی و حزب نام نهاد اسلامی « عضو اخوان الشیاطین » نام می برد که در مقابل ملت کارگر افغانستان میجنگند.

همکاران موسسات کمک رسانی خارجی در افغانستان که فعلاً بنا بر عدم امنیت همه به شهر کابل پناه آورده اند روایتی دیگری درباره گزارشات در کشور دارند که : « اگر کسی در ولایت جنوب شرق افغانستان، پکتیا، و یا در افغانستان مرکزی و یا در ولایت کندز شهر نزدیک سرحد شوروی و یا دیگر مناطق کشور سفر کند، میتواند قیام مردم آزادیخواه افغان را برضد رژیم دیموکراتیک خلق و عساکر تره کی بچشم سربیند . با دیدن چگونگی اوضاع در این مناطق میتوان مشکل رژیم کابل را واضحتراً تحلیل کرد ».

۱۴ ماه قبل زمانی که تره کی توسط يك کودتای خونین بقدرت رسید، تعداد زیادی از نفوس ۱۴-۱۶ میلیونی افغان در پاره اش نظر نیک داشتند اما امروز نزد اکثریت قاطع ملت این رژیم و تره کی يك شخص منفور بوده که قابل تحمل نمی باشد.

اقوام افغانستان که از بیست قوم مختلف متشکلند و به استعمال تفنگ بلدیته کامل دارند برضد رژیم قیام کرده مردانه وار میجنگند و رژیم کابل با سلاح مدرن وارداتی از اتحاد شوروی مخالفین رژیم را بیرحمانه درهم می کوبد.

ساختمان اراضی کشور برای مبارزین آزادی خواه مساعد است، زیرا ۸۰ درصد مملکت ذر حلقه های مدرن ترانسپورتی قرار ندارد از اینرو مبارزین میتوانند بعد از يك حمله بالای اهداف و از بین بردن آن در مناطق صعب العبور پناه برند. لیکن يك قیام دسته جمعی عمومی منظم تحت اداره يك قومانده واحد در حلقات پراکنده و بین مبارزین وجود ندارد و شخصیت ای که مانند آیت الله خمینی که در ایران نظام شاهی را از بین برد، در کشور همسایه ایران وجود ندارد. اما با وجود این کمبودی ها رژیم تره کی با مشکلات عظیمی دست بگریبان بوده

و بهر وسیله ممکن توصل می جوید تا حدیکه در این اواخر از بین شاگردان مکاتب و کارگران فابریکات شهرکابل اشخاصی که بسن بلوغ رسیده باشند باجبر و فشار آنها را در خدمت عسکری جلب میکند و بعد از يك دوره کوتاه آموزش با سلاح به جبهات جنگ سوق میشوند که اکثر دوباره به مرکز عودت نمی کنند.

يك دیپلمات غربی اظهار داشت که تعداد فراری و تسلیمی عساکراز جبهه مخالف در حال افزایش بوده و علاوه میکند در صورتیکه دست کمکه اتحاد شوروی از رژیم کابل قطع گردد یقیناً بعد از چار هفته قدرت بدست مخالفین رژیم انتقال خواهد یافت.

۲۵-۶-۱۹۷۹ شتونگارتر سابتونگ Stuttgarter Zeitung آلمان غرب:

جنگهای داخلی افغانستان در پایتخت آن کشور انتشار یافته:

گلوله باری و جنگهای شدید در کابل :

یکی از رهبران شیعه افغانی با آیت الله خمینی در ایران ملاقات کرد :

اسلام آباد - تهران د آ Dpa

در اخیر هفته گذشته در کابل جنگهای خونینی بین مبارزین مسلمان و عساکر رژیم تره کی طرفدار اتحاد شوروی صورت گرفته و برای اولین بار رادیو کابل « بنیاد گرایان اسلامی ایرانی » را متهم به جنگهای اخیر گردانیده.

رادیو کابل در راپور خود علاوه کرد که قوای امنیتی بعد از جنگهای شدید کنترل منطقه را دوباره بدست آورده و در پایتخت کشور آرامش حکمفرما است اما رادیوی موصوف درباره تعداد کشته شدگان و زخمی ها تبصره ای نکرد. يك منبع مبارزین افغانی اظهار داشت که در این زدو خورد ها ۹۱ نفر از قوای امنیتی کابل بقتل رسیده وی علاوه کرد که از مجموع ۲۹ ولایت افغانستان، در ۱۴ ولایت آن آتش جنگ شعله وراست.

قرار راپورهای واصله رئیس جمهور تره کی و دیگر اعضای برجسته حزبی و حکومتی مراکز اداره را در کابل تخلیه و ترک کرده و جهت حفاظت خویش به یکی از قشله های عسکری نزدیک شهر کابل پناه برده و امور اداری کشور را از آنجا اجراء میکنند.

در يك اعلامیه نشر شده آژانس خبر رسانی تاس از ماسکو، نورمحمد تره کی به همسایه های کشور هشدار داده که در امور داخلی افغانستان مداخله نکنند اما در اعلامیه

برای بار اول نامی از پاکستان و با ایران برده نشده .
موازی با تشدید جنگ در شهر کابل و سرتاسر کشور ۱۲ نفر از رهبران شیعه افغانی در شهر قم با آیت الله خمینی ملاقات و در مورد مطالب ذیعلاقه مذاکره نمودند قرار معلوم رهبران شیعه افغانی قبل از ورود به شهر قم در طول چند هفته گذشته از کمپهای تربیتی مبارزین افغانی در پاکستان و جنوب شرق ایران بازدید کرده اند.
در عین حال رسانه های بین المللی گزارش میدهند که حکومت ایران قوای پیاده نظام خود را در امتداد سرحدات افغانستان و ایران تقویه کرده و قوای هوایی ایران اطراف سرحدات را کنترل میکند.

۲۶-۶-۱۹۷۹ برون شوگر سایتونگ Braunschweiger Zeitung آلمان غرب:

مبارزین افغانی را عقیده اسلامی شان باهم میپوندد

با وجود کمکهای اتحاد شوروی مسند حاکم سرخ کابل به لرزه درآمده:

رهبر مارکسیستی افغانستان، نورمحمد تره کی با وجود کمکهای بی حصر اتحاد شوروی در برابر قدرت مبارزین اسلامی کمتر چانس بقاء را دارد. دیپلماتهای ممالک غربی و همچنان مبصرین سیاسی بیطرف فکر نمیکنند که رژیم موجوده چند ماه و یا چند هفته بیشتر بقدرت باقی بماند. يك دیپلمات وارد در قضایای افغانستان اظهار داشت که: «موقف رژیم غیر قابل ترمیم است».

اکثر مردم افغان معتقد برانند که اصلاحات روی دست داشته رژیم جز تباهی اسلام و عنعنات مردم این کشور دیگر بهایی در متن خود ندارد و نفرت مردم افغان در برابر رژیم و حداقل ۵۰۰۰ مشاورین نظامی و اداری اتحاد شوروی در هر قدم وضاحت کامل و غیر قابل تردید دارد.

در حالیکه سیستم مخابراتی در کشور محدود است با وجود آن موفقیت های مبارزین به سرعت در سراسر مملکت پخش میشود و چنین مینماید که مناطق گسترده کشور در مناطق غربی، شرقی و افغانستان مرکزی تحت کنترل مبارزین افغانی میباشد.

همانقدر که قوای نظامی رژیم در برابر مردم بیرحمانه پیش میرود بهمان تناسب نفرت مردم در برابر آنها توسعه می یابد. حکومت در شهرها مخالفین رژیم را به عناوین مختلف

بازداشت میکند و بصورت سیستماتیک و دسته جمعی بقتل میرساند. یکنفر دیپلومات کشور غربی اظهار داشت که کشتن انسان در نزد این طبقه، طوریکه در ایران نیز معمول است، شکل بازیچه اطفال را دارد. مشکل دستیابی به ارقام مؤثق در این است که رژیم کابل انسانها را سربه نیست میکند بدون اینکه از آنها در محافل و یا رسانه ها یاد شود. مبارزین آزادیخواه افغان از کدام منبع خارجی کمکی دریافت نمی کنند بلکه سلاحیکه دردست دارند عموماً در جنگ از نزد قوای رژیم بدست آورده و یا اینکه از پول خود آنرا تهیه کرده اند.

کمبود يك رهبریت واحد در جنگهای برحق مردمان افغان بصورت واضح احساس می شود و لیکن با وجود این کمبودی و نارسایی ملت سلحشور افغان با نفرت عمیق و آماده به قربانی و عقیده در راه اسلام و آزادی کشورشان در برابر اتحاد شوروی و عمال شان می جنگند و درین مبارزین واژه «ما» وجود ندارد، آنچه یکدیگر را باهم می پیوندند «اسلام» است که یکی را بادیگری همبستگی ناگسستی می بخشد.

جولای

۴-۷-۱۹۷۹ فشردهء نامهء خانم آلمانی يك طبيب افغان برای دوستانش از کابل به آلمان:
 « در کابل وضع عمومی بیشتر تیره شده و انسان در هر نقطه شهر يك حالت بیم هراس و تشنج را احساس میکند. در حقیقت مبارزین مخالف رژیم روز بروز حلقه نفوذ خود را در اطراف شهر تنگتر می سازند .

هفته گذشته بمدت سه روز تمام صاحب منصبان و معلمینکه جهت تحصیل به شوروی اعزام شده بودند در مرکز وزارت دفاع جمع شدند.

از ولایات دور و نزدیک خبرهای بگوش جنگ میرسد. شهرهای گردیز، هرات، مزارشریف، بامیان، بغلان، پنجشیر و غیره بدست مبارزین افتاده است. در وردگ عساکر حکومتی به آتش زدن جایداد های مخالفین رژیم و چور چپاول خانان شان اقدام کرده و مردمان قریه از دهات به کوه های نزدیک پناه برده و از آنجا شعله های آتش را در خانه های شان می دیدند. از مدتی باینطرف میتوان صدای رادیوی مبارزین راد کابل شنید. چند روز قبل يك شبنامه در شهر کابل پخش و در آن به حکومت اخطار داده شده تا هرچه زودتر مشاورین روسی را از کشور اخراج کنند در غیر آن دريك وقت معین به سفارت شوروی حمله خواهند کرد.

مسئول جنایاتی که رژیم مرتکب می شود يك کدر نزدیک به محور اصلی حزب است در غیر آن اکثریت اعضای حزب مخالف این عملیه رژیم میباشد. ماهر روز بلکه هر ساعت انتظار واقعات بزرگ تری را داریم اما امید داریم که درسك های کابل جوی خون جاری نشود. به پکتیا کسی رفته نمیتواند و همچنان شاهراه عمومی طرف پاکستان مسدود است. در واقع در هیچ جایی امنیت وجود ندارد و بهتر است از خانه ها بیرون نشویم.

اگر ۵۰٪ شایعاتیکه در شهر بر سر زبانهاست قبول شود می توان گفت که اوضاع در کشور فوق العاده خطرناک و خراب است. هرکس باید در گفتار و کردار خود محتاط باشد. زیرا مامورین دستگاه امنیتی رژیم هرکه را خواسته باشند بدون دلیل بازداشت می کنند و از سرنوشت بعدی شان کسی اطلاع نمی یابد.

شفاخانه وزیر اکبرخان به شفاخانه عسکری مبدل شده است انسان نمیتواند همه این حوادث را ساده تلقی کند و مخصوصاً خارجی هائیکه راپور مینویسند و دریکی دو

روزنامه نشر میکنند مطالب را بسیار سراسری تحلیل می نمایند.
شما خوشبخت هستید که در آلمان زندگی میکنید ...

۶-۷-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمینی Frankfurter Allgemine آلمان غرب :
مبارزین افغانی تهانه مهم ستراتیژیکی را تحت تصرف خود آوردند :
اسلام آباد - د پ آ Dpa :

مبارزین آزادیخواه افغان قوای نظامی رژیم کابل را از تهانه ای گومل بیرون راندند.
قرار معلوم مبارزین افغانی از دونیم ماه باینطرف تهانه گومل را محاصره کرده بودند و در
اخیر هفته گذشته با یک حمله وسیع تهانه مذکور را بتصرف خود درآوردند و بعد از فتح
تهانه مبارزین بیرق اسلامی خود را بالای تهانه عسکری افراشتند. قبل از سقوط تهانه
عسکری رژیم کابل موفق گردیده بود تا ۲۵۰ نفر مشاورین شوروی و تعدادی از کدر حزبی
رژیم را توسط هیلوکوپترها از منطقه بیرون کنند. قلعه گومل که در ۲۴۰ کیلومتری جنوب
شهر کابل قرار دارد از نقطه نظر ستراتیژیکی بسیار اهمیت دارد.

درجهه دیگر جنوب کشور در شهر ارگون قوای نظامی رژیم با کمک هیلوکوپترهای
گنشپ، مجهز با توب، آمادگی حملات وسیعی را برضد مبارزین افغان رویدست گرفته .
اورگون یک حصار مهم بوده و در ولایت پکتیا که هم سرحد با ولایت کابل است قرار دارد.

۱۴-۷-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب :
ماسکو ادعا میکند که مصری ها با مبارزین افغانی کمک میکنند :

ماسکو: ارگان نشراتی اردوی شوروی « ستاره سرخ » در شماره اخیر خود مینویسد :
شورشیان افغانی در پاکستان توسط مشاورین نظامی مصری تربیه میشوند. برخلاف
ادعای پاکستان که هیچ مملکتی با مبارزین افغانی کمک نمیکند ما شواهدی بدست داریم
که در پاکستان ۱۲ آموزشگاه نظامی شورشیان افغانی مخالفت انقلاب وجود دارد. اینها
برعلاوه کمک نظامیان پاکستانی از طرف مشاورین امریکایی تحت تربیت نظامی گرفته
شده و همچنان مشاورین چینیایی و مصری در تربیت چریکی شان شرکت دارند.

۲۳-۷-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

اضافه از یکصد هزار اتباع افغانی به پاکستان فرار کرده اند:

کوئته (رویتر): دوست محمد بریخ یکی از وکلای سابق شورای افغانستان در مصاحبه ای اظهار داشت که بیش از یکصد هزار نفر از مخالفین رژیم کابل در پاکستان پناهنده شده اند. وکیل شورا در پیشین، یکی از مراکز مهاجرین در پاکستان، علاوه کرد که جریان فرار مردم از افغانستان دوام دارد و به یقین تعداد بیشماری در این کشور همسایه پناهنده خواهد شدند. باوجودی که نورمحمد تره کی عفو عمومی را اعلان کرده اما هیچکس حاضر نیست که در وضع کنونی به افغانستان بازگردد.

۲۴-۷-۱۹۷۹ لاس انجلس تایمز Los Angeles Times امریکا:

وزارت خارجه امریکابه مامورین سفارتش در کابل هدایت داده تا اعضای فامیل شان را از کشور بیرون کنند:

واشنگتن: یک سخنگوی وزارت خارجه اظهار داشت باعضای فامیل مربوطین سفارت در کابل هدایت داده شده که نسبت خرابی اوضاع و نا امنی در شهر کابل، از مملکت خارج شوند.

هودینگ کارتر ۳ Hodding Carter III سخنگوی وزارت خارجه علاوه کرد: «نسبت شیوع بی امنیتی در کابل ما تصمیم گرفتیم که اشخاص غیر مهم و اعضای فامیل های مامورین سفارت را از افغانستان بیرون کنیم. به این اساس در حدود یکصد نفر در جریان چند هفته آینده توسط پرواز های عادی به خارج پرواز خواهند کرد ۴۸ نفر از مامورین سفارت در کابل باقی خواهند ماند.»

۲۴-۷-۱۹۷۹ زوید دویچه سابتونگ Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب:

در طول مدت حکمرانی تره کی بیشتر از سه هزار نفر کشته شده :

واشنگتن د د پ (DDP) :

پاتریک دیرلان Patrick Derlan معین وزارت خارجه ایالات متحده امریکا مسئول

دفاع از حقوق بشر اظهارداشت که: «بعد از آنکه تره کی به قدرت رسانده شد درطول این مدت بیش از سه هزار محبوسین سیاسی کشته شده و همچنان تعداد بیشماری در محبس پلچرخى باحالت رقتبارى زندگى میکنند».

باساس راپورهای موثق حکومت امریکا، هر شب در حدود بیست الی پنجاه نفر از مخالفین رژیم در محبس پلچرخى تیرباران میشوند. قربانیان اکثراً مربوط به افسران نظامی، سیاستمداران، روحانیون و زمینداران کشور میباشند.

در راپور علاوه گردیده که طیارات جنگی رژیم بالای مردمیکه در حال فرار از کشور هستند و تعداد شان به ده ها هزار نفر بالغ میشود بمبهای ناپالم پرتاب میکند که در اکثر این عملیات فجیع تعداد بیشماری از مهاجرین افغانی کشته و یا زخمی شده اند.

از طرف دیگر بی هراس از جنایات رژیم، مبارزین افغانی که بر علیه نظام مارکسیستی تره کی قیام کرده اند پلهای بالای دریای پنجشیر را تخریب کرده و هم در صدد هستند تا راه ترانزیتی قندز - کابل را تحت کنترول خود در آورده و بدینوسیله مانع فرستادن سلاح و مهمات از اتحاد شوروی شده بتوانند. از یکطرفه باینطرف در هیچ يك از شاهراه های افغانستان به نسبت فعالیت های مبارزین امنیت سیر و سفر وجود ندارد. تنها موترهای سرویس های مسافرن با بدرقه کاروان نظامی رژیم میتوانند از شاهراه ها استفاده کنند و بس.

یک دیپلومات غربی اظهار داشت که فعالیت های مبارزین افغانی در پنجشیر تحت اداره جنرال مستغنی* رهبری میشود. جنرال مستغنی بحیث لوی درستیز در رژیم رئیس جمهور سردار محمد داود اجرای وظیفه میکرد.

(* اظهارات دیپلومات واقعیت ندارد زیرا تاختم دوران حکومت مرحوم محمد داود جنرال مستغنی بحیث سفیر کبیر افغانستان در وارسا اجرای وظیفه میکرد و بعد از سقوط نظام جمهوری مستقیماً از پولند به آلمان غربی پناهنده شده و بعد از آن هرگز به افغانستان باز نگشته. مولف)

۳-۷-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب :

اسلام آباد - د پ آ (Dpa) :

رئیس جمهور نورمحمد تره کی نسبت نگرانی هایی که دارد، قدرت قوماندانی عالی

اردو را بدست خود گرفته همچنان تعیینات جدیدی درکابینه کرده است. در اثر این تبدیلات، صدراعظم و وزیر خارجه حفیظ الله امین، طوریکه پیشبینی میشد، در راس وزارت دفاع قرارگرفته و شاه ولی وزیر دفاع فعلی بحیث وزیر خارجه و معاون رئیس جمهور تعیین گردید.

باساس راپور مبارزین اسلامی افغان، رژیم کابل کنترل اضافه از نصف افغانستان را از دست داده و درچند هفته گذشته بیش از ۲۳۰۰۰ نفر اتباع افغانی به پاکستان پناهنده شده اند فعلاً مجموع پناهندگان افغانی در پاکستان نزدیک به ۱۵۰۰۰۰ نفر میرسد.

ACKU

اگست

ACKU

۱۹۷۹-۸-۵/۴ زود دوپچه سایتونگ Sueddetsche Zeitung آلمان غرب:

اخطار بریژینسکی به عنوان اتحاد شوروی :

« ایالات متحده از علایق خود در شرق میانه، آسیا و اروپا باشد تمام دفاع میکند: »
 واشنگتن د پ آ (Dpa) : مشاور امنیت ملی رئیس جمهور امریکا زیگنیف
 بریژینسکی Zbigniew Brezezinski به اتحاد شوروی اخطار داد که در امور داخلی
 دیگر ممالک مداخله نکند.

وی حین ارایه بیانیه ای در واشنگتن اظهار داشت که ایالات متحده قوای نظامی خود
 را طوری تقویه خواهد کرد تا از علایق امنیتی خود در ممالک تولید کننده نفت در شرق
 میانه دفاع کرده بتواند و بریژینسکی علاوه کرد که: « قوای نظامی ایالات متحده
 باید آماده باشد تا از مناطقی که علایق اصلی ما در آنجا قرارداد دفاع کرده بتواند و این
 سه منطقه ستراتیژیکی حیاتی امریکا عبارتند از: « اروپای غربی، شرق میانه و شرق
 آسیا » وی اضافه کرد: « این طرز تفکر من معنی آنرا دارد که ما بایست در هر منطقه مورد
 ضرورت واضحاً حضور و قدرت عمل کامل داشته باشیم، لیکن ما قبل از رویدست گرفتن
 چنین برنامه و عملی شدن آن با متحدین و دوستان خود مشوره خواهیم کرد و بصورت
 دسته جمعی عکس العملی در باره با در نظر داشت ایجابات وقت و مکان نشان خواهیم
 داد. » در طول بیانیه خود گفت « بوضاحت می خواهم خاطر نشان کنم که ایالات متحده
 امریکا مسئولیت و رهبری این عملیه را خواهد داشت تا زمانیکه سیاست ستراتیژیکی
 ما در منطقه دوباره اعاده، تأمین و مستحکم گردد. » بریژینسکی به اتحاد شوروی اشاره
 کرده بی آنکه از آن نام ببرد گفت که: « کشمکشهای داخلی یک کشور در اثر مداخله یک
 قدرت بیگانه، میتواند خطر تصادم بین المللی را بار آورد » وی همچنان اظهار داشت: « در
 برابر قیام های اخیر در نقاط مخالفت جهان، که برای ایالات متحده بی اهمیت نبوده،
 حکومت ما از یک موقف محتاطانه کار گرفته و ما از دیگران نیز چنین موقف گیری را
 انتظار میبریم و هم تقاضا میکنیم از مداخله و کوشش در تطبیق یک دکترین بر یک
 کشور مذهبی و ملیگرا دستبردار شوند. » بریژینسکی در گفتار خود اسمی از کدام کشور
 نبرد اما یکی از همکاران نزدیک وی اظهار داشت که مقصد وی از هوشداری به اتحاد

شوروی بوده تا درکشور افغانستان تجاوز نکند و همچنان مطلب بریژینسکی در مورد قیام ها درکشور های جهان، ایران و نیکاراگوا بوده.

۵-۸-۱۹۷۹: گردهم آیی يك تعداد ازدوستان در شتادن Staden آلمان غرب :

اشتراک کنندگان :

- دكتور عبدالکریم وردگ

- دكتور احد حامد

- دكتور کاظم

- دكتور عبدالصبور وردگ

- دگروال صدیق نور

- صدیق حیدر

- دكتور حامد محمود

- دكتور سید مصطفی

- انجنیر احسان الله مایار

قبل بر این دكتور حامد محمود وظیفه گرفته بود تا به پاکستان سفر کرده و معلومات دست اول را جهت همکاری آینده ما با قوای مقاومت افغانی در پاکستان جمع آوری کند. وی چند روز قبل از سفر پاکستان بازگشته و جلسه امروزی باساس خواهش وی در منزلش صورت گرفت و هم خلاصه گزارشات سفرش:

دكتور محمود:

فعالاً در پاکستان شش گروپ از طرف حکومت پاکستان برسمیت شناخته شده که عبارتند از:

- حزب اسلامی برهبری گلبدین حکمتیار، منشی حزب : انصاری از برکی لوگر (فاکولته حقوق)

- جمعیت اسلامی برهبری برهان الدین ربانی ، معاون انجنیر احمد شاه احمدزی

- حرکت اسلامی برهبری مولوی محمد نبی محمدی ، معاون مولوی نصرالله

- حزب اسلامی برهبری مولوی محمد یونس خالص ، معاون حاجی امین (فاکولته

ادبیات)

- جبهه نجات ملی برهبری حضرت صبغت الله مجددی، معاون مولوی فضل هادی شینواری، منشی محمدگلاب ننگرهاری.

- محاذ ملی برهبری پیر سیداحمد گیلانی، منشی تنظیم صداقت (پسرکاکای موسی شفیق)، ننگ یوسفزی وحکیم آریویی.

دکتور محمود باهمه رهبرها دیده است و بصورت کل رهبران تنظیمها و احزاب دربارہ سهمگیری قشر روشنفکر افغانی در خارج با قوای مقاومت درپشاور نظر مثبت دارند. لیکن قرار اظهار دکتور محمود رهبران تنظیمها و احزاب می خواهند تا هرکدام جداگانه برضد رژیم کابل مبارزه کنند. فعلاً علایم اتحاد سرتاسری بین یک دیگرشان به مشاهده نرسید.

درمورد اینکه کدام اقشار جامعه افغانی با رهبران رابطه دارند، محمود اظهارداشت که :

در تنظیم محاذ ملی اکثر مردم کوچی، مریدان فامیل پیروگیلانی و همچنان تعدادی از اشخاص مربوط به «افغان ملت» گردهم آمده اند.

درحزب مولوی خالص تعدادی از افسران عسکری ازرتبه جگرن الی دگروال، گروههای کوچک محصلین فاکولته حقوق و ملاحای تنگ نظر جمع شده اند. مولوی خالص درآینده افغانستان صرف از نظام اسلامی حمایت میکند و نمیخواهد کدام پستی داشته باشد. خالص در برابر رژیم تره کی و روسها مبارزه میکند و شخصاً در جهاد سهم میگیرد. مولوی خالص درمورد بعضی اشخاصیکه درتنظیم حضرت صبغت الله مجددی شامل اند نظر مثبت ندارد.

در تنظیم ربانی یک تعداد از استادان فاکولته شرعیات که در دوران داود خان به پاکستان فرار کرده بودند جمع شده اند فعلاً تنظیم ربانی بامجددی ائتلاف کرده.

دکتور محمود درختم مطالعات خود در دینزهوتل دعوتی ترتیب داده بود که درآن معاونین احزاب و تنظیمها بشمول منشی های مربوط شان شرکت داشتند. همچنان حاجی آغا پسر ارشد میا گل جان، که خودش درصوات زندگی میکند، اشتراک کرده بود.

در این دعوت اعضای پنج گروه مخالف شدید خود را در برابر خانواده شاهی سابق نشان دادند صرف نمایندگان جبهه نجات ملی، مجددی، از آنها طرفداری میکردند. ضمن صحبت درباره ساختمان يك شورای انقلابی بحث بعمل آمد که در مورد ترتیب آن در آینده حاجی آغا به نمایندگی از افغانهای مقیم آلمان با رهبران در تماس خواهد بود. در ختم مجلس به اینجانب (مایار) وظیفه داده شد تا با جنرال عبدالولی در روم تلفونی به تماس شده و از وی دعوت شود تا در یکی از جلسات بین الافغانی آینده ما سهم بگیرند.

۶-۸-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

جنگ های خیابانی در شهر کابل:

ا ف پ / AFP / رویتزر Reuter :

دیروز در شهر کابل زدوخوردهای شدیدی صورت گرفت. یکنفر از دیپلمات های یک کشور غربی اظهار داشت که قوای نظامی در بالا حصار کابل به مقابل رژیم تره کی قیام کرده و در بین طرفداران رژیم و مخالفین آن تبادل آتش صورت گرفته است. از اینکه در جریان زدو خورد تعداد کشته شدگان و مجروحین به چند نفر خواهد رسید معلوماتی حاصل شده نتوانست.

۷-۸-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیماینی Frenkfurter Allgemeine آلمان غرب:

قیود گشت و گذار در کابل بعد از قیام بالا حصار:

رژیم کابل در زدوخوردهای اخیر بالا حصار از هیلوکوپترهای گن شپ

استفاده کرد:

موفقیت تاکتیک جنگهای گوریلابی:

اسلام آباد : رویتزر REUTER :

قوای نظامی رژیم کابل شب دوشنبه بعد از قیام قطعه بالا حصار برای کنترل اوضاع قیود رفت و آمد را شدیدتر کرده است. قرار معلوم قیام قطعه نظامی بالا حصار که در آن تقریباً ۱۲۰۰ نفر شرکت داشت از طرف رژیم طرفدار شوروی بشدت و بطور بیرحمانه

وفجیع بعد از ۴ ساعت خنثی گردید. قوای هوایی رژیم کابل در برابر قیام کنندگان بالاحصار از هیلوکوپتر های نو وارد از شوروی و تانکهای ثقیله استفاده کرده است. رادیوکابل اکتفاء بخبری کرد که باساس آن یکتعداد ایجنتهای پاکستانی و ایرانی داخل این قیام بوده که بعد از تبادلہ- مختصر گلوله باری سرکوب شده و ازین رفتہ اند.

اما دیپلماتهای مقیم اسلام آباد اظهار داشتند که باساس معلومات دستداشته شان این شدیدترین زدو خوردی بوده که در جریان ۱۵ ماه بعد از بقدرت رسیدن تره کی رخ داده است.

از چشمدید يك دیپلمات در این جنگ هیلوکوپترهای نوع می ۲۴ س MI 24 شرکت داشته که بالای قطعہ بالاحصار راکت اندازی و گلوله باری کرده است. علاوه برین، وی پرواز طیارات بمب انداز نوع زو-۷- SU-7 را بالای بالاحصار مشاهده کرده، اما این طیارات بمباردمان نکرده اند.

این قیام مصادف با آخرین روز تخلیه پرسونال سفارت امریکا در کابل میباشد. در رابطه با حوادث اخیر در بالاحصار روزنامه هامبورگر آیندبلت آلمان غرب مورخه ۸ اگست تعداد کشته شدگان قیام بالاحصار و طرفداران رژیم را ۴۰۰ نفر تخمین می کند. همچنان بعضی منابع دیگر خبررسانی های جهان در این مورد راپورهای دقیقی نوشته اند که در نتیجه گیری همه شان ناکامی پالیسی شوروی را در رابطه با همبستگی رژیم نامطلوب کابل تأیید میکنند. مخصوصاً مقاله مفصل روزنامه لوموند LE MONDE فرانسوی مورخه ۹ اگست تحت عنوان:

«قیام برضد مارکس و پرولیتاریزم بین المللی بدون پرولیتاریا» قابل تذکار است.

۱۳-۸-۱۸۷۹ هیرالد تربیبون Herald Tribune انگلستان :

اسلام آباد - یو پی آی UPI :

يك قطعہ نظامی زهدار رژیم با مبارزین افغانی پیوسته و جانب کابل در حرکت

هستند.

یکی از سخنگویان مبارزین در پشاور بصورت یقین پیش بینی کرده نمیتواند که چه

مدتی را بخواهد گرفت تا این قوه به کابل برسد اما گفته می‌تواند این يك موفقیت بزرگ برای مبارزین افغانی است که يك قطعه مکمل عسکر رژیم با آنها یکجا شده و سعی می‌ورزند تا با برادران مسلمان افغانی شان یکجا رژیم منفور تره کی را از بین بردارند.

تعداد عساکری که با مجاهدین یکجا شده اند بیشتر از ۱۰۰۰ نفر میباشد. آنها ۸ عراده تانک، ۶ عدد توپهای دافع هوا و تعداد زیاد راکت لنچر با راکت‌های آن، تفنگهای اتوماتیک و مقدار کافی مواد خوراکی بدست آورده‌اند. برعلاوه از این تجهیزات، تعداد ۴ باتری توپ‌های ۱۲۲ ملی متری نیز بدسترس مجاهدین قرار گرفته است که بوسیله این توپ‌ها می‌توان بالای اهداف تا فاصله ۷ مایل انداخت کرد.

(یاد آوری: در راس این قطعه دگروال عبدالروف قرار داشت که بحیث قوماندان غند اسمار اجرای وظیفه می‌کرد وی یکی از مبارزین نامدار دوره جهاد افغانستان میباشد. مولف)

۱۶-۸-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

سرود اشعار رزمی و حماسی انقلاب، مبارزین راه آزادی افغان را به آسمانها پرواز میدهد: در افغانستان دیگر اسلام وجود ندارد، زیرا ملحدین در کشور قدرت را بدست دارند و این ملحدین کشور را بروسها فروختند. برادرهای مسلمان سلاح نیاکان تان را بردارید با برادران مجاهد خود همدست شوید و رژیم منفور و کریه تره کی را از بین بردارید. رفیع جان شاعر مبارز، مخالف رژیم مارکسیستی در سرود شعر حماسی خود مردم را بقیام دعوت میکند. من توانستم که این مرد چهل ساله میانه قدر را باریش کوتاه در دکان کوچکش در کنار جاده شلوغ پشاور پیدا کنم. گفت تا امروز در حدود ۴۰۰ هزار کستهای سروده شده خود را بالای پناه گزینان افغانی فروخته و میداند که تعداد زیاد آن طور قاجاق به افغانستان فرستاده شده و مجاهدین آنرا در دره ها و کوه های افغانستان می‌شنوند.

۱۷-۸-۱۹۷۹ دی سایت Die Zeit آلمان غرب:

نویسنده راپور اندراس کولشویتترا Andreas Kohlschutter در هفته نامه سایت، که بعد از کودتا ۱۹۷۸ برای دومین بار به کابل سفر کرده و دوهفته در آن شهر اقامت داشته، نتیجه گیری میکند که:

« قیام آزادیخواهان افغانی بقدری ضعیف است که نمیتواند رژیم انقلابی را سقوط دهد اما بقدر کافی قوی است که مانع اجراءات روزمره شان گردد.»
وی تحت عنوان برجسته: «دشمن ملت، ملت است» مینگارد:
کابل درماه اگست:

بیرق های سرخ در سراسر ترمینل میدان هوایی برافراشته شده و شعارهایی به لسان روسی و انگلیسی با عنوان های «کارگران جهانی، متحد شوید»، «زنده باد انترناسیونالیزم پرولیتاریا» و «به کشورمودل جدید انقلاب خوش آمدید» توجه مسافرین را به خود جلب میکند.

کشوریکه از جمله نادارترین کشورهای جهان بشمار میرود و بیش از ۹۰٪ باشندگان آن بیسوادند، ۸۵٪ عواید کشور از محصول زراعتی بدست میآید و همچنان حد وسط عمر مردم به ۴۰ سال میرسد عواید سالانه قی نفر در کشور ۸۰ دالرا امریکایی میباشد. دقیقاً این کشور آسیای مرکزی محاط به خشکه درهندوکش، همانقدر از عصر پرولیتاریای صنعتی دور است که از بحر فاصله دارد.

در این کشور طور ناگهانی و بنام انقلاب، مبارزه طبقاتی، دیکتاتور پرولیتاریا فرمان ها و احکام صادر می گردد. و همه این زدویندها بنام زمان جدیدی عنوان می شود که اصلاً این زمان وجود ندارد.

تحت همین شعار و پرچم ۴۰۰ نفر از متعلمین وفادار انقلاب، ۶ ماه قبل امتحان های بکلوریارا به پایه اكمال رسانیده و از مکاتب شهری برای اهداف مشخصی انتخاب شدند تا جهت فراگرفتن تحصیل درشقوق پولیسی ونظامی به ماسکوفرستاده شوند. از اینکه چه وقت برمیگردند سوالیست جداگانه؟ اینها وظیفه خواهند داشت تا از انقلاب دفاع کنند و در برابر مردم خود بجنگند.

رژیم کابل از مدتیست متوجه این معضله گردیده که روزبروز تعداد وفاداران رژیم در اردو کاسته می شود و باید چاره سازی شود، امروز حکومت که خود تا دویازو درجنگ آغشته است به کدرافسران نظامی ضرورت مبرم دارد.

درمیدان هوایی طیاره های ایروفلوت برای انتقال کدر آینده افسران افغانی جانب ماسکو آماده پرواز گرفته و در سالون پذیرایی ترمینل میدان هوایی کابل دو جهان متفاوت از هم وداع میکنند.

دریک طرف قشر جدید که از آینده کشور نمایندگی میکند و خود را پیشقدمان انقلاب نامیده با سرهای تراشیده کسانی با جنزوبعضی هم با لباس های تاریک رنگ و نکتائی نشسته و در مقابل شان زن ها و خواهر های برقع پوش دهاتی، پدران با پیراهن و تنبان و مندیل و ملاحای موسفید قریه تسبیح در دست، حلقه طلائی درگوش با چشمان اشکیار انتظار پرواز دوستان و فرزندان خود را می کشند. و دستان مادرانیکه آرزو دارند فرزندان خود را نازدهند و دستهای پسرانیکه بشدت و کراهیت آنها را پس می زنند، قدرت جنگ کلتوری بین انقلاب و عنعنات ملت را نشان میدهد. که محیط گرم و صمیمی فامیلی را از هم پاشیده و جدا کرده است.

در «کشور طرح جدید انقلاب» قیام ملت به طفیان آمده و باعث ناآرامی در سراسر کشور گردیده است جای پای فیودالیزم در ساحل کشور کاریگران، تحت رهبری «رهبر کبیر» رئیس نورمحمد تره کی و «شاگرد وفادارش» حفیظ الله امین صدراعظم که بایست سرمشق کشورهای جهان سوم شود، آنقدر فاصله دارد که اصلاً تصورش را نمی توان کرد.

روز ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ یک عده اشخاص ناراضی باکمک اردو قدرت را بدست گرفتند این گروه به ملت وعده کردند که در مملکت دیموکراسی را پیاده کنند و قدرت اریستوکراسی را که محدود به یک طبقه مشخص بود ریشه کن کرده از بین بردارند و همچنان ریفورمهای اساسی زیربنای اقتصادی و اجتماعی را درین جامعه فیودال بوجود آورند تا عقب ماندگی های قرن وسطی کشور را از بین بردارند و همچنان تعهد کردند که بادر نظر داشت شرایط در افغانستان جاویدان رفورمها را هرچه زودتر و باعجله تطبیق خواهند نمود.

بیگانگی و بی‌خردی در امور کشور داری:

يك دپلومات كار فهم سابقه دار و وارد جامعه اظهار داشت: «ارباب رژیم کابل بعوض اینکه در رفع پسمانی‌ها با دانش و درایت اقدام کند و در اصلاح آن با حوصله و متانت بکوشد برخلاف دست به اعمالی زدند که برای مردم بیگانه بوده و ملت را به پاخیستاند». وی علاوه کرده گفت: «يك جا شدن بی‌کفایتی با لجاجت افغانی و اظهار عقیده طفلانه» بدون استدلال در چوکات يك ایدولوژی بیگانه» باعث قیام ملت گردید و راه نجات را بر آن رژیم صعب‌تر و مشکل‌تر از آنچه بود گردانید.

وقتی بیلاس کاریکساله رژیم مطالعه شود بدون مشکل می‌توان دریافت که بطور مثال، از تعلیق ریفرم اراضی در طول ششماه با جدیت تمام و بیحد انقلابی سودی بدست نیامد به ضرر رژیم تمام شد. در طول این مدت ۲۴۰۰۰۰ فامیل بعوض ۶۷۶۰۰۰ فامیل طبق برنامه رژیم مالك زمین شدند و تعداد بیشماري از قبولی آن و یا کشت در زمین بیگانه آبا ورزیدند که دلایل رد آنرا میتوان چنین خلاصه کرد:

- اول در عقیده اسلام تصاحب ملکیت بیگانه بدون ایجاب و قبول طرفین گناه شمرده شده و باعث عذاب وجدانی در دنیا و همچنان در آخرت میگردد و

- دوم بیم داشتن از انتقام مالکین اصلی زمین زمانیکه توزیع کنندگان رژیم از صحنه دور شوند. از طرف دیگر «کشورمدل انقلابی» بدون اینکه هزینه و ترتیبات لازم را تهیه دیده باشد تا مانند مالکین اصلی زمین تخم بزی، کودکیمیای و افزار دهقانی به مالکین جدید تهیه کند در حالیکه رژیم کابل با صدور فرمانی سود قرضه شخصی و گرفتن تقاوی از مدارك خصوصی رابرای دهاقین منع کرد خود نیز نتوانست دستگاه و اداره دادوستد برای دهاقین تشکیل دهد تا رابطه‌شان رابرخلاف تعامل گذشته بین دهاقین و قرضه دهنده، مالك و یاشخص دیگری، استوار نگه دارد. رژیم کابل درحالت بیچارگی صدها کوپراتیف ساخته شده روی کاغذ را که سرمایه آن از طریق کمکهای کشورهای دوست و بین‌المللی تمویل خواهد شد و در پلان پنج ساله عواید آن از حاصلات زمین محاسبه شده بود، انبار کرد ولیکن در عمل جز از يك صدای سرنای خیالی چیزی بیشتر نبود.

ضعف حقوقی توزیع زمین برای دهاقین بی زمین، نسبت عجله برای دریافت شهرت کاذب، بدون اینکه طور علمی کادسترو تعیین پلوان شریک شده باشد باعث دلسردی مالکین جدید گردید و شک و تردید را در بین مالکین زمین خلق کرد. نزد مالکین جدید وسواس خلق شده و عقیده دارند که حکومت صرف برای دوره انتقالی و کوتاه مدت زمین را توزیع کرده تا در آینده جمله املاک را به تصرف دولت در آورده و از آن به فورمول کلخوز در شوروی استفاده کند.

رژیم کابل بدون داشتن فهم دانش نسبی از قراء و دهات کشور حقوق مساوی زن و مرد را اعلام کرد و بدون اینکه احساسات عنعنوی مردم را در نظر گرفته باشد زن ها را توسط مردان بیگانه به موترها حمل کرده و به کورسهای مبارزه با بیسوادی شامل کردند و همچنان بدون موافقه فامیل، زن ها را جبراً در مراکز حمایه مادران جهت معاینات زنانه معرفی کردند.

باتحقیر و تعجیز مردم را با اعمال نا بخردانه خود شوک داده و آنقدر تحریک شان کرد تا ملت افغان بیشتر ازین تحمل نکرده در برابر رژیم قیام کرد. بطور مثال رژیم کابل در روز سال نو به عوض بیرق مانوس رنگ سبز اسلامی، بیرق سرخ کمونیستی را بالای مساجد، عبادتگاه های مردمان مومن افغان، افراشته بود معلوم نشد ازین کار چه نفعی می برد؟ برای رژیم کابل نزدیکی با اتحاد شوروی، بدون توجه به غرور افغانی و آزادیخواهی این ملت، جز نفرت مردم چه منفعتی بیار آورد؟

بی تردید می توان ادعا کرد که: امروز «انقلابیون مدل افغانستان» که بنام «ملت افغان» قدرت را غضب کردند بدون سهمگیری ملت و برعلیه ملت حکمرانی میکنند.

قرار راپورهای واصله در این اواخر حملات مجاهدین در سراسر کشور توسعه یافته و در مسیر شاهراه های کشور حمله و دستبرد بالای موترهای باربردار، سرویس ها، تانکرهای تیل و کاروانهای عسکری رو به ازدیاد شده است. اما طرز حملات شکل پیکار نقطه ای و آتی ویی تسلسل را دارد. وهم طور است که در آن يك سیستم یا نظم، تعقیب و پلانگذاری دقیق دیده نمی شود و به همین سبب است که بعد يك حمله بالای کاروانهای ترانسپورتی برای هفته ها آرامی حکمفرما می شود و هرکس میتواند با امنیت تردد کند.

ستراتیژی شورشیان :

با جمع آوری معلومات پراکنده و چشم‌دید اشخاص میتوان ساختمان جنگی شورشیان را که دارای قوای ضربه يك فرقه از اردوی منظم اروپایی بیشتر نمی باشد، چنین معرفی کرد:

۱- دسته های کوچک محدود مربوط به يك قوم مجهز با تفنگ های کهنه، انگلیسی، به غنیمت گرفته شده روسی و همچنان تفنگ های وارداتی چینیایی از پاکستان به مشوره و فیصله هم‌دیگر برای اهداف معین حمله میکنند.

۲- این دسته ها پیش از همه متوجه امنیت قریه و دره خود میباشند. در قریه ها برای طرفداران حزبی زندگی را تنگ ساخته، از بین میبرند و یا اینکه آنها را از قریه اخراج میکنند.

۳- مجاهدین سعی می‌ورزند تا با کتله های منظم اردو روبرو نشوند.

۴- مبارزین تلاش نمی‌کنند تا با سروصدای میان تهی بر مراکز شهر ولسوالی ها حمله کرده و آنرا طور موقت تحت تصرف خود درآورند آنها میدانند که با چنین عملیه ساکنین منطقه را در معرض خطر حملات قوای توپخانه، هیلوکوپتر و طیارات بمب افکن قرار میدهند.

۵- مبارزین با حملات برق آسای خود بالای ولسوالی ها و دیگر مراکز تحت کنترل رژیم، بیرق و سمبولهای کمونیستی بشمول عکسهای تیره کی را نابود میکنند، لیکن زیربنای کشور را بشمول مکاتب، پسته خانه ها، بندهای آبگردان، مراکز تولید برق و پلها را از بین نمی‌برند و تاجائیکه معلوم میشود مبارزین در نظر ندارند بطور دسته جمعی و قطعی بالای شهر کابل حمله کنند.

و در اخیر در حلقات مبارزین پراکنده چهره اصلی شخصیت متحد کننده و رهبر با کفایت وجود ندارد و این معضله خلای بزرگی را ایجاد کرده است و از اینرو: باید خمینی افغانی سر بالا کند و یا اینکه تولد شود.

در کمپهای مهاجرین پشاور احصائیه های فتح و تسلیمی مناطق داخل کشور پخش می‌شود. حکومت جلای وطن نامیده میشود و دوباره تعدیل میگردد، پروگرامهای آینده سختگیر اسلامی ترتیب و توزیع میگردد و همچنان توسط يك دستگاه مخفی رادیویی

خبرهای ضد رژیم به نشرات پرداخته لیکن عکس العملی از جانب مردم داخل کشور احساس نمی گردد. دلیل این کمبود عدم یک فرماندهی واحد رهبریت تا رشته های ارتباط را در داخل کشور بهم پیوند زده و همه را بدور یک محور شناخته شده و قابل اعتبار جمع کند.

مبارزه ملت مسلمان برضد « رژیم بیخدای کمونیست و وابسته به اتحاد شوروی » در این مملکت پارچه پارچه شده با نهادهای اصلی عتعات قومی، قوانین قومی و سرحدات قومی بیشتر مزج گردیده و فاصله هارا تعیین میکند. شورشیان منافع عشیره وی را در نظر داشته مصالح عمومی ملت را در نظر ندارند. این کتله در واقع جنگجویان ملی نبوده بلکه مربوط به طبقاتی از مبارزین قومی شمرده میشوند که به شکل دسته های قومی قیام کرده و هم مانند دسته های عشیره وی تنها میجنگند. این کتله ها آنقدر قوی نیستند تا رژیم تره کی را نیست و نابود کنند و هم آنقدر ضعیف نیستند که تطبیق پروگرام های سیاسی رژیم را در سطح کشور و هم در مراکز شهر مانع شده نتوانند.

رپورتر هفته نامه درعین صفحه با خط درشت اما عنوان جداگانه تحت شعار:
« نظام ما از قشر کارگران هست »

درباره مصاحبه خود با حفیظ الله امین مطالبی دارد که خلص بعضی پاراگرافهای آنرا ترجمه کرده عرضه میدارم.

خبرنگار: طبقات بیشمار پرولیتاریای دهقان و کارگر این کشور در کجا هستند که شما همیشه باره شان صحبت می کنید؟ و آیا شما از فورمول ایدولوژی بیگانه که هیچ رابطه با تطبیق واقعی آن درین مملکت ندارد استفاده نمی کنید؟

امین: برای ساختمان دیکتاتور پرولیتاریا ضرور نیست که بدست اکثریت باشد. این دیکتاتور میتواند در اقلیت نیز فعال باشد، قسمیکه در افغانستان عملاً مشاهده میکنید. اما ایدولوژی طبقه کارگر مانند مشعلیست که راه انقلاب مارا روشن می سازد. از این سبب است که ما از دیکتاتور پرولیتاریا صحبت میکنیم که برای کتله دهقان نیز مفید است و با آنها یکجا کار میکنیم.

خبرنگار: محبوسین سابق سیاسی که از بند آزاد شده اند اظهار نظر میکنند که در زندان پل چرخ بین ۱۰ الی ۱۵ هزار نفر گنجانیده شده و بر علاوه از این محبوسین تعداد

بیشماری دیگر پیش از گنجایش محابس در ولایات کشور بسر میبرند. امروز در این کشور به مشکل میتوان با شخصی مصادف شد و صحبت کرد که یکی از اقارب و یا از دوستان شان در زندان نباشد. به عقیده شما تعداد بازداشت شدگان به چند نفر میرسد؟ امین: این يك افوا و خبر نادرست است. علی الخصوص که امریکا راجع به حقوق بشر صحبت میکند و غم افغانستان را می خورد. من امریکا را میشناسم و میدانم که در آنجا حقوق بشر چگونه رعایت میشود.

خبرنگار: می خواهید ادعا کنید که در محابس افغانستان کسی تیرباران نشده؟ امین: در محابس کشور هیچ فردی از افراد بازداشت شدگان سیاسی کشته نمیشوند. اگر مخالفین ماکشته میشوند مربوط بکسانی هستند که در برابر ما میجنگند و در جنگ کشته میشوند.

خبرنگار: منقدین رژیم، شما را شخصاً مخاطب قرار میدهند و میگویند که شما يك دکتورینر (کسیکه نظریات و اصول خود را بدون توجه به مقتضیات زمان میخواهد به محل اجرا گذارد. مولف) کمونیست و چاکر ماسکومی باشید بدون اینکه بواقعیت ها وقعی بگذارید. در این باره عکس العمل شما چیست؟

امین: ما با اتحاد شوروی روابط حسنه داریم. اما هر کدام مادارای آزادی عمل هستیم. کسانیکه کمک و حمایت اتحاد شوروی را در رابطه با انقلاب ما قدر نمیکنند يك وطن دوست نیستند و کشور را دوست ندارند. روابط بین افغانستان و اتحاد شوروی بیشتر از يك رابطه، دوستانه است و این روابط ما معنی خویشاوندی و برادری را دارد، قسمیکه دو برادر دارای حقوق مساوی میباشدند.

خبرنگار: تشکر از صحبت

و اینک تحت عنوان دیگری «روسها در دام افغانستان» در همین شماره می خوانیم: آیا می توان بنیاد رژیم انقلابی را پیش از آنکه متلاشی شده و از هم بپاشد توسعه

داد؟

کابل در ماه اگست:

نور افکنهای خیره کننده با حرکات ناموزون خود بالای خانه های کابل روشنی میاندازد و بایک حرکت سریع از آنجا گذشته کوههای اطراف شهر را لمس میکند و بایک

چرخ دیگر میدان هوایی کابل را کنترل کرده به طرف آسمان تارک رقصان رقصان بالامی شوند. تمام این حرکات بیانگر وضع عصبانی و نگرانی رژیم در جامعه قبیلوی افغانی می باشد.

شهر کابل در اصل تحت محاصرهء داخلیست نه خارجی این شهر در چنگال ترس، افوا و بی اعتمادی محبوس است.

« نصف اهالی شهر جاسوسی نیمهء دیگر آنرا میکند » این مطلب را سفیری يك کشور غربی در حضور مهمان های خود اظهار داشت. وی در اطاقی که پرده های ضخیم کلکین ها کشیده شده بود از بیم آنکه مبادا بادوربین و کمره عکاسی مهمان هایش شناخته و یا عکسبرداری شوند. ملایم صحبت میکند. وی اظهار داشت که در طول دو هفته گذشته سه بار کودتاهای ناکام، قبل از آنکه در عمل پیاده شوند، کشف گردیده و در زد و خورد های این کودتاها ۳۱ نفر از متخصصین روسی، ملاهای طرفدار رژیم، افسران اردو، عمال طرفدار حزب خلق کشته شده اند و اینها در روز روشن و در ملای عام بقتل رسیده اما کسی اجساد آنها را بچشم سر ندیده است. شهر کابل امروز محصور در بدترین وضع میباشد. ترس و نگرانی بیحد هرکس را فرا گرفته و نمیتوانند خود را از این حالت اختناق آور روحی برهانند.

سوالهای پی در پی ردیف وار منتظر جواب اند:

چرا یکنفر ژورنالیست دعوت شده قبل از ورود به اطاق کار دفتر صدراعظم امین از طرف افراد امنیتی تلاشی می شود؟

چرا يك دیپلمات خارجی مجبور می شود تا قلم خود کار خود را جهت کنترل تسلیم هیئت امنیتی کند؟

چرا وقتی که « سردمداران ملت » با موترهای ضدگلوله مرسیدیز خود از جاده ها میگذرند، مردمان پیاده رو با تهدید برچه قوای امنیتی جاده ها را تخلیه میکنند و

چرا يك پسر بچه ۱۳ ساله که از روی تفنن عکس تره کی را پاره میکند و یا از روی مزاح طفلانه صدا میزند: « احتیاط اخوانی ها آمدند » از چوکی مکتب راساً به

محبس پل چرخى انتقال داده می شود؟

ترور پولیس، کاری که قدرتمندان امروز شهر بدان مباحات میکنند. بابیباکی بیحد در

شهرها تولید کرده در دفاع از آزادی و ترقی فرآورده های انقلاب خلق از حقیقت گوئی منحرف می شود.

زندان پلچرخی که توسط رئیس جمهور محمد داود «استثمارگر، خون آشام، ظالم، وستمگر» شخصی که از طرف کرسی نشینان امروزی به این القاب نامیده میشود، تهداب گذاری گردیده بود با عجله زیاد از طرف «آزاد کنندگان ملت» تکمیل گردیده بر تعداد سلولهای آن افزوده شد و ملت را بیشتر از حد گنجایش در آن حبس کردند.

یک افسر پولیس آلمانی حد اکثر ظرفیت زندان پلچرخی را که در آن محبوسین بحیث یک انسان گذاره کرده بتواند به ۵۰۰۰ الی ۶۰۰۰ نفر تخمین میکند اما امروز در این زندان بین ۱۲۰۰۰ الی ۱۵۰۰۰ نفر بحالت زار بیرون از قیاس گنجانیده شده است.

حیات ملتی در قفس وطن آبایی شان :

باساس تخمین وزارت خارجه ایالات متحده از اپریل ۱۹۷۸ تا امروز در حدود ۳۰۰۰ نفر در پلچرخی و یا در اطراف آن تیرباران و یا زنده زیر خاک شده اند و برای کشتن یک شخص کافی است که یک نفر بروی اتهامی وارد کند. اعضای فامیل محبوسین از کشته شدن اعضای فامیل خود صرف از طریق تسلیم شدن لباس شان توسط محافظین محبس مطلع میگرددند. اگر محافظین لباس مندرس محبوس را به اعضای خانواده اش تسلیم ندهد و در عوض لباس شسته او را تسلیم نشود آنگاه اعضای فامیل بازداشت شده میدانند که به زندگی او خاتمه داده شده است در شهر کابل افغانی وجود ندارد که خویشاوندی، دوستی و یا آشنایی در محبس نداشته باشد.

آیا حدس زده میتوانید سرنوشت یک ژورنالیست کابلی، بشرطیکه بتواند، انتخاب عنوان راپوزی را درباره وضع افغانستان داشته باشد چه خواهد بود؟

جواب احساسم را از زبان یک ژورنالیست افغانی بی اختیار شنیدم: «ملت با شهامت

افغان در قفس انقلاب»

ناظرین عربی و شرقی حق بجانب هستند و قتیکه اظهار عقیده میکنند که: رژیم زیر فشار حمله شورشیان ایالتی سقوط نخواهد کرد، بلکه بالای پاهای لرزان خود خواهد لغزیده رژیم بنیاد اصلی بقای خود را در ستون که عبارت از حزب اردو و روسهاست متکی دانسته همچنان سقوط خود را درین سه اصل می بیند.

سوال در این است که تا کدام حد این سه اصل مستحکم بوده و مقاومت فشار ملت را دارند؟

۱- حزب: حزب خلق که در سال ۱۹۶۵ پایه گذاری شده میخواید در کشوری که در آن پرولیتاریا کارگر وجود ندارد، رول حزب طبقه کارگر و دیکتاتور پرولیتاریا را بازی نموده و از این طبقات نمایندگی کند که این کمبودی مشکل بزرگ شان نامیده می شود و حزب بر سر قدرت امروزی در افغانستان هیچ نوع ریشه ای در بین يك طبقه عقب مانده، مربوط به قرن وسطی و پیوند با عنعنات این کشور زراعتی ندارد و همچنان با طبقه بسیار نازک از قیدرها شده چند شهر بزرگ کدام رابطه عمیقی وجود ندارد. این حزب در افغانستان ماخذ قدرت ندارد و همچنان در کشور دارای ذخیره طبیعی اجتماعی نمیباشد. اینها بیگانه ای هستند که همیشه بیگانه باقی خواهند ماند.

رژیم کابل تحت فشار عقده حقارت طوری فعالیت میکند که گویا تمام ناکامی بدامن غیرمشروعیت ها بوده نه در دامن قدرت. تا امروز يك پروگرام حزب نشر نشده، کانگرس حزبی صورت نگرفته و درباره ساختمان قدرت خاموشی مطلق حکمفرما است با آنکه دولت آمار تعداد اعضای حزبی خود را بسیار محرم نگهداشته اما يك کارشناس احصائیکه غرب تعداد شان را بین ۷ تا ۱۰ هزار تخمین زده است که برای کشور پانزده ملیونی خیلی ناچیز است. تیراژ روزنامه "ارگان حزبی" ۷۵۰۰ شماره می باشد که ۲ هزار آن بولایات فرستاده می شود که آنهم نسبت نداشتن خریدار و خواننده بایگانی می شود و در شهر کابل بیش از ۵۰۰ شماره آن هم بفروش نمیرسد.

این «گزنګ بهم بسته» حزبی های افغانی، قسمیکه لیکن درباره انقلابیون روسی نوشته «از هرجانب محصور دشمن»، که راه جنگ را انتخاب کرده اند نه راه آشتی را، خود را در حالت دفاعی قرار داده اند. بروتهای تپیک خلقی کم کم تراشیده شده، علایم حزبی از بین رفته و از پوشیدن پیراهن های سرخ امتناع ورزیده و دروازه های خانه هارا که بنا بر به امر ویا خواسته خودشان برنگ سرخ رنگمالی کرده بودند دوباره برنگهای عادی برگردانیده اند.

انتقاد از مرکز حزب:

صدای انتقاد در داخل حزب بلند شده است. يك حلقه که خود را خلقی های اصیل

میدانند با توزیع شبنامه ها صدای خود را بلند کرده اند. در این شبنامه از «رهبر کبیر، خلاق و معلم» تره کی و همچنان «شاگرد وفادار» وی امین انتقاد میکنند زیرا این دوچهره موقف خود را برتر از حزب قرار داده اند دوسیه گناه ها و اشتباهات شان را از طرف منقدین شان برملا می گردد:

مکتب شخصیت پرستی، انحصار قدرت، نظامی ساختن انقلاب، خدمتگزاری برای ماسکو، بازگشت از انترناسونالیزم حقیقی، منع انتقاد شخصی و دیموکراسی داخلی حزبی بردوش کدر رهبری می اندازند از اینرو هسته مرکزی حزب حاضر نیست که این جرمهای بزرگ رهبران را باردوش خود قبول کند.

بعد از پخش این شبنامه جلسه پولیتیر و بصورت فوق العاده و با عجله دایر گردید و فیصله شد تا هرچه زودتر «رهبری دسته جمعی را عملی گردانند» و همچنان «پرنسیپ انتقاد، انتقاد خودی و مناقشه دیموکراتیک را احترام و مراعات کنند. اما با این ماستمالی ها نمیتوان رخنه ها را از بین برد. بین کدر ممتاز حزب و طبقه مردمی حزب، جوانان، اعضای حزبی نیمه باسواد و یا بیسواد، اشخاص ابن الوقت، مقلدین، و هوا خواهان مقام و قدرت آنقدر بحران موجود است که سوال پیدا می شود آیا دسته های اولی کورموشها برای نجات خود قبل از غرق شدن با کشتی حزب فرار خواهند کرد یا اینکه با کشتی شکسته غرق می شوند؟

۲ - اردو: بتاريخ ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ رژیم محمد داود توسط اردو، نه اینکه توسط مردم، از بین رفت و همین اردو بود که رژیم جدید را برکرسی نشستاند و اردو بود که اعلامیه موفقیت انقلاب را از طریق رادیو به گوش مردم رسانید.

چنینکه تانکهای اردو در برابر رژیم داود به حرکت افتادند و اولین آتشباری گلوله های توپ و تفنگ صورت گرفت رئیس تره کی با دیگر رهبران حزبی در زندان بود در آغاز واضح بود که باید حزب از اردو متابعت کند، لیکن حین تقسیم چوکی و مقام از جمله ۲۱ نفر اعضای کابینه تنها سه چوکی متعلق به افسران اردو گردید، وزارت دفاع، وزارت مخابرات و وزارت فواید عامه و با این طرز العمل باید اردو در افتخارات «آزادی ملت» سهم کمتر در قدرت بدست آورده باشد. و همچنان کمی بعد از موفقیت کودتا به پاکسازی اردو اقدام گردید.

حفیظ الله امین صدراعظم فعلی و مرد قوی رژیم قوه محرکه این پاکسازی بروی صحنه آمد. امین از سال ۱۹۶۸ باین طرف مفکوره کمونیستی را بین افسران و توسط افسران کمونیست در اردو تزریق می کرد. بعد از آنکه امین بقدرت رسید، باساس کلیشه اتحاد شوروی، کادر اداری سیاسی را تحت کنترول کمیته مرکزی قرارداد نه تحت اداره وزیر دفاع.

با این تفسیر باید يك هرم مستحکم افسران سیاسی حزبی و طرفدار امین قدرت را بدست داشته باشند و توسط ایدولوگ حزبی مراقبت شوند.

در تابستان گذشته يك دسته از افسران مخالف، بنام رقبای تره کی که پلان سقوط رژیم را درس داشتند، بازداشت گردیدند و این فرضیه سقوط رژیم باعث گردید تا باردیگر اردو را از بالا تا پایین پاک کاری کند.

اما اردو که بحالت آماده باش دائمی قرار داشت از این کار خسته شده و يك تعداد شان که به مبارزین پیوسته از خدمت زیر بیرق وهم از جنگ می گریختند. عامل بی اعتمادی مردم رابه رژیم فراهم کردند. مثال های زنده آن قیامهای خونین قشله های عسکری هرات، جلال آباد و بالاحصار کابل می باشند.

بهر اندازه که رژیم تره کی و امین در برابر مخالفین از شدت عمل کار بگیرد و حاضر به سازش با مخالفین نگردد تا کنترول سیاسی را بدست آورد بهمان تناسب در زور آزمایی با طرفین رول سرنوشت ساز اردو بیشتر تبارز می کند.

از جزئیات تقرب روابط بین کدر رهبری حزب و راس اردو بین کابل و ماسکو معلوم می شود که امین تحت فشار اتحاد شوروی مجبور گردید تا در اخیر ماه مارچ قدرت اردو را به اسلم وطنجار بسپارد و وطنجار از پست کمتر فعال وزارت داخله به وزارت دفاع ارتقا کند. همچنان ثابت است که چهارماه بعد از این جریان امین در اثر يك کودتای داخلی در حزب توانست باردیگر خود را توسط تره کی به کرسی وزارت دفاع بنشانند.

امین در مصاحبه ای با هفته نامه دی سایت Die Zeit این تغییر و تبدیل را چنین شرح داد که : « بمنظور اینکه وزارت دفاع بهتر رهبری شود و در برابر تجاوزات قوای بیگانه در حریم افغانستان بشکل موثرتر جواب داده بتواند و همچنان اوامر رئیس دولت

تره کی را بنحو بهتری جامه عمل پوشانید، این تبدلات لازمی پنداشته شده است.

اما اردو اعتماد خود را از دست داده است:

قوماندانان تانک رنگ پریده که توانست قصر مستحکم رئیس جمهور داود را برای موفقیت انقلاب بشکنند، نتوانست و یا نخواست که در تقسیم چوکی ها موقف خود را تثبیت کند. از این طرز چوگان بازی با وطنجار این تصور پیدا می شود که با وجود پاك كاری ها در اردو و تثبیت قوای موثر اردو، امین و تره کی هنوز هم از تعیین يك افسر نظامی در رأس اردو مطمئن نیستند.

۳- موقف روسها :

« بدون تقویه قوای شوروی این رژیم تا امروز وجود نمیداشت و از صحنه سیاسی اخراج میشد ». این نظریك متخصص نظامی يك مملکت غربی است.

اتحاد شوروی مهار هسته اصلی اردو را توسط ۱۲۰۰ الی ۱۵۰۰ مشاورین نظامی روسی بدست دارد. تعداد مشاورین درختم دوران سردار داود به دو صد نفر میرسید. سلاح و مهمات ساخت اتحاد شوروی و بکار انداختن موثر آن با مشوره این متخصصین توانسته مورال يك كتله عساکر را از سقوط نجات دهد.

سرکوبی قیام بالاحصار، غند توپچی فرقه جلال آباد و کشتار عام مردم کنرها از نظر کارشناسان غربی يك عملیه، دقیق نظامی شوروی شمرده میشود زیرا موفقیت این پروسه ها بدون رهبری مراکز قوماندانی، مراکز مخابراتی و مراکز سیار آن توسط متخصصین شوروی غیر ممکن بود. آتشباری با مدرنترین سلاح مخرب توپخانه و آتشباری با هیلوکوپترهای نوع MI-24 که بیست فروند آن در میدان های هوایی بگرام و کابل در حال آماده باش دیده می شود، توانست توسط پیلوتهای روسی قیامهای نظامی و مردمی را خنثی گردانند.

ماسکو نه تنها در قسمت نظامی با رژیم کابل متعهد گردیده بلکه در رشته های اقتصادی، سیاسی و ایدولوژی نیز سرمایه گذاری کرده است. (۵۰۰۰) متخصص روسی در وزارت خانه های تجارت، زراعت، مالیه، پلان، صحیه و معارف امور اداره امور را بدست گرفته و با امضای ۲۹ قرار داد، بعد از سقوط رژیم داود، شرائین اصلی کشور را بدست آورده اند. امضای قرار داد مورخه ۵ دسامبر ۱۹۷۸ مهرو تاپه ای « یکی از اعمار

شوروی» را در خود دارد که رهائی از چنگ آن ممکن نیست. باوجود این همه سروصدا و گیرودار اوضاع امروزی افغانستان بدلتخواه حکام اتحاد شوروی نمی باشد.

اگر قدمی به عقب گذاشته و تاریخ منطقه را از نظر بگذرانیم می بینیم که در قرن گذشته تزارهای روسی این آرزو را در سر میپروراندند تا افغانستان را در ساحه نفوذ خود داشته باشند. بازتاب این مطلب در اعلامیه سال ۱۸۳۹ پیترسبورگ بطور واضح دیده می شود. درباره همه این مطالب و جنگ شمشیر در قرن ۱۹ بین امپراطوری های روسی و انگلیسی رودیارد کیپلینگ R.Kipling در اثر خود زیر عنوان « بازی بزرگ » دقیق و به تفصیل شرح داده است. طوریکه می بینیم این بازی بزرگ در قرن بعدی بین ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی در نظم جدید «اقتصاد کوریایی» تعقیب و دوام پیدا کرده است.

فراموش نباید کرد که در ابتدا شاه امان الله در سال ۱۹۱۹ کمکهای نظامی و مشاورین روسی را در مملکت وارد کرد که سلسله این رابطه ها در سالهای ۱۹۵۰ منجر بانحصار توريد سلاح و مهمات شوروی گردید همچنان هزاران متخصص روسی بکشور سرازیر گردیده و نسل جدیدی از افسران اردو افغانی در اتحاد شوروی تحت تربیه نظامی گرفته شدند. اما باوجود این روابط نزدیک نظامی و اقتصادی در گذشته این کشور هیچگاه تا این حد مانند امروز در سینه شوروی نچسپیده بود می توان ادعا کرد که قرابت امروزی شوروی با رژیم کابل به تناسب روابط هردو کشور در گذشته ضرر بیشتر برای اتحاد شوروی بار آورده است. زیرا ما شاهدیم که :

۱- دشمنی باروس در این کشور مستقل درین مردم با اتباع روسی بسیار اوج گرفته است.

دربازار به زنهای روسی که مصروف خریداری می باشند حمله شده بالگد تگریهای خوراک و سامان شان بر روی خاک پاشان می شوند. مردهای روسی بهترین هدف برای تفنگ و کارد مردهای مبارز افغانی میباشند. در قتل عام اخیر اتباع روسی يك نرس انگلیسی توانست تنها با فریاد کشیدن « بی بی سی - بی بی سی - بی بی سی » نجات پیدا کند وگرنه هر کسیکه شباهت به روس داشت از بین برده میشد.

۲- تره کی و امین، هردوکسانی نیستند که مانند لعبت کوکی با فشار دکمه توسط شوروی برقصند. در سفر اخیر تره کی در سامبر گذشته به اتحاد شوروی از طرف رهبران کرملن به وی تفهیم شد تا در برابر مردم راه آشتی را در پیش بگیرد و اینکه با شدت انقلابی، تطبیق ریفرمها را تحت فشار، ترور توسط قوای پولیس و پاک کاری اداره و اردو، مردم را از نظام جدید منزجر سازد و تره کی با وجود اینکه در ماسکو بلی گفت ولی در برگشت به کابل خلاف فرمایشات کرملین عمل کرد. ضمن محفلی در سفارت یکی از کشورهای بلاک شرق در صحبتی سفیر آن گله کنان اظهار داشت که: «این همه متخصص در افغانستان به چه درد میخورد وقتی افغانها بمشوره آنها عمل نکنند»؟ .

۳- روسها ناخواسته وی خبر از واقعیت درمنجلا ب جنگهای قومی افغانستان کشانیده شده و در پهلوی رژیم انقلابی رادیکال بیخرد که همدیگر خود را میکشند قراز گرفته است. دیپلماتهای شوروی در صحبت های رویاروی بچشم بدون انشا پردازی میگویند که: «رژیم کابل کاملاً بی اعتبار و کساد شده و غیر قابل احیاء دوباره بوده و محکوم بفنا است».

سوال در اینجاست که با این وضع افغانستان کرملین در آینده چه اقدامی خواهد کرد؟

آیا اتحاد شوروی با قوای نظامی خود به افغانستان تجاوز خواهد کرد؟ اکثر ناظرین سیاسی ممالک مختلف جهان وقوع این حالت را از احتمال دوری پندارند. زیرا تجاوز نظامی به يك کشور بیگانه نمیتواند تضمین کند که این کشور وحشت زده را آرام سازد. يك تجاوز نظامی در این کشور اتحاد شوروی را بموقف ماجرای ویتنام می کشاند و در صحنه بین المللی ارزشهای بزرگی را خلق کرده و موقف شوروی را در جهان با صدمه های غیر قابل پیشبینی که شوروی این بهای سنگین را در بدلش متقبل شود. از طرف دیگرها کردن و تنها گذاشتن افغانستان در وضع فعلی برای شوروی مغرور، باختن حیثیت وی در اذهان جهانی می باشد و همچنان در انتظار کشور های جهان سوم بدبینی و عدم اعتماد در برابر سیاست شوروی خلق خواهد کرد که قبول این شکست سیاسی از تحمل شوروی دور است.

آیا تشکیل يك فینلند آسیایی حل معضله را ببار می آورد؟

این تیوری و طرز دید دومی را باید با واقعیت‌گرایی تحت مطالعه عمیق‌تر قرار داد. کمک‌های نظامی برای رژیم تره کی طوریکه فعلاً جریان دارد دوام کند و رژیم کابل حالت غیر فعال سیاسی را درپیش گیرد و درپی آزار مردم نباشد و شوروی بیشتر از اوضاع مراقبت کند با امید روزی بماند که دروضع فعلی افغانستان تغییر مثبت بوجود آید.

موقعیت ژئوپولیتیک افغانستان که دارای ۱۲۰۰ کیلومتر سرحد مشترک با اتحاد شوروی باشد در سیاست و موقف امریکا در قبال قضیه افغانستان علاقمندی صریحی مشاهده می شود. امریکا علاقه مند است که در افغانستان نظام ثابتی پیروهرسیاستی که باشد بوجود آید، با امریکا اتحاد شوروی راه مصالحه را درپیش گرفته بتواند.

باید متوجه بود که برای روسها قبول بنای يك رژیم سنتی ملاها و اقوام کار ساده ای نیست تا نظام ملاها مانع پیشرفت و انکشاف در سیر تمدن میگردد. همچنان باعث ناآرامی مذهبی در جمهوریت های آسیایی می شوند که این به ذات خود مشکل دیگر و بزرگتری را برای اتحاد شوروی خلق میکند. از خلال تحلیل‌ها میتوان چنین نتیجه گرفت که آرزوی ماسکو درباره ساختار سیاسی آینده افغانستان طوریست که این کشور هویتی مانند « فینلند آسیایی » را کسب کند طوریکه این کشور در ساحه نفوذ دایمی اتحاد شوروی قرار گرفته و در عین زمان بخش منطقه آزادی را در این کشور باز کند، که از پاکستان گرفته تا ایران بشمول ترکیه از این ناحیه منحیث «بازار آزاد» استفاده کرده بتواند.

برای اینکه موقف رهبران رژیم کابل راجع به طرز دید رهبران کرملین تحت مطالعه بیشتر قرار گرفته بتواند در ماه می ۱۹۷۹ در سیناریوی سیاسی کابل واسیلی سفرانچوک Wassili Safrandschuk بحیث ژارژدافر سفارت شوروی در کابل اداره را بدست گرفت و اقدام به فعالیت‌های گسترده ای کرد. این شخص در گذشته بحیث سفیر شوروی در گانا اجرای وظیفه میکرد و بعداً بحیث معاون نماینده دایمی شوروی در ملل متحد و قبل از مقرر شدن در کابل بحیث معاون آمریت شعبه اروپای غربی در وزارت خارجه وظایف عمده داشت. او کسیست که در بین مامورین ادارات مختلف بحیث يك فرد پرکار

وحاکم در امور شهرت دارد. وی مداخله نظامی اتحاد شوروی را در این کشور بصورت مطلق رد میکند و با اظهارات «امروز، در اینجا و در این زمان» مداخله شوروی را بصورت قطعی قابل سوال میداند. وی ماموریت خود را در این کشور در یک سطح وافق دیگری مبیند و در صحبت خود پیش رفته اظهار میدارد که: «فورمولی را پیدا و تطبیق کرد تا رژیم کابل در اساس توسعه بخشند». وی عقیده دارد که در کدر امروزی کابل بایست اشخاصی جستجو شوند که جانشین تره کی و امین گردیده بتوانند هر شخصیتی که مورد قبول جامعه شده بتواند.

در این مقطع زمان حفیظ الله امین بطور رعد آسا به کودتای در کابینه دست زده و امور وزارت دفاع را به قبضه خود در آورد و سفرانچوک از این تاریخ به بعد خود را کنار کشیده و در برابر این بازی ناخوش آیند با چهره خندان انتظار روزی را می کشد که امین «مرد قوی و یکه تاز» از تشنگی قدرت بحدی خسته شود که بنام کوچ گناهکار تاپه زده شده و از صحنه سیاسی کنار رود.

رژیم کابل تلوتلو میخورد، لیکن سقوط نمیکند.

تا امروز ستونهای قدرت رژیم تره کی و امین تلوتلو میخورند اما هنوز سقوط نکرده اند پیش بینی وقوع هر نوع امکانات جدیدی میسر است. این کندوی باروت میتواند هر لحظه منفجر گردد لیکن حتمی نیست که انفجار کند جای تعجب نیست که حتی میتوان در این هوای گرم کابل بالای این کندوی باروت نشست.

هوای کابل نسبت کششها خفه کننده است و امریکاییها اتباع خود را از مملکت بیرون میکشد. لیکن گارد نظامی مارین امریکا در هتل انتر کانتیننتال شب را بر قصر میگذرانند و مخمور از مشروب تبصره میکنند که: «بعد از ششماه به این کشور باز میگردیم».

از گوشه ای هتل، قصر تابستانی عبدالرحمن پادشاه ظالم افغانستان در زیر روشنی کم رنگ مهتاب بچشم میخورد ولی او مردی کار فهم و شجاعی بود که توانست در اخیر قرن گذشته در این کشور زیبای کوهستانی با ترور، ترس و شکستادن قدرت ملاها بیست و یکسال پادشاهی کند و بیش از چهل بار قیام مردم را سرکوب نماید.

در تراس صدای موسیقی از داخل هتل بگوش میرسد و سراینده با صدای گیرای خود

میسراید:

« خیالی را در خواب دیدم که مرا به سوی واقعیت ها راهنمایی میکند. »
 بعد از چند لحظه قیود شبگردی بر شهر حکم فرما گردیده و نورافکنهای قوی
 نظامیان بالای قتل کوه های اطراف شهر برقص های شبانه خود آغاز کردند.

۱۸-۸-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:
 حکام کابل تا هنوز تنها بوسیله ترور و شکنجه قدرت را بدست دارند:
 عساکر بجان یکدیگر افتاده و میکشند، محابس که بیش از حد گنجایش انسانها در آن
 ها انبار شده اند و هر روز کسانی بدون فیصله محکمه تیرباران می شوند.
 تعداد بیشمار مراکز شکنجه در مناطق مختلف شهر تشکیل شده.
 اینست واقعیت ها در کشوریکه مردمان آن بحالت رقتبار زندگی میکنند.
 این راپور که توسط جان دوله گیویر Jean de la Gueriviere خبرنگار اختصاصی
 روزنامه پاریس Le Mornde تهیه گردیده سند نیست که مطالعه آن انسانرا بلرزه
 میاندازد.

يك رژيم دست نشانده بیرحم، قبول شده، ماسکو، که با ترور و تانکهای روسی از
 قدرت خود حمایت میکند هر روز باعکس العمل شدید ملت مواجه میگردد.
 خبرنگار موصوف مخفیانه در مرکز شهر کابل مهمان يك دوستش بوده که
 در همسایگی منزل وی یکی از مراکز شکنجه رژیم قرار داشت. مهماندار حکایت میکند
 که بارها صدای ناله و فریاد مردمان را از این خانه شنیده و همچنان کسانی که زنده
 از شکنجه می برآیند تلوتلو خوران در سرکها دیده شده اند. رژیم سرخ نمیخواهد این
 شکنجه ها بیسروصدا باقی بماند، زیرا میخواهند مردم را با این اعمال خود بترسانند.
 امروز در آن محبسی که در بیرون شهر باگنجایش ۶۰۰۰ نفر اعمار گردیده بود بیشتر
 از ۱۲۰۰۰ نفر انباشته شده است در زمره آنها عساکری که برخلاف رژیم قیام کرده اند نیز
 شامل میباشند. اکثر این عساکر بعد از طی يك مدت کوتاه حبس، دسته جمعی
 تیرباران شده و نیمه جان زیر خاک توسط بلدوزر دفن میشوند. این انسانهای مظلوم
 مجبورند قبل از اعدام لباسهای خود را از تن بیرون کنند و قبرهای دسته جمعی خود

را خود حفر کنند .

یکتعداد دیگر محبوسین از شروع حبس باینطرف بنام مخالفین رژیم زندانی هستند که اینها مربوط به قشر زمیندار، دهقان و تاجر میباشند. قرار راپور عینی شخصی که تازه از محبس رها گردیده در این محبس روزانه نزدیک به سی نفر اعدام میشوند و بازماندگان آنها صرف بار د کردن لباسهای پاک از طرف موظفین ازمرگ شان باخبر می شوند.

قرار راپور لوموند يك تعداد بیشمار این اشخاص نسبت نبودن جای کافی برای نواردان اعدام شده اند.

ازتعداد اردوی کشور که روز بروز کاسته میشود در اردو يك تعداد «عناصر غیرقابل اعتماد اردو» وقتاً فوقتاً پاک کاری میشوند. عساکر طرفدار رژیم مجبورند در برابر مسلمانان متعصب که برای آزادی کشور خود و عقیده خود می جنگند، دفاع از رژیم منفور ملت بکنند. اما پاسداران عسکری که با برادران مسلمان خود، بیرون از قشله های شان رابطه دارند حین پهره داری افسران خود را میکشند و همین گونه افسران نیز بدون دلیل عساکر عادی را میکشند.

بدون کدام مشکل و یا حل کدام معمی میتوان گفت که در این کشور مصیبت رسیده درهیچ جا امنیت وجود ندارد و ۸۰٪ مملکت توسط مبارزین اسلامی کنترل میشود.

سپتامبر

سپتامبر ۹۷۹ راپور سازمان عفو بین المللی:

ایندکس نمبر ۷۹/۴/۱۱ لندن :

بعد بازدید هیئت سازمان عفو بین المللی از شهر کابل و تماس با منابع مختلف لست مربوط به محبوسین و کشته شده گان طی ایندکس فوق در لندن نشر گردید:
(از ترجمه تفصیل راپور صرف نظر شد، صرف به ثبت نامها اکتفا گردید)
محبوسین: (ضمیمه ب)

- غلام محمد شیرزاد تقریباً ۷۵ ساله، سابق وزیر تجارت ۱۹۵۷ الی ۱۹۶۳، وزیر معادن و صنایع ۱۹۴۵ الی ۱۹۵۰، سفیر کبیر افغانستان در پاریس، از اخیر اپریل باینطرف بدون فیصله محکمه در زندان پلچرخی کابل.

- عبدالقادر سلیمان، سابق شارژدافر افغانی در جا کارتا، از اخیر اپریل باینطرف بدون فیصله محکمه در زندان پلچرخی .

- احمد علی سلیمان، سابق وزیر در بار از ۱۹۵۳ الی ۱۹۶۳، وزیر معارف از ۱۹۳۳ الی ۱۹۳۸، وزیر صحیه از ۱۹۴۰ الی ۱۹۴۷، بدون فیصله محکمه در زندان پلچرخی.

- علیشاه سلیمان، جنرال اردو متقاعد بدون فیصله محکمه در زندان پلچرخی .

- غلام محمد سلیمان، سابق معین وزارت خارجه از ۱۹۵۶ الی ۱۹۶۳، سفیر افغانی در چکوسلواکی، پاکستان و ترکیه، بدون فیصله محکمه در زندان پلچرخی .

- عزیز الله واصفی، سابق وزیر زراعت از ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۸، بدون فیصله محکمه در زندان پلچرخی .

- سلطان عزیز ذکریا، سابق والی قندهار، بدون فیصله محکمه در زندان پلچرخی.

- پروفیسور عبدالحکیم ضیایی، سابق قاضی القضاات و رئیس ستره محکمه تاسال ۱۹۷۳ الی ۱۹۶۶ فعلاً در باره موقف وی معلوماتی بدست آورده نشد.

- عبدالاحد کرزی، معین شورای ملی بعد از ۲۷ اپریل بازداشت وبدون فیصله محکمه در زندان پلچرخی.

- داکتر صباح الدین کشکی، وزیر اطلاعات و کلتور (۱۹۷۲-۱۹۷۳) در اوخرویا

آغاز ماه می بازداشت شده بدون فیصله محکمه در محبس پلچرخی .

- محمد ابراهیم مجددی، شخصیت سرشناس و محترم روحانی کشور (قلعه جواد) با ۴۲ نفر از اهل بیت وی بشمول زنان و اطفال بتاریخ ۱۸ جنوری ۱۹۷۹ بازداشت گردیده و قرار راپور در حدود دوصد نفر از اعضای فامیل مجددی، از هرات، قندهار، پغمان ولوگر نیز بدون فیصله محکمه بازداشت شده اند. قرار معلوم پنج نفر از اعضای فامیل مجددی شکنجه شده اند.

- انجنیر جمعه محمد محمدی، وزیر آب و برق (۱۹۷۶-۱۹۷۸) رئیس فاکولته طب و پوهنتون کابل در اخیر ماه اپریل ۱۹۷۸ بازداشت گردیده و از آن مدت بیعد بدون فیصله محکمه در زندان پلچرخی.

- دکتر عبدالله عمر، سابق وزیر صحتیه (۱۹۷۵-۱۹۷۸) در اخیر ماه اپریل ۱۹۷۸ بازداشت گردیده و در محبس پلچرخی.

- عبدالرحمن پژواک، شاعر و نویسنده، سابق نماینده دایمی افغانستان در ملل متحد (۱۹۵۸)، رئیس بیست و یکم اجلاس اسامبله عمومی ملل متحد در سال ۱۹۶۶. سفیر کبیر افغانستان در بن، دهلی جدید، صاحب چندین تالیف، بعد از ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ بازداشت شده و بدون فیصله محکمه در زندان پلچرخی.

- دکتر میرعلی اکبر، رئیس شفاخانه جمهوریت بتاریخ ۱۷ اگست ۱۹۷۹ به اتهام خیانت برخلاف رژیم بازداشت و به محبس پلچرخی انتقال داده شده است.

- انجنیر عبدالتواب آصفی، سابق وزیر معادن و صنایع (۱۹۷۵-۱۹۷۸) در اواخر ماه اپریل ۱۹۷۸ بازداشت و در محبس پلچرخی انتقال داده شده است.

- انجنیر عبدالکریم عطایی، سابق وزیر مخابرات (۱۹۷۵-۱۹۷۸) و سابق رئیس رادیو افغانستان (۱۹۷۳) در اخیر ماه اپریل بازداشت شده و بدون فیصله محکمه در محبس پلچرخی محبوس است.

- محمد ایوب عزیز، سابق والی قندهار، در اخیر ماه اپریل بازداشت شده و بدون فیصله محکمه در محبس پلچرخی محبوس است.

- نوراحمد اعتمادی، سابق صدراعظم افغانستان (۱۹۶۷-۱۹۷۱) سابق سفیر کبیر افغانستان در روم، ماسکو و اسلام آباد (تامه اپریل ۱۹۷۸)، در اواخر ماه اپریل ۱۹۷۸ بدون فیصله محکمه در محبس پلچرخی.

- عبدالحکیم، سابق والی ولایت کابل (۱۹۷۷-۱۹۷۸)، سابق وزیر زراعت (۱۹۶۹-۱۹۷۱) بتاريخ ۳۰ اپریل ۱۹۷۸ بازداشت و بدون فیصله محکمہ درمحبس پلچرخي .

- دکتور ولید حقوقی، حقوقدان معروف، سابق وزیر قوانین، (شاید مقصد وی لوی حارنوال باشد. مولف) در دوران کار رئیس جمهور محمد داود تحت نظارت در منزل بوده و در تابستان ۱۹۷۸ بازداشت و بدون فیصله محکمہ درمحبس پلچرخي .

- دکتور عبدالصمد حامد، سابق وزیر پلان و معاون صدارت (۱۹۶۷-۱۹۶۹) بعد از ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ بدون فیصله محکمہ درمحبس پلچرخي .

- انجنیر محمد کبیر، سابق وزیر فواید عامه (۱۹۵۵-۱۹۶۳) یک هفته بعد از ۲۷ اپریل بدون فیصله محکمہ بازداشت و در زندان پلچرخي محبوس است.

- عبدالکریم حکیمی، سابق رئیس وادی هیرمند، والی هرات، وزیر مالیه در اوایل ماه می بدون فیصله محکمہ در پلچرخي .

اشخاصیکه بعد از ۲۷ اپریل بازداشت گردیده و کشته شده اند: (ضمیمه ث)

- وحید عبدالله، وزیر خارجه حکومت رئیس جمهور محمد داود (۱۹۷۷-۱۹۷۸)، قرار راپوری وی بتاريخ ۳ اپریل ۱۹۷۸ بدون محکمہ کشته شده است. وی بجرم اینکه سندی را بطرفداری از رژیم موجود امضا نکرده در زیر زمینی عمارت وزارت دفاع بقتل رسیده است.
- محمد اکبر، رئیس دفتر رئیس جمهور محمد داود در ماه اپریل ۱۹۷۸ بازداشت گردیده و سه ماه بعد از زندان پلچرخي به محل نامعلومی انتقال داده شده قرار راپور واصله وی بقتل رسیده است.

- محمود فارانی، نویسنده معروف کشور، ژورنالیست و منتقد ادبیات در وزارت اطلاعات کشور در نظام گذشته وظیفه داشته است. قرار راپور وی در اخیر ماه اپریل ۱۹۷۸ بازداشت گردیده و فوراً کشته شده است.

- صلاح الدین غازی، پسرکاکای رئیس جمهور محمد داود. در ماه اپریل ۱۹۷۸ بازداشت گردیده و در محبس پلچرخي انتقال داده شده است. در ماه اگست ۱۹۷۸ از محبس پلچرخي به محل نامعلومی برده شده که بیم آن میرود کشته شده باشد.

- صاحب جان، قوماندان و رئیس گارد رئیس جمهور محمد داود بعد از کودتای ۱۹۷۸

کشته شده است.

- باز محمد منگل مصاحب و پسرش مجید منگل یاور نظامی رئیس جمهور محمد داود بعد از بازداشت به زندان پلچرخی انتقال داده شده و از آنجا در ماه اگست ۱۹۷۸ به محل نامعلومی انتقال داده شده. طوری مینماید که هر دو قتل رسیده باشند.

- محمد رحیم پنجشیری، مصاحب پادشاه سابق افغانستان، محمد ظاهر شاه، بازداشت گردیده و کشته شده است.

- وفی الله سمیعی، وزیر عدلیه حکومت محمد داود (۱۹۷۷ الی ۱۹۷۸) در ماه اپریل بازداشت گردیده و به زندان پلچرخی انتقال داده شده. بعد از مدت سه ماه بمحل نامعلومی انتقال گردیده و قرار راپور سازمان عفو بین المللی کشته شده است.

- محمد موسی شفیق، وزیر خارجه (۱۹۷۱-۱۹۷۳) و صدراعظم افغانستان (۱۹۷۲-۱۹۷۳)، بتاريخ ۱۷ جولایی ۱۹۷۲، بعد از بقدرت رسیدن رئیس جمهور محمد داود بازداشت گردید و در سال ۱۹۷۶ از حبس رها شد. در اخیر ماه اپریل ۱۹۷۸ از طرف رژیم موجود باردیگر بازداشت گردیده و کشته شده.

۱-۹-۱۹۷۹ ساعت ۱۱ قبل از ظهر

گردهم آبی در هتل بازیله هوسپیس :Baseler Hospiz Espalanade

اشترک کنندگان مجلس :

- عبدالستار سیرت

- تاج محمد تاج

- حامد محمود

- صدیق حیدر

- محمد عیسی صیامی

- دکتور محمد جلیل شمس

- دکتور نعیم اسد

- دکتور حمید محمود

- آقای هنری

- انجنیر احسان الله مایار

در آغاز مجلس عبدالستار سیرت که در این اواخر از پاکستان بازگشته در باره گروه های مقاومت افغانی و طرز دید شان به تفصیل صحبت کرد. سیرت ضمن صحبت خود گفت که خود بخود وظیفه داده تا با گروهها و اشخاص مستقل، خارج از افغانستان تماس برقرار نموده و اساس يك جبهه وسیع مقاومت با هسته سیاسی را بكمك افغانها بوجود آورد. همچنان سیرت درباره مذاکرات دوهفته قبل خویش با اعلیحضرت محمد ظاهرشاه و جنرال عبدالولی در روم نیز معلومات داده گفت که درین باره موافقه شان حاصل شده است.

وی این تحریک را بنام «مرکز شورای انقلابی» معرفی کرده و گفت در نظر است تا مرکز آنرا در آلمان غرب تاسیس شود و در رأس این وظیفه دکتور جلیل شمس را پیشنهاد نموده و علاوه کرد تا دونفر دیگر نیز درین مرکز همکاری کنند.

بعد گزارش جریانات توسط سیرت، صحبت بیشتر درباره سهمگیری افغانها و بسیج گردانیدن شان میجرخید مجلس به ساعت ۴.۳۰ خاتمه یافت و قرار شد تا در آینده قریب باهم دید و هر يك در مورد توسعه این مفکوره با افغانها در تماس شوند.

۳-۹-۱۹۷۹ فرانکفورتر الکیماینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب :

خون بهای مبارزین افغانی از روسها گرفته می شود :

خبرنگار بحواله روزنامه ستتمن Statesman طبع کلکته مینگارد :

افغانستان برای اتباع شوروی جای آسایش نیست، زیرا هر روز نفرت مردم را در برابر خود بیشتر از پیش حس میکنند. روسها که رژیم نورمحمدتره کی را تقویه می نمایند هر روز بمشکلات بیشتری با مبارزان افغان روبرو میشوند. قرار راپور واصله در این اواخر ۳۰ نفر از توریستهای شوروی در قندهار بشکل فجیعی کشته شده اند و هنوز که از قتل عام ۶۰ از اتباع شوروی درهرات مدت زیادی نگذشته واقعه اخیر در قندهار بین اتباع شوروی هراس بیشتری خلق کرده است. این نوع کشتارگرچه در میان مردم بیگناه قابل قبول نیست اما مبارزین افغانی تائید رژیم کابل را توسط اتحاد شوروی ، سیاست نادرست و برخلاف مردم و آزادی کشورشان میدانند.

۳-۹-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب :

نورمحمد تره کی رئیس دولت افغانستان در راه عزیمت جانب هاوانا به ماسکو مواصلت کرد. رژیم طرفدار شوروی در کابل با مبارزین افغانی در جنگهای شدیدی دست بگریبان است.

۸-۹-۱۹۷۹ لاس انجلس تایمز Los Angeles Times ایالات متحده :

اتحاد با امریکا يك نوع تظاهر است:

رهبر پاکستان اظهار داشت که وی سیاست بیطرفی کشورش را ترجیح میدهد:
هاوانا :

رئیس جمهور پاکستان جنرال ضیاء الحق ضمن مصاحبه ای با خبرنگار لاس انجلس تایمز در باره روابط پاکستان با افغانستان اظهار داشت که: « وی علاقه ندارد درباره روابط شخصی خود با رهبر رژیم کابل، نور محمد تره کی، زیاد صحبت کند جنرال ضیاء مختصراً اظهار داشت که با تره کی درباره نگرانی هایش نسبت به آزادی بیان و دین در افغانستان صحبت کرده است.»

وی علاوه کرد که ضمن صحبت: « تره کی برایم گفت که من مسلمان هستم و من بجوابش گفتم که من در کشورم ۱۷۰۰۰۰ نفر مهاجر افغانی دارم و آنها این نظر شمارا که مسلمان هستید، باور ندارند. وتره کی در جوابم اظهار داشت که « این تعداد به نسبت ۱۶ میلیون نفوس در اقلیت قرار دارند.»

۱۲-۹-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمابنی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

بریژنیف تعهد کرد تا برای تره کی کمکهای بیشتری بدهد :

ماسکو- ۱۲-۹-۱۹۷۹ (رویترا)

نظر به ادعای تره کی رهبر رژیم طرفدار شوروی اوضاع سیاسی در افغانستان حالت ثبات پیدا کرده. تره کی در ختم مذاکرات رسمی خود در ماسکو ضمن مصاحبه ای با روزنامه

نگارآژانس تاس اظهار داشت که ملت افغان روز بروز اطمینان حاصل می کند که نظام جدید در کابل برای خوشبختی شان کار میکند، تره کی برای مدت دو روز بعد از بازگشت از هاوانا بنا بر دعوت رسمی حکومت شوروی در ماسکو اقامت داشته و بروز دوشنبه با بریژنیف رهبر حزب کمونیست شوروی و رئیس دولت مذاکرات رسمی داشته، در این ضمن بریژنیف کمکهای شوروی را در راه مبارزه علیه عناصر ارتجاعی و دسیسه های امپریالیستی بوی وعده داده است.

۱۲-۹-۱۹۷۹ دی ویلت Diewelt آلمان غرب:

نابغهء کوچک افغان :

ماسکو: آژانس خبررسانی تاس از ماسکو راپور میدهد که در این هفته سید جلال طفل نه ساله افغان در یونیورسیتی ماسکویه تحصیل آغاز میکند. وی در نظر دارد تا تحصیلات خود را در شق انجینیری و ریاضیات به پایان برساند. پدر این طفل نیز در یونیورسیتی ماسکو مشغول تحصیل است. این طفل افغان در پنج سالگی توانسته که در ظرف ۴ ساعت تمام ارقام ریاضی را از بر کند و همچنان در ظرف یک هفته اساس الجبر را فرا بگیرد همچنان سید جلال در ظرف یکسال توانسته است سندبکلوریا یکی از مکاتب عالی کابل را بدست آورد.

نوت: خوانندگان متوجه خواهند شد، این طفل آنروزه امروز در راه صلح و وحدت افغانستان قدم های مثبت میگذارد. از بارگاه خداوند برای وی توفیق و برای جنگسالاران درایت میخواهم تا به ملت بیچاره افغان رحم کنند. (۱۶-۱۱-۱۹۹۸ مولف)

۱۴-۹-۱۹۷۹ فرانکفورترالگیمابنی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب :

افغانستان در حال تشکل «ویتنام» روسها ؟

تحلیل تفکر دو مکتب مختلف : از ادالبرت واینشتاین Adelbert Weinstein :

آیا شوروی با قوای نظامی خود در افغانستان تجاوز میکند؟

این سوال نه تنها در بین ناظرین سیاسی در کابل مطرح بوده بلکه در پابتخت های کشورهای همسایه نیز موضوع داغ روز است و سوال میکنند که قدم بعدی شوروی بعد از

این همه ناکامیهای دامنه دار در افغانستان چه خواهد بود؟ علی الخصوص امروز که حکومت کابل درباره اوضاع داخلی کشور خوش بینی نشان میدهد و ناظرین سیاسی را بیشتر مشکوک گردانیده است.

در جهان غرب دو مکتب بادو طرز فکر مختلف در برابر یکدیگر قرار گرفته اند:

اول: تحلیل کنندگان امریکایی عقیده دارند که اتحاد شوروی جرأت تجاوز مستقیم به افغانستان را ندارد. مجلس سنای امریکا در برابر موقفگیری اتحاد شوروی در کیوبا عصبانی شده و عقیده دارند تا معاهدات سالت ۲ SALT II را رد کنند این تصمیم باعث تیرگی روابط بیشتر بین اتحاد شوروی و ایالات متحده گردیده است. بادرک این موضوع و کشیده گی بین دو ابر قدرت بریژنیف نخواهد توانست با تجاوز قوای نظامی اتحاد شوروی در افغانستان موافقت کند و مشکل بزرگتری را برای خود خلق نماید. علاوه بر این مشکل در صورت شکست و از بین رفتن قوای مبارزین افغانی توسط قوای نظامی شوروی سبب عکس العمل های شدیدی در منطقه مخصوصاً در ایران خواهد شد.

از طرف دیگر تهران تا هنوز مردد است و تشخیص کرده نمیتواند که امریکا و یا شوروی کدام يك «دشمن خطرناک تر» انقلاب اسلامی ایران می باشد در این باره متفکرین ایرانی مصروف تحلیل و غور در آن باره هستند. در صورتیکه اتحاد شوروی با مداخله نظامی در یک کشور همسایه ایران اقدام کرده و قوای نظامی يك ابر قدرت در اینجا مستقر گردد، بدون شك این حالت دو دلی از بین رفته و قبل از همه حکومت شوروی نزد حکومت و مردم ایران من حیث مخالف و دشمن شان پنداشته خواهد شد و در پهلوی این طرز دید يك جنبه سیکولوژی نیز بروز میکند. امروز واضحاً در افغانستان و در حلقه قیام کنندگان افغانی گروه های شیعه مذهب افغانی نیز بر علیه رژیم دست نشانده شوروی شامل می باشند. گروه شیعه های افغانستان تقریباً ۴۰٪ نفوس این کشور را تشکیل میدهد و آیت الله خمینی را مقام رهبر مذهبی خود بینند و در نزد تهران تجاوز بر حریم افغانستان مستقیماً شیعه های افغانی را تهدید می کند و مخالفت با رهبر شیعه های افغانی مخالفت با آیت الله خمینی را ثابت می کند.

همچنان اتحاد شوروی باید در صورت تجاوز نظامی بالای افغانستان موقف خود را در برابر هندوستان مدنظر داشته باشد زیرا در صورت تجاوز نظامی بر يك کشور غیر وابسته با پکت های نظامی و غیر منسلک به روابط حسنه امروزی هند و شوروی صدمه خواهد رسانید.

مدافعین ناظرین ستراتیژی مکتب دومی عقیده دارند که شوروی بهیچ وجه حاضر نخواهد شد که «حیثیت» جهانی خود را به مخاطره اندازد اما در صورتیکه خطری را در افغانستان احساس کند، یقیناً به جلوگیری از این باخت «قیافه» سیاسی دست بکار شده و فی‌الغایت که چنین شکستی «مکتب رهنما» برای دیگران شود. این طرز تفکر اساساً بر موقعیت جغرافیایی افغانستان در منطقه بنیان گذاری شده است: «شهرکابل صرف ۴۰۰ کیلومتر از ترمز، شهر برنفسوس سرحدی اتحاد شوروی در جنوب، فاصله دارد و از طرف دیگر فاصله شهرکابل تا سینگیانگ صرف ۷۰۰ کیلومتر میباشد» موفقیت انقلاب اسلامی و قومی، بمقابل رژیم کمونیستی کابل مستقیماً از سرحدات کشور به اتحاد شوروی نفوذ کرده مشکلات عظیمی را برای اتحاد شوروی بیار خواهد آورد.

مختصراً می‌توان نتیجه گرفت که خبر سقوط رژیم تره کی در کابل از سرحدات جنوبی شوروی گذشته و در آنجا باعث ایجاد افکار دیگر خواهد شد. که قبول آن با خطرهایکه در کابل خود دارد از تصور کریم‌ن بدور است. از اینرو طرفداران این مکتب معتقدند در صورتیکه رژیم تره کی محکوم به سقوط گردد حکمرانان شوروی خواهی نه خواهی بایست اقدام به مداخله و تجاوز نظامی کنند.

۱۷-۹-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب :

تره کی سه نفر اعضای کابینه را بر طرف کرد

مبارزین افغانی بالای منزل ره‌ایش تره کی حمله کردند:

اسلام آباد: دی پی ای ، رویتر، ای پی Dpa.Reuter, AP :

چند ساعت بعد از تبدیلی در کابینه، مبارزین اسلامی بمنزل تره کی حمله کردند. این خبر را رسانه های پاکستانی نشر کرده است همچنان دیپلماتهای مقیم کابل از انفجار بمبها در حوالی قصر راپور داده و علاوه کرده اند که در اطراف دستگاه رادیو کابل پهره های تانکها تقویه شده است.

روزنامه جنگ پاکستانی راپور میدهد که روز شنبه اسلم وطنجار وزیر داخله و شیرجان مزدوریار وزیر سرحدات بر طرف و بازداشت شدند. در کابینه تره کی تنها همین دونفر از جمله افسران اردو میباشدند. به تعقیب بر طرفی و بازداشت آنها دونفر بنام های فقیر محمد فقیر

بحیث وزیر داخله وصاحب جان صحرائی بحیث وزیر سرحدات مقرر گردیدند. برعلاوه این تحولات انجنیر ظریف بعوض سیدمحمد گلابزوی بحیث وزیر مواصلات تعیین شده است. از شروع کودتای اپریل تا حال این چارمین بار است که درکابینه تغییر و تبدیل صورت میگیرد.

۱۸-۹-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب :

سردرگمی درباره سرنوشت تره کی :

عکسهای رئیس دولت، تره کی، از کابل جمع شده است:

جانشین تره کی، امین اعلام شد:

دهلی جدید، ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ راپورتر: توماس راس Thomas Ross

«مرد با قدرت نظام کمونیستی افغانستان» حفیظ الله امین جای تره کی را گرفت.

باساس اخبار رسمی تره کی روز دوشنبه بنا بر مریضی از جمله وظایف خود استعفا داد در کابل افواه است که تره کی در جریان يك زدو خورد بقتل رسیده است. بعد از نشر این خبر روز جمعه انفجار و صدای گلوله باری از داخل قصر شنیده شده و قرار خبر بعدی رئیس دولت تره کی در این زدو خورد ها زخمی شده و قوماندان قوای امنیتی وی کشته شده است. از قول رادیو کابل در زدو خورد های اخیر داخل قصر محافظ تره کی سید داود ترون و چهار نفر دیگر که هويت شان افشاء نگردیده کشته شده اند و درباره وضع و محل اقامت تره کی خبری نشر نشده است.

باساس راپور واصله از کابل بروز دوشنبه عکسهای تره کی از تمام دواير رسمی برداشته شده و تعداد بیشتر پاسداران از جاده های داخل شهر و مراکز عمده اداری مراقبت میکنند.

شام دوشنبه رادیو کابل اعلامیه ذیل را به نام تره کی با این متن نشر کرد: « بنا بر خرابی وضع صحی وضع اعصاب نمیتوانم وظیفه خود را بحیث رئیس دولت جمهوریت دیموکراتیک افغانستان و همچنان قادر نیستیم متباقی وظایفم را در پستهای حکومتی بشمول رهبری اداره سکرتریات عمومی حزب خلق طوریکه شایسته است اجرا نموده و آنرا پیش ببرم لذا از تمام پستهاییکه تا امروز داشتم استعفا میکنم».

باساس يك خبر رادیو کابل، شورای انقلابی رژیم کابل برای مدت ۴ ساعت جلسه داشته در این اجلاس تره کی از تصمیم خود به اعضای شورای انقلابی اطلاع داده از امین

خواسته تا وظایف ویرا که از آنها استعفا کرده بعهدہ بگیرد.

امین از مدتها باینطرف بحیث مردی که تمام رشته های اصلی قدرت را در دست دارد منفور مردم بوده و از وی هراس دارند. در این اواخر تره کی سعی می ورزید نزد جامعه نقش پدر ملت را بازی کند و در این بازی ها هردوجانب، تره کی و امین موافقه داشتند تا هرکدام یکدیگر را تحمل کنند و با این بازی در رول های تعیین شده، با کمک شوروی، در برابر مبارزین مسلمان و بزرگان قوم عملیات موثر تر نمایند.

تغییرات اخیر در کدر رهبری، از اینکه در این عملیه تا کدما حد دست شوروی دخیل است سندی وجود ندارد. احتمال میرود که شوروی از وقوع این حادثه غافلگیر شده باشد.

قرار معلوم تره کی بروز سه شنبه گذشته بعد از پذیرایی و وعده های بزرگ از جانب رهبران کریملین به کشور بازگشته در آن وقت علایمی وجود نداشت که وی زعامت خود را به شخص دیگری تفویض کرده و از صحنه سیاسی خارج شود.

۱۸-۹-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

کابل - Reuter / AP / AFF :

آیا حفیظ الله همین همکیش و همرزم خود را، بخاطر از دست دادن کمکهای شوروی از میان برداشت؟

«جلاد» در جنگ قدرت برنده شد:

رئیس دولت و منشی جدید حزب خلق افغانستان در بین ملت بنام «جلاد انقلاب» شهرت داشته و به این نام یاد میشود.

بازداشت و همچنان کشتن مخالفین رژیم در جمله اعمال کثیف رئیس حکومت و وزیر دفاع سابق تعیین شده و پولیس مخفی کشور تحت اداره مستقیم وی کار میکرد. وی دستگاههای جاسوسی ای را بکار انداخته بود که از مردم عام و اعضای حکومت برایش خبرچینی میکردند.

جنگ احراز قدرت بین تره کی و امین بعد از موفقیت کودتای ۲۷ اپریل خلق گردید و آنها تنها بمنظور ازین بردن رژیم محمد داود بکمک یکدیگر احتیاج داشتند و از هم استفاده می کردند و امین تا زمانیکه توانست قدرت خود را توسعه بخشیده و مستحکم سازد وجود

تره کی را تحمل نمود و وی در مدت دوران صدارت خود چند بار تغییراتی در کابینه آورد و در ماه جولای مقام وزارت دفاع را از نزد تره کی بدست آورد و امین از آن روز بعد یگانه مرکز قدرت شناخته شده که میتوانست هر آن خطری برای از بین بردن حکومت شود.

هدف امین آنست تا هر چه زودتر نظام مارکسیستی را عملاً در کشور تطبیق کند درین راه با سرعت عمل هر چه بیشتر و بدخواه دوستانش در مسکو عمل میکرد. این موضوع در هفتم ماه دسمبر سال گذشته در قرار داد دوستی منعکس گردیده است جریان حوادث چند روز اخیر طوری می نماید که از بوجود آمدن این تغییرات در کابل ماسکو غافلگیر شده است زیرا شش روز قبل حین بازگشت تره کی از کنفرانس سران ممالک غیر منسلک از هاوانا در کریملین بطور شایانی از وی پذیرایی گردید و رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی برایش وعده کرد، که شوروی بدون چشم داشت منفعتی خود، به کشور افغانستان کمک میکند. در مدت اقامت تره کی در ماسکو هیچ علامتی بنظر نمیخورد که منجر به چنین حادثه ای در کابل گردد، بلکه تره کی در صحنه سیاسی جهانی موفقیت‌های بزرگی را نصیب شده بود.

ناظرین سیاسی در ماسکو معتقد هستند، که امین درباره این تغییرات در افغانستان با اتحاد شوروی و مشاورین روسی در افغانستان مشوره نکرده، بلکه به صلاحیت خود به چنین عمل اقدام کرده است اما در نظر ندارد تغییری در ساختمان رژیم طرفدار شوروی در کابل وارد کند.

واضح است که امین از جریان جنگها در برابر مبارزین اسلامی دل خوش ندارد. در ۲۳ ولایت از جمله ۲۹ ولایات افغانستان قوای مبارزین افغانی بشکل یاغیان و یا مخالفین رژیم در برابر رژیم کابل می‌جنگند و همچنان مشاورین روسی که تعداد شان به ۲۰۰۰ نفر میرسد از جنگ غیر اقتصادی شکایت دارند، زیرا از وسایط و مهمات گرانبهای شوروی بصورت دقیق استفاده نشده و بهدر میرود.

نمکن است امین در برابر مبارزین اسلامی بیشتر از شدت کار بگیرد و به کریملین اتحاد تریخش خود را به اثبات برساند.

باگذشت زمان موقف مبارزین راه آزادی افغان روز بروز تحرك و قوت بیشتر پیدا میکند و گذشت سریع وقت به نفع ایشان تمام می شود. در این مدت مبارزین جانباز افغانی موقعیتهای مهمی را در دره های هندوکش و دیگر مناطق کشور تحت کنترل خود در آورده اند. دو ماه بعد

که برفباری آغاز می شود و راه عبور و مرور را مسدود میسازد برای مدت نامعلومی در این کشور کوهستانی آرامی نسبی حکمفرما خواهد گردید.

۱۹-۹-۱۹۷۹ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب :

اسلام آباد / دهلی جدید Dpa/AP :

آیا «شیطان بزرگ» برضد شوروی کودتا کرد؟

آیا رئیس دولت نورمحمد تره کی کشته شده است؟

برای محافل سیاسی شرق میانه و شرق اقصی شکی باقی نمانده که رئیس دولت افغانستان، نورمحمد تره کی، در جریان کودتای حفیظ الله امین بطور وحشیانه بخاک و خون کشانیده شده و روز گذشته در اثر جراحات وارده مرده است.

لیکن هنوز معلوم نیست امین که بالسان روسی بلدییت تام دارد و از اشخاص مورد اعتماد ماسکو شمرده میشود با «همکاری» اتحاد شوروی و یا «بدون آن» اقدام به این کودتا کرده است.

نسبت قیام مردمان مسلمان افغان در برابر کمونیستها، ماسکو بیشتر علاقه دارد تا رهبران رژیم کابل در برابر مردم از ملایمت کارگیرند. این توصیه را رهبران کریمین در بازدید اخیر تره کی در ماسکو تأیید کرده بودند. ماسکو بیشتر علاقه دارد که با علاقه تا در تمام کشورهای مسلمان نشین روابط مستحکم داشته باشد تا در یکی از این ممالک انقلاب اکتوبر را کاپی نماید. امین که در افغانستان بنام «شیطان» یاد میشود، با این عمل خود قبل از آنکه با شوروی استمراج کرده باشد، پیشدستی نموده و شوروی را غافلگیر ساخته است.

ماسکو که اقلأ ۲۰۰۰ مشاور نظامی و بیش از ۵۰۰۰ نفر متخصص اداری را در این کشور فوق العاده مهم از نظر استراتژیکی بکارگماشته است باید این اقدام خونین امین را بخوشی استقبال کند.

با آنهم بدانیم که مبارزین اسلامی در برابر این استثمارگران سرخ از مبارزه دست نمی کشند. با آنکه امین معاش عساکر اردو را دوچند ساخته است.

۲۰-۹-۱۹۷۹ بیلد Bild آلمان غرب :

آلات شوک برقی!

وسایل شکنجه روسی در دستگاه «قصابی» دیکتاتور:

کابل ای پی / ای اف پی AP/AFP

در مرحله اول بازداشت شدگان حین تحقیق تاسرحد بیهوشی لت وکوب و در ناحیه بطن و پایانتر از آن لگد باران و بعد از آن در زیر ناخن ها ویا در داخل معقد شوک برقی داده می شوند. همچنان از بعضی اشخاص ناخنهای شان کشیده میشود. این را پور چشمدید یکی از بازداشت شدگان است که برحسب تصادف جان سلامت برده و پرده از این جنایات برداشته است. آلات شکنجه! شکل میزهای جراحی شفاخانه ها را دارد که از شوروی وارد شده و در «مسلخ» وزارت داخله نصب است.

همچنان هر شب بین ۱۰-۴۰ نفر از مخالفین رژیم اعدام می شوند و بعلاوه از این هزاران نفر تا امروز شکنجه شده و در زیر شکنجه مرده و یا بعد از آن کشته شده اند.

۲۴-۹-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgermeine آلمان غرب:

کابل / رویتر Reute:

حفیظ الله امین در مصاحبه خود اظهارداشت: رئیس دولت تره کی مریض است و نمیتواند وظایف مهم جاریه کشور را کنترل کند. وی در برابر ژورنالیستان در باره افواهاات اخیر در مورد چگونگی وضع تره کی معلومات داده اظهارداشت تره کی در جریان حادثه ۱۴ سپتامبر کشته نشده بلکه بسیار مریض بوده در شهر کابل اقامت دارد، اما به کدام شفاخانه داخل بستر نشده.

وی در برابر سوال یکی از خبرنگاران که مریضی وی چیست مختصراً جواب داد: «من دکتر طب نیستم».

۲۵-۹-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

یک مرکز جاسوسی راپور میدهد که: «کریملین اقدام به تقویه قوای نظامی خود در کابل

کرده».

لندن: ماسکو در نظر دارد تا قوای خود را در افغانستان تقویه کند. بحواله يك منبع جاسوسی در سرینگر (کشمیر) روزنامه «دیلی تلیگراف» Daily Telegraph از لندن مینگارد شوروی در نظر دارد تا ۱۲ یونت نظامی تازه دم خود را به افغانستان اعزام بدارد. روز جمعه هفته گذشته ۱۰ یونت (کمپانی) توسط طیاره فرستاده شده. این گروه ها برای تقویت موقف رئیس جمهور جدید امین اعزام گردیده و در میدان هوایی کابل و بگرام در ۴۰ کیلومتری شمال کابل وظیفه گرفته اند. چنین مینماید که رژیم کابل پیشبینی حمله مبارزین افغانی را در این دو میدان هوایی دارد از اینرو برای حفظ ماتقدم هر دو میدان تقویه می شود.

علاوه بر این راپور، مراکز جاسوسی جهانی توسط ستلایت های استخباراتی خود از تجمع قوای نظامی در دوطرف ساحل دریای آمو در شمال افغانستان خبر میدهند. گفته می شود که اعزام قوای جدید با اساس تقاضای مرکز عملیات شوروی در کابل صورت گرفته است.

۲۷-۹-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

افغانستان - موقف امین تا کدام حد مستحکم است؟

آتشباری گلوله در پله های زینه قصر - تابوت پنجم از يك شخص مجهول .

راپورتر دیتریش مومیندی Dietrich Mommendey از کابل :

در کابل تعویض قدرت در پشت پرده صورت گرفته و زمانیکه پرده تیاتر بالا شد نعشهای اکت اخیر از صحنه ستیژ برداشته شده بود. از سرنوشت تره کی هنوز هم خبری نیست، افواه است که در یکی از شفاخانه های شهر کابل تحت معالجه می باشد.

سوال در اینجاست که صحنه های بعدی این درام چه گونه خواهد بود؟

تا کدام سرحد موقف رئیس دولت و رهبر حزب، حفیظ الله امین مستحکم است؟

موقف «دوست وفادار» افغانستان، اتحاد شوروی در برابر امین چگونه خواهد بود؟

از مدتها بوضاحت دیده می شود که امین رفیق دلخواه کریملین نمی باشد و «شوروی در جستجوی جانشین وی میباشد». این مطلب در صحبت های خصوصی بین مبصرین سیاسی گفته شده. اما بعضی ها معتقدند: «شوروی کسی دیگری ندارد که جانشین امین بسازد».

نزد مدافعین تیوری تعویض امین با شخص دیگری احتمال بازگشت سران حزب پرچم را در صحنه سیاسی کابل بصورت واضح مطرح شده قرار معلوم رهبران پرچم در یکی از پایتختهای بلاک شرق ویا احتمالاً در ماسکو انتظار بازگشت خود را به افغانستان دارند. اما برضد این گروه بعضی ها بقای امین را در اریکه قدرت چانس بهتر میدهند و عقیده دارند، شوروی حاضر نیست در این مدت کوتاه دست باقدامی زند که باعث نا آرامی بیشتر گردد.

هر تصمیمی که اتخاذ گردد، در این باره همه ناظرین متفق و همنظرند که اتحاد شوروی نظام کمونیستی طرفدار شوروی موجود را در کابل بدون جنگ از دست نمیدهد. اینکه امین بتواند از بدنامی خود نسبت جنایات گذشته اش رهایی یابد کار ساده ای نیست. امین در بیانیه اول خود از آشتی صحبت میکرد و اظهار داشت که در آینده هیچ فردی از اتباع افغانی بدون ارتکاب يك عمل ناجایز یازداشت نخواهد شد و همچنان دوسیه های انبار شده مجرمین تحت بررسی سریع قرار خواهد گرفت و کسانی که بیگناهی شان ثابت شود از محاسبات رها خواهند شد. در قدم اول اسم دستگاه استخباراتی وحشت ناک «اکسا» را به «کام» تبدیل کرد و برای دلداری و خوشی ملاها در بیانیه های خود همیشه جمله «احترام به اسلام» را تکرار میکند. و ضمن ایراد بیانیه های خود اظهار میدارد: «کسانی که مخالفت با اهداف رژیم میکنند و به کارگران صدمه میرسانند اشخاص خاین اند. اگر این اشخاص از روی ناهمی حرکت میکنند دهوانه هستند و باید اصلاح شوند».

کته کارگر که بایست نظام بر آن استوار باشد از رویداد واقعات پشت پرده ۱۴ سپتامبر اطلاعی ندارند از پرده تلویزیون دولتی مراسم تدفین چهار نفر «شهدا» را که از طرف عناصر ضد انقلاب کشته شده بودند به مردم نشان دادند. درباره اینکه این ها در چه راهی جوافردانه کشته شده اند چیزی گفته نشد و همچنان درباره میت داخل تابوت اسرار آمیز پنجم ذکری نرفت.

از روند شایعات شهر کابل که ممکن قرین به حقیقت باشد میتوان نتیجه گرفت در «کشور کارگران و دهاقین» حکمرانی تاچه حد مشکل و خطرناک است..

قراری که شنیده میشود معاون ضبط احوالات شخصی بنام نواب بروز ۱۴ ماه سپتامبر به حفیظ الله امین خبر داد که در برابرش دسیسه ای رویدست گرفته شده و اسدالله رئیس

دستگاه نیز در آن سهم دارد. ساعتی نگذشته بود که اسدالله از جریان صحبت نواب با امین اطلاع حاصل کرد. اسدالله، نواب را به بهانه ای بدفتر خود احضار کرد و حین داخل شدن وی در دفتر آمرش، اسدالله به یاور خود که قبلاً آماده گی داشت، اشاره کرده که نواب را بکشد. در این زدوخورد پس از کشته شدن نواب، یاور اسدالله نیز توسط محافظ نواب کشته شده است. بعد از کشتن نواب نعش او را به شفاخانه عسکری انتقال دادند و امین بلا درنگ از واقعه اطلاع یافته و دونفر از معتمدین خود را به شفاخانه فرستاد تا جریان را از نزدیک مشاهده کرده به وی راپور دهند. حینیکه دونفر معتمدین امین به سرطیب شفاخانه اطلاع دادند که میخواهند با وی ببینند، سرطیب شفاخانه عسکری چون خودش شریک در دسیسه و همدست اسدالله بود، این دونفر را با ضرب تفنگچه بقتل رسانید و در این زدوخورد سرطیب شفاخانه نیز کشته شد. افواه است که در این گیرودار یک نفر دکتور طب از جریان بی خبر بنام دکتور عمر تصادفاً داخل محل کار زار شده بود نیز کشته شده است اهالی چنین تبصره می کنند که نعش داخل تابوت مرموز پنجم مربوط بهمین دکتور عمر میباشد.

قرار افواهی که در شهر پخش است سه نفر افسران اردو (وزرای مخلوع) با اسدالله سروری رئیس اکسا به سمت نامعلومی فرار کرده و چنین شایع شده که این چهار نفر در میدان هوایی بگرام که تحت کنترل مطلق قوای شوروی قرار دارد پناه برده اند.

اکتوبر

ACKU

۱-۱۰-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:
رادیو ماسکو: « خداوند نگهدار ما »

اسلام آباد / رویتر Reuter ۳۰-۹-۱۹۷۹:

در این اواخر رادیو ماسکو پروگرام خود را برای پاکستان و افغانستان با جمله « خداوند نگهدار ما » خاتمه میدهد و از آن بعد باساس این پالیسی ماسکو رادیو کابل نیز بالای خود فشار آورده از معلم خود تقلید می کند و میخواهد نشان بدهد که به اسلام احترام دارد و پروگرام عادی روزانه را باتلاوت قرآن آغاز میکند.

۸-۱۰-۱۹۷۹ فرانکفورتر روند شاو Frankfurter Rundschau آلمان غرب:

اتحاد شوروی مدرنترین سلاح خود را در جنگهای افغانستان تجربه میکند:

شوروی بیشتر از ایتیوبی در افغانستان متعهد گردیده است:

کابل دی دی پی DDP :

اتحاد شوروی در نبرد بین حکومت کمونیستی افغانستان و مبارزین اسلامی برای بار اول مدرنترین ساز و برگ نظامی خود را در جنگ واقعی آزمایش میکند. در قطار این آلات هیلوکوپتر های نوع می ۲۴ (MI 24) شامل میباشد که در جهان از جمله مدرنترین سلاح به شمار میرود.

از منابع دیپلوماتهای غربی مقیم کابل راپور می دهند که اردوی افغانی تا رتبه ضابط توسط مشاورین روسی رهنمایی میشوند همچنان در جنگها پیلوتها و قوماندان های توپچی شوروی عملاً سهم میگیرند. کنترل میدان هوایی بگرام که در ۶۵ کیلومتری شمال پایتخت قرار دارد بدست قوای نظامی اتحاد شوروی بوده، سلاح و مهماتی که از شوروی توسط طیارات باربردار غول پیکر انتونوف برای رژیم کابل فرستاده می شود در این پایگاه، که در حدود ۴۰۰۰ عسکر شوروی در میدان هوایی آن وظیفه اوپراسیون و پاسبانی را دارند تخلیه میگردد. همچنان تا حال ۲۰ فروند از هیلوکوپتر های می ۲۴ در جنگ ها سهم دارند و ۲۰ فروند دیگر آن آماده فرستادن از شوروی به افغانستان میباشد و در بهلولی این وسایل ۸۰۰ عراده تانکهای مدرن از نوع ت ۶۲ و ت ۷۲، که قیمت هر عراده آن به یک میلیون دالر رسیده

است و به همین تعداد انواع مختلف وسایط زرهدار، راکت اندازه‌ها و توپ‌های دور رس در جنگ‌های افغانستان شامل اند. طوریکه گفته آمد چنین استنباط می‌تواند که سهمگیری اتحاد شوروی در جنگ‌های افغانستان براتب بیشتر از کمک‌های شوروی در جنگ‌های ایتییوی در نزدیکی اوگادن Ogaden و همچنان برای ویتنامی‌ها در جنگ کمبودی می‌باشد. موفقیت مبارزین اسلامی :

دهلی جدید AP: يك گروه ۴۰۰ نفری مبارزین افغانی بالای شهرترین کوت ولایت اوروزگان حمله کرده و قوای عسکری رژیم را شکست داده اند مجاهدین در مدت کوتاهی شهر را بتصرف خود درآورده، وسایل و مهمات عسکری و پول نقد موجود بانك را به غنیمت گرفته و همچنان مواد خوراکه داخل گدام‌ها را به مردم شهر توزیع کرده است.

۱۷-۱۰-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمابنی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:
کودتا در کابل منکوب شد:

دهلی جدید ۱۶ اکتوبر ای پی AP :

رادیو کابل اعلام کرد که يك تعداد اشخاصیکه برضد حفیظ الله امین رئیس دولت افغانستان قصد کودتایی داشتند قبل از آنکه اقدام کنند کشف و خنثی گردید. قرار معلوم شش نفر از رهبران کودتاچیان توسط يك یونت اختصاص نظامیان بازداشت شده اند. بقول سخنگوی رژیم در راس کودتاچیان شاروال سابق کابل، غلام محمد فرهاد قرار داشته . فرهاد ۷۵ ساله ، از شخصیت‌های ناسیونالیست دست راستی کشور میباشد. در تحقیقات ابتدایی که توسط قوای امنیتی صورت گرفته اسنادی بدست آمده که درمورد اقدام شان به کودتا هیچ نوع شك و تردیدی باقی نماند. قرار اطلاع واصله فرهاد با يك برادر و يك پسرش هفته گذشته بازداشت شده اند.

يك منبع موثق راپور می دهد که قبل از این واقعه، رژیم کابل از انجنیر فرهاد دعوت نموده بود تا در کمیته منتخبه رژیم جهت تسوید قانون اساسی جدید کشور سهم گیرد لیکن انجنیر فرهاد به دعوت رژیم جواب مثبت نداده و از اشتراك در کمیته معذرت خواسته است. از قول رادیو کابل دونفر از افسران اردو بنام کارگردانان این توطئه معرفی شده اند، که یکی جنرال سپین غر و دیگر آن دگروال دوران نام دارد. کودتا در فرقه ۷ ریشخور برنامه

ریزی گردیده و در نظر بود از مرکز فرماندهی این فرقه با شرکت يك تعداد عساکر آغاز شود، لیکن قبل از عملی شدن آن طرفداران رژیم موفق به کشف آن گردیده و بعد از درگیری جنگ های شدید بین طرفداران و مخالفین رژیم کودتاچیان خلع سلاح شده و بازداشت گردیدند.

۲۳-۱۰-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

بقول ناظرین سیاسی کشورهای غربی تعداد زیادی از سیاستمداران افغانی در کابل اعدام شده اند .

کابل ای اف پی AFP :

قرار راپورهای مؤثق در جریان یکماه اخیر بعد از آنکه امین رهبر جدید کشور بقدرت رسید تعدادی زیادی از مردمان سرشناس بازداشت و کشته شده اند. در بین این اشخاص بیشتر کسانی هستند که رابطه به حزب خلق داشته همچنان يك تعداد بی شماری مربوطین پوهنتون کابل نیز شامل مقتولین میباشند. راپور علاوه می کند بعد از سقوط رئیس تره کی، در هفته دؤم ماه سپتامبر، تعدادی از شخصیتهای سرشناس رژیم های گذشته بدون فیصله محکمه اعدام شده اند. در بین اعدام شدگان نور احمد اعتمادی، یکی از صدراعظمان سابق رژیم شاهی محمد ظاهرشاه، لوی درستیز جنرال شاهپور احمدزی، جنرال محمد رسول سابق رئیس استخبارات، دکتر میر علی اکبر سرطیب شفاخانه جمهوریت شامل میباشند.

۲۵-۱۰-۱۹۷۹ هامبورگ :

هفته گذشته يك تعداد اعضای « جرگه اسلامی برای نجات افغانستان » که نصاب آن در جلسه تکمیل بود گردهم آمده و پیشنهاد ترتیب شده دارالانشاء جرگه راپس از غور تصویب نموده و تصمیم گرفته شد تا به عنوان سران بعضی کشورها مخابره شود.

اینک ترجمه مکتوب که اصل آن به لسان آلمانی نوشته شده

جلالتآبا!

ما بخود اجازه میدهیم تا در باره سرنوشت مردم افغان در افغانستان مطالبی را از نظر شما بگذرانیم و درخواست کنیم تا ملت افغان را حمایت و کمک کنید.

افغانستان منحيث بك محبس بزرگ تغيير شكل داده و مردم آن دريك محيط نا امن زندگى ميکنند. فرار انسانها از کشور آغاز شده و تا بيگناه وطن شان را ترك کرده اند. و آنها نفيخواهند جنايات حکومت مارکسيستی را بيشتراز اين در کشور خود تحمل کنند.

انسانها بصورت دسته جمعی بدون علت بازداشت می شوند و يا اينکه بصورت دسته جمعی قتل عام شده و خانه های شان توسط عمال روسها بمباران و بخراب يكسان می شود.

هيچ کس نمیتواند با خاطر آرام بدرگاه خداوند عبادت کند و يا از اسلام صحبت نماید. در اين کشور احترام به حقوق بشر و آزادی انسان واژه هائيسست بيگانه و هيچ فردی از حکام امروزی به آن عقیده ندارد. بدون شك وضع امروزی داخل افغانستان به مراتب بدتر از وضع زمان جنگ در کمبوديا وويتنام میباشد.

ما همه شاهدیم که يك ابرقدرت تمام اين بدبختيها را بر يك کشور همسايه صلحدوست تحميل کرده و کشورهای غربی نفيخواهند بنا بر ملاحظاتی از اين جريان يادی کنند.

ما يك عده افغانهای مهاجری که در يك چوکات مبارزه عليه دشمن ملت و خاک ماگردهم آمده ايم و خاصتاً در اين مقطع زمانی به وجدان رهبران کشورهای اسلامی، در روزهای عيد، عیدي که همه کشورهای اسلامی آنها جشن ميگیرند، مراجعه ميکنیم که ملت افغان در اين روزهای فرخنده جهان اسلام در ماتم کشته شده گان خود توسط رژیم امين اشک ميريزند و ضرورت به کمک و همستگي دارند.

يك نویسنده بيطرف آلمانی در روزنامه معتبر فرانکفورتر الگيمایني بتاريخ ۱۷ اکتوبر مطالبی دارد که جهت مطالعه در ضمیمه تقديم ميداریم و از شما تقاضا ميکنیم تا با ملتی که در راه آزادی و عقیده خود را قربانی ميکند پیوسته کمک کنید. بايد بدانیم که اين ملت غيور تنها برای دفاع از کشور خود نمی جنگد بلکه برای «آزادی و صلح در جهان» مردانه وار مبارزه ميکند.

نامه متحدالمال فوق عنوانی سران اين کشورهای اسلامی مخابره شده است:

الجزاير، مصر، يمن شمالی، سوریه، اندونيزيا، ايران، اردن، کويت، لبنان، ليبيا، ملاييزيا، مراکش، عمان، پاکستان، عربستان سعودی، سودان، ترکیه، تونس، امارات، همچنان برای سران کشورهای غير اسلامی ذیل :

چین، برطانیه، فرانسه، امریکا، اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل مخابره شده است.

۲۷-۱۰-۱۹۷۹ فرانکفورتر روند شاو Frankfurter Rundschau آلمان غرب:

افغانستان امروزی: توقیف، شکنجه، اعدام

«انقلاب مودل امین و حشی»

ممبرماسکو درآسیا: تنها میتوان از طریق هوا سالم به کابل مواصلت کرد.

راپورتر روزنامه یان فریزی Jan Friese از کابل:

مانند اینکه دستان اشباح نامعلوم تانکها را با سروصدای زنجیرهایش از محل نامعلومی در جاده ها رهنمایی میکنند فضای شهر مختنق بوده و فیلم «سکوت» اینگمار برگمن Ingmar Bergmann در این کشور بخاطر می آورد.

یک روز بعد از حادثه ای اخیر اخبار واقعه آهسته آهسته به بیرون انتشار یافت و این بار پنجمین بار است که عناصر مخالف در قشله های عسکری دست بکودتا زده و توسط وفاداران رژیم در اردو باردیگر باوضع خونین منکوب می گردند.

چهره واقعی افغانستان در این روزها:

درکلوپ جرمنها زندگی به مانند اروپا ترتیب شده و انواع خوراک و مشروب فراوان بوده و جنسیت ساسیج باسلاد کچالو و آبجوی جرمنی قابل انتقاد نیست. اما باوجود این همه مزایا نوای دل انگیز در آهنگ نیست، اولین شبیست که جرمنها، بعد از واقعه خونین چند روز قبل، جهت مخروط بازی در کلوب گردهم آمده اند.

چند روز قبل دو فامیل جرمنی با دو طفل شان در ۱۵ کیلومتری شهر کابل ضمن پیک نیک بقتل رسیده. چنین افوا است که مبارزین اسلامی به گمان این که آنها اتباع روسی هستند آنها را کشتند و از طرف دیگر مربوطین سفارت جرمنی می کوشند در باره این موضوع صحبت نکنند با آنکه از جریان باخبرند اما ترجیح میدهند که این کشتار همچنان طور درخفا باقی بماند.

ساعت ۱۰:۱۰ شب گردهم آبی مادر کلوپ خاتمه مییابد و هرکس سعی میکند تا زودتر به منازل خود برسد، زیرا ساعت ۱۱:۰۰ شب قیود شبگردی در شهر حکمفرما می گردد و بعد

په‌ره داران درمقابل موتر با تفنگ کلاشینکوف و پرچه استوار قرار میگیرند و به غیر از صدای خشن «دریش» گفتن شان دیگر صدایی بگوش نمیرسد و تام ساعت ۱۱.۰۰ شب روشنی اندازهای قوی باشعاع برونک آبی و سفید به حرکت می افتند و مانند اشباح شیاطین شهر، کوچه و خانه‌ها را کنترل میکنند.

سه روز بعد از رویداد صحنه قصر، از بین رفتن تره کی، کشته شدن بیش از پنجاه نفر در این سانحه و قدرت رسیدن امین. مردم از زبان امین شنیدند که کشورشان در راه بر آوردن آرزوهای انقلاب با موانع و کارشکنی‌ها مواجه بوده و ایجاد این موانع ناشی از خود سری‌های فردی است.

امین بعد از آنکه قدرت را بدست گرفت دکتر اسدالله امین که برادرزاده و داماد دیکتاتور میباشد بحیث رئیس جدید پولیس مخفی تعیین و معرفی کرد و همچنان پدر دکتر اسدالله امین برادر ارشد امین که عبدالله نام دارد بحیث آمر عمومی امنیت شمال افغانستان تعیین شده است. پر واضح است که قدرت را در نقاط بسیار حساس تنها توسط اعضای فامیل و اشخاص معتمد می توان نگهداشت.

برای امین مشکل است خود را در لباس گوسفند بیگناه به مردم عرضه کند تا این مردم مسلمان و آزادیخواه را بطرفداری از رژیم ملحد خود بکشاند. وی مذبوحانه سعی میوزد تا تمام جنایات گذشته برضد ملت را به دوش تره کی انداخته و خود را بیگناه معرفی کند. اما مردم میدانند که لجام قدرت دیروزی، درید امین امروزی مرد خود مختار و با قدرت بوده و بس.

قرار راپور سازمان عفو بین المللی بیش از چهل هزار نفر بنام محبوسین سیاسی در زندانهای کشور انباشته شده اند تنها در زندان پلچرخ بیش از دوازده هزار نفر بیشتر از دو چند گنجایش اصلی آن، زندگی میکنند و شکنجه های وحشیانه ای که اکثراً به مرگ متهمین می انجامد و اعدام های بدون فیصله محکمه و بازداشت زن ها و اطفال از جمله اجراء عادی روزانه رژیم میباشد.

رژیم امین از بیمار دمان قریه ها و کشتن اهالی بیگناه رویگردان نیست و مناطق بزرگ را بآتش کشانیدن توسط بمبهای ناپالم جزو کارهای عادی شان بشمار می رود. نظر به فتاوی ملاهای خرید شده رژیم کشتن انسانها نه تنها وظیفه ملی مردم می باشد بلکه باید بگفته

آنها کشتن بیگانگان خارجی نما وظیفه هرفرد درکشور می باشد. و بعقیده رژیم مبارزین آزادیخواه، افغان نیستند.

روز نامه های شهر از « کمیته های دفاع از انقلاب » توصیف میکنند و روزنامه کابل تایمز با افتخار عکس یک نفر ۱۰۵ ساله مسلح را نشر میکند. کابل تایمز ناخود آگاه و نا دانسته در این صحنه های غمناک یک چاشنی « شوخی » رانیز گنجانیده و ادعا میکند که : وزیر خارجه شوروی گرومیکو بحیث « عضو پولیت بیروی دیموکراتیک خلق افغانستان » انتخاب گردید.

ذکر روزانه امین عبارت است از « مصونیت ، قانون و عدالت » که مکرر شنیده میشود اما این کلمات برانزده هرگز عملی نمی شوند.

تعهدات اتحاد شوروی از کودتای اپریل باینطرف روز بروز بیشتر میشود و تازمانیکه امین قدرت و کنترل را در دست دارد از طرف شوروی، باخورسندی و یا اندوه، کمک خواهد شد. اما ماسکو انتظار نخواهد کشید تا در وقت مساعد امین را توسط شخص مورد اعتماد خود تعویض کند.

نوامبر

ACKU

۳-۱۱-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

کابل بعد از کشتار روزجمعه:

خود مختار های کابل در منجلا ب سیاسی:

توماس روس Thomas Ross راپورتر روزنامه:

دهلی جدید، ماه نومبر ۱۹۷۹:

حاکم مطلق العنان افغانستان حفیظ الله امین، از هر جانب تحت فشار قرار گرفته و قدرت وی طور چشمگیر محدود گردیده و بقای وی صرف در اثر کمک مالی ویشری اتحاد شوروی امکان پذیر بوده و منبع کمک دهنده تنها مجبوریت روزگار با امین سر موافقت میجنباند. از طرف دیگر جنگهای ایکه از يك سال باینطرف آغاز گردیده و هر روز شدت می یابد، مورال عساکر رژیم را در برابر گروه های مقاومت در ولایت شرقی کشور به صفر سقوط داده است.

مبصر سیاسی يك کشور غربی اظهار داشت که: «وی تعجب خواهد کرد اگر رژیم امین تا شروع سال ۱۹۸۰ دوام بیاورد و یقیناً اتحاد شوروی این آرزو را در سر می پروراند». بعد از آنکه در زدو خورد ۱۴ سپتامبر قصر جمهوری، تره کی کشته شد امین بلاوقفه طرفداران تره کی را از اردو، ادارات دولتی و پوهنتون اخراج کرده و با این خانه تکانی تعداد اعضای منصوب به حزب خلق را به ۱۵۰۰ نفر تقلیل بخشید.

امین خطر را استشمام می کرد

در حاشیه کنفرانس سران کشورهای غیرمنسلک در هاوانا، تره کی مخفیانه با دونفر از رهبران پرچی که از ماسکو به هاوانا اعزام شده بودند ملاقات کرد. امین سال گذشته يك تعداد رهبران گروه پرچم را از پست های حساس دولتی برکنار کرده و از کشور بنام مامورین عالیرتبه وزارت خارجه به خارج فرستاد در آن جمع ببرک کارمل رهبر جناح پرچم نیز شامل بود که فعلاً در حومه پراگ با معشوقه اش اناهیتا راتبزاد، سابق وزیر امور اجتماعی، زندگی میکند.

تره کی حین بازگشت از کنفرانس هاوانا در ماسکو توقف کرده و با بریژنف و کاسیگین چند ملاقات محرمانه داشته که در این گفت و گوها، ببرک کارمل که از چکوسلواکی

احضار شده و درین مجالس اشتراك داشت. ضمن صحبت تره کی باصراحت کامل از روند کار امین شکایت نموده و پیشنهاد کرده که امین بهر صورت باید برکنار شود، زیرا خطر سقوط رژیم از ناحیه وی متصور بوده و قبل از آنکه چنین فاجعه ای صورت بگیرد بایست چاره او شود. کارگردانان کریملین با پیشنهاد تره کی موافقت نموده و او را توظیف نمودند تا امین را از بین برده و یا اقلأ درکنج قرار دهد.

وقتی تره کی به کابل مواصلت کرد پلاتنی را که قبل از پروازش جانب هاوانا در سرداشت با تعدادی از نظامیان بد خواه امین در میان گذاشته و موفق گردید جهت اجرای آن نظامیان داخل کابینه را متعهد به همکاری کند افسران قوای زره پوش، و طنجار و مزدوریار، وزرای داخله و سرحدات و همچنان گلابزوی وزیر مخابرات درین عملیه شامل شدند.

این چهار نفر، رئیس دولت و سه وزیر کابینه، خواستار نرمش در برابر اعضای حزب و همچنان مخالفین رژیم بودند و این نظر که هیچ رابطه با احساس بشردوستی نداشت و بنای آن بر يك تاکتیک خاص زمانی که از طرف ماسکو دیکته شده استوار بود.

اما رقیب تره کی، امین در مدت غیابت وی از کشور دست روی دست ننشسته بلکه قدرت خود را حدود صدارت و وزارت دفاع بیشتر انکشاف داد. وی در حلقهات پولیت بیرو و شورای انقلابی بیشتر و عمیقتر کار کرده و تعداد زیاد آنها را در حلقه طرفداران تحت فرمان خود در آورد.

تره کی قبل از سفرش جانب هاوانا برنامه، را که در مورد برطرفی امین در سر می پرورانید با جگرن محمد داود ترون، قوماندان عمومی ژاندارم و پولیس، شخص معتمد و وفادار خود مطرح نموده او را محرم راز خود گردانید. لیکن به وی هدایت داده بود تا زمان بازگشتش و بعد از تفاهم رسیدن با رهبران شوروی متوجه احوال امین بوده و مراقب کردارش باشد.

تره کی غافل از آنکه در غیاب وی ترون به صف طرفداران امین داخل گردیده اسرار تره کی را به امین فاش کرد. و بر علاوه این نظر به هدایت امین، داود ترون شخصی را بنام نواب که بحیث معاون دستگاه استخبارات ایفای وظیفه میکرد و از جمله طرفداران سرسپرده امین شمرده می شد از جریان باخبر ساخته.

لیکن رئیس استخبارات، اسدالله عضو وفادار کی جی بی، آمر مستقیم نواب از چاپنل کی جی بی از جریان اطلاع پیدا میکنند و يك روز بعد از بازگشت تره کی به روز چارشنبه ۱۲

سپتامبر نواب معاون اداره استخبارات به قتل میرسد.

امین بارابطه های که در محیط کارش داشت وقوع حوادث خطیری را احساس می کند و جهت دفع آن آماده گی میگیرد.

چنینکه به وی از «خانه خلق» اطلاع میرسد تا روز جمعه ۱۴ سپتامبر در جلسه شورای انقلابی در قصر ریاست جمهوری سهم بگیرد، امین این دعوت را نادیده گرفته و نمی خواهد در جلسه اشتراك کند در این مرحله شخص تره کی و همچنان پوزانوف، سفیر اتحاد شوروی در کابل مداخله کرده و به وی تعهد می کنند که خطری متوجه وی نمی باشد و امین حاضر می شود با معیت يك تعداد محافظین وفادارش به جلسه شورای انقلابی شرکت کند.

برای اینکه بر قضایا روشنی بیشتر انداخته شود باید تذکر داد که امین دو روز قبل از ورود تره کی به کابل سه نفر از وزرای نظامی کابینه را که وطنجار، مزدوریار و گلابزوی می باشند از وظایف شان بر طرف کرده بود تره کی با این عمل امین مخالف بوده و وجود هر سه را در کابینه تاکید می کرد.

بعد از آنکه امین در جلسه شورای انقلابی روز جمعه اشتراك میکند در جریان مذاکرات بین تره کی و امین گفت و گوی تند و تیزی صورت می گیرد و سرحد آن به جایی می کشد که امین به دشنام دادن مستهجن تره کی آغاز نمود به وی پیشنهاد می کند که چون لیاقت و اهلیت این مقام را ندارد و باید از این پست های حساس استعفاء داده و کنار برود.

اسدالله رئیس دستگاه استخبارات، بعد از شنیدن این جملات اهانت آمیز با امین پر خاش کرده وی را با کلمات درشت تری مخاطب قرار داده و میگوید: «دهانت را ببند، این طرز درست صحبت کردن با رئیس دولت نیست» در این لحظه ترون، به اشاره امین، بالای تره کی به گلوله باری آغاز میکند لیکن اسدالله با آماده گی قبلی ایکه داشت با تفنگچه بالای امین آتش می کند و ترون برای دفاع از جان امین در بین داخل شده و گلوله ایکه برای امین معین گردیده بود در سینه ترون اصابت کرده کشته می شود.

(بقیه تفسیر مطالب فوق که در دیگر رسانه ها نیز نشر گردیده و از نظر خوانندگان گزارش

یافته است و لذا تکرار آن را لازم نمی بینم . مولف)

۲۰-۱۱-۱۹۷۹ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

« تاحال ۳۰۰۰۰۰ نفر اتباع افغانی به پاکستان مهاجرت کرده اند »

روزنامه موصوف از قول ژان ف، لومونیر Jean.F.Le Mounier خبرنگار آژانس فرانس پریس از میران شاه (شهر سرحدی پاکستان) می نگارد:

در این شهر که تقریباً دو صد کیلومتر از پایتخت افغانستان، کابل، و بیست کیلومتر از سرحد جنوبی افغانستان فاصله دارد سیل ورود پناه گزینان افغانی قطع نمی شود و از طرف اداره مربوط پاکستانی در میران شاه تاحال برای ۸۰۰۰۰ نفر مهاجر ۶۰۰ باب خیمه و هم در چند کیلومتری شمال این شهر، در پاره چنار، برای ۵۰۰۰۰ نفر ۶۷۵ خیمه توزیع شده است.

سازمان ملل که چند وقت پیش انتقال ۸ میلیون مارک را طور عاجل و ۲۲ میلیون مارک را برای سال ۱۹۸۰ تخصیص داده بود نرسید و حکومت پاکستان را با مشکلات مالی مواجه گردانیده. علاوه بر این کمیشنری حکومت پاکستان را پور می دهد که تا ختم اکتوبر امسال تقریباً ۵۰۰۰۰ نفر فراریان جدید از افغانستان مواصلت کرده است.

تاجائیکه ملاحظه و ارزیابی شده می تواند آینده مهاجرین افغانی با مشکلات بس عظیمی مواجه بوده و این مبالغ وعده شده برای مهاجرین افغانی معنی يك قطره آب را بر يك سنگ سوزان میدهد و بس.

دسامبر

ACKU

۷-۱۲-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

ماسکو و بغداد در صدد تجزیه ایران :

فرانکفورتر - ۶-۱۲-۱۹۷۹: پکت وارسا ۲۵۰۰ نفر متخصصین نظامی و معلمین شقوق مختلف عسکری خود را به عراق اعزام داشته و تاکنون تنها از آلمان شرق ۲۲۰۰ نفر معلم به جمع آنها پیوسته و در نظر است که علاوه بر تعداد موجوده تا ختم سال ۳۰۰۰ متخصص نظامی آلمان شرق به عراق موصلت کنند. این راپور را مجله انگلیسی بنام « واقعات آسیا و افریقا Afro Asian Affaires» نشر کرده است و نویسنده گان این مجله جریانات و حوادث دوقاره اعنی آسیا و افریقا را بطور مداوم و دقیق تحت مطالعه قرار داده و بصورت اختصاصی راپورهای موثق در مورد چگونگی اوضاع این دوقاره نموده و به اطلاع جهان می رسانند.

بقول روزنامه موصوف بر علاوه متخصصین آلمان شرقی، تا حال ۱۰۰۰ اتباع مجارستان و ۳۰۰۰ متخصصین چکوسلواکی به عراق وارد شده اند ولی هنوز حکومت عراق در مورد توظیف شان در کدر سیاسی نظامی علاقه مندی خود را اظهار نکرده.

از مدتیست بین ۳۰۰۰ متخصصین پولندی و مردم عراق اختلاف نظر بروز کرده و حکومت عراق تجویز گرفته تا متخصصین پولندی را با ۳۰۰۰ کیوبایی تعویض کند. هسته مرکزی گروه های مشاورین را در عراق مانند گذشته متخصصین نظامی اتحاد شوروی تشکیل میدهند، با وجود اینکه از تعداد ۱۴۰۰۰ مشاور روسی صرف ۴۰۰۰ نفر شان در عراق باقی مانده و متباقی آنها دوباره به اتحاد شوروی بازگشته اند، لیکن با وجود این تقلیل در کمیت مراکز مهم فرماندهی، مانند میدان های هوایی و دستگاه های رادار، توسط متخصصین شوروی کنترل و اداره می شوند و مشاورینی که از عراق به اتحاد شوروی بازگشته، اکثر شان به افغانستان فرستاده شده و وظیفه مشاوریت اردوی آن کشور را بعهده گرفته اند.

مجله «افروایشیا» ادعا میکند که اتحاد شوروی و رئیس جمهور عراق صدام حسین هدف مشترکی را تعقیب میکنند که عبارت: « ازین بردن نظام خمینی در ایران» است. هدف درازمدت اتحاد شوروی و عراق طوریت که ایران باید تجزیه شده، شمال آن کشور منحیث يك کشور مستقل (اوتونوم)، عرض وجود نماید و جنوب ایران تحت تسلط عراق

درآید.

حکومت عراق تهداب اصلی این نظریه خود را با اتکاء بجنرالها وصاحب منصبان اردوی ایران، که تعداد زیاد آنها درعراق پناهنده شده اند، بناء میکند. جنرال های ایرانی با همدستی کردهای متوطن درعراق در ساختمان يك پلان منسجم سیاسی ونظامی اقدام کرده اند تا بتوانند يك قدرت نظامی را تشکیل کنند. در راس برنامهء شان از بین بردن نظام خمینی که تا هنوز نفوذ کافی در برابر کشور نداشته وبه استقرار نرسیده است می باشد.

مجله موصوف ستراتیژی حکومت عراق را بر دوپایه اصلی استوار میدانند:

اول: ساختمان سدی در برابر انقلاب ایران تا نتواند به داخل کشور عراق نفوذ کند و

دوم: کنترل و بهم پیوستن منابع نفتی ایران با منابع نفتی عراق.

با این برنامه ریزی اتحاد شوروی من حیث دوست عراق میتواند درآینده کنترل منابع بزرگتر

نفتی، را به تناسب نفت فعلی عربستان سعودی، بدست آورد.

(یادآوری: برای اینکه درباره ستراتیژی «قدمی به پیش» شوروی صحبتی شده بتواند و با حرکات مشابه وی درعراق، که در روزنامه «واقعات افریقا وآسیا» از آن ذکر گردیده، و با درباره سیاست توسعه جویی این ابرقدرت درشاخ افریقا ودرنیم قاره هند اشاره ای شده باشد و همچنان شناخت چهره اصلی این قدرت استعماری بهتر تشریح شده باشد، می خواهم صحنه ای از مذاکرات لوئید بریژنف رهبر شوروی را با اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه وقت که حین بازدید رسمی وی درسال ۱۹۷۱ در ماسکو صورت گرفته و جریان آن در کتاب تحت عنوان «ملا، مارکس و مجاهد» اثر رالف ماگنوس Ralph. H. Magnus وایدن نیبی Eden Naby در صفحه ۱۱۶-۱۱۷ نشر شده از نظر خوانندگان گرامی بگذرانم. مولف):

مانند جنگ پاکستان و هند درسال ۱۹۷۱، موقف افغانستان در رابطه باضعف سیاسی

پاکستان ودرنیم قاره هند ایجاب مطالعات بیشتر وملاحظات عمیقتر را می کند.

در اوایل سال ۱۹۷۱ حینیکه محمد ظاهرشاه برای يك بازدید رسمی از ماسکو دیدن

میکرد و با اعضای معبیتى اش در کریملین طور دسته جمعی درباره مطالب ذیعلقه بین

دو کشور با طرف مقابل مذاکرات خود را انجام می داد در ضمن یکی از این ملاقاتها بریژنف

از پادشاه افغانستان تقاضا کرد که وی می خواهد باوی طور خصوصی، تاسرحدی که

ترجمان طرف افغانی نیز شامل نباشد، درباره مطلب خاصی باوی تبادل افکار کند. این

مذاکرات بین سران دوکشور که توسط ترجمان تبعه روسی بین هردو ترجمانی میشد در یک سالون اختصاصی کرملین صورت گرفت. بعد از ختم مذاکرات پادشاه افغانستان با وضع ناراحت از اطاق کنفرانس خارج شده و برای هیئت معیّتی اش از صحبت خصوصی وی با بریژنیف چنین معلومات داد:

«بریژنیف به من پیشنهاد کرد تا با اتحاد شوروی و هند یکجا بر پاکستان حمله کرده و به موجودیت این کشور در نیم قاره خاقه دهیم و شوروی پادشاه این همکاری ضمانت میکند تا پشتونستان را ضمیمه قلمرو افغانستان سازد». پادشاه افغانستان اضافه کرد که بجواب بریژنیف گفت که به هیچ وجه حاضر نیستم که در برابر یک کشور همسایه و مسلمان خود دست به چنین کار بزنم. بریژنیف که انتظار چنین جواب را از من نداشت کمی دست و پاچه گردید و بعد از مکث کوتاه در فورمول بندی پیشنهاد خود تغییر داده گفت: «درین صورت اتحاد شوروی خود و به نمایندگی حکومت هند ازین همکاری کشور شما صرف نظر میکنیم، اما تقاضا میکنیم برای قوای نظامی اتحاد شوروی اجازه داده شود تا از کشور شما عبور کرده از طرف شمال بالای پاکستان حمله کنیم». به این پیشنهاد نیز علاقه نشان نداده و آنرا به صراحت تام رد کردم». (۱۳)

(۱۳) مصاحبه رالف ماگنوس با ساجد حیدر، سابق سفیر پاکستان در ماسکو.

۷-۱۲-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیماینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

ماسکو تعهد کرده تا رژیم کابل را در برابر مخالفینش کمک کند:

ماسکو - ۶ دسمبر (رویترا)

یک مبصر سیاسی شوروی اظهار داشت: «حکومت کابل میتواند در مبارزه با قیام کنندگان اسلامی در افغانستان کمک اتحاد شوروی حساب کند». این مطلب را یکی از همکاران آژانس خبر رسانی تاس، نیکولای نوویکوف Nikolai Nowikow در روزنامه متذکره اظهار کرد. وی علاوه کرده که همبستگی کشور ما با ملت افغان در راه برآوردن آمال شان خلل ناپذیر بوده و در راه امحای قوای امپریالیستی و ارتجاعی در کشور با آنها، بدون چشم داشت امتیازی برای اتحاد شوروی، همکاری بی شایبه خواهیم کرد.

۱۲-۱۲-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمبانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:
 اتحاد شوروی به ساختمان ۶ میدان هوایی در شمال افغانستان آغاز کرده :
 اسلام آباد - ای اف پی / رویتر AFP/Reutar - ۱۱-۱۲-۱۹۷۹:

بقول رادیو کابل قرار داد ساختمان شش میدان هوایی در مناطق شمالی افغانستان با اتحاد شوروی به امضاء رسیده این موضوع روزیکشنبه توسط حفیظ الله امین از طرف حکومت کابل نیز تأیید گردید. برعلاوه احداث میدان های هوایی جدید در شمال افغانستان قرار داد توسعه میدان بین المللی کابل نیز به امضاء رسید.
 امین در مصاحبه با نماینده آژانس خبرسانی هند PTI برای اولین بار اعتراف کرد که برای برانداختن وی از قدرت توطئه ای چیده شده بود که در نطفه خنثی گردید.

۱۹-۱۲-۱۹۷۹ فرانکفورتر الگیمبانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:
 در جریان جنگهای ماه دسامبر در افغانستان ۷۰۰ نفر کشته شده است :
 کراچی ای پی AP :

بیش از ۷۰۰ نفر از عساکر افغانی و سه نفر از مشاورین نظامی شوروی در جنگهای شدید ۱۶ دسامبر در ولایت ننگرهار بقتل رسیدند. این مطلب را آژانس خبرسانی پاکستان PPA بحواله يك منبع حزب اسلامی نشر کرده است.
 ماه دسامبر ۱۹۷۹

متیقنم که خوانندگان محترم در مورد چگونگی از بین رفتن امین و به کرسی نشاندن بیرک کارمل توسط کریملین در اریکه قدرت مطالعاتی دارند، لذا ترجیح دادم تا به عوض ترجمه جریانات اخیر کابل از لابلای روزنامه ها، و هم مطالبی را از کتاب KGB و جریانات داخلی آن (نوشته Christopher Andrew و Oleg Gordievsky) از نظر خوانندگان بگذرانیم :

در صفحه ۴۶۵ این اثر آمده:

بعد از آنکه در مورد محاکمه شتاشینکی در سراسر جهان سروصدا ها بلند شد بیروی سیاسی فیصله کرد که کشتن اشخاص خارج از ساحه اتحاد شوروی توسط KGB از جمله وظایف

عادی KGB نبوده بلکه این اداره باید فقط در وقایع خاص این صلاحیت را بدست آورده و آنرا اجرا نماید، همانند صلاحیت کشتن حفیظ الله امین رئیس جمهور افغانستان که در ماه دسامبر ۱۹۷۹ بصورت اختصاصی بدست آوردند.

ص ۵۷۳-۵۷۹:

بقایای توافقات دیتانت بین شرق و غرب که در سال ۱۹۷۰ بوجود آمده بود در اواخر همان دهه با تجاوز نظامی شوروی در افغانستان ماهیت خود را از دست داد. در ماه اپریل ۱۹۷۸ يك کودتای کمونیستی رژیم جمهوری محمد داود را در افغانستان از بین برد و رئیس جمهور با اعضای فامیلش حیات خود را از دست دادند.

باید در انتخاب جانشین وی بین بېرك کارمل رهبر فراکسیون حزب کمونیست پرچم و نورمحمد تره کی رهبر حزب خلق رقیب وی از طرف ماسکو تصمیم گرفته میشد، مرکز تصمیم گیری در ماسکو در انتخاب بېرك کارمل که از سالهای طولانی باینطرف بحيث جاسوس سابقه دار مجرب (KGB Veteran) در افغانستان وظیفه داشت، اصرار داشتند ولیکن موقف تره کی بنا بر به طرفداری لیونید بریژنیف قویتر بود، بریژنیف در يك ملاقات مختصر با تره کی از وی خوشش آمده و این حسن نظریه باعث گردید تا کدر مرکزی در انتصاب وی بحيث رئیس جمهور افغانستان موافقه کند.

- کارمل در چکوسلواکی بحيث سفیر مقرر و در تبعید زندگی میکند.

- در سپتامبر ۱۹۷۹ تره کی توسط حفیظ الله امین معاون وی کشته میشود.

ماسکو با چشم پوشی ازین واقعه «انتخاب» امین را تبریک گفت و آرزومندی توسعه و انکشاف روابط برادرانه بین دو کشور همراه با دوام همبستگی شانرا با گسترش روابط دوستانه همسایگی نیک و همکاری نزدیک ابراز داشتند.

ولیکن مرکز قدرت در ماسکو تباهی وحشتناکی را در افغانستان پیشبینی میکرد و راپور های واصله از کابل و مقاومت شدید رهبران اسلامی برضد امین بیشتر باعث نگرانی شان میشد و علاوه برین مشکل نارضایتی قوای عسکری و فرار شان از خدمت زیر بیرق رژیم کابل و سقوط وضع اقتصادی در کشور درد سری دیگری بود که کدر مرکزی را در ماسکو آزار می داد. از اینرو در حلقه تصمیم گیری ماسکو مباحثات و مناقشات جدی و طولانی صورت گرفته در مورد طرق مبارزه و از بین بردن معضله کابل تصامیم لازم اتخاذ

میگردید و به KGB امر صادر میشد تا هرچه سریعتر اجرای اقدامات بعدی را پلانگذاری نمایند.

بعد از فرار و پناهنده شدن Oleg Lyalin در سال ۱۹۷۱ در غرب و افشای تشکیلات KGB، ماسکو مجبور گردید تا تغییراتی مهمی را در تشکیل این اداره رویدست گیرد. طوری که شعبه ۵ (First Chief Directorate) FCD «عملیات با وسایل مایع» و «اقدامات خاص» در تشکیلات جدید تحت اداره شعبه ۸ جدیدالتأسیس مدیریت S آورده شد و پلان کشته شدن امین به این اداره محول گردید و برای تکمیل این منظور شعبه ۸ کرنیل میکاییل طالبوف را انتخاب کرد تا امین را از بین بردارد.

طالبوف از مردم اذربایجان بود که سالها را در افغانستان گذشتانده لسان فارسی را مثل یک افغان صحبت میکرد و میتوانست بدون نگرانی داخل خاک افغانستان شود. وی در اواخر خزان ۱۹۷۹ بکابل مواصلت کرده و حامل زهری بود که جهت کشتن امین از شعبه ۸ برایش تهیه شده بود.

طالبوف با روابطی که در گذشته برای خود کسب کرده بود توانست بدون مشکل بحیث اشپز در قصر جمهوری استخدام شد.

Vladimir Kuzichkin که از شعبه ۵ FCD چند سال بعد از آن حوادث بغرب فرار کرد اظهار داشت: «حفیظ الله امین در خوردن غذا و نوشیدن مشروب از بیم مسموم شدن احتیاط میکرد و عموماً در آخرین لحظات صرف طعام پشقاب و گیللاس مشروب خود را باشخصی دیگری تبدیل میکرد.

امین با درایتی که داشت موفق گردید طالبوف را در اجرای وظیفه اش ناکام سازد و زنده ماند. ولیکن دشمن اصلی امین خارج شدن کنترول اوضاع در افغانستان بود که روز بروز دشوارتر میگردد و راپورهای واصله دستگاہای جاسوسی شوروی از کابل ماسکو را اخطار میداد اگر امین بزودی از بین برداشته نشود سقوط کابل حتمی بوده و کسی مانع بنای جمهوریت اسلامی مخالف شوروی در افغانستان شده نمیتواند.

هسته مرکزی و محرك اصلی در کرملین برای مداخله نظامی شوروی شعبه روابط بین المللی در کمیته مرکزی بود و مسئولین این شعبه اجازه نمیدادند که در همسایگی مملکت سوسیالیستی شوروی یک انقلاب اسلامی موفق شده و این نظام سوسیالیستی را از بین

بیرد. از طرف دیگر برخلاف این عقیده، اکثریت اراکین مرکز ووزارت خارجه شوروی با داشتن معلومات بهتر نسبت به شعبهء روابط بین المللی بیم از آن داشتند که با تجاوز نظامی، دریک کشور مسلمان و همسایه، را در برابر جهان غرب و سوم مواجه با مشکلات عظیم خواهند شد.

اندروپوف و مدیر عمومی FCD در باره فرستادن و مداخله نظامی مخالفت داشتند، لیکن با خراب شدن اوضاع در افغانستان، بعد از قتل تره کی توسط امین، موقف اندروپوف در برابر طرفداران فرستادن قوای نظامی به افغانستان ضعیفتر گردیده و مجبور شد تا با مخالفین کنار آید.

باساس نشر مطالعات شوروی در ۱۹۸۹، اندروپوف موقف خود را موازی با تجربه ای که شخصاً از تجاوز نظامی در مجارستان در سال ۱۹۵۶ اندوخته بود مقایسه میکرد زیرا در آن زمان تحت فرمان وی شورشیان ضد انقلاب توسط تانکهای شوروی از بین برده شدند و یک حکومت کمونیستی پایدار در مجارستان مستحکم گرداند.

طوریکه گفته آمد فیصله نهایی فرستادن قوای نظامی به افغانستان در پولیت بیرو اختلاف نظر مهمی را خلق نکرد و علت گرفتن تصمیم بطرفداری از تجاوز نظامی، بقول Kuzichkin، طوری بود که سقوط کابل و از بین بردن رژیم کابل توسط مسلمانان بنیادگرا یک امرحتمی بوده و این موفقیت باعث می گردید تا از کامیابی یکسال قبل بنیاد گرایان اسلامی در برابر شاه ایران تقلید کنند و نظامی بشکل ایران را در افغانستان بنیان گذارند. این صدمه، سقوط کابل از حیثیت و پرستیژ شوروی کاسته و قوع چنین خطر را برپیکر نظام خود قبول کرده نمی توانست. زیرا این سقوط قابل پیش بینی بوده و بیرون از تصورشان بود و شوروی نمیتواند هیچگاهی چنین خطری را به پیکر نظام خود قبول کند.

دستگاه مرکزی با فرستادن قوای نظامی به افغانستان موافقه کردند، بدون اینکه با اعضای بدون حق رای پولیتبیرو در مورد فرستادن قشون سرخ مشوره شده باشد. ادوارد شودنازی (وزیر خارجه گورباچوف) همیشه انتقاد میکرد که وی و میکائیل گورباچوف که هر دو در نومبر سال ۱۹۷۹ کاندید عضویت پولیتبیرو بودند از فرستادن قوای نظامی شوروی به افغانستان برای اولین بار از طریق رسانه های خیری شوروی اطلاع حاصل کردند.

ما شاهدیم که شام روز کرسمس ۱۹۷۹ طیارات غولپیکر ترانسپورتی نظامی بانتقال

قوای نظامی آغاز کردند و این طیارات در هر سه دقیقه متناوباً به میدان هوایی بین المللی کابل فرود آمده و دوباره پرواز میکردند موازی با ترانسپورت هوایی قوای نظامی بیشتر بشمول سلاح و مهمات از طریق شاهراه شمالی داخل قلمرو افغانستان می گردید.

در شام ۲۷ دسامبر يك گروه اختصاصی کوماندو KGB با يك یونت زرهپوش از میدان هوایی بصوب قصر ریاست جمهوری بحرکت افتاد که در راس آن یکنفر کلونیل (کرنیل) بنام Boyanirov قرار داشت. این شخص بحیث قوماندان یونت ۸ انتخاب گردیده و در دستگاه بلاشیکا در جنگهای کوماندو، تربیت شده بود. اعضای این گروه ملبس با یونیفورم نظامی اردوی افغان بودند و در وسایط نقلیه از غیر پلیت عسکری افغانی استفاده میکردند. و به ساعت معین جانب قصر ریاست دولت و اقامتگاه حفیظ الله امین در دارالامان بحرکت افتادند در جاده عمومی که به قصر میرسید از طرف پهره داران چکپاینت افغانی متوقف گردیدند و اطراف موتراهای یونت ترور امین را محاصره کردند و در همین لحظه تریال های عقب موترها باز شده و یونیت KGB همه عساکر افغانی را توسط آتشیاری با ماشیندار از بین بردند .

کلونیل بویانیروف قطعه کوماندورا به قصر هدایت کرده و رئیس جمهور حفیظ الله امین را بایک زن یکجا در یک اطاق در طبقه بالائی قصر در حال نوشیدن شراب بود. بقتل رسانید. برای اینکه داستان این صحنه خارج از قصر درز نکند بویانیروف امر کرد هیچ افغانی در این محوطه زنده نماند و در ضمن این کارزار یا کشتار گروه کوماندو، کی جی بی، که ملبس به یونیفورم افغانی بودند، سهواً بویانیروف را نیز بقتل رسانیدند در ختم عملیات قتل امین بر علاوه بویانیروف ۲ نفر دیگر از افراد کوماندوی KGB وهم از عساکر شوروی بقتل رسیده است.

به تعقیب حمله و موفقیت عملیات در قصر ریاست جمهوری، بپرکارمل کمونیست تبعید شده و جاسوس سابقه دار کی جی بی، شخصیکه بحیث جانشین امین از طرف ماسکو تعیین گردیده بود از طریق رادیو کابل ابلاغیه صادر کرد و گفت که امور حکومت را بدست گرفته و از اتحاد شوروی حمایت نظامی رژیم را درخواست کرده این ابلاغیه چنین می نمود که گویا از کابل پخش میشود اما در واقع از داخل خاک شوروی با عین موج رادیو کابل انتشار یافته بود.

راديوکابل حينکه امين کشته ميشد پروگرام عادی خود را تعقيب ميکرد و فردای آن شب در اول صبح ۲۸ دسامبر راديوکابل که فعلاً تحت اداره قوای نظامی شوروی قرارداد داشت اعلان کرد امين بنا بر فيصله محکمه انقلابی «اعدام» گردید امين پس از کشته شدن توسط کی جی بی اسم «رفیق امين» خود را از دست داد و بنام جدیدش «امین جانی خون آشام جاسوس امپریالیسم امریکا» مسمی گردید.

بيرک کارمل امين را متهم به جاسوسی برای CIA کرده و ابلهانه از حکومت امریکا تقاضا کرد تا اسناد مربوطه وی را بدستش بگذارد مرکز اداره و تبلیغات در ماسکو تيوری جاسوسی امين را زیادتر گسترش میداد و استخدام امين را در دستگاہ CIA به زمانی که در يونيورستی کلمبيا مصروف تحصیل بود مربوط دانسته و تبلیغ ميکرد. اما درباره جاسوس بودن امين در «سی آی ای» تنها ۵۰٪ کسانی که در مرکز قدرت ماسکو قرارداد شدند باور داشتند. یکی از مورخين روسی ۱۰ سال بعد از این واقعات تيوری جاسوسی امين را در زمان تحصیلش در يونيورستی کلمبيا نیویارک رد کرده است. Kim Philby در يك مصاحبه در سال ۱۹۸۸ چند ماه قبل از درگذشت خود، استخدام امين را بیشتر يك طرح خیالی می پنداشت.

از طرف دیگر مرکز تصمیم گیری، نظر به اظهارات کوسیشکین با فرستادن قوای نظامی به افغانستان با مشکلات بسیاری روبرو شد. و به گفته وی آنها دو اشتباه بزرگ کردند: اول: روسها عقیده داشتند که قوای نظامی افغان در برابر مردم کشورشان با علاقه میجنگند و .

دوم: اینکه ما (روسها) قوای مقاومت را نادیده گرفته آنرا ضعیف می پنداشتم. در بهار سال ۱۹۸۰ ۸۰۰۰۰ نفر از قوای شوروی (این تعداد بزودی از ۱۰۰۰۰۰ نفر تجاوز کرد) صرف جهت کنترل شهرها و مراقبت قوای عسکری افغانی در جبهات جنگ ضرورت بود. از طرف دیگر قرار راپور UNICEF در نیمه سال ۱۹۸۰ نفوس افغانستان در کشور به نصف احصائیه اصلی خود تقلیل یافته بود. تعداد مهاجرین افغانی برابر به ۲۵٪ مهاجرین جهانی گردیده بود.

در ساعات اول صبح سال ۱۹۸۰ یکنفر از جنرالهای مرکزی KGB به کوسیشکین چنین گفت که این نظر او از طرف دیگران در مرکز قدرت نیز تأیید میگردید اما از ترس جان خود

برملا نمیکردند:

« افغانستان ویتنام ما است ... پای ما در جنگی کشانیده شده است که نه برنده آن میشویم و نه آنرا یله میتوانیم و این جنگ يك کار احمقانه است و يك كثافت».

بعد از داخل شدن قوای شوروی در افغانستان در پهلوی دستگاه موجوده جاسوسی شوروی در کابل مراکز KGB توسعه یافته و هشت نمایندگی جداگانه آن در سراسر مملکت احداث گردید و تعداد مجموعی اعضای KGB بالغ به ۳۰۰ نفر میگردد که در پهلوی آنها ۱۰۰ نفر دیگر بحیث همکار در اداره و وظیفه داشتند اعضای مربوط به کی جی بی همیشه مسلح با تفنگچه و ماشیندار، آماده آتشیاری، در پهلوی بسترشان میخوابیدند.

نفر اول کی جی بی در کابل، جنرال بوریس سیمیونویچ اوانوف که بعد از داخل شدن قشون سرخ در کابل تعیین گردیده بود در سال ۱۹۸۲ نسبت خستگی از جنگ بر طرف گردید ولی جای تعجب است که تقاضای درخواست استخدام در کی جی بی برای احراز خدمت در افغانستان زیادتر از بست در تشکیل بود زیرا جوانان روسی خدمت کردن در منطقه جنگ را چانس بهتر برای پیشرفت خود در آینده پیشبینی میکردند. قرار معلوم بصورت عادی مرکز استخبارات در ماسکو ماهوار یکصد راپور از کابل میگرفت.

بعد از کشته شدن امین کی جی بی دست اندر کار شده و نجیب الله يك انسان سنگدل و با انرژی ۳۲ ساله را در رأس خدمات اطلاعات دولتی (خاد) بعوض رئیس پولیس مخفی بیرحم امین تعیین کرد. نجیب الله که ضمیمه کلمه «الله» را در نام خویش خوش نداشت آنرا حذف کرد از اینرو از همکاران خود و کسانی که با وی سروکار داشتند تقاضا میکرد تا او را صرف بنام «رفیق نجیب» یاد کرده و از ذکر «الله» اسمش خودداری کنند.

رئیس جمهور کارمل، حین معرفی نجیب، اعلام داشت دستگاه «خاد» برخلاف تعامل گذشته کسی را «لت و کوب، شکنجه روحی و جسمی» نخواهد کرد و علاوه کرد: برخلاف گذشته در چوکات حکومت دستگاه استخباراتی وظیفه دارد که از آزادی دیموکراتیک، آزادی ملی، استقلال کشور، علایق انقلاب، از ملت و دولت تحت رهبری پ د پ ا (کمونیست) حمایت کرده و مانع تجاوز دشمنان خارجی و تخریبات شان در کشور گردد.

دستگاه خاد توسط کی جی بی با طرز خاص این اداره جدیداً تشکیل گردید و مامورین آن از طرف متخصصین جاسوسی کی جی بی در امور جاریه تحت تربیه گرفته شده، بیک شکل

ظالمانه بایک جنگ بی نتیجه وحشت زمان استالین را در خاک افغانها دوباره احیاء کردند. سازمان عفو بین المللی شواهدی بدست آورد که شکنجه خلاف کرامت انسانی در برابر مرد ها ، زن ها و اطفال در سرتاسر مملکت توسط دستگاه خاد صورت میگرفت وهم شواهدی در دست دارند که حین تحقیق وشکنجه متهمین مشاورین شوروی حاضر میبودند وحضور آنها خاطره يك نسل گذشته شانرا در اروپای شرقی بیاد میآورد.

معلمه ایکه به پاکستان مهاجر شده داستان استنطاق خود را در دفتر خاد چنین حکایت میکند:

« در جریان تحقیق در دفتر خاد برسبیل احتجاج تقاضا کردم، نفروسی اجازه ندارد از من که يك زن افغان در افغانستان هستم تحقیق نماید. بعد از آنکه ترجمان روسی این تقاضای مرا ترجمه کرد، مشاور روسی با وضع پرآشفته بدشنام دادن آغاز کرده و به امر او دستهایم را بستند وشخص مشاور روسی لبهایم را باسگرت سوختاند. باثر امر تحقیق کننده روسی افراد خاد مرا تا سرحد بیهوشی لت وکوب کردند و وقتیکه دوباره بحال آمدم خود را تا کلو غرق در برف یافتم و روز بعد با سوزنهای برقی وجودم را زیر جریان برق قرار دادند در تمام این مدت مشاور روسی حاضر صحنه میبود.»

نجیب الله دوران خدمت خود را در دستگاه «خاد» بنوع احسن مطابق بخواسته حامیان روسی اش اجراءات میکرد و برای گرفتن پاداش ازین جنایات در قدم اول مقام جنرال سکرتری را در حزب بسال ۱۹۸۶ بدست آورد و بعد از آن در سال ۱۹۸۷ مقام ریاست جمهوری کشور را تصاحب کرد.

جای تعجب است که بیرون برآمدن قوای شوروی از افغانستان ، برخلاف آنچه انتظار می رفت، دوره حیات قدرت نجیب الله را برای مدتی تمدید کرد و زمانیکه قوای شوروی مجبور به ترك افغانستان گردید قوای مجاهدین هنوز درگیر تناقض و مخالف باهمدیگر بوده و با مشکلات بیشتر روبرو گردیدند.

از جانب دیگر مرکز قدرت در ماسکو مقاومت قوای مسلمانان افغانی را برضد شوروی وعکس العمل شدید بین المللی را تا این حد پیشبینی نمیکرد این اشتباه محاسبه کی جی بی بود، کی جی بی وضع تهاجم شوروی را در سال ۱۹۷۸ باساس موفقیت هایش پیشبینی کرده بود. در سال ۱۹۵۶ در مجارستان وهکذا در سال ۱۹۶۸ در چکوسلواکی، که روابط ذات

البینی بین کشورهای جهانی و روسیه ، بعد از يك دوره مختصر احتجاج و سخن پرانی بحالت عادی برگردد اما برخلاف میدانستند که اکثر جهان سوم و دنیای غرب بین تجاوزهای گذشته شوروی و فعلی آن در افغانستان حد فاصل واضح و آشکاری کشند و بصورت متمدن جنایات شوروی رابه روی شان می آورند و این اولین بار در تاریخ معاصر شورویست که قشون سرخ در يك کشور مربوط جهان سوم تجاوز میکند و با شکست فاحش از مانجا بر میگردد.

فصل سوم
سال ۱۹۸۰ عيسوی

جنوری

ACKU

۱۴-۱-۱۹۵۰ هامپه دېلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

سوزن زدن ها درتن ماسکو:

صدور فرمانهای جدید و تحریم اقتصادی:

ماسکو / واشنگتن / کابل آژانسهای SAD-dpa-ap :

بعد از تجاوز قوای نظامی شوروی به افغانستان تحریم اقتصادی در برابر این کشور، مانند سوزن زدنهای غیر پلان شده، تطبیق می شود.

کشورهای مهم صادرات غله جهان موافقه کردند قرارداد های موجوده صادرات غله راباشوروی معتبر بدانند اما به صراحت اعلام داشتند که قرارداد جدیدی با روسها امضاء نمی کنند ارجنتاین با اینکه به دادوستد با شوروی مایل می باشد، اما تعهد کرده است ازین خلای مارکیت موجود بنفع خود استفاده نکرده و قرارداد جدیدی با اتحاد شوروی امضاء نخواهد کرد.

در عین زمان کارگران میدان هوایی بین المللی کنیدی در نیویارک از تخلیه کردن و باربندی طیاره ابروفلوت اتحاد شوروی امتناع ورزیدند و طیاره شوروی مجبور شد به میدان هوایی مونتریاپل در کانادا مراجعه کرده و مسافرین خود را با خطوط هوایی کانادا به نیویارک انتقال دهد.

حکومت کانادا کریدیت های آنکشور را به اتحاد شوروی بحالت تعلیق قرار داده همچنان صادرات لوازم تخنیکی گرانها را به اتحاد شوروی قدغن کرده است حکومت ایتالیا به کشتی تحقیقاتی شوروی امر صادر کرده تا ازیندر جنیوا خارج شده و در آبهای بین المللی لنگر بیاندازد به همین ترتیب حکومت مصر به ماسکو اطلاع داده تا تعداد مامورین مربوط سفارت خود را در قاهره تقلیل بخشند و دوباره به ماسکو بازخواند ولی تاحال حکومت مصر مانع عبور و مرور کشتیهای شوروی را طریق کانال سویز نشده است.

حکومت جاپان هنوز در تصمیم خود تعلل میورزد، زیرا کریملین میخواهد با صادرات فلزکمیاب (Titan) باین کشور، که تاحال از صادرات آن به جاپان شانه خالی میکند، طعمه ای بدست بیاورد.

در فرانسه انتقاد مردم در برابر موقف مارشیز Marchais رهبر حزب کمونیست فرانسه بیشتر شده. حزب کمونیست فرانسه یگانه حزب کمونیست جهان غرب است که اعمال ماسکو را در افغانستان تقدیر کرده رهبر حزب سوسیالیست فرانسه فرانسواز میترانند Fran-cois Mitterand در بیانیه خود در گردهمایی حزب سوسیالیست به مقابل این موقف مارشیز احتجاج کرد و باین عمل ائتلاف این دو حزب مردمی بیش نخواهد بود. مخصوصاً بعد از امروز، دوشنبه، سوسیالیستهای فرانسه در مذاکرات پارلمانی اروپا درباره افغانستان از موقف حزب کمونیستی فرانسه فاصله خواهند گرفت.

برین اساس ماسکو با وجود قدرت نمایی لیونیدبریژنیف، صرفنظر از موقف گیری بلاک شرق در جهان تنها مانده است بریژنف در مصاحبه اخیر خویش در روزنامه پروادا، ارگان نشراتی حزب کمونیست شوروی از «مبارزات بیشرمانه علیه شوروی» یاد کرده گفت: «سیاست خارجی اتحاد شوروی انعطاف پذیر نبوده به عین شکل ادامه خواهد داشت» و بریژنف در مصاحبه اخیر خود اضافه کرد که وی علایق امریکا را در افغانستان در خطر نمی بیند اما با وجود آن امریکا رامتهم میسازد که در برابر رژیم کابل «جنگ اعلان نشده» را رویدست گرفته است.

رسانه های اتحاد شوروی مرگ جنرال توپچی گینادی ریسکین Gannadi Ryskin را بدون اینکه سبب ومحل مرگش را افشا کند، اعلام نمود.

۱۴-۱-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

اتحاد شوروی محکوم خواهد شد:

مذاکرات امروزی در ملل متحد ادامه مییابد:

واشنگتن در مورد پاکستان غور میکند:

نیویارک ۱۳-۱-۱۹۸۰: Dpa

محکوم شدن اتحاد شوروی نسبت تجاوز قشون سرخ در افغانستان توسط اعضای سازمان ملل متحد که بنا بود در اخیر هفته صورت بگیرد، بنا بر ایراد بیانیه های طولانی و متعدد بروز دوشنبه موکول گردید و در طول مدت بیانیه های اعضای ملل متحد که تا ساعات اخیر شب

دوام کرد واضح شد که اتحاد شوروی با اکثریت آرا ۲/۳ محکوم خواهد شد. قبل بر این فیصله شورای امنیت درین باره ویتوی نماینده شوروی رد شده بود.

ضمن ایراد بیانیه ها نظر نماینده هند باعث تعجب اعضای کنفرانس گردید، زیرا این افواه بین اعضای اجلاس پخش شد که نظر به هدایت صدراعظم منتخب هند اندیرا گاندی، رئیس هیئت نمایندگان هند در ملل متحد بر اجیش میسرا Brajesh Mishra در آخرین لحظه قبل از ایراد بیانیه خود نظرش را تغییر داده و به طرفداری نماینده اتحاد شوروی رای داده است. وی در بیانیه خود اضافه کرد که نماینده اتحاد شوروی ادعا میکند که حکومت وی عساکر خود را اساس قرارداد دوستی با افغانستان (قرارداد منعقد ماه دسامبر ۱۹۷۸) و مطابق به مواد شامل منشور ملل متحد بآن کشور فرستاده است و زمانیکه رژیم کابل بیرون کشیدن قوای شوروی را از افغانستان تقاضا کند، اتحاد شوروی عساکر خود را از افغانستان بیرون خواهد کشید و لذا دلیلی نداریم که بگفتار اتحاد شوروی اعتماد نکنیم و این عمل را یک پروسه بین دو کشور مستقل قبول نکنیم همچنان نمایندگان اوکراین، بلغاریا، یمن جنوبی، لاوس و منگولیا نظر نماینده اتحاد شوروی را تأیید کردند.

سفیر ایالات متحده در ملل متحد مک هنری Mc Henry اقدام اتحاد شوروی را یک تجاوز صریح قلمداد کرد و اضافه نمود که قوای عسکری اتحاد شوروی بمنظور قلع و قمع مخالفین رژیم کابل به کشور افغانستان تجاوز کرده است.

نماینده دایمی آلمان غرب در ملل متحد فون ویشمار Von Wechmar در بیانیه خود از نمایندگان ملل متحد تقاضا کرد تا: «در برابر یک تجاوز صریح و استفاده از قدرت با خطرهاییکه به تعقیب صلح جهان بآن مواجه میشود، قیام کنند».

تعداد زیادی از دیپلماتها از روند جریان کنفرانس چنین برداشت کردند که اتحاد شوروی در این کنفرانس باشکست بزرگی مواجه خواهد شد.

موازی باین جریانات در ملل متحد، در واشنگتن نیز کنفرانسی دایر گردیده که در آن نمایندگان کشورهای بزرگ صادرات غله حضور بهم رسانیده اند در این کنفرانس نمایندگان بازار مشترک اروپایی، کانادا، استرالیا و ارجنتاین از نظر نماینده امریکا پشتیبانی کرده و فیصله نمودند تا صدور غله را به اتحاد شوروی تحریم کنند.

لیکن حکومت جاپان که در تصمیم خود مردد بوده و آنرا بآینده موکول کرد زیرا جاپان

بیم از آن دارد که صادرات تکنولوژی عالی و تمویل کردیت برای پروژه مشترک هردو کشور در سایبریا صدمه خواهد دید و از این سبب باید انتظار کشید.

رئیس جمهور پاکستان جنرال ضیاء الحق در بیانیه خود اظهار داشت: « ابرقدرتی در روز روشن بر یک کشور همسایه تجاوز و آنرا اشغال کرد و با این عملیه سرحدات جنوبی اتحاد شوروی را توسعه داده به تورخم و چمن (پاکستان) وصل کرد». وی اضافه کرد که با این تجاوز صریح سرحدات امروزی پاکستان در معرض خطر قرار گرفته است اما با اشاره به افغانستان و اتحاد شوروی بدون آنکه نامی از آنها ببرد، گفت: « پاکستان در وضع موجوده تنها نبوده بلکه دوستهایی در جهان دارد که وفادار به تعهدات خود بوده و مورد اعتماد ما میباشند».

یگانه شخصیت بانفوذ سیاسی از کشورهای غرب، رهبر حزب کمونیست فرانسه، جارج مارشی Georges Marchais مداخله نظامی اتحاد شوروی را تأیید کرد ولیکن سوسیالیستهای فرانسه تجاوز شوروی را در افغانستان بشدت تقبیح کردند. درستون بعدی روزنامه خبری تحت عنوان «واشنگتن تصمیم گرفته تا پاکستان را کمک کند» مینگارد:

نظریه تعهدات سال ۱۹۵۹ ایالات متحده امریکا صیانت از تمامیت ارضی و تأمین امنیت پاکستان را وظیفه اصلی خود میداند. این مطلب را سیروس وانس C. Venve وزیر خارجه ایالات متحده امریکا حین مذاکرات طولانی ایکه با مشاور سیاست خارجی رئیس جمهور ضیاءالحق، آغاشاهی داشت، اظهار داشت. سخنگوی قصر سفید پاول Powell در برابر خبرنگاران اظهار داشت که در هفته آینده موضوع کمک به پاکستان در کانگرس مورد بحث قرار خواهد گرفت همچنان نمایندگان پیمان اطلس در بروسل گردهم آمده، اوضاع جهان را بعد از تجاوز شوروی در افغانستان تحلیل نموده در صدد هم آهنگ ساختن پالیسی خود می باشند. آیا در اخیر هفته اعلامیه مشترکی صادر خواهد شد؟

بروسل ۱۳-۱-۱۹۸۰ از هینس ستادلن Heinz Stadelmann :

بعد از تجاوز قشون سرخ به افغانستان سلسله مذاکرات در مرکز سیاسی ناتو در حومه شهر بروسل همچنان دوام دارد. زیرا آنها خبر ورود قوای نظامی شوروی را به افغانستان تنها از رسانه ها شنیده اند که هنوز کاملاً روشن نیست. این مذاکرات عموماً در دو جناح صورت

میگیرد. مشاورین سیاسی درباره تاثیرات این تجاوز در منطقه غورمیکند در جناح دوم کمیته سیاسی مشتمل بر معاونین ویا شارژدافران سفرای عضو پیمان ناتو میباشدند، درباره روابط جهانی شرق و غرب تبادل افکار نموده و درباره اینکه جهان غرب بمقابل تجاوز شوروی چه عکس العملی از خود نشان بدهد، پیشنهادهای ارائه می دارند.

دیپلماتهای ناتو دسته جمعی از يك وضع نامناسب صحبت کرده و تجاوز نظامی شوروی را به افغانستان « با مفهوم چشم بازکن » برای کشورهای جهان ارزیابی میکنند. اما مبصرین سیاسی ناتو درباره اهداف شوروی در افغانستان تاحال بکدام نتیجه نرسیده اند زیرا آنها تنها از راپورهای که در رسانه ها پخش گردیده و از ورود بیشتر قوای نظامی شوروی به افغانستان صحبت میکند، لیکن تاحال واضح نیست که روسها تا کدوم حد در استیلای این کشور و توسط چه تعداد عساکر تصمیم گرفته اند و معلوم نیست که تا چه مدتی این قوا در این کشور باقی خواهد ماند و یا اینکه بعد از استقرار رژیم و باقی ماندن تعداد محدودی قوا، جهت کنترل اوضاع، متباقی آن از کشور بیرون خواهند شد یا خیر.

نزد مفسرین سیاسی ناتو تشبیه اشغال افغانستان توسط قوای شوروی با مفهوم « ویتنام اتحاد شوروی » خوش آیند نیست، زیرا این مقایسه خاطره شکست امریکا را در اذهان زنده می کند از طرف دیگر مقایسه مناطق جنگلزار ویتنام با مناطق کوهستانی و دره های وسیع افغانستان قابل مقایسه نیست اگر اتحاد شوروی با قوتیکه در دست دارد تصمیم بگیرد از بین بردن قوای مخالفین رژیم کابل عملیه مشکلی نخواهد بود.

۱۵-۱-۱۹۸۰ نیوز ورلد The News World ایالات متحده:

کابل: يك اردوی ۱۰۰۰۰ نفری شوروی در امتداد سرحدات ایران و افغانستان موضع گرفته است. این خبر را يك دیپلمات غربی از کابل و ناظرین نظامی در امریکا راپور داده اند. و همین فرقه موتوررزه ۶۶ در میدان هوایی شیندند حوالی شهرهات مستقر شده است این قوا وظیفه دارد تا خطوط مواصلاتی بین ایران و مبارزین افغانی را کنترل نماید. روزنامه متذکره فوتوی شاه محمد دوست وزیر خارجه رژیم کابل را با نماینده مشاهد فلسطین، زهدی لیبب طرزی، که بنمایندهگی PLO از موقف اتحاد شوروی دفاع میکند، نیز نشر کرده است.

۱۶-۱-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمابنی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

۱۰۴ کشور جهان خواستار خروج قوای نظامی از افغانستان شدند:

ماسکو از مداخله در امور داخلی يك کشور نام می برد.

فیصله مجمع عمومی ملل متحد :

تنها ۱۸ رای مخالف:

رومانیه از صحنه بیرون مانده :

نیویارک ۱/۱۵ (Ap/Reuter/dpa):

شب سه شنبه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویارک با ۱۰۴ رای موافق ، ۱۸ رای مخالف و ۱۸ رای مستتکف تصویب کردند تا تمام قوای خارجی از افغانستان خارج گردند.

نایندگان ممالک مسلمان وممالک غیرمنسلک پیشنهاد کننده گان این قضیه، در فیصله نامه عمداً اسم شوروی را نگرفتند و با این تاکتیک بتوانند ممالک بیشتری را درین فیصله نامه سهمیم ساختند با این عمل موفق شدند تا فیصله ای را با توافق اکثریت دوبرسه اعضاء بدست آرند.

رادیو ماسکو فیصله مجمع عمومی ملل متحد را «مداخله صریح در امور داخلی يك کشور مستقل وعضو جامعه بین الملل عنوان کرده و علاوه نمود که فیصله های سازمان ملل شکل حکمی را نداشته بلکه يك نوع خاصیت سفارشی را دارد برخلاف اعلامیه اتحاد شوروی آژانس خبررسانی رسمی چین، هینسوا، فیصله ملل متحد را « يك شکست مطلق» اتحاد شوروی ارزیابی کرد حکومت بریتانیا اعلام کرد که نسبت به تجاوز قشون شوروی در افغانستان در نظر دارد درباره تحریم اولمپییای ماسکو غور کرده وتصمیم اتخاذ کند.

روز سه شنبه دربروسل متحدین ایالات متحده امریکا وزرای خارجه بازار مشترک اروپا وهیئت اجراییه پیمان اطلس درباره تحریم دسته جمعی در برابر اتحاد شوروی غورکردند.

گفته می شود عربستان سعودی در نظر دارد تا درگردهم آیی اعضای کنفرانس اسلامی که قرار است در اواخر این ماه در اسلام آباد دائرمی گردد از تمام کشورهای اسلامی تقاضا کند تا

روابط سیاسی خود را با شوروی قطع نموده مسکو را تحریم اقتصادی نمایند. در فیصله نامه مصوبه ملل متحد تجاوز نظامی اتحاد شوروی يك «عمل فوق العاده اسفناك» شناخته شده و از تمام ممالك جهان تقاضا بعمل آمده تا برای مهاجرین افغانی پروگرام كمكهای بشری کشورهای خود را رویدست بگیرند همچنان از شورای امنیت سازمان ملل تقاضا بعمل آمده تا عملی ساختن فیصله های مجمع عمومی ملل متحد در مورد «مواد وچگونگی امکانات»، آن غور نمایند.

نمایندهگان کشورهای جهانی در ملل متحد و همچنان دیپلماتهای جامعه ملل نظرمیدهند که بحث دوباره در باره تجاوز و اشغال نظامی شوروی در شورای امنیت ممکن نخواهد بود، زیرا اتحاد شوروی از حق ویتوی خود در آن اجلاس استفاده خواهد کرد.

۱۷-۱-۱۹۸۰ هامبورگر آبنديت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

كسیكه اتحاد شوروی را ازسالیان دراز باینطرف مطالعه کرده ومیشناسد اظهارنظر میکندکه: احتمال زخم برداشتن روسها ازتصوردورنیست:

بایکوت اولمپیا توسط کشورهای غربی برای رهبران اتحاد شوروی معنی يك شکست فاحش را دارد. این مطلب را دكتور ابروین بیرنس Dr.Erwin Behrens (۵۱ ساله) بحیث خبرنگار سیاسی در نیویارک و به تعقیب آن بحیث خبرنگار آزاد ازسال ۱۹۷۳ الی ۱۹۷۸ در شرق میانه و بیش ازیکسال باینطرف بحیث آمر WDR (راديو آلمان غرب) درستودیوی بن (پایتخت آلمان غرب) وظیفه دارد در تبصره سیاسی رادیویی اخیر خود چنین اظهارنظرکرد:

وقتی يك خرس به منزل کسی داخل شود، نمی توان آنرا از بناگوشش گرفته و بیرون کشید اما اگر واقعاً جهان غرب تصمیم بگیرد که روسها برای پالیسی توسعه جویی خود يك قیمت بپردازد، در آنصورت ارزش وتأثیر تحریم کشورهای جهان غرب در بازی های اولمپیاى ماسکو بیشتر ازمنع صدور غله امریکا به اتحاد شوروی خواهد بود.

ما میدانیم که کمبود غله تأثیر مستقیم در زندگی مردم روس دارد اما تحریم اولمپیا معنی شکست رهبران شوروی را درقبال دارد، زیرا با بازی های اولمپیا رهبران شوروی میخواهند انقلاب اکتوبر ۶۳ ساله خود را صیقل داده و برای مشروعیت این سیستم قدمی بیشتر گذارند. از اینرو تحریم اولمپیا برای شوروی دردناکتر از هرچیز بوده میتواند، زیرا بازیهای

اولمپیا معنی شناخت بین المللی را دارد و روسها هنوز هم سعی میوززند تا در این راستا سدی وارد نگردد.

من تا امروز هیجان بیحد خروسچف را فراموش نمیکنم که در شروع سالهای ۶۰ در قصر کرملین فریاد میزد «ما تقاضا میکنیم تا جهان موجودیت آلمان تقسیم شده را قبول کنند و با این قبولی عظمت شوروی را تصدیق کنند».

روسها تسخیر کره ماه را تنها برای تصدیق بزرگی شوروی و نظام خود میخواستند و با نهایت درد مجبور شدند تا این سبقت را که به نفع و نصیب امریکا شد بپذیرند. مبرهن است که در ساختار فکری اتحاد شوروی سعی نهایی نهفته است تا ایالات متحده قبل از خود را به عقب براند و خود از وی پیشی بگیرد و از جانب دیگر اتحاد شوروی دوستی تمام کشورهای جهان را خواستار است اما امروز با بزرگترین کشور کمونیستی جهان یعنی چین تا سرحد مرگ سردشمنی دارد.

اتحاد شوروی از سالها باینطرف در برآوردن این آرزو که روزی بازیهای اولمپیا در ماسکو صورت بگیرد بیحد سعی ورزیده تا با این شناخت، بزرگی خود را دوباره احیا کند. من (مبصر) بخاطر دارم که تقریباً ۱/۴ قرن قبل از فراز تپه های لینن در ماسکو منظره شروع کارهای مقدماتی ساختمان ستادیوم لوشینکی Lusceniki را مشاهده می کردم و شخصی در پهلویم که ایستاده برایم گفت:

« در آنجا روزی بازی های اولمپیا صورت خواهد گرفت » در آن زمان مدت کمی بعد از دوران ستالین اظهار نظر کردن درباره چنین مفکوره ای کارس مشکل بود.

از مدتهای طولانی باینطرف روسها با خوشی و کنجکاوی تقریباً مانند اطفال انتظار دیدن صحنه های اولمپیا را میکشند. اگر تحریم اولمپیا در ماسکو صورت بگیرد در آن صورت میلیونها روسی جهان غرب را مسئول بار آوردن این شوک نمیشناسند بلکه مسئولیت آنرا بعهدہ رهبران شوروی خود می بینند و اینست صدمه بزرگی که در پیکر رهبران شوروی خواهد رسید.

۱۸-۱-۱۹۸۰ دی سایت Die Zeit آلمان غرب:

مصاحبه اختصاصی ببرک کارمل با ژورنالستهای غربی:

«ژورنالستهای محترم حلقه مخالفین»

رئیس دولت جدید در برابر ژورنالستهای غربی:

راپورتر: ژورنالیست دی سایت پیترنیزبوند Peter Niesewand :

روز پنجشنبه گذشته اولین برخورد رئیس دولت جدید افغانستان با ژورنالستهای غربی شکل طوفانی را بخود گرفت. چند روز قبل ببرک کارمل حین مصاحبه با ژورنالستهای کشورهای بلاک شرق هیچ مشکلی نداشت زیرا در مصاحبه با ژورنالستهای بلاک شرق هیچ کسی نمی خندید و با اینکه تبسم تمسخرآمیز نمیکرد و نه با صدای بلند رئیس دولت را مخاطب قرار میداد و نه تقاضا میکرد که: « جواب بده! جواب بده!»

در ضمن مصاحبه با ژورنالستهای غربی از وی سوال شد که تعداد عساکر قشون سرخ در افغانستان به چند نفر میرسد و با اینکه چند فیصد مردم این کشور از وی و رژیم وی طرفداری میکنند، کارمل که توسط قوای شوروی بر اریکه قدرت نشانیده شده است کوشش میکرد که از جواب دادن طفره برود.

روز پنج شنبه گذشته تکرار چنین سوالها يك سیر عادی داشت. نمایندگان رسانه های جهانی در یک سالون قصر چهل ستون گردهم آمده بودند و در اطاق کنفرانس مطبوعاتی عساکر رژیم با تفنگهای کلاشینکوف ویرچه های برافراشته بحالت آماده باش ایستاده بودند. قصر چهل ستون با باغ زیبای آن مقرر کار رئیس دولت جدید میباشد احتمال دارد ببرک کارمل تا زمانیکه قصر جمهوری در داخل شهر دوباره ترمیم شود، قصریکه در جریان زودخورد ماه دسامبر گذشته صدمه برداشته است، در این قصر که اطراف آن مانند یک دژ مستحکم گردیده بکارهای روزمره خود برسد.

ملاقات کارمل با ژورنالستهای کشورهای غربی هر چیزی بغیر از موفقیت در امور بود که خطای اصلی آن، بخود کارمل راجع گردید. زیرا وی از همان آغاز مصاحبه با تبختر ژورنالستهای کشورهای غربی را پذیرفت. اما با پرخاش بیجا و پیش آمد ناموزون به آنها حمله کرده و خارج از موضوع بر آنها تاخت.

پروگرام مصاحبه مطبوعاتی طوری برنامه ریزی شده بود که مصاحبه تنها بین ژورنالیستان کشورهای غربی و کارمل صورت بگیرد، هنگام عزیمت از هتل جانب قصرچهل ستون که توسط موترهای سرویس و یک تعداد موترهای بنز تیز رفتار واضح شد که سیت‌های اول سرویس‌ها توسط ژورنالیست‌های شوروی اشغال گردیده.

وقتی کارمل به سالون داخل شد ژورنالیست‌های روسی که در قطار اول نشسته بودند پیاپیستادند و یکف زدن آغاز کردند و برعکس ژورنالیست‌های کشورهای غربی بجای خود نشسته ماندند و در قطار شان سکوت کامل حکمفرما بود.

کارمل بدون مقدمه بگفتار خود چنین آغاز کرد:

«خبرنگاران محترم کشورهای دوست و خبرنگاران محترم جناح مخالف» بنام حزب دیموکراتیک خلق قهرمان افغانستان تشریف آوری تانرا خیرمقدم می‌گوییم و از خبرنگاران محترم جناح مخالف سوال می‌کنم: «جینیکه امپریالیسم امریکا و جاسوس‌های آن، نورمحمدتره کی، رهبر قانونی افغانستان را کشتند و قدرت را بدون صلاحیت و مشروعیت بدست خود گرفتند، شما در کجا تشریف داشتید؟» کارمل بدون انتظار جوابی بگفتار خود ادامه داده اظهار داشت: «امین و همکاران باند وی باهمبستگی امپریالیسم بین المللی و مرتجعین داخلی دست بهم داده بودند و زمینه را برای امیال خود آماده ساخته و رهبر قانونی افغانستان را از بین بردند» و حال از شما تقاضا می‌کنم تا به سوال‌های تان شروع کنید.

در آن واحد در حدود بیست نفر را پورترها از جای خود برخاستند و درخواست نوبت کردند. نوبت اولین سوال به یک خبرنگار آلمان غربی داده شد. ژورنالیست موصوف سوال کرد که: «آقای رئیس! من می‌خواهم به سوال قبلی شما جواب بدهم که ما در وقت کشته شدن تره کی در کجا بودیم؟، ما زمانیکه تره کی کشته شد و امین بقدرت رسید در پایتخت افغانستان و در شهر کابل بودیم و اعمال غیرانسانی و خشن امین را تقبیح کردیم و در آن وقت تعجب کردیم که دوست امروزی شما اتحاد شوروی، با کدام معیار توانست وی را تأیید و کمک نماید؟

یک مدت مکث طولانی را دربرگرفت تا اینکه رئیس کارمل رشته سخن را بدست گرفته و اظهار داشت که:

«با اثر توافقات و پرنسیپای متسحکم و سیاست خارجی دوستانه اتحاد شوروی که هیچگاه در امور داخلی یک کشور مداخله نکرده و نخواهد کرد، اتحاد شوروی وظیفه خود دانست تا ملت

افغان را کمک کند و هیچگاه تعهد نکرده بود که رژیم تروریست و خون آشام امین را حمایت کند».

ژورنالیست انگلیسی رشته کلام را بدست گرفته کارمل را مخاطب قراردادده سوال کرد: «تاجاییکه ما اطلاع داریم لیونیدبریژنیف انتخاب دیموکراتیک شمارا برایتان تبریک گفته . آیا رئیس دولت کارمل بما جواب داده میتواند که این انتخابات توسط کدام اشخاص و بکدام تاریخ صورت گرفته و چرا بقدرت رسیدن شما ضرورت بحمایه اردوی شوروی پیدا کرد؟ کارمل جواب داد: «محترم نماینده امپریالیسم برتانیه!» همان امپریالیسم ایکه سه باریشرمانه به کشورما حمله کرد وجواب بجای ملت افغان را حاصل کرد ... کف زدنهای روزنامه نگاران شوروی فضا را پر کرد و جواب سوال روزنامه نگار انگلیسی، اگر جوابی داشته باشد، درهوا ماند. در این ضمن روزنامه نگار دیگری از کشورهای غرب سوال کرد: «آیا شما روزی عین همین جواب را درباره روسها خواهید داد؟» کارمل دراین باره جوابی نداشت وخاموش ماند.

چنینکه خبرنگار روسی روزنامه پراودا به پاخواست و می خواست سوالی کند ژورنالیستهای کشور های غربی شکایت کردند. اما باوجود آن نماینده روسی سوال کرد: رفیق کارمل: «لطفاً نظرتانرا در باره روابط دوستانه اتحاد شوروی وتوسعه آن بما اظهار نمائید»؟

خنده های تمسخرآمیز وتبسمها درحلقه ژورنالیستهای غربی و صدا های «عجب سوال مهمی!!!» فضای سالون را پرکرد.

بعداز این سوال بی محتوی نماینده روسی خانمی از تلویزیون فنلند سوال کرد: «از پیروزی انقلاب اپریل ۱۹۷۸ باینطرف رهبران حزبی خلق یکی بعد دیگری کشته شده اند آیا شما اطمینان دارید که سرنوشت شما نیز بعین شکل تعیین نخواهد شد؟» بیرک کارمل جواب داد: «من به خبرنگار محترم ثابت خواهم کرد که بقایای رژیم امین را ازبین خواهم برد تاچنین عملی نتواند دوباره تکرار شود».

یک ژورنالیست دیگر روسی سوال کرد: رئیس دولت کارمل همبستگی های سوسیالیستی راچه نوع ارزیابی میکند؟

کارمل جواب داد: «بعقیده وی همبستگی سوسیالیستی افغانستان را از خانه جنگی ها

نجات خواهد داد و این همبستگی با تمام کشورهای برادر و دیموکراتیک توسعه خواهد یافت». ۱۲ خبرنگار یکجا بپا خواسته و طالب جواب سوالهای خود شدند .
 یکنفر صدا کرد که من نماینده NBC امریکا هستم، شما سوال اول مرا جواب نگفتید!
 آقای رئیس من میکروفن را بدست خود دارم و اجازه بدهید سوال کنیم: به قول منابع رسمی امریکا تعداد عساکر شوروی در افغانستان به ۸۵۰۰۰ نفر تخمین می شود. آیا این رقم حقیقت دارد؟

کارمل صرف آخرین سوال را جواب داده گفت:

« این سوال شما درباره تعداد عساکرمبالغه آمیز است. نه تنها اینکه مبالغه آمیز بلکه سرچشمه آن از دستگاه ماشینری پروپاگند دروغ بافی امپریالیسم غربی منشاء گرفته». بعد از این سوال و جواب، غیرممکن بود سوالی دیگری شده بتواند وصدای همه در گلو خفه گردید.

۱۸-۱-۱۹۸۰ هامبورگر ایندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:
 بن Bonn/sto/koc :

جلسه پارلمان آلمان غرب در شروع دهه ۸۰ بیشتر از ده ساعت دوام کرد. در اجندای این مجلس غور درباره وضع سیاسی جهان بعد از بحران دوگانه ایران و افغانستان مشخص گردیده بود. در ردیف مخصوص شنوندگانی که از خارج پارلمان آمده بودند چوکی خالی به نظر نمیخورد و در بین حاضرین این حلقه خانم صدراعظم آلمان غرب، هنیلوری شمیدت Hannelore Schmidt، نیز شرکت داشت که از وضع صحنی شوهرش ناراحت بود.

باوجود مریضی صدراعظم (کانسلر) آلمان غرب بیانات خود را در برابر اعضای پارلمان به پایان رسانید لیکن در مجلس بعد از ظهر که رقیب و کاندید مقام صدارت وی، فرانس یوزف شتروس بیانیه میداد، حاضر شده نتوانست.

فشرده بیانات اعضای پارلمان و سیاستمداران حکومت برسر قدرت و مخالفین شان:
 هلموت شمیدت H.Schmidt : اتحاد بین کشورهای آزاد جهان معنی گذشت و قربانی را دارد.

اتحاد شوروی خود را نزدیک به چند صد کیلومتری بحرهند، خلیج فارس و منابع تولید نفت

ساخته اما در عین زمان اتحاد شوروی در قیه جهان، کشورهای غیرمنسلك و کشورهای روبه انكشاف، بطور بی سابقه ای در حالت تجرید قرار گرفته است.

كاندید حزب مخالف از احزاب ائتلافی CDU/CSU

فرانس یوزف شتروس Strauss:

اتحاد شوروی مقدمات نظامی را در کمربند بحران، از شمال افغانستان تا جنوب افریقا، طوری آماده ساخته که میتواند در صورت بروز يك جنگ آمادگی و پیشقدمی کامل داشته باشد.

رهبر حزب CDU هلموت کوهل Kohl :

تجاوز و اشغال افغانستان تا زمانی برای اتحاد شوروی با خطر مواجه شده نمیتواند که سیاست مداران کشورهای غربی این واقعیت توسعه طلبی وحشیانه شوروی را نادیده بگیرند.

۱-۲-۱۹۸۰ بیلد Bild آلمان غرب:

کابل: اولین گروه عساکر قشون سرخ در پنجشیر به مبارزین افغانی تسلیم شدند .
در سراسر کشور جنگهای وحشتناکی جریان دارد و روسها با تانکها و وسایط زره پوش در مناطق کوه بند بدخشان به حمله پرداخته اند. در این زدوخورد بین آزادیخواهان مسلمان افغانی و قوای شوروی ۲۸۰ نفر از عساکر اشغالگر کشته شد و ۱۲ عراده تانکهای شان طعمه حریق گردید. قرار راپورهای واصله از اتحاد شوروی، حکومت اعلام داشته تا قوای احتیاط کشور هر چه زودتر بمراجع مربوط شان به تماس شوند .

دیروز کشتی طیاره بردار امریکا نیمس Nimitz بادوکشتی دفاعی بصوب آبهای خلیج فارس بحرکت افتاده امروز جمعاً ۲۴ کشتی جنگی امریکایی در آبهای بحرهند در حالت آماده باش میباشدند.

بقول يك مبصر سیاسی از جنوب شرق آسیا، پنج کشتی جنگی بشمول يك کشتی جنگی راکت افکن شوروی از آبهای بحر چین گذشته وباستقامت خلیج فارس در حرکت میباشدند.

۲۲-۱-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیماینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

در روزنامه بیشتر مطالب روزنامه ها به اخبار افغانستان اختصاص داده شده که با عناوین درشت از صفحه اول الی چهارم شانرا احتوا می کند.

درینجا نسبت به تراکم موضوع صرف از موقف احزاب سیاسی آلمان غرب یاد آوری کرده عناوین نکات مهم آنرا از نظر خوانندگان می گذرانم:

تحریم اولمپیا در ماسکو:

- احزاب ائتلافی مخالف حکومت با اکثریت آراء از بایکوت بازیهای اولمپیک در ماسکو طرفداری میکند.

- حکومت تصمیم گرفته جهت یافتن راهی برای حل این معضله با دیگر کشورها تماس بگیرد

- در نزد اعضای حزب سوسیال دیموکرات شک و تردید ایجاد شده است

- حزب لیبرال انتظار حوادث بعدی را دارد.

مضمون دومی تحت عنوان: مبارزین مقاومت افغانی میخواهند تا با هم اتحاد کنند، مینگارد:

فرانکفورتر AP/AFP

بازهم قیافه های بیشتر عساکر شوروی در جاده های شهر کابل

منع ورود ژورنالیستان خارجی به افغانستان:

وطن دوستان مسلمان افغانستان سعی میورزند که قوای خود را در چوکات یک اتحاد

سرتاسری با هم بسیج گردانند تا بتوانند در برابر قوای متهاجم و حکومت دست نشانده شوروی

بنحو موثرتری مبارزه کنند این خبر را رادیو ایران از قول یکی از رهبران هفت تنظیم مستقر در پشاور تشر کرد.

در روزهای اخیر هفته علایمی مشهود گردید که قوای شوروی با مقاومت شدید آزادیخواهان

افغانی روبرو گردیده. قرار راپور منابع امریکایی یونتهای نظامی رژیم با مبارزین افغانی

پیوسته اند و اتحاد شوروی تعداد بیشتر عساکر قشون سرخ را به افغانستان گسیل کرده است

فعلاً در مناطق شمال غربی افغانستان جنگهای شدیدی جریان دارد.

درجاده های شهرکابل حضور قوای سرخ روسی بیشتر جلب توجه میکند. در هفته گذشته عساکر شوروی طور پراکنده باموتراهی جیب دیده میشدند لیکن از شروع هفته باینطرف کتله های بیشتر قوای روسی با وسایط زره پوش ولاری های مملو از عساکر مجهز با تفنگ های کلاشینکوف در جاده های شهر بچشم میخورند. قرار راپورمنابع موثق از شهرکابل و به عقیده ناظرین سیاسی، اتحاد شوروی در نظر دارد تا تغییر و تبدلاتی در اعضای حکومت وارد کند، زیرا نزد مردم افغانستان یا نزد افغانها رئیس دولت جدید، ببرک کارمل و اعضای کابینه وی بحیث «عروسک» های ماسکو قلمداد شده و آنها را بطور دسته جمعی رد میکنند.

اعضای کابینه از مدت يك هفته باینطرف عملاً ناپیدا بوده و هیچ فردی از ایشان حاضر نمی شود تا بایکی از روزنامه نگاران کشورهای آزاد مصاحبه کند و بالای رفت و آمد روزنامه نگاران قیود بیشتری گذاشته شده و اجازه نامه های کسانیکه بسر رسیده باشد تعدید نمیشود. قرار اطلاع واصله از دهلی جدید حکومت کابل در نظر دارد تغییری در متن بیرق ملی افغانی وارد کند. دلیل اصلی این تغییر وجود کلمه «خلق» است که نمایندگی از فراکسیون حزب کمونیستی مربوط باین اسم میکند.

بارویکار آوردن رژیم کارمل با همکاری و توسط اتحاد شوروی و همچنان تجاوز قوای آن شکل سیاسی کشوریکی تغییر کرده است.

در صفحه سوم درستون سرمقاله این روزنامه، کلاوس ناتروپ Klaus Natorp عضو هیئت تحریر این روزنامه مهم جهانی از اسلام آباد تحت عنوان:

سیل پناه گزینان افغانی باعث ایجاد خطر برای پاکستان میشوند و

پاکستان به کمکهای اقتصادی و نظامی جهان غرب ضرورت مبرم دارد، مینگارد:

از چند هفته باینطرف روزنامه های رهبری شده حکومت پاکستان بیشتر وقت خود را برای دادن راپور قضایای افغانستان اختصاص داده و طوریکه حکومت پاکستان ادعا میکند پاکستان از حوادث و جریانات داخلی افغانستان متأثر گردیده است قابل سوال می باشد. در کشور های جهان سوم که پاکستان عضوی از آنها شمرده میشود اکثریت ملت برای زنده ماندن در تلاش يك لقمه می باشند وقت وعلاقه ندارند تا به مسایل سیاسی پردازند.

حکومت پاکستان بیم از آن دارد که اگر بر تعداد موجوده ۵۰۰۰۰۰ هزار مهاجر افغانی ۵۰۰۰۰۰ نفر دیگر اضافه گردد با این رقم پیش بینی شده اداره پتانها (پشتونهای) پاکستانی را برای حکومت پاکستان مشکل می سازد.

با آنکه حکومت اجازه نمیدهد که مهاجرین افغانی از ساحات معینه بیرون بروند، لیکن بنا بر مناسبات قومی ولسانی يك تعداد زیاد آنها در مناطق تولید اسلحه ساخته دست، پاکستانی متوطن شده و در خریداری سلاح و تهیه آذوقه برای مجاهدین همکاری میکنند.

حکومت سعی میوزد بزرگان و موسفیدان قوم پشتون های طرف پاکستان از آزادی قبایلی خود استفاده نکرده و در امور داخلی افغانستان دست نزنند. با وجود سعی حکومت در صورتیکه موسفیدان و بایزرگان قوم (ملکها) تصمیم بگیرند که در جهاد مردم افغان شرکت کنند، حکومت صوبه ای و مرکزی مانع آنها شده نمیتواند. بزرگان قوم پشتون که با احساس نفرت شدید در برابر قوای شوروی با مهاجرین افغانی شریک هستند آنقدرها بی خبر نیستند که ندانند با سلاح دستیاب شده ساخت پاکستان در برابر ماشینری مدرن اسلحه شوروی مقاومت کرده، نمیتوانند. یگانه و بزرگترین موفقیت شان در پناه وجود سد طبیعی، یعنی کوههای صعب المرور کشورشان است که در طول تاریخ بارها به اثبات رسیده است.

تاکتیک جدید جنگها در افغانستان طور است که کسانی که به خدمت در رژیم حاضر نمی شوند باید با جبراً از خاک رانده شوند و در جمعیت باشندگان افغانی در پاکستان بایست بین مهاجرین و رانده شدگان افغانی از هم تفکیک شوند زیرا تکتیک جدید رژیم کابل چنان است از یکطرف خود را از جنجال مخالفین و تخریبات آنها در کشورهایی می بخشد و در عین حال در کشور همسایه پاکستان « پروپلم فلسطینی ها » را خلق کند.

۲۳-۱-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

این روزنامه با هم چندین صفحه اخبار خود را با قضایای افغانستان اختصاص داده که از مجموع آن عناوین را ذکر نمود و سرمقاله روزنامه را با تفصیل اصلی آن ترجمه میکنم. عناوین روزنامه :

- اندری زخاروف Andrei Sacharow برنده، جایزه نوبل در جاده عام شهر ماسکو با زداشت گردید زخاروف متهم به « عملیات خرابکاری » گردیده، جوایز دولتی و مناصب علمی را از وی سلب گردید.

- احزاب ائتلافی مخالف حزب حکومت آلمان غرب از بایکوت او لمپیا در ماسکو بصورت دسته جمعی حمایت میکنند.

- وزیر خارجه چین هوانگ هوا Huang Hua ضمن مصاحبه ای با کلاوس ناتروپ در بیکنگ اظهار داشت که اتحاد شوروی در پالیسی توسعه طلبی خود نشانه ای جدیدی از خود گذاشته و تجاوز قوای شوروی در افغانستان معنی خطر بزرگی را برای جمله کشورهای صنعتی دارد.

- مبارزین آزادیخواه افغانی زندگی را بر عساکر شوروی در افغانستان مشکل ساخته اند. - تعداد مهاجرین افغانی در پاکستان بزودی به يك میلیون نفر میرسد و صلیب احمر بین المللی مواد ارتزاقی و خیمه به پاکستان فرستاده است.

- سفر تظاهراتی گنچر Genscher وزیر خارجه آلمان غرب به ایالات متحده و مذاکرات وی با جیمی کارتر رئیس جمهور و سیروس و انس وزیر خارجه امریکا - سفر ایل اپل Apfel وزیر دفاع آلمان غرب به مقر پیمان اطلس و مذاکره با جنرال راجرز Rogers (امریکایی) قوماندان عالی پیمان اطلس در بلجیم .

- کریلین Kirillin معاون کاسیگین Kossigin صدراعظم اتحاد شوروی از وظیفه اش استعفا کرد.

- مضمونی درباره ببرک کارمل تحت عنوان «برده، ماسکو در هندوکش» - کشورهای افریقایی آمادگی بیشتر برای تحریم اولمپیا ماسکو را اعلام کردند. و اینک ترجمه سرمقاله روزنامه تحت عنوان «خطر از آسیای میانه» بقلم هرالدفوکی Harald Focke :

«مردیکه به لسان محلی منطقه بلد بود بدون سروصدا بسمتی در حرکت است اما وچشمانش متوجه جای دیگر است. دیدن وی با نگاه کردن (آقایان) تفاوت داشت، بیقین میتوان ادعا کرد این مرد دیوانه نبود.»

با این جملات رودیارد کیپلینگ Rudyard Kipling داستان رومان «کیم Kim» خود را شروع میکند. قهرمان داستانش کرنیل کریتون Creighton یکی از آمرین با تجربه جاسوسی بریتانیه - هند میباشد.

این اثر در سال ۱۹۰۱ نشر گردیده و در باره «بازی بزرگ»، جلو گیری از سیاست توسعه طلبی تزار روسی در آسیای میانه، بحث میکند.

متون اصلی این کتاب از روابط يك جاسوس انگلیسی با شهزاده های (خان ها) کشورهای سرحدی بحث میکند.

در این اواخر يك مطالعه علمی از طرف یونیورستی اوکسفورد (انگلستان) نشر گردیده و مورخ نامدار انگلیسی ادوارد انگرام Edward Ingram درباره قوانین بازی تشکل قدرت در آسیای قرن گذشته وموقف سیاستمداران انگلیسی را نسبت به آن چنین توضیح می کند: اساساً در تفکر انگلیسها طوری توضیح گردیده که بایست امپراطوری تزار متقاعد گردانده شود تا بحیث همسایه ایران وترکیه، علایق بریتانیه کبیر را نیز، در منطقه بهمان میزان وتناسبی که روسیه از آن بهره مند است، بپذیرد و گرنه در غیر آن عدم قبول این تقاضای به جای امپراطوری انگلیس از طرف روسیه باعث به بهم خوردن توازن قوا در اروپا گردیده وصلح را در اروپا به مخاطره خواهد انداخت.

بریتانیه در نظر داشت تا بین سرحد کشور پهناور تزار روسیه و سرحد غربی هند بریتانوی (سرحدات غربی پاکستان امروزی) يك کشور مسلمان مستقلى را منحيث حایل بین دو امپراطوری داشته باشند.

در طول قرن ۱۹ روسیه تزاری کشورهای کوچک این منطقه را یکی پی دیگری تحت تسلط خود در آورده و آخرین قسمت آن امارت افسانوی بخارا بود که در سال ۱۹۲۰ توسط اتحاد شوروی ب خاک عظیم این کشور پیوند گردید.

تا زمانیکه انگلستان بحیث قدرت استعماری حاکم بر نیم قاره هند باقی بماند، افغانستان مهمترین کشور بزرگ اسلامی افغانستان در آسیای مرکزی منحيث حایل و سدی بین هردو قدرت امپراطوری پایدار مانده توانست و بعد از آنکه قوای برتانیه نیم قاره را ترك گفت در منطقه تغییرات بزرگ جیوپولیتیک رخ داد. از بیست سال باینطرف اتحاد شوروی سیاست آسیای مرکزی خود راطوری عیار کرد تا بتواند روزی مناطق خلیج فارس را تحت کنترل خود در آورد.

خروسچف در سال ۱۹۶۴ در قاهره ضمن ایراد بیانیه ای اظهار داشت: « باید دوستان عرب ما کنترل ذخایر نفتی عربستان سعودی را بدست خود بگیرند» و با پیروی از چنین روند فکری وتعقیب این سیاست در سالهای ۶۰ پیلوتهای قوای هوایی شوروی در جنگهای داخلی یمن عملاً اشتراک کردند.

همین بود که در سال ۱۹۶۷ زمانیکه انگلیسها بندر عدن را تخلیه کردند قایم مقام آن

قدرت استعماری يك قدرت استعماری دیگر یعنی اتحاد شوروی، گردید. بعد از این تاریخ اتحاد شوروی بصورت سیستماتیک شبکه جاسوسی خود را از یمن جنوبی بداخل دیگر کشورهای عربی گسترش داد چنانچه امروز شواهدی در دست است که کریملین در کشمکشهای داخلی ترکیه و سقوط سلسله پهلوی در ایران طور موثر دست داشته و نمیتوان آنرا رد کرد.

طوریکه در سالهای « بازی بزرگ » طرز دید و سیاست روسیه در آسیا مستقیماً بالای امنیت اروپا تاثیر داشت، جریان امروزی در منطقه و تاثیر آن در اروپا عین ارزش را دارا است ولیکن تفاوت در اینجا است که امروز رابطه هازا میتوان ساده تر تشخیص کرد.

در گذشته در باره اینکه آیا سقوط امارت بخارا با ضربه، روسی صلح و امنیت را در اروپا بخطر مواجه میسازد یا خیر، طرفین میتوانستند مناقشه کنند! لیکن امروز يك نظر سطحی بر نقشه، جغرافیایی بما درس میدهد که وجود قوای شوروی در امتداد سرحدات شرقی ایران می تواند خطر مستقیم به شرائین حیاتی صدور مواد نفتی کشورهای عربی باشد.

جلوگیری از سیاست توسعه جویی شوروی میتواند تنها وقتی موثر باشد که دول مشترک المنافع غرب يك مفکوره جامع را برنامه ریزی کرده انکشاف داده و آنرا در عمل پیاده کنند.

ما شاهدیم که از چند ماه باینطرف ایالات متحده در کشورهای مشرق زمین شکستهای فاحش خورده لیکن با آنها در ترکیه، عربستان سعودی، خلیج فارس و پاکستان در پایگاه ها و یا ابحار آن منطقه منحصی صادر کننده سلاح و مهمات جداً دست بکارند همچنان انگلستان تحت رهبری مارگریت تتچر Thatcher در بازی سیاست شرق بار دیگر بصورت موثر سهم میگیرد و حکومت ائتلافی بن در آلمان بدون از تماسهای محرمانه و معاشقه سیاسی با رهبر ایران که مضر ثابت خواهد شد، کدام سیاست واضحی در مشرق زمین ندارد.

بخاطر بیآوریم که تحت اداره ادناور Adenauer (کانسلر سابق آلمان غرب) حکومت آلمان يك سیاست واضح و فعال در مورد جلوگیری از سیاست توسعه جویی اتحاد شوروی در آسیا داشته و بصورت نسبی موفقانه آنرا تعقیب میکرد. این پیرمرد دور اندیش به تهران سفر کرد همچنان سیاستمداران پاکستان را به بن دعوت کرد ادناور در سالهای اخیر کارش همیشه تکرار میکرد:

« تماسهای بیشتر و عمیقتر با متحدین غربی در آسیا بمراتب مهمتر از تماسهای سیاسی با کشورهای غیر منسلک میباشد و همچنان ادناور میخواست در افغانستان متزلزل توسط کمکهای اقتصادی آلمان این کشور نادر را از نفوذ اتحاد شوروی محافظه کند.

اما بعد از آنکه سویه زندگی و اقتصادی ملت آلمان اوج گرفت مسئولین حکومتی درین از برقراری سیاست آلمان در آسیا شانه خالی کرده و این مامول را تنها به امریکا محول کردند و از طرف دیگر زمامداران اتحاد شوروی بازی شطرنج استعماری خود را در آسیا با حوصله تعقیب کردند.

لیکن امروز اتحاد شوروی اشتباه بزرگی را مرتکب شده با تجاوز نظامی به افغانستان طرف انتقاد جهانیان واقع گردید و شوروی را در حالت تجرید جهانی بشمول کشورهای غیر منسلك قراردادده است امروز در اثر همین خطای شوروی بعضی کشورهای بیطرف دست کمک را بطرف امریکا دوباره دراز کرده اند و اگر اروپای غربی دربارہ قدرت خود نیک بیندیشد می تواند با همبستگی با امریکا یکجا و بطور موثر و مانع از پیشروی شوروی در آسیا گردند.

۱-۲۴-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیماینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:
در رابطه با قضیه افغانستان صرف عبارات عناوین روزنامه را از نظر خوانندگان میگذرانم:

- ذخاروف در تبعید گاه گورکی :
 - شایان دالماس Chaban Delmas رئیس پارلمان فرانسه برسبیل پروتست سفر خود را در ماسکو قطع کرده به پاریس مراجعت کرد.
 - (ذخاروف بطور علنی تجاوز قوای شوروی را در افغانستان تقبیح کرده است. مولف)
 - کابینه آلمان غرب موافقه کرد تا به ترکیه و پاکستان کمکهای اقتصادی موثری را رویدست گیرد.
 - گنچر وزیر خارجه آلمان بعد از مذاکرات پیگیر با مقامات امریکایی از واشنگتن برگشت
 - جاسوسان آلمان شرق با دستگاه استخباراتی افغانستان کمک میکند؟
 - راپورهای واصله در مورد اعدام و برطرفی مامورین در کابل
 - ماسکو ادعا میکند ایالات متحده در نظر دارد که بر کره زمین حاکم گردد.
 - دهلی جدید بدوستی خود با اتحاد شوروی وفادار است
 - حکومت آلمان غرب تا حال تصمیم نگرفته که در بازی های اولمپیک ماسکو اشتراک کند
- یا خیر
- جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا تقاضای تحریم بازی های اولمپیا را میکند.

- مارگریت تاتچر صدراعظم انگلستان در مورد تصمیم بعضی کشوراظهار نگرانی کرد.
 - فرانسه اعلام کرد که در بازیهای اولمپیک ماسکوشرکت میکند.
 - یکعده از شخصیتهای بزرگ علمی فرانسه که مقامی شامخی بین المللی دارند
 به شمول فیلسوف بزرگ فرانسه جان پاول سارتر Jean-Paul Sartre همسرش
 Simone de Beauvoir.

Raymond Aron, Robert Bresson, Michel Foucault

Glucksmann, Jaques Julliaed, Bernard Kouchner, Emmanuel Lercy Ladene
 و Andre Wolff از سران کشورهای آزاد جهان و علی الخصوص رهبران سیاسی فرانسه
 تقاضا کردند تا بازیهای اولمپیک ماسکورا تحریم کنند.
 - هوانگ هوا وزیر خارجه چین تقاضا کرد تا محل بازی های اولمپیک از ماسکوبه محل
 دیگری تغییر یابد.

- فریزر Fraser صدراعظم آسترالیا از فیصله امریکا پشتیبانی کرده اظهار داشت: کشور
 هانیکه تا هنوز دودله هستند باید نیک بیندیشند و ما باید خجالت بکشیم که زودتر، در برابر
 تجاوز شوروی به افغانستان که خارج از چوکات سیاسی و انسانی است، جواب رد نداده ایم.
 - حزب کمونیست ایتالیا تجاوز شوروی را در افغانستان شدیداً تقبیح کرد
 - اوئیرا Ohira صدراعظم جاپان اظهار داشت: تجاوز قوای شوروی در افغانستان دوام
 صلح را در کشورهای شرق میانه و جهان به مخاطره انداخته.
 - انورالسادات رئیس جمهور مصر با وایسمن Weizman وزیر دفاع اسرائیل ملاقات کرد
 و در باره تجاوز قوای شوروی در افغانستان باهم تبادل نظر کردند.

۱-۲۵-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب :

اکثر مضامین و اخبار منتشره این روزنامه معتبر جهانی برای ارزیابی قضیه افغانستان در
 رابطه با تجاوز نظامی قوای شوروی اختصاص داده شده.

عناوین برجسته روزنامه :

علاوه بر ثبت عناوین، ترجمه راپور و يك مضمون روزنامه طور خلاصه تقدیم می گردد.

عناوین:

- جیمی کارتر (رئیس جمهور امریکا) بماسکو اخطار داد از پیشقدمی بیشتر جانب خلیج

فارس خود داری کند و دست با اقدام خطرناک دیگری نزنند.

- بزرگترین تهدید جدی صلح بعد از ختم جنگ جهانی دوم سال ۱۹۴۵

- خلاصه دکتورین کارتو: «هرقدر تیکه با حرص توسعه طلبی به منطقه خلیج فارس نزدیک شود، مستقیماً به علایق امریکا در آنجا مداخله میکند، باید بدانند که با جواب مسلحانه امریکا مواجه خواهد شد».

- زخاروف به فعالیت‌های سیاسی خود از گورکی، جاتیکه در آن تبعید گردیده، ادامه میدهد وی در نظر دارد اعلامیه منتشره گروه هلستکی را در مورد افغانستان توسعه بخشد.

- شمیدت، صدراعظم آلمان غرب در نظر دارد در مورد بحران افغانستان به سران حزب مخالف حکومت معلومات بیشتر بدهد.

مضامین:

ماسکو استفاده از بمب‌های سمی و کیمیاوی را در افغانستان رد میکند:

ماسکو: AFP

تلس، آژانس خبررسانی دولتی شوروی ادعای متخصصین امریکایی را که گویا اتحاد شوروی در جنگ‌های افغانستان از سلاح زهردار کیمیاوی استفاده میکند بشدت رد کرد.

روز چارشنبه گذشته متخصصین وزارت دفاع امریکا اظهار داشتند: «بسیار احتمال دارد قوای نظامی شوروی در جنگ‌های افغانستان از بمب‌های گازدار سومان (Soman) که بالای سیستم عصبی انسان تاثیر میکند، استفاده کرده. این بمبها از نوعیست که در سال گذشته توسط ویتنامیها در برابر مخالفین رژیم در شمال لاوس نیز امتحان شده است.

بقول رادیو پاکستان از اسلام آباد جنگ‌های شدیدی بین قوای طرفدار رژیم کابل و مجاهدین در حومه کابل صورت گرفته در این جنگها موفقیتهای چشمگیری نصیب مبارزین اسلامی گردیده. يك سخنگوی حزب اسلامی در پشاور راپور میدهد که در جنگ‌های اخیر در مناطق شرقی شهر کابل در میان کشته شدگان عساکر رژیم و عساکر روسی نیز شامل میباشند.

قرار راپور روزنامه دولتی عربستان سعودی کمیته ای تحت ریاست والی شهر ریاض، شهزاده سلمان تشکیل گردیده تا برای مجاهدین افغانی اعانه جمع آوری کرده و به ایشان کمک برساند. عربستان سعودی از بدو تجاوز شوروی در افغانستان اقدام بفعالیت‌های سیاسی کرده در رساندن کمک‌های بشری برای مهاجرین افغانی پیشقدم بوده و اولین کشور اسلامی است که تجاوز قوای شوروی را به افغانستان تقبیح کرده.

قرار راپور واصله از ینکاک، پایتخت تایلند، برای باردوم هزاران محصل و شاگرد تایلندی برضد تجاوز شوروی در افغانستان به مظاهرات عظیمی پرداخته اند. مظاهره چپان درجاده مقابل سفارت شوروی شعارهای ضد شوروی می دادند و عروسکی از مقوا با قیافه رئیس دولت و سرمنشی اتحاد شوروی، لیونید بریژنیف، را باخود داشتند که درختم مظاهره سرآنها از بدن قطع کرده و درکانال بدررفت مقابل سفارت انداختند.

یک منبع خیر رسانی بازار مشترک اروپایی راپور میدهد که بازار موصوف مبلغ ۲۵ ملیون مارک طورکمک به مهاجرین افغانی درپاکستان تخصیص داده برعلاوه این کمک نقدی، معادل ۸, ۶ ملیون مارک را مواد ارتزاقی برای مهاجرین افغانی بدسترس کمیساری مهاجرین ملل متحد در ژنیو گذاشته شده است.

واینک ترجمه خلاصه مضمون توماس رس Thomas Ross خبرنگار روزنامه از کابل:

در افغانستان سردرگمی روز بروز بیشتر می شود.

قبل از ظهر ۲۱ جنوری: وزیر داخله افغانستان، گلابزوی، مردکوتاه قد با بروتهای ضخیم یک اعلامیه عجیب و غریب حکومت را از روی کاغذ بادست و پاچگی بیحد، مانند یک شاگرد عصبی سراسیمه، مکتب، برای خبرنگاران ممالک شرق و غرب قرائت کرد که توسط ترجمانیکه بطورشکسته و ریخته بانگلیسی ترجمه میشد و خبرنگاران همین قدر فهمیدند که مقصد از خواندن این اعلامیه افشای هویت رئیس دولت سابق، حفیظ الله امین فاشیست و جاسوس سی آی ای، میباشد.

روزنامه نگار بعد از گزارش چشمدیدش دربالا، مطالب بعدی را زیر عنوان درشت به تفصیل

ذیل می نگارد:

« ما از حفیظ الله نفرت داشتیم و میترسیدیم ولیک از بیک کارمل نفرت داریم و تحقیرش میکنیم»

« جاسوس سی آی ای و فاشیست حفیظ الله امین» که در اعلامیه وزارت داخله باین صفات

یاد میشد.

بتاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۷۹ امین میخواست با همکاری رهبر یاغیان گلبدین حکمتیار کودتایی براه اندازد و باین عمل «روح انقلاب را در وجود وفاداران و رهبران واقعی» از بین ببرد. جهت اجرای این کودتا چند روز قبل از این تاریخ امین با حکمتیار درکنرملاقات کرده و توافق رسیده بودند اما دو روز بعد از این تاریخ امین توسط عساکر روسی کشته شد وبعوض

آن شاگرد وفادار شوروی بېرک کارمل توسط روسها بکړسی نشانده شد. باید در رابطه با جریانات اخیر سوال شود:

- در این مدت چه اتفاقی رخ داد که امین کمونیست مخصوصاً با حکمتیار بنیادگرا دشمن سرسخت کمونیستها تقرب جسته و به تفاهم برسد.

- چرا این اتهام ۲۵ روز بعد از کشته شدن امین افشاء گردید؟ و

- چرا این خبر تقریباً در عین وقت توسط رادیو کابل و رادیو ماسکو پخش گردید؟

یک دیپلمات سابقه دار کشور غربی اظهار داشت: «در افغانستان هر روز سوال تازه ای بر سر زبانهاست و هر سوال با دو سوال دیگر جواب داده میشود، در افق سیاسی کشور افغانستان یک اعلامت سوالیه؟ موجود است که از کوچه ها و بازار کابل تا قلب های اعضای پولیت بیروی ماسکو بسته است.»

از اینکه امین منفور و جانی یک جاسوس سی آی ای باشد، با وجود اینکه دستگاه پروپاگندی حکومت بدون احساس خستگی این نظر را تکرار میکند، بجز چند صد نفر کمونیست ها مخالف امین دیگر کسی این تیوری را قبول نمیکند. قرار است در برابر زنده های طرفدار امین اقامه دعوی صورت گرفته و به محکمه اختصاصی راجع شوند تا علاوه بر تحقیق موضوع اسرار بیشتر جنایات امین دیکتاتور و ارتباط وی با امریکا وسی آی ای برملا گردد.

امیر حزب اسلامی انجنیر حکمتیار اظهارات وزیر داخله را یک هنگامه مضحك تلقی کرد و یک مامور عالیرتبه پاکستان براه انداختن کودتا را در افغانستان عاری از حقیقت دانسته و جز ماشینری پروپاگندی میداند، لیکن تماسهای امین و حکمتیار را نمیتواند «بصورت کل» رد کند. بیایید پرسیم در وضع سیاسی افغانستان چه انکشافات جدید و مغلقی خلق گردید که امین را مجبور ساخت که عملیات، براه انداختن کودتا و ازین بردن رقیبان، خود را تمرین کند؟ چرا روسها و رژیم دست نشانده وی در کابل سعی دارند که مطابق میتوذهای سابق ستالینستی یک رهبر مقتول کمونیست را بعد از مرگ وی جزء ای از جاسوس های جهان غرب محکوم کند؟

باشناخت ساختمان نظام کمونیستی می توان گفت که تلقین رژیم به مردم که برای منافع ملت بوجود آمده است تنها آنهاست که را زود باور و کوتاه فکر اند با این مزخرفات گول زده می توانند و بس.

باوجودیکه عساکر روسی با «کودتایی» درشام روز ۲۷ دسامبر امین را از بین بردند ولیکن عساکر روسی مدتها قبل از این تاریخ در افغانستان داخل شده و تجاوز کرده بودند. باسناد راپورهای موثق منابع معتبر جهانی قوای سرخ شوروی از تاریخ ۱ دسامبر ۷۹ باینطرف از معبرهای مختلف سرحدات هردوکشور به افغانستان داخل شده و عساکر تربیت یافته و مجرب قوای هوایی شوروی مدت ها قبل از این تاریخ میدان هوایی بگرام را تحت تصرف خود در آورده بودند.

جای تعجب است که چوادرآرژمان امریکائیها خاموش ماندند و گرنه قابل باور نیست که امریکائیها توسط ستلایت های جاسوسی خود سوقيات نظامی اردوی شوروی را کشف نکرده باشند تنها در روزهای کرسمس که قوای نظامی اتحاد شوروی به کابل هجوم آورده و میدانهای هوایی را تصرف کردند صدای احتجاج امریکا بعد از این تاریخ بلند شد. همچنان واضح نیست که امین، به استناد ماده ۴ قرارداد دوستی بین افغانستان و شوروی، درخواست فرستادن عساکر را از شوروی کرده و یا اینکه ماسکو برخلاف نظروی قوای خود را باین کشور فرستاده است.

قرار يك تفسیردیگر امین پروزهای ۱۱ و ۱۲ دسامبر در مجالس درسته پولیتبیرو و شوروی انقلابی پیشنهاد کرده که از شوروی تقاضا شود تا ۲۵۰۰۰ نفر عساکر اردوی خود را برای کمک رژیم کابل به افغانستان بفرستد، لیکن این پیشنهاد وی از طرف اکثریت اعضا رد گردیده است. اما قرار راپورهای واصله این خبر به تعقیب گزارشهای گذشته و بزعم قدرتمندان امروزی تغییر شکل داده است و واقع کسیکه مخالفت با دعوت قوای شوروی به در افغانستان مخالفت کرده شخص امین بوده نه کسان دیگر، حتی چنان افواه است که در یکی از جلسات سخن بجایی کشیده که بین مخالفین و طرفداران دعوت اردوی شوروی، آتشباری با فیر تفنگ صورت گرفته و در اثر آن برادرزاده امین، اسدالله، زخمی شده است.

از شروع قدرت رسیدن امین باینطرف، روسها از حفیظ الله امین دل خوش نداشتند. امین برای روسها يك انسان لجوج و استقلال طلب بوده و در اجرای امور از عجله کارمیگرفت که با این حرکت درسیز انکشاف و پیشبرد امور با مخالفت و قیام ملت دارای عنعنات قبیلوی مواجه گردیده است.

باوجود اینکه امین برای بقای خود به کمک روسها ضرورت داشت لیکن در عمل از مشوره آنها سربسچی کرده و اهداف دهشت افگنی و سرکوبی مخالفین خود را با شدت تمام تعقیب

میکرد.

مرد جدید داغ خال غلامی شوروی را درپیشانی دارد:

امین، زمانیکه قدرت را غصب کرد، برای توسعه قدرت و نفوذ خود قدم بقدم حزب کمونیست را کوچکتر گردانید در قدم اول بیرک کارمل رهبر حزب پرچم و همبستگانش را از صحنه دور کرد و آنها را در مالک بلاک شرقی بحیث سفر ا مقرر کرد و بعد از آن قشر کمونیست های طرفدار تره کی را در ماه سپتامبر از صحنه خارج کرد و از تاریخ چهاردهم سپتامبر ۱۹۷۹ تا زمان قتلش توسط روس ها امین قدرت را به تنهایی دوست داشت در این مدت روس ها چندین بار سعی کردند تا امین را از بین ببرند، لیکن موفق نشدند. امین از روسها تقاضا کرد تا سفیر شوروی در کابل، پوزانوف را به ماسکو احضار کنند که این درخواست وی از طرف ماسکو پذیرفته شد و پوزانوف بتاريخ ششم اکتوبر در حضور سفرای بلاک شرق در ماسکو این اجراءات وزیر خارجه کشور خود را بپای انتقاد گرفت و همچنان ماسکو مجبور گردید تا برای صاحب منصبان رانده شده، مانند وطنجار، گلابزوی و مزدوریار در ماسکو پناهندگی بدهد.

در ماه دسامبر گذشته معین وزارت داخله شوروی، پاپوتین، در کابل بشکل مرموز بقتل رسید، احتمال می رود این شخص توسط همکاران امین بقتل رسیده باشد.

قوای عسکری امین با رهبری و همکاری ۴۰۰۰ مشاور روسی در برابر مبارزین افغانی با شدت و وحشت بیشتر میجنگید و این زد و خورد ها گاهی با کامیابی و زمانی به ناکامی منجر میگردید بطور مثال قوای رژیم کابل موفق گردید در پکتیا قوای مبارزین افغانی را شکست دهد اما در بدخشان مجبور گردیدند که شکست فاحشی را قبول کنند.

امین بالاخره در ماه دسامبر با يك عالم نومییدی متوجه موقف خود شده متیقن گردید که روسها در صدد کشتن وی می باشند. امین صرف به تقریباً یکهزار عسکر، پولیس و مامور دولت اعتماد داشت، این سه گروه توسط روسها شدیداً مراقبت میشدند و اردو در طول یکسال جنگ های فرسایشی و همچنان پاک سازی آنها توسط امین معنویات خود را از دست داده بود.

آیا برای روسها چاره ای دیگر باقی مانده بود جز اینکه در افغانستان داخل شوند و این خاک را اشغال کنند و نگذارند که کنترل ۶۰ ساله جمهوریت های اسلامی آسیایی در جنوب اتحاد شوروی از دستش شان خارج شود؟

بیرک کارمل بدون شك داغ غلامی تجاوز و اشغال شوروی را به پیشانی دارد و نمیتواند به هیچ صورت اعتماد مردم را بخود جذب کند. یکنفر افغان در کابل ضمن صحبت برایم گفت:

«ما از امین بیم و نفرت داشتیم اما از کارمل با وجود نفرت داشتن، او را بنظر حقارت می

نگریم»

قرار اظهار يك شاهد عینی، قوای روسی در جنگها عملاً سهیم نیستند و میگذارند تا قوای افغانی برضد قیام کنندگان بجنگند، اما اخیراً راپوری بدست آمده که از سهم گیری قوای شوروی در جنگهای گمبیری در شمال شرق کشور گزارش میدهد.

مبصرین سیاسی و ناظرین نظامی تعداد قشون شوروی را در افغانستان به ۸۰۰۰۰ نفر تخمین میکند و اما بعضی از آنها عقیده دارند که تعداد عساکر شوروی در افغانستان به ۹۰۰۰۰، جنی بیش تر ۱۰۰۰۰۰ نفر می رسد. قوای شوروی در اطراف شهرهای بزرگ کشور مراکز عملیاتی خود را برافراشته و يك تعداد شان از طرف شب با وسایط زره پوش در چار راهی های شهردیده میشوند.

در بازگشت ما از کابل تا پشاور، توسط موتر از طریق جلال آباد و کوتل خیبر، یکنفر روس و یا تانک بچشم ما نخورد، اما ندیدن آنها در شاهراه عمومی معنی آنرا نمی دهد که آنها جساماً در این کشور حضور ندارند و مواجه نشدن مردم را با آنها به نبودن شان در شهر کابل توجیه شود. قرار اظهار شاهدان عینی روسها در داخل محوطه قشله های عسکری زندگی میکنند و دروازه های ادخال و خروج آن توسط عساکر افغانی در آنجا نگهبانی می شود. در قشله ها هیچکس بغیر از مسئولین عسکری اجازه عبور و مرور را ندارند.

مشاورین روسی کنترل کامل دستگاه های پولیس و استخبارات را که تا ۱۴ سپتامبر اسدالله سروری، شخص معتمد روسها، در راس آن قرارداد داشت بدست دارند. امروز سروری به پاداش خدماتش بر روسها بحیث معاون رئیس دولت مقرر گردید.

در دستگاه اداری حکومت در اثر بی کفایتی مامورین يك نوع سراسیمگی بچشم میخورد که قرائت اعلامیه حکومت توسط گلابزوی وزیر داخله بروز ۲۱ جنوری مثال خوبی برای تایید گفته های بالا می باشد.

اینکه روسها بپرك کارمل را تا چه وقت محافظت کرده میتوانند سوال جداگانه است. در حلقات مختلف و در جریان صحبتها واضح میگردد که روسها در جستجوی شخصی دیگری میباشد تا جای نشین کارمل شده اعتماد مردم را بخود جلب کند.

۲۵-۱-۱۹۸۰ دی سایت Die Zeit آلمان غرب:

هفته نامه معتبر «سایت» مطالب زیاد و مهمی درباره افغانستان دارد که يك چند عنوان آنرا نام برده و به ترجمه يك راپور آن اکتفا میکنم.

عناوین :

- در برابر روسها چه عكس العملی باید نشان داد؟
- معقولترین نسخه : تقسیم وظایف در جهان غرب
- اثر ماریون گریفین دونهوف Marion Graefin Doenhoff
- اگر ضرورت ایجاد کند تحریم اولمپیا کار درست است
- زخاروف اولین قربانی جنگ سرد
- واشنگتن تا کنون از موقف گیری آلمان غرب رضایت دارد
- موضع گیری درباره با بایکوت اولمپیا میتواند زمینه مناقشه و اختلافات را مساعد گرداند.
- قدرت نظامی شوروی مانند جنگ ویتنام ترس ایجاد نمی کند اما قوای گوریلابی افغانی زندگی متجاوزین را روز بروز مشکلتر می سازند قیمت بهای اشغال نظامی و سیاسی شوروی در این کشور کوهستانی و اعاده صلح در آنجا گران است.

مضمون :

« نفرت ما در برابر روسها مارا بسرحد بیماری کشانیده است»
هیچ علایمی از پیشروی قوای شوروی بصوب پاکستان و خلیج فارس مشاهده نمی شود.
اثر: اندراس کول شویتتر Andreas Kohlschuettr

کابل، در ماه جنوری ۱۹۸۰ :

يك روز قبل در اولین سربلندی شاهراه سالنگ از سمت دره کوهدامن باستقامت شمال کشور مبارزین آزادیخواه افغانی به يك کاروان نظامی روسی حمله کرده و چهار نفر عساکر روسی را کشتند و لکه های خون مقتولین تا هنوز هم روی برف کنار شاهراه بوضاحت دیده میشود و شهر کابل در اثر گلوله باری باتوپ های ثقیل ساعت های متوالی بلرزه درآمده و در کوه های شمال غرب میدان هوایی کابل صدای گلوله باری توسط تانکها و انفجار بمبها شنیده میشود و راکتهای نصب شده بر هیلن کوهها بالای شهر کابل و حومه آن در پرواز بوده و روسها

سنگر و پناه گاه مبارزین راه آزادی را بخاک یکسان میکنند و درنهایت این است وضع جنگ تحمیل شده بر يك کشور همسایه که یکی از آتشفشانهای نظامی کشور غربی بما تشریح میکند. وقتی تاریکی و سردی هوا کابل را میپوشاند روس ها مانند کور موشها از سوراخهای خود بیرون می برآیند و این وقتیست که اردوی متجاوز روسی دام های انداخته شده خود را بیشتر بهم بسیج میکنند و وسایط زرهدار در حاده های یخبندان و خالی از انسان در امتداد دریای یخ بسته کابل بحرکت میافتند با این وسایط و در سراسر روسها از تمام جاده ها، سفارتخانه ها، وزارتخانه ها، دوایر دولتی، چار راه ها، استیشن رادیو و تلویزیون و متباقی نقاط مهم شهر شدیداً مواظبت میکنند. اینها در هر جا حاضر هستند و در صورت ضرورت توسط گروپ های کمکی بصورت آتی تقویه میشوند.

با قوای اشغالگران مشکل است تماس برقرار کرد لیکن آنها را میتوان در جریان روز ملبس بالباس کلفت زمستانی و موزه های فیل مانند دریا با افغانها در حال تبادل اجناس در روی جاده ها دید. آنها دستکش های زمستانی را با سگرت امریکایی و کمربند های خود را بامواد خوراکی تبدیل میکنند. یکنفر از مامورین آبرسانی شهر اظهار داشت که روزی يك عسکراوزیک ساعت دستی خود را برای تبادل به يك جلد قرآن پیشنهاد کرد متأسفانه که این کتاب آسمانی مردم مسلمان نزد موجود نبود.

عساکر روسی آهسته آهسته متوجه میشوند که آنها به افغانستان تجاوز کرده نه اینکه در يك مانور نظامی سهم گرفته حین عزیمت به افغانستان برای شان چنین گفته شده بود.

« ما تنها خواهان صلح هستیم »

بعضی افسران شوروی حاضر میشوند با ژورنالیستهای کشورهای غربی صحبت کنند آنها که قادر بر تحلیل اوضاع و واقف به علت و ظایف محوله شان در افغانستان استند و چنین اظهار عقیده می کنند:

« امنیت کشور ما با خطر مواجه بود ما مجبور شدیم برای حفظ منافع خود با زور به این کشور داخل شویم سپس بدون لحظه ای مکث از من سوال می کند که : « مصاحبه رفیق بریژنیف را باخبرنگار روزنامه پراودا نخوانده اید؟ این مطالب را از زبان يك افسر سیاسی شوروی برتبه دگروال که به لسان انگلیسی بافصاحت نام صحبت میکرد، شنیدم . و همچنان يك جگرن روسی از تاشکند که از شنوندگان دقیق خبر گذاری های بی بی سی و صدای امریکا بود

درباره پخش خبرهای یکجانبه بی بی سی و صدای امریکا، انتقاد کرده اظهار داشت:

«افغانها مردمان محیل، مانند آب زیرکاه و جنگجو هستند. اتحاد شوروی به هیچوجه آرزو ندارد که این کشور را اشغال کند و تحت اسارت خود درآورد، بلکه مامیخواهیم که در این کشور همسایه با اقدام علایق هردوکشور، شوروی و افغانستان، صلح را پیاده کنیم، اما مستحصریم این پروسه مدت طولانی ای رادبر خواهد گرفت».

در طول روز در مرکز شهر کابل از «وجود تعداد عساکر شوروی برای مدت موقت» بطور رسمی در محافل اردوی اشغالگری چیزی محسوس نیست. در میدان هوایی کابل تعدادی از عساکر روسی با کلاه های گرم و مجهز با سلاح از طیاره های نظامی شوروی حراست میکنند و تقریباً هر روز در میدان هوایی هیلوکوبتر های ترانسپورتی ایروفلوت آماده گئی برای پرواز می گیرند تا افسران عالیرتبه روسی را، ملبس با بالاپوشهای چرمی و دوسیه ها در زیر بغل، به یکی از شهرهای سرحدی شوروی بفرستند.

نقش زنجیر تانک بر استقامت جاده های عمومی شهر شهادت به تهاجم قوای ماشینی نظامی شوروی میدهد، همچنان قوای توپخانه و سنگرهای آتشباری ماشیندار و تانکهای مدفون که تنها لوله، توپ آن دیده میشود در اطراف جاده های خیرخانه مینه بوضاحت دیده میشوند.

نظریه قول يك مبصر نظامی تعداد عساکر موجود قوای اردوی شوروی در حوزه شهر کابل به ۱۶۰۰۰ نفر میرسد و در هر قدمیکه انسان پیش میرود قهر و غضب این ملت با فرهنگ و آزادیخواه افغان را میتوان روشن و واضح بچشم سردیده و بصراحت شنید: «نفرت ما در برابر روسها ما را بسرحد جنون کشانیده» از گفته های يك دکانداران در بازار شهر و يك مامور موسفید وزارت با غضب میگوید: «ما چه کرده میتوانیم؟ بامشت، سنگ و چاقو بالای قوای روسی حمله کردن معنی خودکشی و يك اشتباه است، اما اگر سلاحی بدست آورده بتوانم فامیل را بخدا میسپارم و میروم با قیام کنندگان در دره ها و کوه ها همسنگر میشوم و این جانی هارا از وطن بیرون میرانم».

افسران افغانی که زیر نظر و هدایت قوای متجاوز روسی بوظیفه خود دوام می دهند در ملای عام تحقیر میشوند و بروی شان تف می اندازند در یکی از دهلیزهای يك وزارت خانه باصدای بلند شنیده شده که: نامزد های روسها! یونیفورم مردان افغان را از تن بی غیرت خود بیرون کنید و بروید برق بخرد که بشما ها بهتر می زید».

اهالی شهر در يك حالت ناامیدی و قهر قرار گرفته و هنگام قیام به افتخارات گذشته گان خود

چنگ زده و میگویند: «ملت افغان در طول قرن ۱۹ سه بار قوای متجاوز امپراطوری انگلیس را از خاک خود بیرون کشید و اینبار نوبت به امپراطوری شیاد روسی است که آنها را از کشور پاک خود بیرون اندازیم».

جای افسوس است این مردم غیور و خدا پرست فراموش میکنند که در آن زمان قوای آتشباری انگلیسها ضعیفتر از قدرت تخریبی امروزی اردوی سرخ بود و امروز اردوی اشغالگر شوروی برای تباهی و کشتار ملت افغان مدرنترین سلاح و مهمات جهانی را بدسترس خود دارد، خصوصاً موجود بودن قوای هوایی که در برابر آن مبارزین افغانی از خود دفاع کرده نمی توانند.

اما مبارزین افغانی با عقیده راسخی ای که دارند از تاکتیکهای جنگ گوریلابی استفاده می کنند، تا جائیکه روس ها را در جنگهای فرسایشی گیر می آورند و تا آنجا زندگی را بر آنها حصر می گردانند که مجبور شوند از کشور شان فرار کنند، همانطوریکه قوای ویتکانگ در ویتنام در برابر قوای امریکا موفق شد و با وجود این خیالپردازی های مجاهدین افغانی دیپلماتهای غربی و متخصصین نظامی عقیده دارند که افغانستان برای قوای شوروی شکل ویتنام را نخواهد گرفت.

چنان مینماید که روسها مانند خار پشت در مناطق مهم استراتژیکی قوای خود را متمرکز گردانیده، انتظار دارند با سلاح دستداشته و همکاری قوای توپخانه، طیاره های شکاری میگ، تانکها و هیلوکوپترهای گن شیب مبارزین را بدهشت اندازند از طرف دیگر بنا بر رسیدن سرما و یرفباری، موانع طبیعی، مبارزین را از عملیات باز دارند.

مشاورین شوروی طوری برنامه ریزی کرده اند که تا راه های مواصلاتی دوباره برای عبور و مرور باز شوند. کمک قوای شوروی و موانع طبیعی حملات قیام کنندگان را خنثی کرده و زمین ببرند همچنان در طول این مدت رژیم دست نشانده شوروی تا حدی تقویه شده باشد که تواند از خود دفاع نموده و بپای خود بایستد. پرواضح است که پیاده کردن این پلان در عمل آید از توان، شش فرقه قشون شوروی که در کابل، هرات، فراه، قندهار و قندز مستقر گردیده و بامدرنترین سلاح مجهز هستند، بیرون نباشد.

در حال حاضر، قرار اظهار متخصصین نظامی کشورهای غربی بغیر از جنگهای خورد و ریزه و حملات گوریلابی پراکنده کدام برخورد جدی دیگری بنظر نمیخورد راپورهای دراماتیک حملات وسیع قیام کنندگان را در برابر قوای شوروی میتوان در رویا دید که از حقیقت دور است اما

از طرف دیگر ناظرین نظامی کشته و زخمی شدن عساکر شوروی را تأیید میکنند همچنان تردد موترهای امبولانس را بطرف میدان هوایی کابل و پرواز کشته شدگان و زخمی های عساکر روسی را توسط طیاره های انتوبوف بقصد شوروی رد نمیکنند. چون تعداد عساکر اردوی افغانستان از ۱۰۰۰۰۰ نفر به ۷۵۰۰۰ نفر تقلیل یافته و اکثر آنها در برابر هموطنان خود نمیجنگند در قطار قیام کنندگان پیوسته اند قوای روسی مجبور گردیده در صاف اول جنگها قرار گیرند و این پیش آهنگی سبب کشته شدن و زخمی شدن بیشتر آنها گردیده است.

روسها در حال حرکت هستند:

رفت و آمد مسلسل قوای شوروی در محور استراتژیکی از کابل بصوب شمال و کنترل شاهراه سالنگ حضور قوای شوروی را در این کشور تأیید مینماید. روسها کنترل میدان هوایی بگرام را بدست خود گرفته و دهانه های دره پنجشیر و دره بامیان را توسط قوای خود اداره میکنند و عساکر رژیم کابل در بین تانکهای نزدیک شهر بدون حرکت منتظر امر هستند، شاهراه شمال و جنوب سالنگ تحت مراقبت شدید قوای شوروی قرار گرفته است تا کاروان های لوژستیک قوای اشغالگر بدون برخورد با قوای مبارزین رفت و آمد کرده بتوانند.

پراگنده گی در صف گوریلاها:

سفر معلوماتی خبر رسانهای کشورهای غربی به سالنگ چند کیلومتر قبل از رسیدن بمقصد با تلاشی بیشتر مانع عساکر مغولی چشم از یک شوروی آغاز می یابد. فیلمها از داخل محفظه کامره بیرون کشیده میشود و حین تلاشی اموال ساخت غرب از قبیل قلمهای خودکار، تابلت سردردی، چاکلیت و نقشه های سرك در جیب های کلان بالا پوش های تلاشی کنندگان راه پیدا میکند و بعد از تلاشی وحشیانه و بیشتر مانع، موتر ما بحرکت میافتد و راکبین موتر سرویس بادیدگان خشم آلود در برابر این همه تحقیر و توهین سکوت اختیار کرده حرکتی نمیکنند و از اینکه چند مشت در زیر پتوهای سرشانه شان بهم گره خورده احصائیه از آن در دسترس ما نیست.

کمبود جلگه زارهای ویتنام برای مبارزان اسلامی محسوس است زیرا اینها در مناطق خشک و هموار که برای استتار و اختفاء مفید نیست از آزادی و وطن خود دفاع می کنند با وجود اینکه کمبودی های کشته در برابر قوه عظیم انداخت راکت ها توسط هیلوکوپترهای گن شیب بدون سلاح موثری مردانه میجنگند.

برای کامیابی مبارزین قیام همگانی ملت ضرور است وبدون دسترسی به كمك های نظامی از کشورهای دوست، همانطوریکه ویتنام شمالی در جنگهای ضد امریکا بكمك چین و اتحاد شوروی اطمینان کامل داشت، تباهی کشور وکشته شدن افغانان بیشتر از تصور بدور نیست. علاوه بر این بین گروههای مبارزین تشکیلات منسجم وجود نداشته وهر فرقه بزعم خود و به تنهایی میجنگد و مبارزین افغانی مرکز واحد فرماندهی نداشته و هم در افق سیاسی آن كمبود يك زعيم قابل قبول اکثریت دیده نمی شود . .

نظر به اظهارات يك مامور سفارت امریکا در کابل «شواهدی در دست نیست که دین بین بهو Dien Bien pho اتحاد شوروی در این کشور بوجود آید»، اما با وجود این اظهار نظر از توسعه و تشدید جنگهای گوریلابی در کشور، تهیه سلاح و مهمات ساخت چین و امریکا توسط نظامیان پاکستان طرفداری میکند و میخواهد تا روسها را بیشتر از مخفیگاه های شان بیرون کشد و هرچه عمیقتر در جنگها دخیل گرداند. وی عقیده دارد باید بهای تجاوز ماسکو تا حد ممکن بلند برده شود، نه تنها در صحنه بین المللی به مشکلات عمیقتر مواجه گردد بلکه در جهات جنگ امروزی افغانستان بیشتر صدمه بیند. وی بدون ابراز احساسات از قربانی شدن افغانها وانهدام زیر بناهای کشور شان، بیشتر به وجود يك صد هزار عسکر شامل جنگ درین کشور توجه داشته و چنین توصیه می کند که دور ماندن این تعداد عسکر شوروی از دیگر مراکز بحرانی جهان به نفع غرب میباشد.

تبلیغ و گسترش این پالیسی امریکا در بازی های قدرت جهانی، نزد مخالفین تجاوز شوروی در حلقه مسلمان های داخل رژیم، تائید نمی شود آنها با وجود این نگرانی ها عقیده دارند: «جهان غرب و دیگر کشورهای صلحدوست باید قیام کنندگان را تا آن حد مسلح نسازند که باعث سقوط رژیم گردیده بتوانند، زیرا ما از این مسلمان های متعصب به اندازه ای بیم داریم که از وجود روسها در منطقه داریم زیرا ملاهای وحشی که خط خمینی را تعقیب میکنند این مملکت را بیشتر در بدبختی خواهند کشانید». از طرف دیگر به کشورهای غربی مشوره میدهند: «به ماسکو فشار های سیاسی و دیپلماتی را بیشتر بسازند و ما را از نقطه نظر نظامی تنها نگذارند. تنها با تعقیب این پالیسی میتوان وضع داخلی کشور را آرام نموده و استقرار طوری دوام پیدا کند که امکانات خروج قوای شوروی از کشور میسر گردیده بتواند البته این نظرات مشروط بر آنست که روسها «تنها» مانع سقوط رژیم انقلابی گردد به این ترتیب آرامش بر محور استراتژیکی منطقه تحت نفوذ و حمایت اتحاد شوروی آمده می تواند بگفته

برژنف در پروا برای از بین بردن این منشاء امنیت داخلی باید از (تجاوز دفاعی) که خود مطالب نهادی دیگر در قبال دارد استفاده شود.

تیوری براه انداختن مفکوره «تجاوز دفاعی»:

۱- بعد از آنکه برنامه سیاسی ماسکو در مورد استقرار کدر رهبری رژیم کابل و همچنان زدو خورد های داخلی بین ایشان منجر بناکامی گردید، ماسکو اقدام به تجاوز نظامی کرد.

۲- تعقیب دکترین رژیم بی کفایت امین توسط حملات قیام کنندگان مستقیماً معروض بخطر بود، از اینرو ایجاب می کرد که درباره احتمال سقوط آن عمیقاً فکر شده و راه نجات آنرا بسنجند از طرف دیگر معنویات جنگی اردوی افغانستان در جنگهای فرسایشی بامخالفین رژیم روز بروز ضعیف تر گردیده و در ضمن پاک کاری عناصر نامطلوب در اردو و همچنان فرار عساکر و پیوستن شان باقوای مخالف، موقف رژیم را ضعیفتر گردانید و امین بیشتر از ۲۰٪ اعضای حزبی را، تعداد اصلی آنها در آغاز هم نه چندان زیاد بود، بقتل رسانید و در نظر داشت بر علاوه این تعداد در حدود ۲۰۰۰ - ۳۰۰۰ نفر دیگر را بتاریخ ۲۹ دسامبر در محبس پلچرخ اعدام کند.

۳- تعداد مجموع عساکر اتحاد شوروی آنقدر نیست که سراسر کشور را تحت کنترل مستقیم خود در آورده بتواند و نظر بقول مبصرین امریکایی تعداد قوای شوروی در افغانستان به ۶ فرقه، مجموعاً ۸۵۰۰۰ نفر تخمین شده است که این رقم در شهرهای مهم کشور، مانند کابل، هرات، قندهار و جلال آباد متمرکز شده و همچنان کنترل میدان های هوایی و خطوط مهم مواصلاتی را بدست خود دارند. اگر شوروی خواسته باشد فعالیت های تخریبی مبارزین اسلامی را موفقانه پیش ببرد بایست کم از کم به تعداد فعلی قوای نظامی خود ۴۵۰۰۰ عسکر دیگر بیافزاید.

از قراین میتوان نتیجه گیری که در موضعگیری فعلی وسایل و مهمات زره دار روسها در نظر ندارد به مناطق دور دست افغانستان قوای خود را توسعه بخشد و برخلاف پیشبینی محافل سیاسی علایم يك تجاوز نظامی به ایران و پاکستان بچشم نمی خورد.

ماه جنوری ۱۹۸۰ :

پارچه شعری از استاد سید شمس الدین مجروح بعد از مرگ امین .

مرگ امین

بهرشادابی باغ وطن اندرتنگ ودو
هرکه میخواست که افتد زحریفان به جلو
پیرمردی که در آن باغ حکمفرمایی داشت
گفت من خسته ام و داد به همسایه گرو
وارث مدعیش آمد و از فرط غرور
گفت این روضهء رضوان بفروشم به دوجو
چپ گرا خلقی مزدور صفت بستانرا
به شبیخون بکف آورد چو دزد شب رو
چمن افسرد و بشد لانه، بلبل ویران
سبزه و گل شده پامال در آن چوروچپو
تخم ظلم و ستم افشاند ولی آخر کار
مبوه باغ و سرش خورد رفیق مسکو
راوی گفت که این شعر ترنم میکند
آن تبه کار گبه مردن خود هان بشنو
«مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
یادم از کشته، خویش آمد هنگام درو»

۱-۲۹-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

عناوین برجسته روزنامه :

- کشورهای اسلامی کابل «سرخ» را از حلقه خود بیرون کردند.
- کمپنی هوا پیمایی پان امریکن امریکایی قرار داد خود را با ایروفلوت روسی فسخ کرد .
- انورالسادات رئیس جمهور مصر روسهارا از کشو خود اخراج کرد

- مظاهره ۱۶ نفر روس بطرفداری زخاروف در ماسکو
- جواب کشورهای غربی در برابر کرملین : تهیه سلاح بیشتر و بودجه دفاعی بیشتر در جهان غرب
- تشکیل سریع قطعات نظامی قوای ضربه امریکا

۳۱-۱-۱۹۸۰ هامبورگر آندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

افتتاح بازیهای اولمپیا در دریاچه آرام Lake Placid بدون حضور جیمی کارتر:
واشنگتن / بن - dpa/ap

رئیس جمهور امریکا جیمی کارتر برای افتتاح و قماشای بازیهای اولمپیا در لیک پلاسید سهم نخواهد گرفت. یک سخنگوی قصر سفید اظهار داشت: رئیس جمهور برای افتتاح بازیهای اولمپیک بروز ۱۳ فیروزی دعوت شده ، لیکن رئیس جمهور بنا بر مشکلات حادثه ، حاد گروگانگیری امریکایی ها در تهران وهم نسبت تجاوز شوروی در افغانستان نمیتواند در افتتاح بازیهای اولمپیا سهم بگیرد. قرار است تا والتر موندیل Walter Mandale معاون رئیس جمهور بازیهای اولمپیا را افتتاح کند.

فبروری

ACKRU

۱-۲-۱۹۸ هامبورگر آبنديلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

(امريکا در صحنه سياسي جهاني علامت مشخص نشان داد) :

تجاوز ماسکو به افغانستان و قدم پيش گذاشتن در اين کشور معنی آغاز جنگ را دارد .

راپور تر روزنامه SAD/dpa/ap

دهلی جديد / ماسکو / واشنگتن / کابل

رئيس جمهور کارتر اظهار داشت: پيشروي نظامی شوروی از افغانستان بصوب خليج فارس معنی آغاز جنگ را با امريکا دارد .

در دهلی جديد وزير سابق دفاع امريکا کلارك کليفورډ Clark Clifford بعد از تبادل نظر با انديرا گاندهی صدر اعظم هند ضمن مصاحبه ای با خبرنگاران اشاره به ماسکو کرده اظهار داشت: « مابصراحت کامل به اتحاد شوروی اخطار می دهيم هر قدمی را که ماسکو پيش می گذارد باید متوجه حال خود بوده و نگذارد مراحلی خلق گردد که از کنترل شان خارج گردد .» کليفورډ علاوه کرده گفت: « ایالات متحده عقیده دارد این پیغام برای شوروی اهمیت خاص خواهد داشت » زیرا حکومت امريکا تصمیم گرفته تا اتحاد شوروی را واضحا تفهيم کند و در روند سياست خود يك « علامت مشخص » بدون سوء تغییر نشان دهد .

فاینده خاص رئيس جمهور کارتر، کليفورډ در اظهاراتش پيشرفته گفت: « در جریان مذاکرات ۸۰ دقيقه ای با انديرا گاندهی صدر اعظم هند، وی موفق نشد گاندهی را بطرفداری از امريکا متقاعد گرداند .»

در پهلوی مصاحبه فاینده خاص کارتر انديرا گاندهی صدر اعظم هند نیز مطالبی داشت که به خبرنگاران در حضور فاینده امريکا توضیح کرد. گاندهی گفت که یکی از دلایل تجاوز قوای شوروی به افغانستان روند و تعقيب سياست ناسالم امريکا در منطقه می باشد وی اضافه کرد که حکومت هند بیشتر در مورد فرستادن سلاح و مهمات برای حکومت پاکستان اندیشه داشته و از این عمل کرد ایالات متحده در نیم قاره هند بیشتر نگرانی دارد .

بدون شك این اظهارات و طرز تفکر صدر اعظم کشور بزرگ هند موقف سياسي ماسکو را تقويه می کند و ماسکو با استفاده از این فرصت بدون ضیاع وقت توسط ارگان نشراتی حزبی « پروادا » پاکستان را جدأ اخطار داد که نزدیک شدن با امريکا باعث می گردد که در همسایگی شوروی اعمال خصمانه ریشه بگیرد این طرز العمل را اتحاد شوروی نادیده نخواهد

گرفت و این تبصره رسمی اتحاد شوروی زمانی صورت گرفت که مشاور امنیتی رئیس جمهور امریکا، بریژینسکی یزودی به پاکستان سفر کرده و با رئیس جمهور آن ضیاء الحق در باره خطوط اساسی ونحوه بازگیری کمکهای اقتصادی و نظامی با حجم ۴۰۰ میلیون دالر مذاکرات خود را آغاز میکند.

پروادا در تبصره خود اضافه کرده: « حکومت ایالات متحده سعی میوزد تا پاکستان ویک تعداد کشورهای دیگر جهان سوم را در بلاک مخالفین شوروی - بسیج گرداند». ماسکو نمی تواند از عکس العمل شدید جهان غرب نسبت تجاوز نظامی به افغانستان خود را بی خبر نشان دهد. این مطلب را مارشل شولن Marshal Shulman شوروی شناس وزارت خارجه ایالات متحده در برابر کمیته اختصاصی دفاعی سنای امریکا افشا کرد وگفت: « قبل از تجاوز شوروی به افغانستان، حکومت امریکا پنج بار به حکومت شوروی اخطار داد و بصراحت تفهیم کرد که حکومت امریکا تجاوز نظامی شوروی را در قلمرو افغانستان - خیلی جدی تلقی خواهد کرد.» درباره اینکه ایالات متحده امریکا در صورت تخطی شوروی چگونه عکس العمل خواهد کرد تبصره نشده است اما این عمل شوروی باعث بروز تشنج و خرابی بیشتر در سیاست این دو کشور شده است.

۱-۲-۱۹۸۰ دی سایت Die Zeit آلمان غرب:

کنفرانس کشورهای اسلامی در پاکستان تجاوز شوروی را در افغانستان تقبیح کرد: وزرای خارجه ۳۶ کشور اسلامی در پایتخت پاکستان، اسلام آباد، برای مدت سه روز تشکیل جلسه داده و تاثیرات منفی تجاوز شوروی را در منطقه ارزیابی کردند. بعد از بحث وغور ممتد با اکثریت آرا در برابر ۵ رای مخالف تصامیم خود را چنین اعلام داشتند. کنفرانس اسلامی از اتحاد شوروی تقاضا میکند تا هرچه زودتر قوای متجاوز خود را از افغانستان بیرون بکشد.

عضویت افغانستان در جلسات کنفرانس اسلامی بحالت تعلیق در آورده شد. علاوه بر این وزرای خارجه عضو کنفرانس به مسئولین کشور های خود توصیه کردند تا زمانیکه اتحاد شوروی قوای خود را از افغانستان بیرون نکشد در بازبهای اولمپای ماسکو شرکت نکنند. این کنفرانس توسط کشورهای سوریه و یمن جنوبی تحریم گردید.

۴-۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

عناوین برجسته روزنامه :

- شمیدت صدراعظم آلمان غرب با هیئت بزرگی وارد پاریس شد. «مهمترین مذاکرات رؤسا بعد از سال ۱۹۶۳»

- صدراعظم آلمان غرب: همبستگی کشور خود را با واشنگتن اعلام کرد

- شتراوس رقیب سیاسی وکاندید مقام صدارت آلمان: از دور شدن سیاست اروپا با امریکا هشدار داد.

- پنتاگون پلان آمادگی قوای نظامی امریکا را درخلیج فارس توضیح کرد:

یک « اشاره واضح » برای کرملین :

احتمال استفاده و استعمال بمبهای تکتیکی اتمی

- خانم اندیرا گاندی صدراعظم هند همکاری کشورش را با شوروی ستایش کرد

- گینچر وزیر خارجه آلمان غرب جهت تعاطی افکار با روفینی وزیر خارجه ایتالیه به روم سفر کرد

- محمد علی بوکسر مشهور جهان بحیث نماینده خاص کارتر، رئیس جمهور امریکا بافریقا

سفر کرد. وی درنظر دارد تا از تانزانیا، کینیا، نایجیریا، لیبیریا و سینیگال بازدید کرده ودرباره تحریم بازبهای اولپای ماسکو با مسئولین این کشور ها تبادل نظر نماید.

در تبصره ای بمناسبت انتخاب محمد علی ساینالیتسمن Sabina Lietzman مینگارد:

انتخاب یکنفر از نژاد سیاه پوست، مسلمان و قهرمان سپورت بوکس از طرف کارتر رئیس

جمهور امریکا و فرستادن وی بحیث نماینده خاص قصر سفید در افریقا یک اقدام مثبت و معقول ارزیابی شده می تواند.

۶-۲-۱۹۸۰ هامبورگر ایندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

ماسکو - dpa/ap :

کارمل، رئیس دولت افغانستان التماس برای کمک میکند:

با وجود این که قرار تخمین منابع غربی بیش از یکصد هزار افراد قشون شوروی در کشور

حاضر هستند، لیکن حملات آزادیخواهان مسلمان در افغانستان بیشتر و شدیدتر شده است. این حملات تا حدی واضح و چشمگیر است که حتی روزنامه های شوروی ناگزیر گردیده اند تا درباره ناآرامی ها در افغانستان را پور بدهند.

آژانس خیرسانی تاس ادعا میکند که در این اواخر پاکستان، امریکا و چین «باند های مسلح» را برای تخریب کاری به افغانستان فرستاده و باین اساس اقدام به «جنگ اعلان نشده» کرده و هم دستگاه جاسوسی سی آی ای افغانستان را معبری برای «عملیات تخریبی و جاسوسی خود برضد اتحاد شوروی» انتخاب کرده است نماینده آژانس خیرسانی تاس از کابل مینگارد: «گروه های راهزن» در بدخشان، ننگرهار و پکتیا انسانهای صلحدوست افغان را میکشند و مکاتب، پلها و سرکها را تخریب و ازین می برند.

خبرنگار روزنامه SAD رولف دیتریش Rolf Dietrich از افغانستان بازگشته از چشم دید او از حوادث اخیر در کابل:

کمونیستهای سرسپرده، که تعداد شان کم است سعی میکنند تا با این خیالبافی که اکثریت مردم از انقلاب شان طرفداری میکنند با طرف مخاطب در صحبت را باز میکنند.

بنده (روزنامه نگار) با اعظم رهنورد زریاب مدیر انگلیسی زبان افغانستان، کابل نیوز تایمز Kabul New Times صحبتی داشتم وقتی از وی درباره تعداد واقعی عساکر روسی در افغانستان سوال کردم با عصبانیت و لجوجانه زیر لب سخن گفته جوابم داد: «این همه چرندیات جز پروپاگند های امپریالیستی» است و با آزدگی از من سوال کرد:

«شما يك عسکر شوروی را روی جاده ها دیده اید؟»

زریاب نمیتوانست با این ادعای میان تهی و صحبت قهرآمیز روز بدتری را انتخاب کند، زیرا بعد از گذشته شدن یکی از عساکر شوروی در موتر جیب توسط یکی از مبارزین افغانی، بعد از ظهر روز جمعه، روسها در همین روز یکشنبه برای بار اول بعد از سکوت چند هفته ای باثبات رسانیدند که آنها اربابان اصلی در پایتخت می باشند در هر چار راهی و در جاده ها تانکها و وسایط زره پوش روسی بهره میدهند و عساکر روسی با ماشیندار های قید آزاد، شهر را کنترل میکنند. دلچسپ است که تصادفاً به فاصله کمتر از یکصد متر چند عسکر روسی در داخل موتر زره دار از دفتر زریاب که در یکی از چهار راهی های شهر واقع بود مراقبت می کردند

بی آنکه به سوال زریاب جواب بدهم از وی خواستم تا فقط لطف نموده از پشت میز خود

برخاسته و با من از کلکین دفترش جاده را تماشا کند. زریاب که از صحنه بیرون دفترش اطلاع داشت فوراً مسیر صحبت را بطرف دیگر دور داده و از موفقیت‌های نظام به چرند گفتن آغاز کرد. یکروز قبل از این صحبت روزنامه تحت اداره زریاب بیانیه رادیویی رئیس دولت و منشی حزب بېرک کارمل دست‌نشانده شوروی، را نشر کرده بود این بیانیه کارمل حقایق را دربردارد و وی از مشکلات خود یاد آور شده و بدان اعتراف میکند.

کارمل بیانیه خود را با جملات خوشبینانه آغاز می‌کند و می‌گوید: «من بامسرت با اطلاع شما می‌رسانم که حکومت مقدار کافی مواد ارتزاقی و حیاتی در ذخایر خود موجود دارد و بعد از اظهار این جمله دلتخواه لهجه گفتارش تغییر داده و سوال می‌کند: «چرا این مواد اولیه حیاتی بمقدار کم و قیمت بلند بمارکیت عرضه میشود؟» کارمل که جواب سوال را قبلاً تهیه دیده پیش میرود: «برای اینکه قاتلها، تروریستها، راهزن‌ها، عناصر تخریب‌کننده، دزدها، خائنین و همکاران امپریالیستها و همچنان کسانی که توسط پروپاگندهای غلط به راه غلط رهنمایی شده‌اند، ترانسپورت این اجناس حیاتی را برای دهات و شهرها بنا بر امر دشمنان ما مانع می‌گردند».

بېرک کارمل، سکرتر جنرال حزب دیموکراتیک خلق، رئیس شورای انقلاب و صدراعظم مردروزگار مظلومانه به مردم التماس می‌کند تا او را کمک کنند. و می‌گوید: «وطنداران عزیز، جوانان قهرمان و گرامی افغان» و اضافه می‌کند: «خود را مسلح بسازید و تحت قیادت و رهنمایی حزب و حکومت، همدوش با اردو و قوای پولیس کشورتان از شاهراها، پلها و کوتلها حراست کنید. و از عبور و مرور هر عراده موتر و کاروان‌های لاری دفاع کنید».

بېرک کارمل برای بقا و نجات خود مذبوحانه در تلاش است و بقول يك مبصر سیاسی بعضی از اعضای حزبی از او فاصله گرفته و آینده وی را تاریک می‌بینند.

کمونیست‌هایی که از روی عقیده به نظام کمونیستی پابند هستند موفقیت رژیم کمونیستی را در این کشور از احتمال بدور می‌بینند. ضمن صحبت با يك فامیل «چپ‌گرای» که از سالیان متمادی باینطرف کتابهای مارکسیزم، لیننیزم و سوسیالیزم را جمع آوری میکرد دریافتیم که وی کلکسیون کتابهایش را بالای یکنفر علاقه مند خارجی فروخته است وقتی از وی پرسیدم چرا اقدام بفروش کتابهای خود کرده، جواب داد: «بزودی فصل بهار میرسد و جنگها شدت پیدا میکنند و من نمی‌خواهم چنینکه مجاهدین کابل را تسخیر میکنند این کتابها درخانه من بدست شان بیفتم».

۵-۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

ترجمه عناوین:

- در صورتیکه اتحاد شوروی بالای پاکستان حمله کند ایالات متحده امریکا از این کشور دفاع خواهد کرد.
- بریژنسکی مشاور امنیتی قصر سفید در نظر دارد تا پای عربستان سعودی را نیز در این قضیه شامل کند.
- يك تیم متخصصین نظامی امریکا در پنتاگون مشغول تهیه لست وسایط ومهمات نظامی برای پاکستان می باشند.
- بنی صدر: از دست آورد های انقلاب و مقام آن در جامعه ایران دفاع می کند.
- رئیس جمهور منتخب ایران تا حال خط مش خود را معرفی نکرده
- آیت الله خمینی اشغال افغانستان را توسط قشون سرخ اتحاد شوروی تقبیح کرد
- توکیو: کشتی های جنگی اتحاد شوروی به سمت آبهای جهان غرب به حرکت افتاده
- عربستان سعودی از کشورهای صلحدوست جهانی تقاضا کرد تا در برابر تجاوز جنایتکارانه شوروی در افغانستان از شدت بیشتر کاریگیریند.
- کرایسکی، صدراعظم اطریش در ریاض
- کرایسکی با یاسر عرفات رهبر مقاومت فلسطین ملاقات کرد
- و اینک ترجمه مضمونی در رابطه با بحران افغانستان:
- قتل عام ۱۷۰۰ نفر از ساکنین يك قریه کشف گردید:
- مشاورین روسی امر قتل عام را صادر کرده.

پشاور/ AFP:

از مدت یکسال باینطرف در باره قتل عام ساکنین يك قریه سروصدا بلند بوده، این قتل عام توسط قوای عسکری افغان تحت قوماندان مشاورین شوروی در قریه «کارالا» صورت گرفته است. چند نفر از ساکنین قریه که جان سلامت برده و در کمپهای مهاجرین بحالت زار زندگی می کنند در برابر راپورتر روزنامه این عمل جنایت کاران وحشی را تائید کردند.

آنها اظهار داشتند که در ماه اپریل ۱۹۷۹ بعد از عملیات یکتعداد مبارزین افغانی برضد

رژیم مارکسیستی کابل يك تعداد عساکر و پولیس دولتی با اشتراك بیست نفر روسی قریه «کارالا» را محاصره کردند و بروز ۲۰ اپریل ۱۹۷۹ همه مردان قریه را که در بین شان اطفال ۱۲-۱۳ ساله نیز شامل بودند در کشتزاری چند ردیف ایستاده کرد و با آتشباری توسط مسلسل آنها را کشتند و صرف ۲۰۰ نفر از مردیکه در دره ها بالای در مزارع کار میکردند از این سانحه جان سلامت برده اند.

قریه کارالا در فاصله کمی از چغه سرای، مرکز ولایت کنرها قرار دارد. حین اعدام اهالی بیگناه قریه زن ها و اطفال کوچک در مساجد بازداشت گردیده بودند و صدای وحشتناک رگبار مسلسل هارا میشنیدند.

قرار اظهار شاهدان عینی این صحنه قبل از آنکه اهالی قریه کشته شوند یکنفر روس باموهای زرد blond که آمر این قتل عام بود، امر صادر کرد تا تمام اشخاص محکوم بسلامتی رژیم تره کی هورا صدا کنند اما این مردان دلیر خدا پرست با يك فریاد عظیم، که زمین را بلرزه در آورد، با نعره تکبیر «الله اکبر» جوابش را دادند و این آخرین صدای مردان آزادیخواه و با خدای قریه «کارالا» بود که به آسمانها پرواز کرد و جواب آن یکنفر روس موی زرد امر آتشباری را بر مردان بیدفاع و معصوم صادر نمود.

تمام جریان این کشتار توسط وحشیان جنایتکار پیش از چند دقیقه دوام نکرد و در طول این زمان يك فروند هیلوکوئتر گن شیب برفراز این کشتار گاه در پرواز بوده و در عین حال روس دیگر از صحنه کشتار عکاسی میکرد.

زنها و اطفال بازداشت شده از بین سوراخ ها و روشنندان های، مسجد میدیدند که پدران، شوهران و مردان آینده قریه شان، که بعضی ها هنوزم زنده بودند، بابلدوز زیر خاک دفن میشدند. صحنه قتل عام اهالی «قریه کارالا» کنرهای افغانستان کمتر از قتلهای عام Oradur در فرانسه Lidice در چکوسلواکیه و «MY Lai» در ویتنام نبوده و در تاریخ جهان بنام عمل جنایتکاران وحشی ثبت خواهد شد.

ساکنین این قریه زیبای کنر که زنده مانده اند در زیر خیمه های مندرس، با حالت بدتر از مرگ راه زن های بیوه و اطفال یتیم، دوستان و اقارب خود بدون سرنوشت در یکی از کمپهای باجور زندگی می کنند و اینست سرنوشت يك ملت با شهامت که برای آزادی کشور فقیر خود قیام کرده قربانی میدهند.

۱۱-۲-۱۹۸ هامبورگرآبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

تحریم اولمپیا: بالاخره میدان سیاست بن واضح شد :

موقف ما در رابطه با سیاست جهانی با امریکا تفاوتی ندارد:

گینچر، وزیرخارجه آلمان غرب: پارتنرشپ ما با امریکا مستحکم و پایدار است

بن : با موضعگیری متحجر اتحاد شوروی درقبال بحران افغانستان بجز از تحریم بازی های اولمپیا را در مسکو ، چاره دیگری وجود ندارد. ده روز قبل از اولتیماتوم امریکا درباره خروج قوای شوروی از افغانستان بسررسد، کابینه آلمان غرب بدون چون وچرا تصمیم گرفت تا در پهلوی امریکا قرار بگیرد و اعلام داشتند: « از ایالات متحده تقاضا میکنیم درباره قضیه برلین باما همبستگی خود را دوام بدهد ما موافقه خود را درباره تحریم بازی های اولمپیا اعلام می داریم ».

۱۲-۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

تلخیص مطالب مهم در رابطه با بحران افغانستان :

- هلموت شمیدت: کانسلر(صدراعظم) آلمان غرب طی مکتوبی عنوانی بریژنیف سرمنشی حزب کمونیست شوروی تاثرات عمیق خود را نسبت به تجاوز قوای شوروی در افغانستان اظهارداشته و علاوه کرده که این عمل شوروی باعث ایجاد تشنج های بزرگ سیاسی درجهان گردیده است.

دیتانت در معرض خطر مستقیم قرارگرفته

بن / ۱۲ فبروری:

هلموت شمیدت کانسلر فدرالی آلمان توسط سفیر آلمان درماسکو ویک، Wieck مکتوبی عنوانی بریژنیف سرمنشی حزب کمونیست اتحاد شوروی فرستاده که ازطرف سفیر مذکور برای گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی تسلیم داده شده. درین باره یک سخنگوی حکومت آلمان اظهارکرد که: « کانسلر آلمان اندیشه ها ونگرانیهای خود را درباره اوضاع کنونی جهان بابریژنیف رهبر اتحاد شوروی درمیان گذاشته او را تشوچه گردانیده، زمانیکه کشمکش ها

واختلافات در افق سیاسی بین المللی تبارز می کند مسئولین امروری جهان باید از راه مذاکره مشکلات شانرا حل نموده و نگذارند که اوضاع از کنترل خارج شود.

- روز نامه در سرمقاله خود تحت عنوان:

«امریکا با نگرانی گله میکند» نوشته که :

جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا از موقف گیری پارتنرهای اتلانتیک خود در مورد تجاوز شوروی به افغانستان متأثر و ناراضیست . هرچند درین باره آشکارا انتقاد نکرده است اما امریکا توقعات بیشتر از پارتنرهای خود دارد تا در باره تجاوز شوروی در افغانستان و احتمال پیشقدمی وی در شرق میانه عملاً اقداماتی روی دست گیرند.

- در صفحه بعدی این شماره تحت عنوان شتروس، (کاندید صدارت آلمان و رقیب شمیدت) از مقامات فرانسه تقاضا کرد که همبستگی خود را با امریکا اعلام کند:

فرانس بوزف شتروس بطور رسمی در پاریس اقامت دارد، وی از صدراعظم فرانسه بار Barre وزیر خارجه فرانسوا پانسی Francois Poncet و رئیس شورای ملی فرانسه شابان دپلیماس Chaban Delmas درخواست کرد که فرانسه همبستگی خود را با سیاست امریکا، در رابطه با بحران افغانستان و احتمال پیشروی های بعدی شوروی، اعلام بدارند.

- در صفحه دوم روزنامه تحت عنوان: رژیم کارمل در تلاش است تا با پاکستان و ایران کنار آید، مینگارد:

بیرک کارمل رئیس دولت، دست نشانده شوروی در افغانستان از حکومت پاکستان تقاضا کرد تا موضوعات ذات البینی دوکشور را از راه مذاکره و طور دوستانه حل و فصل کنند نه از طریق جنگ و زور آزمایی.

در رابطه با این موضوع سفیر چین در مانایلا (پایتخت فلپین)، جزء کشورهای جهان سوم تقاضا کرد تا باهم جبهه مشترکی در برابر اتحاد شوروی بوجود آورند و از منافع خود دفاع کنند. سفیر چین چن کسینجن Chen Xinjen در مانایلا علاوه کرد: «احتمال دارد اتحاد شوروی بالای پاکستان و ایران حمله کند و با همکاری قوای نظامی ویتنام کنترل راه های ترانسپورتی نفت را بدست آورد».

۱۴-۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الکیماینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:
رئیس جمهور امریکا، جیمی کارتر در نظر دارد تا قوای نظامی پیاده و بحری کشور
خود را به بحیره عرب اعزام کند:
واشنگتن AP :

جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا تصمیم گرفته تا در ماه مارچ آینده يك دسته از قوای
قورباغه ای بحری را به مناطق آبهای بحرهند و بحیره عرب اعزام بدارد. قراریکه از منابع
حکومتی امریکا اطلاع حاصل گردید، این قوا وظیفه دارد مانع پیشرفت احتمالی قوای
شوروی در این منطقه مهم ترانسپورت مواد نفتی گردد. درچوکات این قوا چهارکشتی جنگی،
هیلو کوپترها و تانک های ثقیله و قوای تویخانه بشمول ۱۸۰۰ نفر پیاده مربوط قوای بحری
شامل میباشند. این قوا بروز سه شنبه در پایگاه نظامی ایالات متحده درفلپین، سویک بی
Subic Bay وارد شده که بعد از مانور چند روزه توسط کشتیها عازم بحرهند گردند.

يك منبع رادیویی اتحاد شوروی درباره فرستادن قوای امریکایی در منطقه تبصره کرده گفت:
امریکا در نظر ندارد این منطقه جهان را در برابر «خطری از ناحیه تجاوز کدام کشور خارجی» حمایه
کند بلکه میخواهد با این وسیله بالای دولت ایران فشار بیشتر وارد کند. رادیو ماسکو در تبصره
خود علاوه کرد این تعداد ۱۸۰۰ نفر پیاده مربوط قوای بحری پیش آهنگ قوای ۱۰۰۰۰۰
نفری امریکایی در منطقه میباشد که بعداً داخل این ناحیه میگردد. بعقیده ماسکو حکومت
امریکا میخواهد موانع بیشتر در این منطقه توسعه یابد و جستجوی راه حل را مشکلتر سازد.
عناوین برجسته در رابطه با قضیه افغانستان:

- قاهره : ۱۲۰۰ نفر عساکر کیویایی بایک کشتی باربردار از کانال سوئز عبور کرده عازم
عدن گردیدند.

- لارڈ کیلانین Lord Killanin (انگلیس)، رئیس کمیته بین المللی اولمپیک از
کشورهای بزرگ جهان تقاضا کرد تا در بازیهای اولمپیک ماسکو سهم بگیرند.
- آژانس خبررسانی تاس: حکومت اتحاد شوروی تقاضای بریژنسکی مشاور امنیتی
قصر سفید را مبنی بر بیرون کشیدن قوای شوروی از افغانستان رد کرده و آنرا يك تقاضای
بیشرمانه خواند.

- گرومیکو وزیر خارجه شوروی روز سه شنبه ۱۲-۲-۱۹۸۰ با اندیراگانندی، صدراعظم هند در دهلی ملاقات کرد، در اجندای مذاکرات صرف قضیه افغانستان و منطقه گنجانیده شده بود.

- گرومیکو حکومت پاکستان را تهدید کرده و ایالات متحده را متهم به ایجاد نا آرامی در منطقه نمود.

۲۱-۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

موقف قوای شوروی در افغانستان روز بروز مشکلتر می شود

راپورهای واصله از حملات مجاهدین :

سه قریه توسط تانک های شوروی با خاک یکسان شده:

کابل : ۲۰-۲-۱۹۸۰ (AFP)

تاریخ التوماتیوم بیرون کشیدن قوای شوروی از افغانستان که توسط کارتر رئیس جمهور امریکا تعیین گردیده بود و بروز چارشنبه ۲۰ فبروری بسر رسید . و تاحال از بیرون کشیدن قوای شوروی نشانه ای به نظر نمی خورد.

دراثر شکستهای پی در پی قوای شوروی، از مبارزین آزادیخواه افغانی، مرکز فرماندهی اتحاد شوروی در افغانستان مجبور گردید بعضی مناطق مهم ستراتیژیکی را به مجاهدین (جنگجویان آزادیخواه) واگذارد. به اساس يك راپور موثق در مسیر شاهراه کابل - جلال آباد و همچنان ولایت سرحدی افغانستان قوای نظامی شوروی تحت حملات مجاهدین قرار گرفته و خسارات جانی و مالی رامتحمل شده اند.

دکانداران شهر کابل نسبت تجاوز قشون ۱۰۰۰۰۰ نفری شوروی در افغانستان بر سبیل مظاهره تمام دکانهای شهر را مسدود کردند.

قرار راپور واصله از کابل اتحاد شوروی تعداد بیشتر عساکر را بکشور وارد کرده و آنها را برای تقویه عساکر رژیم که تحت فشار شدید مجاهدین قرار دارند به ولایت بدخشان فرستاده، اما فرستادن عساکر شوروی در اثر برفباری های شدید در منطقه متوقف شده است. قرار راپور واصله، جنگها در فیض آباد هنوز هم دوام دارد. روز چارشنبه میدان هوایی کابل نسبت برفباری شدید به روی ترافیک طیارات مسدود گردیده است.

فعالیت‌های قیام کنندگان افغانی در غرب کشور، ولایت هرات و همچنان جنوب غرب، قندهار بشدت جریان دارد در این دو شهر اهل کسبه تمام دکانهای شهر را بسته اند. از دو روز باینطرف تنها کاروان وسایل ترانسپورتی تحت حمایه عساکر در شاهراه کابل - قندهار رفت و آمد کرده می تواند وس.

قرار نشر يك خبر روز نامه « بامداد » طبع ایران، در این اواخر مجاهدین مربوط حزب اسلامی یکصد عسکر روسی را در ناحیه غوربند (۱۳۰ کیلومتر شمال کابل) کشته ۲ عدد تانک و ۲۵ عراده وسایط زره دار را از بین برده اند. با وجود اینکه تعداد زیادی از عساکر قشون سرخ در این منطقه متمرکز شده سعی کردند تا قوای مقاومت مسلمانها را نابود سازند لیکن موفق نگردیدند.

در جبهه دیگر جنگ تانکیستهای شوروی در منطقه شمال شرق کشور سه قریه را با خاک برابر کرده و ۲۰۰ نفر از اهالی آنرا کشته اند.

قرار اظهار شواهد عینی با اعتبار دهلی جدید قوای شوروی برای انتقامگیری بتاريخ ۹ فیبروری در نواحی بغلان بالای این سه قریه بمباردها کرده است در قریه حسن تال (۱۰ کیلومتری شهر بغلان) ۵۰-۶۰ خانه تخریب گردیده و تقریباً ۳۰۰ نفر از اهالی آن بطور دسته جمعی تیرباران شده اند علاوه بر این روس ها در مرکز شهر بغلان چندین نفر را کشته اند. این انتقامگیری بعد از آنکه وکیل والی بغلان کشته شده و زندگی مربوطین رژیم کابل معروض به خطر از بین رفتن بودند. صورت گرفته است.

سومین حمله انتقامجویانه روسها در منطقه گرداب (بین شاهراه بغلان و قندز) صورت گرفته لیکن احصائیه تلفات بدست آمده نتوانست.

قرار اظهار يك افسر افغانی که بدھلی جدید پناهنده شده در پرواز طیارات نظامی همه وقت يك افسر روس بحيث امر پرواز در داخل کابین طیاره با پیلوتهای افغانی همراه میباشد اما کنترل طیاره را بدست افغانها میگذارد تا روس ها بدرستی ادعا کرده بتوانند که اتباع افغانی مسئول تباهی و کشتار مردم در افغانستان میباشدند.

۲۳-۲-۱۹۸۰ فرانکفورترالگیمایی Frankfurtur Allgemeine آلمان غرب:

مظاهرات مردم کابل برضد شوروی :

مباردمان طیارات میگ ۲۱ :

کابل ۲۲ - ۲ - ۸۰ AP:

روز جمعه در کابل مظاهرات شدیدی برضد اتحاد شوروی صورت گرفت قرار راپورهای تأیید نشده در این مظاهرات سه نفر کشته شده ، بقول يك شاهد عینی عساکر شوروی با عجله زیاد خود را توسط وسایط زره‌دار به مراکز مهم شهر رسانیده آنها را تحت کنترل خود در آورده اند و همچنان طیارات میگ ۲۱ شوروی بالای شهر در ارتفاع کم با سرعت زیاد دیوار صوت را شکستانده با صدای مهیب منازل را بلرزه در آورده است.

قرار راپور واصله تقریباً ۲۰۰۰ نفر که بیرق های سبز اسلامی را بدست داشتند و برضد اتحاد شوروی شعار میدادند در مقابل تعمیر بلدیه شهرگردم آمدند این مظاهرات، به تعقیب اعتراضات یکروز قبل دکانداران شهر که دکان های خود را مسدود کرده بودند، صورت گرفته.

۲۳-۲۴-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

قیام مردم در افغانستان

تطبیق قانون جنگ در شهر کابل

راپورتر روزنامه SAD/dpa/ap:

کابل - ماسکو - واشنگتن :

اهالی شهرهای بزرگ افغانستان، مبارزه قیام کنندگان اسلامی را علیه شوروی و حکومت دست نشانده پشتیبانی کرده و برسبیل احتجاج دکان ها را بسته و به مظاهرات پرداخته اند. حکومت بېرک کارمل، که توسط ماسکو حمایت میشود، سعی میکند تا بر اوضاع حاکم بنابرین تطبیق قانون جنگ را بر مخالفین رژیم اعلام کرده است.

خبرنگار يك کشور غربی که فعلاً صرف چهار نفرشان در کابل اجازه کار دارند، راپور میدهد اقلأ دو هزار نفر از اهالی شهر که بیرق های سبز (علامت رنگ اسلام) را با خود حمل میکردند

به مظاهرات خیابانی پرداخته و با فریاد های بلند «مرگ بر روس ها» شعار میدادند. قرار راپوری از منابع جاپانی، از طرف مبارزین اسلامی افغان در شهر کابل شبنامه ها توزیع شده است در این شبنامه ها توضیح گردیده که آنها بزودی بالای مراکز نظامی روسی حمله خواهند کرد و به مردم شهر کابل اخطار داده اند تا هر چه زودتر به تهیه و ذخیره مواد اولیه ارتزاقی خود اقدام کنند.

رژیم کابل در برابر اهالی بنا بر عدم رعایت قوانین نظامی از شدت عمل کار میگیرد. راپورتر آژانس تاس شوروی در تبصره ای مینگارد: مظاهرات و قیام شهریان کابل برضد رژیم در اثر مداخلات و توسط «جاسوسان و اجیران انگلیسی، امریکایی، پاکستان و چینایی» رهبری میگردد این اشخاص جزوی از یک گروه عمال بیگانه بوده و ارزشی ندارند، وظیفه گرفته اند تا صلح و امنیت را در کشور مختل گردانند.

برای تقویه قوای امنیتی رژیم، عساکر شوروی از حومه شهر بداخل جمع آوری شده و مراکز مهم را اشغال کرده اند با این عمل اتحاد شوروی نشان میدهد که قصد ندارد بزودی علائق خود را در افغانستان از دست بدهد و به هیچ صورت حاضر نخواهد شد قوای خود را از این کشور بیرون کند. چند ساعت قبل از اعلان تطبیق مقررات نظامی در افغانستان، رئیس دولت و حزب شوروی، لیونید بریژنیف در بیانیه ای شرایط بیرون کشیدن قطعات محدود قوای شوروی را از افغانستان از دید کریملین تکرار کرده گفت: «تا زمانی که مداخلات کلیه کشورهای بیگانه برضد حکومت و مردم افغانستان خاتمه نیابد شوروی تغییری در تصمیم خود نخواهد آورد».

بریژنیف در جریان مبارزات انتخاباتی که در نظر دارد تا پارودیگر خود را کاندید نماید، در کریملین در برابر کدر رهبری شوروی شرایط بیرون کشیدن قوای شوروی را از افغانستان اظهار داشت و وی اتهام وارده امریکارا مبنی بر مداخله اتحاد شوروی در امور داخلی افغانستان بشدت رد کرده گفت: «رئیس جمهور امریکا جیمی کارتر واضحاً میدانند که این نوع مداخلات تنها از خاک پاکستان صورت میگیرد نه از کدام کشور دیگر».

رهبر کریملین اضافه کرد که اتحاد شوروی از تقویه دیتانت و از بین بردن تشنجات حمایت میکند اما «قدرتهای امپریالیستی» بیک حرکت تجاوزکارانه برضد دوام دیتانت آغاز کرده اند از اینرو تعقیب سیاست دسته جمعی تمام کشورهای سوسیالیستی درین مقطع زمانی اهمیت

خاص دارد ما باید متوجه باشیم که اینهمه داد و فریاد « هستریک » واشنگتن تنها بمنظور حضور بیشترش در آسیا می باشد تا ازین کشورها به نفع غرب استفاده کند.

درمورد این اظهارات بریژنف، ایالات متحده کدام عکس العمل فوری از خود نشان نداده بلکه اشاره کرده که برای تحلیل بیانات بریژنف به وقت بیشتری ضرورت دارد تا بتواند محتویات بیانیه او را بدقت بررسی نماید.

سخنگوی حکومت آلمان غرب کلاوس بولینگ Klaus Boelling اظهار داشت: «تحلیل اظهارات بریژنف ایجاب وقت بیشتر را می کند».

وزیر خارجه آلمان غرب هنس دیتریش گینچر Hans Dietrich Genscher در جریان مبارزات انتخاباتی در لودویزبورگ Ludwigsburg به بریژنف اشاره کرده و از شوروی تقاضا کرد: «گفتار خود را جامه عمل بپوشاند».

مبصرین سیاسی امریکایی وضع قوای شوروی را در افغانستان «نومیدکننده» ارزیابی کرده و علاوه میکنند: «تجاوز قوای نظامی شوروی در افغانستان يك سهو بزرگ بوده و تصمیم گیرنده گان این عمل در تحلیل اوضاع کشور اشتباهات بزرگتری را مرتکب شده اند».

يك منبع پیمان اطلس اظهار داشت که در جنگهای افغانستان قوای اتحاد شوروی تا حال بیش از ۵۰۰۰ نفر خود را از دست داده که از این تعداد حدود ۱۵۰۰ نفر شان کشته شده اند.

هنری سیمونت Henri Simonet وزیر خارجه بلجیم این اتهام را که ایالات متحده در سیاست مشورتی خود با متحدین پیمان ناتو ناکام گردیده، رد کرده اضافه نمود: در واقع اختلاف نظرهای موجود بین اعضای بازار مشترك اروپایی باعث آن گردیده که تا کنون يك تصمیم دسته جمعی گرفته نشود نه اینکه نسبت اختلافاتی که در برابر ایالات متحده وجود داشته باعث ناکامی در مشوره با امریکا گردیده باشد.

زیگنیو برژینسکی Zbigniew Brzezinski مشاور امنیتی رئیس جمهور کارتر در بیانیه ای به اتحاد شوروی شدیداً اخطار داده و اظهار داشت: «اگر اتحاد شوروی مناطق خلیج را مورد تهدید قرار دهد ایالات متحده قدرت آنرا دارد که با اتحاد شوروی بعین وسایل و سوبه ای در آن ناحیه تجاوز شده مقابله کند».

۲۵-۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب: در این شماره مضامین و راپورهای مبسوطی نشرگردیده که صرف ترجمه عناوین و خلاصه مطالب را از نظر خوانندگان میگذرانیم:

پیدایش شك و امیدواری خفه شده در جهان غرب بعد از بیانیه بریژنف درباره افغانستان - واشنگتن: انتظار عمل را از اظهارات زعیم شوروی دارد

- شمیدت (صدراعظم آلمان): تجدید نظر در برابر موقف ماسکو را خواهان است

- گینچر (وزیر خارجه آلمان): روشنی در اخیر تونل را می بیند.

- کوهل (رئیس حزب مخالف حکومت آلمان): در اظهارات زعیم شوروی هیچ نوع اشاره ای وجود دارد.

بن ۲۴-۲-۸۰: بیانیه بعد از ظهر روز جمعه بریژنف و شرایط بیرون کشیدن عساکر شوروی از افغانستان:

اظهارات اخیر بریژنف: «تا زمانیکه مداخله بیگانگان از خارج در برابر حکومت و مردم افغانستان کاملاً خاتمه نیابد، اتحاد شوروی در موقف خود تغییری وارد نخواهد کرد» در محافل سیاسی دول ذی‌علاقه انعکاسات مختلف کرده از جمله سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده امریکا در رابطه با این مطلب اظهار داشت: «قبل از آنکه ایالات متحده امریکا درباره اظهارات لیونید بریژنف موقف رسمی خود را اعلان بدارد و یا در پالیسی خود تغییری وارد کند باید اتحاد شوروی عملاً نشان داده و تضمین کند که افغانستان در چوکات یک کشور غیر منسلک و بیطرف دوباره مقام خود را بدست می آورد».

جنگها در شهر کابل خاتمه یافته است

در زدو خورد های اخیر صدها نفر کشته شدند

حکومت پاکستان اتهامات رژیم کابل را رد کرد

کابل / ۲۴-۲-۱۹۸۰ (AP/AFP/Reuter/dpa): جنگهای خونین بین مجاهدین افغانی

و قوای اشغالگر شوروی و عساکر دولتی در کابل خاتمه یافته اما کسبه کابل هنوز هم دکان

های خود را بازنگریده اند. قرار راپورهای وارده از شفاخانه های شهرکابل در این جنگ ها صدهانفر کشته و هزاران نفر زخمی شده اند. يك اروپایی که به دهلی موصلت کرده اظهارداشت که وی اجساد صدالی دوصد نفر را در جاده های منطقه جنگ دیده است درین کشته شدگان تعدادی از عساکر شوروی نیز شامل بودند روزشنبه وضع زندگی در شهرکابل به مرده خانه ای بزرگ شباهت داشت و درجاده ها تنها وسایط زره پوش با سرنشینان روسی و افغانی دیده میشدند.

افغانستان از چنگ شوروی نجات نخواهد یافت و ازین رفته است:

در جریان مذاکرات با مسئولین امریکایی نمیتوان از يك روش صمیمانه صحبت کرد و روحیه این گردهم آبی ها خوش آیند نیست. ایالات متحده از موفقگیری کشورهای اروپایی علی الخصوص از آلمان غرب در رابطه با بحران افغانستان متأثر است که جای تعجب نیست زیرا در بیانات رسمی بن هر روز اوضاع بیشتر مغموش شده و مسیری مشخص و واضحی بنظر نمی خورد.

در میان کدر رهبری سوسیال دیموکرات های آلمان موفقگیری کارتر درباره تحریم اولپیا در ماسکو صریحاً بباد انتقاد گرفته شده و اظهار میکنند: «اینهمه سروصدای رئیس جمهور کارتر تنها بمنظور موفقیت انتخاباتی وی در امریکا میباشد» و دیگر مطلبی در آن شامل نمی باشد.

نتیجه عمل وعده های اخیر گینچر (وزیر خارجه آلمان غرب) با سیروس وانس (وزیر خارجه امریکا) را هلموت شمیدت صدراعظم چنین توضیحات داد: «در باره تحریم بازی های اولپیا در ماسکو قبل از ۲۴ می کدام اقدامی نخواهد کرد».

اما پیشگویی درباره وضع آینده افغانستان آنقدر مشکل نخواهد بود، ما شاهدیم کارگردانان شوروی سعی میکنند يك کشور کوچک عقبمانده، لیکن غیور و آزادیخواه را، تحت یوغ اسارت خود در آورد و از طرف دیگر برای ترساندن آزادیخواهان در کابل قانون نظامی اعلان گردیده ولی روحیه مبارزه عساکر رژیم افغان روز بروز ضعیف تر و موقف نظامی قوای تجاوزگر در کشور خرابتر شده میرود و اتحاد شوروی برای اینکه حیثیت خود را در جهان نبازد تعداد بیشتر عساکر خود را در کشور پیاده می کند. جواب این همه واقعیت هارا وزرای کشورهای غربی با امیدواری خیال پردازانه میدهند اما واقعاً نمی دانند چه پالیسی را تعقیب

کنند. از اینرو باید مردانه و اراعتراف کنیم که نسبت بی کفایتی و عدم يك طرز العمل قاطع از طرف مادر برابر اتحاد شوروی، افغانستان از بین رفته و متعلق به بلاک تحت نفوذ اتحاد شوروی قرار گرفته است اضافه تر از این واقعیت از اظهارات اکثر این کشورهای بی قدرت که خود را به هر حالت انطباق میدهند چه میتوان انتظار داشت.

یگانه امیدواری ای که برای جهان غرب باقی میماند طوریکه صدراعظم آلمان غرب، هلموت شمیدت آنرا فورمولبندی کرده و گفت: « برای روس ها اجازه داده نخواهد شد که قدمی بیشتر از خاک افغانستان بگذارد و رهبران اتحاد شوروی باید بدانند که روس ها درجائیکه هستند باقی میمانند و نه یکقدم بیشتر از آن».

(یاد آوری: خوانندگان گرامی متوجه شده باشند که در اظهارات صدراعظم آلمان غرب، ویا بهترگفته شود در مغزهای کاردانان جهان غرب، اشغال افغانستان از طرف شوروی يك عمل قابل قبول پذیرفته شده بود و افغانستان را در محور تاثیر اتحاد شوروی قرار داده اند. مولف)

۲۵-۲-۱۹۸۰ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

ترجمه عناوین درشت در رابطه به افغانستان

- فریاد اهالی شهر کابل:

« خداوند بزرگ است (الله اکبر)، مرگ بر روس ها »

- غرب تحقیق میکند: در پس منظر بیانیه بریژنف چه مطالب نهفته است و

تبصره شمیدت (صدراعظم آلمان غرب): « دلچسپ و قابل غور»

شترس (رقیب شمیدت وکاندید صدارت): « دروغ بزرگ و شاخدار زندگی»

- بجا خواهد بود که ویلی برندت Willy Berndt (صدراعظم سابق آلمان و رهبر حزب

سوسیال دیموکرات آلمان) منحصیث میانجی بین کشورهای غربی و اتحاد شوروی به ماسکو سفر کند؟

- واشنگتن: « اتحاد شوروی در نظر دارد که جهان غرب را از پیوند با همدگر جدا سازد».

۲۶-۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

ترجمه عناوین برجسته روز نامه:

- افغان ها در برابر روس ها سر خم نمیکنند
- جنگها در کابل ادامه دارد
- ماسکو برای اولین بار از مقاومت شدید مردم یاد میکند
- قوای شوروی در نقاط مهم افغانستان تقویه می گردد
- دید و بازدید ببقار دیپلوماتیک در کشور های اروپای غربی
- شمیدت Schmidt (صدراعظم آلمان غرب) با مارگریت تیچر Thatcher (صدراعظم انگلستان) و سوارش Suarez (صدراعظم اسپانیه) ملاقات کرد.
- روفینی Ruffni وزیر خارجه ایتالیا با گنچر Genscher آلمان غرب مذاکره کرد.
- افغانها از میانجیگری براندت با کرملین طرفداری نمیکنند
- قوای مقاومت افغانها در نظر اتحاد شوروی بی اهمیت جلوه میکند
- توکیو: ماسکو در جزیره ای بمبهای هسته وی را انبار میکند
- این مطلب را وزیر دفاع جاپان هوزودا Hosoda اظهار داشت .

۲۷-۲-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

ماسکو برگزیده جدیدی در دست دارد :

روزهای قدرت ببرک کارمل رو با تمام است :

کابل dpa :

مبارزین افغانی برضد قوای اشغالگر شوروی با شجاعت حیرت آوری مقاومت میکنند قرار راپورهای واصله روس ها در برابر شان از بمب های ناپالم (با اثر توافقات بین المللی استعمال این نوع بمب ها در جنگ ممنوع است)، استفاده میکنند.

قرار راپور منتشره یکی از روزنامه های چاپ پیکینگ تاحال در حدود پنجهزار نفر عسکر روسی کشته اند همچنان بکتهداد عساکر شوروی، کسانیکه از جمهوریت های اسلامی به افغانستان سوق گردیده بودند بنابر علایق مذهبی با مسلمان های افغان نمیجنگیدند، با قوای تازه دم روسی نژاد تعویض شده اند.

قرار راپور های واصله از منابع غربی روس ها در نظر دارند قدرت ببرک کارمل ، دست نشانده ۲۷ دسامبر خود را از وی صلب کرده وبعوضش اسدالله سروری، یکی از سرسپرده گان وفادار

ماسکو و معاون فعلی ریاست دولت را بمسند قدرت نشانند.

۲۸-۲-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

اطفال افغان با بوتل و سنگ در برابر تانک میجنگند:

کابل / لندن / ماسکو SAD/dpa/ap :

رهبر رژیم کمونیستی دست نشانده ماسکو در کابل، بېرک کارمل تلاش دارد تا بر جریانات داخلی کشور حاکم شود از اینرو بعد از اعتصاب عمومی مردم کابل موجی از اهالی شهر را بازداشت کرد. قرار خبر رادیو کابل در بین بازداشت شده گان تعدادی از اطفال مکتب به سنین ۷-۸ ساله نیز شاملند که به وسایط زره دار و تانک قوای امنیتی و عساکر شوروی سنگ و بوطل پرتاب کرده اند رادیو کابل از والدین اطفال بازداشت شده تقاضا کرد تا اطفال گول خورده را از مرکز امنیتی، که در نزدیکی دفتر کارمل واقع است، تسلیم شوند .

مارچ

ACKU

۳-۳-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

در این روزنامه درباره دو مطلب مهم روز تفصیل داده شده یکی درباره سفر هلموت شمیدت صدراعظم آلمان غرب به ایالات متحده بوده و دیگر آن راپور روزنامه نگار «اویزرور Observer انگلیسی درباره سفرش به افغانستان میباشد.

اینست خطوط برجسته سفر صدراعظم آلمان به امریکا:

«مش جدید بن»

- شمیدت فردا با ایالات متحده سفر میکند

- کریملین بالهجه خشتنتر صحبت میکند.

بن، ۳ مارچ dpa-ap:

هلموت شمیدت صدراعظم آلمان در نظر دارد به جیمی کارتر، رئیس جمهور ایالات متحده اطمینان دهد که سیاست آلمان فدرال با امریکا همنوایی داشته و باهم در یک ردیف قرار دارند. شمیدت سعی میوزد تا بحران افغانستان از راه سیاسی حل شود و وضع متشنج سیاسی بین کشورهای غربی و اتحاد شوروی در اثر مذاکرات رویارویی ملایم گردد. وی همچنان میخواهد به رئیس جمهور کارتر اطمینان بدهد که حکومت آلمان آماده است تا تحریمات بیشتر اقتصادی به منظور مانع شدن از پیشروی شوروی به مناطق دیگر بعد از افغانستان بر آن کشور روی دست میگیرد.

اینک راپور روزنامه انگلیسی مضمون تحت عنوان:

سه روز در اسارت آزادیخواهان افغانی.

«قوای شوروی افغانستان ربا خاک برابر میکند»

اسلام آباد / لندن - dpa/ap:

قوای شوروی وعساکر رژیم در جنوب افغانستان به فاصله ۲۳۰ کیلومتر در اطراف شاهراه عمومی کابل- قندهار، قریه ها و دهات را به وسیله هیلکوپتر های گن شیپ، بدون در نظر داشت اهداف مشخصی با خاک یکسان کرده اند.

در این باره روزنامه نگار آبیروزور The Observer، شایام باتیا Shyam Bhatia از چشمدید خود می نگارد: ۴/۵ حصه قریه های دو طرف شاهراه غزنی - قندهار با خاک

یکسان گردیده و یا اینکه طوری تخریب شده که قابل رهایش نمی باشد.

روزنامه نگار ابزرور هشت روز قبل در اثر حمله مبارزین اسلامی بالای يك كاروان موترهای سرویس که روانه قندهار بودند با متباقی سرنشینان آن دستگیر شده و پای پیاده از راه های پریف به يك موضع بنام بخشیر برده شده است و در آنجا سه نفر از راکبین سرویس که بعد از تحقیق مختصری با اسناد نزد مجاهدین ثابت گردید که مربوط اعضای حزب کمونیست میباشند فوراً تیرباران گردیدند.

روز نامه نگار موصوف بعد از آنکه ساعتی در يك اطاق نیمه مخروبه گذشتانده از طرف مجاهدین در يك پناهگاه داخل يك تپه که شکل يك سنگر را داشت برده شد. لحظه ای بعد او بمباردمان شدید طیارات و هیلوکوپتر هارا که تقریباً سه ساعت دوام داشت از داخل سنگر به چشم خود دیده است در اثر این بمباردمان که بیشتر مفهوم قتل عام را داشت از جمله ۵۰ فامیلی که در این قریه زندگی میکردند، در حدود ۳۰ نفرشان که در بین آنها زن ها و اطفال نیز شامل بود، کشته شدند.

گروه مبارزین افغانی بعد از ختم بمباردمان قریه بخشیر، باکسانیکه زنده مانده بودند و در وضع رقتباری قرار داشتند، خدا حافظی کرده و با معیت روزنامه نگار موصوف بصوب قریه ای نزدیک قره باغ غزنی، که مرکز عملیات مجاهدین است، براه افتادند در این پناهگاه و سنگر قوماندان گروپ بنام حاجی راپور مجاهدین را استماع کرد و در ضمن صحبت او را به وی معرفی کردند. حاجی بعد از بازدید و مطالعه اسناد و هویت روزنامه نگار پیش آمد دوستانه کرده و از اینکه مجاهدین اوباعث ناراحتی اش شده بودند معذرت خواست.

وقتی حاجی اطمینان حاصل کرد که خبرنگاری غربی مخاطب او است درباره چگونگی و روند جنگ در منطقه معلومات بیشتر داده و اظهار داشت که تحت قوماندان وی در حدود ۲۰۰۰ نفر مجاهد که همه به تنظیم حرکت اسلامی مربوط محمدی میباشند در مناطق نزدیک همین قرارگاه در برابر رژیم و روسها میجنگند. وی در صحبت مودبانه خود پیش رفته گفت اما با سلاحی که ما در اختیار خود داریم مبارزه کردن با این وحشی های روسی و عمال رژیم کابل کار ساده ای نیست و شما که دوباره بخارج میروید این مشکل و کمبود مارا بگوش جهانیان برسانید و بگوئید که ما به سلاح و مهمات موثر از جهان غرب ضرورت داریم. من (راپورتر) در خلال صحبت متوجه گردیدم که سلاح دست داشتهء حاجی يك تفنگ فرانسوی ساخت قرن

گذشته بوده و متباقی مجاهدین تحت اثر وی نیز سلاح بهتری در دست نداشتند. حاجی در ضمن صحبت خود اظهار داشت: در اخیر هفته گذشته ۵۰ نفر از اهالی يك قریه ای نزدیک شهر قندهار حین عبادت باثر بمباردمان هیلوکوپتر کشته شده و روز بعد که تقریباً دوهزار نفر از اهالی قریه و شهر در مراسم فاتحه خوانی شهدا در مسجد خرقة مبارک قندهار جمع شده بودند دفعتاً عساکر مسلح شوروی با ماشیندار داخل محوطه مسجد شده از زمین و از هوا با هیلوکوپترها بالای شان حمله کرده و بدون دلیل تعداد بیشماری از آنها را کشتند.

۶-۳-۱۹۸۰ سندی تلگراف، انگلستان:

بحواله روزنامه سندی تلگراف Sunday Telegraph از لندن قوماندان اعلی نظامی اردوی شوروی در کابل امر صادر کرده تا تمام عساکر شوروی متوطن جمهوریت های آسیای مرکزی به شوروی برگردانده شده بعوض آنها عساکر روسی اروپایی نژاد به افغانستان فرستاده شوند، قرار معلوم عساکر شوروی ملیت های آسیای مرکزی بنا بر علائق دینی و لسانی با اهالی شهر روابط نیک برقرار کرده و طبق آرزوی قوماندانان روسی شان در کشتار مردم کمتر سهم میگیرند علاوه بر این عساکر مسلمان اتحاد شوروی، در هر کتابفروشی شهر که قرآن کتاب آسمانی مسلمان ها می یابند خریداری می کنند.

روزنامه علاوه می کند که از بیرون کشیدن قوای شوروی، طوریکه بازار مشترک اروپایی و ایالات متحده تقاضا دارد، هیچ نشانه ای بچشم نمیخورد قرار راپور دستگاه استخباراتی سی آی ای در ماه فروری ۱۰۰۰۰ عسکر تازه دم روسی نژاد به افغانستان مواصلت کرده و ۲۰۰۰۰ دیگرشان در سرحدات شوروی آماده حرکت جانب افغانستان میباشد.

ناظرین نظامی امریکایی عقیده دارند، که اتحاد شوروی در ماه اپریل آینده خطوط اساسی ستراتیژیکی خود را مشخص خواهد و تصمیم گرفت که آیا تعداد بیشتر عساکر خود را برای جلوگیری از زیان بیشتر قوای بشری و مالی اردوی شوروی، رژیم کابل را با سرنوشتش تنها گذاشته و قوای خود را از این کشور بیرون کشد.

۷-۳-۱۹۸۰ دی سایت Die Zeit آلمان غرب:

یگانه روزنامه نگاریك کشور غربی که از شروع تا ختم قیام شهر کابل را بچشم سردیده مینگارد:

روز جمعه خونین کابل :

سراب فریبنده امید از امریکا:

کابل : عسکر روس نژاد هردوگوش خود را بادست هایش پوشیده و سرپوش دخولی تانک را بسته میکند لحظه ای بعد انجن تانک باصدای خشن خود بحرکت میافتد و میله ماشیندار بجانب اهداف پنهان از چشم مخالفین میچرخد این دشمن شبانگاهی روس ها، صدای فریادی است که از صدها هزاران گلو و روح مردمان این کشور کوهستانی بگوش می رسد و این فریاد آمیخته باغضب برضد قوای اشغالگر شوروی درکشور دوست داشتنی شان می باشد.

صدای ملکوتی که فضای کابل را مملو گردانیده «الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر»، زمین را بلرزه درآورده، صدای انسان هائیکه با انواع مختلف، چیغ، زننده، خفه شده، طفلانه، زنانه باهم مزج گردیده و آسمان پر از ستاره سرد کابل را تبدیل به يك قدرت طبیعت غران گردانیده. این فریادها با هم یکجاشده و مبدل به سیل خروشان و غران عظیمی گردیده که از سواحل میگذرد و همه را بخود جذب میکند. در يك لحظه مرکز شهر را در بست بخود گرفته جانب تپه های اطراف شهر در حرکت میافتد. هزاره های شیعه را درقید خود میگیرد و بر میگردد و مانند صدای مد و جزر بحر متلاطم و خروشان بدیوارهای سواحل نامعلوم میخورد.

باشندگان شهر بالای بامهای خانه خود برآمده، در دهن کلکین های باز منازل شان، درحویلی خود جمع شده و بدون کدام مقدمه چینی در سرکها و در کوچه های شهر جمع شده و همه يك فریاد می زنند: «الله اکبر».

پیشقدمان اجتماع از بالای دیوارخانه ها صدا میزنند و انتظار انعکاس سوال خود را دارند، موترها در جاده ها متوقف میشوند و در یور بار اکبین و با پیغام معجزه «الله اکبر» میتوانند دوباره بسفر خود ادامه دهند. بعضی مردم برای خود لودسپیکرهای سیار تهیه کرده و اکثر آنها از کف دست ها و یا نلهای بخاری برای شنواندن فریاد خود استفاده میکنند و اطفال خورد سال قطی های حلبی را بحیث میگرفون به دهن خود گرفته اند و «الله اکبر» گفته فریاد می زنند.

چهار ساعت از ۸ شب الی نصف شب این ندای حقیقت برای آزادی درسراسر کابل حاکم است و فریادیست که از استخوان‌ها میگذرد بدن را بلرز می آورد، در فولاد های زرهپوش داخل شده و بدون احساس کوچکترین مانع از آن عبور میکند فریاد ملکوتی «الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر» را نمیتوان تیرباران کرد.

و اینست حکایت حماسی ای شهرکابل بروز پنج شنبه مورخ ۲۱ فروری ۱۹۸۰ ع.

«پیروزی نصیب ما است»

قبل از این مبارزه اهالی کابل ملاها، کسبه شهر را به مقاومت غیرفعال (پاسیف) دعوت کردند تا دوکانه های خود را باز نکنند یکی از این ملاها بعد آزادی نماز شام ب مردم مومن کابل چنین گفت: «ما فاتح و فیروز میشویم و این ملحدان بی کتاب را از کشور پاک خود بیرون میرانیم».

هر روز پیغام ها و اخبار مظاهرات از دیگر ولایات کشور توسط راکبین موترهای سرویس «بازار سیار» به کابل میرسد چنان که یکروز قبل از مساجد شهرکابل شبنامه ای بامتن ذیل پخش گردید:

«باشندگان مومن و شجاع کابل جهاد مقدس خود را برضد این کتله ملحد و استثمارگر شوروی، دشمن سرسپرده عالم اسلام، اعلام میدارند.

هر انسان و همچنان ما مردم مسلمان روزی از این جهان فانی رفتنی هستیم. چرا ما از مرگ پرافتخار بیم داشته باشیم؟ ما برگزیده ایم تا از خاک و ناموس خود دفاع کنیم و اگر مادر این مبارزه کشته شویم و یا آنها را بکشیم جای ما در بهشت است و اینست پاداشی که خداوند ب ما وعده کرده. کسانی که قدرت ندارند در جهاد گرم علیه قوای اشغالگر و ملحد روسی سهم گیرند، پس برماست تا وظیفه دینی خود را بابرگزاری اعتصابات و مظاهرات علیه روسها انجام دهیم.

بصورت مشخص «برادران اسلامی شهرکابل» با توزیع این شبنامه از اهالی تقاضای کند تا روز پنج شنبه ۲۱ فروری بانعره تکبیر «برادران اسلامی شهرکابل» به مظاهره آغاز کنند و مقام دکانهای شهر، بااستثنای خبازی، قصابی و ترکاری فروش، همه را مسدود کنند».

اهالی شهرکابل ماهیت این شبنامه را جامه عمل پوشانید و از روز پنج شنبه باینسو بازار های شلوغ کابل بی سروصدا است. تمام دکان های شهر بشمول غرفه ها و غرفه گکها مسدود

گردیده، نه تنها بازار افسانوی «کوچه مرغها» بلکه سرتاسر جاده میوند ودکان های اطراف شهر بروی مراجعین بسته می باشد در روزها هفته های گذشته اهالی شهرهای هرات، مزارشریف، پلخمری و چاریکار در برابر قوای اشغالگر و رژیم دست نشانده شوروی به مظاهرات عظیمی پرداخته و کشته ها دادند، سر از امروز در کابل هم در برابر چکمه های عساکر و زنجیر های تانک قوای اشغالگر روسی و رژیم دست نشانده آن قیام کرده اند.

«مردم کابل قدرت قیام را ندارند» اظهار نظریست از زبان یک مبصر سیاسی و نظامی غربی وهم از بعضی افغان های کارشناس که چند ساعت قبل از قیام مردم شنیده شده است اینها زمینه بوجود آمدن یک قیام سرتاسری را در شهری که اهالی آن متشکل از اقوام مختلف، مذاهب مختلف میباشند و همچنان یک تعداد اهالی کابل که در دولت وظیفه دارند و تحت فشار و کنترل دایمی رژیم می باشد، غیرممکن می پندارند. دلیل دیگرشان که مانع قیام شده میتواند، کنترل اهالی توسط شبکه ای وسیع جاسوسی، آماده باش ملیشای حزبی و قوای امنیتی را میدانند در اخیر نفوذ عمیق قوای شوروی را در شهری که با تمام وسایل مدرن جهانی و با کارمندان وارد به استعمال این وسایل، از کابل دفاع میکنند نباید نادیده گرفت.

با وجود اینهمه پیشگوییها و شك و تردید کابل مانند ماشینری کوهکن بحرکت افتاد، اهالی شهر با شدت بیشتر و عمیقتر از آنچه تصور میکردید مانند سیل خروشان، طوری که نظیر آن تاحال دیده نشده بود، بطغیان آمد و قربانی بیشماری داده و با خون خود جاده های شهر را لاله گون کردند.

حینیکه وزیر دفاع رژیم منفور ملت، بمناسبت شصت و دومین سالگرد قشون سرخ شوروی، با بیانیه ماست مالی شده و روغنی اش از «صداقت، دوستی و خودگذری» قوای قهرمان شوروی در افغانستان هذیان می گفت در داخل شهر شدت طوفان نفرت مردم برضد امپریالیستهای شوروی و دست نشانندگان خاین آن از کرانه های دریامیگذشت و ساعت بساعت بیشتر اوج میگرفت.

درعین وقت در سفارت شوروی کاکهای بوتلهای شمپاین بصدا در میآمد و به سالگرد قشون سرخ شوروی افتخار میکردند و گلاس های مشروب خود را سرمی کشیدند، صدای چاینهای تانک بر جاده های کابل جفجغه میکشید و جاتی که مردم قیام کرده بودند آتشباری میکرد و راکت های روشنی اند از صحنه های جنگ را روشن میگردانید و در برابر مظاهره

چیان که برای آزادی و دین خود قربانی میدادند قوای اشغالگر شوروی از شدت عمل وحشتزایی بیشتری کار میگرفت که در نتیجه آن صحنه های رقتبار جنگ روز جمعه خونین کابل را بار آورد.

« حال تو میتوانی به چشمت ببینی که ما مسلمان ها چقدر قوی هستیم و در برابر ما این کمونیست ها چه ضعیف هستند » گفتار يك محصل جوان بود که برایم بازگفت .

حینیکه از هتل توسط تاکسی بطرف شهر روان بودم يك گروه مظاهره چیان مرا از موترم پائین کرده و بفکر اینکه تبعه روس هستم مرا باچوپ ولگد لت وکوب کردند و این محصل جوان وسیله نجاتم گردید، او مرا از بین مظاهره چیان بیرون کشید به تاکسی داخل کرد و بالای بام موتر بالا شده صدا زد این شخص يك جرمنی است و بما کمک میکند و بدون اینکه انتظار پاداشی از من داشته باشد حین خدا حافظی گفت که : « ما روس هارا شکست خواهیم داد و از وطن عزیز خود بیرون شان میکنیم. زیرا خدا باماست، ما افغانها برای شان نشان خواهیم داد که ما پارچه ای از یلاک شرق نخواهیم شد. وی این جمله را با فخر افغانی ادا کرد و دستم رافشرد و از موتر خارج شد و باهمرزمانش یکجا شده فریاد زد: « الله اکبر ».

این خوشبینی مردم دوام دار نبود. هنوز آفتاب کوه های پر از برف پفمان را روشن نکرده بود که روس ها بجواب قیام کنندگان پرداختند و طیارات میگ ۲۱ و بمب افکنهای سوخوی ۷ که از تاشکند پرواز کرده بود در ارتفاع کم بالای شهر بقدرت نمایی آغاز کردند این نمایش تا حوالی بعد از ظهر تندرآسا دوام کرد، پرواز طیارات تنها جهت تخویف مردم که بتواند صدای الله اکبر را در گلوهای شان خفه کند صورت گرفت اما بمباردمان نکردند.

روسها با زور آزمایی در این بازی موفق نشدند، بلکه مردم از منازل شان خارج شدند و در جاده سالنگ بسوی مرکز شهر بحرکت افتادند در مسیر جاده گروهها باهم یکجا گردیده و لحظه به لحظه به تعداد شان افزوده میشد و مظاهره کنندگان کدام برنامه خاصی از خود نداشتند بلکه وحدت شان در بیان شان بود:

« الله اکبر، مرگ بر بریژنیف، مرگ بر لینن، مرگ بر بېرک کارمل » شعارشان بود که همه رامانند يك سخره کوه بهم پیوند کرده بود.

حرکت این اجتماع، با آنکه در بالای سرشان طیاره ها در پرواز و هیلوکوپترهای گنشیپ می ۲۴ مجهز با راکتهای تباه کن با صدای کره طور در اطراف شان میچرخید، نادر و از توصیف

بیرون بود، اما برای بیننده ترسناک و هراس انگیز.

آنها با عقیده راسخ در صحنه که مرگبار و جدی بود و در حالیکه از داخل زره پوشها بالای شان آتش باری می شد سیل آسا بطرف شهر روان بودند.

گلوله باری در ناحیه شیعه ها:

هیلوکوپترهای می ۲۴ که توسط پیلوتهای روسی در پرواز بودند اولین شلیک گلوله خود را بالای ناحیه شیعه ها در دهمزنگ، آغاز کردند و اهالی این منطقه با تفنگهای قدیمی خود بالای قوای امنیتی و عساکر رژیم آتشباری کردند و ماشیندارهای ثقیل اطراف سفارت شوروی و ناحیه حزبی به گلوله باری جواب می دادند. هیلوکوپترهای گنشیپ بالای اهداف نامعلوم در اطراف سرك دارالامان پراکت اندازی شروع کرده و در چارسوق شاهراه کابل غزنی يك لاری طعمه آتش شده صدای انفجار و گلوله باری از نزدیک سیلو، غرب هوتل انترکانتیننتال، بلا وقفه شنیده می شد.

همچنان از مناطق نزدیک به قشله فرقه ۸ عسکری قرغه، جائیکه مجاهدین مرکز گرفته اند صدای غرش انداخت توپخانه ها و راکتها توسط هیلوکوپترها بوضاحت شنیده میشود. آهسته آهسته افغانهای آزادیخواه احساس کردند که تاچه حد بدون یاری و کمک در حالت نزدیک به ضعف، در برابر این ماشینری جنگی مدرن جهانی که توسط جنرالهای شوروی بکار انداخته می شود و ممالک شانرا قبضه کرده، قرار دارند.

عده ای از مظاهره چیان بی سروصدا با حالت غمگین و رقتبار عزم رفتن بخانه های خود را کردند و آن بایسکل سوار افغان که من ژورنالیست را در پشت بایسکلش (قنجغه) با پاهای بلند گرفته نشسته به کوچه های شهر میچرخاند، از جمله آن کسانی نبود که جنگ او را بترساند. وی بدون احساس خستگی، با پاچه های تنبان که در اثر سرعت رفتار بایسکل اینسو و آنسو میوزرید، از یک صحنه جنگ به صحنه دیگر آن در حرکت بود و بعد از گشت و گذار طولانی در مراکز مظاهرات، این جوان بایسکل سوار، ژورنالیست همسفر خود را از قنجغه بایسکل پایان کرد تا در یک گودال ملو از کثافت و گندگی خود را اخفا کند، و خودش به تنهایی بصوب نامعلومی رفت. در پیشرویم دوجسد بیجان بروی سرك افتاده و آتشباری ماشیندار بروی جاده تخلیه شده مقابل وزارت معارف قمچین زنان دوام دارد. این انسانهای از خود گذر عقیده دارند که دستار شان کلاه خود و بایسکل های شان وسیله زره دار است و جنت، مکان

آرزوهای شان درکنار جاده قرار دارد.

رژیم کابل در برابر قیام اهالی شهر موقف گیری رسمی نکرده و هیچ فرد حزبی و یا غیر آن در این روزهای مظاهرات ملت جرأت نکرد چهره خود را در صفحه تلویزیون به مردم نشان دهند و در عوض برای بار چهارم بیانیه سه هفته قبل ببرک کارمل و برای بار سوم فیلم تقریباً ۲ ماه قبل دوران امین و رهایی محبوسان سیاسی را از تلویزیون پخش می کردند.

طبیعی است که مقصر اصلی این قیام «امریکایی امپریالیست خون آشام» میباشد که با کمک چین، پاکستان، انگلستان و اسرائیل یک تعداد تروریستها را در افغانستان فرستاده و باعث این همه قتل و قتال مردم بیگناه شده این محتوی تبصره رسمی رادیو کابل است.

دایره شیطانی تنگتر میشود:

از حوادث اخیر قیام مردم کابل میتوان بصورت فشرده استنتاج کرد که:

اول: در وضع امروزی افغانستان نمیتوان یک چهره خارجی را مسئول ساخت بلکه این تصمیم ملت است که در راه آزادی و عقیده خود قیام کرده و قربانی میدهند.

دوم: اشغالگران شوروی، حتی اگر با اثر توافقات بین المللی سرحدات بین افغانستان و پاکستان را نیز مسدود کرده بتوانند، باز هم عساکر خود را از کشور افغانها بیرون نخواهند کشید. برای اینکه قافیه را در جهان سیاست نیازند مجبوراند از این رژیم، منفور ملت افغان، تا زمانیکه پپای خود ایستاده شده بتوانند در برابر جریانات داخلی از آن حمایت کنند. بعد از حوادث اخیر در کابل عساکر اشغالگر شوروی کنترل مراکز مهم استراتژیکی شهر کابل، دستگاه های برق، مراکز آبرسانی، پل ها، سیلوی مرکزی، استیشن های ترانسفارمر برق، شاهراه کابل - قندهار و غیره نقاط مهم حومه شهر را بدون اشتراك پاسداران افغانی، بدست خود گرفتند.

لیکن قوای شوروی با وجود اتخاذ اینهمه تدابیر نمیتواند مانع از فشار دایره شیطانی گردید زیرا: مبدای این همه مشکلات لاینحل را می توان تنها در وجود ببرک کارمل یافت کرد زیرا وی نظریه فیصله کریملین و باهمراهی قشون شوروی داخل کابل شده و در اریکه قدرت نشانده شده اما تا امروز این چهره مورد قبول مردم نشده او را رد میکنند. از طرف دیگر هر قدر کارمل دعوی بقای خود را در سرداشته باشد بهمان تناسب حضور قوای اشغالگر شوروی لازمی پنداشته می شود. تا امروز شوروی، با وجود تجسس پیش از حد، موفق نگردیده

تا شخص دیگری را که مورد قبول مردم و هم طرف اعتماد ماسکو باشد از حلقه‌های مختلف پیدا کند، زیرا در وجود بیک کارمل و اطرافیان نزدیکش شخصیتی که دارای لیاقت، درایت سیاسی، دانش و حوصله باشد، یافت شده نمی‌تواند.

قرار معلوم در طول تظاهرات اخیر کابل تقریباً ۳۰۰-۵۰۰ نفر کشته و هزاران نفر زخمی شده‌اند و با در نظر داشت این بیلاست اسف انگیز یکی از مبصرین سیاسی کشور غربی اظهار داشت که :

« این کشور با قدمهای وسیع و دیوآسا بسوی تراژدی بزرگتری به حرکت افتاده است. افواهایی که سی‌ای ای بی‌اس‌ال می‌رساند و « امریکا با کمک میکند »، گفتار میان تپی ایست که بیشتر موید قیام مردم میگردد. مادر گذشته‌های نه‌چندان دوری خاطر داریم که در سال ۱۹۵۶ رادیوی «اروپای آزاد» به قیام کنندگان مجارستان وعده میکرد که بزودی سلاح و مهمات کافی و موثر بدسترس شان خواهد رسید و مبارزین مجارستان بانتظار رسیدن سلاح مدتها مقاومت کردند اما دست خالی نتیجه این همه انتظار شان بود و امروز هم بیم آن می‌رود که ملت باشهامت افغان بانتظار ظهور معجزه و کمکی از جانب امریکا چشم براه مانده و حاصلی بدست نی‌آورند و با تأثیر نتیجه می‌گیریم که گفتار بدون مسئولیت امریکا امیدواری‌های کاذب در بین قیام کنندگان خلق کرده و میکند.

یک دیپلومات غربی با تأثیر و نگرانی در صحبتی اظهار داشت: « امریکاییها دیوانه وار در صد آند بدون در نظر داشتن کشته شدن افغانها، که روسها با اشغال افغانستان بزرگترین بهایی زندگی خود را پیردازند » وی علاوه کرد: « واشنگتن در نظر ندارد در این کشور سیاست بازی کند، بلکه آرزو دارد تا به تنهایی « بازی زور » بین طرفین درگیر جنگ تطبیق گردد و افغانها باید در این راه خون بدهند و کشورشان تباہ گردد ».

۹/۸-۳-۱۹۸۰ هامبورگر آبندهلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

برلین - فرانکفورت dpa:

انفجار بمبها در تاسیسات شوروی :

دراثر انفجار بمبی بوزن یک کیلوگرام که قبلاً در یکی از تشنابهای جنرال قونسلگری شوروی در برلین دالهلم پنهان گردیده بود، خسارات زیاد مالی وارد گردید. همچنان در دفتر

خط هوایی ایروفلوت شوروی درفرانکفورت کارمندان اداره بمبی را کشف کرده و باطلاع قوای امنیتی رسانیدند قوای اختصاصی امنیتی به محل حاضر گردیده و قبل از آنکه بمب ناصبه انفجار کند خنثی گردید.

۱-۳-۱۹۸۰ هامبورگر ایندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

کابل : دهم مارچ dpa-ap :

عساکر شوروی از وظایف شان در افغانستان شکایت دارند:

«عساکر اردوی شوروی در افغانستان خسته شده و آرزو دارند بخانه های خود برگردند»؟
در هر قدم ۸۰ هزار نفر از قوای اشغالگر شوروی احساس میکنند که اینها مهمانهای ناخوانده ملت افغان اند و باحوادثی که در این مدت رخ داده و عساکر شوروی آنرا در پوست و استخوان خود آنرا احساس کرده اند، میدانند که ملت افغان از آنها دعوت نکرده که از منافع شان، من حیث یک کشور دوست، دفاع کنند. عساکر شوروی در دهات و خارج از شهرهای بزرگ دست و یخن در جنگ و در داخل شهرها بیم دارند که از کمین گاه منزلی بالای شان گلوله باری آغاز شود.

یکی از پیلوتهای روسی با دشنام های غلیظ اظهار داشت: «ما از وضع امر روزی در این کشورییگانه و سیاست رهبران ما در ماسکو به بینی رسیده ایم و میخواهیم بخانه های خود زودتر برگردیم» نظر وی از جانب تقریباً سی نفر همکارانش با اشاره مثبت سرتائید گردید.
سه نفر از کارمندان قوای هوایی شوروی که در میدان هوایی کابل وظیفه دارند در جستجوی یک جرعه آبجو و یا چای سرگردان هستند. رستوران میدان هوایی که در آن مشروبات الکھولی نیز عرضه می گردد بعد از ساعت ۷ شام مسدود می گردد و در نزدیکی میدان هوایی کدام منبعی وجود ندارد که روس ها وظیفه دار میدان هوایی کابل جرعه مشروبی بدست آورند. قیود شبگردی به ساعت ۹ شب نافذ می گردد و برحركات قوای اشغالگر نیز تاثیر مستقیم دارد و از همه بدتر اینکه تیراندازان ماهر افغانی در کمین گاههای شان بعد از اعلام قیود شبگردی فعال میشوند و قوای اشغالگر از آن بیم دارند که آزادانه از تعمیر میدان هوایی بیرون بروند.
دریابند فرودگاه (خط پرواز) طیارات نظامی شوروی یا فرود میآیند و یا پرواز میکنند، لیکن این سروصدا ها در قبال خود کدام مفهومی ندارند و یکی از پیلوتهای روسی شکایت کنان

اظهار داشت: «ما از یکماه باینطرف در این کشور وظیفه دار هستیم ولیکن ماکاری نداریم که پیش بریم» و خنده کنان علاوه میکند چون از بیکاری زیاد دلتنگ شده ایم باعده ای از همکارانش ریش گذاشته اند. پیلوت سومی که ریش خود را تراشیده بایک نفس عمیق اظهارداشت: «دلم میخواهد که همین حال درخانه خود درلیننگراد میبودم».

بعد از گفتگو وصحبتهای خودمانی از ایشان پرسیدم، پس در افغانستان شما چه وظیفه دارید و چرا آمده اید؟ جواب این سوالم به اختصار داده شد وهمه یکجا گفتند: «ما پیلوت هستیم و پرواز میکنیم».

دراین مدت اشغال کشور، روش زندگی مشاورین نظامی که قبل از تجاوز عساکر شوروی درین کشور وارد شده اند، تغییر یافته اینها دیگر نمیتوانند مانند گذشته ها به تنهایی ویا بافامیل یکجا برای خرید در بازارهای شهر از منازل شان بیرون برآیند ویا از طرف دکانداران با پیشانی باز پذیرایی شوند. بعد از اشغال افغانستان توسط قشون شوروی در برابر همه اتباع روسی یک نوع معامله که آگنده با زهر است صورت می گیرد. امروز متخصصین شوروی تنها اجازه دارند تا گروپ وار درکوچه و بازار رفت و آمد کنند و در بین شان اقلأ یک نفر مسلح می باشد، زیرا مانند گذشته به تنهایی گشت و گذار در این شهر معنی واقعی خودکشی را دارد. تقریباً در هرده متر جاده های داخل شهر، که روسها از آن عبور و مرور میکنند پسته های عساکر شوروی حاضر بوده و از اتباع خود حفاظت میکند همچنان در سر هر چارراهی و عمارات مهم وسایط زره پوش به نظر میخورد.

دریور تاکسی ایکه مرا بهوتلم میرسانید برایم گفت: «روز بروز کارو بارما مشکلتر شده می رود، توریستها نمی آیند و بازار کارما کساد شده، بهتر است روس ها هرچه زودتر بوطن خود برگردند» وی در صحبت خردی واهمه وترس اما بامباهات برایم گفت که دو روز قبل در ملای عام سه نفر روسی کشته شدند. پسران خورد سال، چینیکه اتباع روسی از مقابل شان میگذرند باحرکات کلک شان بالای گلو عقیده خود را اظهار میدارند.

۱۵-۳-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیماینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

- عساکر شوروی در افغانستان مجبورند به تنهایی بجنگند

۳ - به قیام کنندگان آزادی کمک کافی نمیرسد

گوینتر گلیسن Guenther Gillessen نویسنده مضمون:

قوای اشغالگر اتحاد شوروی مجبور گردیده به تنهایی تمام فشار جنگ را در برابر مبارزین آزادیخواه افغانی بدوش گیرد. اردوی ۱۱۰۰۰۰ نفر افغانی که قبلاً در قشله های عسکری برای دفاع از کشورشان تربیت شده بودند امروز نمیتوان از آنها طور موثر استفاده کرد. در اثر فرار از خدمت عسکری تقریباً این کتله به ۳۰۰۰۰ نفر تقلیل یافته که باین تعداد قلیل هم نمیتوان اعتماد کافی داشت.

جنرالان روسی در افغانستان طوری برنامه ریزی کرده بودند که جهت قلع و قمع مبارزین افغانی از نیروی اردوی افغانی در صرف اول استفاده کرده و در صورتیکه قوای مبارزین بالای شان غلبه کنند، عساکر شوروی مراقب احوال بوده و بکمک شان بشتابند عملاً سهم بگیرند. مگر این فرضیه نسبت فرار قوای نظامی و پیوستن آنها با مخالفین رژیم، نقش بر آب گردیده و پلانگذاران روسی مجبور گردیدند تا بدیلی برای آن بیابند.

قرار راپورهای واصله قوای هوایی افغانی اصلاً وجود نداشته و طیاره های قوای عسکری افغانی برای بمباردمان مناطق تحت اشتباه توسط پیلوتهای روسی عملیات میکنند.

در این مدت سه ماه، بعد از اشغال نظامی افغانستان توسط قوای اتحاد شوروی نشانه ای از بین بردن قوای آزادیخواهان افغانی مشهود نیست بقول خبرنگاران غربی در هفته گذشته قوای شوروی جبهه بزرگ عملیات جنگ را، که وسایط زهدار با هیلوکوپترهای گن شپ در آن سهم داشتند، در برابر مبارزین آزادی خواه در دره کنر باز کرده و شاهراه کابل - کوتل خیبر مسدود گردیده است.

مبصرین نظامی عقیده دارند، مسلمانان آزادیخواه افغان به قلت و کمبود سلاح و مهمات بیشتر مواجه گردیده، از اینرو سعی میورزند تا در جنگهای جبهه ای با قوای شوروی روبرو نشوند.

حکومت پاکستان بنا بر مشکلات داخلی خود وضعی که در کشور موجود است سعی می کند

برای ماسکو امکان ترتیب بهانه ای را ندهد که پاکستان را متهم بکمک کردن آزادیخواهان گرداند.

از قول خبرنگاران غربی حکومت چین در اثرتماسهائیکه بامجاهدین برقرار کرده حاضر است تا مقدار کافی سلاح ومهمات برای شان تهیه کند، لیکن حکومت پاکستان از بیم توییح اتحاد شوروی مانع آن گردیده که حکومت چین برای مبارزین افغانی در قلمرو پاکستان کمک برساند مبارزین مسلمان افغانی خصوصاً از کمبود سلاح ومهمات یورشی ووسایل دافع هوا شکایت دارند.

مبصرین نظامی کشورهای غربی عقیده دارند که مقاومت سرسخت مبارزین آزادیخواه افغانی باعث تشدید قوای شوروی گردیده، طوری می نماید که اتحاد شوروی در نظر ندارد قوای اشغالگر نظامی خود را از این کشور بیرون بکشد، بلکه پلان اقامت طولانی تری را در نظر دارند. همچنان ازمدمتی است مهندسین روسی وکارگران تعمیرات درساختمان وسیع پروژه های منازل رهایشی و اعمار مراکز وسیستم های مخابراتی مصروف اند.

بقول ناظرین غربی، بدون تردید، تاحال ۸۰۰۰۰ نفر از قوای نظامی شوروی داخل خاک افغانستان گردیده ودر حدود ۳۰۰۰۰ نفر دیگر در پایگاههای سرحدی شوروی ترتیبات داخل شدن در این کشور را میگیرند اما درباره چگونگی ساختمان تهاجمی قوای شوروی در افغانستان معلومات موثق بدست آمده نمیتواند. تاجائیکه بمشاهده می رسد دوفرقه پیاده، تقریباً ۳۰۰۰۰ عسکر، در غرب افغانستان و یک فرقه در حومه شهر هرات و یک فرقه دیگر آن در جنوب ولایت هرات بر حلقه شاهراه ها متمرکز شده اند. علاوه بر این قوا، سه فرقه دیگر قوای شوروی در شرق افغانستان در برابر کشور پاکستان در امتداد سرحد جنوب غربی تا حوالی قندهار در حال آماده باش هستند. همچنان تعدادی از یونیت های قوای هوایی شوروی در جنوب وجنوب غرب کشور عملیات میکنند که مجموع آن تقریباً ماهیت یک فرقه قوای هوایی را داراست. به این اساس می توان ادعا کرد که در افغانستان تقریباً هفت فرقه از اردوی شوروی موجود بوده ودر جنگهای داخلی آن کشور شرکت دارند.

برعلاوه این قشون داخل افغانستان، دوفرقه موتورریزه در شهرهای سرحد شوروی آماده جنگ وفعال است که در صورت لزوم از داخل خاک شوروی عملیات کند، همانطوریکه فعلاً یک تعدادی هیلوکوپترهای مربوط قوای هوایی اردوی افغانستان از میدانهای هوایی شوروی

پرواز کرده و بعد از بمباردمان در داخل خاک افغانستان دوباره به آنجا مراجعت میکنند. در دسپلین مشکلی به مشاهده نمیرسد:

بعقیده ناظرین سیاسی و نظامی تعداد زیادی از انتشارات اخیر جهانی درباره وضع داخلی قوای شوروی در افغانستان بی اساس بوده و هیچ استنادی درباره تعویض قوای شوروی از سکنه جمهوریت های مسلمان آسیای مرکزی با عساکر روسی نژاد بدست نیامده و بدون تردید میتوان گفت که قوای شوروی در افغانستان هیچنوع مشکلات از ناحیه دسپلین عسکری ندارد همچنان در میان افسران روسی و عساکر مادون شان که اتباع جمهوریت های اسلامی شوروی می باشند کدام مشکلی مشاهده نرسیده است.

در این اواخر از بعضی منابع خبررسانی راپورهای درباره سهیم بودن قوای عسکری آلمان شرقی در جنگهای افغانستان انتشار یافته که به آسانی میتوان این ادعا را نیز رد کرد همچنان استعمال گازهای زهر دار و بمبهای کیمیای را برضد مبارزین افغانی میتوان یک موضوع قابل مناقشه قلمداد کرد.

منابع استخبارات نظامی جهان غرب توسط وسایل دست داشته خود می دانند که اردوی اتحاد شوروی در دیپوهای اختصاصی خود بمب های کیمیای را انبار کرده اند و اگر خواسته باشند میتوانند از آن استفاده کنند، لیکن اتحاد شوروی در سال ۱۹۲۵ در کنوانسیون ژنیو با امضای این سند معتبر جهانی تعهد کرده که در جنگ ها از بمب های کیمیای بخیث سلاح کشنده استفاده نمیکند. و این هم قابل سوال است که چرا اتحاد شوروی با وجود داشتن وسایل کشنده دیگر جنگی از این موافقتنامه تخطی کند و خود را ملامت جهانیان قرار دهد از طرف دیگر فراموش نباید کرد که اسناد موثق بدسترس منابع خبررسانی رسیده است که قوای هوایی اتحاد شوروی در افغانستان از بمبهای چره دار استفاده میکند و شوروی نمیتواند از این عمل ناروای خود انکار کند.

چنان مینماید که مشکلات لوژستیکی هفته های اول اردوی شوروی رفع گردیده و فعلاً عساکر شوروی بقلت مواد ارتزاقی مواجه نمیشوند عساکر مجهز اردوی شوروی کنترل شاهراه شمال افغانستان را بدست دارند و ترانسپورت مواد مورد ضرورت با بدرقه وسایل زره پوش و هیلوکوپترهای زره دارحمایه شده، و بمرجع اصلی آن رسانیده میشود.

درباره کشته شدگان عساکر قوای شوروی نمیتوان سند موثقی بدست آورد. صرف از چشمدید

بعضی اشخاص و بیرویت مراجعین درشفاخانه های سیارورفت و آمد وسایل نقلیه در این مراکز، میتوان تعداد کشته شده گان و زخمی های جنگ را تخمین کرد و تاجائیکه شواهد نشان می دهد احتمال دارد تا حال در حدود ۵۰۰۰ روسی کشته و یا زخمی شده باشند. باوجود اینکه این رقم در مطالعه اولی آنقدرها زیاد نمیباشد، اما با آنها باید حایز اهمیت کافی بوده باشد که توانسته در جامعه شوروی و منابع مسئول دولتی طور مستقیم تاثیر انداخته و نگرانی خلق کند.

تا امروز وزارت دفاع شوروی درباره ضایعات جنگ در افغانستان کمتر معلومات میدهد و میکوشد تا مطالب مربوط به بحران افغانستان را طوری تحویل دهد که گویا در این کشور اصلاً جنگی وجود ندارد و حکومت شوروی در نظر ندارد تاجزوتام های اردوی اشغالگر خود را باکسان دیگری از داخل کشور تعویض کند، زیرا حکومت آرزو ندارد شواهد عینی از جبهات جنگ داخل افغانستان در اتحاد شوروی زیاد شده و باعث ایجاد سر و صدا در باره این جنگ شود.

در کدر تصمیم گیری کشورهای غربی هم تحرکهای به مشاهده می رسد. در صورت پیشروی اتحاد شوروی به اهداف دیگر غافلگیر نشوند در این اواخر قوای بحری ایالات متحده امریکا و فرانسه هر کدام سه عدد کشتی های جنگی، مجهز با تمام وسایل رزمی بیشتر، خود را در برهند فرستاده و قوای موجوده خود را تقویه کرده اند.

از طرف دیگر اتحاد شوروی نیز سه کشتی جنگی را به منطقه سوق داده که به این اساس اتحاد شوروی مجموعاً ۳۴ عدد کشتی، از جمله دو عدد راکت انداز نوع کلاس کریستا، یازده عدد از نوع مخرب و فریگات، چار عدد تحت البحری و هفده عدد کشتیهای لوژستیک در آبهای بحرالهند موجود دارد.

در مقابل این زور آزمایی روسها در آب های بحرالهند، قوای بحری ایالات متحده امریکا مجموعاً ۲۹ عدد کشتی، از جمله دو عدد کشتی طیاره بردار، سه عدد راکت انداز، دوازده عدد مخرب و یا فریگات آماده دارند و همچنان از جزیره گوام در بحر هند بصوب مرکز فلیت امریکادر جزیره ای مربوط به انگلستان، دیوگراسیا، چار عدد کشتی امریکایی با ۱۸۰۰ نفر مارین انفانتری (قوای بحری امریکا) در حال حرکت است.

قوای بحری فرانسه بیشترین تعداد قوای بحری خود را در بحر هند در حال آماده باش دارد

که مجموعاً یازده عدد کشتی، از جمله ۹ عدد کشتی های جنگی (مغرب و یافریگات) و دو کشتی لوژستیک میباشد.

تقویت فلیتهای شوروی از مجموعه فلیت بحری اوقیانوس آرام (بحرالکاهل) که مرکز آن در ویلادیوستوک است و ایالات متحده امریکا از قوای بحری فلیت ششم (بحیره مدیترانه) و قوای بحری فلیت هفتم (پاسیفیک) و از فرانسه از فلیت مدیترانه، صورت گرفته است.

۲-۳-۱۹۸۰ هامبورگر آندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

حین انفجار راکت ها ابر سبز رنگ مایل به سیاه فوران میکرد:

راپور شاهد عینی از حمله شوروی در افغانستان:

راپورتر والتر میلر WALTER W. MILLER:

در افغانستان جنگ دوام دارد، اما سلاح قوای اشغالگر شوروی و مبارزین اسلامی باهم تفاوت دارند. صحبتهایی با قوماندان عبدالسلام در سه کیلومتری کامه در داخل يك مغاره داشتم. قوماندان عبدالسلام، مرد تقریباً ۳۰ ساله، که در راس يك گروپ کوچک مبارزین اسلامی قرار دارد و خود از اهالی شهر کوچک کامه میباشد ضمن این صحبتی اظهار داشت: ما بر سفره طعام چاشت نشسته بودیم که دفعتاً هیلوکوپتری در فضا پیدا شد و برما راکت پرتاب کرد، این راکت قبل از آنکه به زمین اصابت کند در هوا منفجر شد و لحظه ای بعد در هوا ابری بزرگ سبز مایل به سیاه و متعفن پیدا شد که در اثر تنفس آن بخواب عمیقی فرورفتیم و بعد از چندین ساعت وقتی از بیحالی بیدار شدیم همهء ما مبتلا به قی و اسهال شده بودیم. وی اضافه کرد ما خدای خود را سپاسگذاریم که در روز پرتاب این بمب، باد شدیدی می وزید ابر زهردار نتوانست روی زمین نشسته و همه را هلاک کند.

این اظهارات عبدالسلام از طرف کدام منبع رسمی بیطرف تصدیق نگردیده اما راپور استعمال گاز زهردار از طرف يك تعداد مهاجرین افغانی در پاکستان تصدیق شده است.

۲۴-۳-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

ببرک کارمل: « حفیظ الله امین از اتحاد شوروی درخواست کرده که عساکر خود را به

افغانستان بفرستد »

پراگ ۳ مارچ (دی پی ای): رئیس جمهور و رهبر حزب، دست نشانده ماسکو در افغانستان، ببرک کارمل، ضمن ایراد بیانیه ای در برابر عساکر افغانی و شوروی درباره درخواست امین از اتحاد شوروی توضیحات داد. اظهارات کارمل در یکی از روزنامه های چکوسلواکی تحت عنوان «پروپلم های صلح و سوسیالیزم» نشر گردیده و تذکر میدهد که:

«بعد از آنکه امین قدرت را بدست آورد، اقدام به پاک کاری اردو از عناصر مخالف خود کرده و با اینوسیله در نظر داشت که قوای انقلابی کشور را از بین ببرد، از طرف دیگری از آن بیم داشت در اثر تضعیف اردو، در برابر قیام مردم تاب نیآورده و هم مخالفین رژیم، با همدستی اجیران خارجی، اقدام بخرابکاری بیشتر کنند. لذا امین مجبور گردید تا برای حفظ و بقای خود و همچنان نجات کشور از دوست حقیقی افغانستان، اتحاد شوروی درخواست کند تا عساکر خود را به افغانستان داخل کند.

قشون سرخ شوروی در برابر زنان و اطفال افغان از بمبهای ناپالم کار میگیرند:

دهلی جدید/ تهران ، Ap/rtr/ddp

به اساس راپور منتشره در دهلی جدید در اثر بمباردهمان قوای اشغالگر شوروی در لغمان، ولایت شرقی افغانستان، بیش از پنج هزار نفر کشته شده، قرار اظهار یک نفر از شاهدان عینی درین کشته شدگان اکثر آنها پیر مردان، زنان و اطفال آن منطقه میباشند و جنگها هنوز هم با عین شدت در منطقه جریان دارد و قوای شوروی در برابر اهالی بیدفاع این ناحیه از بمب های ناپالم کار گرفته است. وی علاوه کرد که در آغاز جنگ هیلوکوپترهای زره دار شوروی بالای شهر میترلام، مرکز ولایت لغمان، باراکتباری و آتشباری مسلسل حمله کرده و بعد از پراگنده شدن قوای آزادیخواهان، قوای شوروی توسط پرتاب بمبهای ناپالم بعضی مناطق شهر را با آتش کشیدند.

روز شنبه وزارت خارجه ایران در تهران اعلامیه ای نشر کرد که مطالب مهم آن ذیلأ توضیح میگردد:

اتحاد شوروی و ایران بتوافق رسیده اند که حل قضیه افغانستان باید از طریق صلح ممکن گردد و «جهت توضیح جریانات و برای جلوگیری بیشتر از سوء تفاهات» باید امکانات مذاکرات رویارویی میسر باشد. در اعلامیه تذکر رفته که: «ایجاب میکند تا هرچه زودتر در مورد بحران منطقوی مذاکرات جدی آغاز شده و در حلقه کشورهای همسایه راه حل آن جستجو گردد.»

همچنان در این پروسه بایست نمایندگان حکومت افغانستان و اتحاد شوروی طور مستقیم شامل باشند، زیرا بدون سهمگیری این دو کشور مخصوصاً نماینده حکومت افغانستان راه حلی بدست آمده نمیتواند.

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین بعد از توقف سه روزه در دهلی جدید و مذاکرات با اندیرا گاندی صدراعظم هند، درباره منطقه و بحران افغانستان، هند را ترک گفت. در ختم مذاکرات اعلامیه ای نشر گردید که در آن حل قضیه افغانستان را از راه دیپلوماسی تقاضا کرده و همچنان درباره تقویه نظامی بعضی از کشورهای این منطقه انتقاد شده است.

جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا معتقد است روابط بین امریکا و اتحاد شوروی، بعد از آنکه اتحاد شوروی قوای نظامی خود را از افغانستان خارج کند، دوباره بحال عادی بر میگردد. جیمی کارتر ضمن مصاحبه ای با روزنامه واشنگتن پست اظهار داشت که وی آرزو ندارد بین شوروی و امریکا آتش جنگ مشتعل گردد اما وی این را نیز نمیخواهد که تجاوز عسکری شوروی را در افغانستان بحیث یک عمل بازنگشتنی قبول کند.

ویلی براندت، رهبر حزب سوسیالیست آلمان ضمن مصاحبه ای با هفته نامه در قاهره «اخبار الیوم»، اظهار داشت: وی معتقد است اتحاد شوروی رامیتوان با تحریم اقتصادی مجبور به بیرون کشیدن قوای آن کشور از افغانستان ساخت.

اپریل

ACKU

۸-۴-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

ماسکو و کابل قرارداد احداث پایگاه های نظامی شوروی را در افغانستان تصدیق کردند. بدین اساس موجودیت اردوی شوروی در کشور شکل رسمی را بخود گرفته و راه «حل» پیدا کرده و لیکن محتوی متن قرارداد نشر نگردیده است.

ماسکو: ۷ اپریل:

در عین زمان در ماسکو و کابل قرارداد دوصفحه ای در مورد توقف موقت اردوی محدود شوروی در کشور جمهوریت دیموکراتیک افغانستان بامضاء رسید. این مطلب را در اخیر هفته آژانس خبرسانی رسمی تاس نشر کرد و راپور داد این موافقه نامه از طرف هیئت رئیسه اتحاد شوروی تصدیق شده است.

تا روز دوشنبه درباره چگونگی و متن این موافقتنامه معلوماتی بدست آمده نتوانست و واضح شده نتوانست این موافقتنامه بکدام تاریخ و از طرف کدام اشخاص بامضاء رسیده و همچنان درباره شرایط توقف اردوی شوروی در افغانستان، که در اخیر دسامبر سال گذشته باین کشور داخل شده، معلوماتی بدست آمده نتوانست.

نشر این خبر در یک سطر روزنامه گنجانیده شده و بار اول است یک منبع رسمی اتحاد شوروی درباره وجود چنین موافقتنامه ای صحبت می کند.

ماسکو از نیمه ماه مارچ باینطرف در صد است تا مشروعیت گردانیدن توقف اردوی خود را در افغانستان در اذهان جهانیان باثبات رساند و از اینرو شوروی سعی میوزد تا «ثبوت حق» تجاوز نظامی خود را در افغانستان با اساس امضای معاهده دوستی دسامبر ۱۹۷۸ بین دو کشور و اشاره به ماده ۳۱ منشور ملل متحد (حق دفاع) بنیان گذاری کند.

بعد از امضای معاهده دوستی بین سران دو کشور در دسامبر سال گذشته در ماسکو که زیر عنوان «بازدید دوستانه رسمی» یاد میشود، از ملاقات وزیر خارجه افغانستان شاه محمد دوست و گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی تذکر رفته و در این ملاقات بین شاه محمد دوست و گرومیکو در مورد چگونگی کمکهای نظامی و همچنان درباره «سوالمهای عملی پیاده کردن این توافقات» تبادل افکار صورت گرفته است، احتمال می رود این مذاکرات داخل پروتوکولی قید گردیده که در اخیر سند «قرارداد دوستی» اضافه شده و بدینوسیله جنبه حقوقی این عملیه را در متن داشته

باشد.

در گذشته نیز چنین تعامل بود زمانیکه اتحاد شوروی تصمیم میگرفت به یکی از کشورهای تجاوز نظامی کند، قبل از آن با سران «دول دوست» این نوع معاهدات را امضاء میکرد. این طرز العمل را میتوان بطور نمونه و تجاوز قوای شوروی به آلمان شرق و مجارستان یاد کرد. قابل یاد آور است که بعد از آنکه قوای نظامی شوروی در سال ۱۹۶۸ به پراگ (چکوسلواکیا) داخل شد. از عین فورمول که امروز در تجاوز نظامی به افغانستان استفاده میشود، و فورمول «شرایط توقف مدت محدود اردوی شوروی در آن کشور نیز در افغانستان تطبیق شده است. برای اینکه اتحاد شوروی حق مداخله نظامی را داشته باشد در چوکات توافقات کشورهای داخل پکت نظامی وارسا (پولند)، زیر عنوان «کمکهای برادرانه» این مطلب را قایم بندی کرده و شرایط مداخلات نظامی آنوقت بعداً در ماه می ۱۹۷۰ با امضای توافق نامه جدیدی شکل حقوقی پیدا کرده و باروحیه «دکتورین بریژنف» مبنی بر «دستیابی به ارزشهای علیای سوسیالیستی یک کشور و دفاع از این دست آورد یکی از وظایف دسته جمعی کشورهای سوسیالیستی» شمرده میشود محکم بندی گردیده است.

۱۴-۴-۱۹۸۰ هامبورگر ایندبلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

ایالات متحده امریکا تصمیم خود را گرفت و اعلام داشت :

«سپورت مین های امریکایی در بازیهای اولمپیا ماسکو سهم نمی گیرند».

کارتر: از متحدین اروپایی خود آرزوی همبستگی جدی را دارد

اروپا در تعهدات خود تا کدام حد وفادار است؟

همه منتظر به فیصله کمیته ملی اولمپیا آلمان غرب می باشند.

کلورا دوسپیرنگز/ماسکو/ بن dpa/ap :

ماسکو نسبت اتخاذ تصمیم کمیته ملی اولمپیا ایالات متحده امریکا مبنی بر اینکه

سپورت مین های امریکایی در بازی های اولمپیا تابستانی در ماسکو شرکت نخواهد کرد،

عکس العمل شدیدی از خود نشان داد.

راديو ماسکو از رئیس جمهور کارتر شکایت کرد که وی خواسته های خود را « با فشارهای

بیرحمانه» به سپورت مین های امریکایی تحمیل کرده و در «یک کشور آزاد مانند امریکا» حکومت قدرت آنرا دارد تا «از تمام وسایل دست داشته استفاده کرده و اجرات خود را شکل قانونی داده و از حدود قانون تجاوز کند».

رادیو ماسکو درباره اشغال افغانستان در رابطه با این موضوع یادی نکرد، که این تصمیم امریکا بنا بر تجاوز و اشغال عریان قوای شوروی به یک کشور همسایه صورت گرفته است. اکثر اعضای کمیته های اولمپیک اروپایی انتظار دارند تا آلمان غرب هرچه زودتر نتیجه تصمیم خود را اعلان کند.

۱۶-۴-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

افغانستان افسانه های حماسی شکست ناپذیری قشون سرخ شوروی را درهم شکست. اهالی شهر کابل روس ها را «خوک ها» مینامند / راپرتر توماس رس Thomas Ross از کابل: «خوک ها آمدند» صدای یک دکاندار شهر از بین دندان هایش بیرون میآید و سیمایش منجمد میشود و چهار نفر روس موی زرد با لباس ملکی داخل دکان میشوند و در عین زمان چند عسکر روسی بایونیفورم به تعقیب آنها داخل دکان شده و امتعه دکان را از نظر گذشتانده و خارج میشوند.

چهار نفر اولی به امتعه دکان بیشتر علاقه میگیرند و چند پارچه زیورات را بدست گرفته ته و بالا کرده و درباره قیمت آن چانه می زنند. مالک دکان با اشاره برای شان تفهیم میکند که یک افغانی هم از قیمت کم نمی شود. روسها چون این وضع را مبینند از دکان خارج میشوند. هنوز پایشان از دکان بیرون نشده که بار دیگر مالک دکان با صدای بلندتر «این خوک ها» گفته روی خود را میگرداند.

افغان ها بندرت روسها را بغیر از «خوکها» بنام دیگری یاد میکنند و بعضاً از روی ترحم آنها را «خوکهای بیچاره» مینامند.

دشمنی با یک ملت جانباز و خدا پرست

روسها جنگ های تن به تن با مبارزین مسلمان افغانی را که شاید یکی از بهترین اشکال جنگهای گوریلابی در جهان باشد به عساکر رژیم افغانی وا گذاشته و خود تهیه کمکهای تخیلی و نظامی را بعهده گرفته و دسترس آنها میگذارد. اگر ماسکو ستراتیژی فعلی خود را

بررسی نکند و تغییریری در آن وارد نکند یقیناً این جنگهای گوریلابی سالهای متوالی را دربر خواهد گرفت.

ملت افغان طلسم شجاعت افسانوی قشون سرخ شوروی را ناپود کرده و آنرا مورد سوال قرار داده است، همچنان دسپلین نظامی اردوی شوروی که جنرالان روس به آن افتخار میکردند، شکل بدی بخود گرفته است زیرا عساکر اردوی شوروی هرجنسی را که برای شان توزیع میگردد آنرا در بازار شهر بفروش می رسانند امروز در بازار کابل می توان موزه های چرمی عسکری، عینک آفتابی، کلاه عسکری، کمربند و قطیهای کنزرو مواد ارتزاقی روسی را به نرخ ارزان بدست آورده حتی بعضی از آنها تفنگچه و بطرول موترهای خود را نیز بی بازار عرضه میدارند.

جنگ و مقاومت مردم افغانستان نزد عساکر اشغالگر شوروی و شاید نزد رهبران شان در ماسکو، که دشمنی يك ملت آزاد یخواه را برای روسها بار آورده سوال های چند مجهوله، زیادی خلق کرده باشد.

۱۷-۴-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

يك علامت انعطاف پذیری از جانب ماسکو

سران کشورهای جهان غرب دعوت هلموت شمیدت را تحت مطالعه قراردادند
بن ۱۷ اپریل:

امروز که کششهای سیاسی بین شرق و غرب، نسبت اشغال افغانستان توسط اردوی شوروی، اوج گرفته، از جانب ماسکو نشانه ای جدید سیاسی بسوی بن به مشاهده میرسد و ناظرین سیاسی از پایتخت های کشورهای غربی برای تحلیل و توضیح این دعوت دست بکار شده اند.

سفر هلموت شمیدت، صدراعظم آلمان غرب، به ماسکو در نیمه ماه جون امسال در نظر گرفته شده و سیمونیوف سفیر کبیر اتحاد شوروی در بن، تاریخ سفر صدراعظم را به مقامات آلمان پیشنهاد کرده و حکومت فدرالی آلمان در نظر دارد، قبل از آنکه جواب دعوت سرمنشی حزب کمونیست شوروی، لیونید بریژنف، را به ماسکو ابلاغ کند در این مورد با سران کشورهای متحدین غربی مشوره و تبادل افکار کند.

رهبر فراکسیون CSU در پارلمان، فریدریش سیمرمن Friedrich Zimmermann در زمینه

اظهارداشت که ماسکو از سیاست وفارمول «کلچه شیرین و قمچین» استفاده میکند و او لازم نمی بیند که هلموت شمیدت در این وقت حساس به ماسکو سفر کند.

همچنان فلیپ ینگر Philip Jenninger مدیر عامل فراکسیون CDU/CSU درباره سفر کانسلر آلمان به ماسکو اظهارداشت: در صورتیکه صدراعظم آلمان به نمایندگی از سران کشورهای غربی به ماسکو سفر کند، یک سفر با ارزش می باشد. بهر صورت صدراعظم آلمان باید در مذاکرات خود با سران کرملین در ماسکو بوضاحت کامل بگوید که در سیاست آلمان غرب بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی (راه سومی) وجود ندارد.

۲۵-۴-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

قوای شوروی شهر هرات را کلاً محاصره کرد

دهلی جدید - ۱ اف پی AFP :

بحواله آژانس خبررسانی هند پ ت آی عساکر شوروی شهر هرات را محاصره کرده و والی هرات را بر طرف و بازداشت کرده اند.

همچنان یک مامور برجسته وزارت خارجه آمریکا اظهارداشت، که مجاهدین به میدان هوایی بگرام حمله کرده که در نتیجه آن ۵۰ عسکر شوروی کشته شده و هم یک تعداد از طیارات جنگی شان طعمه حریق گردیده.

آژانس خبررسانی پاکستان پی بی آی را پور میدهد که در هفته گذشته در زد و خورد عساکر روسی و افغانی در قشله جلال آباد ۶۰ نفر کشته شده.

۲۷-۴-۱۹۸۰ :

(یاد آوری خوانندگان محترم توجه خواهند کرد امروز سالگرد بقدرت رسیدن کمونیستها با همکاری اتحاد شوروی، سرآغاز بدبختی ها، در وطن ما افغانستان است. لیکن در اینبار کمترین خبرنگار شده است زیرا امروز صفحات اول روزنامه ها با عناوین درشت درباره مطلب مهم دیگری اختصاص داده شده که موضوع افغانستان را در این مقطع تاریخ تحت الشعاع قرار داده است و این خبر، خبر آزاد ساختن گروگانهای آمریکایی در تهران می باشد. مولف)

۲۶-۴-۱۹۸۰ هامبورگر ایندیلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

خلاصه راپورها در باره گروگانهای آمریکایی در تهران :

کشته شدگان آمریکایی در ایران

شکست مفتضحانه امریکائیه در حمله صحرائی
 ۲۶-۴-۱۹۸۰ واشنگتن / پاریس / تهران SAD/dpa/ap :

برای جیمی کارتر رئیس جمهور و ملت امریکا روز جمعه نحسی بود، يك تهاجم کوماندوی امریکایی در ایران ناکام گردید. این حمله جهت سرزنش ایران برنامه ریزی نشده بلکه تلاش يك ابرقدرت راهنگام ضعف برای نجات ۵۳ نفر اتباع امریکایی که از ۴ نومبر ۱۹۷۹ باینطرف در حالت گروگانی بسر میبرند، تخصیص داده شده بود.

این اقدام بروزیکصد و هفتاد و پنجم تجدید روزگروگان گرفته شدن امریکایی ها بناکامی منجر گردید. در صفحه دیگر روزنامه عنوان دیگری جلب توجه میکند که عبارت است از:

جیمی کارتر اظهار داشت که: « من شخصاً مسئول این فاجعه هستم ».

در عین صفحه کاریکاتوری در رابطه باحمله ناکام امریکا در ایران نشر گردیده که از نظر خوانندگان گزارش مییابد.



« اتحاد شوروی باشدید ترین لحن پامال کردن حقوق بین المللی را توسط امریکا تقبیح میکند »
 روز ۲۸ اپریل سایروس وانس وزیر خارجه ایالات متحده از وظیفه اش استعفا کرد و تاریخ ۴ می سناتور ادوارد مسکی بحیث وزیر خارجه امریکا تعیین گردید .

می

ACKU

۲-۵-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

سلسله مظاهرات بر علیه عساکر شوروی خاتمه نمی یابد:

فرانکفورت/ دهلی جدید dpa/ap/ASD :

روسها در افغانستان در تله گیر مانده

در آغاز تجاوز نظامی، اتحاد شوروی مقاومت مردم افغان را که اساس آن بروطندوستی، آزادی و اعتقاد باسلام استوار است با نظر حقارت نگرستند اما امروز روسها با ریختاندن خون ملت خود بهای این خطای بزرگ تاریخی خود را می پردازند.

باساس تخمین منابع استخباراتی ایالات متحده امریکا، قوای اتحاد شوروی در جریان سه ماه بعد از تجاوز در افغانستان تقریباً ۲۰۰۰ کشته داده و بیش از ۶۰۰ نفر زخمی شده اند.

قرار اطلاع واصله در این اواخر بار دیگر مظاهرات شدیدی برضد قوای شوروی در کابل صورت گرفته که بیشتر شرکت کنندگان در آن مربوط شاگردان مکاتب شهری بوده که در اثر برخورد باقوای شوروی و امنیتی کابل اقلأ ۵۷ نفر از جوانان کشته و بیش از ۱۰۰ نفر زخمی شده اند.

۳-۵-۱۹۸۰ در شفاخانه ۴۰۰ بستر کابل:

پارچه شعری از شخصیت ملی افغان سید شمس الدین مجروح که در بستر مرضی سروده

دا می حال دی

پلار او مورخومی اوس نشسته په دنیا کښی
 چه می ونیسی په غیبر کښی یا په خوا کښی
 شین چمن ز ما وطن وو ما کوره جوړ
 د بلبل په شانې جاله د گل خوا کښی
 ماوی مـوردی ده کبه پلاز دی دا وطن دی
 خپل بچی درنه چاپیری دی شاوخوا کښی

عشق او مینه عواطف دی تول ددوی کوره
 داگلشن وطن جنت دی په دنیـاکـنبی
 شه آفت په چمن پیش شونه پوهیـبرم
 چه شاهین، کـرگس پیدا شو په هوا کنبی
 هم بدرنگه غـتـه ایره باغ ته راغله
 دپخومـیـوخـورو په تمنا کنبی
 غـرخنی ووکـه، وری ووکـه، سـری وو
 پت او ورک شول تول په کنده په صحر اکنبی
 زمـادجـالی وری لوی مرغی واره
 شـوی تروری تری تم شـوی په هوا کنبی
 ورور له وروره او مین له خـپـله یاره
 سـره بیل اوبیگانه شـول واویلا کنبی
 جـالی وراتی ملک پردی او باغ بالا شـو
 دخان واک هم پیدا نه شـولو هیچاکنبی
 دتودی مینی کانون سینو کنبی سور شو
 او ایری سپرغی شـوی محوه په هوا کنبی
 هدیره دارمـانـونـوشـولو زرونه
 تولی هیلی شـولی سخی زیارت گاه کنبی
 شه اوس پوښتی ته له ماچه حال شه دی
 نه یم خـوی دچانه پلار اوس په دنیـاکـنبی
 نه قوت را کنبی دجنگ شـته نه، دتیبستی
 منزوی شم زه، اوس کـومـه پناگاه کنبی
 ژوند کنبی خوند نه شـته او مرگ هم راخنی پت دی
 زه اختـه یم اوس دداسی ژوند بلا کنبی

دوشنبه ۵-۵-۱۹۸۰ هامبورگر آبنډبلاټ Hamburger Abendblatt آلمان غرب: جوزپ بروس تیتو Josip Broz Tito بعد از ۱۱۲ روز بحالت اغما در شفاخانه لیوبلیانا درگذشت.

(پاد آوری: تیتویکی از بنیانگذاران نهضت کشورهای غیرمنسلك بوده در این جنبش در قطار چند شخصیت دیگر جهانی، سردار محمد داود نیز بحیث بنیانگذار این تحرك شناخته شده است. مولف)

۱۶-۵-۱۹۸۰ هامبورگر آبنډبلاټ Hamburger Abendblatt آلمان غرب: امروز خبر لیلام مکتوبی از تزار پیتر کبیر نشر گردیده که برای ما افغانها از نقطه نظر جریان تاریخ منطقه دلچسپ و آموزنده است: مردم افغان از دید تزار روسی بهای تقریبی مکتوب ۵۰۰۰ مارک آلمانی: هامبورگ ۱۶-۵-۱۹۸۰:

کمتر مطالبی در جهان وجود دارد که در تاریخ تکرار نشده باشد و بنحوی از انحا، بشکل مشابهی تکرار می شود.

حوادث امروزی در کشور افغانها و ایرانی ها جهان را بارای تنفس نمیدهد و ۳۶۰ سال قبل نیز مشابه حوادث امروزی اما به شکل دیگری روی صحنه سیاسی بازی شده است. این پروسه توسط پیتر کبیر اول تزار روسیه (۱۶۷۲-۱۷۲۵) در مکتوبی منحیث يك سند تاریخی ثبت گردیده است.

این سند مهم سیاسی که بتاريخ ۲۵ جون ۱۷۲۲ نوشته شده، توسط کمپنی حراج ماربورگ در آلمان غرب بنام ستارگارد بمعرض فروش گذاشته میشود، بهای این سند را تقریباً ۵۰۰۰ مارک آلمانی تخمین کرده اند.

تزار روسی مکتوبی عنوانی سفیر کشورش، ابراموف، در ایران در باره برخوردش با ایرانی ها و افغانها در ۱۷۲۰ چنین نگاشته:

افغانها برضد ایرانی ها احتجاج کرده و ادعا میکنند که شاه ایران در نظر دارد تا توسط يك ارتباط بی بنیاد بنام حمایت از منافع افغانها، کشورشانرا تحت نفوذ ایران در آورد.

تزار روسی پالیسی روسیه را در منطقه توضیح نموده و به سفیر خود امر میکند که چون روسیه در نظر دارد تا چند ایالت بحیره کسپین را تحت کنترل خود درآورد باید قیام کنندگان افغانی سرکوب شوند و همچنان به سفیر خود هدایت میدهد تا با شاه ایران ملاقات کرده و بوی اطمینان دهد در صورتیکه افغان ها باعث ناآرامی در کشور بهم پاشیده ایران گردند، روسیه تضمین میکند که از شاه ایران در برابر افغان ها حمایت کند.

در مکتوب خود تزار نقلاً مینویسد:

« ما اطلاع گرفته ایم در ایران نا آرامی های بزرگی بوجود آمده که حتی اعلیحضرت پادشاه ایران جهت حفاظت خویش در مخفیگاهی پنهان شده است و ما میدانیم که ایران بکمک ضرورت دارد و اطمینان می دهیم که ایران را از شر جمله دشمنان شان رهایی بخشیم. البته در برابر این خدمت و نجات شاه ایران تقاضا میکنیم تا چند ایالت را که در سواحل بحیره کسپین قرار دارند به امپراطوری روسیه تسلیم دهند.

همچنان به شاه ایران تفهیم گردد، اگر شاه با این پیشنهاد موافقه نکند و بگذارد که در کشور نا آرامی دوام کند در آن صورت ترکیه تمام کشور او را به تصرف خود خواهد آورد. و ما آرزو نداریم که چنین رویداد صورت بگیرد. در خاتمه تزار به سفیر روسیه در دربار ایران امر میکند که تمام این مطالب را با صراحت کامل به شاه ایران توضیح و پیشنهاد همکاری ما را تشریح دهد و برایش بفهماند که عدم موافقه با این پیشنهاد به ضرر شان تمام خواهد شد.»

تزار، بدون اینکه انتظار عکس العمل و یا جواب شاه ایران را بکشد، پیشنهاد خود را جامه عمل پوشانیده و در عین سال جهت حمایت تجارت روسیه در مناطق کسپین با یک قوای بزرگ نظامی بر بعضی مناطق در سواحل کسپین حمله کرده و بعد از اشغال آنها را به قلمرو امپراطوری روسی ضمیمه گردانید. با این تهاجم اردوی تزار شهرهای دریند، باکو و ایالات گیلان، مازندران و استرآباد را تحت تصرف خود درآورد.

۱۶-۵-۱۹۸۰ هیرالد تریبون بین المللی نشر پاریس Herald Tribune:

مسکی به پلان حل معضله افغانستان عقیده ندارد

ویانا (اٹریش) ۱۵ ماه می :

وزیر خارجه ایالات متحده امریکا، ایدموند مسکی Edmund Muskie، اولین

مذاکرات خود را با اندری گرومیکو Andrei Gromyko وزیر خارجه اتحاد شوروی آمادگی میگیرد.

وزیر خارجه امریکا در مورد پیشنهاد اخیر اتحاد شوروی در رابطه با بیرون کشیدن قوای نظامی آنکشور از افغانستان شك دارد. متن پیشنهاد وزیر خارجه اتحاد شوروی دیروز از طریق رادیو کابل پخش گردیده است.

وزیر خارجه امریکا اظهار داشت که پلان بیرون کشیدن اردوی شوروی از افغانستان، مخصوصاً در این مقطع زمان بیشتر جنبه تبلیغاتی داشته و بمنظور موثر بودن آن در کنفرانس اسلامی در اسلام آباد میباشد نه اظهار آمادگی به تقاضای امریکا، جهت بیرون کشیدن قوای شوروی از افغانستان.

در نظراست بزودی ممکنه اجلاس «کنفرانس اسلامی» در اسلام آباد دایر گردیده و دربارہ اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی غور شده و تصامیم لازمه اتخاذ گردد، حکومت امریکا که موید دایر شدن این کنفرانس می باشد به هیچ صورت حاضر نیست توسط مداخلات بیگانگان و تبلیغات نادرست آنها از قوت کانفرانس کاسته شود.

وزیر خارجه امریکا حین مواصلت به وینا پایتخت اطریش، جهت سهمگیری در تجلیل پیمان دولت اطریش اظهار داشت که محتوی این پلان بیشتر يك نوع بازی نمایی دارد و نمیتوان آنرا منحيث يك پلان واقعی ارزیابی کرد.

تجاوز اتحاد شوروی در افغانستان و اشغال آن کشور، روابط بین شوروی و امریکا را به پارچه یخی مبدل گردانیده لیکن احتمال دارد که در مذاکرات رویارویی روز ۱۶ می، وزرای خارجه دو ابر قدرت، مسکی از امریکا و گرومیکو از اتحاد شوروی، قدری ملایمتر گردد این اولین بار بعد از تجاوز شوروی به افغانستان است که بین مامورین عالیرتبه دو کشور، ملاقاتی صورت میگیرد.

۱۹-۵-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

ملاقات غیر مترقبه ژسکارو بریژنیف در وارسا (پولند)

وزرای خارجه بازار مشترك اروپایی از عدم مشوره ژسکار با آنها شکایت دارند.

وارسا - ۱۸ می : قرار است امروز، دوشنبه بین ژسکار دیستان Giscard

D.Estaing رئیس جمهور فرانسه و لیونید بریژنیف L.Breschnew رئیس حزب و دولت اتحاد شوروی درحومه وارسا، پایتخت پولند، ملاقاتی صورت گیرد بعد از تجاوز نظامی شوروی به افغانستان، این اولین بار است که یکی از روسای جمهور دول غربی بابریژنیف ملاقات میکند. قرار معلوم ایدوارد گریبگ Gierak رئیس حزب کمونیست پولند امکانات این ملاقات را فراهم کرده است.

در عین زمان وزرای خارجه بازار مشترک اروپایی در مذاکرات نیاپل (یکی از شهرهای ایتالیه) نسبت عدم اشتراك نماینده حکومت فرانسه در این اجلاس از وی انتقاد کردند. حکومت پولند با وجود اینکه از کمکهای کشورهای خارجی برای (قدرتهای ضد انقلاب) در افغانستان انتقاد میکند لیکن تاحال علایمی که بیانگر تائیدش از تجاوز نظامی شوروی به افغانستان شده بتواند دیده نشده است. زیرا پولند عقیده دارد با تجاوز شوروی به افغانستان فلسفه دیتانت در اروپا صدمه دیده و بیم آن میرود که از بین برود.

در صفحه دوم این روزنامه خبر دیگری با عنوان ذیل نشر شده است:
ساختمان بلان دفاعی دسته جمعی کنفرانس وزرای خارجه اسلامی در اسلام آباد

بیانیه ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان

اسلام آباد ۱۸ می (Ap/dpa/Reuter):

وزرای خارجه دول اسلامی در نظر دارند از مهماندار خود پاکستان تقاضا کنند که ترتیبات يك پلان دفاعی دسته جمعی را روی دست بگیرد. این مطلب را روز یکشنبه یکی از اعضای شامل کنفرانس در اسلام آباد اظهار داشت درباره نوع ساختمان و چگونگی این مفکوره نخست کمیته سیاسی پس از بحث و مذاکره مسوده ای را ترتیب دهد و بعد از تصویب توسط اعضای کمیته سیاسی بجمع عمومی کنفرانس ارایه گردد.

این مفکوره و ضرورت بوجود آوردن چنین پلان بعد از ایراد بیانیه جنرال ضیاء الحق بروز شنبه، و در جریان افتتاح مجلس، خلق گردیده است. جنرال ضیاء الحق در بیانیه خود اظهار داشت که وی به تمام کشورهای اسلامی مشوره میدهد تا مخصوصاً در این مقطع زمان متوجه احوال خود بوده و با دفاع از تمامیت و استقلال کشورهای خود نیک بیاندیشند و در باره تجاوزات بیگانه ها و قیام های داخلی در کشور، در اثر مداخلات دست های بیگانه

آماده‌گی دفاع نظامی داشته باشند. وی علاوه کرد که از مفکوره سازمان قوماندانی واحد اردوی کشور های اسلامی طرفداری نمیکند، بلکه بهتراست هرکشور استقلال خود را به تصمیم خود حفظ کند.

ضیاء الحق در آغاز بیانیه خود از شرکت کنندگان اجلاس در کنفرانس وزرای خارجه اسلامی بشدت تقاضا کرد که هرکدام بنوبه خود سعی ورزند تا هرچه زودتر بحران غمناک افغانستان از طرق مسالمت آمیز پایان یابد. وی اضافه کرد که باوجود فیصله های مجمع ملل متحد و تقاضای دسته جمعی اخیر ماه جنوری دول کنفرانس اسلامی مبنی بر بیرون کشیدن قوای نظامی شوروی از افغانستان تغییری در آنکشور بمشاهده نمیرسد و افغانستان نمیتواند بحیث یک کشور مستقل اداره نظام خود را بدست داشته و به نفع اکثریت ملت خود خدمت کند. ساختمان اداری کشور طوربست که هنوز هم هزاران مرد، زن و طفل مجبور می شوند خانه واجاق خود را ترك کرده و به ممالک همسایه پناهنده شوند. ضیاء اظهار داشت که دولت پاکستان باوجود مشکلات بزرگ اقتصادی و کمبودی ها، صرف از روی عواطف بشری و ادای وجایب اسلامی بیش از (۷۵۰۰۰۰) نفر افغان مهاجر را در پاکستان پذیرفته و جنرال ضیاء در بیانیه خود اظهار داشت: بنابراین اهمیت اینکه بحران افغانستان و تأثیر مستقیم آن بر نیم قاره هند در مرحله اولی و در قدم بعدی بر کشورهای اسلامی و در سیاست شرق و غرب جهانی دارد، باید کنفرانس حق اولیت را باین موضوع اختصاص داده و در راس اجندا مورد بحث قرار بگیرد.

در ماه جنوری امسال مدت کمی بعد از تجاوز شوروی در افغانستان وزرای خارجه دول اسلامی در همین شهر گردهم آمده بودند، در آغاز کنفرانس فیصله نمودند تا عضویت افغانستان را در کنفرانس اسلامی بحالت تعلیق قرار دهند و همچنان تا زمانیکه قوای نظامی شوروی از این کشور بیرون نشود باین کشور باب مذاکرات را باز نکنند.

جنرال ضیاء پیشنهاده اخیر بپرک کارمل را نادیده گفته اشاره ای بدان نکرد. قبل از آغاز کنفرانس اسلامی در اسلام آباد، کارمل ضمن پخش يك اعلامیه اظهار داشت: که وی در نظر دارد بیرون کشیدن قوای نظامی شوروی را از کشور در بازی سیاسی شامل کند در صورتیکه پاکستان و ایران تعهد کنند که مخالفین رژیم کابل را کمک نخواهند کرد و همچنان ابر قدرت ها این تعهد را ضمانت نمایند.

قبل بر این حکومت ایران در اوضاع کنونی هرگونه مذاکرات با رژیم کابل را رد کرده است.

مشاور سیاست خارجی جنرال ضیاء، آغاشاهی که در عین وقت ریاست کنفرانس را در اسلام آباد بعهدہ دارد از کشورهای اسلامی تقاضا کرد تا وحدت سرتاسری را در نظر گیرند و اخطار داد که از حمایت کشورهای خارجی کناره گیری کنند. وی اضافه کرد درخواست پشتیبانی و حمایت از کشورهای خارجی باعث میشود تا آله دست یک ابرقدرت و یا ابرقدرت دیگر قرار گرفته و ماهیت یک کشورگروگان را پیدا کند. آغاشاهی از حاضرین مجلس تقاضا کرد که شرکت کنندگان اجلاس کمیته با صلاحیتی را تعیین کنند که تمام جوانب حل بحران افغانستان را تحت مطالعه قرارداد و طرق آنرا دریافت و به مجمع عمومی جلسه پیشنهاد کنند. آغاشاهی بحران افغانستان و قضیه یروشلم را از جمله مطالب مهم و اساسی مورد بحث درین کنفرانس دانسته و علاوه کرد که تحریم موجوده در برابر کشور ایران یک عمل ناجایز بوده و باید از بین برداشته شود همچنان از کشورهاییکه کشتیهای جنگی خود را در آبهای خلیج سواحل ایران اعزام داشته اند تقاضا کرد تا هرچه زودتر کشتیهای خود را از این مناطق بیرون کشیده و به پایگاه های خود برگردانند.

۲۰-۵-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

نتیجه گیری از صحبت ژسکار و بریژنف

روسها در موقف خود انعطاف ناپذیر اند

وارسا/ پاریس - خبرنگار روزنامه dpa-ap :

در مذاکرات سران دو کشور در وارسا کدام روزنه امید پیدا نشد و هم طوریکه بعضی ها بیم داشتند «خیانت بزرگ فرانسه» نیز بمشاهده نرسید.

بعد از آنکه مذاکرات رئیس جمهور فرانسه ژسکار دیستن و رئیس دولت و سرمنشی حزب اتحاد شوروی لیونید بریژنیف در قصر ویلانوف Wilanow در حومه وارشوا خاتمه یافت، مبصرین سیاسی چنین نتیجه گرفتند که در مورد حل بحران افغانستان، ناشی از تجاوز قوای شوروی، نظریات شان از هم فاصله داشته و این فاصله به عین شکل باقی خواهد ماند.

روسها درباره قضیه افغانستان در موقف خود انعطاف پذیر نبوده و بحالت فعلی خود پایدار

میمانند. از طرف دیگر رئیس جمهور فرانسه بخطوط اساسی توصیه و خط مش جنرال دوگول که فرانسه باید در فضایی سیاسی جهانی نظریات خاص مربوط بخود را داشته باشد، وفادار مانده باب مذاکرات رابرای جهان غرب باز کرده است.

قرار اظهار سخنگوی حکومت فرانسه در پاریس، ژسکار دیستن به طرف مقابل خود اخطار داده که چانس نسبی موفقیت سران پکت وارساو، که گردهم آتی آن درین اواخر اعلام گردیده ارتباط مستقیم به رفع تشنجات فعلی جهانی دارد. این اخطار با اشغال نظامی افغانستان و همچنان مانور کشتیهای جنگی روسی در آبهای خلیج ارتباط دارد.

۲۳-۵-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلاٹ Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

کریملین در جستجوی راه حل بحران افغانستان :

لندن / واشنگتن dpa :

در باره این مطلب جان میلر John Miller خبرنگار روزنامه محافظه کار انگلیسی دیلی تلگراف از ماسکو مینگارد که وی عقیده دارد که در جریان چند هفته، اخیر تصمیم گیرندگان سیاسی اتحاد شوروی بامشکلات بس عظیمی مواجه گردیده با هروسیله ممکن می کوشند تا راه حل قضیه افغانستان را پیدا کنند، اما توفیق نیافته اند. ناظرین سیاسی کشورهای غربی با این نظری موافق می باشند.

ستراتیژی رهبران اتحاد شوروی در ماه های اخیر طوری برنامه ریزی گردیده که حوادث افغانستان را با قضیه گروگان های امریکایی در تهران مستقیماً پیوند دهند. مبصرین سیاسی و ناظرین غربی در ماسکو احساس می کنند که اعضای بیروی سیاسی اتحاد شوروی انتظار داشتند که ایالات متحده امریکا بعد ناکامی از رهایی گروگان ها عکس العمل شدیدی از خود نشان داده و به ایران حمله کرده و ایرانی ها را بجزای اعمال شان خواهد رسانید که در این صورت دنیا بیشتر متوجه بحران امریکا و ایران خواهد گردید. لیکن ناظرین غربی، در مورد اینکه اگر امریکا اقدام به چنین عملی میکرد روسها چه نوع عکس العملی از خود نشان میدادند، اظهار نظر نکردند.

لیکن بطور یقین می توان گفت با هر معیار که امریکائیه با اقدامات وسیعتر و شدیدتر

درايران وارد صحنه ميشدند بهمان اندازه برای رهبران شوروی دفاع از تجاوز نظامی شان در افغانستان سهلتر میگردد. اما این امید روسها نقش بر آب گردید و زعمای شوروی تعجب کردند که جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا، بعوض سرزنش ایرانی ها، مسئولیت ناکام شدن پروسه رهایی گروگانهای امریکایی را از ایران شخصاً بعهده گرفت و کدام اقدام دیگری نکرد.

آنچه دربالا از آن صحبت شد، در بین زعمای اتحاد شوروی بعد از بازگشت لیونید بریونف از يك دوره طولانی تعطیل واستراحت درماه اپریل و بازگرفتن امور در کرملین، مشاهده شده میتواند. ناظرین سیاسی غربی در ماسکو از فعالیتهاى وسیع و چشمگیر رهبران شوروی در ماسکو دوچار حیرت شده اند.

سفر لیونید بریونف در مراسم تدفین مارشال تیتوبه یوگوسلاوی و به تعقیب آن بدون ضیاع وقت ملاقات وی با رئیس جمهور فرانسه وهمچنان سهمگیری وی در کنفرانس سران پکت و ارشاور، همه این تپ و تلاشها علایم نشاندهنده نگرانی های وی در قبال بحران افغانستان بوده که سعی میکند تا چهره صدمه دیده سیاسی شوروی را دوباره بحالت اصلی آن برگرداند. قرار اظهار جان میلر، دیپلماتهای کشورهای غربی عقیده دارند که بطور یقین سران اتحاد شوروی انتظار نداشتند پیشنهاد اخیر اتحاد شوروی مبنی بر حل بحران افغانستان از طرف کشورهای غربی جدی تلقی شده مورد قبول قرار گیرد، بلکه طوری مینماید این پیشنهاد شوروی تنها و تنها مفهوم بازکردن « باب مذاکرات را در مورد مذاکرات » داشته باشد و بس. از اینرو مذاکرات اخیر رهبران فرانسه و اتحاد شوروی درپولند، بین حلقات سیاسی ماسکو تنها منجیث بیرون برآمدن از کوجه بن بست ارزیابی میگردد.

در واقع بیلاس تقریبی پنج ماه قبل تجاوز شوروی به افغانستان و اشغال آنکشور تا امروز برای زعمای اتحاد شوروی دردناک است. قرار راپور منابع امریکایی در این مدت قوای اتحاد شوروی وعساکر رژیم بیکر کامل موفق گردیده اند که از جمله ۲۹ ولایات افغانستان تنها شهر کابل ومراکز مهم ۸ ولایت دیگر را در سراسر افغانستان تحت کنترل قوای خود داشته باشند و متباقی آن از حملات آزادیخواهان افغانی مصئون نمیشدند از طرف دیگر تعداد مهاجرین، این کشور ۱۶ میلیونی، در کشور های همسایه افغانستان به يك میلیون نفر تخمین میگردد.

۲۸-۵-۱۹۸۰ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

لوزان - ین sid/ddp :

سپورقین های ۸۵ کشور در اولپمای ماسکو شرکت میکنند و ۳۶ کشور حصه نمیگیرند. کمیته بین المللی اولپیک (IOC) رسماً اعلام داشت که در باژنی های تابستانی اولپمای امسال در ماسکو، از تاریخ ۱۹ جولایی الی ۱۳ اگست، ۸۵ کشور سهم میگیرند که به این اساس تعداد سهمگیرندگان امسال به تناسب بازیهای اولپیک منتریال که ۸۸ کشور در آن شرکت داشتند، کمتر میباشد. در تاریخ بازیهای اولپیا اشتراک ۱۲۲ کشور در مونشن تا امروز ریکارد جهانی را دارا است. لست ۸۵ کشوری که در بازی های اولپیک ماسکو سهم میگیرند:

ایتیوی، افغانستان، الجیری، اندورا، انگولا، استرالیا، بلجیم، پنین، برما، بوتسوانا، برازیل، بلغاریه، کوستریکا، چکوسلواکی، دغمارک، ریپلک دومینیکا، آلمان شرق، ایکوادر، فینلند، فرانسه، گابون، یونان، انگلستان، گواتمالا، گویاینا، کیوبا، هندوستان، عراق، آیرلند، ایسلند، ایتالیا، جامیکا، جوردان، یوگوسلاوی، کامرون، کلومبیا، کانگو، کیوبا، کویت، لاس، لیوتسو، لبنان، لیبیا، لکسمبورگ، مدغاسکر، مالی، مالتا، موریتیوس، مکسیکو، مانگولیا، نیپال، نیکاراگوا، نیجیر، نایجیریا، نیوزیلند، کوریای شمالی، اوپرلتا، اطیش، پاناما، پیرو، پولند، پرتگال، پورتوریکو، رومانیه، سانمارینو، سویدن، سویس، سینیگال، سیشیل، سیرالیونی، سیریلنکا، سورینام، هسپانیسه، سوریه، تانزانیا، ترینیدادوتوباگو، اتحاد شوروی، یوگندا، مجارستان، وینزیویلا، ویتنام، زامبیا، زیمبای، قبرس.

لست ۲۶ کشوری که در بازی های اولپیک ماسکو سهم نمیگیرند:

البانیا، آلمان غربی، عربستان سعودی، ارجنتاین، بحرین، برمودا، بولیویا، جزایر سایمن، کانادا، چیلی، چین، کوریای جنوبی، مصر، ایالات متحده امریکا، گمبیا، هایتی، اوندوراس، هانگ کانگ، اندونیزیا، اسرائیل، جاپان، کینیا، لیشتن شتاین، ملائیزیا، ملاوی، موریتیا، موناکو، ناروی، پاکستان، پاراگوای، فلپین، سینگاپور، تایلند، تونس، ترکیه، اوروگوای.

لست ۲۰ کشوری که دعوت ماسکورادریزههای اولپیا لاجواب گذاشته اند:

انتیگایا، انتیلهای هالند، بهاما، باربادوس، بیلیم، افریقای مرکزی، ساحل عاج،

فیدجی، گانا، لایبریا، مراکش، پاپوا نیوگینیا، السلوادور، سومالیه، سودان، سوازیلند، چاد، توگو، جزایر ویرجن، زایر.

۴ کشوریکه تاحال دعوت نشده اند

تایوان، ایران، موزنیق، قطر

۳-۵-۱۹۸۰ دی سایت Die Zeit آلمان غرب:

یا آرامی ها شهرکابل پایان نمی یابد

اتحاد شوروی نمی تواند افغانستان را تحت کنترل آورد و رادیو کابل ناظرین سیاسی و مهاجرین افغانی از زدوخوردهای شدید در شهرکابل صحبت میکنند.

بعد از آنکه دو هفته قبل در تظاهرات اخیر زدوخوردهای داخل شهر بیش از پنجاه جوان محصل کشته شدند، در اخیر هفته گذشته بار دیگر هزاران محصل و شاگردان مکاتب در شهرکابل به مظاهره پرداختند. مظاهره چیان بادادن شعار «مرگ بر بریونیف» راه پیمایی کردند و در برابر سفارت ایران توقف کرده همبستگی خود را با آن کشور اعلام داشتند. ایران در جلسات اخیر وزرای خارجه کنفرانس اسلامی در اسلام آباد هیئتی از قیام کنندگان افغانی را در قطار خود جا داده بود.

از طرف دیگر شدت جنگ بیشتر از سومین شهر بزرگ افغانستان، هرات، راپور داده میشود قرار خیر رادیو کابل گوریلها دستگاه آبرسانی شهر، مرکز قوماندانی پولیس و دیگر مراکز عمده را تحت کنترل خود در آورده اند.

جون

۳-۶-۱۹۸۰ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

« بیائید سلاح تانرا بما بدهید و چادرهای ما را بسرکنید! »
اسلام آباد (AP/AFP):

کم از کم ۶۰ نفر شاگردان مکاتب بشمول یکتعداد زیاد دختران مکتب در جریان مظاهرات که مخالف اتحاد شوروی در کابل براه افتاده بود کشته شده اند. دختران مکاتب عساکر افغانی را مخاطب قرار داده و فریاد می کشیدند: « ای نامردها تفنگهای تانرا بپا دهید و چادرهای ما را بسرکنید » و عساکر رژیم کنترل اعصاب خود را از دست داده و بالای مظاهره چیان باتشباری آغاز کردند.

قرار اظهاریک استاد پوهنتون رهبری مظاهره کنندگان را گروه مخفی ای بنام « جبهه متحد ملی » بعهده داشت. این گروه بصورت مستقل از گروههای مبارزین آزادیخواه فعالیت میکند این سازمان مربوط به قشر روشنفکر افغان میباشد که خط مش اسلامی و ملی را تعقیب میکند.

۷-۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

دهلی جدید (رویتر)

مجاهدین در بیست کیلومتری شهر کابل؟

قرار اطلاع واصله مبارزین مقاومت اسلامی در حومه شهر کابل آمادگی حمله ای بزرگی را بالای شهر درپیش دارند در بعضی نقاط به فاصله بیست کیلومتری آن سنگر گرفته اند. شدت زدو خورد های آزادیخواهان و قوای اشغالگر شوروی را میتوان از تعداد زخمی های قوای شوروی در جنگهای اطراف شهر کابل تخمین کرد. قرار معلوم در جریان ماه می بیش از ۶۰۰ نفر از افراد قوای اتحاد شوروی زخمی شده اند که این تعداد بیشتر از حد وسطی ماه های گذشته میباشد.

روز جمعه در دهلی جدید راپور رسید که احتمال از بین رفتن حزب دیموکراتیک خلق افغانستان تحت فشار مبارزین آزادیخواه در کابل موجود است. یک نفر از باشندگان کابل که بدلی مواصلت کرده اظهار داشت، مجاهدین در کوه های پغمان که در ۲۰ کیلومتری شهر کابل

قرارداد سنگرگرفته و تعداد شان در حدود ۲۰۰۰۰ نفر تخمین شده است و صدای آتشباری توپخانه از چهارشنبه باینطرف در شهر کابل شنیده میشود.

۱۰-۶-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

افغانها به قوای نظامی شوروی حمله میکنند

جنگهای خونین در اطراف کابل

رپور خبرنگار روزنامه SAD/dpa/ap

دهلی جدید / کابل / پاریس

مبارزین افغانی موفق گردیدند که در اثر جنگهای شدیدی سه کمربند دفاعی اطراف شهر کابل را، که توسط اردوی شوروی و قوای عسکری دولت و تانکها محافظه میگردد، بشکنند.

جنگ اطراف کابل برای مبارزین آزادیخواه، که خود را مجاهدین مینامند، خیلی ها گران تمام شده و آزادیخواهان در این جنگها بیشتر از یکهزار نفر قربانی داده اند.

یکی از مسافرین افغانی حین مواصلت به دهلی، درباره جنگهای اخیر چشمدید خود را، رپور داده اظهار داشت که در این جنگها بیش از دوهزار مجاهد زخمی شده، لیکن در مورد کشته شدگان افراد عسکری رژیم و اتحاد شوروی معلومات داده نتوانست، صرف علاوه کرد که تعداد کشته شدگان و زخمی های آنها نیز خیلی ها زیاد بوده است.

رادیوی دولتی ایران رپور میدهد که در جنگهای اخیر تنها در ایالت هرات (ولایت غربی افغانستان وهم سرحد با ایران) تقریباً یکهزار نفر از عساکر قوای شوروی کشته شده و همچنان رپور جنگهای شدید در ولایت شرقی افغانستان، ننگرهار، و مرکز آن شهر جلال آباد پخش شده است.

در رابطه باموفقیت قیام کنندگان افغان بین ناظرین بحران افغانستان در دهلی جدید و کارگردانان جهادی در پشاور تفاوت بسیار محسوس است زیرا پاکسانیکه در دهلی جدید صحبت می شود آنها شك دارند که مبارزین آزادیخواه افغان موفق گردند تا قوای ۹۰ هزار نفری اتحاد شوروی را که با وسایل مدرن جنگی (هیلوکوپتر، ماشیندارهای مدرن، تانکها، طیارات، جنگی از نوع میگ) مجهز میباشند، شکست دهند ولیکن این نظر از جانب

مجاهدین به شدت رد می شود.

در این اواخر روزنامه فیلادلفیا انکوییر (Philadelphia Inquirer) خبری را نشر کرده و درباره تهیه تفنگ و مرمی و وسایل کوچک حربی که از بازارهای آزاد جهانی تهیه شده میتواند، راپور داده است. قرار معلوم این سازویرگ جنگی ساخت شوروی، آلمان غربی، بلجیم و اسرائیل توسط سی آی ای تهیه شده بدسترس مجاهدین قرارداد می شود. از طرف دیگر برضد این قول از جبهات جنگ راپور میرسد که تفنگهای دست داشته آزادیخواهان افغانی بشمول ماین ها، بمبها و مولوتوف کوکتیل های میباشد که در جنگها کمتر موثراند. این وسایل در ناحیه ای بنام دره، در ۳۵ کیلومتری غرب پشاور و مربوط قبایل آزاد، که توسط پتان ها بادست ساخته می شوند، خریداری شده و از طریق کوتل خیبر و دیگر راه های پیاده رو طور قاچاق بدسترس مبارزین افغانی قرار می گیرد.

قوای اتحاد شوروی با قدرت دست داشته خود حملات مبارزین افغانی را با شدت هر چه بیشتر و بیرحمانه در هم میکوبد و در این اواخر ۴ فرقه از عساکر اردوی شوروی مجهز با ۲۰۰۰ تانک و وسایط زره دار در دامنه های کوه پغمان به سنگرهای ۲۰۰۰۰ مرد مجاهد یورش برده و که در نتیجه آن مجاهدین افغانی خسارات بیحد مالی و جانی را متحمل گردیده اند. قرار راپور موثق از منابع فرانسوی روس ها در بمباردمانهای خود در بعضی مناطق از پرتاب بمبهای ناپالم نیز استفاده کرده است.

خبرنگار روزنامه محافظه کار فرانسوی فیگارو تعداد مبارزین اسلامی را برضد قوای شوروی و رژیم دست نشانده کابل به سه صد الی چهارصد هزار نفر تخمین کرده و علاوه میکند که پارتیزانها مانند «ماهی در آب» (قسمیکه ماوتستونگ Mao Tse tung رهبر چین پارتیزان ها را تعریف میکند) در حرکت هستند و توسط اهالی منطقه اعاشه و اباطه میشوند. خبر تعجب آوری توسط آژانس خبررسانی هندی (Press Trust of India) نشر گردیده که به قرار این خبر یک پولیس افغان چهار عسکر شوروی را کشته است. روسها از پولیس افغانی تقاضا کرده بودند که ۶ دختر افغان را که در مظاهرات اخیر بازداشت شده بودند به روس ها تحویل بدهند تا طور دلخواه از آنها تحقیق کرده و در مورد شان فیصله صادر کنند. پولیس افغانی بدون بحث بیشتر با روس ها بالای آنها آتشباری کرده و هر چار نفر شانرا جابجا کشته است، از سرنوشت قاتل روس ها کدام خبری در دست نیست.

۱۴-۶-۱۹۸۰ فرانکفورتر روند شاو Frankfurter Rundschau آلمان غرب:

تعداد مهاجرین افغانی افزایش یافته است

تعداد بیشمار اطفال، و همچنان قبيله هابصورت دسته جمعی به پاکستان سرازير شده اند. رژیم کابل مردم را بجبر بخدمت عسکری احضار میکند.

ژنیو/ پشاور AFP:

یک سخنگوی دفتر کمیساری پناه گزینان بین المللی در پاکستان UNHCR اظهار داشت که تعداد ورود مهاجر افغانی در ماه می امسال بطور بیسابقه بلند رفته است. قرار راپور موصوف در ماه می ۸۴۲۳۴۸ مهاجرین افغانی در پاکستان یعنی ۱۰۰۰۰۰۰ نفر بیشتر از ماه گذشته وارد وثبت شده اند. دلیل هجوم سیل آسای پناهندگان را در پاکستان نسبت جنگهای شدیدی که در این اواخر در مناطق سرحدی افغانستان صورت گرفته، تعبیر میکند.

تقریباً بیشتر از نصف مهاجرین اطفال خورد سال می باشند که زیرخیمه های مندرس و فرسوده بحالت رقتبار زندگی میکنند.

حکام کابل نسبت قیود بیشتر، نام نویسی واحضار اهالی به خدمت عسکری، باعث گردیده تا بر تعداد مهاجرین بیافزاید، قرار راپورهای اصله گروههای طرفدار رژیم، بعد از نافذ گردیدن قیود شبگردی بمنزل اهالی شهر داخل شده وینام تلاشی پسران جوان شانرا، که بسن عسکری رسیده باشند، بازداشت نموده و در موتراهای سر بسته به مراکز اختصاصی باخود میبرند.

وقتی رژیم کابل متوجه گردید که این اعمال حکومت بیشتر باعث انزجار مردم میگردد و همچنان اهالی شهر برای نجات پسران خود کشور را ترك می کنند، تلاشی های منازل را متوقف گردانیده، اما باوجود تغییر در روش رژیم کسانیکه سن شان بخدمت زیر بیرق مطابقت کند جرات نمیکند خانه های خود را ترك کنند. بلکه در خانه ها و باجا های مطمئنی خارج از شهر خود را پنهان کرده و انتظار موقع مناسب فرار از کشور را می کشند.

۱۵-۶-۱۹۸۸ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

جنگ افغانستان: استعمال بمبهای فوسفوردارو گاز زهردار بر قریه ها و اطفال :
کابل: هیلوکوپتر قوای شوروی بر قریه ازره ولایت لوگر در جنوب شهر کابل به بمباردمان
آغاز کرده و گلوله های ثقیل مسلسل از میلهای آتشبارش بالای قریه فرو میریزد.
گروهی از مبارزین آزادیخواه افغانی در قلعه کوه مشرف باین قریه سنگر گرفته و هرباریکه
هیلوکوپتر های روسی، مانند گاو زنبور با صدای مهیب، از نزدیک شان میگذرد بالای آن با
مسلسل آتشباری میکند. روسها بعد از پرتاب چندین بمب که بمبهای فوسفوردار (آتش افکن)
نیز در آن شامل میباشد، قریه از را بخاک یکسان کرده و زنده جانی از این قریه سر بالا نمی
کند.

بعد از کشتاروتباهی قریه نوبت به مبارزین میرسد و یک فروند از هیلوکوپترهای شوروی
هدف جدیدی، یعنی آزادیخواهان را در سنگرهای شان، جستجو و تعقیب میکند. آتشباری
مرگبار از دهانه لوله مسلسل هیلوکوپتر سرمیکشد و لحظه ای بعد از دهان جوان افغان آزادیخواه
خون فوران می کند و بخواب ابد شهادت فرومی رود اما همسنگرش بوی اعتناء نکرده بلکه
هیلوکوپتر دشمن دین و وطن خود را در نظر دارد و با چشمان تیز بین عقاب مانندش بدون ترس
ماشه مسلسل رامیکشد و لحظه ای نمیگذرد که مرمیهای مرگبارش به هیلوکوپتر اصابت کرده
آتش میگیرد و صدای مهیب انفلاق هیلوکوپتر در دره می پیچید.

بقول خبرنگار آژانس خبررسانی PTI هندی، بخاک یکسان کردن قریه های مانند ازره جزو
پلان بزرگ عملیات هوایی اردوی شوروی میباشد خبرنگار موصوف اضافه میکند که در هفته
گذشته قوای شوروی در دره پغمان ساحه ای با ابعاد ۶۰ کیلومتر در ۸ کیلومتر را با خاک
یکسان کرده و در این دهلیز تباه شده جمله قریه ها و دهات را از بین برده است. روسها در نظر
دارند. تا با این عملیات امکانات پنهان شدن مجاهدین را در نزدیک شهر کابل و مناطق
حساس نظامی مانع گردند.

قرار معلوم در اخیر هفته گذشته در حدود ۲۰۰۰۰ نفر از مبارزین آزادیخواه جهت یورش
بر شهر کابل در دامنه های کوه های پغمان و قصبه های دور و نزدیک آن سنگر گرفته بودند.
با وجود اینهمه پیش بینی ها و ترتیبات کشنده و تباه کننده روسها مقاومت مردم در برابر
قوای متهاجم شوروی از بین نرفته بلکه شدت یافته است. در هفته گذشته گروهی از این
مردان راه خدا کمربند دوم دفاعی شهر را شکستانده و به یک مرکز امنیتی داخل شهر حمله

کردند. در این زدوخورد پنج نفر از قوای امنیتی رژیم را کشته اند. گروه دیگر مبارزین در دره سلطانی در ۵۵ کیلومتری سرحد پاکستان بالای يك قافله نظامی شوروی حمله کرده که در این عملیات ۲۵ نفر از آزادیخواهان کشته شده و از طرف مقابل تعداد بیشتر از این رقم که عساکر شوروی نیز در بین شان شامل بودند ازین برده شده است بعد از وقوع این حوادث چشمگیر و تلفات عساکر روسی از یکهفته باینطرف قوای زره دار شوروی از مناطق مهم و حساس شهر کابل پاسداری میکنند.

قرار اطلاع واصله از کابل در شفاخانه های شهر تقریباً ۸۰۰ نفر از شاگردان مکاتب و محصلین پوهنتون با اثر تسمم با گاز تحت معالجه قرار دارند. این جوانان در جریان مظاهرات بنام « قیام اطفال » دائر استعمال گلوله های گاز زهر دار توسط قوای امنیتی رژیم کابل مسموم گردیده اند و باین شدت عمل در برابر مظاهره کنندگان بین اعضای حزب « دیموکراتیک خلق » اختلاف نظرهای شدیدی پیدا شده که در اثر این اختلافات در هفته گذشته ۲۳ نفر از طرفداران کارمل کشته شده اند و دو روز قبل چند نفر از مقتولین حزبی بشمول يك تبعه روسی در مکروربان پارچه پارچه شده کشف شده است.

۱۵-۶-۱۹۸۰ جلسه بین الافغانی در فرانکفورت

قبل از این تاریخ در حلقه کوچک افغانها قرار گذاشته شده بود که يك تعداد افغان های مقیم فرانکفورت و حومه آن دعوت شوند تا در باره ساختمان حلقه ارتباط بادیگر افغان های مهاجر در آلمان تبادل نظر صورت گرفته و تصمیم لازم اتخاذ گردد. به همین منظور ساعت ۳:۱۰ الی ۳ بعد از ظهر بتاريخ ۸/۶/۵ جلسه با حضور اشخاص ذیل در هتل Savoy دایر گردید.

- ۱- سید حسن صافی، ۲- همایون غزوی، ۳- احمد شاه عمر، ۴- سید سراج الحق حسینی،
- ۵- سید اظهار الحق حسینی، ۶- نذیر تیموری، ۷- جارا الله خلیلی، ۸- سید مسعود رسول، ۹-
- سید حکیم الله احمد، ۱۰- غلام صدیق امیری، ۱۱- عبدالظاهر رشید، ۱۲- سید محمود
- عابدی، ۱۳- هارون سعیدی، ۱۴- عبدالله مصطفی، ۱۵- عزیز سمیعی، ۱۶- یونس زوری
- ۱۷- دکتور شعیب ابوی، ۱۸- فهیم عدالت، ۱۹- محمد داود نوروز، ۲۰- عبدالمجید بارک،
- ۲۱- محمد علم اصلی، ۲۲- سید نعیم احمد، ۲۳- صمد علی عزیز، ۲۴- سید حبیب عابدی،
- ۲۵- محمود کوهستانی، ۲۶- خالد رشاد، ۲۷- وحید رشاد، ۲۸- نبی زلی، ۲۹- نجیب
- آریزوی، ۳۰- مصطفی فیضی، ۳۱- عزیز الرحمن صافی، ۳۲- عبدالسمیع پناه، ۳۳-

دکتور سید عبدالعزیز نجیبی، ۳۴- دکتور جلیل شمس، ۳۵- انجنیر احسان الله مایار. يك تعداد از حاضرین مجلس به معرفی بحران افغانستان در محافل بین المللی بیاناتی دادند و موافقه بعمل آمد تا در رابطه با تجاوز قوای شوروی در افغانستان و اشغال آن بادیگر گروه های افغانی در اروپا تماسها برقرار گردیده و سعی شود تا بصورت دامنہ دار و پیگیر به مظاهرات خیابانی پرداخته و همچنان در رسانه های سرتاسری اروپا برضد اتحاد شوروی مضامینی نگاشته شود.

در ختم اجلاس موافقه شد تا وقتاً فوقتاً افغانهای مقیم فرانکفورت کردهم آمده و از خانم های افغانی نیز در مجالس آینده دعوت بعمل آید و اعضای اشتراك کننده موافقه کردند که در مظاهرات خیابانی شرکت اطفال، زن ها و مردهای مسن افغانی لازمی بوده و همچنان موافقه بعمل آمد تا هیئتی از میان اشتراك کنندگان جلسه بامراکز احزاب سیاسی آلمان در فرانکفورت تماس گرفته و آنها را تشویق کنند تا در مظاهرات افغانها سهم مستقیم بگیرند، زیرا سهم گرفتن اتباع آلمان تاثیر بیشتر بر اذهان عامه دارد.

۱۹-۶-۱۹۸۰ فرانکفورت الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

احساس تنفر و دشمنی بین کمونستهای افغانستان عمیقتر گردیده است

افواه انتحار ببرک کارمل

سیل مهاجرین جانب پاکستان

اسلام آباد (AFP/dpa/Reuter)

مبصرین سیاسی کشورهای غربی معتقد اند که مخاصمت بین دو جناح کمونیستی افغانستان، خلق و پرچم، تشدید شده و به سرحد کشت و خون دوام دارد هم کودتایی برضد ببرک کارمل را پیش بینی میکنند.

مهاجرینی که در این اواخر از شهر کابل به پاکستان مواصلت کرده اند چشم دید خود را بیان میکنند که از تاریخ ۸ جون باینطرف کم از کم ده جسد از طرفداران پرچم و خلق در روی کوچه های شهر و داخل منازل کشف شده است در شهر کابل تقریباً هر روز صدای آتشباری تفنگ و رگبار مسلسل شنیده میشود و حکومت این آتشباری هارا بنام مانورهای نظامی اعلان میکند. مردم شهر علاماتی را مشاهده میکنند که بزودی از طرف نظامیان کودتایی برضد کارمل

صورت خواهد گرفت و اهالی شهر نفر سوم رژیم، اسدالله سروری، را جانشین کارمل پیشگویی میکنند.

درپهلوی این حوادث داغ خبر تسمم یکتعداد بیشتر شاگردان مکاتب، علاوه بر شاگردان قبلی، که شفاخانه ها انتقال یافته بودند پخش گردیده است.

درین اهالی شهر افراه گرمی جریان دارد که روز جمعه گذشته ببرک کارمل در قصر جمهوریت درصدد انتحار خویش برآمده بود اما آشپز روسی متوجه اوضاع گردیده و کارمل را خلع سلاح کرده است و این خبر بروز سه شنبه در دهلی جدید نیز پخش گردیده است.

قرار معلوم رئیس دولت کارمل که به الکحول و سگرت پناه برده و در منزلش بحال تجرید بصری برد اقدام به انتحار کرده بود. نه تنها تمام عمله و فعلهء منزلش روسی می باشند بلکه خودش نیز اجازه ندارد بدون امر مشاور روسی دست به اجرای امور ریاست بزند. گفته می شود که یکی از دلایل خودکشی وی همین عدم صلاحیت وی در امور می باشد.

سخنگوی وزارت خارجه ایران در تهران اظهار داشت که در نظر است اعضای کمیسیون منتخب در جریان کنفرانس اسلامی در اسلام آباد جهت مطالعه و غور بیشتر درباره بحران افغانستان بروز جمعه آینده در ژنیو گردهم آیند اعضای کمیسیون منتخب عبارتند از: قطب زاده وزیر خارجه ایران، آغاشاهی وزیر خارجه پاکستان و حبیب شاتی سکرتر جنرال کنفرانس اسلامی و قرار است در اجلاس کمیسیون نمایندگان مقاومت افغانی نیز سهم گیرند.

قرار اظهار سخنگوی وزارت خارجه ایران، کمیسیون منتخب از حکومت کابل طی پیامی تقاضا کرده تا نماینده با صلاحیت خود را جهت اشتراك در این جلسه تعیین کرده بفرستد، لیکن حکومت کابل پیشنهاد کمیسیون را، بدون ارایه کدام دلیل، رد کرده است.

سلاح مدرن تولید کشورهای غربی

«امیدواری با بیرون برآمدن قوای شوروی از افغانستان کمتر شده، از اینرو باید هرچه زودتر طرق حل قضیه از نگاه سیاسی جستجو گردد» این مطلب را وزیر خارجه هندوستان راوای Roay در پارلمان هند بعد بازگشت از سفر ماسکو راپور داد.

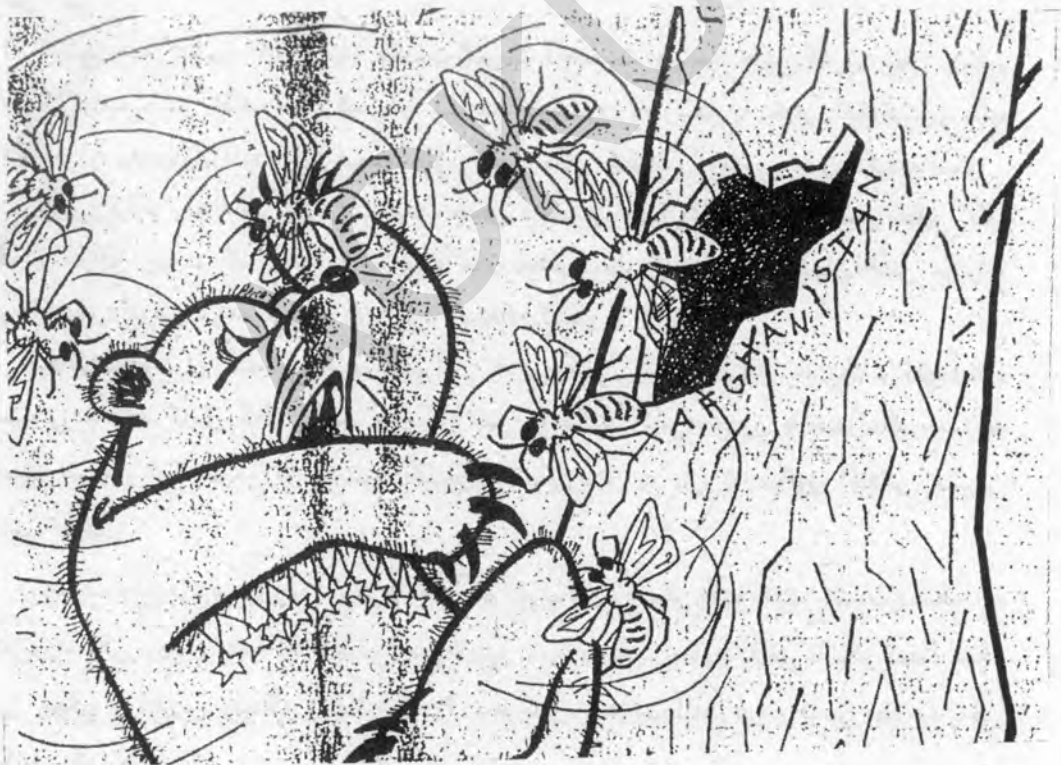
وزیر خارجه هند در بیانیه خود در پارلمان هند اظهار داشت که با وجود اینکه امیدواری بیرون کشیدن قوای شوروی از افغانستان کمتر بنظر میخورد لیکن از صحبتهای اخیرش با بریژنیف و گرومیکو میتوان چنان نتیجه گرفت که زعمای شوروی متقاعد گردیده اند که اگر حل بحران افغانستان از جهت سیاسی بدست آید شوروی حاضر خواهد شد قوای نظامی خود را از

افغانستان بیرون بکشد.

یک سخنگوی وزارت خارجه هند اظهار داشت باستناد راپورهای واسله از طریق سفارت هند در کابل، بدون شک ثابت است که مبارزین افغانی سلاح مدرن ساخت غربی را بدست آورده اند و این سند، اظهارات شوروی را مبنی بر اینکه کشورهای غربی در امور داخلی افغانستان مداخله میکند، تأیید میکند.

۲-۶-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

در این شماره مطالبی در چوکات واقعات اخیر در افغانستان دارد که شکل تکراری بخود میگیرد و اما کاریکاتور که توسط ه.ه. ای. کوهر H.E.Koehler در آن نشر گردیده از نظر خوانندگان گزارش می یابد:



« عسل شور و بهای گزاف »

۲۳-۶-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

تقاضای سران هفت کشور صنعتی جهان غربی در ونیس Venedig (ایتالیا):

قوای شوروی باید بطور دسته جمعی افغانستان را ترك كنند

ونیس / راپورتر روزنامه SAD-dpa-ap

سران هفت کشور بزرگ صنعتی جهان در کنفرانس ونیس از اتحاد شوروی تقاضا کردند که قوای نظامی خود را کاملاً از افغانستان خارج کند. این تصمیم بجواب اعلامیه اتحاد شوروی که ماسکو تصمیم گرفته «چند یونت از قشون» خود را از افغانستان بیرون کند. با این تکتیک خود اتحاد شوروی موفق نشد در رابطه با بحران افغانستان، بین واشنگتن و بن، اختلاف نظری خلق کند.

کانسلر (صدراعظم) آلمان غرب، هلموت شمیدت در صحبت دویوای جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا توانست سو تفاهات را که بین سیاست دو کشور، در رابطه با بحران افغانستان، سایه افکنده بود از میان بردارد، این صحبت قبل از دایر شدن کنفرانس رسمی صورت گرفته است. جیمی کارتر بعد از مذاکره با شمیدت ضمن صحبتی اظهار داشت که با صدراعظم آلمان غرب بتوافق رسیده که بر مبنای موافقات ماه دسامبر سال گذشته قوای پیمان اطلس میتواند از راکت‌های اتمی با بعد متوسط در اروپا استفاده کنند.

مذاکرات دویوای شمیدت صدراعظم آلمان غربی و کارتر رئیس جمهور امریکا در کلیه ابعاد سیاسی با تفاهم کامل خاتمه یافته و بعد از ختم مذاکرات رئیس جمهور با صدراعظم دست به دست هم ووزرای خارجه هر دو کشور، گینچر و ماسکی بازو به بازو به سالون اجلاس عمومی داخل شدند.

شمیدت و گینچر، صدراعظم و وزیر خارجه آلمان غرب درباره سفر هفته آینده شان به ماسکو به کارتر و ماسکی راپور دادند که از طرف امریکائیا درباره سفر زعمای آلمانی بماسکو انتقاد نشد. این مطلب را کلاوس بولینگ K.Boelling سخنگوی حکومت آلمان غرب ضمن مصاحبه باخبر نگاران اظهار داشت.

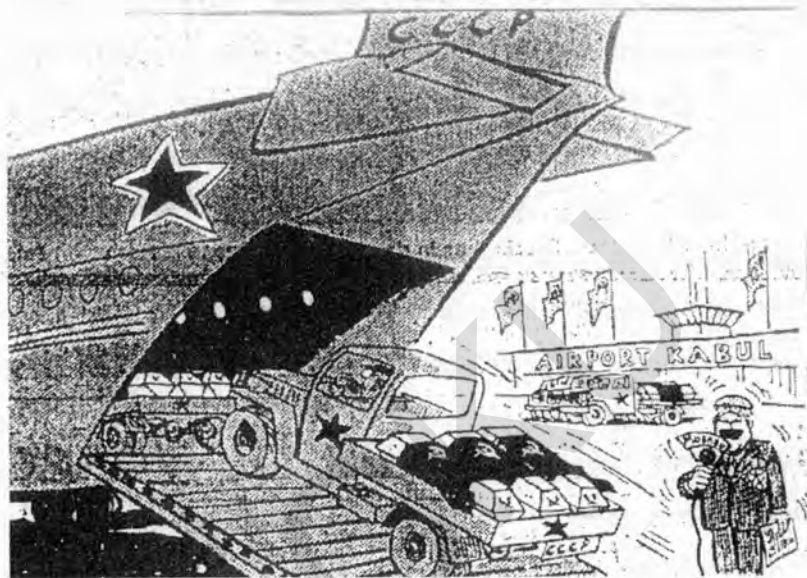
«هفت رهبر کشورهای صنعتی جهان در کنفرانس ونیس یار دیگر اشغال نظامی افغانستان را

«غیرقابل قبول» ارزیابی کرده و با صراحت کامل توضیح کردند که در آینده نیز تغییری در این تصمیم رخ نه خواهد کرد. آنها معتقد اند، طوریکه این تجاوز از طرف مردم شجاع و آزادیخواه افغان رد گردیده و در برابر آن قیام کرده اند علامت مشخص و بارزی برای انزجار جهانیان میباشد. علاوه بر این تجاوز به افغانستان و اشغال آن مخالف به پرنسیپ های چارتر ملل متحد شناخته شده و مغایر با روحیه طریق زیست با همی واقعی دانسته شده است. رهبران هفت قدرت صنعتی جهان معتقد اند این تجاوز در واقع اساس برهم زدن پروسه صلح در منطقه شناخته شده و امنیت کشورهای منطقه را با خطر مواجه گردانیده است.

آنها مصرأ تقاضا کردند تا افغانستان بایست در موقعیتی بازگردد تا بتواند بار دیگر از «استقلال، تمامیت ارضی، آزادی سیاسی و عدم انسلاک» برخوردار گردد. هفت کشور متذکره بار دیگر تقاضای بازگشت کلی قوای نظامی شوروی را از افغانستان تکرار کرده و اظهار داشتند باید امکانات آن میسر گردانیده شود که: «مردم افغانستان بتوانند درآره ساختار نظام سیاسی آینده کشور خویش آزادانه تصمیم بگیرند».

روزیکشنبه ماسکو طور غیر مترقبه اعلام داشت که تعداد محدود عساکر خود را از افغانستان بیرون میکشد و این تصمیم برای این است که علایم مثبت آن در محیط کنفرانس سران هفت کشور صنعتی جهان دروینیس مشاهده شود. اولین شخصیت جهان غرب که از این خبر مطلع شد، ژسکار دیستان رئیس جمهور فرانسه بود اما این تیرسیاسی ماسکو به هدف اصابت نکرده و بخطا رفت، نشر خبر آژانس خبررسانی شوروی تاس در رابطه با بیرون کشیدن قطعات محدودی اردوی اشغال کننده از افغانستان بالای اشتراک کنندگان کنفرانس وینس تأثیری نکرد.

ماسکی وزیر خارجه ایالات متحده امریکا مختصراً اظهار داشت: «شنیدن کی بود مانند دیدن» و علاوه کرد که تا امروز ماسکو با معلومات نداده که با چه تعداد عساکر، شوروی به این کشور تجاوز کرده تا ما بدانیم که چه تعدادی را بیرون میکشد زیرا کشورهای غربی تنها حدس میزنند که بین ۸۰۰۰۰ و ۱۰۰۰۰۰ عسکر قشون سرخ شوروی در افغانستان مستقر گردانیده شده اند، از اینرو فهمیده شده نمیتواند که ماسکو از بیرون کشیدن چه تعداد صحبت میکند. در باره با بیرون کشیدن عساکر شوروی از افغانستان کاریکاتوری نشر گردیده که از نظر خوانندگان گرامی میگردد:



بازهم تعدادی از عساکر اردوی شوروی افغانستان را ترك میکنند

۱۹۸۰-۶-۲۲ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

پلان کمک امریکا در مورد بیرون کشیدن روسها از کابل:

توماس کیلینگر Thomas Kielinger از لیزین (پرتگال):

سفر دو روزه رئیس جمهور کارتر به کشورهای اروپای جنوبی مسیر جدیدی را علامت گذاری

کرد.

درپهلوی تقبیح متواتر تجاوز شوروی در افغانستان، رئیس جمهور کارتر ضمن ایراد بیانیه های خود در مادرید (هسپانیه) ولیزین (پرتگال) طرح جدید مذاکرات خود را با ماسکو بیشتر مشخص نمود. رئیس جمهور امریکا به سران اتحاد شوروی اشاره کرده اظهار داشت که وی میخواهد جهت حل بحران افغانستان با آنها کمک کند.

آژانس خبررسانی تاس بلافاصله بروز چهارشنبه اعلام داشت که نظریات رئیس جمهور کارتر در مورد حل معضله افغانستان «مبهم» بوده، ایجاب میکند تا درین مورد تفصیل بیشتر داده شود. کارتر و مشاورینش بعد از نشر خبر تاس به این نتیجه رسیدند که ماسکو با علاقمندی بسیار میخواهد درین باره بیشتر شنیده و معلومات بدست آورد.

با آنکه تبصرهء تند پرآودا این خوشبینی را قبل از وقت جلوه میدهد اما امریکا در هر حالت به تمویل پلان «حل انتقالی معضله» خود مصمم و پا برجا می باشد.

یکی از مشاورین رئیس جمهور کارتر اظهار داشت: «حین بیرون شدن قوای شوروی از افغانستان میتوان يك راه حل دوره انتقالی را رویدست گرفت تا بدینوسیله بتوان علایق حقه امنیت اردوی شوروی را فراهم آورد» و علایق امنیتی اتحاد شوروی را میتوان طوری علامه گذاری کرد که: حین بیرون برآمدن قوای شوروی از افغانستان کشتار عساکر شوروی از کمینگاه های مبارزین صورت نگرفته و همچنان نظامی جای نشین قدرت امروزی در کابل نگردد که با اتحاد شوروی سردشمنی داشته باشد». بطور مشخص قصر سفید در مورد دوره انتقال از همکاری و کمک کشورهای اسلامی مانند تونس، ایران، پاکستان حتی الجزایر و اندونیزیا صحبت کرده است.

برنامه قصر سفید طوری ترتیب گردیده که حین بیرون شدن قوای شوروی از افغانستان از این کشورهای اسلامی يك تعداد کافی عساکرشان حاضر بوده و مناطق حساس را تحت کنترل خود داشته باشند و مخصوصاً امنیت شاهراه های خروجی اردوی شوروی طوری باشد که حین بیرون شدن عساکر شوروی خطری متوجه آنها نگردد.

قصر سفید عقیده دارد سفر اخیر رئیس جمهور کارتر براروپا همبستگی این کشورها را در مورد تجاوز شوروی در افغانستان تقویه کرده است و همبستگی این کشورها با امریکا باعث تضعیف موقف سیاسی شوروی در سطح جهانی گردیده و نمیتواند از شکست پرستیژ خود

جلوگیری کند.

درحلقات نزدیک به رئیس جمهور کارتر تبصره میشود که با تجاوز و اشغال افغانستان ماسک از چهره شوروی پس شده است. شوروی با این عمل خود که با شدت انجام شد، جنبش آزادی خواهی ملتی را پایمال کرد.

تلفیق مفهوم «مقاومت ملی» به اسناد مربوط افغانستان در اجلاس سران هفت کشور بزرگ صنعتی در وینیس گنجانیده شده است و بهم پیوستن و استعمال مفاهیم «مقاومت ملی» بطور مستقیم و اتوماتیک رابطه بسالهای میگیرد که بعضی کشورها در برابر رژیم نازی آلمان قیام کرده و از آن استفاده میکردند.

در محافل سیاسی مادرید ولیزین و همچنان در بلگراد از بیانات کارتر چنین نتیجه گیری میشود که ایالات متحده از سختگیری در برابر شوروی قدری فاصله گرفته و میکوشد تا راه حل سیاسی این معضله را جستجو کند. از طرف دیگر بعضی کشورها این تغییر مسیر سیاست را «پالیسی خط منکسر» می شمارند که این نظر از طرف قصر سفید بشدت رد گردیده است.

۳-۶-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

«پروادا» پلان حل انتقالی امریکا را مورد بحث و مناقشه قرار میدهد:

واشنگتن: بیرون کشیدن عساکر شوروی از افغانستان صرف تغییر در تاکتیک شوروی میباشد

ماسکو ۲۹-۶-۹۹ (AFP/Reuter)

بعقیده مبصر «پروادا ارگان نشراتی حزب شوروی» پیشنهاد حل انتقالی امریکادر مورد بحران افغانستان جز بمنظور مشروعیت دادن «دخالت دستهای خارجی» و سقوط حکومت ببرک کارمل مطلب دیگری در قبال خود ندارد. روزنامه پروادا در شماره روز یکشنبه خود از آرا و زوایای مختلف تحلیل نموده و نتیجه می گیرد که این پیشنهاد امریکا کدام ماهیت جدی نداشته و برای حل معضله افغانستان از آن استفاده شده نمی تواند.

پروادا در باره اینکه ایالات متحده امریکا در مورد پیشنهاد اتحاد شوروی در رابطه با بیرون کشیدن اجزای مشخص قوای شوروی از افغانستان تبصره ای منفی کرده است، شدیداً انتقاد

کرده و اضافه میکند که ایالات متحده سعی می‌ورزد تا اذهان مردم را در مورد ابتکار شوروی مغشوش گرداند.

حکومت امریکا عقیده دارد که بیرون کشیدن ۱۰۰۰۰ عسکر شوروی از افغانستان معنی تغییر در موقف ستراتیژیکی اتحاد شوروی را ندارد بلکه يك مانور تکتیکی می‌باشد. قرار راپور وارده از منابع موثق در واشنگتن، اتحاد شوروی در هفته گذشته یونت های کوچک قوای پیاده و توپچی جدیدی را که توسط هیلوکوپتر های زره دار حمایت میکردند به افغانستان فرستاده است. این تکتیک در جنگهای گوریلابی موثر بوده و امتحان موفق آمیز داده است.

قرار راپوری از منابع امریکایی تاحال ۵۰۰۰ عسکر روسی از افغانستان به شوروی بازگردانیده شده است و با وجود این تغییرات در ساختمان یونت های جنگی، واشنگتن معتقد است که اتحاد شوروی در نظر دارد در افغانستان برای مدت طولانی باقی بماند، از اینرو اتحاد شوروی به ساختمان منازل رهایش عساکر، تانکهای ذخیره تیل و روغنیا، احداث میدان های هوایی، خطوط قطار آهن و پل ها اقدام کرده است.

يك دیپلومات غربی ضمن مصاحبه با روزنامه نگار انگلیسی «دیلی تلگراف» اظهار داشت: «وی شاهد تخلیه شدن طیارات عسکری شوروی، حامل عساکر و ماشین آلات نظامی، در میدان هوایی بگرام میباشد» ووی علاوه کرد که بیرون کشیدن قوای عسکری شوروی از افغانستان صرف يك تاکتیک سیاسی بوده و قسمیکه بریژنف رهبر شوروی بیرون کشیدن يك فرقه از اردوی ۱۰۰۰۰ نفری شوروی را اعلام داشته واقعیت ندارد. عساکری که تاحال بیرون کشیده شده اند مربوط به جزء و تام های بودند که موجودیت شان در افغانستان غیر ضروری پنداشته شده است. این عساکر مربوط بقوای دافع هوا، دافع تانک و راکت انداز بودند و در جنگهای افغانستان، آزادیخواهان نه طیاره ای دارند و نه تانکی که قوای شوروی آنها از بین ببرد و همچنان مراکز و سنگرهای آزادیخواهان طور است که پرتاب راکت در آن منطقه موثر نمی‌باشد. قرار اظهار دیپلومات موصوف یونت های عساکر یمن جنوبی و همچنان از بلغاریه برای تقویه قوای شوروی به کابل مواصلت کرده اند.

جولای

ACKU

۱-۷-۱۹۸۰ دی ویلت Dir Welt آلمان غرب:

بریژنف توقع نتیجه خوېتر را دارد

شمیدت خواستار عقب نشینی کامل قوای شوروی می باشد

ماسکو، صدای المان:

رئیس حزب و دولت اتحاد شوروی بریژنف از مذاکرات خود با کانسلر آلمان شمیدت توقع دارد تا نتایج مثبتی را بدست آورد، وی این مطلب را حین مواصلت شمیدت در ماسکو در برابر خبرنگاران اظهار داشت.

خبرنگاری در میدان هوایی ماسکو حین پذیرایی هلموت شمیدت از بریژنف سوال کرد: «از این ملاقات چه انتظار دارید؟» بریژنف بدون تامل در جواب گفت: «حاصل خوب» و همچنان «مؤثق» و در اینجا کانسلر آلمان مداخله کرده اظهار داشت: «توقعات قبل از وقت است بایست حوصله کرد و انتظار کشید».

در فاصله میدان هوایی و مهمانخانه دولتی، بر تپه های لینن، شمیدت بدون ضیاع وقت قضیه افغانستان را با مهماندارش، بریژنف، مطرح کرد و سخنگوی حکومت آلمان اظهار داشت: «میزبان ماسعی میکند در مذاکرات با کانسلر نتایج مثبتی را بدست آورد».

کانسلر آلمان در بیانیه خود بر میز ضیافت شبانه با صراحت کامل بالای نکات اساسی انگشت گذاشته تقاضا کرد: «ما انتظار داریم اتحاد شوروی بدون تحمیل شرایط قبلی در مورد مذاکرات ابتدایی، در رابطه با راکت های بعد میانه، آمادگی خود را نشان دهد»، همچنان اضافه کرد: «متحدین اروپایی از ۱۹۷۸ باینطرف اقدامات واقع بینانه ای را رویدست داشته و در نظر دارند تا درباره عدم توازن راکت های بعد میانه بین دو قدرت بتوافقاتی برسند» و در مورد بحران افغانستان کانسلر آلمان سعی میکرد تا موقف سختگیر خود را، بدون چانس دادن برای مناقشه، فورمولبندی کند.

کانسلر آلمانی در رابطه با بحران افغانستان اظهار داشت که: بحران افغانستان در روابط شرق و غرب سایه گسترده و این بحران بیشتر در کشورهای جهان سوم و بطور خاص در کشورهای اسلامی اندیشه های عمیق و نگرانی های دامنه داری را خلق کرده است» سپس

شمیدت تقاضای بن را بطور واضح چوکات بندی کرده گفت:

«درمورد بحران افغانستان حکومت آلمان بانظریات حکومت فرانسه و متحدین اروپایی و بااشتراک کنندگان کنفرانس وینیزکه بتاريخ ۲۲ و ۲۳ جون امسال گردهم آمده بودند، موافقت تام دارد. همچنان همبستگی خود را با فیصله اکثریت کشورهای عضو سازمان ملل متحد که بتاريخ ۱۴ جنوری ۱۹۸۰ اعلام گردیده تائید کرده با فیصله های اخیر کنفرانس اسلامی منعقدہ اسلام آباد موافقت کامل دارد. هدف اساسی آن در فیصله ها وابتکارات این کشورها بازگردانیدن افغانستان بحالت عادی بوده که شرط اول داشتن هویت مستقل و غیرمنسلك بودنش میباشد و همچنان افغانستانی بدون حضور قوای نظامی کشورهای بیگانه و افغانستانی مطلوب ملت افغان با درنظرداشت تأمین علایق مشروع شرط اصلی این فیصله ها میباشد.»

دراینجا کانسلر شمیدت رهبر شوروی بریژنف را مستقیماً مخاطب قرارداده اظهارداشت:

« شما آقای سرمنشی شخصاً میتوانید این بحران را از بین بردارید، در صورتیکه اعلام دارید بیرون کشیدن تعداد بسیار کم اردوی شوروی که فعلاً رویدست گرفته شده، سرآغاز تصمیم گیری برای بیرون کشیدن تمام اردوی شوروی از افغانستان میباشد.»
(از توضیح بیشتر این بیانیه صرف نظر گردید، زیرا موضوعات اروپا و مطالب ذات البینی دوکشور در آن مطرح شده است. مولف)

۲-۷-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیماینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

بریژنف آرزو ندارد نظریات شمیدت را درباره راکت ها و افغانستان بشنود

اوستینوف Ostinew وزیر دفاع اتحاد شوروی: گفتنیهای شما، گفته و شنیده شد

بیانیه اول کانسلر در «پراوادا» سانسور شده نشر گردید

ماسکو ۱ جولایی:

مذاکرات دو روزه کانسلر شمیدت و وزیر خارجه آلمان گینچر با وجود اختلاف نظرهای عمیق

با اندک امیدواری که مذاکرات تسلیحاتی میان جهان غرب و شرق به بن بست رسیده، پایان یافت. نظریات شمیدت وبریژنف درمورد بحران افغانستان از هم کاملاً متفاوت بوده و باشدت هرچه بیشتر باهم تصادم کردند. پیشنهاد شمیدت درمورد ترتیب يك برنامه خروج کلی قوای

نظامی شوروی از افغانستان مورد دلچسپی طرف شوروی قرار نگرفت. در طول مدت اقامت مهمانها مذاکرات پیش بینی نشده ای بین شمیدت و گنچر، کانسلر وزیر خارجه آلمان، واوستینوف و اوگارکوف، وزیر دفاع و معاون وزیر دفاع اتحاد شوروی، در عقب پرده های زخمیکه بروی کلکینهای اطاق کنفرانس وزارت دفاع شوروی کشیده شده بود صورت گرفت و محتوای مذاکرات شان به بیرون درز نکرده و نشر نشد. لیکن در آغاز مذاکرات واوستینوف رشته سخن را بدست گرفته اظهار داشت که: «شما آقای کانسلر، درباره همه گفتنیهای تان نظر خود را اظهار داشتید و ماهمه آنرا شنیدیم» و بعد از ادای این جمله دروازه سالون مذاکرات بروی روزنامه نگاران مسدود گردید.

شمیدت در ختم مذاکرات اظهار داشت با وجود پیدا شدن يك روشنی بسیار ضعیف در اخیر تونل، مذاکرات هیئت با طرف شوروی عمیق و جدی بوده است.

در صفحه دوم روزنامه بروادا فشرده بیانات شمیدت کانسلر آلمان که سر میز دعوت شام، سانسور شده پخش گردید که اینک مطالب آن در رابطه با بحران افغانستان از نظر خوانندگان گذشتانده میشود:

شمیدت، کانسلر آلمان اظهار داشت:

«بحران افغانستان ابر غلیظی بر روابط کشورهای غرب و شرق گسترده است و این بحران بیشتر در ممالک جهان سوم و علی الخصوص کشورهای اسلامی باعث ناراحتیهای شدید و تاثرات عمیق تلقی شده است.

ما مکلفیم تا بصدای این ملتها ارزش قایل شویم، ملتهائیکه برای داشتن امنیت فردی، آزادی و حق خودارادیت تقاضای مشروع دارند. صلح جهانی رابطه عمیق بآن دارد که همه کشورهای جهان، این کشورها متعهد بکدام پیمان نظامی نباشند، اعتماد داشته باشند که استقلال کشور و آزادی فردی ایشان از هرگونه تجاوز مصنون بوده و بحالت اصلی خود پایدار باقی مانده میتوانند. ما متیقنیم که عدم انسلاک يك کشور ضریب اساسی صلح بین المللی میباشد.

در مورد بحران افغانستان حکومت آلمان غربی با توافق کامل نظر حکومت فرانسه و متحدین اروپایی خود را و با اشتراك کنندگان کنفرانس سران هفت قدرت اقتصادی جهان که از تاریخ ۲۲ الی ۲۳ جون در ونیز صورت گرفته و با فیصله نامه تاریخی ۱۴ جنوری ۱۹۸۰

که با اکثریت آرای کشورهای جهان در ملل متحد به تصویب رسیده همچنان با موفقگیری اخیر اعضای شاملین کنفرانس اسلامی، همبستگی خود را اعلام میکند.

هدف معین این ابتکارات و فیصله‌ها طوریکه که افغانستان دوباره بحیث یک کشور مستقل و غیر منسلک بدون وجود قوای نظامی کشورهای خارجی در آمده و به اراده مردم در افغانستان حکومتی باساس خواسته خود شان بادر نظر داشت مصئونیت و علایق مشروع کشورهای همسایه، رویکار آید.

من متیقن هستم که شما، آقای سکرتر جنرال، میتوانید مانع وخامت بیشتر این بحران خطرناک شوید، در صورتیکه تعهد کنید که بازگشت فعلی قسمتی از اردوی تان از افغانستان سرآغاز بیرون کشیدن کامل اردوی شوروی از افغانستان میباشد.

پروادا به عوض بیانات شمیدت بامتن بالا شکل سانسور شده آنرا چنین نوشته است:
 «برعلاوه دیگر مطالب کانسلر آلمان غرب درباره جریانات افغانستان اشاره کرده و در گفتار خود ایجاب بیرون کشیدن قوای شوروی را یاد دهانی کرده است. لیکن کانسلر آلمان غرب درباره تخطی‌های خارجی در برابر افغانستان که باید خاتمه گردد بادی نکرده و همچنان از درخواست حکومت افغانستان در رابطه با فرستادن قوای نظامی شوروی به افغانستان، صحبت نکرده است.»

۷-۷-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلاک Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

یک هفته بعد از سفر شمیدت به ماسکو:

شوروی ازین شکایت دارد

ماسکو/ اسلام آباد

برای بار اول «پروادا» ارگان نشراتی حزب کمونیست شوروی، در رابطه با قضیه افغانستان، به آلمان فیدرال تاخته است.

پروادا با لحن شدید یک تعداد ممالک جهان را متهم گردانیده که برضد «ملت افغان» با مانورهای نظامی صریحاً به حریم آن تجاوز می‌کنند و این تجاوزات را «امپریالیست‌ها و دلالان شان» پشتیبانی می‌کنند از جمله آلمان فدرال برای «افغانهای باندیت (رهزن) ضد انقلاب، راکت‌های ضد تانک تهیه کرده و به پاکستان فرستاده است.

روزنامه حزبی مینگارد يك شبکه ای وسیع کمپهای تربیوی تروریستی در قلمرو پاکستان اعمار گردیده که در این کمپها مشاورین امریکایی افسرهای نظامی پاکستان را جهت آموزش و استفاده از سلاحهای مدرن تحت تربیه گرفته اند. این افسران پاکستانی وظیفه دارند تا عناصر ضد انقلاب، بنام افغان را، عملیات چریکی بیآموزند. روزنامه علاوه میکند یکی از این کمپها در حومه شهر پشاور توسط نظامیان مصری اداره شده و توسط آنها عناصر ضد انقلاب، جهت تخریبکاری در افغانستان، تربیه میشوند. روزنامه علاوه می کند پیشقدمان ضد انقلاب از جمله این باندیت ها انتخاب و جهت فراگرفتن بیشتر تاکتیکهای بیشتر جنگ چریکی به مصر و عربستان سعودی تحت تربیه گرفته شده و بنام «کدر رهبری چپاولگران» دوباره به پاکستان اعزام می شوند. روزنامه در سلسله اتهامات خود پیش رفته ادعا میکند که شواهدی در دست دارد که تعدادی از این «باندیت های ضد انقلاب» در قلمرو ایران نیز تحت تربیه گرفته شده و دامنه آن روز بروز توسعه می یابد.

نویسنده ادعا میکند که ایالات متحده امریکا مرجع اصلی تهیه و فرستادن سلاح و مهمات بوده و تاحال هاوان، موترهای جیب مجهز به وسایل آتش افگنی، توپ های سیار، تانک و راکت های زمین بهوا بدسترس این عناصر گذاشته شده و همچنان آلمان فدرال راکت های ضد تانک و حکومت جاپان آلات مخابره را برای باندیت ها تهیه کرده است. پروادا بادیده درایی بی سابقه ای ادعا میکند که تهیه این سلاح و مهمات از طرف حکومت های بازار مشترک اروپایی، ایالات متحده و جاپان تمویل می شود و قرار ادعای پروادا تاحال بازار مشترک اروپایی ۸ و ۸ میلیون، ایالات متحده امریکا ۵ میلیون و جاپان ۴ میلیون دالر بدسترس حکومت پاکستان گذاشته است و مازاد این تخصیص ها مبالغ بیشتر و هنگفتی از طرف بعضی کشورهای عربی و حکومت پاکستان پرداخته شده است.

۹-۷-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

شوروی برضد مجاهدین از ماین های ضد پرسونل استفاده میکند

پشاور ۸ جولایی (ای پی): شش نفر مجروحین افغانی که در يك شفاخانه داخل شهر پشاور تحت معالجه قرار دارند اظهار داشتند که در اثر تماس با اشیای مشابه با سامان بازی زخم برداشته اند. یکی از مجروحین اظهار داشت در بعضی مناطق عبور و مرور اهالی توسط هیلوکوپترها

بسته های نوت کاغذی، چراغ دستی، شب پره ها و سنگهای لشم و هموار در مزارع و کوچه های قریه پرتاب گردیده که به محض برداشتن از روی زمین منفجر شده و سبب قطع دست و پای گیرنده می شود.

یکی از این آسیب دیدگان پسرک دوازده ساله بنام محمد نبی می باشد که يك پای خود را از دست داده و همچنان جراحات و سوختگی روی پوست بدنش دیده میشود. غلام نبی اظهار داشت که در مزرعه طوطی پلاستیکی برنگ سبز وزرد توجه وی را جلب کرد و پای خود آنرا از جایش بجزکت در آورد که هنگام تماس پایش با طوطی انفجاری رخ داده و باعث این همه جراحات شده است. افغانهای زخمی اظهار داشتند که این نوع سامان های بازی را برای بار اول در منطقه خود دیده اند.

قرار اظهار یکی از این زخمی ها این اشیای بازی اطفال بعضی اوقات در اثر باریدن باران منفجر می شود و در اطرافش هر چه باشد آنرا تخریب میکند. ماینها که توسط قوای شوروی در منطقه پاشیده شده شباهت زیاد با اشیای بازی طفلانه دارد. هدف این جنایت بیشتر معیوب ساختن اطفال خورد سال میباشد. شخص دیگری حلقه معیوبین که خود را مجاهد مینامد گفت: تعداد بیشماری از این ماین ها شباهت به بندل پول کاغذی، بوطل عطر، ساعت دستی، قلمهای خودکار، سنگهای لشم و مواد مختلف نرم پلاستیکی دارد که در منطقه بود و یاش وی پاشیده شده است. این مرد چهل و چند ساله علاوه کرد این ماین ها در چراگاه های مواشی نیز پاشیده شده که هدف آنها از بین بردن حیوانات خانگی اهالی میباشد.

سید رحمن، ۲۵ ساله که يك پایش در اثر تماس با يك ماین شبیه قلم خود کار صدمه دیده و همچنان شیرحسین ۱۵ ساله سه پنجه يك دستش در اثر انفلاق يك قلم از بین رفته و داد شاه ۳۰ ساله تمام کلکهای خود را در اثر انفلاق سامان بازی پلاستیکی بشکل پروانه از دست داده است.

۱۴-۷-۱۹۸۰ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

بازیهای اولمپیاى ماسکو احتجاج در روز افتتاح بازیهای اولمپیک در ماسکو ماسکو/Sid/dpa

جشن افتتاح بازی های اولمپیک بروز ۱۹ جولایی در ستادیوم لینن در نوع خود از تظاهرات بی سابقه ای نمایندگی کرد. از جمله ۸۰ کشوریکه در بازیهای تابستانی اولمپیاى ماسکو سهم گرفتند صرف ۴۸ کشور بدنبال یکدیگر با بیرق های ملی خود داخل ستادیوم شدند و متباقی کشورها بنابر تجاوز نظامی شوروی در افغانستان و اشغال آن، بانواع مختلف دست به تظاهرات زدند که از جمله ۸ کشور بصورت کل در مراسم افتتاح بازیها در ستادیوم لینن سهم نگرفتند این کشورها عبارت اند از: بلجیم، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، لوکسمبورگ، هالند، سان مارینو و سویس.

از اینکه کشورهای اروپایی با پروتست انزجار خود را نشان میدهند جای تعجب نبود، زیرا انتظار میرفت که این کشورها همبستگی خود را با دیگر کشورهای اروپایی برملا، سازند، اما جای تعجب این است که بعضی کشورهای افریقایی و آسیا نیز حاضر نشدند با بیرق های ملی خود حتی تنها با بیرق رسمی اولمپیا داخل ستادیوم لینن شوند.

در اخیر هفته گذشته معلوم شد که از جمله ۸۵ کشور سهم گیرنده ۵ کشور دیگر نیز ماسکو را ترك کرده و به کشورهای خود بازگشتند، که به این اساس صرف ۸۰ کشور در ماسکو باقی مانده اند و کشورهاییکه در آغاز از شرکت در بازیهای اولمپیک معذرت خواسته بودند و بعداً با تغییر عقیده سهمگیری خود را اعلام داشته اند عبارتند از: گابون، موروتیوس، نیجر، ولتای بالا، پاناما، سورینام و موزمبیق.

۱۶-۷-۱۹۸۰ تایمز انگلستان

«قوای شوروی در افغانستان صرف کنترل شهرها را بدست دارد»

راپور موفقیت‌های مجاهدین

۵۰ قریه منهدم گردیده است

واشنگتن : ۱۵ جولایی (AFP/dpa/ap)

اردوی شوروی بعد از تجاوز نظامی در افغانستان و گذشتادن ۶ ماه موفق گردیده که شهرهای بزرگ و مراکز بهم پیوسته، خطوط مواصلاتی را تحت کنترل خود درآورد و متباقی ساحات کشور تحت تصرف و نفوذ مجاهدین افغانی میباشد. این مطلب را يك مامور عالی‌رتبه ایالات متحده در واشنگتن اظهارداشت وی عقیده دارد اگر اتحاد شوروی خواسته باشد به تعداد ۱۲۰۰۰۰ عساکر موجوده خود را به دوچند آن توسعه بخشد بازهم نمیتواند موفقیت بیشتری را بدست آورد زیرا اردوی افغانستان به ۴۰۰۰۰ نفر تقلیل یافته و اکثر آنها نسبت بی اعتمادی در برابر شان خلع سلاح شده اند و رژیم کابل سعی می‌ورزد تا جوانان کشور را جبراً داخل خدمت عسکری کند لیکن چنان مینماید که موفقیت نصیب شان نمی‌شود.

برخلاف مشکلات رژیم کابل در رابطه با تهیه مردان جنگی، در بین مهاجرین افغانی در حواشی سرحد بین افغانستان و پاکستان، تعداد بیشماری علاقمند هستند که در راه آزادی کشورشان مبارزه کنند. قرار راپورهای منابع رسمی تا امروز در حدود ۸۵۰۰۰۰ نفر در خاک پاکستان و ۱۰۰۰۰۰ نفر در هندوستان پناهگزين شده اند.

مبارزین افغانی از نگاه کمبود سلاح کدام مشکل چشمگیری ندارند، زیرا یونت‌های عساکر دولتی حینیکه در صف مبارزین آزادخواه می‌پیوندند سلاح و مهمات دست داشته خود را با خود می‌آورند. عساکر دولتی زمانیکه تصمیم بهم بستگی با مبارزین آزادخواه میگیرند کدام ذخایر سلاح و مهمات را نیز طور غنیمت گرفته و به مراکز مبارزین تسلیم می‌کنند و قوای شوروی برای اینکه خطوط مواصلاتی طرفداران مجاهدین را مشکل سازد معبرها و راه‌های پیاده رو را مابین گذاری کرده است.

قرار راپور واصله روز سه شنبه گذشته موفقیت‌های چشمگیری نصیب مجاهدین افغانی

گردیده. در راپورت توضیح شده که در زد و خورد های اخیر در نواحی خوست ولایت پکتیا سه صد نفر از عساکر شوروی کشته و دوفروند هیلوکوپتر و چهار عراده تانک از بین برده شده همچنان در جنگهای اخیر ولایت کنر ۸۰ عسکر رژیم کشته شده و ۱۵ عراده تانک از بین برده شده است.

قرار راپور منتشره روزنامه تایمز انگلیسی در دو هفته گذشته بیش از ۵۰ قریه و دهات توسط بمباردمان شدید قوای هوایی شوروی ب خاک یکسان گردیده اما روزنامه پروادا آنرا این خبر را رد کرده و آنرا محصول پروپاگندهای امریکایی قلمداد کرده است.

ببرک کارمل رئیس دولت افغانستان اظهار داشت اوضاع کشور به سوی نورمال شدن پیش می رود. روزنامه دولتی شوروی پروادا در شماره روز سه شنبه خود مینگارد رئیس دولت افغانستان، ببرک کارمل، بانمایندگان جوانان ملاقات کرده و آنها تعهد کرده اند تا زمینه فعالیت عناصر ضد انقلاب را از بین برده و منحیث یک اورگان در صف واحد بمقابل شان قد علم کنند. روزنامه درباره مذاکرات وزرای خارجه پاکستان و هندوستان مینگارد که در آغاز مذاکرات سه روزه خود آغاشاهی وزیر خارجه پاکستان با ناراسیمهاراو، وزیر خارجه هندوستان موضوع افغانستان را مطرح کرده است طوریکه سخنگویان هر دو جانب اظهار داشتند در این بازدید قضیه افغانستان و جستجوی راه حل آن در راس اجندا قرار گرفته است و قبل از ورود وزیر خارجه پاکستان در هند یک سخنگوی حکومت هند اظهار داشت که ما از تغییر پالیسی سیاست پاکستان در قبال قضیه افغانستان اظهار رضامندی میکنیم حکومت پاکستان سعی میوزد قضیه افغانستان را از طریق دیپلماسی، نه توسط سلاح گرم حل کند و این نظریه بعقیده مارا معقول است.

شنبه ۱۹-۷-۱۹۸۰ نیوسورخر سایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس :

بازدید از پناه گزینان افغانی در پاکستان

مشکلات و موانع در تشکیلات قوای مقاومت

پشاور: اتحاد گروههای مقاومت در پشاور صرف به روی کاغذ موجود بوده و در عمل غیر از آن است. گروههای مقاومت هر کدام از خود مراکز جداگانه دارند و سعی میوزند تاحلقه

مربوطین خود را به تنهایی توسعه بخشیده و تقویت کنند.

مهاجرین نووارد به پاکستان بطور عموم بافتهای قومی رادرنظرگرفته و نزد گروههایی باایشان ازنگاه قومی، لسانی و غیره ساختمان های قبیلوی رابطه دارند، مراجعه میکنند.

همینطور قشر روشنفکر افغانستان نیز نظر باشناخت قبلی ای که با رهبران گروههای مختلف دارند حین ورود به پشاور نزد آنها مراجعه کرده همکاری خود را عرضه می کنند. ازطرف دیگر بعضی از ایشان درتلاش اند تا ویزه یکی ازکشورهای اروپایی و یا امریکا را بدست آورده و در آن ممالک درشق تحصیلی خود کاری پیدا کرده و امرار معیشت نمایند.

سیر زندگی درکمپ های مهاجرین افغانی و بدبختیهای آنها

شب و روز سیل درخواست کنندگان محتاج افغان خاتمه نمی یابد، افغانها با صبروشکیبایی، که درسیمای بعضی از آنها خستگی سفر طولانی بوضاحت دیده میشود، کنار سایه محدود دفاتری که ازطرف حکومت پاکستان اعمار گردیده، بانتظار دریافت کمک هستند و از محل نامعلومی درمیان دفاتر، صدای زنان واطفال شان شنیده میشود که نامهای خود را بحیث مهاجر ثبت میکنند تا کمک بخورنمیری بدست آورند. حکومت پاکستان برای هر مهاجر ماهوار پنجاه روپیه پاکستانی (کمتر از ۱۰ فرانک سویسی) نقد میپردازد و از اینکه با دریافت این پول ناچیز چطور میتوانند زندگی کنند سوالیست جداگانه و از قیاس بدور.

هر روز قصبه های جدیدی متشکل از خیمه های متدرس درحومه شهر پشاور در زمین های لامزروع و یا بستر دریاچه های خشك شده بنا میگردد. برای مهاجرین نزدیک شهر پشاور خیمه های کمکی اردوی پاکستان توزیع گردیده، اما قدری دور تر از شهر کمپ های بزرگتری به نظر میخورد که عده بیشمار این انسانهای بیگناه با انتظار دریافت خیمه هستند درحال حاضر درگودالهایی که شباهت به قبرستان دارد و با چند شاخه درخت پوشانیده شده زندگی میکنند. این مخلوق خداوند زمستان سرد و مرطوب را بحالت فلاکتبار گذشتانده و حال که تابستان است درگرمی سوزان و طاقت فرسای کرانه دریای سند زندگی میکنند و این مردمانیکه بهوای گوارای کوهستانی افغانستان نشو و نما کرده اند وزیر جبر چکمه های روسی و عمال افغانی، وطن زیبای خود را ترك کرده اند، نزدیک بتباهی هستند و روزی نیست که جسد طفلی، یا موسفیدی زیر ریگهای بیابان دفن نشود.

تاحال حدود يك مليون مهاجر افغانی درپاكستان پناهنده شده و هر روز تعداد آنها افزایش می یابد، یقیناً بزودی تعداد ایشان از مهاجرین فلسطین در شرق میانه بیشتر خواهد شد. هر باریکه قوای شوروی باطیارات و هیلوکوپترهای خود بر شهرها، قریه جات و دهات بمباردمان میکند بهمان تناسب سیل بیشتر مهاجرین به کشورهای همسایه سرازیر میگردد.

نفوذ قشر روحانی در جامعه قبیلوی افغان

در رابطه با گروههای مقاومت، که در عین زمان بطور ساده مرجع بازرسی مهاجرین نیز می باشد، رقابت های بین یکدیگرشان بطور واضح محسوس است. اساساً این رقابت ها منشأ اسلامی دارد که هر کدام میخواهد بزعم خود آنرا تفسیر کند و کسی نیست که در ساختمان اصلی مقاومت رول اسلام را قرار ندهد.

در گذشته صبغه ملیگرایی افغانی و اسلام باهم در يك قطار قرار داشتند و آنرا نمیتوانستند از همدیگر جدا فکر کنند که این طرز دید و عقیده در بین قشر روشنفکر افغان بصراحت دیده می شود. ولیکن در این مقطع زمان این سوال خلق شده که کدام نوع اسلام: بنیادگرا، باطرز دید مدرن و یا بشکل عنعنوی؟ در پهلوی نوعیت اسلام سوال دیگر تبارز می کند که در ساختمان سیاسی، اجتماعی و غیره بنیاد های دولتی افغانستان آینده قشر علمای دین چه رول قانع کننده را بازی خواهند کرد.

در این اواخر جوانانیکه از نقاط مختلف کشور به پاكستان مهاجر شده اند از طرف معلمین افغانی که خودشان نیز مهاجر می باشند، در کمپها تدریس میشوند، لیکن ملاها با این طرز تدریس موافقت ندارند بلکه میخواهند که جوانان و اطفال در مدرسه های دینی، که در پاكستان بوفرت موجود است، آموزش دینی ببینند. جای تعجب نیست در افغانستان امروزی که بنای مقاومت مردم بر اسلام گذاشته شده و در برابر اتحاد شوروی بپا ایستاده اند انگیزه تدریس متکی به اساسات اسلام باشد.

در مکاتب مهاجرین يك تعداد معلمین که با حزب «خلق» رابطه داشتند، گروهیکه در مقام رهبری شان حفیظ الله امین، شخصیکه توسط اتحاد شوروی بطور وحشیانه از بین برده شده است تدریس می کنند و در پاكستان، مرکز تجمع مهاجرین افغانی، يك تعدادی این معلمین نیز مهاجر شده اند. در برابر این اشخاص قشر ملاها و روحانیون مهاجر، گذشته خلقی بودن شان را به قضاوت گرفته و نمیخواهند که نسل آینده افغانستان توسط این اشخاص تدریس شوند بلکه

آموزش در مدرسه های دینی بر آن ترجیح می‌دهند.

روابط مشکل با اسلام آباد

مهاجرین افغانی با ساختمان و طرز العمل اداری پاکستان مشکلات زیاد دارند. ضمن صحبت با رهبران و همچنان مهاجرین افغانی استنباط می‌شد که از پالیسی حکومت پاکستان مبنی بر رساندن کمکهای اولی برای مهاجرین افغانی سپاسگذارند، اما از طرز اجراء دوا بر مربوط به مهاجرین افغانی دل خوش ندارند. در توزیع کمک رشوه گرفتن مامورین مربوط کاملاً واضح است. لیکن این اتهام از طرف مامورین پاکستانی رد گردیده. چون مهاجرین افغانی که خود قربانی این سرنوشت هستند، یقیناً بهتر از مامورین پاکستانی از جریان واقف بوده و حق دارند کمتر به مامورین پاکستان اعتماد کنند.

رهبران افغانی در پاکستان پیشنهاد می‌کنند که نمایندگان کشور های کمک دهنده مستقیماً امور توزیع کمکها را تحت نظر و بدست خود بگیرند و دست سومی را از بین بردارند و درباره این پیشنهاد افغانها با یکی از مامورین باصلاحیت کمیشنی مربوط به توزیع کمک صحبت شد و مامور پاکستانی اظهار داشت که حکومت ما حین تبادل پروتوکولها با مراجع کمک دهنده پیشنهاد کرده تا هیتی از نماینده گان خود را به پاکستان اعزام بدارند. تا در توزیع مواد کمکی با آنها همکاری مستقیم کنند ولی این پیشنهاد. به دلیل اینکه حضور این نماینده گان باعث انتقاد رژیم کابل و روسها شده میتواند. رد گردیده است. این طرز دید در وضع کنونی و در منطقه بطور کل قابل تأمل است، زیرا اتحاد شوروی همیشه اخطار می‌دهد که «امپریالیستها» باندهای ضد انقلاب را در افغانستان رهبری میکنند تا در این کشور ناآرامی خلق کنند، و این مطلب باعث می‌گردد تا ممالک کمک دهنده از فرستادن نمایندگان خود برای توزیع کمک و تقاس مستقیم شان با مهاجرین امتناع ورزند.

سرحدات افغانستان برای مردمان پشتون که در هر دو طرف سرحد زندگی میکنند صرف بنام بوده و از دیر زمان کدام قبیودی در رفت و آمد شان وجود ندارد. همچنان قدرت و نفوذ حکومت مرکزی اسلام آباد در ایالت شمال غرب پاکستان آنقدرها عمیق نبوده و مردمان پشتون این منطقه هم آرزو ندارند تا آنها بیشتر از این نفوذ داشته باشند.

اکثریت نفوس چند میلیونی پشتون (پتان) دعوی دوستی با حکومت مرکزی را ندارند بلکه آنها را یا گفتار تحقیر آمیز (پنجابی) یاد میکنند و آنها را جانشین انگلیسها میدانند.

تجاوز اتحاد شوروی در افغانستان و همچنان هجوم مهاجرین افغانی درصوبه سرحد سوال حساس خط دیوراند Durand را، که باعث کشیدگی دایمی بین افغانستان و پاکستان بوده، بیش از پیش مطرح میسازد.

۲۲-۷-۱۹۸۰ فرانکفورترالگیمبانی Frankfurter allgemeine آلمان غرب:

(فشرده، خبر):

گفته میشود که اعضای تیم اولمپبای افغانی در ماسکو از چند کشور جهان غرب تقاضای پناهندگی کرده اند و رئیس تنظیم کننده بازی های اولمپیک شوروی، پوپوف Popow درباره نشر این خبر اظهار بیخبری کرد.

ماسکو ۲۱-۷-۱۹۸۰ يك سخنگوی سفارت ایالات متحده امریکا در ماسکو اظهار داشت: چند نفر اعضای تیم افغانی در بازیهای اولمپبای ماسکو به سفارت های امریکا و انگلستان درخواست پناهندگی داده اند.

ضمن صحبت با خبرنگار انگلیسی يك عضو تیم هفت نفری پهلوانی گفت که برادرش قبل ازین به پاکستان فرار کرده و فعلاً در امریکا زندگی می کند و اومیخواهد که نزد برادرش به امریکا برود. بگفته وی پنج عضو دیگر تیم نیز آرزوی مهاجرت به امریکا و یا انگلستان را دارند.

۲۶-۷-۱۹۸۰ زوددویچی سایتونگ Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب:

ترورهای سیاسی در افغانستان

اقواه است که را تبزاد، معشوقه کارمل کشته شده است

دهلی جدید / dpa :

قرار خیر رادیو پاکستان، دو روز قبل اناهیتا راتبزاد وزیر معارف رژیم کارمل کشته شده لیکن رادیو موصوف درباره منبع این خبر معلومات نداده است.

۲۹-۷-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیماینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

عسویز برجسته روز :

- حکومت کانادا فیصله خود را درباره منع صدور گندم به شوروی بازگرفت.

- محمد رضا شاه پهلوی با مراسم رسمی دولتی در قاهره دفن گردید.

تنه ریچارد نکسن، رئیس جمهور سابق امریکا و پادشاه سابق یونان، کنستانتین از جمله شخصیت‌های برجسته جهانی در مراسم تدفین وی شرکت داشتند و انورالسادات، رئیس جمهور مصر مراسم تدفین هفت روز سوگواری پادشاه سابق ایران را بسویه دولتی اعلام کرد. پادشاه سابق ایران بروز یکشنبه گذشته در قاهره وفات کرد و امروز، سه شنبه، بخاک سپرده شد.

۳-۷-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

فشرده خبر:

کابل در نا امیدی بیشتر

جنگ در افغانستان شدید تر شده می‌رود

اسلام آباد / دهلی جدید / لندن dp-a-ap:

قوای مقاومت افغانی حملات خود را بیشتر بالای همکاران رژیم و مراکز تجمع قوای شوروی در کابل بسیج کرده اند. قرار معلوم مبارزین افغانی بروز یکشنبه ولی یوسف معین وزارت معارف حکومت ببرک کارمل را در نزدیک منزلش به قتل رسانیده اند.

قرار راپور یک سخنگوی «جبهه نجات افغانستان» در حملات اخیر مجاهدین بر میدان هوایی جلال آباد سه فروند هیلوکوپتر و شش عراده تانک را از بین برده و همچنان سه عسکر افغانی و پنج نفر از قوای شوروی را کشته اند.

قرار راپور مارین ولاکت Marin Woolacutt خبرنگار روزنامه انگلیسی گاردین، وضع مردم کابل روز بروز خرابتر شده و در چهره اهالی شهر نا امیدی بیشتر دیده میشود، مردم کابل معتقدند که قوای اشغالگر روسی کشور شانرا بزودی ترک نخواهند کرد و برای مدت طولانی تری باقی خواهند ماند. طوریکه خبرنگار موصوف با بعضی اشخاص مصاحبه کرده مینویسد:

بعقیده مردم افغان بیرک کارمل یک (عروسک تراژیک)، غم انگیز، میباشد ویکی از جوانان تحصیل یافته در انگلستان اظهارداشت: «به عقیده ما بیرک کارمل که درست‌ر شوروی غنوده، نزد ملت افغان از روسها کدام تفاوت نداشته و نزد ما ماهیت یک وطنفروش را دارد».

۳۱-۷-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

متخصصین نظامی دول غربی خاطر نشان میکنند:

بعد از ختم بازیهای اولپیا در ماسکو انتظار حملات شدیدتر شدن بر افغانستان می رود.

بروسل: ۳۱ جولایی:

در خلال سه الی چار هفته بعد از ختم بازیهای اولپیا در ماسکو قوای شوروی در افغانستان حملات شدیدتری را در برابر مبارزین اسلامی افغان آغاز خواهد کرد. مبصرین نظامی کشورهای غربی در بروسل عقیده دارند که اهداف قوای شوروی طوری خواهد بود، تا نقاط تمرکز مبارزین را از بین ببرند، خطوط مواصلاتی و حرکات لوژستیکی شانرا قطع کرده و در قدم آخر آزادیخواهان را بطور کلی قلع و قمع نمایند.

قرار اطلاعات اخیر در حدود ۸۰۰۰۰ عسکر شوروی در افغانستان موجود بوده همچنان در سرحدات نزدیک به افغانستان و ترکمنستان، ۳۰۰۰۰ عسکر قشون سرخ شوروی آماده حرکت جانب افغانستان میباشد.

در شهر ترمز، شهریکه از آنجا قوای موتورریزه ۳۶۰ شوروی داخل افغانستان شد و مارشال شوروی سرگی سوکولوف Sergei Sokolow، مرکز فرماندهی خود را بناء کرده است. سوکولوف فرمانده کوماندوی نمرة ۱۴۰ اردوی شوروی میباشد و در مرکز فرماندهی، جهت برقراری تماس مستقیم با ماسکو، یک دستگاه ستلایت مخابراتی در شهر ترمز نصب و بکار انداخته شده است.

مارشال سوکولوف تصمیم دارد در استراتیژی نظامی اردوی شوروی تغییرات کلی وارد کند زیرا متخصصین پلانگذاری نظامی شوروی در ماسکو، قبل از آنکه عساکر روسی داخل افغانستان شوند، پلان اساسی خود را طوری تعبیه کرده بودند که گویی در برابر دشمنی از کشورهای پیمان ناتو که مجهز با قوای موتورریزه می باشند قرار خواهند گرفت، اما وقتی در صحنه های جنگ داخل افغانستان رویاروی شدند، متوجه گردیدند که در اصل طرح پلان

اشتباه کلی موجود بوده آترا در جنگهای افغانستان نمیتوان استفاده کرد. در واقع در افغانستان فوج عسکری وجود ندارد که با آنها مقابله کنند، بلکه کتله های کوچک مردان وارد به جنگهای جریکی میباشد که بعد از يك حمله به پناهنگاه خود برمیگردند، از اینرو باید پلان جنگ کاملاً تعدیل شده و بادر نظر گرفتن حالت جنگ بشکل دیگری اعیار گردد.

وضع اردوی شوروی، آنهم در جریان روز، شهرها و شاهراها راحت کنترل خود دارند. مورال (روحیه) عساکر شکست ناپذیر شوروی صدمه دیده است، زیرا با این عقیده و تزریق فکری که فتح را بدست دارند و هم اینکه در يك جنگ حق برضد ناحق سهم میگیرند، وارد افغانستان شدند، اما بعد از مدت کوتاهی، مخصوصاً عساکر شوروی جمهوریت های آسیایی، واقعیتها را طوری دیگری ملاحظه کردند. آنها انتظار داشتند در برابر عساکر چینی، امریکایی و یاکدام کشور بیگانه دیگری روبرو شوند، بعوض آنها يك کتله انسانیهای آزادیخواه و مسلمان افغانی را در برابر خود یافتند. بعقیده متخصصین نظامی دول غربی، دستگاه های تربیوی روسی در اثر نارسایی و معلومات ناکافی، موفق نگردیده بودند عساکر خود را در جنگهای گوریلابی با مردمان نواحی کوهستانی آماده سازند.

چون مبارزین آزادیخواه افغانی مراکز فعالیت در داخل افغانستان نداشتند، تا اسیران روسی را در آن مراکز تحویل و تحت بازداشت قرار دهند، با اسیران باخشونت بیحد پیش آمد میکردند و عساکر شوروی بعد از اسارت تیرباران میشدند و حتی بعضی آنها را زنده پوست می کشیدند، نشر این اخبار و چشمدید بعضی عساکر و پروپاگند لفظی تاثیرات عمیق منفی بر مورال عساکر شوروی داشته که بقیماً افشای این حقایق اختلافاتی را در بین کدر رهبری کرملین ایجاد خواهد کرد.

قرار راپورهای واصله از جبهات جنگ، روسها تاکتیک خود را تغییر داده و از مدتیست مناطق تحت اشتباه و مراکز احتمالی مجاهدین را توسط هیلوکوپترها و طیارات بمباردمان میکنند و همین طور خطوط پیاده روی مورد استفاده قوای مقاومت را با ماین های ضد انسانی که توسط طیارات پرتاب میگردد، مفروش می سازند.

با وجود این همه درد سر قوای شوروی، پروسه شوروی گردانیدن افغانستان به کمک دوستان افغانی شان با سرعت تمام پیش میرود. مبصرین نظامی در بروسل راپور می دهند کمی بعد از تجاوز شوروی در افغانستان افسران اختصاصی کی جی بی توسط سه پرواز اختصاصی خط هوایی اینترفلوگ Interflug آلمان شرق به کابل رسانیده شدند و تعداد نامعلومی از

مامورین ورزیده امنیتی آلمان شرق وارد شهرکابل شده و در اداره محابس افغانی با مامورین افغانی همکاری می کنند.

درعین صفحه روزنامه تحت عنوان:

بیلاس مذاکرات هلسنکی، هنوز هم وظایف بیشتر ناقام مانده است، مینگارد:

ماسکو/واشنگتن /بن/۳۱ جولای SAD-Dpa-ap:

پنج سال قبل درهلسنکی (پایتخت فنلند) کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (KSZE) خاتمه پیدا کرد، ضمن محفلی رئیس جمهور ایالات متحده جیمی کارتر و رئیس دولت و سرمنشی حزب کمونیست شوروی لیونید بریژنف، امضای سند هلسنکی را تقدیر کردند و هر کدام از دیدکشور خود در طول این مدت بیلاس کشیده اظهار داشتند:

بریژنف دوسیه اخیر هلسنکی را يك « سنگر مستحکم در رابطه با سیاست (دیتانت) تشنج زدایی» نامیده و در مصاحبه ای با روزنامه پروادا رهبر کریمین علاوه کرده که: « تشنج زدایی، همکاری متقابل و امنیت، مبانی خطوط اساسی حزب و دولت شوروی در اروپا و بطورکل در سیاست جهانی وی بوده و تعقیب میشود».

رئیس جمهور کارتر در رابطه با جریانات روز بعد از امضای قسمت اخیر هلسنکی بیلاس کشیده اظهار داشت: «ایالات متحده آماده است تا قدمهای برداشته شده را دربرآوردن آمال اکت هلسنکی تعقیب کند». وی در عین حال از اعمال اتحاد شوروی یاد آور گردیده گفت در اثر اشغال وحشیانه افغانستان بروحیه اکت هلسنکی و همچنان چارتر سازمان ملل متحد آسیب رسانیده است. وی همچنان یاد آور شد با وجود اینکه اتحاد شوروی در اکت هلسنکی تعهد کرده بود که آزادیهای مردم را در داخل کشور خود تشویق کرده و توسعه میبخشد برخلاف قیود شرایط زندگی بر مردم ازدیاد شده و فشار بیشتر بر آنها وارد شده است.

کارتر در بیانیه خود علاوه کرد که ایالات متحده امریکا سعی میورزد تا در کنفرانس بعدی هلسنکی درخزان امسال که قرار است در مادرید (پایتخت هسپانیه) دایر گردد، به هدف اصلی یعنی مصونیت از تعرض نظامی، نایل گردد.

اگست

ACKU

۱-۸-۱۹۸۰ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

صفحه ششم روزنامه که مربوط به نظریات عام میباشد تحت عنوان «باجدیت کامل» میگذارد:

قوای عسکری شوروی در افغانستان در برابر عساکر رژیم کابل که تا امروز منحیت انتلاقیون شان درجنایات شمرده می شد به تصفیه آنها پرداخته است. دراین اواخر بالای افسران وعساکر دوقشله، که درجنوب غرب شهرکابل واقع اند ویرضد رژیم کارمل بشورش دست زده اند، قوای شوروی بالای شان حمله کرده ودرائر زدوخوردها بین شان تعدادی کشته وزخمی شده است. همچنان سهمگیری قوای شوروی درتنظیم امور داخلی کشوربوضاحت دیده میشود و دربرابر مخالفین رژیم از شدت عمل کارمی گیرند وقرار معلوم در این اواخر مشاور سیاسی اتحاد شوروی درجلال آباد والی ولایت را برطرف وتحت بازداشت قرار داده است.

۵-۸-۱۹۸۰ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

درصفحه روزنامه عکس محبس پلچرخى (از هوا عکاسی گردیده) نشر ومینگارد:

محبس پلچرخى کابل - سمبول قدرت وحشت

درامتداد دیوارهای احاطه محبس بولدوزر ها قبرهای دسته جمعی را حفر میکند.

پلچرخى که در ۱۵ کیلومتری شرق کابل قرار دارد، اسم محبس مرکزی کابل بوده واز ابتدای بقدرت رسیدن کمونیستها در افغانستان واژه، مترادف به ظلم، بیرحمی وکشتار بازر بی سرحد گردیده است.

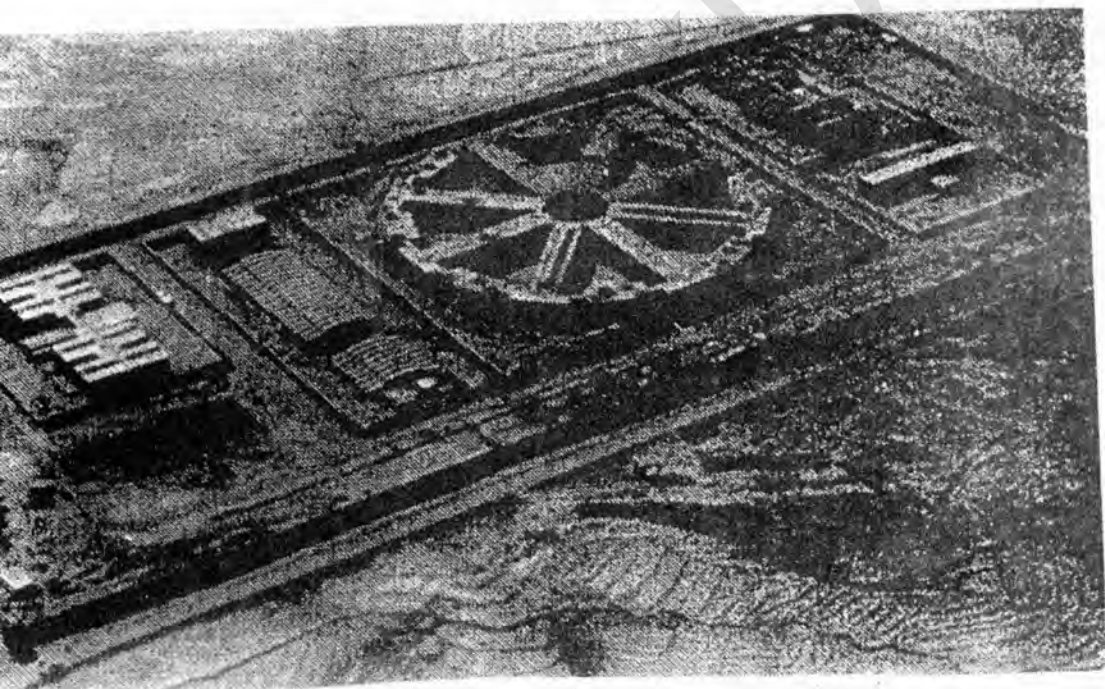
یکی از دیپلمات های مهاجر در پاریس اظهارداشت ازماه اپریل ۱۹۷۸ بانظر طرف بیش ازده هزار نفر بشکل بیرحمانه ، بعد از زجر دادن، کشته شده اند. دوران رئیس دولت حفیظ الله امین را میتوان بدون شك «قله بیرحمی وظلم» نامید. در وقت امین بیش از ۱۵۰۰۰ نفر در این مرکز وحشت و ترور گنجانیده شده بودند.

در اطاقیکه ۱۰ متر مربع ساحه داشت اقلأ هشت نفر زندگی میکردند و این اطاقها دریلان اصلی برای رهائش دونفر پشبینی گردیده بود و همچنان در بعضی بلاک های محبس آب

جاری ویت الخلاء وجود ندارد.

ضمن مصاحبه ای، افسر پولیس سابق افغانستان، هارون شاه آصفی، (۲۸ ساله) که از ماه اپریل ۱۹۷۸ الی ماه جنوری ۱۹۸۰ در پلچرخی محبوس بوده و فعلاً در پاریس زندگی میکند درباره شکنجه ها و کشتار دسته جمعی، که درین شان اطفال نیز شامل بودند، چشم دید خود را بیان می کند. تعداد بیشماری کسانی که از مناطق مختلف کشور بازداشت گردیده بودند نمیدانستند که سبب بازداشت شدن شان چیست؟

صدها و یاهزارها انسان بیگناه که درباره شان هیچ نوع فیصله ای محاکم وجود نداشت در محلی بنام پولیگون برده شده، تیرباران میشدند و بعضی های شان که هنوز زنده بودند. توسط بلدوزر در امتداد دیوار محبس زیر خاک مدفون میشدند.



محبس پلچرخی، سمبول وحشت و جنایات رژیم خلق و پرچم

۸-۸-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

سفر پیاده روی نه روزه در افغانستان

نماینده پارلمان آلمان غرب با مبارزین آزادیخواه افغانی دیدار کرد.

بورگن تودن هوفر Juergen Todenhoefer، وکیل پارلمانی حزب دیموکرات مسیحی به معیت مجاهدین افغانی ملبس با لباس محلی ریش و سیبیل ناتراشیده با احتیاط کامل از بیم عساکر شوروی برای مدت نه روز پیاده از جبهات جنگ در داخل افغانستان دیدن کرد. تودن هوفر که ریچارد شولسی - فوربرگ Richard Schulze Vorberg، فیلمبردار و عکاس آلمانی او مشایعت میکرد، درباره سفرش با نماینده روزنامه بونرابندبلت Bonner Abendblatt در بین ضمن مصاحبه ای اظهار داشت:

س: منظور از قبول این همه زحمت چه بود که ساعت‌های طولانی همقدم با مبارزین افغانی در ارتفاعات ۴۰۰۰ متری از جبهات جنگ بازدید کردید؟

ج: تودن هوفر، سخنگوی سیاست‌انگشکافی حزب مخالف در پارلمان آلمان، هدف از این بازدید مشخص بود، من می‌خواستم بچشم سراوضاع این کشور آسیایی را در وضع فعلی از نزدیک ببینم، زیرا شنیدن و خواندن اخبار ضد و نقیص باعث میگردد که انسان یک جریان را طوری که شاید وی باید تشخیص کرده نتواند.

به جواب این سوال که با کدام وسیله در داخل کشور سفر نموده و از جبهات دیدن کرده و اجازه ورود خود را از کدام مرجع بدست آورده گفت: «از نقطه نظر حقوقی لازم نمیدیدم از اتحاد شوروی و با حکومت کارمل اجازه نامه‌ای سیر و سفر را در این کشور درخواست کنم»، از اینرو تصمیم گرفتم با همراهی یک گروه مجاهدین پای پیاده، با استراحت سه چارساعته در طول شب، از پاره چنار تانزدیک شهر جلال‌آباد سفر کنم، که این کار را کردم.

وکیل پارلمانی و سیاستمدار حزب مخالف حکومت عقیده دارد: «اکثریت مطلق مردم عام افغانستان از مقاومت آزادیخواهان کشور خود طرفداری میکنند و روحیه دفاع از اهداف والای مردم در برابر حکمروایی مستبدانه روسها تقلیل نیافته است».

تودن هوفر: «روسها بشهرها پناه میبرند و شباهت تباهی قراء و دهات افغانستان خرابیهای جنگ جهانی دوم را در خاطر انسان احیاء میکند. وی اضافه کرد که در مذاکرات رویارویی با

رهبران مبارزین آزادیخواه احساس کردم که از کم علاقه گرفتن کشورهای غرب گله دارند و واضحاً میگویند در آغاز قیام مردم افغان بر ضد قوای اشغالگر شوروی کشورهای غربی سرودهای ریخته کرده اند. اما در عمل تا امروز ما نشانه ای از آن همبستگی های ظاهری بچشم ندیده ایم.

قرار معلومات تودن هوفر بعد از تجاوز قوای شوروی در افغانستان و اشغال آن تاحال بین سه صدالی پنجصد هزار از اهالی کشور توسط بمباردهمان کشته شده اند و علاوه کرد که: «روسها با وحشت غیر قابل تصور در برابر مردم افغانستان پیش میروند و چنان مینمایند که پلان کشتار عام این ملت را بصورت سیستماتیک دارند».

۱۲-۸-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

جنگهای شدید در شمال افغانستان :

دهلی جدید، ۱۱ اگست / رویتر :

رژیم کابل برای بار اول اخبار جنگهای شدید را با گروههای گوریلابی در ولایت بلخ نشر کرد. رادیو کابل که در دهلی جدید شنیده شده این خبر را بحواله اظهارات والی بلخ توضیح کرد که «باندیتهای ضد رژیم» بالای شورتیپه حمله کرده، لیکن قوای امنیتی بحمله متقابل پرداخته، يك تعداد این باندیت ها را اسیر گرفته و همچنان بزودی متباقی این باند ها را از بین خواهد برد، وی علاوه کرده که در اثر تهاجم گروه های ضد رژیم پنج باب مکتب و يك گدام مواد ارتزاقی از بین رفته است.

بعد از سپری شدن ماه رمضان در سرتاسر افغانستان جنگها بشدت بیشتر دوباره آغاز گردیده است و رادیو کابل خبر داد که پنجاه نفر از داوطلبان خوش برضا از کابل جانب قندز رهسپار گردیده تا در برابر مخالفین ضد انقلاب بجنگند.

قرار راپور واصله فیض محمد، وزیر سرحدات افغانستان در شهر خوست، ولایت پکتیا، بایک تعداد از عساکر دولتی اقامت دارد تا ازین مرکز نزدیک به سرحد پاکستان جلو تخریبکاری آزادیخواهان را بگیرد.

«اتحاد اسلامی نجات افغانستان» در این اواخر از جنگهای شدید بین مجاهدین عساکر دولتی

در ولایت کنړ، سنگر مجاهدین، راپور میدهد که در این زدو خورد طیارات وهیلوکوپتر رژیم بالای شهر سواج بمباردمان شدید کرده و همچنان یک کاروان منظم قوای شوروی در سرک اسماربه نظر میخورد ولیکن باتمام این قدرت نمایی هنوز کنترول این سرک بدست مجاهدین میباشد.

آغاشاهی وزیر خارجه پاکستان در برابر روزنامه نگاران داخلی وخارجی اظهار داشت که حکومت وی برنامه ای را طرح کرده و در آن پیشبینی شده تا کنفرانس بین المللی ای را برای حل بحران افغانستان دایر کنند در این کنفرانس نماینده رژیم کابل نیز سهم داشته باشد. وی علاوه کرد که حکومت پاکستان تصمیم دارد این پیشنهاد را در مجلس آینده عمومی ملل متحد جهت غور و بحث ارایه بدارد.

۲۱-۸-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

ببرک کارمل اطمینان کامل دارد فاتح این جنگها میشود
چایچسکو رهبر رومانیه، «حل سیاسی بحران افغانستان» را تقاضا کرد
دهلی جدید ۲۰ اگست (AP/Reuter)

رئیس دولت افغانستان، ببرک کارمل، در بیانیه ای اظهار داشت که قوای اتحاد شوروی در افغانستان زمانی این کشور را ترک خواهد کرد که: قوای خارجی از مداخله در امور داخلی افغانستان دست بردارد. وی در بیانیه رادیویی که در دهلی جدید ثبت گردیده، اظهار داشت: که وی متیقن است که قوای امنیتی ونظامی افغانستان در آینده قریب «دشمن های واقعی مردم مارا، عمال ارتجاعی ایرانی، پاکستانی، مصری، چینی و امریکایی را که خون زخمهای مارا می لیسند، نابود کرده و بطور کلی از بین خواهند برد» کارمل در طول مصاحبه چندین بار شوروی را بنام «دولت قهرمان آسیایی» یاد کرد.

رئیس دولت رومانیه، چایچسکو Ceausescu در پیامی از رهبر افغانستان تقاضا کرد تا در راه حل بحران افغانستان از طریق سیاسی اقدام کند. آژانس خبر رسانی رومانی، اگر پرس Agerpres پروژ چارشنبه خبری را نشر کرد که در آن تذکر رفته، نماینده خاص رئیس دولت رومانیه، واسیل پنگان Vasije Pungan که در مراسم جشن استقلال افغانستان به

نمابندگی رومانیه سهم گرفته بود، این پیام چایچسکورا به کارمل تسلیم داده است. وی علاوه کرد که حق مسلم هرکشور در این جهان است تا بدون مداخله دستهای بیگانه درباره تشکیل دولت و حکومت خود تصمیم اتخاذ کند. رومانیه یگانه کشور بلاک شرق است که از تجاوز قوای شوروی در افغانستان انتقاد کرده است.

قرار راپور بک منبع از دپلوماتهای مقیم دهلی جدید در چند هفته اخیر جنگ بین مبارزین آزادیخواه مسلمان و قوای امنیتی و نظامی رژیم کابل که توسط یونت های نظامی قوای شوروی تقویه میگردند، بیشتر شدت یافته است.

قرار راپور واصله در این اواخر برادرزاده، تره کی اولین رئیس دولت مارکسیست افغانستان کشته شده است همچنان در راپور علاوه کرده که درقریه کمری، حومه کابل، برمنازل رهایش اقارب کارمل توسط مبارزین مسلمان حملات شدیدی صورت گرفته است.

رئیس سیاسی اردوی افغانستان، جنرال گل آقا، شایعاتی را مبنی بر فرار یونت های عساکر افغانی و تسلیم شدن شان را به صف مبارزین مسلمان افغانی بشدت رد کرده و آنرا حواله به پروپاگند های میان تهی پاکستان کرده است. قرار اظهاروی بیش از ۳۰۰۰۰ قطع الطریقان افغانی در داخل کمپ های اختصاصی تحت تربیه جنگهای چریکی گرفته شده و به شکل یونت های کوچک برای تخریبکاری به افغانستان فرستاده میشوند. وی همچنان از موجود بودن چنین مراکز تربیوی در خاک ایران نیز یاد آوری کرده است.

۲۴-۸-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

مجازات قوای اتحاد شوروی در حومه کابل

کم از کم ۴۰۰ نفر اهالی پغمان کشته شده اند
پراوادا : مجاهدین از وحشت کار میگیرند.

شخصیتهای نامدار افغانی بازداشت شده اند.

دهلی جدید. ۲۲ اگست / AP:

تقریباً چهارصد نفر از اهالی پغمان توسط قوای شوروی کشته شده اند. از منابع موثق اطلاع رسیده که قوای شوروی بیش از هفت ساعت متواتر توسط توپخانه و تانکها بر مردم

ودهات حومه، پغمان آتشباری کرده است. این آتشباری را میتوان بدون شك قتل عام نامید که بطور سیستماتیک قریه به قریه را منهدم و انسانهای آنرا می کشد بر علاوه کشته شدگان که در اطراف صحنه های آتشباری روسها پراکنده افتاده بودند، صدها زخمی و غیر زخمی خانه و زندگی خود را ترک کرده جانب کابل فرار کرده اند.

تعداد بیشمار این انسانهای بیگناه نسبت قیود راه بندی به شهرنرسیده بلکه در کنار جاده ها جان سپرده اند در شفاخانه های شهر سیروم و کنزرو خون بدست نمی آید. باساس راپورهای عینی بیشتر زخمی ها، زن ها، اطفال ویا پیران بوده که نتوانسته اند با جوانان به کوه ها و مغاره ها پناه ببرند.

دیپلماتهای غربی چند هفته قبل راپوردادند که قوای شوروی آمادگی گرفته تا مردمان پغمان را نسبت مبارزه شان در برابر قوای شوروی شدیداً مجازات کند روز دوشنبه کم از کم یک هزار تانک با عمله روسی اطراف جبهات جنگ را حلقه کردند.

روزنامه پراودا ارگان نشراتی حزب کمونیست شوروی ادعا می کند که مجاهدین با عملیات «وحشیانه» خود به تخریب رژیم دست میزنند. اینها جوانان را با جبر به جبهات جنگ میفرستند، مکاتب را خراب میکنند، کارگران را از کار باز مانده و با خود میکشانند و عساکر حکومت راطور «مانند حیوانات وحشی» میکشند.

ارگان نشراتی حزب کمونیست شوروی برای بار اول از «امپریالیسم امریکا» و «استیلا طلبی چین» نام برده است پراودا علاوه میکند با وجود حملات «ارتجاع خارج از کشور» که دهشت افگنی را به افغانستان صادر میکند مردم افغانستان و علمای دین کشور از حکومت کارمل طرفداری میکنند.

قرار معلوم بکتهداد از شخصیتهای سرشناس افغانستان که میخواستند افغانستان را ترک گویند، بدام قوای امنیتی افتاده و بازداشت شده اند. از جمله این شخصیت ها یکی عبدالصمد غوث است که قبل از کودتای ۱۹۷۸ کمونیست ها بحیث معاون وزیر خارجه افغانستان اجرای وظیفه میکرد. غوث و بکتهداد دیگر از شخصیت های افغانی سه هفته قبل در گردیز، ولایت پکتیا، دستگیر و بازداشت شده است. غوث فامیل خود را قبلاً نجات داده و به پاکستان رسانیده بود وی فعلاً در محبس پلچرخ بسر میبرد. در جمله بازداشت شدگان، استاد یونیورسیتی، دکتور خیر محمد ارسلا و همچنان مدیر عمومی روابط خارجی وزارت پلان

عبدالاحد رشید زاده ، شاملند.

۲۴-۲۵-۸-۱۹۸۰ نیوسور خراسایتونگ Neue Zuercher Zeitung سویس:

جنگهای و حشیانه در افغانستان در حال انشکاف است

یک هیئات بلند پایه نظامی اتحاد شوروی به کابل مواصلت کرد

بعد از ختم ماه صیام پارتیزان های افغانی ابتکار جنگ را بدست خود گرفته وقشون شوروی رادرحومه کابل باجنگهای شدید رویارویی کشانیده اند روز دوشنبه گذشته هیلوکوپترهای شوروی از بالای تپه ای که صرف د وکیلومتر از مرکز شهر فاصله دارد شدیداً بمباردمان کرده و تاحوالی غروب دوام داشت وبعد از یک توقف مختصر دوباره آغاز گردیده و به شدت بیشتر صدای انفجار بمبها وانفلاق گلوله های توپ در دل شب شنیده میشود.

یک دکتور طب افغانی به یکی از سفرای کشور غربی گفته که در این برخورد ها ۲۳ عسکر شوروی و ۲۰ مبارز آزادیخواه افغانی کشته شده اند.

قرار معلومات موثق کسیکه که تا امروز راپورهای واقعی داده است در نیمه هفته گذشته یکتعداد عساکر افغانی ملبس با لباس کار عادی بقریه های نزدیک به میدان هوایی بگرام برای اخذ معلومات از مخفیگاه های آزادیخواهان فرستاده شدند. اما این جاسوس ها از طرف اهالی شناخته شده و دسته جمعی کشته شده اند. حکومت برای مجازات اهالی این منطقه یکروز بعد با آتشباری توپخانه و تانک و همچنان بمباردمان توسط هیلوکوپترها که توسط قوای نظامی شوروی اداره میشود. اقدام کرد.

حدود این قتل عام وحشیانه که انسانها و دهات را باخاک یک سان کرده از تصور بیرون است. قرار معلوم از دو هفته باینطرف یک هیئت عالیرتبه نظامی اتحاد شوروی تازه از شوروی به کابل مواصلت کرده و به کار شروع کرده اند. درباره اسمای این اشخاص معلومات بدست آمده نتوانست. صرف در اطراف مهمانخانه دولتی رفت و آمد بیشتر قوای نظامی شوروی به نظر میرسد و همچنان چند دستگاه سیار مخابراتی که تازه در اطراف مهمانخانه نصب شده است بنظرمی خورد.

تا امروز، جز در آغاز کودتا، این سروصدا جدی در کابل دیده و شنیده نشده وافواء است این

فعالیت ها نسبت مرتب گردانیدن تاکتیک جدید برضد مخالفین رزم میباشد. قتل عام اخیر ویا خاک یکسان کردن دهات، بگرام و پغمان، را میتوان یکی از تاکتیکهای جدید جنرالهای روسی باوحشت بیشتر بر اهالی تطبیق گردد قلمداد نمود.

طوریکه نتیجه گیری شده میتواند جنرال های روسی راه مصالحه و بیرون کشیدن قوای خود را از این کشور درسندارند بلکه تصمیم گرفته اند تا هرچه بیشتر و شدیدتر مردم راچنان ارباب و تولید ترس مجازات کنند که به این وسیله بتوانند رژیم منفور دست نشانده خود را به مردم بقبولاند.

۲۶-۸-۱۹۸۰ زویددویچه سایتونگ Sueddeutsche Zeitung آلمان غرب:

صفحه سوم روزنامه تنها برای تحلیل اوضاع افغانستان اختصاص داده شده که توسط اولاف ایلو Olaf Ihlau، یکی از خبرنگاران ورزیده آلمان تهیه گردیده است:

- افغانستان نه ماه در قید اشغال

شیطان بیخدا نوزاد مردهء بدنیا آورد

بعداز نه ماه اشغال سیاسی و نظامی کشور کوهستانی افغانستان، اتحاد شوروی

ابرقدرت جهانی، در بن بست گیرمانده است.

کابل درماه اگست ۱۹۸۰

میوه فروش موسفید سیب هایی را که گویی تازه از باغ جنت چیده شده درخورجین الاغ بارکرده ودرعقب خود میکشاند بطرف ما اشاره کرده میگوید: «از این جا بیشتر نروید، درآن بلندی روس های لعنتی با تانکها جاده را کنترل میکنند» و بالای ریگ سرخ مایل به نضواری علامت زنجیرهای تانک دیده میشود. این علایم ازبرابر منازل بیلاقی، که زمانی آباد و حال خالی ازسکنه شده، وخیابان زیبای ایکه اطراف آن درخت های چنار وچار مغز پوشیده بود دیده می شود واز لابلای درختان قلیل شامخ کوه پغمان بچشم میخورد.

يك روز بس زیبا ویاشکوه تابستانی!

پغمانی که به ابتکار پادشاه ترقیخواه، امان الله، بنیانگذاری شده درتابستان های گذشته نه چندان دور از داخل باغ ها ویا کنار جویبار اطراف جاده ریگی صدا اطفال و سازچشم وگوش

انسان را نوازش میکرد و در تابستان مردم شهرکابل از هوای گرم آن گریخته و بزیر سایه درختان میوه سایه دار بدون بیم و هراس شبها و روزها را سپری می کردند متأسفانه آن همه زیبایی های این کشور قلب آسیا انسان را مسحور میکرد، دیگر وجود ندارد.

در تابستان گذشته که هنوز روسها این کشور را اشغال نکرده بودند، و بحیث مشاور درپهلوی رژیم قرار داشتند، در این دره زیبا زندگی خاقه یافته بود. ساختمان های این آشیانه کوهی که تقریباً بیست کیلومتر از شهر فاصله دارد، چند بار بدست آزادیخواهان مسلمان و عساکر رژیم رد و بدل شده و هرکدام شکل قلعه های دفاعی بخود گرفته است.

چه روز باشکوه و زیبایی تابستانی، روزیکشنبه، آفتابی با آسمان لاجوردین!

یک هفته بعد تر از اینروز آژانس خبررسانی های جهان از قول منابع موثق ازدهلی جدید خبری رانشر خواهد کرد که: «قوای اشغالگر اتحاد شوروی اطراف دره پغمان را با تانکها و وسایط زرهدار حلقه کرده و برای اینکه اهالی این دره را مجازات کرده باشد بعد از ظهر به بمباردمان توسط طیاره و آتشباری توپ و تانک آغاز کرد که در نتیجه سه صد نفر کشته و عده بیشماری زخمی شده اند و همینطور هزاران نفر برای نجات خود از کاشانه های شان مجبور به فرار بسوی شهرکابل شده اند».

یک خبر از نوع افسانه تاتارها، بهر صورت با شاخ برگ و حجمی بزرگ، خبری که از ماهها باینطرف توسط رسانه ها از این کشور کوهستانی هندوکش به سمع جهانیان رسانیده میشود، مادر فاصله سفر از کابل به پغمان و در بازگشت از طریق بندقرغه گروه فراریان پغمان را جانب کابل ندیدیم و همچنان در مدت توقف و گشت و گذار ما در پغمان نعشی را بروی جاده ندیدیم و کدام منزلی که بخاک یکسان شده باشد به نظر مانخورد بلکه صرف در برابر تعمیر اداری شاروالی سه عراده موتر زره پوش دیده میشد و پایانتر از آن در مقابل «مسجد سرخ» یک عراده تکسی که توسط آتشباری بارگبار مسلسل سوراخ سوراخ شده از جاده منحرف بود، بنظرمی خورد. در این موتر تکسی، مرسیدس، دو روز قبل سه نفر مربوطین حزب خلق توسط مبارزین اسلامی کشته شده و این سه نفر کشته بعداً توسط رسانه های به سی نفر عساکر حکومتی ارتقاء یافته و به اطلاع جهانیان رسانیده شده است.

حمله مبارزین به تکسی درچوکات تاکتیک جدید و پلان شوروی بخوبی میچسپد، بعد

از آنکه خیرکشته شدن سه نفر حزبی به کابل رسید قوای شوروی توسط يك درجن تانک و چندین عراده وسایل زرهدار در محل حاضر شده و در انتهای دره موضع گرفته با آتشباری بدون تشخیص هدف، آغاز کردند و برای تقویه این یونت زرهپوش يك جوقه از هیلوکوپترهای نوع MI-24D در عملیات شامل بودند.

یکی از ناظرین صحنه اظهار داشت که از هیلوکوپتر بمب کوچکی پرتاب گردید که حین اصابت بزمین منفجر گردیده و دیوار ذخیم آتشی با عرض ۲۰ الی ۳۰ متر ساحه را دربر گرفت نظر به تشریح چشمدید این شخص میتوان گفت که این بمبها از نوع بمبهای «فوسفوردار» بوده است.

روسها برای نگهبانی شهر در نظر دارند تا اطراف شهر کابل را توسط کمربندهای امنیتی مستحکم کنند تا هیچ قدرتی نتواند از آن نفوذ و باعث نآرامی در شهر گردد. برای اینکه کمربندهای امنیتی معروض به خطر نشوند هر حرکت ولو کوچک گوریلابی را با شدت هر چه بیشتر جواب داده و اضافه تر میکشند.

اقدام به چنین عکس العمل شدید را اساساً در اشتباه پلانگذاری نظامی ماسکو جستجو کرد که در آغازنه ماهه اشغال افغانستان، مبارزین مسلمان افغان این اقدام کتلهء شیطان های بیخدا را، روسهاکه به آن مسما شده اند، يك اشتباه و تولد يك طفل مرده سیاسی و نظامی ارزیابی می نمایند.

تا امروز کریملین موفق نگردیده حکومت کارمل را طوری اعیار نماید که توسط مردم قابل قبول بوده و استقرار یابد و همچنان موفق نگردیده که در روحیه آزادی خواهی مجاهدین خدشه وارد کند.

اشغال نظامی افغانستان توسط ابر قدرت جهان شرق با در نظر داشت ضایعات بشری و مالی اتحاد شوروی سهویزرگی بوده است. قیام و مبارزه آزادیخواهان، با وجود از بین رفتن تعداد بیشمار اهالی کشور، بیشتر از آن بوده که اتحاد شوروی انتظار آنرا میبرد. اعضای سفارتخانه های اروپای شرقی و کشورهای بیطرف در صحبت با پارتیزن های کشورهای غربی خود چنان مینمایند که: «میشا Mischa» مترادف است با خرس و مقصد از روسها است) نمیدانند که به کدام سو رو بگردانند. اتحاد شوروی از نقطه نظر نظامی در حالت بن بست و از نگاه سیاسی در ختم جاده قرار گرفته است و دور نمای استقرار سیاسی زود رس در افغانستان در حال حاضر

غیرقابل تصور است و از طرف دیگر میتواند این جنگهای فرساینده یکی دو سال بیشتر دوام کند تا زمانیکه از زیر این انبار خاکستر ساختمان جدیدی ظهور کرده بتواند.

بلاوقفه در شهر کابل صدای انفجار و غرش پرواز هیلوکوپتر و طیارات جنگی بگوش میرسد. به این ادعا که غرشها صدای سرنگ پرانی در دامنه کوههای نزدیک میدان هوایی کابل میباشد، کسی باور نمیکند و هم اگر واقعاً صدای سرنگ پرانی باشد، بیشتر برای نقب زدن و انبار کردن راکتها و وسایل جنگی خواهد بود نه برای اعمار کدام جاده برای رفاه مردم.

در جریان شش هفته اخیر، از شروع ماه جولایی باینطرف، يك کمپ بزرگ نظامی در جوار میدان هوایی کابل اعمار گردیده و در میدان هوایی تقریباً ۵۰۰۰ عسکر روسی جمله پروازهای طیارات و هیلوکوپترها را تحت کنترل خود دارند. طیاره DC 10 خط هوایی آریانا بعد از فرود آمدن در میدان صرف ۲۲ دقیقه وقت دارد تا خط پرواز میدان را، برای طیارات غول پیکر انتونوف و جت های میگ روسی که بمب های خود را پرتاب کرده اند، تخلیه کند. حضور روس ها در میدان هوایی کابل طور است که روس ها نمیخواهند داشتن اداره، میدان هوایی را از نظر جهانیان پنهان کنند.

در چنگال پاسداران

قدرت نمایی پاسداران در هر نقطه پایتخت افغانستان که دارای اهمیت است بوضاحت دیده میشود و وزارتخانه های حساس تحت نظارت پاسداران شوروی مانند شکم بند تار پیچ شده اند و در محوطه رادیو افغانستان غیر از قوای امنیتی شوروی دیگر کسی به نظر نمی خورد بقایای اردوی روحیه باخته افغانی توسط قوای شوروی بر اریکه قدرت نشانده شد، در واقع رهبر انقلاب که نه ماه قبل توسط قوای شوروی بر اریکه قدرت نشانده شد، در واقع محبوس پاسداران روسی خود میباشد حتی افواه است که: «وی اجازه ندارد بدون همراهی پاسداران روسی به تنهایی به بیت الخلا برود» این مطلب را يك «م حزبى وی که ایدآل خود را از دست داده تائید کرد. کارمل در قصر سابق شاهی افغانستان «خانه خلق» در يك اطاق مرمین مانند قلعه مستحکم زندگی میکند.

يك حلقه تانکهای حفر شده در زمین و وسایط موتور ریزه با ۱۲۰۰۰ عسکر اردوی شوروی اطراف شهر کابل را احاطه کرده و تحت نظارت عساکر روسی، ملیشاه های «بزب پرچم، جناح بیرک کارمل، هر موتر باردار، مسافر بر و موترهای تیز رفتار را تلاشی میکنند. و افغان ها بعد

از مراتب تلاشی، وقتی از آن قدری فاصله میگیرند، با نظر حقارت این کنترلرهای حزبی را «چوچه های روس» نامیده و بر زمین تف می اندازند.

جوانان حزبی در حقیقت ماهیت «اجساد در حال انتظار» را دارند و سرنوشت شان بدتر از عساکر روسی میباشد. از بین بردن این جوانان تنها هدف مجاهدین نمی باشد بلکه رقابت ها بین احزاب کمونیستی نیز این اشخاص را در نظر دارند. گروه کمونیست جناح «خلق» که بیشتر داد از ملیگرایی می زند رقیب اصلی جوانان جناح «پرچم» بوده و پرچمی ها اهداف مناسبی برای شکارچیان خلقی میباشد.

شعار خلقی ها: «روس ها زمانی ضعیف میشوند که در افغانستان روسهای داخلی از بین برده شوند» که از طرف منصوبین این حزب با جدیت کامل تعقیب میشود و این اهداف سیار پرچمی را سر به نیست میکنند.

در این اواخر مخالفین رژیم، آزادیخواهان مسلمان، نیز موفق گردیده اند تعداد بیشماری از اعضای حزب پرچم را بکیفر اعمال شان برسانند. در ولایات کشور دستگاه اداری و تعلیمی کشور با این ستراتیژی «نابودی کلی» عملاً از حرکت بازمانده است.

تاجاییکه صلاحیت نتیجه گیری را داشته باشیم در افغانستان یگانه قلعه امن، شهر کابل است و بس.

چندی قبل عبدالله رزمجو، سکرتر حزبی پرچم، ضمن مصاحبه ای با رادیو ماسکو اعتراف به خرابی اوضاع در افغانستان کرده، اظهار داشت: «مادرمبارزه با مخالفین رژیم به مشکلات مواجه هستیم» و اضافه کرد: «رهزنان قطار ترانسپورتی دولتی را در شاهراه ها از بین میبرند و امتعه آنها به غنیمت میگیرند، گندم و دیگر حبوبات را میسوزانند، از اینرو برای ما دشوار است، نرخ بلند رفته مواد غذایی را دوباره بحال عادی برگردانیم»، وی در اظهارات خود پیشرفته گفت: «همچنان دشمنان رژیم اعضای فعال حزبی ما را یعنی، معلمین، داکتران و دهاقین را میکشند و مادر این مناطق با کمبود پرسونل مواجه هستیم».

با وجود این اعترافات، رزمجو در ختم مصاحبه با رادیو ماسکو اضافه کرده گفت: «ما بصراحت لهجه به عنوان این دزدها، میگوئیم که ما ترس از ایشان نداریم و قدم به پیش میگذاریم».

اما کسانی که از جریان زندگی روزمره در کابل واقف و با اعضای حزب در قاس هستند با

اظهارات رزمجوادعای نترسیدن از مبارزین افغانی را رد می کنند.

درجاهایی که قوای شوروی نمیتواند و یا نمیخواهد حاضر باشد، این مناطق که بیشتر از ۸۰ درصد آن کوهستانی و تحت کنترل مجاهدین بوده و یا درخلافی قدرت قرارداد از جمله ۳۰۰۰۰ بقایای اردوی افغانستان اضافه از نصف شان درجهات جنگ قابل استفاده نمی باشند و تعداد باقیمانده آن هم درحالت بی اعتمادی مطلق بجنگ روان میشوند. از اینرو تاکتیک قوای شوروی طوریت که جهت اطمینان خاطر خود «برادران افغان خود را؟» درخط اول جبهات جنگ پیش میکند و چون متوجه شدند که آنها دست وپن بجنگ با مبارزین مخالف رژیم شده اند درتانکها ووسایط زره دار خود پناه میبرند و بالای سنگهای کوه به آتشباری آغاز میکنند.

روسها تا امروز بونتهای اختصاصی امثال غندهای کوهی، خود را به افغانستان نفرستاده اند تا درآشیانه های کوه ها مبارزین افغانی را تعقیب کنند. یکنفر متخصص نظامی کشورها غربی اظهارداشت: «تاحال قطعات های اختصاصی روسی در شق مبارزه علیه جنگهای گوریلابی بمشاهده نرسیده است».

به اساس سنجش منابع امریکایی مصارف روزانه اتحاد شوروی در افغانستان بالغ بر ۵ میلیون دالر تخمین میگردد در صورتیکه قیام کنندگان راکتهای زمین به هوا بدست بیآورند خواهند توانست با سقوط دادن هیلوکوپترهای وحشتناک MI-24 از هوا به زمین مصارف روزانه شوروی را بیشتر گردانند، زیرا هر فروند هیلوکوپتر که باوسایل خیلی پیشرفته الکترونیکی مجهز است تقریباً ۳ ملیون دلار ارزش دارد لیکن در این محاسبات بهای نابودی انسان هائی که در این کشور بجنگ گماشته شده اند شامل نیست. درجنگهای افغانستان تاحال از مجموع ۱۱۰۰۰۰ نفر عسکر شوروی بیش ازچند هزار نفر آنها کشته شده اند ودرشایعات داخل شهر هر شب یک طیاره با ۲۵ تابوت جانب شوروی پرواز میکند. احتمال دارد این احصائیه گیری از آرزوی مردم نمایندگی کند. بهر صورت مطلبی ثابت اینست که پروسه از بین رفتن روحیه، عسکر قوای شوروی طور چشمگیر درحالت پیشرفت است، طوریکه برنامه گذاران شوروی مجبور شده اند عساکر شوروی را درافغانستان بعد از یک دوره اقامت کوتاه باعساکر تازه دم تعویض کنند.

یک دیپلمات غربی که تجربه جنگ دوم جهانی را دارد اظهارداشت: «جای تعجب نیست

که این عساکر بنام دوستان مردم و دفاع شان در برابر قوای بیگانگان به این کشور آمده اند این عساکر هر لحظه بجز از چهره هایکه از آنها نفرت بار و قیافه بشاش و تبسمی را نمی بیند از زندگی سیر شده اند این جوانان روسی هیچنوع سرگرمی ندارند و جایی برای خوشگذرانی رفته نمیتوانند، حتی در این کشور فاحشه خانه ای وجود ندارد تا لحظه ای رابخوشی بگذرانند».

من در دره زیبای کوهدامن باموتر روان هستم و میخوامم از تفریحگاه مردم کابل، استالف این بیشه جنت نما که مانند آشیانهای در دامنه کوه قرار داشته و بیشتر به تابلوی نقاش ماهری میماند و از کابل در حدود ۵۰ کیلومتر فاصله دارد، دیدن کنم. استالف پارک زیبایی دارد و چه کسی میداند زمانیکه در اینجا بابر، موسس سلسله امپراطوری مغل در هند زیر سایه های درخت ها نشسته بوده، چه در خاطرش میگذشت.

دیپلماتهای کشورهای خارجی اجازه ندارند در این جاسفرکنند صرف افراد رژیم و روسها بعضی اوقات برای کنترل منطقه میآیند. زمانیکه دکانداران بازار استالف از مواصلت من خبر شدند و دانستند من آلمانی هستم از من بامحبت که خاصه شان است پذیرایی و مهمان نوازی گرم کردند. انگور و شفتالو برایم آوردند و برایم از پرتاب کاغذ هایکه توسط هیلوکوپتر به مردم استالف میرسد و در آن نوشته شده بود از کمک اتحاد شوروی که آنرا «خواستہ خداوند» تعبیر کرده که برای کمک به ببرک کارمل فرستاده شده اند، تذکر دادند که در مقابل جواب بازار استالف کوتاه است: «خداوند روسها و بچه گگهای روس را نیست و نابود خواهد کرد».

۲۸-۸-۱۹۸۰ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

وزرای امین اعدام شدند؟

دهلی جدید(ای پی)

در این اواخر کم از کم چارنفر از وزرای کابینه حفیظ الله امین در کابل اعدام گردیدند. قرار اظهار مسافرین وارد شده در دهلی این اشخاص مربوط حزب کمونیست خلق، مخالف حزب برسراقتدار پرچم، بودند وزرای اعدام شده عبارت اند از: وزیر تعلیمات عالی، وزیر اطلاعات، وزیر آب و برق و وزیر زراعت.

درعین صفحه روزنامه خبری دیگری به این عنوان نشرگرده:

ضیاء تقاضای کمک میکند

راولپندی (رویترا):

قرار اظهار جنرال ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان بیش از يك ملیون پناهگزين افغانی در پاکستان به کمک ضرورت دارند. ضیاء در صحبت با نمایندگان هلال احمرین المملی اظهارداشت اکثر مهاجرین اطفال، زنان و مردان پیر میباشند و این کتله بزرگ جامعه افغان ضرورت مبرم به دوا و مواد ارتزاقی دارند.

۳۰-۸-۱۹۸۰ فرانکفورتر الکیماینی Frankfurter Allgemein آلمان غرب:

جلال آباد توسط مجاهدین محاصره گردیده است؟

رژیم کابل باز هم جهان غرب را متهم میسازد.

لندن ۳۰ اگست (dpa) بحواله خبرنگار روزنامه دلی تلگراف از لندن، شهرنظامی جلال آباد توسط مجاهدین محاصره شده است. قرار اطلاع از يك منبع موثق، فرماندهی قوای نظامی شوروی در کابل، روز پنجشنبه عساکر تقویتی ای را توسط چندین پرواز طیارات به کمک افرادی که در قشله عسکری جلال آباد محصور بودند فرستاده تادیوار محاصره را بشکنانند.

روزنامه انگلیسی علاوه میکند برای اولین بار چلینج ایست که قوای شوروی دریک امتحان بزرگ باید موقف خود را ثابت کند.

شهر نظامی جلال آباد در موقعیت مهم ستراتیژیکی، بین کابل پایتخت افغانستان و کوتل خیبر در پاکستان قرار دارد و قرار راپورواصله والی ننگرهار از مقر کارخود فرار کرده و در قشله عسکری نمبر ۱۵ جلال آباد پناه برده است و مجاهدین تمام راههای جانب شهر را ماین گذاری کرده اند.

مسافرینی که از کابل به دهلی جدید مواصلت کرده اند اظهار داشتند: روسها بالای قریه های شمال کابل بمباردمان شدید و قتل عامی را که در تاریخ افغانستان دیده نشده، رویدست

گرفته و تنها در قریه خم زرگر جمعاً ۱۷۰۰ نفر نفوس داشت در اثر پرتاب بمب های ناپالم همه شان از بین رفته و صرف ۲۰۰ نفر از این سانحه جان به سلامت برده اند.

وزیرماليه افغانستان، عبدالوکیل، در کنفرانس ملل متحد در رابطه با پروپلمهای شمال - جنوب اظهار داشت: «کشورش يك مملکت رویه انکشاف بوده که تحت فشار های سیاسی و اقتصادی، که توسط قدرتهای بزرگ بین المللی و حلقه های امپریالیستی و ارتجاعی بوجود آمده، صدمه های بزرگ را متحمل گردیده است که از جمله این فشارها یکی آنهم طورمثال قطع شدن توريد مواد ارتزاقی به افغانستان میباشد» وی اضافه کرده: «رژیم بر سراققدار در افغانستان میتواند مشکلات اجتماعی و اقتصادی خود را خود حل کند و این در صورتی امکان پذیر است که در مملکت صلح به میان آید. بازگشت صلح و امنیت در افغانستان باید مورد علاقه تمام کشورها باشد پروسه صلح در این مملکت به نفع کشورهای جهان نیز میباشد».

در عین ستون روزنامه تحت عنوان

«ورود گروه های ضدگوریلابی کیویایی در افغانستان» مینگارد:

لندن، ۲۹ اگست (AFP)

قرار راپور واصله مشاورین کیویایی، خاصتاً متخصصین جنگهای ضد گوریلابی در جنگهای افغانستان شرکت دارند. این مطلب را روزنامه دیلی تلگراف بحواله راپورهای منابع موثق از دهلی جدید نگاشته است. باساس راپوری از منابع دیپلماتهای مقیم کابل، روزنامه موصوف مینگارد از مدتیست نام نویسی شمول اتباع کیویایی در یونیورسیتی کابل بطور چشمگیری بلند رفته است.

بادر نظر داشت این مطلب باردیگر به اثبات میرسد قوای عسکری اتحاد شوروی موفق نشده به تنهایی جوابده مبارزین آزادیخواه مسلمان افغانستان گردد.

سپتامبر

ACIKU

۱-۹-۱۹۸۰ هامبورگر آبنديلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

تحت عنوان برجسته معجزه دانزيك Damzig مينگارد:

وارشواو: ليخ واليسا Lech Walesa رهبر مظاهرات اتحاديه كارگران دانزيك درپولند اظهار داشت: رژيم كمونيستي پولند مقاومت بيشتتر کرده نتوانست وموافقه کرد درآينده كارگران حق دارند تا بصورت آزاد در انتخابات اتحاديه كارگران شرکت کنند و همچنان درباره پلانگذاري اقتصادي دستگاه سهم داشته باشند. بعد از مظاهرات دامنگير كارگران كشتي سازي پولند در دانزيك اين دست آورده بنام «معجزه پولند» مسمي گردیده و در كشورهاي بلاك شرق رويداد هاي اخير پولند يك حرکت محيرالعقول شناخته شده است.

(ياد آوري: حاصل مبارزات مردم افغانستان وتاثير مستقيم رويداد هاي كشور ما بر ممالك زير يوغ استثمار اتحاد شوروي، مظاهرات دانزيك بود كه ميتوان آنرا جزوي از موزائيك قيام مردم افغان شمرد. مولف)

۱۲-۹-۱۹۸۰ فرانكفورتر الكيماني Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

مسكي Muskie اظهار داشت: با اتحاد شوروي بايست درباره بحران افغانستان مذاكره شود. واشنگتن ۱۱ سپتامبر (dpa) وزير خارجه ايالات متحده از اتحاد شوروي تقاضا کرد تا درباره بازگشت قواي نظامي خود از افغانستان غور کند. وزير خارجه امريكا در مصاحبه اي با خبرنگار والاخ Wallach اظهار داشت كه وي عقیده دارد رويداد هاي اخير در پولند در بين كشورهاي بلاك شرق «امواجي بزرگي را خلق خواهد کرد».

مسكي در نظر دارد باوزير خارجه شوروي، گروميكو، بتاريخ ۲۵ سپتامبر در نيويارك ملاقات کند، در صفحه سوم اين روزنامه درباره تحليل نظامي در افغانستان مينگارد:

آيا روسها در نظر دارند تا در افغانستان سيستم دفاعي هوايي اعمار کنند؟

راپورهاي ماسكو از مناطق جنگ در افغانستان هنوز هم جلايش بوقلموني دارد

ماسكو ۱۳ سپتامبر ۱۹۸۰:

قرار اظهار مبصرین اختصاصی وظیفه فعلی واصلی ماسکواعمار شبکه های وسیع دفاع هوایی در افغانستان میباشد در این اواخر ماسکو وسایط مختلف دفاع هوایی را با افغانستان فرستاده است که این موضوع یعنی تقویه قوای دفاع هوایی باید از دونظر ارزیابی گردد.

اول جهت برقراری امنیت، کنترل خطوط مواصلاتی زمینی و

دوم محافظت میدان های هوایی در کشور.

در افغانستان خط آهن وجود ندارد و اتحاد شوروی مجبور است تا وسایل مهم و پیشرفته خود را توسط طیاره به مناطق جنگ برساند همچنان به نظر می رسد که اتحاد شوروی می خواهد تا برای مدت طولانی تری در این کشوری بماند دیپلماتهای غربی بادر نظر داشت این مطالب نگرانی دارند که روسها میخواهند از این کشور منحصی یک پلاتفورم نظامی برای مقاصد آینده استفاده کنند.

فعلاً در افغانستان ۸۰۰۰۰ الی ۹۰۰۰۰ عسکر قوای شوروی موجود بوده و با اضافه کردن تعداد دیگری از اتباع روسی از قبیل مشاورین در ادارات دولتی و غیر نظامی مجموع روس ها در افغانستان بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر تخمین می گردد که این تعداد نسبتاً بزرگ با وجود اقامت نه ماهه در این کشور هنوز در دوره آموزشی قرار دارند.

تاکتیک نظامی شوروی طوری است که در جنگهای گوریلابی محتاطانه عمل نموده از «جنگهای بزرگ جبهه ای» و یا جنگهای «صاعقه وی باتلفات زیاد» خود را کنار بکشد.

روسها برای اینکه برضد مخالفین رژیم بطور موثر اقدام کرده بتوانند در تاکتیک جنگها تغییر وارد کرده و تصمیم گرفته اند که «ساختمان قوای کوماندویی را غیر متمرکز گردانند» این عدم تمرکز قوا و همچنان خاصیت جنگهای گوریلابی باعث گردیده که تعداد واقعی و دقیق قوای شوروی در افغانستان بدست نیاید. همچنان ارقام دست داشته از تعداد قوای شوروی توسط کنترل ستلایت ها، باستثنای شبکه دفاعی هوایی، آمارگیری صحیحی را مشکل میگرداند. از اینرو از توضیح قرین بواقعیت جبهات جنگ نمیتوان بصورت حتم صحبت کرد برخلاف ادعای رسانه ها در اتحاد شوروی مبنی بر اینکه اوضاع در افغانستان بحالت نورمال نزدیک شده درست نبوده بلکه متخصصین غربی عقیده دارند که این ادعا واقعیت نداشته.

صحنه های جنگ در افغانستان بیشتر و عمیقتر گردیده است.

تعداد مبارزین آزادیخواه افغانی، بنا بر ادعای آمرسیاسی اردوی رژیم، جنرال گل آقا، به ۳۰۰۰۰ نفر بالغ گردیده اما متخصصین شوروی بطور غیر رسمی از تعداد ۱۰۰۰۰۰ نفر صحبت میکنند و متخصصین غربی این تعداد را تنها مربوط به مبارزین فعال داخل پیکار میدانند. زیرا در بین اهالی کشور تعداد مخالفین رژیم بیک کارمل و اشغال افغانستان توسط قشون شوروی بیشتر از این تعداد بوده میتوانند در صورت ضرورت با مبارزین آزادیخواه افغانی متفق شده و مبارزه گرم بپردازند.

در مطبوعات شوروی همیشه صحبت از رسانیدن کمکهای مالی و نظامی توسط ایالات متحده، چین، عربستان سعودی، و مصر از طریق پاکستان مطرح است و همچنان متخصصین شوروی در ماسکو عقیده دارند که در بین گروههای مختلف گوربلاها اختلافات موجود بوده و نمیتواند تحت یک فرمانده واحد سوق گردیده و اداره شوند.

از اینکه وضع در اردوی رژیم چگونه است میتوان گفت شواهد حاکی از آن است که همبستگی شان را با رژیم نمیتوان بنیادی خواند زیرا تعداد فراری از اردو و ملحق شدن شان با مبارزین آزادیخواه افغانی روز بروز بیشتر شده است و علاوه بر این معضله یک تعداد زیاد افسران مربوط به فراکسیون مخالف حزب بر سر اقتدار کابل میباشند که با رژیم همکاری نمیکنند و بیشتر این افسران مربوط به «حزب خلق» (از طرفداران تره کی - امین) میباشند و با «پرچم» (گروه کارمل) اختلافات عمیق دارند.

از اینکه اتحاد شوروی تا حال چرا بیک حمله وسیع جبهه ای اقدام نکرده، متخصصین غربی در ماسکو چند نکته، سیاسی را تحت مطالعه قرار میدهند.

اول اینکار ماسکو علاقه مند است با ایالات متحده در مورد تسلیحات ستراتیژی باب مذاکرات را باز کند؟

دوم ماسکو سعی میورزد تا «کنفرانس تعقیبه ای هلسنکی KSZE در مادرید، راکه به «دیتانت در اروپای غربی» ارتباط داشته برای اتحاد شوروی حایز اهمیت حیاتی است موفقانه باشد. از اینرو اتحاد شوروی در نظر دارد قدرت خود را در افغانستان «آهسته و بدون سروصدا»

توسعه بخشد.

علاوه بر نکات ذکر شده اشغال ماجر جویانه افغانستان به تهیه هزینه کمرشکن ضرورت دارد و اتحاد شوروی مجبور است تا خواسته های گزاف لویستیکی کارمندان نظامی خود را در افغانستان تمویل کند.

طرح اتحاد شوروی در مورد جستجوی راه حل سیاسی بحران افغانستان، با اساس پیشنهاد حکومت ببرک کارمل، در محافل سیاسی جهان انعکاس مثبت نکرده و برای اینکه این مفکوره را بالای اذهان جهانیان قبولانیده بتواند ماشینری پروپاگاند اتحاد شوروی باشدت به حرکت افتاده است.

در این اواخر رئیس دولت و حزب کمونیست شوروی لیونید بریژنیف در بیانیه ای در الماتآ (Alma Ata) اظهار داشت که: «اتحاد شوروی در همبستگی خود با رژیم کابل پایدار خواهد بود و طرح پیشنهاد شده حکومت کابل را تأیید میکند».

بریژنیف در تاکتیک و طرز العمل خود موقف متزلزل جنرال ضیاء الحق را محاسبه کرده و امیدوار است در کوتاه مدت «وضع مناسبی» در آنکشور بوجود آید تا به نفع حل بحران سیاسی افغانستان تمام شده بتواند.

از طرف دیگر تماسها و اشارات سیاسی شوروی - افغانی در ایران نفعی بیار آورده نتوانست و از دید ماسکو موقف تهران در رابطه با افغانستان «خصمانه» تعریف شده است.

مبصرین سیاسی کشورهای غربی حدس میزنند احتمال دارد هندوستان جهت حل سیاسی بحران افغانستان ابتکار را بدست بگیرد. قبل از این یکبار دیگر هندوستان در استقرار حکومت هنگ - سامران Heng Samrin در کمبودیا وظیفه «ساعتک تقویه ضربان قلبی» را بعهده گرفته و موفقیتهای نصیبش گردیده است و از اینرو ناظرین سیاسی کشورهای غربی سوال میکنند که آیا حکومت هند و اندیراگاندی، اعضای بنیان گذار کشورهای غیر منسلک، پیشنهاد حل سیاسی حکومت کابل را تقویه و آنرا در محافل سیاسی پشتیبانی خواهد کرد و یاخیر؟ ولی در هر صورت باید انتظار انکشاف بیشتر و جدید را کشید.

۱۵-۹-۱۹۸۰ هامبورگر آندبلیت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

فرار دسته جمعی: کابل فعلاً تنها ۷ پیلوت دارد

فرانکفورت، ۱۵ سپتامبر:

کپتان خط هوایی «آریانا افغان» حاضر نشد که طیاره DC-10 خط هوایی افغانستان را دوباره به آنکشور بازگرداند.

از زمان اشغال افغانستان توسط قوای شوروی بیشتر از ۲۵۰ نفر پیلوتها، تخنیکرها، ستواردیسها و دیگر کارمندان خط هوایی افغانی به اروپا و امریکا فرار کرده و درخواست پناهندگی داده اند و فعلاً در افغانستان صرف ۷ نفر پیلوت برای آریانا باقیمانده و بس. این مطلب را دیروز شام چیف پیلوت آریانا، کپتان حبیب الله بلخی، در حضور خبرنگاران اظهار کرد به عقیده وی بعد از این آریانا قادر نخواهد بود به پروازهای بین المللی توسط کارمندان خود اقدام کند. علاوه بر کپتان بلخی پیلوت دیگر افغانی، که باید طیاره ترمیم شده آریانا را از هامبورگ به کابل برمیگرداند، در فرانکفورت باقی مانده و حاضر نشد به کابل بازگردد.

پیلوتهای آریانا سبب اصلی بازنگشتن شانرا بوطن خود چنین توضیح کردند که:

«زمامداران کابل آنها را مجبور میکرد که عساکر، سلاح و مهمات را توسط طیاره های آریانا به مناطق جنگ برسانند. این اوامر شان از دید ما غیر قابل قبول است.»

۱۵-۹-۱۹۸۰ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

دو وزیر و یک جنرال رژیم کارمل کشته شدند

کابل (AFP/AP): یک سخنگوی مبارزین مسلمان افغانی اظهار داشت دو وزیر کابینه و یک جنرال رژیم کابل در ولایت پکتیا کشته شدند که عبارتند از فیض محمد وزیر سرحدات، نظر محمد وزیر فواید عامه و جنرال پاچاگل قوماندان عمومی ملیشها که توسط یک گروه مبارزین مسلمان با رگبار مسلسل کشته شدند. این هیئت به پکتیا رفته بود تا اهالی منطقه را بظرفداری

رژیم دعوت کنند.

۱۷-۹-۱۹۸۰ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

تحت دو عنوان برجسته مینگارد:

عنوان اول: شجاعت افغانها از قیاس بشر بیرون است



مجاهدین جانباز بر لاشه هیلوکوپتر

عنوان دوم : سفر با طیاره در افغانستان مفهوم «بازی رولت روسی» را دارد



کیتان حبیب الله بلخی درمیدان هوایی بین المللی فرانکفورت

۲۰-۹-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب :

حملات تروریستی مجاهدین

تهاجم بریک یونت تانک شوروی باتلفات زیاد؟

ماسکو، ۱۹ سپتامبر (رویترا):

روزنامه نوی ورمیچا Nowoje Wremja زیر عنوان خرابکاری و حملات تروریستی توسط

گوریلاها، دشمنان حکومت افغانی مینگارد:

قبل بر این رادیو ماسکو بحواله تاس خبری را پخش کرد که قطاع الطریقان و دشمنان مردم افغان کشتزارهای را که آماده درو بودند از بین برده اند و همچنان شاهراهها و پلها را تخریب ولاینهای برق را قطع کرده اند و در خلال حملات بر قریه ها تعداد بیشماری اهالی را

کشته و اجساد کشته شدگان، اعم از زن ها، اطفال و مردمان موسفید رابجا مانده و خود شان بعد ارتکاب این جنایات، به پناه گاههای خود بازگشته اند. درهرات شهر غربی افغانستان عناصر ضد انقلاب چندین دوکان را سوختانده و اموال آنها دزدیده اند و همینطور در ولایت نیمروز بند آبگردان را تخریب کرده اند. این خرابکاری ها مناطق مختلف افغانستان را احتوا کرده است طوریکه در ولایت ننگرهار يك مکتب را آتش زده و درمسیر شاهراه جلال آباد - کوتل خیبر به يك پروژه زراعتی دولتی حمله کرده و مواشی داخل پروژه را باخود برده اند. در حلقه دپلوماتهای مقیم دهلی جدید، باساس راپورهای وارده از کابل، صحبت از بین برده شدن يك یونت زره دار شوروی در دره پنجشیر مطرح است همچنان در جریان هفته گذشته درشهر سروری در ۴۰ کیلومتری شرق شهر کابل وقریه کاریز میر درشمال کابل جنگهای شدیدی باتلفات زیاد رخ داده است.

۲۲-۹-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

قوای بحری استرالیا در بحر هند

«عکس العمل جهان درباره اشغال افغانستان»

سنگاپور، ۲۱ سپتامبر:

برای اولین بار حکومت استرالیا يك «قوای مستقل» خود را به بحر هند اعزام کرد. در بندرگاه سیمباوانگ Sembawang سنگاپور، کشتی جنگی بزرگ طیاره بردار استرالیایی موسوم «ملبورن» و چهار مخرب باکشتیهای تهیه مواد لوژستیکی، لنگر انداختند که پس منظر سیاسی و نظامی این اقدام يك امرخیلی جدی است زیرا بعد از ختم جنگ جهانی دوم اولین باریست که استرالیا يك چنین قوای مهم خود را در آبهای بحر هند سوق داده است.

وزیر دفاع استرالیا جیم کیلن Jim Killen اظهارداشت وجود و قدرت نمایی بیحد اتحاد شوروی در آسیا ایجاب میکند تا چنین عکس العمل ازخود نشان بدهد. قوماندان اعلی این کشتی های جنگی، پیتر دویل Peter Doyle هنگام مواصلت به بندرگاه سنگاپور اظهارداشت:

«نگرانیهای عمیق مادر رابطه با اشغال و بحران موجوده در افغانستان» جوابده این

تصمیم ما است.

وی علاوه کرد که ما میخواهیم بصورت عملی و علنی همبستگی خود را با کشور متحد ما، ایالات متحده امریکا بدنیان نشان دهیم و اضافه کرد «ما در نظر داریم يك مانور بزرگ بحری را با کشتیهای جنگی متحدین ما امریکا و کشتیهای، بازگشته از آبهای چین، انگلستان رویدست بگیریم» و برنامه ماطوری تنظیم گردیده که این مانور تا آبهای بین المللی سواحل مالیزیا، هندوستان و سیریلانکا پیش رفته وهم کشتیهای تانک مواد نفتی طرف ضرورت کشتیهای جنگی را بسوی غرب و درآبهای خلیج روانه کنیم و قرار است این مانور دسته جمعی و بزرگ برضد اعمال اتحاد شوروی مدت سه ماه را دربرگیرد.

قرار است درآسترالیا پنج هفته بعد انتخابات پارلمانی صورت بگیرد سیاستمداران از دیتانت صحبت نمیکنند بلکه بیشتر از همه موضوع تجاوز قوای شوروی به افغانستان و اشغال آن که صریحاً سیاست دیتانت را شکسته و پایمال کرده است مطرح می باشد.

در بودجه کشور در سال ۱۹۸۱/۱۹۸۰ از دیاد چشمگیری در مصارف وزارت دفاع استرالیا پیشبینی گردیده است. در نظر است بودجه دفاعی کشور در حدود ۱۸٪ تزئید باید قرار است يك کشتی جدید طیاره بردار به مبلغ ۷۰۰ میلیون دالر خریداری شود این مبلغ در بودجه دفاعی استرالیا گنجانیده شده است. ظرفیت کشتی ۲۵ ساله در ملبورن کمتر از نصف ظرفیت کشتی طیاره بردار کیو Kiew روسی که فعلاً در آبهای بحر هند در حرکت است می باشد. بر علاوه بر این استرالیا مبلغ سه میلیارد دالر برای خریداری ۷۵ فروند طیاره «قوای تاکتیکی» از امریکا تخصیص داده که امریکا تولید و فروش آنرا قبول کرده است.

ادمیرال دوئل در اظهارات خود علاوه کرد که در نظر دارد با کشتیهای خود کشتیهای تحت البحری دشمن را مراقبت کرده و از عبور و مرور اموال تجارتي در این منطقه محافظت کند.

در پهلوی این تجویزات، براعظم پنجم جهان، در نظر دارد تا حلقه دفاعی واشنگتن را در سیاست آسیا و پاسیفیک تقویه کرده و به پیلوتان طیارات بم افکن بی B52 که از گوام Guam پرواز میکند، اجازه دهد تا به میدانهای هوایی استرالیا فرود آمده و مواد سوخت بگیرند تا امکان فعالیت بیشتر در قوس تحت نفوذ این پروازها میسر گردد در حلقه نظامیان صحبت از اعمار کوکبرن سوند Cockburn Sound بحیث يك پایگاه جدید قوای بحری امریکا می رود. این پایگاه گنجایش ۷۰۰۰ - ۱۰۰۰۰ نفر را خواهد داشت. جای تعجب نیست در این روزها یکدم اندازه انسان با مردان ملبس با یونیفورمهای نظامی در ملبورن و کانبیرا مواجه میشود.

اکتوبر

ACKLU

۴-۱۰-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیماینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

صفحه چهارم روزنامه تنها درباره قضیه افغانستان اختصاص داده شده است یکی از دانشمندان سرشناس آلمان بنام دکتورینس هکر Dr. Jens Hacker از شهر کلن تحت عنوان برجسته «مفاهیم غیرمنسلک، ساحه تحت نفوذ و افسانه پالتال» مینگارد:

فورمولبندی و سوالهای جدید بعد از اشغال افغانستان:

زمانیکه رهبران شوروی در ماه دسامبر سال گذشته تصمیم گرفتند که افغانستان را اشغال کنند، انتظار داشتند این عملیه مفتضح و نقیض حقوق بشر توسط جهانیان به زودی بفراموشی سپرده خواهد شد اینها قیاس میکردند که مانند سرکوبی قیام مردم مجارستان در خزان سال ۱۹۵۶ توسط اردوی شوروی و همچنان منکوبی «جنبش بهار پراگ» در ماه اگست سال ۱۹۶۸ توسط پنج کشور پاکت وارسا، اشغال افغانستان نیز مختوم تلقی خواهد شد، اما این آرزوی شان باخاک یکسان شد زیرا این بار اتحاد شوروی برای اولین بار بر یک کشور مستقل و غیرمنسلک در دسامبر ۱۹۷۹ حمله و آنرا اشغال کرده است و جهان در برابر شان پرخاش کرده و دنیا را برایشان تنگ گردانیده است.

گرچه تجاوز نظامی سالهای ۱۹۵۶ و ۱۹۶۸ مجارستان و چکوسلواکی از نقطه نظر حقوق بشری اشغال افغانستان در سال ۱۹۷۹ تفاوت ندارد، باوجود آن دو کشور متذکره تحت نفوذ اتحاد شوروی، حاصل جنگ جهانی دوم، و عضو پیمان دفاعی وارسا بودند ولی هدف از اشغال افغانستان و توسعه نفوذ بیشتر شوروی در منطقه نه تنها مخالف بروحیه دیتانت بوده بلکه باعث تشویش کشورهای غیرمنسلک دیگر جهان نیز گردیده است.

بعضی از مبصرین کشورهای غربی عقیده دارند که اتحاد شوروی در اشغال افغانستان چنان فکر میکرد که افغانستان جز مناطق تحت نفوذ و علائق وی بوده و با اشغال این کشور ممالک غربی اگر قبول هم نکنند بنحوی آنرا تحمل خواهند کرد اگر ما از دید اتحاد شوروی اشغال افغانستان را بحیث کشور تحت نفوذ و علائق شوروی قرار دهیم خواهیم دید که قبل از تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ هیچ سندی وجود نداشت که افغانستان را مولود ساحه نفوذ و علائق اتحاد شوروی بشناسیم.

کریملین سعی میکند تجاوز نظامی کشورش را در افغانستان باساس ماده ۵۱ منشور ملل

متحد مشروعیت بخشد که در آن از «حق دفاعی طبیعی فردی و دسته جمعی» تذکر رفته است علاوه بر این کریملین عقیده دارد که قرارداد دوستی، همسایه گوی نیک و همکاری که پنج ماه قبل از دسامبر ۱۹۷۸ بین اتحاد شوروی و حکومت کابل امضا شده بود و آن اشاره ای هم به گرفتن کمک از اتحاد شوروی شده بود این سند به شوروی صلاحیت چنین اقدام و عملی نمودن آنرا میدهد.

بریتنیف در مصاحبه مورخه ۱۳ جنوری ۱۹۸۰ خود با پراوادا تصمیم خود را درباره قضیه افغانستان صرف یک حرکت سیاسی ناامید و اضافه کرد: «اگر بشکل دیگری حرکت میکردیم چنان مینمود که «حالت پاسیف» را قبول کرده و میگذاشتیم در سرحدات جنوبی کشور ما یک آتشکده ای بوجود آمده و امنیت اتحاد شوروی را به مخاطره بیاندازد.

طوری که می بینیم رهبران و ماجراجویان پوزشخواه نظامی شوروی سعی میورزند تا از افغانستان بنام ساحه نفوذ و علاقیت خود یاد نکنند. در اکثر کشورهای جهان سوم سیاست «ساحه نفوذ و علاقیت» یا امپریالیزم و تفوق جویی» مهرزده میشود. از اینرو اتحاد شوروی سعی میورزد، بعد از تجاوز به افغانستان و اشغال آن، مفکوره ای «ساحه نفوذ» را در آسیا و مناطق خلیج تطبیق کرده و در نرد سیاستمداران جهان مطرح گرداند. ماسکو موفق شده نتوانست نظر بعضی کشورهای غیرمنسلك را، با ارزیابی این مطلب که با دید کیوبا متفاوت است، تغییر بدهد. زیرا این کشورها میخواهند به نحوی از انحاء، از «ساحه نفوذ و علاقیت»، دکتورین رئیس جمهور کارتر بتاریخ ۲۴ جنوری ۱۹۸۰، باب مذاکرات جدیدی را بازکرد کارتر رئیس جمهور امریکا در برابر کانگرس ایالات متحده، اظهار داشت: «مناطقیکه امروز بعد از اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی تهدید میگرددند، از نقطه نظر ستراتیژیکی برای جهان غرب اهمیت بسزا دارد. این مناطق تولید کننده و صادرکننده بیشتر از ۲/۳ مواد نفتی جهان میباشند و تلاش اتحاد شوروی جهت احراز قدرت و حاکمیت بر کشور افغانستان آرزوی بزرگ تاریخی این کشور بوده است امروز قوای اتحاد شوروی نزدیک به بحرهند و تنگنای هرمز گردیده، راه بحری ایکه مواد نفتی شرق میانه از آن عبور میکند. اتحاد شوروی سعی میورزد قوای خود را در منطقه طوری بسیج گرداند که باعث تهدید کشورهای خلیج گردیده بتواند. لیکن از دید ماهر کشور بیگانه ایکه بخوهد این منطقه را تحت کنترل خود بیآورد ما آنرا یک تجاوز در علاقیت حیاتی ایالات متحده شمرده شده و چنین تجاوز را با تمام وسایل دست داشته بشمول

قوای نظامی جواب داده خواهد شد».

دکتورین کارتر که در محافل سیاسی معمولاً بنام «دکتورین خلیج» یاد میشود از طرف کشورهای منطقه طور محتاطانه و با نظر عدم اعتماد ارزیابی میگردد.

واقعیت اینست که اتحاد شوروی وجود قدرت نظامی خود را در افغانستان برای مدت طولانی در نظر داشته و همچنان نفوذ خود را در کشورهای افریقایی توسعه میبخشد. در صورتیکه مقابله شدن با قدرت نظامی امریکا غیرممکن باشد سوال حیاتی پیدا میشود که در صورت تعیین ساحات نفوذ و علایق کشورهای جهان سوم، تاجائیکه در اثر نفوذ اتحاد شوروی و کیوبا ماهیت عدم انسلاک خود را از دست نداده باشند، می توانند از خطر تصادم دوا بر قدرت نجات یابند؟ جواب این سوال را بایست در لابلای اوراق تاریخ جستجو کرد که مطالعه این قضایا ضروری پنداشته میشود.

مورخ یونیورسیتی پرینستون Princeton، مایل کاهلر Miles Kahler مضمونی در نشریه فارن افیر Foreign Affairs نوشته و در آن خطوط موازی مناقشه، بحران فعلی و جریانات سال ۱۹۱۴ را با هم مقایسه کرده است. قرار داد منعقد بین انگلیس و روس مورخه ۳۱ اگست ۱۹۰۷ را میتوان بحیث «نمونه ای» از ساحات نفوذ و علایق نامید.

در روزنامه انترنیشنل هرالد تریبون International Herald Tribune طبع پاریس نویسنده ای بتاريخ ۱۵ جنوری ۱۹۸۰ تحت عنوان «بازگشت به مدار ساحه نفوذ» مینگارد: «اتحاد شوروی در صد آن است که قبل از آنکه ایالات متحده حضور نظامی خود را در منطقه تعبیه کرده مناطق خلیج و کشورهای شرق میانه را به مناطق تحت «ساحات نفوذ» خود تحکیم بخشد. میخواید از توافقات سه کشور فاتح جنگ جهانی دوم که از تاریخ ۴-۱۱ فبروی ۱۹۴۸ در یالتا صورت گرفته، یاد آوری کند و قابل یاددہانی است که توافقات یالتا برای کشورهای اروپایی يك خاطره غم انگیز می باشد با وجود آن مورخین بدان اشاره میکنند. شاید از روی طنز، تعیین ساحات نفوذ بدون سروصدا و همچنان مهرزدن به این توافقات با وجود آمدن دوپکت نظامی، ناتو و وارسا، باعث گردید که برای چندین دهه صلح در اروپا پایدار ماند.

افغانستان هرگز تحت ساحه نفوذ اتحاد شوروی قرار نداشت

زمانیکه قوای استعمارگران امپریالیسم استعماری در قرن نهم با هم روبرو قرار میگرفتند، باب مذاکرات ساحه نفوذ و علایق را باز میکردند تا تصادمات نظامی را از بین ببرند که این طرز

دید به طور مثال بیشتر دربراعظم افریقا شکل عملی رابخود گرفته است. بعد از شکست فاحش روسیه به مقابل جاپان در سال ۱۹۰۵ و قبولی قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی جاپان در کوریا و تضمین عدم مداخله در امور کوریا، روسیه سعی ورزید تا با انگلستان ساحه تحت نفوذ هردوکشور، ایران و افغانستان، را تثبیت کند و بتاريخ ۳۱ اگست ۱۹۰۷ موافقتنامه انگلیس و روس در مورد ایران، افغانستان ثبت و بامضاء رسید که در این توافقنامه حدود شمال روسی و وسطی بین هردوکشور و حدود جنوبی انگلیسی تثبیت گردید و هردوکشور به تمامیت و استقلال ایران موافقه و «پرنسیپ دروازه باز» را قبول کردند و در باره افغانستان انگلستان موافقه کرد تا در وضع موجود سیاسی در افغانستان تغییری وارد نکنند و از نفوذ خود صرف «از طریق صلح» از آن استفاده کرده و از ضم ساختن افغانستان و یا اشغال آن خود داری کنند و به این اساس حکومت روسیه صریحاً قبولی خود را در مورد اینکه «افغانستان در ساحه نفوذ وی قرار ندارد» تضمین کرده و هر نوع تماس سیاسی را با این کشور از طریق انگلستان تعهد کرده است و از اینرو طوریکه گفته آمد افغانستان هرگز در ساحه نفوذ اتحاد شوروی قرار نگرفته بود.

بعد از آنکه (جمهوریت شوروی روسیه سوسیالیستی فدراتیف) RSFSR، بتاريخ ۲۸ فروری ۱۹۲۱ معاهده دوستی را با دولت مستقل افغانستان امضاء کرد، در آن تعهد شده بود که هردوکشور استقلال جانبین را برسمیت شناخته و احترام میکنند و هرگز بایک کشور سومی که مخالف و به ضرر هر یک ازین دو کشور باشد متحد نخواهند شد. علاوه بر امضای این معاهده دوستی، بتاريخ ۳۱ اگست ۱۹۲۶ و بتاريخ ۲۴ جون ۱۹۳۱ اتحاد شوروی و افغانستان قرارداد عدم تجاوز بر یکدیگر را و تضمین شناخت بیطرفی افغانستان را بامضا رسانیدند که در آن پرنسیپهای استقلال، تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی هردوکشور تضمین گردیده است.

باقبول اینکه اتحاد شوروی از سالهای ۵۰ باینطرف به افغانستان کمکهای اقتصادی و نظامی کرده و همچنان برای تحکیم موقف خود در سال ۱۹۷۸ تغییر سیاسی ای را در کشور برنامه ریزی و به موفقیت رسانیده معنی آنرا ندارد که افغانستان در ساحه نفوذ و انترس اتحاد شوروی قرار داشته و یا دارد.

زمانیکه ماسکو و کابل بتاريخ ۵ دسامبر ۱۹۷۸ قرارداد دوستی، همسایگی نیک و همکاری

را امضا کردند، اتحاد شوروی بطور واضح تعهد کرد: «سیاست عدم انسلاک جمهوریت دیموکراتیک افغانستان را که یک فکتور با اهمیت استقرار صلح جهانی و امنیت است» احترام میکند. جای تعجب است که رهبران اتحاد شوروی تا این حد بیباک و از خود راضی هستند که فیصله مورخه ۱۴ جنوری ملل متحد را که با ۱۰۴ رای موافق، از جمله ۱۵۲ اعضای جامعه سازمان ملل، اکثریت مطلق ۲/۳ را ی دهندگان را معنی دارد، احترام نمیکنند و فیصله ملل متحد مبنی بر خروج بدون قید و شرط قوای نظامی کشورهای خارجی از افغانستان را عملی نمیکنند.

بعضی تحلیلگران را عقیده بر این است که بحران فعلی افغانستان را، در پرتو قرارداد و توافقات سال ۱۹۰۷، تقسیم «ساحات نفوذ و انترس» که ضامن چندین دهه صلح و امنیت بوده، بایست سراغ و جستجو کرد. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که امروز تعهدات سال ۱۹۰۷ ماهیت خود را ازدست داده ارزش ندارد، زیرا اروپا نه در تعهدات بالتاونه بعد از آن در چوکات «ساحه نفوذ» تقسیم گردیده است.

در این اواخر درباره این طرز دید، خامض ویلهیام گ. گرووی Wilhelm G. Grewe در مجله (مرکور Merkur سال ۱۹۸۰ جلد ۵) تحت عنوان «مقایسه قدرت ها در پرتو سیاست جهانی - تناسب قوا و مدل مانع شدن از برخوردها» تماس گرفته است.

وی در یک گشت تاریخی ساختمان جهانی را در یک مدل کلاسیک سکیچ کرده و توازن قدرت ها را در رابطه با دو ابر قدرت رقیب و تاثیر شانرا در جهان سوم توضیح میکند. گرووی Grewe باین نتیجه میرسد که: «در ساختمان سیاسی جهان امروزی غیر ممکن است قرار دادی را بامتونی که در سال ۱۹۰۷ بامضا رسیده، باردیگر امضاء نمود. جهان فعلی ماضوروت ندارد که از گذشته هاشکلی را اقتباس کند بلکه روح سوال در اینجا است که آیا میتوان از محتری آن مطلب با ارزشی را تشخیص داده و از آن استفاده کرد، به این معنی که: «تعریف موثق ساحات مورد انترس ابر قدرت ها را مشخص گردانیده و مابقی این ساحات را از نفوذ هر دو ابر قدرت مجزی گردانید». زمانیکه این دوساحه تشخیص گردیدند ساحه خارج از نفوذ ابر قدرت ها میتواند نظامی را انتخاب کند که در آن پالیسی «دروازه باز» حکمفرمایی داشته باشد.

در واقع در مودل افغانستان باید سعی شود که برای اتحاد شوروی، کدام فورمول را که برای

عدم مشروعیت دادن اشغال این کشور، که مغایر با حقوق بشر است جستجو کرد. بلکه مطلب اینست که چگونه میتوان افغانستان را دوباره درچوکات کشورهای «غیرمنسلك» جاگزین کرد، در باره این مطلب خاص پارلمان اروپایی درکنفرانس مورخه ۱۳ جون ۱۹۸۰ خود دروینیز(ایتالیا) طریق واضح آنرا تشریح کرده است. بنابر فیصله مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخه ۱۴ جنوری ۱۹۸۰ باید اتحاد شوروی اردوی خود را از افغانستان بیرون کند و بعد از تکمیل این پروسه میکانیزی جستجو شود تا ملت افغان صلاحیت تصمیم گیری رابرای تشکیل نظام آینده خود بدست آورده بتواند.

فراموش نباید کرد که بعد از تجاوز پنج کشور پاکت وارسا در اگست سال ۱۹۶۸ در چکوسلواکیه چارلس دوگول Charles de Gaulle رئیس جمهور فرانسه این عمل وحشیانه را به تعهدات ناقص کنفرانس یالتا، که چکوسلواکی را تحت ساحه نفوذ وانترس اتحادشوروی قرارداده بود، حواله کرد.

۱۷-۱۰-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلاٹ Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

قیود شبگردی در کابل مانع ادای نماز صبح در مساجد گردیده

نفرت افغانها در برابر اشغالگران روسی روز بروز بیشتر میشود

بیرک کارمل در ماسکو

ماسکو/کابل - dpa/ap : ۱۷ اکتوبر

بیرک کارمل، استنادار کرملین در افغانستان به ماسکو مواصلت کرده و بالیونید برژنف به مذاکرات پرداخته است. در باره سفر کارمل به ماسکو اخبار متناقض بدست میرسد. از یک طرف بایست سفر کارمل نزد جهانیان و مردم اتحاد شوروی طوری تلقی گردد که در افغانستان وضع نورمال برقرار بوده و او میتواند کشورش را ترک کند از طرف دیگر افغانهای مهاجر در دهلی جدید عقیده دارند که مدت دوران خدمت وی بسر رسیده و نتوانسته با وجود کمکهای اتحاد شوروی مملکت را تحت کنترل رژیم خود آورده مبارزین آزادی خواه مسلمان افغانی را شکست بدهد پس باید در باره سرنوشت آینده وی تصمیم گرفته شود.

از طرف دیگر در کابل قیود شبگردی تا ساعت پنج صبح تمدید گردیده تا این تصمیم

باعث شده که مردمان، مسلمان و نمازگذار به مساجد رفته نتوانند و نفرت مردم در برابر قوای اشغالگر شوروی روز بروز شدت پیدا میکند. قرار راپورهای موثق چند روز قبل نعش يك جگرن روسی و چند نفر عساکر همراهش در داخل شهر پیدا شده است و از آن به بعد قوای شوروی امور کنترل شهر را در جریان مدت قیود شبگردی بعهده گرفته و به قوای نظامی افغانی اطمینان ندارند.

چنان مینماید که در کابینه کارمل تغییر و تبدلاتی رخ بدهد افواه است که بېرک کارمل بحیث منشی حزب و رئیس دولت باقی مانده و امور صدارت را به شخص دیگری واگذار میشود.

کاندید های این پست صالح محمد زیری، منشی کمیته مرکزی و همچنان معاون صدراعظم، سلطان علی کشتمند میباشدند. قرار نشر خبر رادیو کابل این دونفر در جمله همسفران کارمل به ماسکو میباشدند.

۲۱-۱۰-۱۹۸۰ فرانکفورتر آلگیماینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

در اینجا صرف ترجمه عنوان برجسته صفحه اول را از نظر خوانندگان میگذرانم: در ماسکو بېرک کارمل از «شجاعت» عساکر شوروی توصیف کرد و «از کمکهای برادرانه و بی شباهه اتحاد شوروی عمیقاً اظهار امتنان نمود»

۲۷-۱۰-۱۹۸۰ (مطابق به ۶-۸-۱۳۵۸)

فیصله نامه اتحاد مجاهدین مربوط ولایت غزنی مطابق به اصل:

بسم الله الرحمن الرحيم

در جلسه تاریخی ۱۳۵۸/۸/۶ که به اشتراك رهبران گروههای مجاهدین اسلامی مربوطات ولایت غزنی که عبارتند از الحاج شیخ علی وثوقی رهبر مجاهدین جاغوری، سید محمد حسن قوماندان عمومی و شریعت مداری رهبر جبهه ناهور و جفتو، ملاکاکا رهبر مجاهدین واعظ؟ (واضح نیست)، مولوی گل محمد رهبر مجاهدین خفگانی؟ (واضح نیست)، حاجی شیخ موسی و اختر محمد نمایندگان مجاهدین اسلامی قره باغ، سید محمد قاسم رهبر مجاهدین اسلامی... (خوانا نیست) و احمد الله و محمد سعید واعظ رهبر مجاهدین سراب و قریه یوسف و محمد عباس

علمی رهبر مجاهدین قیاق و محمد حیدر قوماندان لشکر اسلامی مالستان برکزارگردید منظور مقابله نیروهای طاغوتی بشکل منسجم ویا حفظ اخوت و صمیمیت اسلامی فیصله بعمل آمد که در موارد حساس از تمام اسلحه و وسایل جنگی مهم که مربوط هر گروه باشد در جبهه های دیگر استفاده شود و هر جبهه وظیفه دارد که در صورت ضرورت اسلحه ثقیله و مورد احتیاج را که در جبهه دیگر بادشمن ضرورت باشد در اختیار آن جبهه قرار دهد. درین صورت اگر اسلحه مذکور تلف و ضایع میشود و یا مرمی های آن به مصرف میرسد در صورتیکه این اسلحه به پول شخصی این گروه خریداری شده باشد جبران به آن جبهه مربوطه پرداخته میشود. در صورتیکه این سلاحها از نزد دولت بدست آورده شده باشد و از منابع شخصی خریداری نشده باشد ازین امر مستثنی است و قابل جبران نمی باشد. محل امضای اشتراک کنندگان جلسه.

۲۱-۷-۱۳۵۹ مطابق به سپتامبر ۱۹۸۱

(یاد آوری: خوانندگان گرامی توجه خواهند کرد که در ذکر این نامه ها سلسله تاریخ تعقیب نگردیده ولی بایکدیگر رابطه منطقی داشته و علاوه بر آن مقصد از ثبت این نوع نوشته ها ثبوت دانش و فهم مردان داخل سنگر است که بدون رهبری مقام دیگری از سنگرهای داغ باهم تماس میگرفتند و در راه آزادی وطن خویش دست بهم میدادند. مولف)

حوزه اتفاق اسلامی مالستان

قوماندانی عمومی جبهه اسلامی مالستان

ب حضور مبارک برادران غیور و شجاع قوماندانان و سایر رفقا و مردم خویش را که همیشه عزم ... و تصمیم قاطعی آنها برای خدمت به دین مقدس اسلام و حفظ قرآن بوده اینجانب محمد حیدر خان قوماندان عمومی جبهه اسلامی مالستان سلام و احترامات قلبی خویش را تقدیم میدارم. نخست از همه پیروزی و موفقیت هر چه بیشتر شما عزیزان را از خداوند متعال آرزو مندم. خدا کند که لباس عافیت در برداشته باشید. اینطرف تا بحال بکلی خیریت است به شما اطمینان داده میشود. در خدمت برادران نهایت عزیز معروض میشود اینکه قراریکه معلومات است همه برادران به سنگرهای خویش جابجا بوده و آماده فداکاری میباشند که مارا نهایت مسرور ساخته و قابل امتنان و تشکر است. از خداوند متعال آرزو مندیم که اینگونه جان

نشاری در راه دین مقدس اسلام و جهاد در مقابل کفر با هرگونه مشکلات که روبرو میشویم انشاء الله بدون از ثواب دیگر چیزی نیست و خداوند همه ما و شمارا در حفظ خود داشته کامیاب و پیروز گرداند.

خدمت محترم قوماندانان گروه ابلاغ میشود که قبلاً چندین دفعه برای قوماندانان جبهه غزنی برای هریک گروه ها ابلاغ گردیده بود که بم های دستی (مطلب از ماین است) به شکل مختلف مثل قلم و قطی گوگرد و سگرت به راه ها و کوه ها بچشم میخورد باید تاجاییکه امکان داشته باشد از تماس با چنین اشیا خودداری شود و من تاکیداً برای شما توصیه میکنم که مجاهدین مربوط خود را بفهمانید که از نزدیک شدن با چنین بمها خودداری کنند و همچنان راپورهای جزئی خویش را اطلاع دهید بعید از لطف و نوازش تان نخواهد بود.

پیروزی و موفقیت همه مجاهدین غیور اسلام را از دربار خداوند (ج) خواهانم.

قوماندان عمومی جبهه اسلامی مالستان

محمد حیدر

و اینک جواب قوماندانان:

سلام زیاد برای برادر نهایت عزیز القدرم قوماندان عمومی مالستان تقدیم میدارم. نخست صحتمندی وجود شریف برادرم محمد حیدر خان را از حضرت حق مطالبه داریم که دارای صحت و عاقبت بوده باشید ثانیاً خدمت برادر عزیزم عرض میشود ازینطرف بکلی خیریت است خدا کند که از طرف شما برادران و مجاهدین جبهه اسلامی خیرت بوده باشد. برای شما ابلاغ میگردد که برای آقای برید جنرال احوال بدهید که بیاید مردم از دست شان پریشان میباشند و مردم باید بی سرپوست نباشند.

با احترام ۲۱-۷-۱۳۵۹

محل امضاء برات محمد حسن، سیدناصر و حسن خان

بسمه تعالی

برادر نهایت عزیزم قوماندان صاحب محمد حیدر خان بسلامت باشید.

نخست سلام های خود را تقدیم داشته و از این گزارشات و اطلاعاتی های شما خیلی متشکرم.

محل امضاء سید محمد ابراهیم عالمی ۲۱-۷-۱۳۵۹

علاوه بر این تعداد هشت نفر از قوماندانان که متاسفانه اسمهای شان خوانده شده نمیتواند

استحضاری داده و امضاء کرده اند.

(خوانندگان عزیز! این نامه ها در بین یادداشتهای ایام اقامت در پشاور همانطوریکه نوشته شده است از نظر شما میگذرانم. در جریان نوشتن، که بجز قیافه های محمد حیدرخان و برید جنرال سید محمد حسن را که بخاطر دارم دیگران را اصلاً ندیده ام، در قلبم احساس گرفتگی و در چشماتم سوزی احساس کردم. این مردان که خود را در راه اسلام و آزادی افغانستان قربانی داده اند کجا هستند و یا چه جدالی با زندگی، اگر زنده باشند، دست و پنجه نرم میکنند. در سادگی نوشته يك قوماندان، دنیای از محبت و مسئولیت بیکران نهفته است که از چگونگی اوضاع همسنگران خود نگرانی دارد و درباره استفسار میکند.

سوال در اینجاست که کدام یکی از رهبران جهاد چنین سند ساده ای را به ملت افغان ارایه کرده میتواند؟

{خوانندگان گرامی! لحظه ای این کتاب را کنار بگذارید و به این همه افتخارات دیروزی ما که قابل مباهات است و بدبختیهای امروزی ما (سال ۱۹۹۹ع) بیندیشید و خود قضاوت کنید که چرا و توسط کدام اشخاص به این ذلت و بیچارگی مواجهه شدیم و چرا هنوز هم دانش و فهم کافی نداریم که بدون تعقل و کودکانه دیوانه و اراز کسانیکه جای شان در ذباله دانی تاریخ میباشد، پیروی و پشتیبانی میکنیم}.

۲۷-۲۸ اکتوبر ۱۹۸۰

بنیادکنراد ادناور Konrad Adenauer

هیئت عامل دفتر روابط همکاری بین المللی

اجندا: کنفرانس «امنیت و همکاری در اروپا» KSZE

نقض اکت هیلسنکی توسط اتحاد شوروی

تاریخ اجلاس: ۲۷-۲۸ اکتوبر ۱۹۸۰

محل اجلاس: هتل تولپنفلد Hotel Am Tulpenfeld در بن

رئیس اجلاس: دکتور پرونوهیک Bruno Heck، سابق وزیر و رئیس اجرائیه فعلی

بنیاد کنراد

ادناور و گیرهارد کونس Gerhard Kunz عضو پارلمان

اسیستانت اجلاس: میثایل تومس Michael Thomes

ترجمان ها: پیتر روپرت Petr Ruppert

والتر والنتین ورینس Walter Valentin Werbitz

نتالیا دیوچیاوا Natalia Dioujeva

اولگاسوینسوف Olga Svinzov

پروگرام:

دوشنبه ۲۷ اکتوبر ۱۹۸۰

ساعت ۱۲:۰۰ مواصلت مهمانها

ساعت ۱۲:۳۰: خیرمقدم و افتتاح کنفرانس ضمن صرف طعام چاشت در رستوران

تولپنفلد، اطاق ۴

مهماندار: دکتور بروئوهیک، سابق وزیر فدرال و رئیس بنیاد کنراد ادناور

ساعت ۱۵:۰۰:

بیانیه گیرهادر دکونس تحت عنوان:

«مبنای ارزش حقوق بشر درچوکات سیاست بین المللی»

ساعت ۱۸:۰۰ حرکت جانب الفتر Alfter

ساعت ۱۸:۳۰ دعوت شبنشینی در رستوران Herrenhaus Buchholz

مهماندار: دکتور هلموت کوهل Dr.Helmut Kohl، عضو پارلمان، رهبر حزب CDU

آلمان رئیس فراکسیون فدرالی CDU/CSU

درحوالی ۲۱:۰۰ بازگشت به بن

سه شنبه ۲۸ اکتوبر ۱۹۸۰

ساعت ۹:۰۰ بیانیه دکتور الویس مرتز Dr.Alois Mertes عضو پارلمان تحت عنوان:

موقف جهان غرب در رابطه با کنفرانس مادرید - بازرسی وانکشاف توافقات هلسنکی

ساعت ۱۱:۳۰ مطبوعاتی کنفرانس

ساعت ۱۲:۳۰ صرف طعام در رستوران Tulpenfeld و بازگشت مدعوین

لست مدعوین درکنفرانس :

1. Generalmajor a.D Grigorenko. USA
2. Eduard Kuznetsov Israel
3. Vladimir Bukovsky, England
4. Irena Il'ovaiskaya. Alberti. Paris
5. Vlasimir Maximov. Paris
6. Baron nissen, Paris
7. Leopold Labedz, London
8. Andrzej Stypulkowski, London
9. Gustaw Herling-Grudzinski. Paris
10. Natayla Gorbanevskaja, Paris
11. Paul Goma, Paris
12. Thomas Ammer, Meckenheim
13. Ulrich Schacht, Hamburg
14. Dr. Jan Teser, Hannover
15. Pavel Tigrid. Paris
16. Zenko Barev, Paris
17. Dr. H. Joachim Maitre, Axel Springer Verlag, Berlin
18. Pierre Daix, Le Quotidien, Paris
19. Botho Kirsch, deutsche Welle, Koeln
20. Sergio Rapetti, Kontinend Italien
21. Leopold Unger, *Le Soir*, Brussels
22. Dr. Dettmar, Rias, Bonn
23. Alois Mertes MdB
24. Dr. Ottfried Hennig MdB
25. Peter kurt Wuerzbach MdB
26. Gerhard Kunz MdB
27. Klaus Daweke MdB
28. Dr. Bruno Heck, Bundesminister a.D
29. Cornilia Gerstenmaier, Bonn
30. Arman Maloemain, Berlin
31. Jocen Denso, WDR, Bonn
32. Lrena Ginsburg, Paris
33. Friedhelm Kemna, die Welt, Bonn
34. Reinhard Meyer, NZZ, Bonn

35. Georg Bailey, Axel Springer Verlag, Berlin

36. Dr. Guenther von Lojwski, Bayerischer Rundfunk. Muenchen

37. Ing. Ehssanullah Mayar, Kabul, Frankfurt

درختم کانفرانس اعلامیه ای به نشر سپرده شد که در ماده سوم آن مطالب ذیل گنجانیده شده است:

ماده سوم:

امیدواری هاییکه، درسند هیلسنکی پیدا شده بود، از آن تاریخ به بعد بطور جدی مبدل به یأس گردیده است. اعتماد بین جهان غرب و شرق، بر مبنای وظیفه اکت هیلسنکی، توسط اتحاد شوروی با عملیات تخریب کننده، سیاسی و نظامی به شکل بیمناک از هم پاشیده شده است. شوروی با جنگ تحمیلی در افغانستان بار دیگر به شکل وحشتناک جمله حقوق بشر را که در اکت هیلسنکی محکم بندی شده بود، پامال کرده است. در اکت هیلسنکی بخصوص: حق خود ارادیت تمام ملل را تاکید شده تخویف و تهدید را منع نموده و استفاده از هر نوع خشونت جهت بدست آوردن اهداف سیاسی را رد کرده است.

(بیشتر مطالب این اعلامیه مربوط به کشورهای اروپایی بود که ترجمه آن را ضروری نمی بینم. مولف.)

در تقسیم اوقات مرتبه درباره فعالیت های نمایندگان در مادرید نیز توزیع گردید و روز ۱۴ نومبر ساعت ۱۰... قبل از ظهر را در مادرید برای شخصیت های ملی افغان يك کانفرانس مطبوعاتی اختصاص داده شده است.

نومبر

۳-۱۱-۱۹۸۰ دی ویت Die Welt آلمان غرب:

روس ها مردم عام را میکشند

دهلی جدید AP:

مبارزین افغانی بالای کاروان ترانسپورتی وسایل نظامی ومهمات رژیم حمله کرده و آن را ازین برده اند. غایبده اسوشیتدپریس راپورمیدهد که قوای شوروی دربرابر این حمله مبارزین افغانی عکس العمل شدیدی را ازخود نشان داده ودرمنطقه سنگ نوشته، در ۳۷ کیلومتری جنوب شرقی کابل مربوط ولایت لوگر، توسط طیارات بردهات وقریه های نزدیک آن بمباران کرده اند که در اثر آن صدها نفر اهالی بی گناه قریه کشته شده اند.

وی در راپور بعدی خود می نگارد که درتهاجم اخیر مبارزین افغانی به ماموریت پولیس ودفتر حزبی کارته پروان ۱۷ مبارز افغانی به قتل رسیده همچنان درجنگهای اخیر هفته درچاریکار، ۴۵ نفر از اعضای حزب کمونیست کشته شده اند.

قرار معلوم در این اواخر اتحاد شوروی از طیارات مدرن نوع میگ ۲۵ در افغانستان استفاده میکنند که ۱۰ فروند آن در میدان هوایی بگرام در ۵۰ کیلومتری شمال کابل، دیده شده است ومتخصصین نظامی کشورهای غربی عقیده دارند که اتحاد شوروی میتواند با این طیاره ها پرواز های اکتشافی از خط کشتیرانی تنگناه هرمز درخلیج نیز انجام دهند همچنان روسها به توسعه میدان هوایی قندهار اقدام کرده اند تا ظرفیت آنرا برای برداشت طیارات بیشتر وهیلوکوپترها آماده سازند در پهلوی این همه فعالیتها درساختمان قشله های عسکری ودیپوهای وسایل جنگی وتانکهای مواد سوخت دریگرام، کابل، جلال آباد، مزارشریف وپلخمری اقدامات جدی بمشاهده میرسد که همه این تلاشها تصمیم روسهارا برای اقامت طولانی تر در افغانستان نشان میدهد.

۴-۱۱-۱۹۸۰ ترجمه مکتوب پیتر کورت ورسباخ Peter Kurt Wuerzbach عضو پارلمان

آلمان غرب درین :

(عنوانی مولف)

بعد از القاب :

از معرفی و ملاقات باشما حین گردهم آبی سیمینار «مسایل مورد علاقه در اجلاس مادرید» درین خیلی هاخوړسندم و آرزومندم تا درآینده با شما به تماس شده و دربارہ رویداد های افغانستان تبادل افکار نمایم.

من در نظر دارم تا بادوستان خود در نوردرشتد Norderstedt دربارہ پیشنهاد شما راجع به ترتیب مظاهره ای بتاريخ ۲۷ دسامبر مشوره نمایم.

متأسفانه که شمارا در روز بعد از سیمینار دیده نتوانستم، فکرمیکنم که شما بادوست تان بفرانکفورت برگشته باشید.

من قبل از ظهر روز دیگر در کمیسیونی سهم داشتم و صحبت های دلچسپی با جنرال گریکو رینگو Grigrenk (یکی از رهبران مقاومت مهاجرین شوروی در امریکا) داشتم که در آنبارہ باشما از نزدیک صحبت خواهم کرد.

بامید موفقیت شما و دوستان شما در راه نجات افغانستان . محل امضاء

۸-۱۱-۱۹۸۰

پروتوکول مجلس «جرگه اسلامی نجات افغانستان» هامبورگ

در این گردهم آبی موافقه شد هیئتی به نمایندگی جرگه به مادرید سفرکنند. چون در مادرید ترتیبات تدویر کنفرانس KSZE رویدست است، سعی شود دربارہ بحران افغانستان ناشی از تجاوز و اشغال آن توسط اتحاد شوروی می باشد صدایی بلند گردد. اعضای این هیئت هر یک به مصرف خود بمادرید سفر میکنند که مرکب اند از: دکتور محمد جلیل شمس، منشی جرگه ، همایون شاه آصفی از پاریس و انجنیر احسان الله مایار .

روز نهم نومبر بمادرید مواصلت و به هتل بورویا، جائیکه چند هیأت دیگر کنفرانس

KSZE نیز اقامت دارند، پایان شدیم.

۱۱/۹/۸۰-۱۹۸۰ هامبورگر آبنديت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

اوستينف Ustinow کشورهای غربی را بباد انتقاد گرفت

ماسکو ۸ نومبر/AP:

وزیر دفاع اتحاد شوروی اوستينف به مناسبت برگزاری شصت و سومین سالگرد انقلاب اکتوبر ناتو، ایالات متحده امریکا و چین را بشدت مورد حمله قرار داده و اظهارداشت که چون سیاست این کشورها صلح رادرجهان به مخاطره انداخته است و اتحاد شوروی درنظر دارد تا قواي دفاعی کشورش را توسعه داده نگذارد که کشورهای غربی از آنها سبقت گیرند. قبل از ایراد بیانیه اوستينف، بریژنف رهبر دولتی و حزب کمونیست شوروی در رأس کدر رهبری اتحاد شوروی رسم گذشت عنعنوی قشون سرخ شوروی را معاینه کرد سفرای يك تعداد زیاد از کشورهای غربی برسبیل احتجاج، بخاطر اشغال افغانستان، در مراسم رسم گذشت سهم نگرفتند.

۱۱-۱۱-۱۹۸۰ فرانکفورتر روند شاو Frankfurter Rundschau آلمان غرب:

گینچر Genscher در مراسم افتتاح کنفرانس KSZE در مادرید سهم نمیگیرد

بن ۱۰ نومبر: وزیر خارجه آلمان غرب در مراسم افتتاح امروزی KSZE بنا بر اختلاف نظر درباره اجندای مجلس، سهم نمیگیرد. این مطلب رایك سخنگوی وزارت خارجه درین قبل از افتتاح کنفرانس در مادرید اظهارداشت. قرار اظهاروی، وزیر خارجه آلمان غرب در نیمه، هفته دوم کنفرانس به مادرید سفر خواهد کرد و موقف حکومت آلمان رادر برابر نمایندگان ۳۵ کشور در کنفرانس توضیح میکند. وزیر خارجه آلمان معتقد است که کرکتر «بازرسی کنفرانس» بحال خود باقی خواهد ماند اما وزیر خارجه المان نظر حکومت خود را درباره روابط بین کشورهای شرق و غرب بصورت کل و اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی و مطالبی درباره با حقوق بشر، توضیح میدهد.

در صفحه دوم روزنامه در يك ستون مسایل مهم روزتحت عنوان

«سادات به مبارزین افغانی کمک میکند» مینگارد:

قاهره ۱۰ نومبر AFP : روز دوشنبه انورالسادات رئیس جمهور مصر در مجمع عمومی «پیمان کشورهای اسلامی و عربی» اظهار داشت که کشور مصر به مبارزین آزادیخواه افغانی کمک نظامی میکند و گفت که «درچوکات این همکاری بر علاوه کمکهای نظامی، کمکهای سیاسی و مالی نیز شامل میباشد». وی اضافه کرد که قوای مقاومت قهرمان افغان به تجاوزگران شوروی خسارات زیاد وارد کرده اند کشورهای اسلامی و عربی قبل از این دفتر اختصاصی را جهت کمک به قوای مقاومت افغانی در قاهره افتتاح کردند.

(پادآوری: خوانندگان گرامی بخاطر خواهند داشت که بتاريخ ۲۵-۱۰-۱۹۷۹ از طریق «جرگه اسلامی نجات افغانستان» نامه متحد مالی به سران دول اسلامی و بعضی کشورهای غیر اسلامی (لست مالک مطالعه شود) مخابره شده بود. محتوی این نامه تشریح وضع حاضر در افغانستان بوده و همچنان از این کشورها درخواست شده تا با مردم مجاهد افغانستان همبستگی خود را اعلام داشته و کمک نمایند.

قرار معلوم يك تعداد از این کشورها جواب نوشته اند (لست آن باید در دفتر جرگه، هامبورگ، ویا نزد منشی جرگه دکتور محمد جلیل شمس موجود باشد) از جمله پاسخ دهنده گان یکی هم انورالسادات، رئیس جمهور مصر بوده که از طریق دفتر خصوصی وی مکتوبی صادر گردیده است و در این مکتوب تذکر داده شده که شخص رئیس جمهور باین قضیه علاقه گرفته و هدایت داده تا هیئت باصلاحیتی جهت مذاکرات بقاهره سفر کنند.

نظر به معلومات شخصی بنده در این باره اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان، که از جریان فعالیتهای جرگه واقف بودند، هیئتی را بریاست جنرال عبدالولی، پسر کاکا و داماد خود، عبدالستار سیرت و دکتور محمد جلیل شمس را بقاهره اعزام کردند. قرار معلوم در نتیجه این مذاکرات برای اولین بار یک کشور اسلامی حاضر شد که يك مقدار قابل توجه سلاح و مهمات را به مجاهدین افغانی ارسال بدارد.

خبریکه بتاريخ ۱۰ نومبر دربارہ اظهارات انورالسادات درقاہرہ نشرگردیدہ، برمبنای سفر این ہیئت استوار می باشد.

طوریکه دیدہ میشود این موضوع از نظرکمک بجهاد برحق ملت افغان اهمیت فوق العادہ داشتہ ویاید دراین بارہ معلومات بیشتر بدسترس ملت افغان گذاشتہ شود. مولف این معلومات واقعی راطور مختصر از طریق صحبت های شخصی وشفاهی بدست آورده وسندی در دست ندارد. از اینرو ایجاب میکند کہ از جانب اعضای ہیئت جهت تکمیل این جنبہ مهم تاریخی معلومات موثق باتفصیل بیشتر بخوانندگان وعلاقمندان ارایہ گردد.».

۱۲-۱۱-۱۹۸۰ انترنیشنل هرالڈ تریبون Inter.Herald Tribune فرانسه:

عناوین برجسته این روزنامه عبارتند از:

- هیئت های ۳۵ کشور عضو به افتتاح و آغاز کنفرانس KSZE در مادرید موافقه کردند.
- پنج شخصیت امریکایی برای انتقال قدرت به ریگان Reagan رئیس جمهور منتخب ایالات متحده امریکا تعیین گردید.

(یادآوری: درین اشخاصیکه بعضویت کمیته اختصاصی تعیین گردیدہ یکی از آنها رویرت نیومن Robert Neumann سفیر سابق امریکا در افغانستان واردن هاشمیہ بودہ کہ فعلاً درونیورستی جارج تاون در مرکز تحقیقات ستراتیژیکی و روابط بین المللی وظیفہ دارد. انتخاب نیومن، کہ باید درمورد افغانستان معلومات کافی داشتہ باشد، وفعلاً در وزارت خارجه در رأس يك کمیته مهم تعیین گردیدہ یقیناً برای حل بحران افغانستان اهمیت دارد.

مولف)

- روسها بزرگترین تحت البحری جهان را بکار انداخت.

۱۲-۱۱-۱۹۸۰ الالکذار El Alcazar مادرید(هسپانیه)

نماینده گان افغانی اظهارداشتند که : «ما آرزومندیم تايک ملت آزاد باشیم»

- «وضع ملت افغان رقتبار بوده ، لیکن باوجود آن اهالی کشوریامبارزین شان همکاری میکنند و عساکر شوروی جرات نمیکند تا از داخل شهرها بیرون بروند».

- « ما آرزومند همکاری کشورهای صلح دوست جهان می باشیم، زیرا قدرت اتحاد شوروی منبع خطر برای آنها نیز می باشد».

خبرنگار روزنامه الکزار، ۱- کوبن ا. فلورنسا A.Gavin A.Florensa از مادرید می

نگارد:

آقایون محمد جلیل شمس منشی «جرگه اسلامی نجات افغانستان» درهامبورگ، دوکتور مجروح رئیس سابق فاکولته ادبیات یونیورستی کابل فعلاً در پاکستان، شپون نماینده خبررسانی مقاومت افغانستان در پشاور، احسان الله مایار عضو «جرگه اسلامی نجات افغانستان» درهامبورگ به نمایندگی افغانهای مقیم آن شهر، همایون شاه آصفی سابق سفیر افغانی فعلاً نماینده مقاومت در کشورهای اروپایی، درشهر مادرید جمع شده اند تا معضله غمین افغانستان را به سمع نمایندگان کشورهای اروپایی که درکنفرانس تعقیبیه ای هلسنکی جمع شده اند، برسانند. قرار معلوم کنفرانس سوسیالیست های جهان موازی با کنفرانس هلسنکی در مادرید جریان دارد که برای نمایندگان افغانی امکانات آتراً میسر میگردداند تا توجه ایشان را نیز به بحران افغانستان جلب کنند.

دریکی از سالون های هتل یورپا تعداد زیاد خبرنگاران کشورهای مختلف گردهم آمده ودرکنفرانس مطبوعاتی اختصاصی با نماینده گان افغانی بیش ازیک ساعت ونیم باعلاقه چشمگیر سهم گرفتند ودرختم کنفرانس توسط نماینده گان افغانی ابلاغیه ای به خبرنگاران توزیع گردید که مختصر محتوی آن از نظر خواننده گان گزارش می یابد.

کشتار زنان بیگناه و اطفال معصوم

نماینده گان افغانی سعی میورزند تا قضیه افغانستان در محافل سیاسی جهان بصورت واضح معرفی گردد. آنها از تمام کشورهاییکه در کنفرانس شاملند تقاضا کردند تا واقیت ها را در نظر داشته و بدانند که اتحاد شوروی در افغانستان اقدام به قتل عام یک ملت کرده و از کشتن هیچ فردی، بشمول اطفال و زنان دریغ نمی کند.

جهان آزاد غرب باید بدانند که آنها نیز مانند افغانستان مواجه به خطر می باشند.

در مورد وضع نظامی در افغانستان نماینده گان اظهار داشتند که این کشور توسط قوای اتحاد شوروی استیلا- گردیده است و رژیم کابل ادعا میکند که اکثریت مردم افغان از آنها طرفداری میکنند، لیکن واقعیت این است که رژیم بر سر قدرت منتهی ۴۰۰۰ نفر طرفدار معاش خوار دارند که از جمله تقریباً ۲۰۰۰ نفر شان در اردو و وظیفه دارند و با آنها عساکری که بنام طرفدار یاد می شوند آنقدرها مورد اعتماد کدر رهبری نیستند که برای شان سلاح توزیع کنند که به این اساس میتوان ادعا کرده بر ضد قدرت امروزی و حکم در کابل اکثریت مطلق مردم قراردادند.

علاوه بر این اداره افغانی از هم پاشیده است و پست های حساس در ادارات دولتی به شمول نمایندگی های افغانی در خارج توسط مشاورین روسی اداره میشوند.

قرار اظهار نمایندگان افغانی روسها و اراکین بلند پایه رژیم داخل در دیوارهای شهر محصور بوده فعالیت ندارند و بدون بدرقه قوای ثقیل نظامی از شهر خارج شده نمی توانند.

در اخیر مصاحبه دکتور مجروح به نمایندگی از گروه افغانی از جهان آزاد تقاضا کرد:

«ما از کشورهاییکه به مبانی آزادی و صلح عقیده دارند، تقاضا میکنیم که با ملت قهرمان افغان کمک کنند تا وطن اشغال شده شانرا از چنگ اتحاد شوروی بیرون کشیده و دوباره در چوکات کشورهای مستقل جهان داخل سازند».



از چپ بر راست: همایون شاه آصفی، شیون، جلیل شمس، دکتر بهاء الدین مجروح
و احسان الله مایار

۱۲-۱۱-۱۹۸۰ انترنیشنل هرالد تریبیون Inter Herald Tribune پاریس (فرانسه):
صدراعظم هسپانیه ادولفو سوارش Adolfo Suarez بیانیه خود را در برابر اعضای ۳۵
کشور عضو KSZE دایر کرد.

کشورهای غربی از سلوک اتحاد شوروی در کنفرانس انتقاد کردند
در اینجا صرف مطالبی مربوط به افغانستان را از نظر خوانندگان میگذرانم:
مادرید: کنفرانس «امنیت و همکاری در اروپا» با اظهارات و انتقادات شدید نمایندگان
کشورهای غربی نسبت با اشغال نظامی افغانستان و تشدید تسلیحاتی شوروی در اروپا افتتاح
گردید.

وزیر خارجه بلجیم چارلس فردیناند نوتومب Chrls Ferdinand Nothomb بی آنکه از اتحاد شوروی نام ببرد، تجاوز نظامی اتحاد شوروی را به افغانستان تقبیح کرده وی علاوه نمود دیتانت، مفهومی که ما (اروپائیها) بدان عمیقاً عقیده داریم، غیر قابل انقسام میباشد. این يك عملیه ای غیر ممکن است که در اروپا بشکل يك فیشن ازان نام برده شود و در يك منطقه دیگری از جهان نقض گردد.

رئیس هیأت هالند، ف، فان دونگن F. Van Dongen سفیر آنکشور، بر اتحاد شوروی نسبت تجاوز آن کشور به افغانستان انتقاد کرده گفت: زمانیکه يك ابر قدرت بالای يك کشور دیگر تجاوز و حمله میکند و يك تعداد زیادی عساکر خود را در آن کشور جهت توسعه منافع خود پیاده میکند، ما نمیتوانیم این عمل را بدون از نقض روحیه «اكت هیلسنکی» چیز دیگر بنامیم.

نمایندگان کانادا و ایرلند نیز بنوبت خود، تجاوز شوروی را در افغانستان تقبیح نموده و آنرا و مغایر به روحیه حقوق بشر خواندند.

۲۱-۱۱-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

بار دیگر مشت جهان به دهان ماسکو حواله شد:

برای باردوم در جریان مدت ده ماه مجمع عمومی ملل متحد با اکثریت قاطع تقاضای بیرون کشیدن اردوی شوروی را از افغانستان کرد.

روز پنجشنبه مجمع عمومی ملل متحد با ۱۱۱ رای موافق، ۲۲ رای مخالف و ۱۲ رای مستنکف، پیشنهاد ترتیب شده ۴۲ کشور را، بدون اینکه مستقیماً نامی از شوروی برده شده باشد، موافقه کردند تا شوروی قوای نظامی خود را از افغانستان خارج کند.

۲۸-۱۱-۱۹۸۰ هامبورگر آبندبلت Hamburger Abendblatt آلمان غرب:

دهلی جدید / dpa:

«مانور دهشت انگیز نظامی در افغانستان»:

ده ماه قبل افغانستان توسط ۱۰۰۰۰۰ نفر عسکر اردوی شوروی اشغال گردید و هنوز هم رسیدن راپورهای وحشتناک از آنکشور کوهستانی خاتمه نیافته است. رادیو کابل در برنامه

فارسی خود خبری رانشرکرد که باساس آن ازمدت دوهفته باینسو «مانورهای نظامی» قوای اتحاد شوروی وعساکر افغانی یکجا درمناطق مختلف رویدست گرفته شده است. اما دیپلوماتهای کشورهای غربی راپورمیدهند که این مانورها صرف به منظور ازبین بردن مبارزین ضد رژیم ترتیب گردیده است.

درتنگی وردگ، که در ۸۰ کیلومتری جنوب غرب کابل واقع است يك يونت تانك ووسایط زرهدارکه توسط روسها وافغانها اداره میشود، داخل يك قریه شده وینام اینکه به تعقیب ودر جستجوی مجاهدین میباشد، اهالی را ازخانه بیرون کشید يك عده از جوانان قریه را که تعداد شان به ۱۲ نفر میرسید ازبین اهالی جداکرده وبه زیرزنجیرهای تانك اجساد شان را پارچه پارچه کرده اند.

بعداز ختم این جنایت متباقی ساکنین قریه که تعداد شان تقریباً به ۲۰۰ نفرمیرسید خانه های خود را ترك کرده وبرای نجات خود جانب پاکستان به راه افتادند.

دسامبر

۱-۱۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الکیماینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:
 در صفحه سوم روزنامه مربوط به سیاست، کاریکاتوری از بریژنف مربوط با کنفرانس
 KSZE نشر گردیده که بریژنف در برابر عدم رعایت حقوق بشر در افغانستان میگوید:



این همه پروپاگند ها بی اساس اند...

بر علاوه نشر این کاریکاتور در عین صفحه تحت عنوان:
 « افغانستان کتله تحصیل کرده خود را از دست داده است »
 اسلام آباد - ۳۰ نومبر AP:

قرار راپور کمیساری عالی مهاجرین در اسلام آباد ماهانه بین ۲۵۰-۳۰۰ اتباع افغانی

باسویه تحصیلی پوهنتون برای پناهندگی ثبت نام میکنند فرار ساینس دانان، معلمین، قضات، دکتوران طب و انجیران بعد از بقدرت رسیدن مارکسیستها در سال ۱۹۷۸ آغاز یافته و با اشغال افغانستان توسط قوای شوروی بیشتر و سریعتر گردیده است.

یکی از مامورین عالیرتبه کمیساری اظهار داشت که فعلاً در افغانستان کمبود دکتوران طب واضحاً به مشاهده میرسید. وی عقیده دارد که فرار مغزها Brain Drain در افغانستان خلایی را خلق کرده که این نقیصه بعد از چندین نسل درآینده رفع خواهد شد. رژیم کابل برای اینکه از این «اضاعت خون» جلوگیری کند تعداد بیشتر روسهارا استخدام میکند تا کرسی های شانرا پر کنند به این صورت پروسه شوروی گردانیدن کشور بیشتر سرعت می گیرد.

درلست مرتبه کمیشتری کسانیکه از ماه اگست با اینطرف به پاکستان وارد شده و تقاضای پناهندگی کرده اند بر علاوه تعداد این ها، رئیس رادیو و تلویزیون کابل، رئیس تجارت خارجی وزارت تجارت، چند نفر از مامورین عالی رتبه وزارت های مالیه، مخابرات، فواید عامه، صحیه و همچنان استادان بشرشناسی، دکتوران طب، سوسیولوگها، کارمندان شقوق مختلف انجیری و مهندسین شامل میباشند و علاوه بر این ها آمرمیدان هوایی کابل، سرطیب و آمر مالی خط هوایی آریانا نیز درخواست پناهندگی داده اند.

قرار اظهار دکتور رحمت الله ظفر، که در این تازه گی ها به پاکستان وارد شده، تعداد دکتوران طب در کابل روز بروز کمتر می شود و از طرف دیگر در اثر جنگهای شدید تعداد زخمی ها و معلولین بیشتر شده میرود. دکتور ظفر که در فاکولته طب وظیفه داشت، گفت از مجموع تقریباً ۲۰۰۰ دکتور طب افغانی فعلاً کمتر از ۶۰۰ نفر آن در کشوری باقی مانده است. این رقم را در جنوری امسال وزیر صحیه رژیم کابل محمد ابراهیم عظیم در مراسم توزیع شهادتنامه های ۶۵ نفر دکتور اظهار داشت. وزیر صحیه از دکتوران فارغ التحصیل با تضرع تقاضا کرد تا در وطن خود بمانند و به مریضان کمک کنند ولی بعد از این تاریخ در حدود ۳۰۰ دکتور دیگر کشور را ترک کرده اند که در بین شان آخرین سه دکتور طب امراض زنانه شامل میباشند در عوض این دکتوران فراری سبیل ورود دکتوران طب روسی در کشور جریان دارد.

۲۹-۱۲-۱۹۸ مورگن پست Morgenpost آلمان غرب:

اهالی ماسکو و بیشتر از آنچه کرملن فکر می کند باخبراند.

وقتی تابوت ها از افغانستان به شوروی میرسند

سرمحرر مورگن پست یوزف زینگلدینگر Josef Singdinger از اتحاد شوروی راپور

میدهد.

ماسکو - لیننگراد

هر روز طیاره های باربردار اتحاد شوروی بامحمولیکه سبب ترس اهالی میشود، به میدان های هوایی فرودمی آینده این طیاره ها حامل تابوت های عساکر روسی هستند که از افغانستان میرسند ودر رسانه ها درباره این مطلب سطری هم نوشته نمی شود. اما همه میدانند که اشغال افغانستان باعث کشته شدن هزاران عساکر شوروی گردیده است.

یک فامیل از لیننگراد در مصاحبه ای اظهار کرد: که پسر ۲۰ ساله شان در افغانستان کشته شده است وچنین شکوه ها از زبان یک تعداد زیاد فامیل های روسی شنیده میشود. درگذشته عساکر اردوی شوروی از اهالی جمهوریت های آسیایی به افغانستان فرستاده میشدند و خبرمقتولین این جمهوریت ها به قسمت غربی اتحاد شوروی نمیرسید ولی امروز که کشته شدگان مربوط به اهالی لیننگراد و ماسکو میباشد ناآرامی بیشتر بین مردم ایجاد کرده است. مردم لیننگراد مستحضرند که زخمی های عساکر اتحاد شوروی به زادگاه های شان بازگشتانده نمیشوند بلکه درشفاخانه های آلمان شرقی تحت مداوی گرفته میشوند.

و از این ناحیه کرملین در رابطه با جنگ های افغانستان شدیداً نگرانی دارد و از هر طرف کمک میجوید. یکی از نمونه های این تشویش درخواست حکومت از سراسقف کلیسای ارتودوکس روسی است تا موقوف حکومت را در قضایای افغانستان، طور مثبت به مردمان داخل کلیسا تفهیم کند.

قرار راپور های واصله در بعضی استانهای اتحاد شوروی قلت مواد ارتزاقی و سوخت احساس میگردد و قرار معلوم در اوکراین کمبود کچالو و در ریگا کمبود پترول مسئولین رژیم را دست و پاچه گردانیده است.

۹-۱۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurt Allgemeine آلمان غرب:

سفر بریژنیف به هندوستان

دهلی جدید - ۸ دسمبر (Dpa/AFP)

روز دوشنبه درصیافتی بافتخار بریژنف صدرهیئت رئیسه اتحاد شوروی، رئیس دولت هند، ریدی Reddy دریانیه خیرمقدم خود باصراحت کامل اظهارکرد: «کشورهند اشغال افغانستان را قبول کرده نمیتواند» و هرنوع مداخلات قدرت های خارجی «چه آشکارا و یا بصورت مخفی» درامور داخلی يك کشور «این منطقه» از دید ما قابل قبول نمیباشد. ریدی با این بیانیه خود میخوهد تا اظهارات اندیرا گاندی صدراعظم هند را، حین پذیرایی بریژنف، بطور واضح ودقیقت فرمولبندی کند.

اندیرا گاندی صدراعظم هند دریانیه خود هرنوع مداخله خارجی را درامور داخلی کشورها بصورت کل تقبیح کرده و از «این منطقه» بصورت مشخص یاد نکرده بود اما ریدی دریانیه خود پیشرفته گفت: «صلح پایدار را میتوان تنها در راه توافقات سیاسی بدست آورد نه از راه جنگ» و مشکل این توافقات باید طوری باشد که به «آزادی، استقلال، تمامیت ارضی وهمبستگی دریلک کشورهای غیرمنسلک کشورهای این منطقه» مطلقاً احترام گردد. ودراخیر باردیگر تکرار کرد که: «مادرنه دوستان مخالف هرگونه مداخلات بیگانگان درکشورهای این منطقه» میباشد.

بریژنیف در جواب خود حرفی درباره بحران افغانستان و یاپروپلم جنگ بین ایران وعراق ویاکمبودیا، نگفت. به عوض آن اظهارداشت که: صلح جهانی باخطرهای بزرگ مواجهه میباشد. اگر کشورهای غربی «سیاست منفی وخطرناک» خود را در رابطه بانکشاف بیشتر پروگرامهای تسلیحاتی خود توسعه بخشند. وی اضافه کرد که درطول چند سال اخیر چند بارکشورهای غربی نزدیک بود جهان را به سرحد تباهی روبرو سازد ولی اتحاد شوروی مانع چنین برخورد ها گردیده است. وی حینیکه درباره روابط هند وشوروی صحبت میکرد اضافه کرد «ما همیشه يك علاقه خاصی به اندیراگاندی داشتیم وداریم» و اضافه کرده گفت: «من آرزوندارم این مطلب را پنهان کنم».

اظهارات بریژنف را در رابطه با اندیرا گاندی نمیتوان صرف از روی خوش صحبتی و «نوازی» وی ارزیابی کرد، بلکه اشاره ایست به عنوان و اظهارات چند روز قبل موراجی دیسای صدراعظم سابق هند که در محافل سیاسی دهلی جدید، ماسکو و اسلام آباد سروصدای براه انداخت. دیسای در بیانیه ای خود اظهار داشت بود که: «چند سال قبل کریملین او را تشویق کرد تا پاکستان را» یک درس عبرت «بدهد و اتحاد شوروی آماده بود تا بوی کمک کند.

بریژنف که در هوای زیبای این وقت دهلی در زیر آسمان آبی آن بسویه عالی پذیرایی میگردد با فاصله با بحران افغانستان برخورد دستگاہ امنیتی هند، چون در داخل شهر تقریباً ۴۰۰-۵۰۰ نفر اتباع افغان و طرفداران شان بر علیه بریژنیف مظاهره داشتند، خط السیر مهمان های روسی را تغییر داده و در عین زمان مظاهره چپان را با تشدد پراکنده کرده و مانع رفتن شان بطرف سفارت شوروی شد. و قرار معلوم ۱۲ نفر افغان بازداشت شده اند.

تشریفات هند در برنامه خود برای اعزاز مهمان دولت در «سرخ قلعه» دهلی پذیرایی شایانی را ترتیب داده بود، لیکن در آخرین ساعات قبل از افتتاح محفل پذیرایی در سرخ قلعه بنا بر رسیدن راپورهای ناراحت کننده از جانب قوای امنیتی به عمارت کانگرس منتقل گردید.

یکی از اشخاص مسئول پذیرایی اظهار داشت: با در نظر داشت تبصره های منفی رسانه های هندی در مورد اشغال افغانستان و همچنان براه افتادن مظاهرات مشکل است از مهمان دولت هند پذیرایی پرسروصدای کرد، زیرا کنترل ده ها هزار نفر مردم کار ساده ای نیست.

۱۰-۱۲-۱۹۸۰ دی ویلت Die Welt آلمان غرب:

واشنگتن: مصاب به هیستری (هیجان شدید) نمیشویم و از افغانستان بعد کافی آموخته

ایم

واشنگتن: قضایای روز جمعه گذشته از نقطه نظر وظیفه ژورنالیستی ایجاب میکرد که درباره بسیج قوای اتحاد شوروی در سرحدات شوروی - پولند، اشاره ای بکنیم.

اعلامیه کنفرانس سران پکت وارسا در روز جمعه، که در محتوای آن خوشبینی برون گل توضیح گردیده بود، بعد از آنکه دقیقاً تحت غور قرار بگیرد، شکل دیگری بخود پیدا میکند.

این مطلب را یک سخنگوی وزارت خارجه امریکا بجواب سوال سفرای مشاهد قضیه

اظهارداشت.

از اینکه چرا امریکا حرکتی خلاف تعامل دیپلماسی کرده و از فعالیتهای اردوی شوروی در سرحدات پولند، اسماً یاد می کند، اظهار نظر کرده نمی توانیم و این طرز العمل جدید امریکابا عث شد که در بعضی محافل سیاسی بنام «هیستیری امریکایی» از آن نام برده شود. اما با وجود اینهمه قضاوت ها طرز صحبت سخنگوی وزارت خارجه از چند نظر قابل توجه است:

اول اینکه جهان مینماید که ستلابتهای اکتشافی امریکایی بنا بر مساعد گردیدن هوا در سطوح مختلف از فراز کشورهای بلاک شرقی، معلومات موثق تری بدسترس مبصرین اوضاع قرار داده میتواند زیرا بعد از روز جمعه اوضاع جوی در منطقه مساعد گردیده و امریکائیها توانستند تمام حرکات و سوقیات نظامی رادرسرحدات شوروی و پولند بطور دقیق تحت مطالعه قرار دهند. و

در قدم دوم و بعدی واضح میگردد که واشنگتن میخواهد که راپورهای رسانه های را، که از دست بیرون رفته است، اصلاح کند تا بدینوسیله این واقعیت رادر پولند چه رخ داده، بطور دقیق بدسترس جهانیان گذاشته بتواند. در اخیر واشنگتن میخواهد به جهانیان بفهماند که تجاوز نظامی شوروی رادر پولند بهر اسم و رسمی که باشد نمیپذیرد.

در این اواخر برای سفرای ۲۲ کشور از طرف وزارت خارجه امریکا راپورها و معلومات استخباراتی امریکا در مورد پولند بدسترس شان گذاشته شد. با اساس این معلومات در سرحدات پولند ۱۸۰۰۰۰ نفر از عساکر اردوی آلمان شرقی در خاک آلمان شرق و ۳۰۰۰۰ نفر از اردوی چکوسلواکی در قلمرو چکوسلواکی و در خاک شوروی ۲۵۰۰۰۰ نفر عساکر روسی، بدون کمک کنندگان لوزتیکی، آماده مارش می باشند.

ازین جریان معلوم می شود که واشنگتن قضایای مربوط به پولند را برخلاف قضیه افغانستان در سال گذشته بطور کلی و بطرز دیگری ارزیابی می کند. زیرا آنوقت، در مسئله افغانستان، نگرانی و اندیشه خود را تنها از طریق پخش اخبار توسط رسانه ها به اطلاع عامه میرسانید، بدون اینکه قصر سفید باتبارز قدرت خود داخل صحنه گردد.

وقتی که بار دیگر گذشته ها مطالعه شوند طوری که امروز روزنامه «دی ویلت Die Welt» در باره تحقیق کرده، رئیس جمهور کارترینج بار شخصاً به ماسکو اخطار داده و گفته بود،

در صورت تجاوز در خاک افغانستان منتظر عواقب وخیم آن باشد باموجودیت بازی ها، رئیس جمهور کارتر طوری ظاهر سازی کرد که گویا تجاوز اردوی شوروی در افغانستان او را غافل گیر کرده و از آن اطلاع قبلی نداشته است امروز انتقاد کافی در محافل سیاسی بلند است که چرا در آنوقت واشنگتن در مورد تجاوز شوروی در افغانستان اقدامی نکرده و عکس العملی از خود نشان نداده است.

مامی بینیم که از بحران افغانستان، واشنگتن درس عبرت گرفته و تصمیم گرفته که رسانیدن اطلاعات کافی بدسترس عامه باید جزو پالیسی امریکا بوده و آنرا تطبیق کند.

۱۳-۱۴/۱۲-۱۹۸۰ هامبورگر آبندلت Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

پلان پیشنهاد بریژنف قابل قبول نبوده رد گردید

هامبورگر/Dpa-ap

اکثر کشورهای خلیج فارس، پلان بریژنف را که بنام «دکتورین صلح و امنیت» در خلیج فارس یاد میشود و در دهرلی جدید با اطلاع عامه رسانیده شده، رد کردند.

بریژنف پیشنهاد کرده که: «ایالات متحده امریکا، چین، جاپان و دیگر قدرت های علاقمند با اتحاد شوروی یکجا تعهد کنند تا تمام پایگاه های نظامی موجود در کشورهای خلیج فارس را مسدود و همچنان تعهد کنند که پایگاه جدیدی اعمار نکرده و در امور داخلی این کشورها مداخلات خارجی صورت نخواهد گرفت و همچنان در چوکات این پیششهاد نصب آلات ذره وی نیز شامل میباشد.

ایران، مصر و اردن پلان کریملین را رد کردند و وزارت خارجه امریکا اعلام داشت که این اشاره بریژنف يك «پیشنهاد ریاکارانه» میباشد زیرا اتحاد شوروی در خلیج فارس دارای پایگاههای بحری در یمن جنوبی و عراق میباشد و همچنان کشتیهای اتحاد شوروی اجازه دارند در بندرگاههای هند لنگر اندازند.

حکومت جاپان پیشنهاد شوروی را رد نکرده و تقاضای تفصیل بیشتر آنرا دارد.

وزیر خارجه آلمان غرب گینچر تقاضا کرد تا این پیشنهاد عمیقتر تحلیل گردد و شرط اولی بحث در مورد همچو «پلان» بیرون کشیدن قوای شوروی از افغانستان میباشد.

ماه دسامبر ۱۹۸۰ (جرگه اسلامی نجات افغانستان):

در طول ماه دسامبر ۱۹۸۰ چند بار اعضای جرگه با هم نشستند و درباره ترتیب مظاهره ای در سالگرد اشغال افغانستان توسط قوای شوروی تبادل نظر کردند، قرار شد تا با تمام مهاجرین افغانی در هامبورگ تماس گرفته و از ایشان دعوت شود تا در ترتیب مظاهره سهم بگیرند. اینجانب وظیفه گرفتم تا با عضو پارلمان آلمان در منطقه سکونت من به تماس شده و امکانات ترتیب مظاهره ای دسته جمعی را با اهالی شهر باوای مطرح کنم.

بعد از تصمیم جلسه با پیتر کورت ورسباخ Peter Kurt Wuerzbach وکیل شورا، مربوط حزب دیموکرات های مسیحی که از سابق باوای آشنایی دارم (دعوت شب نشینی هلموت کوهل H.Kohl) این مطلب را مطرح کردم. وی با علاقمندی این نظرا پذیرفت و وعده کرد که شخصاً با اعضای خانواده خود در مظاهرات با افغانها سهم بگیرد و وعده نمود که با اداره رهبری جوانان دیموکراتیک مسیحی در این منطقه مشوره نموده و همکاری شانرا طالب گردد.

روز بعد در روزنامه محلی نوردرشتاد Norderstedter Zeitung مطالب ذیل نشر گردید:

۲۲-۱۲-۱۹۸۰ نوردرشتاد:

جوانان دیموکرات مسیحی دعوت به مظاهره میکنند

قرار است تا روز شنبه ۲۷ ماه دسامبر، بعد از روزهای تعطیل کریسمس، از طرف جوانان دیموکرات مسیحی و افغانهای مقیم آلمان، مظاهراتی در برابر اشغال قوای اتحاد شوروی صورت گیرد، اتحاد شوروی یکسال قبل ازین روز به خاک افغانستان تجاوز کرده و آنکشور را اشغال کرده است.

در نظر است روز شنبه ساعت ۶ شام در سنتر هیرولد مظاهره کنندگان گردهم آمده و با مشعلهای فروزان در دست، براه پیمایی آغاز کرده و با ارایه بیانات خاتمه یابد.

قرار است در مظاهره افغانها وکیل پارلمان کورت - پیتر ورسباخ نیز سهم بگیرد. همچنان از اهالی نوردرشتاد و حومه آن دعوت بعمل میآید تا در این مظاهره حق در برابر

باطل سهم شوند.

۲۳-۱۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

اتحاد جنگجویان مقاومت افغانی بهم خورده

اختلافات سیاسی بین ائتلافیون

کمبود مواد ارتزاقی و شیوع علایم قحطی

اسلام آباد AFF :

اتحاد مبارزین افغانی برضد رژیم کارمل و قوای اشغالگر اتحاد شوروی در افغانستان که از خاک پاکستان استفاده میکنند، بهم خورده است.

در بهار گذشته که سه تنظیم ملی گرا پیمان اتحادی رابادو گروه بنیادگرا بسته بودند، اعلام کردند که ازم جدا شده اند. این مطلب را يك سخنگوی اتحاد درپشاور اظهارداشت .

اتحاد این دوگروه که هدف شان اخراج قوای شوروی و ازبین بردن رژیم کمونیستی از افغانستان بوده وبنیان گذاری يك جمهوریت اسلامی رادر نظر داشتند، از آغاز انعقاد پیمان اتحاد بنابر تفاوت های ایدولوژیک بین طرفداران شان تصادم هایی بوجود آورده.

سه تنظیم ملی گرا، (جبهه نجات اسلامی افغانستان، حرکت اسلامی افغانستان و محاذ ملی افغانستان) علاقمند هستند تا با کشورهای غربی رابطه داشته و از این ممالک کمک های مالی و حمایت سیاسی بدست آورند که جهت برآورده شدن این مامول قاسهای مستقیم صورت گرفته است. تنظیمهای ملی گرا، ساختمان سیاسی آینده افغانستان را درچوکات نظام جمهوری می بینند که در آن نمایندگان تمام اقشار کشور بطور تناسب (بدون از کمونیستها و دشمنان اسلام) سهم داشته باشند تنظیم های ملیگرا ادعای کنند که از اکثریت مردم افغانستان نمایندگی میکنند.

ازجانب دیگر مغایر به اظهارات تنظیمهای ملی گرا، احزاب بنیادگرای اسلامی (جمعیت اسلامی افغانستان و حزب اسلامی مولوی خالص) معتقد هستند که آنها ونه تنظیمهای ملی گرا، از اکثریت مردم افغانستان نمایندگی میکنند ودر باره آینده ساختمان سیاسی افغانستان اظهار نظر کرده میگویند که: «افغانستان بحيث يك کشوریطرف درآمده ویا سهم گردانیدن

اکثریت علمای دین در اداره، مانند ایران، عرض وجود کند».

محمد گلاب ننگرهاری، منشی عمومی اتحاد، ضمن مصاحبه ای به خبرنگاران گفت که ده روز قبل اتحاد مجاهدین از بین رفته و بعد از این رهبران و مسئولین سه تنظیم ملی گرا در صدد هستند، ساختمان اتحاد جداگانه ای را رویدست گیرند تا در آن اساسات «دموکراسی» تضمین شده بتواند.

یک سخنگوی دوگروه بنیادگرا اظهار داشت که رهبران این دو گروه با نمایندگان حزب اسلامی حکمتیار به تماس شده و میخواستند که باوی یک اتحادیه ای با قدرتی را بوجود آورند زیرا حزب اسلامی حکمتیار از نقطه نظر تعداد افراد جنگی و حملات چریکی نسبت به دیگران قویتر و موفقتر می باشد اما تا حال درباره داخل شدن به این پیمان اتحادی اظهار نظر نکرده است و احیاناً اگر اتحادی بوجود آید حکمتیار بهیچ وجه حاضر نخواهد شد مقام و قدرت رهبریت را به شخص دیگری تفویض کند.

قرار ادعای یک سخنگوی حزب اسلامی، ۷۰٪ گروه های جنگی در داخل افغانستان تحت قیادت حزب اسلامی برای آزادی و نجات افغانستان داخل پیکار هستند و اکثر طرفداران دیگر تنظیمها و احزاب در خارج از افغانستان زندگی می کنند و صرف وقتاً فوقتاً جهت اجرای عملیاتی در داخل افغانستان رفته و بعد از ختم آن به خارج بازمی گردند سخنگوی حزب اسلامی در اظهارات خود پیشرفته بیان داشت برای اینکه حملات مجاهدین بطور منسجم و دارای موثریت بیشتر تنظیم شده بتواند باید تحت فرماندهی یک ارگان با صلاحیت قویترین حزب در آورده شود.

۱۹۸۰-۱۲-۲۴ فرانکفورتر الگیمانی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

خبرنگار روزنامه توماس راس Thomas Ross از دهلی جدید مینگارد:

هنوز هم افغانستان از خود دفاع میکند

یک سال بعد از تجاوز قوای شوروی قوای مقاومت بحال اصلی خود باقی مانده و شکست نخورده است.

دهلی جدید، دسامبر ۱۹۸۰:

یک سال بعد از تجاوز شوروی، درباره بحران افغانستان سکوت حکمفرما گردیده.

در افغانستان نسبت سردی هوا جنگها بطی گردیده و علائق جهانی متوجه بقضایای پولند و جنگها در خلیج فارس، گردیده است.

باید دانست که بدون مقاومت مردم افغان، روسها در مورد سرنوشت پولند آسانتر تصمیم گرفته و جریان را به نفع خود تغییر میدادند و یقیناً در اروپا بر انکشافات غیر قابل تصور در صحنه می آمد.

اعتیاد به يك حالت یکی از خصایل طبیعی بشری است، اگر بشر با اجرای درگیریهای افراطی خود را در مخاطره ها زنده کرده نتواند، روزی نابود گردیده و فراموش میشود. ایا روزی خواهد آمد که افغان ها خود را مانند فلسطینی ها در خاطره ها زنده نگهدارد.

سفر دو هفته قبل بریژنف در دهلی جدید باردیگر به جهانیان فهماند که وی يك قدم از اقدام خود در افغانستان بر نمیگردد.

اتحاد شوروی بتاريخ ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ بر کشور افغان ها تجاوز کرده و آنرا اشغال نموده و ببرک کارمل را بر ملت افغان تحمیل کرد از آن تاریخ به بعد کریملین میکوشد تا این عملیه را پاییه اكمال برساند، اعنی از رژیم کابل دفاع کند و توسط جهانیان رژیم دست نشانده خود را برسمیت بشناساند.

بطور حتم نمیتوان پیشگویی کرد که مردم افغان تا کدام زمان در برابر يك ابر قدرت و ماشینیری نظامی وی مقاومت خواهند کرد مردمی که از کمبود غذا، مریضی و کمبودهای حیاتی بصورت حاد تهدید میشوند، اما سوال بجا خواهد بود اگر پرسیده شود که مردم عام کشور تا کدام حد میتوانند به مبارزین و مدافعین خود کمک کنند و زندگی، مزرعه و محصول و مواشی خود را تحت بمباران شوروی قرار دهند تا از بین برده شوند. مقاومت را که ملت افغان که بامقیاس جدید از خود نشان داده در دیگر ملل جهان کمتر مشاهده شده است. امروز ملت افغان در آن يك مقیاس جدید ویزرگی را در مقاومت از خود نشان داده، قدرتی که از دیگر ملت های جهان کمتر دیده شده است، این مقاومت بی سابقه ملت غیور افغان را میتواند در دو جهت مشاهده کرد:

- رد کردن رژیم کابل و روسهای اشغالگر

- جنگ توسط سلاح ناربه، که این هر دو جنبه در واقع متمم یکدیگر می باشند.

و اگر جنگ خاموش گردد، احتمال دارد جانشین آن رد و سهم نگرفتن در جریان روسی

ساختن افغانستان باشد که این هم بذات خود نوعی از مقاومت است. با ایمان کامل می توان ادعا کرد که در سهمگیری با مبارزه مردم افغانستان اگر بعوض آنکه جهان آزاد وظایف انسانی خود را در گفتار میان تهی انجام دادند عملاً با ایشان کمک کنند، مبارزه و مقاومت شان دوامدار و موثر تر خواهد بود.

بیرک کارمل در ماه نومبر با داشتن اعتماد بیشتر از ماسکو بازگشت و افواهاات که مبتنی بر تعویض وی توسط شخص دیگری نقش برابر شد واضح است که وی در برابر هدایات ماسکو آنقدر سر تسلیم خم کرد تا توانست خود را در ماسکو با هوزاک Husak دست نشانده ماسکو هم ردیف سازد. اما وی فراموش کرده این چنین اشخاص خدمت گزار خوبی در چکوسلواکی شده میتوانند نه در افغانستان و برای ملت با شهامت افغان.

۲۷-۱۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمینی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

روزنامه جمله گزارشات مهم جهانی را بطوریک سالنامه پیشاپیش ثبت کرده که در راس آن در اولین روز جنوری ۱۹۸۰ درباره افغانستان نوشته شده:

اعتراض (پروتست) جهانی در برابر اشغال افغانستان

اول جنوری ۱۹۸۰

اعتراضات جهانی در برابر اشغال افغانستان توسط قوای نظامی اتحاد شوروی با صحنه سازی در ۲۷ ماه دسامبر حکومتی راد رکابل ازین برده و آرتش سرخ اتحاد شوروی به بیرک کارمل «کمکهای برادرانه» کرده و نقاط مهم شهر کابل را در تصرف خود در آورده است. در شروع سال مجلس فوق العاده اعضای پیمان اطلس در پروسل دایر گردید و اشغال افغانستان را توسط قوای شوروی «نسبت تهدید صلح و تقص و قبیح حقوق بشر» شدیداً تقبیح گردید.

بتاریخ ۴ جنوری ۱۹۸۰ رئیس جمهور امریکا تصویب موافقتنامه سالت ۲ (Salt 2) را به تعویق انداخته و همچنان تعذیرات اقتصادی را در برابر اتحاد شوروی اعلام کرده و صدور گندم را به اتحاد شوروی معطل قرارداد. علاوه بر این رئیس جمهور امریکا اعلام کرد، در صورتیکه اتحاد شوروی تا بیستم ماه فروری ۱۹۸۰ عساکر خود را از افغانستان بیرون نکند، امریکا بازی های تابستانی را در ماسکو تحریم خواهد کرد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد خروج قوای خارجی را از افغانستان با ۱۰۴ رای موافق و ۱۸ رای مخالف به تصویب رسانیده است.

۱۹۸۰-۱۲-۲۹ نوردرشتدر سایتونگ Norderstedter Zeitung آلمان غرب:

مظاهره به نسبت سالگرد اشغال افغانستان

نوردرشتد، ۲۹ دسمبر ۱۹۸۰:

«روسها از افغانستان بیرون شوید»، «روسها صلح را درجهان به مخاطره انداخته» و «اشغالگران روسی خارج شوید» ویا دیگر شعارهای مشابه شام روزشنبه بنابر دعوت جوانان مسیحی و افغانهای مقیم این شهردر حدود ۲۵۰ نفر بشمول اتباع افغانی از ایالت شلیزویک هولستین، بمناسبت سالگرد اشغال افغانستان توسط قوای نظامی اتحاد شوروی، بمظاهره پرداختند. مظاهره چیان با مشعلهای فروزان در دست به داخل شهر، که توسط قوای امنیتی شهرخط سیر آنها را تعیین کرده بود باسکوت به راه پیمایی پرداختند.

درختم مظاهره در مرز هیرالد، وکیل ایالتی در پارلمان آلمان فدرال، مربوط حزب دیموکرات مسیحی، پیتر، کورت ورسبخ، دربیانیه خود اظهارداشت رهبران کشورهای غربی و مردم آن منحیت وظیفه اولی خود باید برضد سیاست توسعه طلبی اتحاد شوروی، قد علم کنند. وی یاد آورد که اتحاد شوروی بتاریخ ۲۷ دسامبر سال گذشته بالای یک کشورهمسایه و بیطرف تجاوز کرده و آن را اشغال نموده است که از جانب مردم افغان بنظرنفرت دیده میشود.

احسان الله مایار، یک انجیر افغان که در آغاز بقدرت رسیدن کمونیستها در افغانستان و تنش را با فامیلش ترك کرده و فعلاً درنوردشتد زندگی میکند دربیانیه ای تقاضا کرد: «کشورهای جهان غرب و دوستانان صلح در سراسر جهان نباید اشغال افغانستان را بحیث واقعیت تکمیل شده، بپذیرند، زیرا روسها سیاست توسعه طلبی خود را طوریکه ثبوت آنرا در افغانستان بچشم سرملاحظه میکنید، تعقیب خواهند کرد و اتحاد شوروی تقاضای کشوری را که طالب صلح هستند با استعمال بمبهای ناپالم جواب خواهند داد».

رهبر ایالتی جوانان مسیحی، ولفگنگ زورین Wolfgang Saurin از جوانان اس پی دی SPD و اف دی پی FDP (ائتلافیون درحکومت) شکایت کرد که در راه پیمایی برضد

اشغال افغانستان سهم نگرفتند وی اضافه کرد اگر حرکتی مخالف پالیسی شان، توسط يك کشور راست گرا، صورت میگرفت، سروصدای شان عالم رامیگرفت، لیکن درچنین جریان مانند رهبران سوسیال دیموکرات شان هربرت و دیهنر Herbert Wehner و ویلی براندت Willy Brandt از رویرو شدن با واقعیتها، کناره گیری میکنند.



مظاهره چیان افغان درتور درشتد حین استماع بیانیه ها

۲۹-۱۲-۱۹۸۰ فرانکفورتر الگیمایی Frankfurter Allgemeine آلمان غرب:

بمناسبت سالگرد اشغال افغانستان درسراسرجهان مظاهرات صورت گرفت
- یکتعداد مظاهره کنندگان به داخل محوطه سفارت شوروی درتهران یورش بردند

- حملات بیشتر مبارزین افغانی در کابل

فرانکفورت، ۲۸-۱۲-۱۹۸۰ (AP/AFP/Reuter)

در اخیر هفته گذشته دسراسر جهان به مناسبت اشغال افغانستان توسط قوای شوروی، مظاهرات وسیعی صورت گرفته است. در تهران تقریباً یکصد نفر از مظاهره چیان افغانی در محوطه سفارت افغانستان داخل شد. اما مربوطین گارد انقلاب مداخله کرده با آتشباری و فیرهای هوایی، مظاهره کنندگان را از سفارت بیرون رانده است همچنان راپورهای مظاهرات در برابر سفارت خانه های شوروی در دهلی جدید، واشنگتن، اوسلو وین نیز مواصلت کرده است. در شهر فرانکفورت مظاهره چیان افغانی، عروسکی را که با قیافه بریژنف، رئیس حزب و دولت شوروی، شباهت داشت با آتش سوختاندند.

در پایتخت افغانستان، شهر کابل مبارزین آزادیخواه افغانی از اهالی تقاضا کردند تا بر وسیله اعتراض بمناسبت اشغال افغانستان توسط قوای شوروی و بقدرت رسیدن کارمل رئیس دولت توسط شوروی، در بازوهای خود پارچه ای بزرگ سیاه ببندند و همچنان بر بامهای منازل خود بیرق سیاه رابند کنند و قرار راپورهای واصله دسراسر شهرهای ولایات افغانستان بین مبارزین آزادیخواه افغانی و عساکر قوای شوروی و عساکر رژیم زدو خورد های شدید صورت گرفته است.

با وجود تشدید کنترل توسط قوای امنیتی در کابل، مخالفین رژیم توانستند تا بیرق منفورشانرا در متن شهر کابل بسوزانند.

در تهران مظاهره چیان برآشفته بالای سفارت اتحاد شوروی حمله کردند آنها موفق شدند تا بیرق سرخ سفارت را پایان کرده و بسوزانند و گارد انقلاب برای جلوگیری از تخریب بیشتر سفارت ب فیرهای هوایی آغاز کرد و مظاهره چیان را از محوطه سفارت خارج کردند. در این تظاهرات بیشتر از ۶۰۰۰ نفر مهاجر افغانی باهم عقیدگان ایرانی شان جمع ده بودند آنها بایک صدا «مرگ بر روسها» و «مرگ بر بریژنف قاتل ملت افغان» فریاد کشیده، به تعمیر سفارت سنگ پرتاب می کردند و با وجود مداخله گارد انقلاب مظاهره چیان موفق گردیدند که بعضی بیرق سرخ سوختانده شده، بیرق سبز مبارزین راه آزادی را برافرازند.

در پایتخت پاکستان، اسلام آباد قوای مقاومت افغانستان آژانس خبررسانی ای با اسم ای ای پی AAP را معرفی کرد که مرکز این اداره در لندن و نمایندگی های آن در پشاور و راولپندی

تاسیس گردیده است.

قرارات اطلاع واصله وزیر عدلیه و معاون صدراعظم رژیم کابل، عبدالرشید آرین از کابل بیک کشور خارجی پناه برده است و دربارہ ورود وی در کشور پاکستان تذکری داده نشده و هم از کدام منبع پاکستانی تصدیق نشده است.

پادشاه سابق افغانستان، محمد ظاهرشاه به مناسبت سالگرد اشغال افغانستان از شهر روم اعلامیه ای صادر کرد و موناارش (پادشاه) سابق افغانستان از طریق رادیو ایتالیا اظهار داشت که: «وی با احساس تأثر عمیق دربارہ سرنوشت غمین ملیونها افغانی که تحت سلطه قوای بیگانه بسر میبرند میانیدشد».

پادشاه سابق افغانستان اضافه کرد: «از بارگاه خداوند متعال، نیاز میکند تا باملت قهرمان افغان در راه اعاده آزادی، استقلال کشور و عزت انسانی شان کمک کند».

ختم جلد اول

مؤخره

حرف آخر:

طوريكه در مقدمه اشاره رفت شرح حال مختصر و حوادثي را كه بر من و خانواده ام گذشته است در اینجا گزارش ميدهم.

من در كابل بدنيا آمده ام. پدرم محمد اسماعيل مایار تاريخ ومحل تولد را در حاشیه قرآن پاك چنين ثبت کرده است: امروز پنج شنبه بيست وهفتم ماه دلوا ۱۳۱۱ هـ ش در منزل ما واقع اندرابي كابل كه متصل زيارت شاه دو شمشيره بوده و به پسته خانه شهرت دارد اولين پسر م بدنيا آمد. اسمش را احسان الله گذاشتيم.

دوران طفوليت و شبابم به خوبی گذشت. بعد فراغ از لېسه نجات برای ادامه تحصیلات عالی به آلمان و فرانسه رفته و در رشته انجینیری ماشین دیپلوم گرفته دو باره بوطن برگشتم و به استخدام دولت در وزارت معادن وصنایع در آمدم. در سال ۱۹۶۰ع با حفیظه شنسب ازدواج کردم و خداوند به ما دو پسر و يك دختر عنایت فرمود (عبدالله، محبوب الله وملالی).

در دوران ماموریتم بارها از مرکز به ولایات و دوباره به مرکز تبدیل شده ام. از مدیریت عمومی تخنیک وزارت به معاونیت تخنیک وساختمانی شرکت میوه قندهار و پشمینه بافی قندهار واز آنجا با حفظ رتبه دولتی در موسسه خصوصی آلمانی به ریاست پشمینه بافی كابل رسیدم. سپس به ریاست بورد متخصصین وزارت معادن و صنایع و آخرین ماموریتم تا ختم نظام شاهی و چند ماه اول جمهوریت در رأس ریاست برق كابل بود.

در اوایل ماه میزان از وظیفه سبكدوش شده و من درخواست تقاعد کردم كه پس از چندی سند تقاعدی را بدست آوردم.

بعد از تقاعد به تأسیس يك شرکت تجارتي انجیري اقدام کردم. این شرکت برای من و همکارانم تجارب مفید در تجارت و هم منفعت مالی بدست آورد. محمد یوسف فرند و غلام دستگیر نوری که هر دو کاردان بودند در تقویه و اعتلای این موسسه کوچک شخصی خدمات بزرگی انجام دادند.

به همین منوال سالهای عزم را با اطمینان خاطر و خدمت به مردم و وطن می گذشتاندم تا اینکه کودتای خانزاده هفت ثور صورت گرفت و بعدش اتحاد شوروی به حمایت و پشتیبانی از حکومت دست نشانده، پوشالی خود برخاک میهنم هجوم آورد. این حادثه مسیرزندگانی من و ملیون ها افغان دیگر را تغییر داده، آسایش و آرامش روحی و جسمی ما را به یغما برده و ما را در اطراف اکناف جهان آواره و سرگردان ساخت.

در جریان این فاجعه افغانهای آواره که از سرحدات وطن خود دور بوده، و بنا بر عوامل مختلف در جنگها اشتراك نداشتند، آرام ننشسته اقدام به عکس العمل متقابل نموده هريك به قدر توان و در تحت شرایط حاکم بر محیط بیگانه خود با قلم، قدم، گردهمآئیهای خورد و بزرگ مظاهرات صدای خود را به گوش جهانیان و هموطنان خود در داخل کشور رسانیدند. من نیز مانند کتله عظیمی از هموطنان خدا پرست و وطن دوست خود آرام نمانده از همان شروع، در پروسه فعالیتهای ضد دشمنان وطنم شریک و انباز شدم و به منظور هم آهنگی و انسجام جنبش مقابله سرتاسری در داخل و خارج از کشور با عده ای از روشنفکران، دانشمندان، علمای دینی، سیاستمداران و مردم عام افغان در نقاط مختلف جهان تماس گرفته و با هم یکجا به ترتیب مجالس پرداخته و هم مسافرتهاى به همین منظوره ممالك مختلف انجام دادم. علاوه بر این نگارنده جریانات واقعی این دوره، محنت بار وطن را تاجائیکه برایش ممکن بود از اخبار و رسانه ای معتبر جهانی جمع آوری نموده پس از ترجمه و ترتیب آن مجموعه کنونی را تدوین کرد.

در همین برهه، زمانی کتابی بنام تاریخ بدستم افتاد که اکثر منهای حقایق بوده، محض جهت عقده کشانی های شخصی برای نویسنده آن نوشته شده بود.

این واقعه نگارانیکه خود را مؤرخ و دانشمند معرفی کرده اند، بعوض نوشتن حقایق به استتار واقعيتها پرداخته، آتش نفاق را در میان خانواده ها، اقوام و قبایل مختلف دامن زده اند. از جمله دربار، اعضای خانواده که با من ارتباط خونی دارند، بدون ارائه سند به جعل مطلب پرداخته بودند. بنا بر این تصمیم گرفتم که برای رفع اکاذیب شرح مختصری از

زندگانی و کارنامه های اجداد را همراه با داستان آوارگی های مکرر خود و آنها را در این جا درج کنم و قضاوت را به خوانندگان گرامی بگذارم.

جداعلای ما قاضی غلام محی الدین خان از خوانین ولایت وردگ بوده در مسند قضا در بین قوم شخص نیک سیرت به شمار میرفت. در اواخر امارت شیرعلی خان پسرانش به استخدام دولت در آمدند. هر دو برادر (نیای پدری و مادری نگارنده) در طول سالهای پراز نشیب و فراز تاریخ افغانستان گاهی در اوج قدرت بوده و زمانی مغضوب و تبعید شده اند. اما با تمام این تحولات، باعشق و علاقه، مفرط در خدمت و وطن خود زندگانی را به نیکنمایی سپری کردند، چنانچه در بین دوستان شهری و در دربار با القاب لالا و آغا شناخته شده و احترام می شدند.

جد مادریم عبدالاحد خان در سال ۱۹۵۰ع وجد پدریم در سال در سنه ۱۹۵۲ع چشم از جهان پوشیدند و بامشایعت جمع غفیری از دوستان و شهریان در جوار حضرت تمیم انصار به خاک سپرده شدند.

از نیای پدریم عبدالله خان وردگ یک پسر بنام محمد اسماعیل و سه دختر برجای ماند و از عبدالاحد خان وردگ نیای مادریم سه پسر بنامهای عبدالرحیم، عبدالقیوم و محمد عمر با چهارده دختر باقی ماند.

عبدالاحد خان در امارت امیر عبدالرحمن خان در دربار به خدمت امیر نصرالله خان پسر دوم امیر مقرر و بعد به مدیریت گمرکات کابل منصوب گردید.

در امارت امیر حبیب الله خان به مصاحبت وی مشغول خدمت بوده، بعد از قتل امیر حبیب الله خان، امیر نصرالله خان وی را به مصاحبت بعضی دیگر به رسالت نزد امان الله خان به کابل اعزام داشت.

در جلد اول تاریخ غبار در این باره چنین تذکر رفته: «امیر امان الله خان دو ماه بعد از حبس نایب السلطنه درباری تشکیل و نتیجه یک تحقیقات مصنوعی را که بر بنای الزام نایب السلطنه و شاه علیرضاخان کندکمشر و یکنفر از درباریان (عبدالاحد خان، پدرکلان مولف) قرار داشت، بیان کرد و رای خواست و هم گفت که عضدالدوله و خاندان شاهی به اعدام نایب السلطنه رانی داده اند...»

پس نایب السلطنه محبوس ماند و عبدالاحد خان تبعید شد و شاه علیرضاخان افسر بیگناه که

ضارب و کشنده امیرحبيب الله خان را با افسر ها کننده آن از دست محافظ میشناخت، از نظر سیاست محکوم باعدام شد. (افغانستان در مسیر تاریخ، اثر میرغلام محمد غبار، چاپ دوم در قم ایران اسد ۱۳۵۹ صفحات ۷۴۴ و ۷۴۵).

بعد از سپری کردن تقریباً دو سال در تبعید خانواده ما مورد عفو امیر امان الله قرار گرفت و عبدالاحد خان به حیث وزیر داخله مقرر شد. در پادشاهی اعلیحضرت محمد نادر شاه بحیث رئیس شورای ملی و در نوامبر سال ۱۹۳۱ ع رئیس تنظیمیه فراه شد و در سال ۱۹۳۲ مجدداً به ریاست شورا منصوب گردید که تقریباً تا آخر عمر، در زمان پادشاهی محمد ظاهر شاه، به همین وظیفه باقی ماند. کودتای سفید ۲۶ سرطان سردار محمد داود شکل افغانستان را دیگر گونه ساخت. نظام شاهی، سلسله خانواده سدوزائی و محمدزائی خاتمه یافت و نظام جمهوری که در طول تاریخ کشور هیچ گونه سابقه ای نداشت بالای مردم تحکم یافت و از آن تاریخ به بعد در افغانستان آزادی نسبی و امنیت رخت بست. گذارش این بحث بدون یاددہانی یکی از عوامل و منشاء اصلی و چگونگی تکوین آن بنظر بنده نامکمل خواهد بود تا زمانیکه از تدوین قانون اساسی سال ۱۹۶۴ یاد نکرد.

ماده ۲۴ قانون اساسی ۱۳۶۴ بنابر ملاحظات بعضی اشخاص مغرض حق سالم يك كتنه، از مردم افغانستان را که در طول تاریخ معاصر کشور خدمات چشمگیری کرده بودند بدون دلیل غصب کرد و در بین خانواده شاهی افغانستان نقاضتهای شخصی را دامن زد. دست سردار محمد داود که در طول عمر خود با رعایت تمام ارزشهای انسانی و اخلاقی به وطن خود خدمت میکرد از صحنه سیاسی کوتاه شد و بدون موجب این شخصیت ملی را در موقف اپوزیشن قرار داد. بعضی عناصر ورزیده در تدوین قانون اساسی آگاهانه این دورنگی و بهم اندازی در بین اعضای خانواده را تلویحاً طوری تلفیق نمودند تا قدمهای بعدی تخریب در جامعه را سهلتر گردانند. با تأسف بایست توضیح کرد که اعلیحضرت پادشاه افغانستان بنابر هر دلیلی که بود موفق نگردید تا روابط بین اعضای فامیل را به شکل سالم و به نفع مملکت تعدیل کند. به عقیده بنده این بی تفاوتی در برابر سردار محمد داود باعث آزردهی وی گردید و يك تعداد از منفعت جوها با استفاده از این خلای سیاسی و ارتباط ناگوار خانوادگی در بین دو قطب بیشتر نفوذ کرده و تا سرحدی موفقانه پیش رفتند که کودتای ۲۶ سرطان مانند يك صاعقه بدون باران رحمت

بالای مردم و کشور نازل شد و راه کودتا های بعدی را باز کرد. بعد از کودتای سردار محمد داود پدرم از سناتوری شورا، مامایم دکتر محمد عمر وردگ، آخرین رئیس انتخابی شورای ملی و نگارنده از سمت ریاست برق کابل سبکدوش شدید. ناگفته نماند که خانواده، ما چندین مرتبه به اجبار مجبور به ترك وطن شده اند. بار اول در امارت امیرامان الله خان، طوریکه در بالا گذارش یافت.

بار دوم در غایله، حبیب الله خادم دین رسول الله با اهل بیت مجبور به ترك وطن گردید. لالا عبدالله خان وردگ نیای پدریم با اعضای فامیل، بدون عبدالاحد خان و مامایم عبدالقیوم که با امیرامان الله خان همسفر بودند، بعد از مبارزه علیه نظام حاکم در کابل و شکست قوای مردم وردگ از طریق مناطق مرکزی، به کمک يك تعداد از سرشناسان و دوستان مردم شریف هزاره وطن را ترك گفتند. از آنجا که انگلیس ها به خانواده ما حسن نظر نداشتند، اجازه اقامت را به این قافله سرگردان نداده آنها را مجبور به ترك هند برتانوی نمودند.

چون این آوره گان نه در افغانستان و نه در هند برتانوی اقامت کرده میتوانستند، بنابراین با پای پیاده از طریق بلوچستان به ایران پناه برده و در ناحیه، بنام سبزووار از توابع خراسان مقیم می شوند. این زمانیست که امیرامان الله خان از بندر بمبئی بدعوت و مصرف انگلیس و پاکستی انگلیسی افغانستان را برای همیشه ترك میکند و عبدالاحد خان که او را تا بمبئی همراهی کرده بود از وی جدا شده عازم تهران میشود. در تهران با سلطان احمد خان که از سال ۱۹۲۸ باینطرف سفیر افغانستان در تهران بود و یکی از دوستان نیای مادریم بود یکجا شده انتظار انکشاف اوضاع در افغانستان را با رسیدن خبری از خانواده می کشد.

در همین وقت عبدالله خان در سبزووار از آمدن برادرش به تهران اطلاع یافته بدانسو سفر میکند. شاه ایران هردو برادر را باز داده و امکان اقامت دائمی شانرا در تهران به آنها پیشنهاد میکند، اما برادران ترجیح میدهند که بعد از استقرار اوضاع دوباره به سرزمین ابائی خود برگردند.

در زعامت های اعلیحضرت محمد نادر شاه و محمد ظاهر شاه يك تعداد اعضای خانواده ما بار وردگ داخل ارگان اداره قدرت دولت بودیم و خدمت به وطن را از جمله شعایر اخلاقی و وجدانی خود پذیرفته بودیم. خوشبختانه در حلقه بزرگ فامیل و در میان دوستان همشهریان عمری را در وطن زیبای خود به آرامی اما با تعهد به خاک و مردم خود سپری کردیم.

بار دیگر ویرای سومین مرتبه مجبور به ترك وطن شدیم. این آواره گی پس از کودتای خاینانه هفت ثور صورت گرفت.

من که یغماگران بهترین ایام عمرم را بریاد داده بودند باهمسر و فرزندانم با اکراه و اجبار وطن را ترك گفتم. هرچند قصه آواره گی و احساس مهاجرین همزنگ است اما مراحل عملی آن از هم دور و باهم متفاوت می باشد. در طول مهاجرت فرد فرد قافله بی سرنوشت و سرگردان افغان در میان دوزخ و برزخ روانی زندگی کرده اند. همچنان در دشتهای سوزان و در زیر برف و باران سرد و کشنده به سر برده به امید بازگشتن به وطن روزشماری کرده اند. صدها هزاران طفل یتیم و مادران بیوه شده و بیشتر از چند صد هزار افغان به قتل رسیده است. در این بزرگترین فاجعه انسانی معاصر که برای سالهای متمادی به مدت بیشتر از دو دهه دوام کرد، ابرقدرت دیگر جهان آزاد تا زمانیکه منافعی مطلوب بود به مردم افغانستان علاقه مند شده و بدون خون شدن بینی يك نفر از اتباعش از مردم افغان حمایت کرده که بیشتر کشته شوند تا زمانیکه از کابوس شکست چند سال قبل خود رهایی یابد و زمانیکه دشمنش بعد از گذشت جنگ سرد در جنگ داغ به همت مردم افغان بازبونی و شرمساری افغانستان را ترك کرد علاقه مندی دوست مطلب اشنا کاملاً به فراموشی مبدل گردید و افغانستان را در آتش جنگهای داخلی و برادرکشی کشانید. اما باید هم اعتراف کرد که يك تعداد از مردم ما بمنظور فراهم آوری هرچه بیشتر منافع شخصی ملت افغان و افغانستان را « به مناطق حایل » متعدد قومی، لسانی، دینی و سیاسی منقسم گردانید تا سرحدیکه افغانستان چندین بار در آستانه سقوط و تجزیه قرار گرفت. اما خوشبختانه مردم عام افغان مانع انکشاف بیشتر تجزیه وطن محبوب شان شدند.

طوریکه در بالا گفته آمد تا سالهای اخیر جمهوری به پیشبرد امور اداره شخصی ام «حفیظ لیمیتد» مشغول بودم.

در اوایل ماه اپریل سال ۱۹۷۸ قبل از آنکه نظام تغییر یابد و وطن را ترك کنم جهت اشتراك در مجلس داوطلبی ماشین الات و وسایل ترانسپورتی شاروالی کابل که در دفتر خریداری وزارت فواید عامه واقع میکروریان دائرمی شد رفتم. رقبای تجارتی ما افغانها موسسه تخنواکسپورت اتحاد شوروی و دفتر تجارتی چکوسلواکی بودند. ما افغانها اکثر تولیدات ممالک غربی، جاپان و کوریا را عرضه میکردیم و مؤسسات زقیب تنها اجناس تولید شوروی و اعمار آنرا

پیشنهاد می‌کردند. تعامل اداری چنان بود که آفر دهنده باید قبل از اشتراك در مجلس داوطلبی مبلغی را بنام تأمینات به ریاست خریداری و تداركات می‌پرداخت.

بعد از افتتاح مجلس من از رئیس خریداری پرسیدم که آیا مؤسسه تخنواکسپورت شوروی پول تأمینات را پرداخته یاخیر؟ هنوز وی جواب مرا نداده بود که رئیس تخنواکسپورت با عصبانیت و تشدد بسیار گفت که شما باید بدانید در مقابل شما نماینده يك مؤسسه دولتی قرارداد که خود را مکلف به پرداخت پول تأمینات نمیداند و باید بدانید که در این کشور مقام ما بلند تر از چند نفر تاجراست.

از گفتار آمرانه نماینده تخنواکسپورت مجلس تاحدی متشنج شد اما رئیس خریداری ما را به سکوت دعوت کرده و خود به باز کردن آفرها پرداخت. در ختم این بررسی اعلام شد که آفر مؤسسه يك دوستم و از من واجد شرایط بهتر و قیمت نازلتر از دیگران بود. رئیس هیئات روسی این خبر را ضربه ناخوش آیندی برای خود دانسته و با تحکم به رئیس خریداری گفت که « ما حاضریم در قیمت‌های ارائه شده خود تجدید نظر کنیم. از اینرو باید جریان داوطلبی ادامه یابد ». با شنیدن این بیانات آمرانه ما افغانها گفتیم که تا وقتی تخنواکسپورت شوروی پول تأمینات را مانند دیگران، نماینده چکسلواکی نیز در آن شامل است و پول تأمینات را پرداخته، نپردازد از ادامه داوطلبی معذرت می‌خواهیم. اینرا گفته و دسته جمعی مجلس مناقصه را ترك گفتیم. بعد از ظهر همان روز رئیس خریداری تلفونی خبر داد که دوباره به مجلس حاضر شویم.

مجلس بدون اشتراك نمایندگان تخنواکسپورت شوروی دائر گردید و در ختم آن ما چند نفر افغانها برنده شدیم.

این رویداد را به دو دلیل مشرح و طولانی تر توضیح دادم، اول اینکه چگونه روسها با تحکم در ادارات دولتی قدرت نمائی کرده و بدینوسیله بازار تجارت افغانستان را در انحصار خود می آوردند. دو دگر اینکه باید در این دوره (آخرین روز های جمهوری سردار محمد داود) تغییراتی در پالیسی اداری رونما گردیده باشد که بما موقع داد تا داوطلبی را بدون حضور نمایندگان تخنواکسپورت شوروی به سر برسانیم که این مطلب به نظر من حایز اهمیت می باشد.

بعد تر شنیده شد که مقامات بالا به دواتر مسئول هدایت داده بودند تا در خریداری های دولتی ز روسها فاصله گیرند و نگذارند که بازار تجارت افغانستان در انحصار اتحاد شوروی و بلاک شرق باقی بماند و هم در تهیه و تدارك اجناس، کیفیت بهتر و نرخ مناسبتر را ترجیح دهند.

برای اینکه آمادگی امضای قرارداد مربوط مؤسسه خود را داشته باشم با نمایندگی فیات الیس Fiat Allis در تهران تماس گرفتم و دو روز بعدش دونفر که یکی آن امریکایی بود به کابل مواصلت کردند و فردای آن که آخرین روز ماه حمل ۱۳۵۷ هـ ش بود به دفتر خدمات وزارت فواید عامه مراجعه کردیم. ضمن صحبت با مامورین مؤظف احساس کردم که از وقوع حادثه ناراحت هستند و رئیس هیأت برخلاف گذشته بسردی با من روبرو شده و گفت شما يك كاپی قرارداد را با خود گرفته امضاء کنید و فردا تشریف بیاورید و بیشتر از این نخواست صحبت کند.

بعد از این گفت و شنود مختصر وزارت را بقصد دفترم ترك گفتم. درجاده عمومی میدان هوایی يك عده بیشمارى جنازه را، با سروصدا بلند و دادن شعارها برضد دولت، مشایعت میکردند. ما کنار جاده عمومی پیاده شدیم و این صحنه را مشاهده میکردیم. نماینده امریکائی کمپنی جریان را پرسید و من حادثه کشته شدن میراکبر خیبر را که به روز ۲۶ حمل صورت گرفته بود توضیح دادم. وی پس از لحظه تأمل گفت که من یقین دارم که این قتل بوسیله همین جریان صورت گرفته تا زمینه را برای اقدامات بعدی مساعد بسازند و علاوه کرد که من وضع را وخیم می بینم و گفت که يك بار با عین جریان در ایتیوی روبرو شده و برای نجات از حادثه و فرار از کشور مدت ششماه رادریک زیرزمینی درخفا سپری کرده است. بنابر این آرزو ندارد که واقعه قبلی دوباره برایش تکرار شود و میخواهد هرچه زودتر این کشور را ترك کند. فردای آن روز هردوی شان به ایران برگشتند و قرار گذاشته شد تا هفته آینده در مرکز کمپنی فیات در تورین ایتالیا با هم ببینیم. روز بعد قرارداد امضا شده را بوزارت فواید عامه بردم، موافقه شد تا امضای مسئولین کمپنی فیات را نیز گرفته قرارداد را دوباره به وزارت برگردانم.

قرار وعده قبلی بروز پنج شنبه ۷ اپریل بشهر تورین مواصلت کرده و تلفونی با کمپنی در قاس شدم. تلفونی مرکز برایم گفت که آمرشعبه مربوط در سفر بوده و قرار است که روز دوم می دوباره بالای وظیفه حاضر شود شما میتوانید روز دوم می باوی در قاس شوید. لذا تصمیم گرفتم که این مدت انتظار را دريك گوشه آرام استراحت کنم و شام همین روز به شهرکنار دریاچه لاگو مجوری Lago Maggiore رسیدم. به تکسی ران گفتم که در این شهر نابلدم مرا به يك هتل آبرومند ببرید. بعد از چند دقیقه تاکسی مرا در مقابل يك ساختمان قدیمی پیاده کرد.

چون قبلاً اطاق ریزو نکرده بودم شخص مسئول پذیرائی هتل نسبت نداشتن اطاق خالی از من معذرت خواست و من که تمام روز را در سفر بودم به وی گفتم که من امروز از افغانستان به

اینجا آمده ام و خسته میباشم لطفاً مرا به يك هوتل دیگری معرفی کنید. بشنیدن نام افغانستان مرد مسنی (بعدش برایم معلوم شد وی مالك هوتل است) که درگوشهء مشغول بود بظرفم آمد و بالبخند بمن گفت که « سالها قبل ما از پادشاه سابق شما امان الله خان در اینجا پذیرائی کرده ایم و از وی خاطرات خوشی بیاد داریم، من امشب همان اطاق وی را به شما میدهم». اطاق وسیع و مشرف به دریاچه باتزئینات عالی خود چشمگیر و خوش آیند بود. وقتیکه تنها شدم بازیهای طبیعت و تأثیر آن بر سرنوشت انسانها مرا تا دیر وقت بخود مشغول داشت. زندگانی امیرامان الله خان که تاج و تخت رادریازی بزرگ بین امپراتوری برتانیه و وارثان روسیه تزاری از دست داد مانند صحنه های سینمایی از نظرم گذشته و دیدم که اوشبی را در همین اطاق گذرانده و سالهای بسیار به امید بازدیدن وطنش روزشماری کرده و بالاخره در همین مملکت جان سپرده است. اما روحش شاد است که در کنار پدرش در جلال آباد بخاک سپرده شده است.

بی خبر از آن که طبیعت آهستن چه سرنوشت را پیشرویم دارد به برنده رفتم. لمعان و تلالوی چراغهای شهر به روی دریاچه و رقص شان با امواج ملایم آب منظره دل انگیز را بر سطح آب ترسیم کرده بود، آنقدر زیبا که یاد آن پس از سالیان دراز هنوز در خاطر من زنده مانده است. شب راحت خوابیدم، صبح ناشتا را در بالکن و یابه گفتهء ما در « پیتو» صرف کردم، صبح زیبایی بود و از آن لذت میبردیم، غافل از اینکه این آخرین روز خوش در زندگانیم بوده، بعد از آن به اصطلاح «روی خوشی» را برای مدتهای دراز نخواهم دید.

برای ریزو جای به فرانکفورت به دفتر سیاحت نزدیک هوتل مراجعه کردم و کارمند مسافرتی با دیدن پاسپورتم بی مقدمه گفت: « خبردارید که دیروز در مملکت شما کودتا شده است؟» از اینکه مرا مات و مبهوت دید با عذر خواهی گفت که بیشتر از این چیزی نمیداند.

بدون ریزو کردن سیت با عجله به هوتل برگشته و از مالك آن در باره کودتا در افغانستان معلومات خواستم، او چیزی نشنیده بود اما وعده کرد که در روم با آژانسهای خبری تماس گرفته و نتیجه را بمن اطلاع میدهد. بعد از ظهر وی خبر کودتا را تأیید کرد. دوباره به دفتر مسافرتی رفتم و برای فردای آنروز جانب فرانکفورت جای ریزو کردم.

ساعت هفت شام در صفحهء تلویزیون عکس سردار محمد داود را دیده و خبر به شهادت رسیدن خودش و فامیلش را شنیدم.

شب مانند پرندهء بال کندهء در گوشهء اطاق نشسته بودم. همه چیز چون اشباح مزاحم و

تاریک بنظر می آمد. دیگر اثری از آن احساس لذت و خوشی در من باقی نمانده بود. فقط با پریشانی به فامیل، مردم و کشورم میاندمیشیدم.

نیدانم شب را که مانند شب یلدا سرد و طولانی بود چگونه گذشتاندم اما میدانم که خواب از من گریخته بود و من در انتظار فردا لحظه شماری میکردم.

از مالک و کارکنان هتل خداحافظی کردم رهسپار آلمان شدم. از طیاره دیدن تارک پر از برف و درخشان کوه های آلپ یاد قلل برف گیر روشن و پاک کوه های سالنگ را در من زنده کرد.

در فرانکفورت به هتل امپریال محل رهایش مسافرین خط هوایی آریانا اطاق گرفتم. جریان واقعات و وطن را از هموطنان که اکثر وحشت زده و یک تعداد هم خوش و خندان بودند شنیدم. کودتای کمونیستها در افغانستان مؤفق شده و نظام جمهوری با سردار محمد داود و اکثر اعضای فامیلش از بین رفته است.

روز بعد سرمیز ناشتا خالقیار معین وزارت مالیه جمهوری را با هیئت مشترک وزارت مالیه و دافغانستان بانک که برای اشتراک در کانفرانس بانک جهانی به امریکارفته بود دیدم. چون قبلاً با خالقیار آشنائی داشتم ضمن صحبت به وی پیشنهاد کردم که بهتر است با مأمورین عالیرتبه و شخصیتهای مهم که فعلاً در خارج کشور بسر میبرند مانند دکتر علی احمد پوپل، نور احمد اعتمادی، حمیدالله عنایت سراج و دیگران تماس گرفته و کاری بکنیم. خالقیار در حال نوشیدن چای این جمله فراموش ناشدنی را که «کاریکه باید در گذشته میشد امروز ما شاهد اكمال آن هستیم» گفته و از سرمیز برخاست. بعد ها معلوم شد که نور احمد اعتمادی چندی قبل از کودتا برای انجام وظیفه به کابل خواسته شده بود.

بعد از ظهر دوست و همکارم غلام دستگیر نوری از پاریس رسید و غمشریکی در آن وضع پیدا کردم، در صحبت با دیگران شنیدم که روز پنجشنبه هفت ثور شدت جنگها بیشتر در اطراف ارگ و لیسه استقلال بوده و اجساد کشته شدگان به روی سرکها دیده شده است.

دو پسر عبدالله و محبوب الله در لیسه استقلال و دخترم ملالی در لیسه رابعه بلخی متعلم بودند هیچ وسیله برای بدست آوردن خبری از دو پسر که در محراق جنگها قرار داشتند موجود نبود نیدانستم چگونه و از کی احوال شانرا بدست آورم؟ با پدرم محمد اسماعیل مایار که چند روز قبل از هفت ثور غرض تداوی به دهلی رفته و در منزل شوهر خواهرم محمد انور نوروز شارژدافیر سفارت افغانی اقامت داشت چندین بار تماس گرفتم متأسفانه معلومات او بیشتر

ازمن نبود، ساعات کُشنده انتظار بی‌خبری در باره افغانستان پخش نمیکرد تصمیم گرفتم خود به دهلی رفته. از نزدیک معلومات بیشتر بدست آورم. پس از مشوره با نوری از وی خواستم تا غیابت چهل و هشت ساعته مرا از فرانکفورت نزد خود محرم نگهدارد و رهسپار دهلی شدم. ساعت ۴ صبح به دهلی رسیده و به منزل خواهرم رفتم.

پدرم روی سجاده و مشغول وظیفه، بعد از نماز صبح بود. بعد مصافحه باچشمان پراشک گفت «در وطن عزیزما بیخدایان به مقابل اسلام برخاسته و میخواهد کشورمارا نابودکند». بعدش سکوت کرده و به تلاوت قرآن پاک پرداخت.

بعد از ختم وظیفه اش وصحبت باری چیزی نوی بدستم نیامد. همه غافلگیر شده بودند و کسی نمیدانست که چاره چیست. بعد مشوره توافق کردیم که هردو از دهلی و فرانکفورت به کابل برگردیم تا فامیل بی سرنوشت نماند.

ساعت ۶:۳۰ صبح حمیدالله عنایت سراج سفیر کبیر افغانستان در دهلی بدیدم آمد. من از دوران متعلمی با وی آشنائی داشتم. خانواده عنایت سراج که یکجا با امیرامان الله خان افغانستان را ترک کرد و به ایران پناهنده شده بودند در سال ۱۹۴۷ عیسوی نظر به هدایت شاه محمودخان صدراعظم وقت دوباره بوطن برگشتند و حمیدالله عنایت سراج بحیث مدیرلیسه عالی نجات مقرر شد. وی علاوه بروظیفه مدیریت لیسه ادبیات فارسی را نیز تدریس میکرد. در این دیدار در دهلی از وجناتش ناراحتی خاطر و پریشانی خوانده میشد. او نیز مانند من نمیدانست که کشورما بعد از این حادثه چه شکلی بخود خواهد گرفت ولیکن همان دم دریافتم که وی قصد بازگشتن به وطن را ندارد.

بعد از خداحافظی با سفیر با اعضای خانواده ام تنها شدم و تا قبل از بازگشت به فرانکفورت در باره هر مطلبی در رابطه با وضع کشور تبادل افکار نمودیم.

صبح روز بعدی هنگام ناشتا بعد از یک پرواز خسته کن دهلی تا فرانکفورت به هتل داخل شدم. بعد از ظهر نماینده آریانا به هتل سرزد و خبر داد که فردا طیاره آریانا به فرانکفورت مواصلت کرده و پس فردا دوباره به کابل عودت میکند، مسافرینکه میخواهند بکابل بروند آماده باشند.

طرفهای عصر وقتی از هتل خارج میشدم خالقیار را از دور دیدم که بادو دست پراز بسته های خریداری بسویم می آید. وقتیکه نزدیک شد از چهره این مامور عالی رتبه دیروزی افغانستان

کوچکترین ناراحتی دیده نشد بلکه باتبسمی اشاره به خریطه ها کرده گفت: « اولادها و دوستان انتظار سوغات رادارند» ورد شد. تعجب کردم که تاچه سرحد چنین عناصر درنقاط حساس اداره متمرکز شده اند.

عصر روز بود که مسافری از کابل به هوتل آمدند و کارکنان طیاره آریانا نسخه های روزنامه های انیس و اصلاح را بین ما تقسیم کردند و برای اولین بار چهره های منحوس کودتاچیان و حکمرانان جدید کشور عزیزمارا دیدیم.

شام روز بعد بسوی کابل پرواز کردیم و ساعت هشت صبح به وقت آنجا وارد شدیم.

در جریان این دو هفته غیابم چهره کابل تغییر کرده است. مامورین میدان هوایی با پروتهای درشت پیشآمد خشن دارند. یکی از آنها پاسپورتم را به شدت از دستم گرفت و به نفر مسئول گمرک گفت: « کالای این آغا را خوب تلاشی کو» فکرمیکنم نفرگمرک از جمله کارمندان سابق بوده و مرا می شناخت زیرا بانگاه ماتم زده بمن تفهیم کرد که چاره ندارم، من که چیزی قابل محصول نداشتم رخته های خود را بعد از زیور رو کردن آن توسط مامورگمرک دوباره به بکس انداختم و توسط تکسی بادستگیر نوری یکجا بسوی شهر روان شدیم در مسیر راه ما تانکها و وسایط زره پوش دیده میشد.

با احتیاط از تکسی ران دوباره کودتا معلومات خواستم، سردل درایور که مانند دل ما پر بود باز شده و به شرح واقعه آن روز منحوس پرداخت. مهمترین جملاتش این هابودند:

« بخت داود خان گشت اگر نه طرفای چاشت ایطومالوم میشد که کودتاچیان شکست میخورن. اما یک دغه چند تا طیاره روسی که ده دنبش ستاره سرخ چاپ بود پیدا شدن و سر ارگ بم اندازی ره شروع کدن بیادرجان ده دنیا ماثر بریا شد و بیچاره داود خان و خانوادیشه قتل عام کدن، همه شان شهید شدن. خدا ببخششان».

نوری را بخانه اش رسانیدم و خود به خانه رفتم. بفضل خداوند همه جور وسالم بودند. بعد از ظهر به دفترم (حفیظ لمیتد) رفتم. قرار رابور آمر محاسبه بانک ملی چک بیشتر از ده هزار افغانی را اجرا نمی کند وهم اینکه حکومت دارائی اسعاری و افغانی مؤسسه را که نزدیک به شش ملیون افغانی بود قید کرده و مؤسسه اجازه نداشت نظر به ضرورت خود از آن استفاده کند. (در این ایام یک دالر به ۴۷ افغانی تبادل می شد.)

بعد از چند روز دیده شد که در شرایط مختنق موجود دوام زندگی درینجا ممکن نبوده و باید

چاره دیگری سنجیده شود. بانوری مشوره کردم و هر دو فیصله کردیم تا وطن را ترك کنیم. بالاخره روز بیست هفتم ماه رمضان از پدرم خدا حافظی کردم، اما جرئت نکردم به مادرم چیزی بگویم، در حالیکه قدری دورتر ایستاده بودم گفتم برای خدا حافظی آمده ام ما روزهای عید را برای تفریح به بامیان میرویم. مادرم پرسید که چرا برای افطار نمی مانم؟ بهانه ای آوردم و برای آخرین بار سیمای زیبای لطف آمیز و مهربانش را از پس پرده اشک دیده، دور شدم. این آخرین دیدار مابود و شرایط مسلط بر افغانستان طوری بود که در مراسم خاک سپاریش اشتراک نکنم.

نزدیک ساعت هشت شب عزیزالله برادرم باکسیکه ترتیب بیرون کشیدن فامیل را بدوش گرفته بود با دروور موتر نزد آمد. عزیز که امروز درجهان نیست و در پشاور دفن است تنها کسی از جمله برادران بود که از سفرم خبر داشت. من نمیخواستم همه را اطلاع دهم تا مبادا در آینده با مشکلات مواجه شوند. عزیز ترتیب سفر را گفته بود و قرار گذاشته شد که فردا همسروسه طقم را به ایستگاه سرویس برساند. در اینجا میخواهم از مردانه صفتی دوست عزیزم داود مرید (پسر مرحوم محمد مرید خان سابق وزیرمخابرات) سپاسگذاری کنم که با قبول مسئولیت بزرگ پاسپورت تجارتی از دفترش در وزارت تجارت برای همسرم تهیه کرد تا سفرش را امکان پذیر سازد.

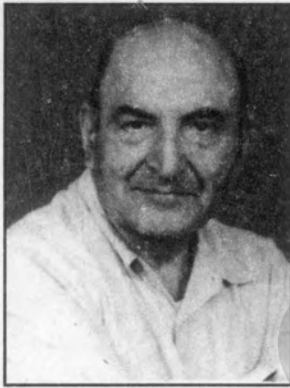
ساعت پنج صبح روز نهم سنبله همسرم مرا زیر قرآن پاک گذشتاند، تنها سواری موتر جانب پشاور حرکت کردم. بعد از توقف های اجباری تفتیش موتر و کنترل پاسپورت ساعت ده صبح به جلال آباد رسیدم. هوای جلال آباد خوشگوار، آسمانش لاجوردین، فضایش معطر و بی نهایت زیبا بود. اما بیرق کریمه سرخ خلقی ها سراسر بازار را گرفته بود و نشانی از یادگارهای گذشته دیده نمی شد. بایک دنیای تأثر و ناراحتی از جلال آباد بیرون شده و به ساعت دوازده ظهر افغانستان عزیز کعبه آمال و آرزوهایم را ترك کردم.

در خاک پاکستان بانتظار همسر و فرزندانم دقیقه شماری میکردم. همسرم طوریکه گفته آمد پاسپورت داشت اما فرزندانم باید به رهنمائی يك نفر مرد بیگانه بدون پاسپورت از کشور خارج شوند. از دور در خط مرزی موتر حامل شان را دیدم اما سرویس مدت درازی در آنجا متوقف ماند. یکی از مردان منطقه راپول دادم و خواهش کردم که برایم دلیل توقف طولانی سرویس را معلوم کند. وی بعد از مدتی آمده گفت که پاسپورت کدام شخص جنجال پیدا کرده است. این

احوال مرا بیشتر پریشان کرد اما چاره نبود باید انتظار می کشیدم. بالاخره بعد از دو ساعت معطلی سرویس به حرکت درآمد و چند دقیقه بعد در برابر شعبهٔ پولیس پاکستان توقف کرد. باورنیکردم که همسر و سه طفلم از سرویس پیاده شدند.

بعد از يك ماه اقامت درپاکستان برای اطفالم پاسپورت جعلی ترتیب کرده و به آلمان، که در آن ایام اتباع افغانی به ویژه ضرورت نداشتند، پناهنده شدم. وقتی خاطر از جانب فامیل آسوده شد فکر و حواسم متوجه وطن و مردم بیشتر شده برای یافتن راه نجات شان از سیطره شوروی و عمال آن مصروف گردیدم.

در هجرت زندگانیم مانند هزاران هموطن دیگر از مدیریت به پی ریزی پلان مقاومت و یافتن يك مغز سالم جهت بیرون رفت از تنگنای اسارت شوروی تغییر مسیر داد. این تقلا و جستجو، این تلاش و پیگیری جهت بدست آوردن يك راه نجات وطن و وطندارانم از پنجهٔ ظلم و الحاد شوروی در لابلای دیگر مطالب این مجموعه گنجانیده شده است.



مختصر سوانح مؤلف:

اسم : احسان الله مايار
متولد : اندرابی - شهر کابل، افغانستان
تاریخ تولد : ۲۷ دلو ۱۳۱۱ (۱۶ - ۲ - ۱۹۳۳)
ازدواج : با حفیظه شنسب (سپتامبر ۱۹۶۰)، دارنده دو پسر، یک دختر و چهار نواسه

۱۹۵۱: فراغت : از لیسه عالی نجات
۱۹۵۳ - ۱۹۵۹ تحصیلات عالی در رشته انجنیری ماشین در آلمان غرب و فرانسه

سوابق اداری:

۱۹۶۰ - ۱۹۶۲ مدیر عمومی تخنیک وزارت معادن و صنایع
۱۹۶۳ - ۱۹۶۵ معاون تخنیک ساختمانی شرکت میوه قندهار و پشمینه بافی قندهار

۱۹۶۶-۱۹۶۹ رئیس فابریکه پشمینه بافی کابل

۱۹۷۰ - ۱۹۷۱ رئیس بورد متخصصین وزارت معادن و صنایع، نماینده دولت در پروژه های

شمال افغانستان (تفحصات بطرول، فابریکات کود و برق شبرغان، فابریکات سمنت و برق

غوری، فابریکه نساجی مزار شریف) و همچنان فابریکات نساجی بگرامی، و میوه قندهار

۱۹۷۱ - ۱۹۷۳ رئیس برق کابل (کودتای سردار محمد داود)، و سوق به تقاعد

۱۹۷۳ - ۱۹۷۸ احداث دفتر تخریکی و تجارتي (حفیظ لیمیند) تا کودتای کمونیستها

سپتامبر ۱۹۷۸ مهاجرت با فامیل به آلمان غرب و سال ۱۹۹۶ مهاجرت در ایالت تکساس امریکا.

در مورد فعالیت‌های سیاسی و چگونگی وضع زندگیم در چوکات مقاومت ملت افغان، بعد از

مهاجرت به آلمان و امروز در امریکا و سپری کردن اوقات مختلف در پاکستان از لابلای تالیف

دست داشته تان "قیام ملت افغان"، معلومات حاصل شده می تواند.



B
4.3841
MAY
13123

ACKLU

اداره نشراتی ترجمه و تحقیق القلم، پشاور

تیلیفون: 5700184